

مائو تسه دون

منتخب آثار

جلد چهارم

اداره نشریات زبانهای خارجی

پکن ۱۹۷۵

پروژه‌های سراسر جهان متحد شوید !

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

چاپ اول ۱۹۷۳

چاپ دوم ۱۹۷۵

ترجمه فارسی جلد چهارم «منتخب آثار مائو تسه دون»
منطبق است با چاپ چینی جلد چهارم «منتخب آثار مائو
تسه دون» که از طرف اداره نشریات «مردم» در سپتامبر
سال ۱۹۶۰ در پکن منتشر شده است. در یادداشتها
بنا باقتضای چاپ زبان خارجی اصلاحاتی بعمل آمده است.

طبع و نشر جمهوری توده‌ای چین

فهرست

دوره سومین جنگ انقلابی داخلی

وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی

- ۱۳ (۱۳ اوت ۱۹۴۵)
۳۷ چانگایشک جنگ داخلی بر میانگیزد (۱۳ اوت ۱۹۴۵)
۴۵ دو تلگراف سرفرمانده ارتش هجدهم به چانگایشک (اوت ۱۹۴۵)
۵۷ درباره اظهاریه سخنگوی چانگایشک (۱۶ اوت ۱۹۴۵)
درباره مذاکرات صلح با گومیندان - اطلاعیه کمیته مرکزی
۶۵ حزب کمونیست چین (۲۶ اوت ۱۹۴۵)
۷۳ درباره مذاکرات چون چینگ (۱۷ اکتبر ۱۹۴۵)
۹۱ حقایق درباره حملات گومیندان (۵ نوامبر ۱۹۴۵)
تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید - دو وظیفه مهم برای دفاع از
مناطق آزاد شده (۷ نوامبر ۱۹۴۵)
۹۹ مستگیری کار ما در سال ۱۹۴۶ در مناطق آزاد شده
(۱۵ دسامبر ۱۹۴۵)
۱۰۳ پایگاههای محکم در شمال شرقی برپا کنیم (۲۸ دسامبر ۱۹۴۵)
۱۱۱ چند ارزیابی از وضع بین‌المللی کنونی (آوریل ۱۹۴۶)
۱۱۹

تعرض چانكاشك را با جنگ دفاع از خود درهم بشكنيم

۱۲۳ (۲۰ ژوئيه ۱۹۴۶)

۱۳۵ مصاحبه با خبرنگار آمريکائی انا لوييز استرانگ (اوت ۱۹۴۶)

تمرکز نيروهای برتر برای نابودی يکايک نيروهای دشمن

۱۴۵ (۱۶ سپتامبر ۱۹۴۶)

حقایقی درباره " وساطت " آمريکا و آینده جنگ داخلی چين

۱۵۳ (۲۹ سپتامبر ۱۹۴۶)

۱۵۹ تراژنامه سه ماهه (۱ اکتبر ۱۹۴۶)

۱۶۹ درود بر اعتلاء نوين انقلاب چين (۱ فوریه ۱۹۴۷)

درباره ترك مولت بن آن و دفاع از منطقه مرزی شنسی - گان سو -

نين سيا - دو سند از کمیته مرکزی حزب کمونیست چين

۱۸۳ (نوامبر ۱۹۴۶ و آوریل ۱۹۴۷)

رهنمودهایی برای عملیات در صحنه جنگ شمال غربی

۱۸۹ (۱۵ آوریل ۱۹۴۷)

۱۹۳ دولت چانكاشك در محاصره تمام خلق است (۳۰ مه ۱۹۴۷)

۲۰۱ استراتژی سال دوم جنگ آزادیبخش (۱ سپتامبر ۱۹۴۷)

۲۱۳ مانيفست ارتش آزادیبخش توده‌ای چين (اکتبر ۱۹۴۷)

درباره انتشار مجدد سه اصل بزرگ انضباطی و هشت ماده

مقرراتی - دستور متاد کل ارتش آزادیبخش توده‌ای چين

۲۲۳ (۱۰ اکتبر ۱۹۴۷)

۲۲۷ اوضاع کنونی و وظایف ما (۲۵ دسامبر ۱۹۴۷)

۲۵۹ درباره برقراری سیستم گزارش دهی (۷ ژانويه ۱۹۴۸)

۲۶۵ درباره بعضی مسائل مهم سیاست کنونی حزب (۱۸ ژانويه ۱۹۴۸)

۲۷۹ جنبش دموکراتیک در ارتش (۳۰ ژانويه ۱۹۴۸)

- تاکتیکهای مختلف برای اجرای قانون ارضی در مناطق مختلف
 (۲ فوریه ۱۹۴۸)
 ۲۸۳ رفع اشتباهات انحراف آمیز " چپ " در زمینه تبلیغ برای اصلاحات
 ارضی (۱۱ فوریه ۱۹۴۸)
 ۲۸۷ نکات اساسی اصلاحات ارضی در مناطق آزاد شده جدید
 (۱۵ فوریه ۱۹۴۸)
 ۲۹۱ درباره سیاست در زمینه صنعت و بازرگانی (۲۷ فوریه ۱۹۴۸)
 ۲۹۵ درباره مسئله بورژوازی ملی و متنفذین روشن بین (۱ مارس ۱۹۴۸)
 ۲۹۹ درباره پیروزی بزرگ در شمال غربی و جنبش طراز نوهن برای
 تربیت ایدئولوژیک در ارتش آزادیبخش (۷ مارس ۱۹۴۸)
 ۳۰۵ بخشنامه درباره وضع حاضر (۲۰ مارس ۱۹۴۸)
 ۳۱۷ سخنرانی در کنفرانس کادرهای منطقه آزاد شده شان سی -
 سوی یوان (۱ آوریل ۱۹۴۸)
 ۳۳۱ گفتگو با هیئت تحریریه روزنامه « جین سوی ژیبائو »
 (۲ آوریل ۱۹۴۸)
 ۳۵۳ تلگراف به فرماندهی جبهه لوه یان پس از بازگرفتن آن شهر
 (۸ آوریل ۱۹۴۸)
 ۳۶۱ مسائل تاکتیکی کار در ده در مناطق آزاد شده جدید
 (۲۴ مه ۱۹۴۸)
 ۳۶۵ کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در ۱۹۴۸ (۲۵ مه ۱۹۴۸)
 ۳۶۷ رهنمودهایی برای عملیات اهراتیو لیائو سی - شن یان
 (سپتامبر و اکتبر ۱۹۴۸)
 ۳۷۹ درباره تقویت سیستم کمیته حزبی (۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸)
 ۳۸۹ بخشنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره جلسه سپتامبر
 (۱۰ اکتبر ۱۹۴۸)
 ۳۹۳

- ۴۰۷ رهنمودهائی برای عملیات اپراتیو حوای های (۱۱ اکتبر ۱۹۴۸)
نیروهای انقلابی سراسر جهان متحد شوید و برضد تجاوز
- ۴۱۳ امپریالیستی مبارزه کنید (نوامبر ۱۹۴۸)
- ۴۱۹ تغییر عظیم در وضعیت نظامی چین (۱۴ نوامبر ۱۹۴۸)
رهنمودهائی برای عملیات اپراتیو بی بین - تیانزین
- ۴۲۳ (۱۱ دسامبر ۱۹۴۸)
پیام به دو یومین و دیگران در دعوت آنها به تسلیم
- ۴۳۱ (۱۷ دسامبر ۱۹۴۸)
- ۴۳۵ انقلاب را بسرانجام برسانیم (۳۰ دسامبر ۱۹۴۸)
- ۴۴۹ درباره تقاضای صلح از طرف جنایتکار جنگ (۵ ژانویه ۱۹۴۹)
اظهاریه صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مائو تسه دون
- ۴۵۷ درباره وضع حاضر (۱۴ ژانویه ۱۹۴۹)
تفسیر سخنگوی حزب کمونیست چین درباره قطعنامه شورای
- ۴۶۵ اجرائی فانکن (۲۱ ژانویه ۱۹۴۹)
فرمان بدولت ارتجاعی گومیندان برای دستگیری مجدد یاسوژی
اکامورا فرمانده کل سابق نیروهای تجاوزکار ژاپن در چین
و دستگیری جنایتکاران جنگ داخلی از گومیندان - اظهاریه
- ۴۶۹ سخنگوی حزب کمونیست چین (۲۸ ژانویه ۱۹۴۹)
اظهاریه سخنگوی حزب کمونیست چین درباره اینکه مجازات
ژاپنی‌های جنایتکار جنگ و گومیندانی‌های جنایتکار جنگ
ضرورتاً باید در جزو شرایط صلح گنجانیده شود
- ۴۸۱ (۵ فوریه ۱۹۴۹)
- ۴۸۷ ارتش را به واحد کار مبدل کنید (۸ فوریه ۱۹۴۹)
چرا مرتجعان که در پراکندگی کامل افتاده‌اند هنوز پیسوده

- برای "صلح همگانی" جنجال میکنند ؟ (۱۵ فوریه ۱۹۴۹) ۴۹۳
- مرتجعان گومیندان از "دعوت بصلح" بدعوت به جنگ روی آورده‌اند (۱۶ فوریه ۱۹۴۹) ۵۰۱
- تفسیری درباره پاسخ‌های گوناگون گومیندان به مسئله مسئولیت جنگ (۱۸ فوریه ۱۹۴۹) ۵۰۵
- گزارش به دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین (۵ مارس ۱۹۴۹) ۵۱۹
- شیوه‌های کار کمیته‌های حزبی (۱۳ مارس ۱۹۴۹) ۵۴۳
- دولت نانکن بکجا میرود ؟ (۴ آوریل ۱۹۴۹) ۵۵۳
- فرمان به ارتش برای پیشروی عمومی در سراسر کشور (۲۱ آوریل ۱۹۴۹) ۵۵۹
- اعلان ارتش آزادیبخش توده‌ای چین (۲۵ آوریل ۱۹۴۹) ۵۷۵
- اظهاریه سخنگوی ستاد کل ارتش آزادیبخش توده‌ای چین درباره اعمال متعدیانه کشتی‌های جنگی انگلستان (۳۰ آوریل ۱۹۴۹) ۵۸۱
- سخنرانی در جلسه کمیته تدارك کنفرانس سیاسی مشورتی جدید (۱۵ ژوئن ۱۹۴۹) ۵۸۷
- درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق (۳۰ ژوئن ۱۹۴۹) ۵۹۵
- پندارهای واهی خود را بدور افکنید و برای مبارزه آماده باشید (۱۴ اوت ۱۹۴۹) ۶۱۷
- سفر بخیر ، لیتون استوارت ! (۱۸ اوت ۱۹۴۹) ۶۲۹
- چرا باید کتاب سفید را مورد بحث قرار داد (۲۸ اوت ۱۹۴۹) ۶۴۳
- "دوستی" یا تجاوز ؟ (۳۰ اوت ۱۹۴۹) ۶۵۱
- ورشکستگی درك ایده‌آلیستی تاریخ (۱۶ سپتامبر ۱۹۴۹) ۶۵۷

www.KetabFarsi.com

دوره سومین جنگ انقلابی داخلی

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی

(۱۳ اوت ۱۹۴۵)

در این روزها در وضع خاور دور تغییرات فاحشی در شرف وقوع است . تسلیم امپریالیسم ژاپن اکنون امری مسلم شده است . عامل قطعی تسلیم ژاپن ، ورود اتحاد شوروی در جنگ است . يك میلیون از جنگجویان ارتش سرخ به شمال شرقی چین سرازیر شده‌اند ؛ هیچ نیروئی را در برابر این قدرت یارای مقاومت نیست . امپریالیسم ژاپن دیگر نمیتواند به نبرد ادامه دهد (۱) . خلق چین در جنگ مقاومت دشوار و سخت خود قرین پیروزی گردیده است . جنگ مقاومت ضد ژاپنی بمثابة يك مرحله تاریخی اکنون پایان رسیده است . اینک بیینیم در چنین اوضاع و احوالی مناسبات میان طبقات مختلف چین ،

این سخنرانی از طرف رفیق مائو تسه دون در جلسه‌ای از کادرها در پین ان ایراد شده است . این سخنرانی ، بر اساس اسلوب مارکسیستی - لنینیستی تحلیل طبقاتی ، بررسی عمیقی از اوضاع اساسی سیاسی چین پس از پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی بدست میدهد و تاکتیکهای انقلابی پرولتاریا را تشریح میکند .

مناسبات میان گومیندان و حزب کمونیست چگونه است ؟ و در آینده چگونه خواهد شد ؟ و سیاست حزب ما چیست ؟ اینها مسائلی هستند که توجه قاطبه مردم کشور و تمام اعضای حزب ما را بشدت بسوی خود جلب کرده اند . گومیندان در چه حالی است ؟ اگر بگذشته آن نگاه کنید ، وضع کنونی آن بر شما معلوم خواهد شد ؛ و اگر بگذشته و حال آن نگاه کنید ، آینده آن بر شما معلوم خواهد شد . این حزب در گذشته مدت ده سال تمام به جنگ داخلی ضد انقلابی دست زد و در جریان جنگ مقاومت ضد ژاپنی در سالهای ۱۹۴۰ ، ۱۹۴۱ و ۱۹۴۳ سه پیکار ضد کمونیستی (۲) دامنه دار براه انداخت و هر بار تلاش نمود تا آنرا بیک جنگ داخلی در مقیاس ملی گسترش دهد . فقط در سایه سیاست صحیح حزب ما و مقاومت خلق در سراسر کشور بود که این تلاشها با شکست مواجه گردیدند . همه میدانند که چانکایشک نماینده سیاسی مالکان بزرگ

همانطور که رفیق مائو تسه دون در آوریل سال ۱۹۴۵ طی نطق افتتاحیه خویش در هفتمین کنگره حزب کمونیست چین خاطر نشان ساخت ، چین پس از شکست امپریالیسم ژاپن پیوسته در برابر دو سرنوشت و دو دورنما قرار گرفته بود : آیا باید بیک چین نوین تبدیل گردد و یا بصورت چین کهنه باقی بماند . مالکان بزرگ ارضی و بورژوازی بزرگ چین که چانکایشک نماینده آنها بود ، میخواستند ثمرات پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی را از دست خلق ببرایند و چین را در همان حالت کشور نیمه مستعمره و نیمه فئودالی و تحت سلطه دیکتاتوری خود نگاهدارند . حزب کمونیست چین ، نماینده منافع پرولتاریا و توده های وسیع مردم ، از یکسو با تمام قوا بخاطر صلح و علیه جنگ داخلی مبارزه میکرد و از سوی دیگر میبایست خود را بطور کامل آماده سازد تا با دسایس ضد انقلابی چانکایشک که قصد براه انداختن جنگ داخلی در مقیاس ملی را داشت ، بمقابله پردازد ، میبایست سیاست صحیحی اتخاذ کند یعنی در مورد امپریالیسم و ارتجاع هیچگونه پندار واهی بخود

ارضی و بورژوازی بزرگ چین ، فرد بی‌نهایت سفاک و نیرنگبازی است . سیاست او این بوده‌است که دست روی دست بگذارد و بعنوان ناظر در انتظار پیروزی بماند ، قوای خود را حفظ کند و جنگ داخلی را تدارك ببیند . آن پیروزی‌ایکه او در انتظارش بود ، در واقع فرا رسیده است و اکنون این " ژنرال‌سیم" خود را آماده میکند که " از کوه پائین بیاید " (۳) . در این هشت سال اخیر ، ما جایمانرا با چانکایشك عوض کرده‌ایم - در گذشته ما بالای کوه بودیم و او در کنار آب (۴) ، در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی ما در پشت خطوط دشمن بودیم ولی او به کوهستان پناه برده بود . اکنون او از کوه فرود میاید ، فرود میاید تا ثمرات پیروزی جنگ مقاومت را تصاحب کند .

در طول هشت سال اخیر ، خلق و ارتش مناطق آزاد شده ما بدون هیچگونه کمکی از خارج تنها با تکیه بر نیروی خویش سرزمینهای

راه ندهد ، از تهدیدات آنها نهراسد ، با قاطعیت از ثمرات مبارزه خلق دفاع کند و بکوشد چین نوینی را بنا گذارد ، یک چین دموکراتیک نوین ، چین توده‌های وسیع مردم در زیر رهبری پرولتاریا . مبارزه قاطع میان دو سرنوشت ، میان دو دورنمای آینده که در برابر چین گشوده شده بود ، محتوی آن دوران تاریخی است که از پایان جنگ مقاومت ضد ژاپنی تا تأسیس جمهوری توده‌ای چین کشیده میشود ، یعنی دوران جنگ آزادیبخش خلق چین یا سومین جنگ داخلی انقلابی . پس از جنگ مقاومت ضد ژاپنی چانکایشك با کمک امپریالیسم آمریکا بارها موافقتنامه‌های صلح را زیر پا نهاد و جنگ داخلی ضد انقلابی را بمنظور درهم شکستن نیروهای خلق با وسعت و دامنه بیسابقه‌ای براه انداخت . در سایه رهبری صحیح حزب کمونیست چین ، خلق چین تنها پس از چهار سال مبارزه به پیروزی بزرگی در مقیاس ملی دست یافت ، یعنی چانکایشك را در هم شکست و چین نوین را بنا نهاد .

وسیعی از کشور را آزاد کردند ، در برابر بخش اعظم نیروهای مهاجم ژاپنی و همچنین در برابر تقریباً تمام مهاجمان پوشالی مقاومت نمودند و بر آنها ضربه زدند . در سایه مقاومت مصممانه و مبارزه قهرمانانه ما بود که دویست میلیون نفر سکنه پشت جبهه بزرگ (۵) توانستند از پایمال شدن زیر چکمه های اشغالگران ژاپنی مصون بمانند و بدینجهت بود که مناطق مسکونی این دویست میلیون نفر از اشغال متجاوزین ژاپنی محفوظ ماند . چانکایشک در پناه پاسدارانی که او را حفظ و حراست میکردند ، در کوه " اه می " پنهان شده بود — این پاسداران عبارت بودند از مناطق آزاد شده ، خلق و ارتش مناطق آزاد شده . ما در حالیکه از دویست میلیون سکنه پشت جبهه بزرگ دفاع میکردیم ، این " ژنرالسیم " را هم در کنف حمایت خویش گرفتیم و باو وقت و جا دادیم تا بعنوان ناظر دست روی دست بگذارد و در انتظار پیروزی بماند .

وقت : هشت سال و یک ماه ؛ جا : یک منطقه مسکونی با جمعیتی برابر دویست میلیون نفر . این شرایط را ما برای او فراهم آوردیم . بدون ما ، او نمیتوانست در آنجا مثل یک ناظر باقی بماند . بسیار خوب ، اما آیا این " ژنرالسیم " از ما سپاسگزار است ؟ ابدآ ! این موجود اصلاً نمیداند معنی سپاسگزاری چیست . چانکایشک چگونه توانست بر مسند قدرت تکیه زند ؟ در سایه لشگرکشی به شمال ، در سایه نخستین همکاری میان گومیندان و حزب کمونیست ، در سایه پشتیبانی خلق که هنوز سیمای واقعی او را نشناخته بود . چانکایشک پس از رسیدن بقدرت بجای آنکه از خلق سپاسگزار باشد ، خلق را با یک مشت بر زمین افکند و در ورطه خونین جنگ داخلی ده ساله غوطه ور ساخت . رفقا ! شما این صحنه تاریخ را بخوبی میشناسید . خلق چین یکبار دیگر در این جنگ

مقاومت ضد ژاپنی چانکایشک را حفظ کرد . اکنون جنگ با پیروزی پایان رسیده و ژاپن در شرف تسلیم شدن است ، اما چانکایشک نه اینکه اصلاً از خلق سپاسگزار نیست ، بلکه برعکس صفحات کهنه تاریخ ۱۹۲۷ را ورق میزند و میخواهد طبق همان شیوه‌های سابق عمل کند . او بر آنست که در چین هرگز " جنگ داخلی " وجود نداشته ، بلکه فقط " سرکوب راهزنان " بوقوع پیوسته است ؛ در هر صورت هر ناسی که بگذارد ، او میخواهد جنگ داخلی را علیه خلق براه اندازد ، او میخواهد خلق را قتل عام کند .

تا زمانی که جنگ داخلی در سراسر کشور درگیر نشده ، بسیاری از مردم و بسیاری از رفقای حزبی ما درك روشنی از این مسئله پیدا نخواهند کرد . از آنجا که جنگ داخلی هنوز در مقیاس وسیعی گسترش نیافته ، و از آنجا که این جنگ هنوز خصلت جنگ عمومی یا جنگ آشکار بخود نگرفته و تعداد نبردها هم هنوز فراوان نیست ، بسیاری اینطور فکر میکنند که " با این حال شاید جنگ داخلی اصلاً پیش نیاید ! " بسیاری دیگر از جنگ داخلی وحشت دارند ؛ این وحشت بی پایه نیست ، زیرا جنگ داخلی ده سال و پس از آن جنگ مقاومت هشت سال ادامه داشت . اگر نبرد باز ادامه یابد ، ما را بکجا خواهد کشانید ؟ کاملاً طبیعی است که چنین بیمهائی پیدا میشود . در مورد دسیسه‌های چانکایشک برای براه انداختن جنگ داخلی ، سیاست حزب ما پیوسته روشن و ثابت بوده است : مقابله مصممانه با جنگ داخلی ، مخالفت با جنگ داخلی ، جلوگیری از جنگ داخلی . در آینده نیز ما باید با تمام قوا و با بردباری فراوان خلق را در کوششهایش برای جلوگیری از جنگ داخلی راهنمایی کنیم . معذلك باید کاملاً آگاه بود که خطر جنگ داخلی فوق العاده

شدید است ، زیرا که سیاست چانکایشك از هم اکنون محرز شده است . سیاست چانکایشك ، جنگ داخلی است . سیاست ما ، سیاست خلق ، مخالف جنگ داخلی است . مخالفان جنگ داخلی فقط حزب کمونیست چین و خلق چین را دربر میگیرند . افسوس که چانکایشك و گومیندان در عداد آنها نیستند ! در اینجا یکی از دو طرف نمیخواهد بجنگد و طرف دیگر میخواهد . اگر هر دو طرف نمیخواستند ، جنگ در نمیگرفت . اما اینک از آنجا که فقط یکی از دو طرف مخالف جنگ است و این طرف هنوز باندازه کافی نیرومند نیست که جلوی طرف دیگر را بگیرد ، لذا خطر جنگ داخلی فوق العاده شدید است .

این نکته را که چانکایشك در سیاست ارتجاعی دیکتاتوری و جنگ داخلی خود لجاج میورزد ، حزب ما در موقع خود نشان داده است . پیش از هفتمین کنگره حزب و در جریان این کنگره و پس از آن ما باندازه کافی کوشیدیم توجه خلق را به خطر جنگ داخلی جلب کنیم تا آنکه تمام خلق ، اعضای حزب ما و ارتش ما قبلاً از لحاظ روانی برای مقابله با آن آماده باشند . این نکته بسیار مهمی است ، میان داشتن چنین آمادگی و نداشتن آن تفاوت بزرگی موجود است . در سال ۱۹۲۷ که حزب ما هنوز دوران کودکی را میپیمود ، از لحاظ روانی برای مقابله با حمله ضد انقلابیایکه چانکایشك ناگهان آغاز کرده بود ، بهیچوجه آمادگی نداشت . از اینرو ثمرات پیروزی‌هائی که خلق بکف آورده بود ، بزودی از دست رفت ، خلق مجبور شد به مشقات طولانی تن در دهد و چین تابناك در اعماق تاریکی‌ها فرو رفت . این بار وضع تغییر کرده است : حزب ما تجارب فراوانی از سه انقلاب بدست آورده و بدرجه بمراتب عالی‌تری از پختگی سیاسی رسیده است . کمیته مرکزی حزب

بارها خطر جنگ داخلی را نشان داده است تا تمام خلق ، تمام رفقای حزبی و ارتش تحت رهبری حزب در حالت آماده باش قرار گیرند .

چانکایشك پیوسته در تلاش است تا هر جو قدرت و هر جو دستاورد خلق را بزور از او برباید . و ما ؟ سیاست ما اینست که هر ضربه را با ضربه متقابل پاسخ دهیم و برای هر وجب زمین بجنگیم . ما هم بشیوه او عمل میکنیم . او همیشه سعی میکند با يك شمشیر در دست چپ و يك شمشیر در دست راست جنگ را بخلق تحمیل کند . ما نیز چون او دست به شمشیر میبریم . فقط در نتیجه تحقیق و تجسس است که ما این راه را پیدا کردیم . اینگونه تحقیقات و تجسسات بسیار با اهمیت اند .

وقتیکه ما می بینیم حریف چیزی در دست دارد ، باید به تحقیق پردازیم . او چه در دست دارد ؟ شمشیر . شمشیر برای چیست ؟ برای کشتن است . با این شمشیر چه کسی را میخواهد بقتل رساند ؟ خلق را .

وقتیکه شما تمام این مسایل را روشن ساختید ، تحقیق تانرا بیشتر برانید — خلق چین نیز دست دارد و میتواند شمشیر بندست گیرد ، و در صورتیکه شمشیری در اختیارش نباشد ، میتواند آنرا بسازد . خلق چین این حقیقت را پس از تحقیقات و تجسسات طولانی دریافته است . دیکتاتورهای نظامی ، مالکان ارضی ، مستبدین محلی و متنفذین شریر و امپریالیستها — همگی شمشیر در دست دارند و آماده کشتن اند . خلق این اسر را دریافته و بنابر این بهمین شیوه عمل میکند . بعضی ها از میان ما غالباً باینگونه تحقیق و تجسس توجه نمیکنند . مثلاً چن دوسیو درك نمیکرد که وقتی کسی شمشیری در دست دارد ، میتواند آدم بکشد . بعضی ها خواهند گفت : این يك حقیقت عام است ، چگونه يك رهبر حزب کمونیست نتوانسته باین حقیقت آگاهی یابد ؟ اما مشکل بتوان چنین گفت . چن دوسیو که در مقام

تحقیق و تجسس برنیامد ، این حقیقت را درك نکرد و لذا ما او را اپورتونیست نامیدیم . کسیکه به تحقیق و تجسس نپردازد ، حق سخن ندارد و بدین لحاظ بود که ما چن دوسیو را از این حق محروم کردیم . ما راهی غیر از راه چن دوسیو برگزیدیم و بقسمی عمل کردیم که خلقی که در معرض ستم و کشتار است ، شمشیر بدست گیرد . هر که کسی بازهم در صدد کشتن ما باشد ، ما بشیوه او عمل خواهیم کرد . هنوز دیری نگذشته بود که گومیندان برای حمله به منطقه گوان جون شش لشکر گسیل داشت . سه لشکر از آنها بآن منطقه نفوذ نمودند و مساحتی را بعرض یکصد لی و بطول بیست لی اشغال کردند . ما هم بشیوه آنها عمل کردیم و آنها را بطور کامل و تام و تمام بر روی این مساحت صد لی در بیست لی نابود ساختیم (۶) . سیامت ما اینستکه هر ضربه را با ضربه متقابل پاسخ دهیم و برای هر وجب زمین بجنگیم . ما هرگز نمیگذاریم که گومیندان باسانی زمین های ما را اشغال کند و مردم ما را بدله خواه خود از دم تیغ بگذرانند . واضح است که جنگیدن برای هر وجب زمین بمعنی قبول مشی "چپ روانه" سابق "از دست ندادن حتی يك وجب از منطقه پایگاهی" نیست . این بار ما مساحتی بمقیاس صد لی در بیست لی از دست دادیم . اما این مساحت را که ما در اواخر ژوئیه از دست دادیم ، در آغاز اوت دوباره پس گرفتیم . پس از حادثه ان هوی جنوبی روزی افسر ستادی که گومیندان برای ارتباط فرستاده بود ، از من پرسید که چه میخواهیم بکنیم . من جواب دادم : "شما همیشه درین ان هستید و هنوز نمیدانید ؟ اگر 'حه' بما حمله کند ، ما هم باو حمله میکنیم ؛ اگر 'حه' متوقف شود ، ما هم متوقف میشویم ." (۷) در آنزمان نام چانکایشک

برده نشد ، فقط از نام حه بین چینگ سخن بمیان آمد . امروز ما میگوئیم :
 ” اگر ’چان’ بما حمله کند ، ما هم باو حمله میکنیم ؛ اگر ’چان’
 متوقف شود ، ما هم متوقف میشویم . “ ما بشیوه او عمل خواهیم
 کرد و چون چانکایشك اکنون شمشیر خود را تیز میکند ، ما هم باید
 شمشیرمانرا تیز کنیم .

حقوقی را که خلق بچنگ آورده ، هرگز نباید مفت و مجانی از
 دست داد ، بلکه باید با نبرد از آنها دفاع نمود . ما جنگ داخلی
 نمیخواهیم ، معذلك هرگاه چانکایشك در تحمیل آن به خلق چین مطلقاً
 اصرار ورزد ، ما مجبور میشویم سلاح بدست بگیریم و با آن به مبارزه
 برخیزیم ، تا آنکه از خود دفاع کنیم ، تا آنکه زندگی ، اسوال ، حقوق
 و سعادت مردم مناطق آزاد شده را حفظ و حراست نمائیم . این جنگی
 داخلی خواهد بود که او بما تحمیل میکند . اگر ما در این جنگ پیروز
 نشویم ، نه تقصیر آسمان است و نه زمین ، بلکه فقط تقصیر خود ماست .
 معذلك هیچکس قادر نیست حقوقی را که خلق بچنگ آورده به آسانی از
 او برباید یا آنها را با فریب و نیرنگ از او بستاند . سال گذشته يك
 روزنامه نگار آمریکائی از من پرسید : ” چه کسی بشما قدرت عمل داده
 است ؟ “ من باو جواب دادم : ” خلق . “ چه کس دیگری غیر از
 خلق ؟ گویندگان که برمسند قدرت نشسته ، آنها بما تفویض نکرده است ،
 او ما را برسمیت نمیشناسد . بطوریکه در نظامنامه شورای سیاسی ملی
 تصریح شده است ، ما در آن بعنوان يك ” سازمان فرهنگی “ (۸)
 شرکت میجوئیم . ما میگوئیم : ما يك ” سازمان فرهنگی “ نیستیم ، ما
 ارتش داریم و يك ” سازمان نظامی “ هستیم . چانکایشك اول مارس
 امسال اعلام کرده که حزب کمونیست نمیتواند وضع قانونی بدست

آورد مگر آنکه ارتش خود را تسلیم کند . این اعلام چانکایشك هنوز بقوت خود باقی است . ما ارتش خود را تسلیم نکردیم ، بنابر این وضع قانونی نداریم ، ما هیچ " قید و بند شرعی و عرفی " نداریم . وظیفه ما اینستکه مسئولیت خود را در قبال خلق حفظ کنیم . هر يك از سخنان ما ، هر يك از اعمال و هر يك از سیاستهای ما ، همه باید پاسخگوی منافع خلق باشد و اگر خطائی روی دهد ، باید آنرا اصلاح کرد ؛ این همان چیزی است که مسئولیت در قبال خلق نامیده میشود . رفقا ! خلق آزادی میخواهد ، لذا قدرت خود را بکسانی تفویض میکند که بتوانند نماینده او باشند و صادقانه برای او کار کنند ، یعنی بما کمونیستها . ما بمثابه نمایندگان خلق ، باید نماینده شایسته او باشیم و نباید مانند چن دو سیو عمل کنیم . چن دو سیو در مقابل یورشهای ضد انقلابی علیه خلق آن سیاستی را در پیش نگرفت که هر ضربه را با ضربه متقابل پاسخ دهد و برای هر وجب زمین بجنگد ، تا آنکه آخر الامر در سال ۱۹۳۷ در فاصله چند ماه تمام حقوقی که خلق بجنگ آورده بود ، از دست رفت . اینبار ، ما باید هوشیار و آماده باشیم . سیاست ما مطلقاً غیر از سیاست چن دو سیو است ؛ ما در دام هیچگونه فریبی نخواهیم افتاد . ما باید روشن بینی خود را از دست ندهیم و سیاستی صحیح داشته باشیم ، ما نباید مرتکب اشتباه شویم .

ثمرات پیروزی در جنگ مقاومت باید متعلق بچه کسی باشد ؟ موضوع کاملاً روشن است . مثلاً يك درخت هلو را بگیرید . درخت ، هلو میدهد ، هلو ثمر پیروزی است . چه کسی حق دارد هلوها را بچیند ؟ باید اول پرسید چه کسی درخت را نشاند و آبیاری کرده است . چانکایشك که در کوه رحل اقامت افکنده ، حتی يك سطل آب هم

نیآورده است و حالا دست خود را از دور دراز میکند تا هلوها را بچیند و میگوید: "این هلوها به من، چانکایشک تعلق دارند؛ من مالک زمین هستم و شما رعایای من هستید. من شما را از چیدن هلو منع میکنم." ما در مطبوعات خود این نظر او را رد کردیم (۹). ما میگوئیم: "تو که هیچوقت آب نیآورده‌ای، حق چیدن هلوها را هم نداری. ما، خلق مناطق آزاد شده که هر روز به درخت‌ها آب داده‌ایم، بیش از هر کس دیگری حق داریم سیوه‌ها را بچینیم." رفقا! پیروزی جنگ مقاومت را خلق با ریختن خون خویش و دادن قربانی بدست آورده‌است؛ این پیروزی باید پیروزی خلق باشد و ثمرات جنگ مقاومت نیز باید از آن خلق باشد. اما در مورد چانکایشک، او در مقاومت در برابر ژاپن پاسیو بوده‌است ولی در مبارزه با حزب کمونیست آکتیو؛ او مانعی در سر راه جنگ مقاومت خلق بوده‌است. اکنون این مانع سر میرسد برای آنکه ثمرات پیروزی را تصاحب کند و میخواهد که چن پس از پیروزی در جنگ مقاومت دو باره به وضع قدیم قبل از جنگ باز گردد و به آن امکان کوچکترین تغییری را هم ن میدهد. این همان چیزی است که مبارزه را بر میانگیزد. رفقا! این مبارزه از جدیترین مبارزات است. اینکه ثمرات پیروزی در جنگ مقاومت باید از آن خلق باشد، يك مطلب است، اما اینکه سرانجام چه کسی بآنها دست خواهد یافت و این خلق خواهد بود یا نه، مطلب دیگری است. تصور نکنید که تمام ثمرات پیروزی بطور قطع و یقین بدست خلق خواهد افتاد؛ چانکایشک بخشی از هلوهای درشت مانند شانگهای، نانکن، حان جو و شهرهای بزرگ دیگر را تصاحب خواهد کرد. چانکایشک با همدستی امپریالیسم آمریکا عمل میکند و در این مناطق آنها تفوق دارند، در حالیکه تاکنون

خلق انقلابی بطور عمده بجز مناطق روستائی نتوانسته چیز دیگری به تصرف در آورد . بر سر بخش دیگری از هلوها میان دو طرف نزاع در خواهد گرفت . سخن درباره شهرهای متوسط و کوچکی است که در بخش خط آهن دا تون - پو جو در شمال تای یوان ، در بخش میانه خط آهن بی پین - سوی یوان ، در بخش خط آهن بی پین - لیائو نین ، در بخش خط آهن بی پین - حان کو در شمال جن جو ، در بخش خط آهن جن دین - تای یوان ، خط آهن بای گوی - جین جن (۱۰) ، خط آهن ده جو - شی جیا جوان ، خط آهن تیانزین - پو کو ، خط آهن چینگ دائو - جی نان و در بخش خط آهن لون های در شرق جن جو واقع شده اند ؛ این شهرهای متوسط و کوچک متنازع فیه خواهند بود ، اینها هلوهای متوسط و کوچکی هستند که خلق مناطق آزاد شده با خون و عرق جبین آبیاری کرده است . در حال حاضر مشکل بتوان گفت که این محلها بدست خلق خواهند افتاد . در حال حاضر فقط میتوان اینرا گفت که باید با سرسختی مبارزه کرد . آیا بخشهایی هست که بطور قطع و یقین بدست خلق بیافتد ؟ آری هست ، و عبارتند از مناطق وسیع روستائی و بسیاری از شهرهای استان حه به ، چاهار و ژه هه (۱۱) ، بخش اعظم شان سی ، استان شان دون و شمال جیان سو ؛ در این نقاط دهات بیکدیگر پیوسته اند ، قریب یکصد شهر يك منطقه را تشکیل میدهد ، هفتاد تا هشتاد شهر منطقه دیگری را ، چهل تا پنجاه شهر منطقه سومی را ، جمعاً سه ، چهار ، پنج یا شش منطقه بزرگ و کوچک . صحبت بر سر چه نوع شهرهایی است ؟ شهرهای متوسط و کوچک . ما آن نیرو را داریم که این ثمرات پیروزی را بدست آوریم ، ما از این بابت اطمینان داریم . در تاریخ انقلاب چین نخستین بار است که

چنین بخشی از میوه‌ها به تصاحب ما درسی‌آید. در گذشته، در نیمه دوم سال ۱۹۳۱ فقط پس از در هم شکستن سوسین عملیات "محاصره و سرکوب" دشمن ما یک جا بیست و یک مرکز شهرستان را در منطقه پایگاه مرکزی استان جیان سی بتصرف در آوردیم (۱۲)، ولی در آنجا هیچ شهر متوسطی وجود نداشت. جمعیت این ۲۱ شهر کوچک متصل بیکدیگر حد اکثر ۲,۵۰۰,۰۰۰ نفر بود. خلق چین با اتکاء به آن توانست چنین مبارزه طولانی را دنبال کند، چنین پیروزی‌های بزرگی بدست آورد و چنین عملیات "محاصره و سرکوب" دامنه‌داری را درهم شکند. بعداً ما دچار شکست شدیم، ولی ما نباید چانکایشک را مورد سرزنش قرار دهیم، بلکه باید خودمانرا ملامت کنیم که خوب نجنگیدیم. اینبار هرگاه ده‌ها شهرهای مختلف در منطقه واحدی گرد آیند و هرگاه سه، چهار، پنج یا شش منطقه نظیر وجود داشته باشد، خلق چین سه، چهار، پنج یا شش منطقه پایگاه انقلابی خواهد داشت که هر یک از آنها بزرگتر از منطقه پایگاه مرکزی جیان سی خواهد بود و انقلاب چین در وضع بسیار جالب توجهی قرار خواهد گرفت.

هرگاه وضع را در مجموع خود در نظر بگیریم، ملاحظه میکنیم که مرحله جنگ مقاومت ضد ژاپنی پایان یافته و مبارزه داخلی، وضع نو و وظیفه نو ما شده است. چانکایشک از "ساختمان کشور" سخن میراند. از این پس مبارزه بر سر آنست که چه نوع کشوری باید بسازیم. آیا باید یک کشور دموکراسی نوین، یک کشور توده‌های وسیع خلق تحت رهبری پرولتاریا بنا کنیم، یا یک کشور نیمه مستعمره و نیمه فئودالی در زیر دیکتاتوری مالکان بزرگ ارضی و بورژوازی بزرگ؟ اینجاست که مبارزه بسیار بغرنجی در خواهد گرفت. شکل این مبارزه در حال حاضر،

مبارزه میان چانکایشك است که میخواهد ثمرات پیروزی جنگ مقاومت را برباید و ما که در برابر این خواست او ایستادگی میکنیم. در طول این دوران اگر اپورتونیسمی وجود داشته باشد، سرباز زدن از مبارزه سرسخت است و اهداء ثمراتی به چانکایشك است که باید از آن خلق باشند. آیا يك جنگ داخلی آشکار و در مقیاس تمام کشوری در خواهد گرفت؟ این امر بستگی به عوامل داخلی و بین‌المللی دارد. عوامل داخلی در درجه اول عبارتند از نیروی ما و درجه آگاهی سیاسی ما. با توجه به سیر عمومی اوضاع در خارج و داخل کشور و احساسات خلق، آیا ما میتوانیم با مبارزه خود جنگ داخلی را در مقیاس معینی محدود سازیم و یا جنگ داخلی در مقیاس تمام کشوری را به تعویق اندازیم؟ چنین امکانی موجود است.

هرگاه چانکایشك بخواهد بدله‌خواه خود جنگ داخلی را براه اندازد، با مشکلات بسیاری رو برو خواهد شد. اولاً، در مناطق آزاد شده صد میلیون جمعیت، يك میلیون سرباز و بیش از دو میلیون افراد چريك توده‌ای موجود است. ثانیاً، مردم مناطق زیر نظارت گومیندان که دارای آگاهی سیاسی هستند، با جنگ داخلی مخالف اند و این خود مانعی در برابر چانکایشك است. ثالثاً در درون گومیندان نیز فراکسیونی وجود دارد که با جنگ داخلی موافق نیست. وضع کنونی با وضع سال ۱۹۲۷ تفاوت فاحش دارد. بویژه امروز وضع حزب ما با وضع حزب در سال ۱۹۲۷ بسیار فرق میکند. در آن دوره حزب ما هنوز مراحل کودکی خود را می‌پیمود و فاقد روشن‌بینی بود، تجربه مبارزه مسلحانه نداشت و باین سیاست پی نبرده بود که باید هر ضربه را با ضربه متقابل پاسخ داد. امروز آگاهی سیاسی حزب ما بسطع بمراتب بالاتری رسیده است.

غیر از آگاهی سیاسی خود ما ، یعنی آگاهی سیاسی پیشاهنگ پرولتاریا ، مسئله آگاهی سیاسی توده‌های مردم نیز مطرح است . هنگامیکه خلق هنوز آگاهی سیاسی ندارد ، امکان اینکه ثمرات انقلاب بدست دیگری بیفتد ، کاملاً موجود است . این همان چیزی است که در گذشته روی داد . امروز آگاهی سیاسی خلق چین نیز به مراتب بالا رفته است . اعتبار حزب ما در میان خلق هرگز باین اندازه بالا نبوده است . سعدک در درون خلق و بویژه در میان سکنه مناطق اشغالی ژاپنی‌ها و مناطق تحت سلطه گومیندان ، عده نسبتاً زیادی از مردم هنوز به چانکایشک اعتماد دارند و در مورد گومیندان و ایالات متحده آمریکا دستخوش پندارهای واهی میباشند ، پندارهایی که چانکایشک نیز میکوشد آنها را اشاعه دهد . همینکه این بخش از خلق چین هنوز فاقد آگاهی سیاسی است ، نشان میدهد که کارهای تبلیغاتی و سازمانی ما هنوز بطور شایسته انجام نیافته است . آگاهی یافتن خلق امر آسانی نیست . برای اینکه افکار نادرست را از ذهن مردم بیرون کنیم ، باید بکوششهای جدی و فراوان دست زنیم . ما باید هر آنچه را که در افکار خلق چین عقب مانده است بروییم ، همانطور که اطاقهای خود را میرویم . خس و خاشاک هرگز خود بخود و بدون آنکه آنرا برویند ، از بین نمیرود . ما باید کار تبلیغاتی و تربیتی وسیعی در میان توده‌های مردم انجام دهیم تا آنکه آنها وضع واقعی و سیر حوادث را در چین دریابند و به نیروی خویش اعتماد پیداکنند .

بر ماست که خلق را متشکل کنیم . بر ماست که خلق را متشکل کنیم تا مرتجعین چین را واژگون سازد . تمام پدیده‌های ارتجاعی با هم یکسانند ، اگر آنها را ننزید ، ساقط نخواهند شد . این درست مانند جاروب کردن کف اطاق است — علی‌القاعده ، خس و خاشاک از

جائی که جاروب نشود ، بخودی خود زایل نمیگردد . در جنوب منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا رودخانه‌ای است بنام جیه‌زی . در جنوب این رودخانه شهرستان لوه چوان قرار دارد و در شمال آن ، شهرستان فوسیان . دو ساحل و دو دنیا . جنوب در زیر تسلط گومیندان است و چون ما بآنجا نرفته‌ایم ، خلق متشکل نیست و زبانه‌ها بر روی هم انباشته شده‌اند . بعضی از رفقای ما فقط به تأثیر سیاسی معتقدند و تصور میکنند که مسایل میتوانند از راه این تأثیر حل شوند . این اعتقادی کورکورانه است . در سال ۱۹۳۶ ما در بائوان (۱۳) بودیم ؛ در فاصله چهل تا پنجاه لی دهکده مستحکمی بود که مالک مستبدی آنرا در اختیار داشت . در آنموقع بائوان مقر کمیته مرکزی حزب بود و تأثیر سیاسی ما را میتوان در آنجا بسیار بزرگ تلقی کرد ، اما ضد انقلابیون این دهکده لجوجانه از تسلیم سرباز میزدند . ما جاروب خود را در جنوب و شمال بکار انداختیم ، ولی کار عبثی بود . فقط موقعیکه جاروب ما در قلب دهکده بکار افتاد ، مالک فریاد برآورد : "ایهالناس ! تسلیمم ." (۱۴) همه چیز در این دنیا بر این منوال است . زنگها بصدا در نمیایند ، اگر آنها را بحرکت در نیآورند . میزها جابجا نمیشوند ، اگر آنها را تغییر مکان ندهند . ژاپن به تسلیم تن در نمیداد ، اگر ارتش سرخ اتحاد شوروی به شمال شرقی چین وارد نمیشد . سپاهیان ژاپنی و سپاهیان پوشالی هرگز اسلحه خود را بر زمین نمیگذاشتند ، اگر سپاهیان ما با آنها نمیجنگیدند . تأثیر سیاسی فقط در جائی اثر کامل خود را می‌بخشد که جاروب آنجا را بروید . جاروب ما حزب کمونیست ، ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید است . با در دست داشتن جاروب باید روفتن را آموخت . نباید روی بستر دراز کشید و تصور کرد که بادی

برمیخیزد و تمام خس و خاشاک را یکشبه بهوا میرد . ما مارکسیستها ،
 رالیستهای انقلابی هستیم و هیچگاه دستخوش پندارهای واهی نمیشویم .
 در چین مثلی قدیمی است که میگوید : "سحر برخیز و حیاط را جاروب
 کن . " (۱۵) سحر سر آغاز روز نو است . پیشینیان ما گفته‌اند که باید
 اول صبح بر خیزیم و به جاروب کردن پردازیم . آنها تکلیفی برای
 ما تعیین کرده‌اند . فقط در صورتیکه اینطور فکر کنیم و اینطور عمل
 کنیم ، سودی خواهیم برد و کاری خواهیم یافت . چین دارای سرزمین
 وسیعی است و برماست که همه جای آنرا وجب بوجب جاروب کنیم .
 سیاست ما باید بر چه اساسی مبتنی باشد ؟ سیاست ما باید بر اساس
 نیروی خودمان مبتنی باشد — این بمعنای اتکاء به نیروی خود است . ما
 تنها نیستیم ، تمام کشورها و خلقهای جهان که علیه امپریالیسم می‌رزمند ،
 دوستان ما هستند . مع هذا ما اصل اتکاء به نیروی خود را تأکید میکنیم .
 ما با اتکاء به نیروی متشکل خود میتوانیم کلیه مرتجعین داخلی و خارجی
 را در هم بکوبیم . چانکایشک بر عکس ، کاملاً بر کمک امپریالیسم
 آمریکا که آنرا مانند حامی نیرومند خود مینگرد ، تکیه میکند . نکات سگانه
 دیکتاتوری ، جنگ داخلی و حراج کشور ، پیوسته اساس سیاست او را
 تشکیل داده است . امپریالیسم آمریکا میخواهد برای ایجاد جنگ داخلی
 به چانکایشک کمک کند و چین را بصورت وابسته آمریکا در آورد ؛ این
 سیاست مدتهاست که قطعی و مسلم گردیده‌است . اما امپریالیسم آمریکا
 که در ظاهر نیرومند است ، باطناً ضعیف است . ما باید ذهن خود را روشن
 نگهداریم ، یعنی "سخنان زیبای" امپریالیستها را باور نکنیم و از
 تهدیدات آنها بخود ییمی راه ندهیم . يك آمریکائی روزی بمن گفت :
 "شما باید بحرفهای هارلی گوش دهید و چند نفر از افراد خودتانرا

بعنوان مأمور دولت در حکومت گویندگان شرکت دهید .“ (۱۶) من باو جواب دادم : ”هنگامیکه دست و پای مأمور بسته است ، انجام وظیفه برایش کار آسانی نیست ، ما چنین کاری نخواهیم کرد ؛ ولی اگر بکنیم ، باید دست و پایمان آزاد باشد ، ما باید آزادی عمل داشته باشیم ، یعنی باید حکومت ائتلافی بر پایه دموکراتیک تشکیل شود .“ او گفت : ”عدم شرکت شما صورت خوشی نخواهد داشت .“ از او پرسیدم : ”برای چه ؟“ او در جواب گفت : ”اولا آمریکائیا شما را ملامت خواهند کرد ؛ ثانیاً آمریکائیا از چانکایشک حمایت خواهند کرد .“ من در جواب گفتم : ”شما آمریکائیا اگر میخواهید پس از آنکه نان خوردید و سیر خوابیدید ، مردم را ملامت و از چانکایشک حمایت کنید ، این مربوط به خودتان است و من در کار شما مداخله نمیکنم . اکنون آنچه که ما داریم ، ارزن است باضافه تفنگ ، و آنچه که شما دارید ، نان است باضافه توپ . اگر میخواهید از چانکایشک حمایت کنید ، بفرمائید حمایت کنید ، تا هر وقت که دلتان میخواهد ، حمایت کنید . ولی این را هیچوقت فراموش نکنید که : چین بچه کسی تعلق دارد . چین بهیچوجه به چانکایشک تعلق ندارد ، چین از آن خلق چین است . سرانجام آنروز فرا خواهد رسید که دیگر پشتیبانی از او امکان نداشته باشد .“ رفقا ! این آمریکائی میکوشید که با این حرفها مردم را بترساند . امپریالیستها در این بازی بسیار ماهرند و در واقع بسیاری از مردم مستعمرات از این تهدیدات بیم و هراس دارند . امپریالیستها تصور میکنند که در مستعمرات میتوان همه کس را دچار بیم ساخت ، اما آنها توجه ندارند که در چین مردمی هستند که از این بازی بوحشت نمیافتند . ما در گذشته سیاست آمریکا را دائر بر کمک به چانکایشک بخاطر مبارزه با

کمونیسته‌ها آشکارا انتقاد و افشا کردیم . این کار ضرور بود و از این پس نیز آنرا ادامه خواهیم داد .

اتحاد شوروی سپاهیان خود را اعزام داشته است ، ارتش سرخ به کمک خلق چین آمده است تا متجاوز را براند ؛ چنین حادثه‌ای در تاریخ چین بی سابقه بوده است و تأثیر آن بی اندازه زیاد است . دستگاههای تبلیغاتی ایالات متحده آمریکا و چانکایشک آرزو میکردند با دو بمب اتمی تأثیر سیاسی ارتش سرخ را بزدایند (۱۷) . ولی این تأثیر زدودنی نیست ؛ این کار آنقدرها آسان نیست . آیا بمب‌های اتمی میتوانند سرنوشت جنگ را تعیین کنند ؟ نه ، نمیتوانند . بمب‌های اتمی نمیتوانند ژاپن را به تسلیم وادارند . بدون مبارزه خلق‌ها بمب‌های اتمی به تنهایی بدر نمیخورند . اگر بمب‌های اتمی میتوانستند سرنوشت جنگ را تعیین کنند ، برای چه لازم شد که از شوروی خواسته شود سپاهیان خود را گسیل دارد ؟ چرا ژاپن هنگامیکه دو بمب اتمی بر روی آن فرو افتاد ، تسلیم نشد ، ولی بلافاصله پس از اعزام سپاهیان اتحاد شوروی به تسلیم تن در داد ؟ بعضی از رفقای ما نیز تصور میکنند که بمب اتمی کمال قدرت است ؛ این اشتباه بزرگی است . این رفقا در بررسی مسائل حتی از یک لرد انگلیسی نیز کمتر روشن بینی نشان میدهند . در انگلستان ، آریستوکراتی هست بنام لرد مونتباتن که میگوید بزرگترین خطا قبول این نکته است که بمب اتمی میتواند سرنوشت جنگ را تعیین کند (۱۸) . این رفقای ما از مونتباتن هم عقب مانده‌ترند . این چه تأثیری است که آنها را واداشته به بمب اتمی بمشابه چیزی معجزه‌آسا بنگرند ؟ این تأثیر بورژوائی است . این تأثیر از کجا ناشی میشود ؟ از تربیتی که در مدارس بورژوائی گرفته‌اند ، از مطبوعات و آژانس‌های خبرگزاری

بورژوائی . دو جهانبینی و دو متدولوژی وجود دارد : جهانبینی و متدولوژی پرولتاریائی و جهانبینی و متدولوژی بورژوائی . این رفقا غالباً به جهانبینی و متدولوژی بورژوائی پای بندند ، و اغلب اوقات جهانبینی و متدولوژی پرولتاریائی را بدست فراموشی می سپارند . تئوری "اسلحه تعیین کننده سرنوشت همه چیز است" ، روحیه نظامیگری ، بوروکراتیسم و جدائی از توده ها ، اندیویدوالیسم و غیره — همه اینها تأثیرات بورژوائی در صفوف ما میباشند . ما باید دائماً تأثیرات بورژوازی را از صفوف خود برویم همانطور که خس و خاشاک را می رویم .

ورود اتحاد شوروی در جنگ موجب تسلیم ژاپن گردید ، اوضاع چین وارد دوران جدیدی میشود . بین جنگ مقاومت ضد ژاپنی و دوران جدید يك مرحله انتقالی وجود دارد . در طول این مرحله مبارزه عبارت است از ایستادگی در برابر چانکایشك که ثمرات پیروزی در جنگ مقاومت را سیرباید . چانکایشك میخواهد جنگ داخلی را در مقیاس ملی آغاز کند ، سیاست او معرزشده است ؛ ما باید برای مقابله با آن آماده باشیم . ما باید بدون توجه باینکه این جنگ داخلی سراسر کشور چه موقعی بر پا خواهد شد ، خود را بخوبی آماده نگاهداریم . حتی اگر این جنگ بزودی یعنی مثلاً فردا صبح شروع شود ، ما باید آماده باشیم . این نکته اول است . بسبب وضع کنونی بین المللی و داخلی ممکن است تا مدتی دامنه جنگ داخلی محدود و در چارچوب محلی باقی بماند . این نکته دوم است . نکته اول آنچیزی است که ما باید در مقابل آن آمادگی داشته باشیم و نکته دوم چیزی است که از مدتها پیش وجود داشته است . خلاصه کلام ما باید خود را آماده نگه داریم . در صورتیکه ما آمادگی داشته باشیم ، قادر خواهیم بود آنگونه که شایسته است با

هر نوع وضع بغرنجی بمقابله برخیزیم .

یادداشتها

۱ - هشتم اوت ۱۹۴۵ دولت شوروی به ژاپن اعلان جنگ داد . دهم اوت دولت مغولستان نیز جنگ را به ژاپن اعلام کرد . ارتش سرخ شوروی از راه زمین و دریا وارد شمال شرقی چین و کره شد و ارتش قوان دون ژاپن را بسرعت تار و مار کرد . نیروهای مشترک شوروی و مغولستان از صحرای مغولستان داخلی عبور کردند و وارد استانهای ژه هه و چاهار شدند . دهم اوت دولت ژاپن مجبور شد یادداشتی دایر بر تسلیم خود ارسال نماید و روز ۱۴ بطور رسمی تسلیم بلاشرط خود را اعلام داشت . ارتش قوان دون زبده نیروی عمده ارتش ژاپن بود و ذخیره استراتژیک عمومی ژاپن را تشکیل میداد . امپریالیستهای ژاپن در این رؤیا بودند که با تکیه بر این نیرو و از موضع استراتژیک مساعد خود در شمال شرقی چین و کره مدتی طولانی جنگ را ادامه دهند . این نقشه با ورود اتحاد شوروی در جنگ نقش بر آب شد و دولت ژاپن مجبور شد به شکست خود اعتراف کند و تسلیم شود .

۲ - مراجعه شود به « تفسیر در باره یازدهمین پلنوم کمیته اجرایی مرکزی گومیندان و دومین جلسه سومین شورای سیاسی ملی » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد سوم .

۳ - منظور کوه « اه می » است که بطور کلی از مناطق کوهستانی جنوب غربی و شمال غربی چین فهمیده میشود . پس از اشغال اوهان در سال ۱۹۳۸ از طرف ارتش ژاپن ، چانگکایشک با قسمت عمده نیروهای تحت فرماندهی خود باین مناطق کوهستانی پناه برد و مانند ناظری مبارزه سرسخت و دشواری را که ارتش و خلق مناطق آزاد شده علیه متجاوزین ژاپنی در پشت جبهه دشمن بر پا کرده بودند ، نظاره کرد .

۴ - پیش از جنگ مقاومت ضد ژاپنی اغلب مناطق پایگاه انقلابی تحت رهبری حزب کمونیست چین در مناطق کوهستانی قرار داشتند . در این دوره مرکز منطقه تحت تسلط چانگکایشک در شهرهای بزرگ کنار رودخانه‌ها و سواحل دریاها واقع بود . بهمین جهت است که رفیق مائو تسه دون میگوید : « ما

بالای کوه بودیم و او در کنار آب .

۵ - در جریان جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، خطوط مقدم در شمال ، مشرق ، مرکز و جنوب چین واقع بودند . مناطق تحت تسلط گومیندان در جنوب غربی و شمال غربی که باشغال سپاهیان مهاجم ژاپن در نیامده بودند ، معمولاً " پشت جبهه بزرگ " نامیده میشدند .

۶ - ۲۱ ژوئیه سال ۱۹۴۵ پنجاه و نهمین لشکر موقت و دومین لشکر سواره نظام تحت فرمان حو زون نان فرمانده اولین منطقه جنگی گومیندان بطور ناگهانی به کوهستان یه تای که در بخش چون هوا از ناحیه گوان جون در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیاق قرار گرفته ، حمله بردند . ۲۳ ژوئیه حو زون نان سومین لشکر ذخیره خود را نیز برای تقویت این حمله گسیل داشت . ۲۷ ژوئیه نیروهای ما بابتکار خود از کوهستان یه تای واز ۴۱ دهکده در غرب این کوهستان بعقب نشینی پرداختند . نیروهای گومیندان حملات خود را بر سیون ای ، یائو سیان و محلهای دیگر دنبال کردند . ۸ اوت نیروهای ما علیه سپاهیان مهاجم حمله متقابل را آغاز کردند و منطقه کوهستانی یه تای را پس گرفتند .

۷ - افسر رابط گومیندان ، رابطی است که در جریان جنگ مقاومت ضد ژاپنی از طرف دولت گومیندان به یین ان اعزام شده بود . " حه " اشاره به حه یین چینگ ، رئیس ستاد کل گومیندان است . ۱۹ اکتبر و ۸ دسامبر ۱۹۴۰ چانکایشک دو تلگرام بامضای حه یین چینگ و بای چون سی ، معاون ستاد کل گومیندان فرستاد و در آن ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید را که در پشت جبهه دشمن با استقامت میجنگیدند ، بیشرمانه مورد اتهام قرار داد و به نیروهای مسلح توده های ضد ژاپنی که در جنوب رودخانه زرد بعملیات جنگی اشتغال داشتند ، خودسرانه فرمان داد تا در مهلت معین به شمال این رودخانه رهسپار گردند . مرتجعین گومیندان بزودی با آغاز حمله ناگهانی خود علیه واحدهای ارتش چهارم جدید که بسوی شمال در حرکت بودند ، " حادثه ان هوی جنوبی " را برانگیختند . حزب کمونیست چین در آنموقع بر روی حه یین چینگ بمشابه نماینده مرتجعین گومیندان که این پیکار ضد کمونیستی را براه انداخته بود ، انگشت می گذاشت ، اما در واقع چانکایشک را در نظر داشت .

۸ - " شورای سیاسی ملی " يك ارگان مشورتی بود که از آغاز جنگ مقاومت ضد ژاپنی از طرف گومیندان ایجاد شده بود . اعضای آن توسط دولت گومیندان " انتخاب " میشدند . اکثریت آنها به گومیندان و فقط اقلیت ناچیزی به حزب کمونیست چین و دیگر احزاب سیاسی تعلق داشت . بهلاوه دولت گومیندان برای

احزابی که در برابر تجاوز ژاپن ایستادگی میکردند ، وضع مساوی و قانونی قائل نبود و به اعضای آنها اجازه نمیداد بمشابه نمایندگان احزاب خود در " شورای سیاسی ملی " شرکت جویند . یکی از مواد « نظامنامه سازمانی شورای سیاسی ملی » منتشره از طرف دولت گومیندان تصریح میکند که فقط " کسانی که مدت سه سال یا بیشتر در سازمانهای مهم فرهنگی و اقتصادی خدماتی انجام داده‌اند و حیثیتی کسب کرده‌اند و یا کسانی که در انجام شغل دولتی خود کوشا هستند و از مدتها پیش حیثیت و اعتباری بدست آورده‌اند " ، میتوانند عضو باشند . بر طبق این ماده گومیندان چند تن از اعضای حزب کمونیست را " انتخاب " کرد تا در شورا شرکت نمایند .

۹ - اشاره به « چانگکایشک جنگ داخلی برمیانگیزد » تفسیری است که رفیق مائو سه دن برای خبرگزاری سین هوا نوشته است . مراجعه شود به صفحه ۳۷ ، جلد حاضر .

۱۰ - راه آهن نیمه تمام جنوب شرقی استان شان سی مابین بای گوی در شهرستان چی سیان و جین چن .

۱۱ - استان چاهار در سال ۱۹۵۲ و استان ژه هه در سال ۱۹۵۵ حذف شدند ، و به استانهای هه به ، شان سی و لیائو نین پیوستند .

۱۲ - بیست و یک مرکز شهرستان مورد نظر عبارتند از ژوی جین ، حوی چان ، سیون او ، ان یوان ، سین فون ، یو دو ، سین گوه ، نین دو ، گوان چان ، شی چن و لی چوان در استان جیان سی ، و جیان نین ، تای نین ، نین هوا ، چینگ لیو ، گوی هوا ، لون یین ، چان دین ، لیان چن ، شان هان و یون دین در استان فو جیان .

۱۳ - بائو ان شهرستانی بود در شمال غربی استان شنسی که امروز جی دن نام دارد . مقر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از آغاز ژوئیه سال ۱۹۳۶ تا ژانویه سال ۱۹۳۷ در آنجا بود . کمیته مرکزی بعداً در یین ان مستقر شد .

۱۴ - نام این دهکده مستحکم دن با جای بود که در جنوب غربی شهرستان بائو ان قرار داشت . در این دهکده بیش از ۲۰۰ خانوار زندگی میکردند . موقعیت آن طوری بود که دسترسی به آنرا فوق‌العاده دشوار میساخت . از مدتها پیش يك مالك مستبد محلی بنام تسائو جیون جان در رأس يك باند ارتجاعی مسلح که تعداد آن از صد نفر تجاوز میکرد ، در این دهکده موضع گرفته بود . ارتش سرخ چندین بار این دهکده را محاصره و بان حمله کرد ولی نتوانست آنرا تصرف کند . در اوت سال ۱۹۳۶ ارتش سرخ در حالیکه دن با جای را با نیروهای مسلح محلی محاصره

کرد ، کوشید توده‌های اصلی این دهکده را بسوی خود جلب کند و دشمن را از داخل متلاشی سازد . در دسامبر همین سال تسائوی راهزن با مشتی از افراد خود فرار کرد و دن با جای آزاد شد .

۱۵ - مراجعه شود به « پندهائی برای اداره خانواده » ، اثر جو بای لو (قرن هفدهم) .

۱۶ - سخن برسر سرهنگ داوید . د . بارت رئیس گروه ناظرین ارتش آمریکا در ین ان است . این گروه در سال ۱۹۴۴ با موافقت حزب کمونیست چین از طرف نیروهای آمریکا که در جنگ علیه ژاپن درگیر بودند ، به ین ان فرستاده شد . پاتریک . ج . هارلی سیاستمدار ارتجاعی حزب جمهوریخواه در سپتامبر سال ۱۹۴۴ بعنوان نماینده شخصی رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا به چین آمد و در اواخر آن سال بسمت سفیر آمریکا در چین تعیین گردید . مراجعه شود به « یوگون پیرمردی که کوه را از جا میکند » ، یادداشت ۲ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۳ .

۱۷ - ایالات متحده آمریکا در ۶ اوت ۱۹۴۵ یک بمب اتمی بر روی هیروشیما و در ۹ اوت بمب دیگری بر روی ناگاساکی افکند . بنگاههای تبلیغاتی ایالات متحده آمریکا و گومیندان پیرامون این واقعه سر و صدای بسیار برآه انداختند و ادعا میکردند که دولت ژاپن باین علت به تسلیم تن در داده است که از بمبهای اتمی آمریکا بوحشت افتاده بود . آنها با این تبلیغات امید داشتند که نقش قطعی ورود ارتش شوروی را در جنگ ، در مورد تسلیم ژاپن ناچیز جلوه دهند .

۱۸ - مونبتاتن که در آنموقع فرمانده عالی متفقین در جنوب شرقی آسیا بود ، در ۹ اوت سال ۱۹۴۵ طی اظهاراتی ورود اتحاد شوروی را در جنگ علیه ژاپن تهنیت گفت . او در اظهارات خود گفت که « بزرگترین خطا قبول این نکته است که بمب اتمی میتواند بجنگ در خاور دور پایان دهد . »

چانکایشك جنگ داخلی برميانگيزد

(۱۳ اوت ۱۹۴۵)

يك سخنگوي بخش تبليغاتي كميته اجرائي مركزي گوميندان در اظهاريه خود اين فرمان بدشمن و سپاهيان پوشالي (۱) را كه در سر مهلت مقرر تسليم شوند ، فرماني را كه . ۱ اوت از ستاد كل درين ان از طرف جوده سرفرمانده ارتش هجدهم صادر گرديد "عمرلي گستاخانه و غيرقانوني" توصيف ميكند . اين تفسير مطلقاً مضحك است و نتيجه منطقي آن اين ميشود كه سرفرمانده جوده خطا كار است كه بموجب اعلاميه پتسدام (۲) و قصد دشمن دائر بر تسليم به سپاهيان خود فرمان داده است كه بدشمن و سپاهيان پوشالي اخطار نمايند كه بلادرنگ تسليم شوند و بر عكس صحيح و قانوني اين ميبود كه بدشمن و سپاهيان پوشالي توصيه شود كه از تسليم سرباز زنند ! شگفت انگيز نيست كه مردم دار فاشيست چيني چانكایشك ، خودكامه اي كه دشمن خلق و مورد تنفر شديد همگان است حتي پيش از تسليم واقعي دشمن گستاخانه به نيروهاي

تفسيروي است كه بوسيله رفيق مائو تسه دون براي خبرگزارى سين هوا نوشته شده است .

مسلح ضد ژاپنی مناطق آزادشده "فرمان میدهد" که "تا فرمان جدید در مواضع خود باقی بمانند" یعنی دست‌های خود را به بندند و خود را در معرض حملات دشمن قرار دهند. شگفت‌انگیز نیست که همین سردمدار فاشیست بازهم جرأت کرده‌است به باصطلاح نیروهای مخفی (که در واقع سپاهیان پوشالی هستند که میکوشند "کشور را از راه غیر مستقیم نجات دهند" (۳) و پلیس مخفی دای لی (۴) که با دشمن و سپاهیان پوشالی همکاری میکند) و بدیگر سپاهیان پوشالی "فرمان دهد" که "نظم عمومی را در محلها حفظ کند"، در حالی که به نیروهای مسلح ضد ژاپنی مناطق آزادشده قدغن کرده که علیه دشمن و سپاهیان پوشالی "رأساً عمل نکنند". این تعویض جای دشمن با هموطنان، يك اعتراف واقعی چانکایشك است و با روشنی تمام فكر او را ترسیم میکند که حاکی از گاویندی دائمی با دشمن و سپاهیان پوشالی و ناپود کردن همه کسانی است که با او همراه نیستند. معذلك نیروهای مسلح توده‌ای ضد ژاپنی مناطق آزادشده چین در دام این مانور بیشرمانه نخواهند افتاد. آنها میدانند که فرمان سرفرمانده جوده درست اجرای بلاشرط مفاد بند ۲ اعلامیه پتسدام است: "ادامه جنگ علیه ژاپن تا آنکه از مقاومت دست بردارد." در حالی که باصطلاح "فرمان‌های" چانکایشك درست در جهت نقض اعلامیه پتسدام است که خود او آنرا امضا کرده‌است. اینها را با هم مقایسه کنید، فوراً خواهید دید چه کسی از "مراعات مواد موافقت‌نامه‌های متحدین" سرباز میزند.

تفسیر سخنگوی بخش تبلیغاتی کمیته اجرائی مرکزی گویندگان و بهمین ترتیب "فرمان‌های" چانکایشك از سر تا ته تحريك به جنگ داخلی است. در این موقع که در داخل کشور و در خارج

توجه بر روی تسلیم بلاشرط ژاپن متمرکز گردیده ، هدف آنها اینست که بهانه‌ای پیدا کنند تا بلافاصله پس از پایان جنگ مقاومت به جنگ داخلی پردازند . در واقع مرتجعان گویندگان به اندازه‌ای ابله‌اند که شایان ترحم است . آنها تصور کردند که با فرمان سرفرمانده جوده که به سپاهیان دشمن و سپاهیان پوشالی اخطار میکند که تسلیم شوند و اسلحه خود را بر زمین گذارند بهانه‌ای بدست آورده‌اند . آیا میتوان گفت که این بهانه موفقیت‌آمیز است ؟ نه . همین که مرتجعان گویندگان در جستجوی چنین بهانه‌ای هستند تنها ثابت میکند که آنها دشمن و سپاهیان پوشالی را بر هم‌میپهنان خود ترجیح میدهند یا اینکه کینه آنان نسبت به هم‌میپهنان خود بیش از دشمن و سپاهیان پوشالی است . تردیدی نیست که حادثه چون‌هوا (۵) چیزی جز هجوم سپاهیان حوزون نان در منطقه سرزی شنسی - گان سو - نین سیا ، بمنظور برانگیختن جنگ داخلی نبوده است ، معذک مرتجعان گویندگان گفتند که این فقط " تعرض اکاذیب " است که از جانب حزب کمونیست چین صورت گرفته‌است . آنها در حادثه چون هوا بهانه‌ای را که مدت‌ها در جستجوی آن بودند یافتند ، اما افکار عمومی چین و جهان فوراً موضوع را دریافت . اکنون آنها ادعا میکنند که ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید نباید از سپاهیان دشمن و سپاهیان پوشالی بخواهند که اسلحه خود را بر زمین گذارند . در طول هشت سال جنگ مقاومت ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید از تعرضات و محاصره‌های چانکایشك از یکسو و ژاپنی‌ها از سوی دیگر صدمات بسیار دیدند . اکنون که جنگ مقاومت پایان خود میرسد چانکایشك به ژاپنیها (و به سپاهیان پوشالی عزیز خود) اشاره میکند

که اسلحه خود را نه به ارتش هشتم تسلیم کنند و نه به ارتش چهارم جدید بلکه "فقط به من، چانکایشک". او جمله خود را ناتمام گذارده: "... تا من بتوانم این اسلحه را برای کشتن کمونیستها و برهم زدن صلح در چین و در جهان مورد استفاده قرار دهم." آیا این عین واقع نیست؟ اگر به ژاپنیها بگویند که اسلحه خود را به چانکایشک تحویل دهند، به سپاهیان پوشالی بگویند که "نظم عمومی را در محلها حفظ کنند" چه نتیجه از آن بدست خواهد آمد؟ این نتیجه جز این نیست: یکی شدن رژیم‌های نانکن و چون چینگ (۶)، همکاری چانکایشک با سپاهیان پوشالی جای "همکاری چین و ژاپن" و همکاری ژاپنیها با سپاهیان پوشالی را خواهد گرفت؛ "آنتی کمونیسم و ساختمان ملی" چانکایشک بر جای "آنتی کمونیسم و ساختمان ملی" ژاپنیها و وان جین وی خواهد نشست. آیا این نقض اعلامیه پتسدام نیست؟ آیا مسلم نیست که بلافاصله پس از پایان جنگ مقاومت قاطبه خلق در معرض خطر شدید جنگ داخلی قرار خواهد گرفت؟ اینک ما از تمام هموطنان خود و از کشورهای متفق دعوت میکنیم که به اتفاق و همراه با خلق مناطق آزادشده بکاری دست زنند تا با قاطعیت از جنگ داخلی در چین که صلح جهانی را در مخاطره خواهد انداخت جلوگیری کنند. براستی چه کسی حق دارد تسلیم اشغالگران ژاپنی و سپاهیان پوشالی را بپذیرد؟ نیروهای مسلح ضد ژاپنی مناطق آزادشده چین که حکومت گومیندان از دادن هرگونه کمکی به آنها امتناع ورزید و حتی آنها را برسمیت هم نشناخت، فقط با تکیه بر کوشش خود و بر پشتیبانی خلق موفق شدند سرزمینهای وسیعی را که بیش از صد میلیون نفر سکنه دارد آزاد سازند؛ آنها از پیشرفت ۵۶ درصد از سپاهیان مهاجم ژاپنی

در چین و ۹۵ درصد از سپاهیان پوشالی جلوگیری کردند و به آنها حمله بردند. بدون این نیروهای مسلح ضد ژاپنی وضع چین هرگز آن نبود که امروز هست. بوضوح باید گفت که در چین فقط نیروهای مسلح ضد ژاپنی مناطق آزادشده حق دارند تسلیم سپاهیان دشمن و سپاهیان پوشالی را بپذیرند. اما سیاست چانکایشک این بوده است که مانند ناظری دست روی دست بگذارد و به انتظار پیروزی بنشیند، او واقعاً ذره‌ای حق ندارد که تسلیم دشمن و سپاهیان پوشالی را بپذیرد. ما به تمام هم‌میهنان خود و به خلق‌های سراسر جهان اعلام میداریم: فرماندهی عالی چون چینگ صلاحیت ندارد که خود را نماینده خلق چین و نیروهای مسلح چین که واقعاً علیه ژاپن جنگیده‌اند معرفی کند، خلق چین برای نیروهای مسلح ضد ژاپنی مناطق آزادشده چین که تحت فرمان سرفرمانده جوده قرار دارند این حق را طلب میکند که آنها نمایندگان خود را مستقیماً برای شرکت در پذیرش تسلیم ژاپن از طرف چهار دولت بزرگ متفق و شرکت در کنترل نظامی که این چهار دولت بر ژاپن برقرار میکنند و همچنین برای شرکت در کنفرانس صلح آینده اعزام دارند. اگر به این مطالبه ترتیب اثر داده نشود خلق چین آنها را بمثابه شیوه‌ای نادرست تلقی خواهد کرد.

یادداشتها

- ۱ - ۱۰ اوت ۱۹۴۵ سرفرمانده جوده از ستاد کل نیروها در پکن، فرمانی به کلیه نیروهای مسلح مناطق آزاد شده درباره تسلیم اشغالگران ژاپنی صادر کرد. اینک متن کامل آن:
- ژاپن تسلیم بلاشرط خود را اعلام داشت و متفقین برای بحث در پیرامون

ترقیات قبول تسلیم ژاپن بر اساس اعلامیه پتسدام با یکدیگر ملاقات خواهند کرد . بنابر این من بتمام نیروهای مسلح مناطق آزاد شده فرمان میدهم :

(۱) بموجب مواد اعلامیه پتسدام ، تمام نیروهای ضد ژاپنی مناطق آزاد شده ، باید این فرمان را به سپاهیان دشمن و ارگانهای فرماندهی آنها که در شهرها ، بلوک یا در امتداد خطوط ارتباطی مجاور آنها قرار گرفته‌اند ابلاغ کنند که تجهیزات خود را تمام وکمال در مهلت معین به نیروهای جنگنده ما تحویل دهند . پس از خلع سلاح سپاهیان دشمن ، نیروهای ما بموجب آئین‌نامه‌های ما درباره رفتار جوانمردانه نسبت به اسیران جنگ حیات آنها را تضمین خواهند نمود .

(۲) تمام نیروهای مسلح ضد ژاپنی مناطق آزاد شده باید این فرمان را به تمام سپاهیان و مقامات پوشالی مجاور خود ابلاغ کنند که پیش از امضاء قرار تسلیم از طرف اشغالگران ژاپنی بما به پیوندند منتظر بمانند که تجدید سازمان یابند یا مرخص شوند . پس از این مهلت سپاهیان پوشالی مجبورند تمام اسلحه خود را تحویل دهند .

(۳) تمام نیروهای مسلح ضد ژاپنی مناطق آزاد شده باید مصممانه آن سپاهیان دشمن و آن سپاهیان پوشالی را که از تسلیم شدن و تحویل اسلحه خود سرباز میزنند نابود سازند .

(۴) نیروهای مسلح ما اختیار کامل دارند که واحدهای خود را برای تصرف شهرها ، بلوک یا خطوط ارتباطی که در دست نیروهای دشمن و نیروهای پوشالی است اعزام دارند ، کنترل نظامی آنها را بر عهده گیرند ، نظم را در آنجا برقرار کنند و برای کلیه امور اداری کمیته‌هایی تعیین نمایند ؛ هر گونه خرابکاری یا مقاومت بمشابه خیانت بمیهن مجازات خواهد شد .

پس روز یازدهم اوت فرماندهی عالی در ین ان بتواتر شش فرمان صادر کرد :
به نیروهای مسلح منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان (تحت فرماندهی رفیق حه لون) و منطقه آزاد شده شان سی - چاهار - حه به (تحت فرماندهی رفیق نیه ژون جن) و منطقه آزاد شده حه به - ژه هه - لیاو نین فرمان داد که بسوی مغولستان داخلی و شمال شرقی حرکت کنند ؛ به نیروهای مسلح منطقه آزاد شده شان سی فرمان داد که خط آهن دا تون - پو جو و دره رودخانه فن را از سپاهیان ژاپنی و سپاهیان پوشالی پاک کنند ؛ به نیروهای مسلح تمام مناطق آزاد شده فرمان داد که علیه تمام خطوط ارتباطی مهم که در دست دشمن باقی است شدیداً به تعرض پردازند تا سپاهیان

ژاپنی و سپاهیان پوشالی را وادار به تسلیم نمایند . واحدهای ارتش آزادیبخش توده‌ای تمام مناطق آزادشده مصمصانه این فرمانها را بمورد اجرا گذاشته و پیروزی‌های مهمی بدست آوردند .

۲ - منظور اعلامیه‌ای است که روز ۲۶ ژوئیه ۱۹۴۵ از طرف چین ، بریتانیای کبیر و ممالک متحده آمریکا در کنفرانس پتسدام صادر گردید و به ژاپن تکلیف میکرد که تسلیم شود . نکات عمده اعلامیه عبارتند از : محو کامل میلیتاریسم ژاپن ، خلع سلاح کامل سپاهیان ژاپن ، برچیدن صنایع جنگی ژاپن ، محاکمه جنایتکاران جنگ ژاپن ، اجرای اعلامیه قاهره که بموجب آن ژاپن باید از سرزمین‌هایی که با زور تصرف کرد مانند کره ، منچوری ، تایوان و جزائر پون هو در چین دست بردارد و سرزمین خود را به جزایر هون شو ، هوکایدو ، کیوشو ، شیکوکو و جزائر کوچک مختلف محدود سازد . بالاخره اشغال ژاپن از طرف نیروهای مسلح متفق تا آنکه در ژاپن يك حکومت دموکراتيك استقرار یابد . اتحاد شوروی که با اعلامیه پتسدام موافقت کرد در ۸ اوت ۱۹۴۵ به ژاپن اعلان جنگ داد .

۳ - اشاره است به عمل زشت تسلیم در برابر ژاپن و مبارزه علیه کمونیسم که طی جنگ مقاومت در برابر ژاپن از طرف مرتجعین گومیندان دنبال میشد . مرتجعین گومیندان به قسمتی از سپاهیان خود و کارمندان دولت خود دستور دادند که به اشغالگران ژاپنی به پیوندند تا بعداً در موقع حمله به مناطق آزادشده بعنوان سپاهیان و کارمندان پوشالی به نیروهای ژاپنی ملحق گردند . و این همان چیزی است که مزورانه " نجات کشور از راه غیرمستقیم " مینامیدند .

۴ - دای لی رئیس بوروی تجسّسات و آمار شورای نظامی گومیندان بود . این بورو یکی از سازمانهای عظیم جاسوسی گومیندان بود .

۵ - منظور هجوم سپاهیان گومیندان است در ژوئیه ۱۹۴۵ به چون هوا ، سیون ای و یائو میان در منطقه گوان جون که بخشی از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا بود . رجوع شود به « وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی » ، یادداشت ۶ ، همین جلد .

۶ - رژیم پوشالی نانکن رژیم وان جین وی خائن بود و رژیم چون چینگ رژیم چانکایشك . " یکی شدن رژیم‌های نانکن و چون چینگ " يك توطئه سیاسی بود که امپریالیسم ژاپن و عناصر هوادار ژاپن در درون گومیندان آنرا تدارك میدیدند .

www.KetabFarsi.com

دو تلگراف سرفرمانده ارتش هجدهم به چانکایشك

(اوت ۱۹۴۵)

۱ - تلگراف ۱۳ اوت

ما بوسیله رادیوی چون چینگ از دو تلگراف خبرگزاری مرکزی آگهی یافتیم . یکی از آنها شعر بر فرمانی است که شما بعنوان ما فرستاده‌اید و دیگری حاکی از فرمان شما خطاب بافسران و سربازان مناطق مختلف جنگ است . در فرمانی که بعنوان ماست گفته میشود که " کلیه واحدهای ارتش هجدهم باید تا دستور جدید در مواضع خود باقی بمانند . " بعلاوه بما قدغن میشود که از مبادرت

این دو تلگراف سرفرمانده ارتش هجدهم بوسیله رفیق مائو تسه دون تنظیم شده است . در آن هنگام که تجاوزکاران ژاپنی تسلیم خود را اعلام داشته ولی در واقع تسلیم نشده بودند حکومت چانکایشك با كمك مسلحانه امپریالیسم آمریکا این حق را برای خود قائل شد که تجاوزکاران ژاپنی بوی تسلیم شوند و بیبهاه این کار

به خلع سلاح دشمن دست باز داریم . طبق تلگراف خبرگزاری مرکزی که از چون چینگ پخش شده و بتاريخ ۱۱ اوت است فرمان شما خطاب با افسران و سربازان مناطق مختلف جنگ چنین حاکی است : " امروز فرماندهی کل تلگراف‌هائی به کلیه افسران و سربازان مناطق مختلف جنگ فرستاده و فرمان داده است که عملیات جنگی را توسعه بخشند و بر طبق نقشه‌ها و فرمان‌هائی که تنظیم و صادر شده است مجدانه و بدون کمترین وقفه به پیش بروند . " بعقیده ما این دو فرمان با هم تضاد دارد . بموجب فرمان اول ، واحدهای ما باید " تا دستور جدید در مواضع خود باقی بمانند " ، یعنی از هرگونه حمله دست باز دارند ، از هر گونه نبرد خودداری ورزند . چرا از ما میخواهید که نجنگیم در حالی که تجاوزکاران ژاپنی در واقع هنوز تسلیم نشده‌اند و در هر ساعت و در هر لحظه به کشتار مردم چین ، به پیکار با سپاهیان چین و در عین حال به پیکار با سپاهیان شوروی ، آمریکائی و انگلیسی ادامه میدهند و از طرف دیگر سپاهیان شوروی ، آمریکائی و انگلیسی نیز در هر ساعت و در هر لحظه به پیکار با تجاوزکاران ژاپنی مشغول‌اند ؟ اما فرمان دوم شما بنظر ما خیلی خوب است :

به اعزام نیروهای مهمی بمنظور فشار بر مناطق آزاد شده دست زد و جنگ داخلی ضد انقلابی را مجدانه تدارك میدید . هدف رفیق مائو تسه دون از تنظیم تلگراف نخستین این بود که نقاب از چهره ضد انقلابی چانکایشک برگیرد و قاطبه مردم را در برابر دسیسه جنگ داخلی هشیار سازد . تلگراف دوم گام دیگری بود در افشاء دسیسه دارودسته چانکایشک در برانگیختن جنگ داخلی و پیشنهاد شش ماده‌ای حزب کمونیست چین را بمنظور جلوگیری از آن مطرح کرد . رفیق مائو تسه دون بهمین منظور دو تفسیر برای خبرگزاری سین هوا نوشت : « چانکایشک جنگ داخلی

... "توسعه عملیات جنگی و ... پیشروی مجدانه و بدون کمترین وقفه". این عالی است! ولی جای تأسف است که شما این فرمان را فقط به واحدهای ویژه خود داده‌اید نه بما. و برای ما فرمان کاسلا دیگری صادر کرده‌اید. فرمانی که جوده در ... اوت به کلیه نیروهای مسلح ضد ژاپنی در مناطق آزاد شده چین فرستاد (۱) درست بدین معنی است که آنها باید "عملیات جنگی را توسعه بخشند". فرمان مذکور ضمناً تصریح میکند که نیروهای مسلح ضد ژاپنی در عین "توسعه عملیات جنگی" باید به تجاوزکاران ژاپنی دستور تسلیم شدن بدهند و اسلحه و اسوال دیگر واحدهای دشمن و واحدهای پوشالی را تحویل بگیرند. آیا این فرمان خیلی خوب نیست؟ بدون تردید خیلی خوب است. بدون تردید بسود ملت چین است. اما فرمان "تا دستور جدید در مواضع خود باقی بمانند" بدون تردید بسود ملت چین نیست. ما فرمان شما را در این مورد خطا می‌شماریم، آنقدر خطا که بناچار اعلام می‌داریم که آن را یکباره رد میکنیم. این فرمان نه تنها غیر عادلانه است بلکه بر خلاف منافع ملت چین نیز میباشد و فقط به تجاوزکاران ژاپنی و به خائنان بمیهن سود میرساند.

برمی‌انگیزد و «درباره اظهاریه سخنگوی چانکایشك» که در همین جلد به‌چاپ رسیده است. در اثر موضع استوار و مصممانه حزب کمونیست چین که از لاف و گزاف‌های ارتجاعی چانکایشك مرعوب نمیشد مناطق آزاد شده بسرعت گسترش پیدا کرد و ارتش آزادیبخش بسرعت رشد یافت و در اثر فشار سیاسی شدیدی که در داخل و خارج کشور بر ضد انگیزش جنگ داخلی چین اعمال میشد چانکایشك بناچار تغییر تاکتیک داد، قیافه مسالمت‌جو بخود گرفت و از رفیق مائو سه‌دو دعوت بعمل آورد که برای مذاکرات صلح به چون‌چینگ برود.

۲ - تلگراف ۱۶ اوت

در این هنگام که دشمن مشترك با یعنی دولت ژاپن مواد اعلامیه پتسدام را پذیرفته و هم‌اکنون تسلیم خود را اعلام داشته ولی در واقع تسلیم نشده است من بنام کلیه نیروهای مسلح ضد ژاپنی و ۲۶۰ میلیون نفر ساکنان مناطق آزاد شده چین و مناطق اشغالی ژاپنی‌ها اعلامیه و خواست‌های زیرین را در برابر شما مطرح می‌سازم .

اینك كه جنگ مقاوت بر ضد ژاپن پیروزمندانه پایان می‌یابد توجه شما را به واقعیاتی كه امروز در صحنه جنگ در چین وجود دارد جلب می‌كنم : در مناطق پهناوری كه شما رها كردید و باشغال دشمن و پوشالیان در آمد ما علی‌رغم میل شما در عرض هشت سال نبرد دشوار قریب يك میلیون كيلومتر مربع از اراضی را باز ستاندیم ، بیش از ۱۰۰ میلیون از اهالی را آزاد ساختیم ، ارتش منظمی متجاوز از يك میلیون نفر و چريك توده‌ای متجاوز از ۲,۲۰۰,۰۰۰ نفر ترتیب دادیم و در سرزمین ۱۹ استان زیرین : لیائو نین ، ژه هه ، چاهاار ، سوی یوان ، چه به ، شان سی ، شنسی ، گان سو ، نین سیا ، هه‌نان ، شان دون ، جیان سو ، ان هوی ، حو به ، حو نان ، جیان سی ، جه جیان ، فوجیان و گوان دون ، ۱۹ منطقه وسیع آزاد شده (۲) بوجود آوردیم و اکثر شهرها ، راههای سهم ارتباط و بخشهای ساحلی را كه پس از حادثه ۷ ژوئیه ۱۹۳۷ بتصرف دشمن و پوشالیان در آمده است باستثنای چند منطقه در محاصره گرفتیم . بعلاوه در مناطق اشغالی ژاپنی‌ها (با ۱۶۰ میلیون جمعیت) نیروهای مخفی عظیمی را برای مقاوت سازمان دادیم تا آنكه بر دشمن و بر پوشالیان ضربه وارد آورند . در صحنه عملیات ، پیوسته

۶۹ در صد سپاهیان ژاپن را که بر چین تجاوز کرده‌اند (باستثنای سپاهیان او در شمال شرقی) و ۹۵ در صد سپاهیان پوشالی را جلو گرفته‌ایم ، مورد حمله قرار داده و بمحاصره در آورده‌ایم . بر عکس ، حکومت و نیروهای مسلح شما پیوسته سیاستی را دنبال کرده‌اند که عبارتست از دست روی دست گذاشتن و تماشاگرانه در انتظار پیروزی نشستن ، نیروهای خود را حفظ کردن و جنگ داخلی را تدارك دیدن . شما نه فقط از اینکه مناطق آزاد شده ما و ارتش‌های ما را برسمیت بشناسید و بآنها خواربار برسانید امتناع ورزیدید بلکه با نیروی عظیمی بالغ بر ۹۴۰۰۰ نفر به محاصره و حمله بر ما پرداختید . با آنکه ارتش و اهالی مناطق آزاد شده چین از حمله نیروهای دشمن و نیروهای پوشالی از يك سو و سپاهیان خود شما از سوی دیگر رنج بی‌پایان کشیدند هرگز کمترین رخوتی در اراده خویش مبنی بر استقامت در جنگ مقاومت ، وحدت و دموکراسی راه ندادند . مردم مناطق آزاد شده چین و حزب کمونیست چین بارها بشما و دولت شما پیشنهاد کردند که کنفرانسی از کلیه احزاب تشکیل دهید و دولت ائتلافی دموکراتیکی بوجود آورید که سراسر کشور را دربرگیرد تا به مبارزات داخلی پایان بخشد ، کلیه نیروهای ضد ژاپنی خلق چین را بسیج و متحد سازد ، جنگ مقاومت را به پیروزی برساند و صلح را پس از جنگ تأمین نماید . اما پیشنهادهای ما همواره از طرف شما و دولت شما رد شد . این امر موجب ناخرمندی شدید ماست .

بزودی دشمن تسلیم‌نامه خود را امضا خواهد کرد . ولی شما و دولت شما همچنان نظریات ما را نشنیده میگیرید . بعلاوه در ۱۱ اوت فرمانی برای من فرستاده‌اید که از نامعقول‌ترین فرمان‌هاست و به بهانه

خلع سلاح دشمن به سپاهیان خود دستور داده‌اید که بمقیاس وسیعی بر مناطق آزاد شده فشار نظامی وارد آورند . باین طریق خطر جنگ داخلی بیش از همیشه حدت یافته است . اینها همه ما را بر آن میدارد که خواست‌های زیرین را در برابر شما و دولت شما مطرح سازیم :

۱ - من می‌طلبم که شما ، دولت شما و فرماندهی کل شما ، پیش از آنکه تسلیم ژاپن و پوشالیان را بپذیرید و در اثر تسلیم مذکور به انعقاد موافقت‌نامه یا قراردادی پردازید با ما مشورت کنید تا نظریات مشترکی اتخاذ شود . زیرا که شما و دولت شما موجبات ناخشنودی خلق را فراهم ساخته‌اید و نمیتوانید نه نماینده توده‌های وسیع و نه نماینده هیچ يك از نیروهای توده‌ای مسلح ضد ژاپنی در مناطق آزاد شده چین و مناطق اشغالی ژاپنی‌ها در چین باشید . ما این حق را برای خود محفوظ میداریم که اگر موافقت‌نامه‌ها یا قراردادها بدون موافقت قبلی ما حاوی مطلبی مربوط به نیروهای توده‌ای مسلح ضد ژاپنی در مناطق آزاد شده چین و مناطق اشغالی ژاپنی‌ها باشد نظریه خود را بیان کنیم .

۲ - کلیه نیروهای توده‌ای مسلح ضد ژاپنی در مناطق آزاد شده چین و مناطق اشغالی ژاپنی‌ها ، بموجب اعلامیه پتسدام و ترتیباتی که متفقین برای پذیرش تسلیم دشمن مقرر داشته‌اند (۳) ، حق دارند تسلیم سپاهیان ژاپن و پوشالیان را که در محاصره ما هستند بپذیرند ، اسلحه و اموال آنها را تصرف کنند و مسئولیت اجرای کلیه موادی را که متفقین پس از پذیرش تسلیم ژاپن قید خواهند کرد برعهده گیرند . من در ۱۰ اوت به نیروهای مسلح مناطق آزاد شده چین فرمان دادم که بر کوشش خویش در حمله بر سپاهیان دشمن بیفزایند و آماده پذیرش تسلیم آنان باشند . در ۱۵ اوت به پاسوژی اکاسورا ، سرفرمانده نیروهای

دشمن ، فرمان دادم كه با سپاهيانش تسليم شود (۴) . البته اين فرمان مربوط بمنطقه عمليات نيروهاي مسلح مناطق آزاد شده ميباشد نه ساير مناطق . من عقیده دارم كه فرمان‌هايم كاملاً درست است و با مصالح مشترك چين و متفقين موافقت دارد .

۳ - توده‌هاي وسيع و كليۀ نيروهاي مسلح ضد ژاپني مناطق آزاد شده چين و مناطق اشغالي ژاپني‌ها حق دارند نمايندگان خويش را براي شركت در پذيرش تسليم ژاپن كه بوسيله متفقين انجام ميگيرد و براي شركت در حل كليۀ مسايل ناشيه از تسليم دشمن اعزام دارند .

۴ - مناطق آزاد شده چين و كليۀ نيروهاي مسلح ضد ژاپني حق دارند كه هيئت نمايندگي خاص خويش را براي شركت در كنفرانس آينده صلح با ژاپن و كنفرانس‌هاي ملل متحد اعزام دارند .

۵ - از شما خواهش دارم از جنگ داخلي اجتناب ورزيد . راه اين كار اينست كه پذيرش تسليم واحدهاي دشمن و پوشاليان كه در محاصره نيروهاي مسلح مناطق آزاد شده هستند با اين نيروها باشد و پذيرش تسليم واحدهاي دشمن و پوشاليان كه در محاصره نيروهاي مسلح خاص شما هستند با آن نيروها . اين امر نه فقط مطابق رسمي است كه در كليۀ جنگ‌ها معمول ميباشد بلكه بويژه براي اجتناب از جنگ داخلي ضروري است . اگر شما طور ديگر عمل كنيد عواقب ناگواري به پيش خواهد آمد . اين اخطار كه بشما ميدهم جدی است و خواهش دارم آن را سرسري نگرديد .

۶ - از شما ميطلبم كه بيدرنك ديكتاتوري حزب واحد را براندازيد ، كنفرانسي از كليۀ احزاب بمنظور تشكيل دولت ائتلافی دموكراتيک تشكيل دهيد ، كليۀ كارمندان فاسد و مختلس و همچنين

کلیه سرتجعان را منفصل سازید ، خائنان را مجازات کنید ، دوائر محرمانه را از میان بردارید ، قانونیت احزاب مختلف را برسمیت بشناسید (تا کنون شما و دولت شما حزب کمونیست چین و کلیه احزاب دموکراتیک را غیرقانونی بشمار آورده‌اید) ، کلیه قوانین و مقررات ارتجاعی را که محدود کننده آزادی‌های مردم است لغو کنید ، حکومت‌های منتخب خلق و نیروهای مسلح ضد ژاپنی را در مناطق آزاد شده چین برسمیت بشناسید ، واحدهای خود را که مناطق آزاد شده را محاصره کرده‌اند عقب بکشید ، زندانیان سیاسی را آزاد سازید ، به اصلاحات اقتصادی و سایر اصلاحات دموکراتیک پردازید .

بعلاوه ، شما باید تلگراف من مورخ ۱۳ اوت را که پاسخ فرمان ۱۱ اوت شماست در یافت کرده باشید . تکرار میکنم : فرمان شما بکلی خطا بود . شما در ۱۱ اوت به واحدهای من فرمان دادید که " تا دستور جدید در مواضع خود باقی بمانند " و دیگر بدشمن حمله نکنند . ولی این حقیقت نه فقط روز ۱۱ اوت وجود داشت بلکه امروز هم (۱۶ اوت) بجای خود باقی است که دولت ژاپن فقط در حرف تسلیم شده است نه در عمل ، سند تسلیم هنوز امضا نشده و تسلیم واقعی هنوز صورت نگرفته است . این نظر من با نظر متفقین — انگلستان ، آمریکا و شوروی — مطابقت کامل دارد . در همان ۱۱ اوت که شما آن فرمان را بعنوان من صادر کردید فرماندهی ارتش انگلستان در جبهه برمه اعلام داشت که جنگ با ژاپن ادامه دارد . نیمیتز (۵) ، فرمانده قوای آمریکا ، اظهار کرده است که نه فقط حالت جنگ با ژاپن همچنان برقرار است بلکه جنگ با کلیه آثار مخرب خود باید تعقیب شود . فرماندهی ارتش سرخ شوروی در خاور دور گفته است : " دشمن را باید بیرحمانه در هم

شکست . “ روز ۱۰ اوت ژنرال آنتونوف ، رئیس ستاد کل ارتش سرخ چنین اظهار داشت :

پیام راجع به تسلیم ژاپن که بوسیله امپراطور ژاپن در ۱۴ اوت انتشار یافته فقط اظهاریه‌ای کلی درباره تسلیم بلاشرط است . فرمان قطع مخاصمه هنوز به نیروهای مسلح داده نشده است و سپاهیان ژاپن به‌مقاومت ادامه می‌دهند . پس هنوز تسلیم واقعی نیروهای مسلح ژاپن در بین نیست . تسلیم سپاهیان ژاپنی را فقط آنگاه میتوان واقعی بشمار آورد که امپراطور ژاپن به نیروهای مسلح فرمان ترك مخاصمه و زمین گذاشتن اسلحه صادر کند و این فرمان واقعاً اجرا گردد . بنا براتب فوق نیروهای مسلح شوروی در خاور دور به عملیات تعرضی خود بر ضد ژاپن ادامه خواهند داد . کاملاً آشکار است که از میان کلیه فرماندهان کل نیروهای متفقین فقط شما هستید که فرمانی کاملاً خطا صادر کرده‌اید . بعقیده من خطای شما از آنجا ناشی است که بدنبال منافع خودخواهانه هستید و این خطا بسیار وخیم است زیرا که فرمان شما بسود دشمن تمام میشود . از اینجهت من بر طبق منافع مشترک چین و متفقین با عزمی جزم بر ضد فرمان شما بر خواهم خاست تا آنکه علناً اشتباه خود را بپذیرید و این فرمان خطا را ملغی سازید . من همچنان به واحدهای مسلح تحت فرماندهی خویش فرمان خواهم داد که عملیات خود را با عملیات نیروهای مسلح اتحاد شوروی ، آمریکا و انگلستان تطبیق داده مجدانه بر دشمن حمله آورند تا آنگاه که دشمن واقعاً بترك مخاصمه مبادرت جوید ، اسلحه تسلیم کند و سرزمین میهن ما تماماً بجا باز گردد . صریحاً بشما میگویم : من سربازی میهن پرستم و طور دیگر نمیتوانم عمل کنم .

خواهش دارم بمطالب بالا بیدرتنگ پاسخ گوئید .

یادداشتها

۱ - مراجعه شود به « چانکاپشک جنگ داخلی برمیانگیزد » ، یادداشت ۱ ، جلد حاضر .

۲ - نوزده منطقه آزاد شده عبارت بود از : شنسی - گان سو - نین سیا ، شان سی - سوی یوان ، شان سی - چاهار - حه به ، حه به - ژه هه - لیائو نین ، شان سی - حه به - حه نان ، حه به - شان دون - حه نان ، شان دون ، جیان سوی شمالی ، جیان سوی مرکزی ، جیان سوی جنوبی ، شمال رودخانه حوای ، جنوب رودخانه حوای ، ان هوی مرکزی ، جه جیان ، گوان دون ، چیون یا ، حو نان - حو به - جیان سی ، حو به - حه نان - ان هوی و حه نان .

۳ - در ۱۰ اوت ۱۹۴۵ دولت ژاپن از اتحاد شوروی ، چین ، آمریکا و انگلستان درخواست تسلیم کرد . در ۱۱ اوت دولت های این چهار کشور پاسخ دادند که «فرماندهی های ارتش زمینی ، دریائی و هوائی ژاپن» و «کلیه نیروهای تحت نظارت آنها در هر جا که باشند» باید «هرگونه عملیات فعال را قطع نموده» و «اسلحه خویش را تسلیم کنند» .

۴ - یاسوژی اکامورا در آن موقع فرمانده کل نیروهای مهاجم ژاپن در چین بود . فرمانی که از طرف جوده فرمانده کل ، به یاسوژی اکامورا ابلاغ شد ، چنین اشعار میداشت :

(۱) دولت ژاپن رسماً مواد اعلامیه پتسدام را پذیرفته و تسلیم خویش را اعلام داشته است .

(۲) شما به کلیه واحدهای تحت فرماندهی خویش فرمان خواهید داد که کلیه عملیات نظامی را قطع کنند ؛ کلیه واحدها باستثنای آنهایی که در محاصره نیروهای دولت گومیندان هستند باید طبق فرمان ارتش های مناطق آزاد شده چین یعنی ارتش هشتم ، ارتش چهارم جدید و ستون ضد ژاپنی چین جنوبی بما تسلیم شوند .

(۳) در مورد تسلیم واحدهای ژاپن در چین شمالی ، به ژنرال

ساداموشیمورا فرمان خواهید داد که نماینده‌ای به منطقه فو پین ارتش هشتم بفرستد تا در آنجا دستورهای ژنرال نیه ژون جن را دریافت دارد. در مورد تسلیم واحدهای ژاپن در چین شرقی، خود شما نماینده‌ای معین خواهید کرد که به ستاد کل ارتش چهارم جدید در تیان چان برود تا در آنجا دستورهای ژنرال چن ای را دریافت دارد. در مورد تسلیم واحدهای ژاپن در استانهای حوبه و حه نان، به نماینده خود در اوهان دستور خواهید داد که بمنطقه کوهستانی دابیه لشکر ۵ ارتش چهارم جدید برود تا در آنجا دستورهای ژنرال لی سیان نیان را دریافت دارد. در مورد تسلیم واحدهای ژاپن در استان گوان دون به نماینده خود در گوان جو دستور خواهید داد که به منطقه دون ون ستون ضد ژاپنی چین جنوبی برود تا در آنجا دستورهای ژنرال زن شن را دریافت دارد.

(۴) کلیه واحدهای ژاپن در چین شمالی، شرقی، مرکزی و جنوبی (باستثنای آنهایی که در محاصره واحدهای گومیندان هستند) باید تا موقعی که تسلیم آنها از طرف ارتش ما پذیرفته شود تمام اسلحه و تمام اموال دیگری را که در اختیار دارند دست نخورده نگهدارند و هیچ دستوری جز از جانب ارتش هشتم، ارتش چهارم جدید و ستون ضد ژاپنی در چین جنوبی نباید بپذیرند.

(۵) کلیه هواپیماها و کشتی‌ها در چین شمالی و چین شرقی باید در همانجا که هستند باقی بمانند. ولی کشتی‌هایی که در طول ساحل چین در دریای زرد و خلیج بوه‌های لنگر انداخته‌اند باید در لیان یون گان، چینگ دائو، وی‌های وی و تیائوزین متمرکز گردند.

(۶) هیچگونه تخریب اموال و تأسیسات نباید اتفاق بیفتد.

(۷) شما و فرماندهان ارتش ژاپن تحت فرماندهی شما در چین شمالی، شرقی، مرکزی و جنوبی در اجرای فرمان فوق مسئولیت کامل دارید.

۵ - چستر و نیمیتز در آن موقع فرمانده کل نیروی دریائی آمریکا در اوقیانوس آرام و فرمانده کل منطقه جنگی اوقیانوس آرام بود.

درباره اظهاریه سخنگوی چانکایشك

(۱۶ اوت ۱۹۴۵)

یکی از سخنگویان چانکایشك در بعد از ظهر ۱۵ اوت در کنفرانس مطبوعاتی چون چینگ ضمن اشاره باینکه گویا حزب کمونیست چین فرمان ژنرال یسیم چانکایشك به فرمانده کل جوده را نقض کرده است چنین اظهار داشت : " فرمان های ژنرال یسیم باید اجراء شود " و " کسانی که این فرمان ها را نقض میکنند دشمنان خلق اند ". خبرنگار خبرگزاری سین هوا میگوید : این بان معنی است که چانکایشك آشکارا طبل جنگ داخلی همگانی را کوفته است . چانکایشك در روز ۱۱ اوت یعنی در همان موقعی که تجاوزکاران ژاپنی نزدیک به نابودی قطعی بودند فرمانی که خصلت خیانت ملی دارد صادر کرد و پیکار با تجاوزکاران ژاپنی و سپاهیان پوشالی را بر ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید و کلیه سایر نیروهای مسلح توده ای قدغن نمود . بدیهی است که بهیچوجه ممکن نبود و نمیبایست این فرمان مورد پذیرش واقع شود . اندکی بعد چانکایشك بزبان سخنگوی

تفسیری است که بوسیله رفیق مائو تمه دون برای خبرگزاری سین هوا نوشته شده است .

خود اعلام داشت که نیروهای مسلح خلق چین "دشمنان خلق" اند . این بمنزله آنست که وی به خلق چین اعلان جنگ داخلی داده باشد . البته دسیسه چانکایشك در برانگیختن جنگ داخلی از فرمان ۱۱ اوت آغاز نمیشود . این نقشه‌ای است که وی پیوسته در طی هشت سال جنگ مقاومت دنبال کرده است . چانکایشك در طی این هشت سال به سه کارزار ضد کمونیستی پرداخته در ۱۹۴۰ ، ۱۹۴۱ و ۱۹۴۳ (۱) مبادرت جست و هر بار آماده بود که کارزار را بصورت جنگی داخلی بمقیاس سراسر کشور گسترش دهد . فقط مخالفت خلق چین و شخصیت‌های سرشناس کشورهای ستفق بود که از برانگیختن این جنگ جلو گرفت و موجب خشم فراوان چانکایشك گردید . بدین جهت او مجبور شد جنگ داخلی همگانی را بزمان پایان جنگ مقاومت محول سازد . منشاء فرمان ۱۱ اوت و اظهاریه ۱۵ اوت در اینجاست . چانکایشك بمنظور برانگیختن جنگ داخلی قبلاً انواع اصطلاحات مانند "حزب بیگانه" ، "حزب خائن" ، "ارتش خائن" ، "ارتش یاغی" ، "مناطق خائنان" ، "مناطق راهزنان" ، "سرپیچی از فراسین نظامی و دولتی" ، "تیول فتودالی" ، "تخریب در جنگ مقاومت" و "بمخاطره افکندن کشور" اختراع کرده بود ؛ بعلاوه وی مدعی بود که سابقاً در چین "جنگ داخلی" وقوع نیافت و فقط "سرکوب کمونیست‌ها" روی داده است و بنابر این در آینده نیز "جنگ داخلی" وقوع نخواهد یافت ، و غیره . این بار تفاوت کوچکی بمیان آمده و آن افزایش اصطلاح جدید "دشمن خلق" است . اما همه خواهند دید که این اختراع نابخردانه است . زیرا که هر وقت در چین از "دشمن خلق" صحبت میشود هر کس میداند که اشاره به کیست . در چین يك نفر هست که به سه اصل

خلق آورده سون یاتسن و به انقلاب بزرگ ۱۹۲۷ خیانت ورزید ، خلق چین را در ورطه‌ای از خون ده سال جنگ داخلی فرو برد و باین طریق محرك تهاجم امپریالیسم ژاپن شد . و آنگاه از شدت هول و هراس سر از پا نشناخته از استان حی لون جیان به استان گوی جو گریخت و باند کثیری را در این گریز بدنبال خود کشانید . سپس دست روی دست گذاشته تماشاگرانه به انتظار پیروزی نشست . اینك كه پیروزی فرا رسیده است وی بارتش‌های خلق فرمان میدهد كه " تا دستور جدید در مواضع خود باقی بمانند " و به دشمن و به خائنان فرمان میدهد كه " نظم را حفظ كنند " تا آنكه او بتواند مفتخرانه و پیروزندانه به نانكن باز گردد . همینكه این واقعیات بازگوشود خلق چین میشناسد كه این شخص چانكایشك است . آیا پس از اینهمه كارها كه چانكایشك کرده است میتوان منكر شد كه او دشمن خلق است ؟ البته منكرانی هستند . خلق میگوید : آری . دشمنان خلق میگوید : نه . اینها هستند منكران . اما این موضوع در میان خلق روز بروز كمتر انكار میشود . اینك مسئله در اینجااست كه این دشمن خلق میخواهد جنگ داخلی برانگیزد . خلق چه باید بکند ؟ خبرنگار خبرگزاری سین هوا میگوید : سیاست حزب كمونیست چین در برابر تصمیم چانكایشك در برانگیختن جنگ داخلی ، روشن و پیگیرانه است و عبارتست از مخالفت با این جنگ داخلی . در همان موقعيكه امپریالیسم ژاپن بهجوم بر چین پرداخت حزب كمونیست چین خواستار شد كه بجنگ داخلی پایان داده شود و اتحاد بر ضد تهاجم خارجی صورت گیرد . در ۱۹۳۶ - ۱۹۳۷ حزب كمونیست چین با مجاهدات عظیم خود چانكایشك را واداشت كه پیشنهادهایش را بپذیرد و باین طریق جنگ مقاومت ضد ژاپنی را امكان پذیر گردانید .

در مدت هشت ساله این جنگ ، حزب کمونیست چین پیوسته کوشید که خلق را هشیار نگهدارد تا از خطر جنگ داخلی جلوگیری بعمل آورد . از سال گذشته ، حزب کمونیست چین بارها توجه خلق را باین نکته معطوف داشت که چانکایشک به دسیسه عظیمی مشغول است تا بمحض پایان یافتن جنگ مقاومت به برانگیختن جنگ داخلی بمقیاس ملی دست بزند . حزب کمونیست چین ، مانند خلق چین و همه کسانی که در جهان به صلح در چین علاقه‌منداند عقیده دارد که جنگ داخلی جدید مصیبتی است . ولی حزب کمونیست چین بر آن است که هنوز میتوان از جنگ داخلی جلوگیری گرفت و باید جلو گرفت . بمنظور جلوگیری از جنگ داخلی است که حزب کمونیست چین تشکیل دولت ائتلافی را پیشنهاد کرده است . اینک چانکایشک این پیشنهاد را رد میکند و در هر لحظه ممکن است جنگ داخلی برانگیخته شود . اما برای خنثی کردن این دسیسه چانکایشک وسیله مطمئن وجود دارد . باید اهتمام ورزید در اینکه نیروهای دموکراتیک خلق سریعاً و قاطعاً افزایش یابد . مردم باید شهرهای بزرگ را که بوسیله دشمن اشغال شده است آزاد سازند و سپاهیان دشمن و پوشالیان را خلع سلاح کنند و اگر ستمکاری ، دشمن خلقی جرأت حمله بخلق داشته باشد مردم باید برای دفاع از نفس به واکنش جدی دست بزنند و اغراض آن برانگیزنده جنگ داخلی را باطل گردانند . اینست وسیله جلوگیری از جنگ داخلی ، و یگانه وسیله است . خبرنگار خبرگزاری سین هوا قاطبه ملت و همه جهان را فرا میخواند که این دروغ کاملاً مزورانه و بیشرمانه را بدور افکنند که گویا برعکس آنچه ما گفتیم اگر چانکایشک آزاد ساختن شهرهای بزرگ و در اشغال دشمن را و خلع سلاح نیروهای دشمن و پوشالی را و استقرار

دموکراسی را بر خلق چین قدغن کند و اگر خود او برای "بارت بردن" (و نه برای در هم کوفتن) رژیم دشمن و پوشالیان وارد این شهرها شود اجتناب از جنگ داخلی در چین میسر خواهد گردید. خبرنگار خبرگزاری سین هوا تأکید میکند که این دروغ است و آشکارا با منافع ملی و دموکراتیک خلق چین مبادرت دارد و نیز با کلیه واقعیات تاریخ چین معاصر در تضاد فاحش است. هرگز نباید فراموش کرد که: اینک چانکایشك مدت ده سال از ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۷ بجنگ داخلی مبادرت ورزید بهیچوجه در اثر آن نبود که شهرهای بزرگ در دست حزب کمونیست و نه در دست وی بود. برعکس، از ۱۹۲۷ بعد هیچیک از شهرهای بزرگ در دست حزب کمونیست نبود بلکه همه یا در دست چانکایشك بود و یا بوسیله او تخلیه شده و بدست ژاپنیها و خائنان افتاده بود. جنگ داخلی در چنین احوالی ده سال بمقیاس ملی ادامه یافت و در بعضی از مناطق تا امروز ادامه دارد. هرگز نباید فراموش کرد که اگر جنگ داخلی دهساله متوقف شد، اگر سه کارزار بزرگ ضد کمونیستی و سایر تحریکات بیشمار دوران جنگ مقاومت (از آن جمله هجوم جدید چانکایشك بر بخش جنوبی منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا (۲)) با شکست روبرو گردید بهیچوجه در اثر آن نبود که چانکایشك نیرومند بود بلکه در اثر آن بود که نیرومندیش نسبتاً ناکافی بود و حزب کمونیست و خلق چین نسبتاً نیرومند بودند. جنگ داخلی دهساله متوقف شد، نه در اثر دعوت شخصیت‌های سراسر کشور که هوادار صلح بودند و از جنگ میهراسیدند (مانند شخصیت‌های "جمعیت برانداختن جنگ داخلی" (۳)) که سابقاً وجود داشت و سایر جمعیت‌های نظیر آن) بلکه در اثر خواست متکی باسلحه حزب کمونیست چین و نیز خواست متکی باسلحه

ارتش شمال شرقی تحت فرماندهی جان سیوه لیان و ارتش شمال غربی بفرماندهی یان هو چن . سه کارزار بزرگ ضد کمونیستی و تحریکات بیشمار دیگر باین علت با شکست روبرو نشد که حزب کمونیست به امتیاز دادن های بینهایت دست زد و شیوه انقیاد پیش گرفت بلکه بآن علت که حزب کمونیست در روش استوار و عادلانه دفاع از نفس پایداری کرد : " ما حمله نخواهیم کرد مگر آنکه بما حمله کنند ؛ ولی اگر بما حمله کنند بحمله متقابل دست خواهیم زد . " (۴) اگر حزب کمونیست زور نداشت و استقامت نداشت ، اگر تا پایان در راه منافع ملت و خلق پیکار نکرده بود چگونه ممکن بود جنگ داخلی دهساله پایان یابد ؟ چگونه ممکن بود جنگ مقاومت بر ضد ژاپن آغاز شود ؟ و حتی اگر آغاز میشد چگونه ممکن بود مجذانه تا پیروزی کنونی دنبال گردد ؟ چگونه ممکن بود چانکایشک و همالانش هنوز زنده باشند و از درون هزیمت گه کوهستانی خویش که آنقدر دور از جبهه است فرمان صادر کنند و اظهاریه بدهند ؟ حزب کمونیست چین مصممانه با جنگ داخلی مخالف است . اتحاد شوروی ، آمریکا و انگلستان در کریمه چنین اعلام داشته اند : " صلح داخلی برقرار کنید " و " مقامات دولتی موقت که نماینده کلیه عناصر دموکراتیک اهالی باشند و متعهد شوند که هر چه زودتر از راه انتخابات آزاد به استقرار دولتی موافق اراده خلق بپردازند بوجود آورید " (۵) . این درست همان است که حزب کمونیست چین پیوسته پیشنهاد کرده است : تشکیل " دولت ائتلافی " . اگر این پیشنهاد عملی شود میتواند از جنگ داخلی جلوگیری کند . ولی يك شرط قبلی لازم است : زور . اگر خلق متعدد شود و نیروهای خویش را بیفزاید میتواند از جنگ داخلی اجتناب ورزید .

یادداشتها

- ۱ - مراجعه شود به « تفسیر درباره یازدهمین پلنوم کمیته اجرایی مرکزی گومیندان و دومین جلسه سومین شورای سیاسی ملی » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۳ .
- ۲ - اشاره است به حمله سپاهیان گومیندان در چون هوا ، سیون ای و یائو سیان واقع در بخش گوان جون از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا در ژوئیه ۱۹۴۵ . مراجعه شود به « وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی » ، یادداشت ۶ ، جلد حاضر .
- ۳ - « جمعیت برانداختن جنگ داخلی » در اوت ۱۹۳۲ در شانگهای تشکیل شد و اعضایش بطور عمده بورژواها بودند . این جمعیت اعلامیه‌ای صادر کرده « پایان دادن به جنگ داخلی و متحد شدن برای مقاومت در برابر تجاوز بیگانه » را خواستار گردید .
- ۴ - مراجعه شود به « مصاحبه با سه خبرنگار خبرگزاری مرکزی و روزنامه‌های «سائو دان بائو» و «سین مین بائو» » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۲ .
- ۵ - استخراج از اعلامیه کنفرانس کریمه (یالتا) مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۴۵ که از طرف اتحاد شوروی ، آمریکا و انگلستان انتشار یافت .

www.KetabFarsi.com

درباره مذاکرات صلح با گومیندان — اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

(۲۶ اوت ۱۹۴۵)

تسلیم سریع اشغالگران ژاپنی وضع را بکلی تغییر داد . چانگایشک حق پذیرفتن تسلیم را بخود اختصاص داد . برای مدتی (در طول دوره معینی) شهرهای بزرگ و خطوط ارتباطی مهم در اختیار ما نخواهد بود . معذک در شمال چین ما با سرسختی مبارزه خواهیم کرد و از هیچ کوششی نخواهیم ایستاد برای آنکه هر آنچه که ممکن است بدست آوریم . در جریان دو هفته گذشته ارتش ما ۹۰ شهر بزرگ و کوچک و همچنین مناطق وسیع روستائی را آزاد ساخت . هم اکنون مجموعاً ۱۷۵ شهر (از آنجمله شهرهائی که از سابق در تصرف ما بود) در دست ماست .

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برای داخل حزب ، اثر رفیق مائو تسه دون که دو روز پیش از مسافرت وی به چون چینگ برای مذاکرات صلح با گومیندان نگاشته شده است . از آنجائی که حزب کمونیست چین و توده‌های وسیع خلق چین با تشبثات چانگایشک بمنظور بر افروختن جنگ داخلی مصممانه مبارزه

این خود پیروزی بزرگی است . در شمال چین ارتش ما وی های وی ،
 ین تای ، لون کو ، ای دو ، زی چوان ، یان لیو چینگ ، بی که چی ،
 بوه آی ، جان جیا کو ، جی نین ، فون جن و نقاط دیگر را آزاد نمود .
 نیروی ارتش ما شمال چین را بحرکت در میاورد و این خود به همراه با
 پیشروی صاعقه آسای ارتش شوروی و ارتش مغولستان در جهت دیوار
 بزرگ حزب ما را در موقعیت مساعدی قرار میدهد . لازم است از این
 پس نیز در طول دوران معینی به تعرض خود ادامه دهیم و از تمام
 امکانات استفاده کنیم برای آنکه خط آهن بی بین - سوی یوان ، بخش
 شمال خط آهن دا تون - پو جو ، خطوط آهن جن دین - تای یوان ،
 ده جو - شی جیا جوان ، بای گوی - جین جن و دائو کو - چینگ
 هوا را بتصرف در آوریم ، خطوط آهن بی بین - لیائو نین ، بی

میکردند ، از آنجائی که امپریالیسم آمریکا در آنموقع هنوز نتوانست افکار محافل
 دموکراتیک جهانی را که یک دل و یک زبان علیه سیاست جنگ داخلی و دیکتاتوری
 چانکایشک بود ندیده بگیرد ، چانکایشک سه بار در روزهای ۱۴ ، ۲۰ و ۲۳
 اوت ۱۹۴۵ به رفیق مائو تسه دون تلگراف کرد و او را برای مذاکرات صلح به چون
 چینگ دعوت نمود . ۲۷ اوت هارلی که در آن زمان سفیر اتا زونی در چین
 بود برای همین منظور به ین آن آمد . برای آنکه تمام کوشش های ممکن در
 راه نیل به صلح بعمل آید و در عین مبارزه بخاطر صلح سیمای حقیقی امپریالیسم
 آمریکا و چانکایشک آشکار گردد ، چیزی که بسود وحدت و پرورش توده های
 وسیع مردم بود ، حزب کمونیست چین تصمیم گرفت رفقا مائو تسه دون ، جوئن لای
 و وان ژوه فی را برای مذاکرات صلح به چون چینگ اعزام دارد . در این اطلاعیه سیر
 حوادث در چین ، در طول دو هفته ای که از اعلان ژاپن دائر به تسلیم خود میگذشت
 مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد . در اطلاعیه خط مشی کمیته مرکزی حزب
 کمونیست چین در مورد مذاکرات صلح ، گزشتنهائی که ممکن است در جریان

پین - حان کو ، تیانزین - پو کو ، چینگ دائو - جی نان ، لون های و شانگهای - نانکن را قطع کنیم و در هر جایی که ممکن است ولو بطور موقت کنترل خود را برقرار نمائیم . در عین حال باید نیروهای لازم را به تصرف هر چه بیشتر دهات ، قرا ، و مراکز بخش و شهرستان بگماریم . مثلاً ارتش چهارم جدید بسیاری از شهرها را در ناحیه میان نانکن و دریاچه تای هو و کوهستان تیان مو و همچنین در ناحیه بین رودخانه های یان تسه و حوای اشغال کرد ؛ در استان شان دون سپاهیان ما تمام شبه جزیره شان دون را اشغال نمودند ؛ در منطقه شان سی - سوی یوان ارتش ما شهرهای بسیاری را در جنوب و شمال خط آهن بی پین - سوی یوان بتصرف در آورد . اینها همه وضع فوق العاده مساعدی بوجود آورده است . حزب ما هرگز تعرض خود

مذاکرات بآنها دست زد و اقدامات حزب متناسب دو سرنوشت ممکن مذاکرات تشریح میشود . در اطلاعیه رهنمودهای اصولی داده میشود در باره اینکه چگونه باید مبارزه را در مناطق آزاد شده شمال و شرق چین و در مناطق آزاد شده مرکز و جنوب چین دنبال کرد . در اطلاعیه گفته میشود که حزب نباید بسبب این مذاکرات در مورد چانگکایشک هوشیاری را از دست بدهد و از مبارزه با او بکاهد . رفیق مائو تسه دون و رفقای دیگر ۲۸ اوت به چون چینگ وارد شدند و در آنجا مدت ۴۳ روز با گومیندان بمذاکره پرداختند . اگرچه در نتیجه این مذاکرات فقط « خلاصه مذاکرات میان نمایندگان گومیندان و حزب کمونیست » (یعنی « موافقت نامه ۱۰ اکتبر ») انتشار یافت ، معذک مذاکرات موفقیت آمیز بود باین معنی که حزب کمونیست در وضع سیاسی بسیار مساعدی قرار داشت و گومیندان در وضعی نامساعد . رفیق مائو تسه دون ۱۱ اکتبر به پین ان بازگشت و رفقا جوئن لای و وان ژوه فی برای ادامه مذاکرات در چون چینگ باقی ماندند . در باره نتایج مذاکرات به مقاله « درباره مذاکرات چون چینگ » منتشر در همین جلد مراجعه شود .

را هنوز مدتی ادامه دهد خواهد توانست کنترل خود را بر بخش اعظم مناطق شمالی رودخانه سفلی یان تسه و رودخانه حوای ، بر بخش اعظم استان های شان دون ، حه به ، شان سی و سوی یوان ، بر تمام سرزمین استان های ژه هه و چاهار و همچنین بر بخشی از استان لیائو نین برقرار سازد.

اکنون که اتحاد شوروی ، اتازونی و انگلستان جنگ داخلی را در چین تأیید نمیکنند (۱) ، و حزب ما سه شعار بزرگ صلح ، دموکراسی و وحدت (۲) را به پیش کشیده و رفقا مائو تسه دون ، جوئن لای و وان ژوه فی را برای بحث با چانگایشک در مسائل مهمی نظیر وحدت ملی و ساختمان دولتی به چون چینگ اعزام میدارد ، ممکن است نقشه های اهریمنی مرتجعین چینی را بخاطر برانگیختن جنگ داخلی نقش بر آب ساخت . اگرچه گومیندان با تصرف شهرهای شانگهای ، نانکن و شهرهای دیگر ، با دست یافتن به دریا ، بغنیمت گرفتن اسلحه دشمن و وارد ساختن سپاهیان پوشالی در ارتش خود ، توانسته است تا حدودی مواضع خود را استحکام بخشد ، معذک مانند سابق هزاران زخم التیام ناپذیر پیکر آنها میپوشانند ، تضادهای درونی متعددی از درون آنها میخورند و مشکلات بزرگی آنها فرا گرفته اند . اسکان دارد که گومیندان پس از مذاکرات ، در زیر فشار نیروهای داخلی و خارجی تحت شرایط معینی موقعیت حزب ما را برسمیت بشناسد و حزب ما نیز تحت شرایط معینی موقعیت گومیندان را برسمیت بشناسد . در اینصورت مرحله جدیدی از همکاری دو حزب (باضافه جامعه دموکراتیک (۳) و غیره) و تکامل مسالمت آمیز آغاز خواهد شد . حزب ما در چنین وضعی باید با پیگیری تمام شیوه های مبارزه قانونی را فرا گیرد و کار خود را در مناطق گومیندان در قسمتهای سدگانه : شهرها ، دهات و ارتش (و اینها نقاط ضعیف

کار ما میباشند) تشدید نماید. در جریان مذاکرات، گومیندان یقیناً از ما خواهد خواست که بمیزان زیاد از وسعت مناطق آزادشده بکاهیم، تعداد ارتش آزادیبخش را تقلیل دهیم و از انتشار اسکناس خودداری ورزیم. ما آماده‌ایم به گذشت‌هایی که ضرورت اقتضا کند و بمنافع اساسی خلق زیان نرساند دست‌زنیم. بدون چنین گذشت‌هایی نمیتوان نقشه‌های اهریمنی گومیندان را بمنظور برانگیختن جنگ داخلی عقیم ساخت، نمیتوان ابتکار سیاسی را در دست گرفت، نمیتوان علاقه و توجه افکار عمومی جهان و عناصر بینایی را در درون کشور بخود جلب کرد، نمیتوان برای حزب ما وضع قانونی بدست آورد، نمیتوان به حفظ صلح در درون کشور توفیق یافت. معذک گذشت حدودی دارد؛ باید اصول را مراعات کرد و منافع اساسی خلق را از دستبرد مصون داشت. پس از آنکه حزب ما گام‌های فوق‌الذکر را برداشت، گومیندان اگر بازهم در براه انداختن جنگ داخلی لجاج ورزد، در پیشگاه خلق کشور و مردم جهان گناهکار شناخته خواهد شد و حزب ما حق خواهد داشت برای دفاع از خویش بجنگ برخیزد و حملات آنرا درهم شکند. بعلاوه حزب ما دارای نیروی عظیمی است. در صورت حمله دشمن اگر شرایط برای نبرد مساعد باشد، در موضع دفاع از خویش قرار خواهد گرفت و دشمن را با قاطعیت، از بیخ و بن و تمام و کمال نابود خواهد کرد (نباید سبکسرانه به نبرد پرداخت؛ نبرد را هنگامی باید آغازید که پیروزی بر دشمن مسلم است). هیچگاه نباید از منظره هراس انگیز نیروهای ارتجاعی ییمی بخود راه داد. باید به اصول زیر اکیداً پای‌بند بود و هرگز آنها را بدست فراسوشی نسپرد؛ وحدت و مبارزه، وحدت از راه مبارزه؛ حق داشتن، سود جستن و اندازه نگهداشتن؛ بهره‌برداری

از تضادها ، جلب اکثریت و مبارزه با اقلیت و درهم شکستن یکایک دشمنان (۴) .

در استانهای گوان دون ، هونان ، حوبه و حه نان نیروهای حزب ما در موقعیت پس دشوارتری قرار گرفته‌اند تا در شمال چین و ناحیه میان دو رودخانه یان تسه و هوای . کمیته مرکزی برای این رفاقا مهر و علاقه عمیقی احساس میکند . معذک در سرزمینهای وسیع مناطق گومیندان نقاط ضعیف بسیار است و این رفاقا اگر در سیاست نظامی (عملیات جنگی و غیره) و سیاست وحدت توده‌های مردم مرتکب اشتباهات جدی نشوند ، فروتن باشند ، جانب حزم و احتیاط را نگاه دارند ، بخود غره نشوند و مبهکسری بخرج ندهند کاملاً خواهند توانست بر وضع خویش راه خروجی بیابند . رفقائی که در این مناطق فعالیت دارند ، علاوه بر دریافت رهنمودهای لازم از جانب کمیته مرکزی باید مستقلاً وضع را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند ، مسائل خود را حل کنند ، بر دشواریها غلبه نمایند ، نیروهای خود را حفظ کنند و توسعه دهند . هرگاه گومیندان علیه شما نتواند دست به کاری زند ، ممکن است در جریان مذاکرات میان دو حزب خود را مجبور بیند که نیروهای شما را برسمیت بشناسد و با راه حلی موافقت کند که بسود هر دو طرف است . معذک شما نباید هیچگاه به مذاکرات دل به‌بندید و در انتظار نیکخواهی گومیندان باقی بمانید ، چه در گومیندان هرگز اثری از نیکخواهی نبوده و نیست . اتکاء شما باید به نیروهای خودتان ، به رهبری صحیح عملیات ، بوحدت برادرانه در درون حزب و به حسن مناسبات با توده‌های مردم باشد ، راه خروج شما در اینست که با عزمی راسخ بر خلق تکیه کنید . بطور خلاصه حزب ما در برابر مشکلات بسیاری قرار گرفته که

نباید از نظر فرو گذارد . برای مواجهه با آنها همه اعضای حزب ما باید از لحاظ روحی کاملاً آماده باشند . معذلك وضع بين المللی و داخلی بطور کلی مساعد بحال حزب ما و خلق است و تا زمانی که صفوف حزب متحد و بهم فشرده است ، حزب بتدریج بر تمام مشکلات فائق خواهد آمد .

یادداشتها

- ۱ - در آستانه تسلیم ژاپن و تا مدتی بعد از آن اتحاد شوروی ، اتازونی و انگلستان اعلام میداشتند که جنگ داخلی را در چین تأیید نمیکند . اما بزودی حوادث نشان دادند که اظهارات نمایندگان اتازونی دائر بر اینکه گویا جنگ داخلی را در چین تأیید نمیکند فقط پرده‌ای بود برای اینکه در پشت آن كمك فعال اتازونی را به دولت ارتجاعی گومیندان بمنظور تدارك جنگ داخلی پنهان نگاه دارند .
- ۲ - سه شعار صلح ، دموکراسی و وحدت از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در « بیانیه درباره وضع حاضر » مورخ ۲۵ اوت ۱۹۴۵ به پیش کشیده شد . بیانیه اشاره میشود که پس از تسلیم امپریالیسم ژاپن « مهم‌ترین وظیفه‌ای که در برابر تمام ملت قرار گرفته تحکیم وحدت در درون کشور ، تأمین صلح داخلی ، استقرار دموکراسی و بهبود زندگی خلق است ، برای آنکه بر اساس صلح ، دموکراسی و وحدت بتوان به امر اتحاد در سراسر کشور تحقق بخشید و يك چین نو ، مستقل ، آزاد ، شکوفان و نیرومند بنا کرد » .
- ۳ - جامعه دموکراتیک در سال ۱۹۴۱ تأسیس شد و در آغاز جامعه سازمانهای سیاسی دموکراتیک چین نام داشت . در ۱۹۴۴ تجدید سازمان کرد و نام جامعه دموکراتیک چین بخود گرفت .
- ۴ - مراجعه شود به « مسایل تاکتیک کنونی در جبهه متحد ضد ژاپنی » و « درباره سیاست » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد دوم .

درباره مذاکرات چون چینگ

(۱۷ اکتبر ۱۹۴۵)

کمی از وضع کنونی سخن گوئیم . این مسئله ایستکه رفقای ما را بخود مشغول میدارد . این بار مذاکرات میان گومیندان و حزب کمونیست در چون چینگ ۳۴ روز بطول انجامید . نتایج آن هم اکنون در روزنامه ها انتشار یافته است (۱) . نمایندگان هر دو حزب هنوز بمذاکرات خود ادامه میدهند . مذاکرات ثمراتی ببار آورده است . گومیندان اصول صلح و وحدت را پذیرفته ، پاره ای حقوق دموکراتیک خلق را برسمیت شناخته و قبول کرده است که باید از جنگ داخلی پرهیز شود و هر دو حزب در محیط صلح برای ساختمان چین نو با یکدیگر همکاری کنند . اینها است نکاتی که بر روی آنها توافقی حاصل آمده است . نکات دیگری هست که بر روی آنها توافقی بدست نیامده است . مسئله مناطق آزادشده راه حل پیدا نکرده ، مسئله نیروهای مسلح نیز هنوز در واقع حل نشده است . موافقت نامه حاصله نیز فقط بر روی کاغذ است . آنچه

گزارش رفیق مائو تسه دون به جلسه ای از کادرها در ین ان پس از بازگشت از چون چینگ .

روی کاغذ است با واقعیت برابر نیست . حوادث نشان میدهد که برای تحقق آنها هنوز باید به کوشش بسیاری دست زد .

گومیندان از یکسو با ما مذاکره میکند و از سوی دیگر مناطق آزادشده را بشدت مورد حمله قرار میدهد . سپاهیان گومیندان که مستقیماً در این تعرض درگیر شدهاند ، صرفنظر از نیروهائی که گرداگرد منطقه سرحدی شنسی - گان سو - نین سیا مستقر گردیدهاند هم اکنون به هشت صد هزار تن بالغ میگردند . هر کجا که منطقه آزادشدهای هست نبرد درگیر میشود یا تدارك میشود . معذلك ماده اول « موافقتنامه . ۱ . اکتبر » درباره « صلح و ساختمان ملی » است . آیا این کلمات که بر روی کاغذ آمده با واقعیت در تضاد نیست ؟ مسلماً که هست . بهمین جهت است که ما میگوئیم که برای به تحقق در آوردن آنچه که بر روی کاغذ است ، هنوز باید به کوشش هائی دست زنیم . بچه دلیل گومیندان تا این اندازه به بسیج سپاهیان میپردازد برای آنکه ما را مورد تعرض قرار دهد ؟ برای آنکه مدتهاست تصمیم خود را دائر به امحاء نیروهای توده‌ای و نابود ساختن ما گرفته است . برای گومیندان بهتر آنست که ما را بسرعت نابود سازد ؛ اگر به این کار موفق نشود ، لااقل میخواهد ما را در وضع نامناسبتری قرار دهد و وضع را بحال خود مساعدتر سازد . بنابراین مسئله صلح اگرچه در موافقتنامه گنجانیده شده هنوز در عمل بتحقیق نپیوسته است . در حال حاضر در پاره‌ای از نواحی مانند منطقه شان دان در شان سی عملیات جنگی دامنه وسیعی بخود گرفته‌است . در فاصله میان کوه‌های تای هان ، تای یوه و جون تیائو جلگه پستی است که همان منطقه شان دان است . در این جلگه ماهی و گوشت یافت میشود و بین می شان برای تصرف آن ۱۳ لشکر به آنجا گسیل داشته است . سیاست ما

نیز مدتهاست معین شده و بر این پایه مبتنی است که هر ضربه را با ضربه‌ای پاسخ گوئیم و برای هر وجب زمین بچنگیم. این بار ما به حمله متقابل دست زدیم، جنگیدیم، و بسیار خوب هم جنگیدیم. عبارت دیگر ما آن ۱۳ لشکر را کاملاً نابود ساختیم. نیروهای تعرضی دشمن شامل ۳۸,۰۰۰ سرباز بود و ما با ۴۱,۰۰۰ تن در نبرد شرکت جستیم. در این ۳۸,۰۰۰ تن ۳۵,۰۰۰ آن نابود گردیدند، دو هزار تن فرار کردند و یک هزار نفر پراکنده شدند (۲). ما از این پس نیز بهمین شیوه خواهیم جنگید. گومیندان با نوسیدی میکوشد سرزمینهای مناطق آزادشده ما را بتصرف در آورد. بنظر میرسد که این امر توضیح پذیر نیست. چرا گومیندان برای تصرف این سرزمینها اینقدر سماجت بخرج میدهد؟ مگر این خوب نیست که مناطق آزادشده در دست ماست، در دست خلق است؟ اما این شیوه تفکر ماست، شیوه تفکر خلق است. اگر گومیندان نیز اینگونه میاندیشید وحدت تأمین میگردید و همه باهم "رفیق" میبودیم. اما او چنین میاندیشد و با لجاجت بمقابله با ما برمیخیزد. او دلیلی نمیبیند برای آنکه با ما بمقابله برنخیزد. بنابر این طبیعی است که ما را مورد حمله قرار دهد. ما نیز بنوبه خود دلیلی نمیبینیم بر اینکه اجازه بدهیم مناطق آزادشده بتصرف او در آید. بنابر این طبیعی است که ما نیز به حمله متقابل پردازیم. هر گاه دو مدعای مخالف در برابر یکدیگر قرار گیرند آنگاه جنگ در خواهد گرفت و انگهی اگر سخن بر سر دو مدعای مخالف است بچه دلیل مذاکرات صورت گرفت و برای چه «مواقت‌نامه ۱ اکتبر» انعقاد یافت؟ در جهان پدیده‌ها بفرنج اند، تعیین آنها بر اثر عوامل بسیاری است. ما باید هر مسئله را از جنبه‌های مختلف مورد مطالعه قرار دهیم و نه فقط از یک جنبه آن. در چون چینگ برخی

بر آنند که چانکایشك آدمی بیوفا و فریبکار است و مذاکرات با او نمیتواند به نتیجه‌ای بیانجامد. این است آنچه که مردمان بسیاری در ملاقات خود با من گفتند، در میان آنها اعضاء گومیندان نیز وجود داشت. من در پاسخ گفتم که نظر آنها موجه و مستدل است و هجده سال تجربه (۳) ما را به این اعتقاد راسخ رسانید که کاملاً همین طور است. امر مسلمی است که مذاکرات میان گومیندان و حزب کمونیست بناکامی خواهد انجامید، امر مسلمی است که آنها بجنگ خواهند پرداخت و کار آنها به بریدگی از یکدیگر خواهد کشید. ولی این فقط يك جنبه مسئله است. جنبه دیگری نیز هست. هنوز عوامل بسیاری وجود دارند که ممکن نیست چانکایشك آنها بحساب بیاورد. در میان این عوامل سه عامل مهم عبارتند از قدرت مناطق آزادشده، مخالفت خلق در پشت جبهه بزرگ با جنگ داخلی و وضع بین‌المللی. در مناطق آزادشده ما صد میلیون جمعیت، يك سیلیون سرباز و دو میلیون چریك توده‌ای است یعنی آنچنان نیروئی که هیچکس جرأت نمیکند اهمیت آنها ناچیز بشمرد. وضع حزب ما در زندگی سیاسی ملت دیگر آن نیست که در ۱۹۲۷ بود، دیگر آن نیست که در ۱۹۳۷ بود. گومیندان که هیچگاه برای حزب کمونیست وضع مساوی الحقوقی برسمیت نشناخته اکنون به اینکار مجبور شده است. آنچه را که ما در مناطق آزادشده بتحقیق در آورده‌ایم، تمام چین و سراسر جهان را تحت تأثیر گرفته است. خلق پشت جبهه بزرگ خواهان صلح و دموکراسی است. اخیراً در چون چینگ من عمیقاً احساس کردم که توده‌های وسیع خلق با شور و شوق از ما پشتیبانی میکنند؛ آنها از حکومت گومیندان ناراضی‌اند و همه امید خود را بما بسته‌اند. بعلاوه من با خارجیان بسیاری و از آنجمله آمریکائیان برخورد

کردم که نسبت بهما ابراز علاقه فراوانی میکنند. توده‌های وسیع مردم در کشورهای خارج از نیروهای ارتجاعی چین ناراضی‌اند و نسبت به نیروهای توده‌ای چین علاقه نشان میدهند. آنها سیاست چانکایشک را مردود می‌شمارند. ما در سراسر کشور و سراسر جهان دوستان بسیاری داریم، ما تنها نیستیم. تنها خلق مناطق آزادشده ما نیست که علیه جنگ داخلی و خواهان صلح و دموکراسی است، توده‌های وسیع مردم در پشت جبهه بزرگ و در سراسر جهان نیز علیه جنگ داخلی و خواهان صلح و دموکراسی‌اند. از لحاظ ذهنی چانکایشک می‌خواهد دیکتاتوری خود را حفظ کند و حزب کمونیست را از میان بردارد، ولی از لحاظ عینی مشکلات بسیاری بر سر راه او است و بنابر این باید ناچار اندکی رآلیست باشد. حال که او می‌خواهد رآلیست باشد ما نیز بنوبه خود رآلیست هستیم. او خود را رآلیست نشان داد و از ما دعوت کرد؛ ما نیز که دعوت او را بپذیریم رآلیست بودیم. ما ۲۸ اوت به چون چینگ رسیدیم. شب هنگام ۲۹ اوت من به نمایندگان گویندگان گفتم که کشور از موقع حادثه ۱۸ سپتامبر پیوسته به صلح و وحدت احتیاج داشته است. این آن چیزی است که ما می‌خواستیم بدون آنکه شاهد اجرای آن باشیم. صلح و وحدت فقط پس از حادثه سی‌ان و پیش از جنگ مقاوست که ۷ ژوئیه ۱۹۳۷ آغاز گردید بتحقیق پیوست. طی هشت سالی که این جنگ بطول انجامید ما باتفاق علیه ژاپن بجنگ پرداختیم. ولی هیچگاه جنگ داخلی متوقف نگردید، بدون وقفه تصادماتی کم و بیش مهم روی داد. اگر انکار شود که این جنگ داخلی نبود فریب‌کاری است و با واقعیت تطبیق نمیکند. در جریان این هشت سال ما بارها تمایل خود را ب مذاکره ابراز داشتیم. در هفتمین کنگره حزب نیز

اعلام کردیم : "حاضریم هر موقع که مقامات گومیندان برای دست کشیدن از سیاست غلط کنونی از خود آمادگی نشان دهند و با اصلاحات دموکراتیک موافقت کنند، با آنها مذاکرات را از سر بگیریم" (۴). ما در مذاکرات خود بر آن بودیم که اولاً چین به صلح نیازمند است، ثانیاً چین به دموکراسی احتیاج دارد. چانکاپشک نتوانست هیچ خرده‌ای بگیرد و مجبور شد از در موافقت در آید. سیاست صلح و توافق‌هایی درباره دموکراسی که در «خلاصه مذاکرات» انتشار یافته از یکسو کلماتی است بر روی کاغذ که هنوز بتحقیق نپیوسته و از سوی دیگر ثمره تأثیر نیروهای مختلفی است. آنچه که گومیندان را وادار به قبول آنها نموده، نیروی خلق در مناطق آزادشده، نیروی خلق در پشت جبهه بزرگ، وضع بین‌المللی و خلاصه جریان عمومی حوادث است.

روش "جواب ضربه با ضربه" وابسته به موقعیت است. گاهی پذیرفتن مذاکرات جواب ضربه با ضربه است، گاهی نیز پذیرفتن مذاکرات جواب ضربه با ضربه است. ما در سابق حق داشتیم که بمذاکره نرفتیم، این بار نیز حق داریم که بمذاکره میرویم. در هر دو حالت روش ما جواب ضربه با ضربه است. این بار ما کار خوبی کردیم که رهسپار مذاکرات شویم، برای آنکه ما توانستیم دروغهای گومیندان را دایر بر اینکه حزب کمونیست خواهان صلح و وحدت نیست افشا کنیم. گومیندان برای دعوت از ما پی در پی سه تلگراف فرستاد و ما رهسپار آنجا شدیم. اما گومیندان هیچ تدارکی ندیده بود و همه پیشنهادات را میبایستی ما میدادیم. نتیجه مذاکرات این شد که گومیندان سیاست صلح و وحدت را پذیرفت. بسیار خوب است. اگر گومیندان در براه انداختن جنگ داخلی پافشاری کند، عدم حقانیت خود را در انتظار

تمام ملت و سراسر جهان عیان خواهد ساخت و ما دلائل بیشتری خواهیم داشت تا برای دفاع از خود بجنگ برخیزیم و حملات او را درهم شکنیم . اکنون که « موافقت نامه . ۱ اکتبر » انعقاد یافته وظیفه ما آنست که از آن دفاع کنیم ، از گومیندان بخواهیم پیمان خود را نگاه دارد و مبارزه بخاطر صلح را همچنان ادامه دهیم . اگر گومیندان جنگ را آغاز کند ، ما آنها را یکباره نابود خواهیم ساخت . جریان امر بدینصورت است : او بما حمله میکند ، ما نابودش میسازیم ، او راضی است . اگر قسماً نابود گردد قسماً راضی است ؛ هر چه نابودی او بیشتر باشد ، بیشتر راضی است ؛ اگر کاملاً نابود شود ، کاملاً راضی است . مسائل چین بغرنج و پیچیده اند ، افکار ما نیز باید تا حدودی بغرنج باشد . اگر آنها نبرد را آغاز کنند ، ما میجنگیم ، ما بخاطر صلح میجنگیم . اگر ما به مرتجعینی که جرأت میکنند به مناطق آزادشده حمله برند ضربات سختی وارد نیاوریم صلح بدست نخواهد آمد .

رفقائی سؤال میکنند چرا ما باید هشت منطقه آزادشده را واگذار کنیم (۵) . البته بسیار حیف است که این هشت منطقه را تفویض کنیم ولی بهتر است باین اقدام دست بزنیم . چرا حیف است ؟ برای اینکه خلق به بهای خون خویش و عرق جبین این مناطق را ایجاد کرده و با تحمل دشواریها آنها را ساخته است . بنابر این در مناطقی که واگذار میشود باید برای خلق وضع را با وضوح تمام توضیح داد و اقدامات مقتضی را معمول داشت . چرا باید این مناطق را واگذار کرد ؟ برای آنکه در غیر اینصورت گومیندان احساس راحتی نخواهد کرد . گومیندان به نانکن بر میگردد ولی بعضی از مناطق آزادشده جنوبی در نزدیکی بستر او یا در راهرو او است . تا هنگامیکه ما در آنجا هستیم ،

گویندگان راحت نخواهد خوابید و بهر صورت بر سر آنها با ما بمنازعه
 بر خواهد خاست. گذشته‌های ما در این زمینه بناکامی توطئه جنگ داخلی
 گویندگان کمک خواهد کرد و ما توجه و علاقه عده بسیاری از عناصر
 میانه حال را در داخل کشور و در خارج از آن جلب خواهیم نمود. .
 کلیه ارگانهای تبلیغاتی کشور بجز خبرگزاری سین هوا فعلاً زیر نظارت
 گویندگان قرار دارند و همه آنها کارخانه‌های جعل اکاذیب‌اند. در
 مورد مذاکرات این ارگانها شایعات غلطی انتشار دادند دائر بر اینکه
 حزب کمونیست فقط در دنبال منازعه بر سرزمینها است و نمیخواهد به
 گذشته‌هایی دست زند. سیاست ما مبتنی است بر حفظ منافع اساسی
 خلق. تا آنجائی که این اصل محترم شمرده شود که منافع اساسی خلق
 از هرگونه گزندی مصون ماند توسل به پاره‌ای گذشته‌ها مجاز است
 برای آنکه در عوض صلح و دموکراسی که قاطبه خلق بدان احتیاج
 دارد تأمین شود. در گذشته نیز هر موقع که ما با چانکایشک سروکار
 پیدا کردیم، در برابر او به گذشته‌هایی دست زدیم، حتی به گذشته‌های
 بزرگتری. در ۱۹۳۷ برای آنکه تمام ملت در جنگ مقاومت ضد ژاپنی
 درگیر شود، ما به ابتکار خود نام دولت انقلابی کارگری - دهقانی را
 حذف کردیم، نام ارتش انقلابی ملی را بر جای نام ارتش سرخ نشانیدیم
 و سیاست خود را دائر بر مصادره زمینهای مالکان ارضی به میاست تقلیل
 بهره‌مالکانه و نرخ سود تغییر دادیم. این بار ما با واگذاری بعضی از
 مناطق جنوب شایعات دروغ گویندگان را در پیشگاه تمام خلق چین
 و کلیه خلقهای سراسر جهان کاملاً فاش کردیم. مسئله نیروهای مسلح
 نیز همینطور است. گویندگان در تبلیغات خود میگویند که کوشش
 حزب کمونیست فقط بر سر تفنگ است. ما گفتیم که آماده‌ایم گذشته

کنیم . در ابتدا ما پیشنهاد کردیم نیروهای کنونی خود را تا ۴۸ لشکر یعنی تقریباً يك ششم نیروهای مسلح کشور تقلیل دهیم چون گومیندان ۲۶۳ لشکر در اختیار دارد . سپس ما پیشنهاد کاهش جدیدی دادیم تا ۴۳ لشکر یعنی يك هفتم نیروهای مسلح کشور . گومیندان اعلام داشت نیروهای خود را تا ۱۲۰ لشکر تقلیل خواهد داد . ما گفتیم که با همین تناسب ما خواهیم توانست نیروهای خود را تا ۲۴ و حتی ۲۰ لشکر تقلیل دهیم که همان نسبت يك هفتم است . در ارتش گومیندان نسبت افسران به سربازان بسیار بزرگ است و مجموعه نفرات هر يك از لشکرهاى او به شش هزار هم نمیرسد . ما با ۱,۲۰۰,۰۰۰ سربازی که داریم خواهیم توانست دویست لشکر نظیر لشکرهاى گومیندان تشکیل دهیم . ولی ما اینکار نمیکنیم . بدین ترتیب گومیندان دیگر چیزی ندارد بگوید و شایعات دروغ او هم نقش بر آب میشوند . اما آیا ما اسلحه خود را به گومیندان تسلیم خواهیم کرد ؟ بهیچوجه . اگر ما اسلحه خود را به گومیندان تسلیم کنیم آیا او اسلحه زیاده‌تری در اختیار نخواهد داشت ؟ باید اسلحه خلق را بتمامی حفظ کرد ولو آنکه يك قبضه تفنگ و يك دانه فشنگ باشد ؛ اسلحه را نباید تسلیم کرد .

این بود آنچه که میخواستم در باره وضع کنونی با رفقا در میان گذارم . وضع کنونی از طریق تضادهای متعددی تکامل مییابد . چرا مذاکرات میان گومیندان و حزب ما در مورد بعضی نکات به توافق رسید و در مورد بعضی دیگر به توافق نیانجامید ؟ برای چه « خلاصه مذاکرات » از صلح و وحدت سخن میرود در حالیکه عملاً نبرد همچنان ادامه دارد ؟ بعضی از رفقا از درك این تضادها ناتوان‌اند . هدف توضیحات من پاسخ دادن به این سئوالات است . پاره‌ای از رفقا نمیتوانند درك کنند

که چرا ما بمذاکره با چانگایشک رضایت دادیم در حالیکه او همیشه ضد کمونیست و ضد خلق بوده و هست. حزب ما در کنگره هفتم خود تصمیم گرفت که ما برای مذاکرات با چانگایشک هر گاه او سیاست خود را تغییر دهد آماده‌ایم. آیا این تصمیم درست بود؟ کاملاً درست بود. انقلاب چین انقلابی طولانی است و پیروزی را فقط میتوان گام بگام بدست آورد. آینده چین وابسته به مساعی ماست. در حدود شش ماه، وضع نامعلوم باقی میماند. ما باید بر مساعی خود بیفزائیم تا وضع بتواند در جهت مساعد بحال تمام خلق تکامل یابد.

اکنون چند کلمه نیز درباره کار خودمان اضافه کنیم. در میان رفقای حاضر عده‌ای بسوی جبهه رهسپار خواهند گشت. بسیاری از رفقای ما سرشار از شور و شوق‌اند و برای رفتن به جبهه بر یکدیگر سبقت میگیرند. این روحیه فعال و این شور و شوق بسیار با ارزش است. اما رفقای نیز هستند که افکار نادرستی دارند. آنها در این فکر نیستند که در جبهه مشکلات بسیاری در پیش است و باید بر آنها غلبه کرد، آنها تصور میکنند که در آنجا کارها بخوبی و خوشی خواهد گذشت، وضع آنها نیز بهتر از این خواهد بود. آیا کسانی نیستند که اینگونه فکر میکنند؟ گمان میکنم هستند. من به این رفقا توصیه میکنم که افکار خود را اصلاح کنند. رفتن به جبهه برای کار کردن است. کار چیست؟ کار مبارزه است. در آن نقاط مشکلات و مسائلی وجود دارد که حل آن بر عهده ماست. برای غلبه بر این مشکلات است که ما بآنجا رفته کار و مبارزه میکنیم. رفیق خوب آن کسی است که بیشتر مایل به عزیمت بآن محلی باشد که از همه جا بیشتر مشکلات دارد. در جبهه کار دشوار است. کار دشوار بمثابه باری است که در برابر ماست و میخواهد

ما را بیازماید که آیا میتوانیم آنرا بر دوش گیریم . بعضی بارها سبك اند و برخی سنگین . مردمانی هستند که بار سبك را بر بار سنگین ترجیح میدهند ، بار سبك را انتخاب میکنند و بار سنگین را برای دیگران میگذارند . این رفتار خوبی نیست . رفقای دیگر رفتار دیگری دارند ، آنها راحتی و خوشی را بدیگران واسیگذارند و خود بارهای سنگین را بدوش میکشند ؛ آنها در تحمل مصائب در صفوف مقدم اند و در برخورداری از راحتی و آسایش در صفوف آخر . اینها رفقای خوبی هستند . ما همه باید از روحیه کمونیستی آنها سرمشق بگیریم .

بسیاری از کادرهای محلی وطن خود را برای رفتن به جبهه ترك میگویند . و بسیاری دیگر نیز که از زادگاه خود در جنوب ، به ین ان آمده اند بسوی جبهه رهسپار میشوند . تمام رفقای که به جبهه میروند باید از لحاظ روحی آماده باشند بقسمی که وقتی بدانجا رسیدند بتوانند ریشه بگیرند ، گل دهند و میوه آورند . ما کمونیستها مانند دانه ایم و خلق مانند زمین . همین که به محلی رسیدیم باید با خلق یکی شویم ، در میان خلق ریشه بگیریم و گل دهیم . رفقای ما هر کجا که بروند باید با توده ها مناسبات حسنه برقرار کنند ، نسبت به آنها همدردی نشان دهند و آنها را در غلبه بر مشکلات یاری نمایند . ما باید توده های وسیع مردم را با خود متحد کنیم و هر اندازه موفقیت ما در این امر بیشتر باشد ، بهتر است . بسیج بی پروای توده ها ، بسط و رشد نیروهای خلق برای آنکه بتوانند تحت رهبری حزب ما بر تجاوزکاران پیروز شوند و يك چین نو بسازند ، اینست سیاستی که هفتمین کنگره ما (۶) تعیین کرد و ما باید برای اجرای آن مبارزه کنیم . بر عهده حزب کمونیست و خلق است که امور چین را اداره کنند . ما اراده راسخ و وسیله داریم برای

آنکه صلح و دموکراسی را بتحقیق در آوریم . اگر اتحاد ما با تمام خلق بازهم نزدیکتر شود ، امور چین بخوبی پیشرفت خواهد کرد .

پس از جنگ دوم جهانی ، جهان بسوی آینده درخشانی پیش میرود . این گرایش عمومی است . کنفرانس وزرای خارجه پنج دولت بزرگ در لندن با شکست مواجه گردید (۷) ، آیا این بمعنای آنستکه جنگ جهانی سوم درگیر خواهد شد ؟ نه . اندکی فکر کنید ، چگونه جنگ سوم جهانی ممکن است بلافاصله پس از جنگ دوم درگیر شود؟ کشورهای سرمایه داری و کشورهای سوسیالیستی سرانجام بر سر عده زیادی از مسائل بین المللی به سازشهایی خواهند رسید زیرا که سازش سودمند است (۸) . پرولتاریا و خلقهای سراسر جهان با جنگ ضد شوروی و ضد کمونیستی مخالف اند . طی سی سال اخیر دو جنگ جهانی بوقوع پیوسته است . میان نخستین و دومین جنگ جهانی پیش از بیست سال فاصله بود . طی نیم میلیون سالی که از تاریخ بشریت میگذرد فقط در سی سال اخیر جنگهای جهانی روی داده است . جهان پس از جنگ جهانی اول پیشرفتهای بزرگی کرده است و بدون شك پس از جنگ دوم پیشرفتهای بازهم سریعتری خواهد نمود . در دنبال نخستین جنگ جهانی اتحاد شوروی زاده شد و چند ده حزب کمونیست تأسیس گردیدند ، پدیده هایی که در تاریخ بیسابقه است . پس از پایان جنگ دوم جهانی اتحاد شوروی نیرومندتر گردید ، سیمای اروپا تغییر یافت ، آگاهی سیاسی پرولتاریا و خلقهای جهانی در سطح به مراتب بالاتری است و اتحاد نیروهای ترقیخواه سراسر جهان عمیق تر است . چین نیز در معرض تغییر سریع است . بارز است گرایش عمومی تکامل چین در جهت بهتر است و نه در جهت بدتر . دنیا در پیشرفت است ، آینده درخشان است و هیچکس

قادر نیست این سیر عمومی تاریخ را تغییر دهد. ما باید پیوسته ترقیات جهان و آینده تابناک آنرا به خلق بشناسانیم و از این راه بخلق کمک کنیم تا به پیروزی ایمان یابد. در عین حال ما باید بخلق و رفقای خود بگوئیم که راه ما پرپیچ و خم است. بر سر راه انقلاب هنوز موانع و مشکلات بسیاری است. هفتمین کنگره حزب ما پیش‌بینی کرده است که ما با مشکلات بسیاری مواجه خواهیم شد، ما ترجیح می‌دهیم مشکلات خود را بیش از آنچه خواهند بود بحساب بیاوریم. بعضی از رفقا ترجیح نمی‌دهند زیاد به مشکلات بیندیشند. اما مشکلات در زمره واقعیات‌اند، ما باید مشکلات را آن اندازه که هست باز شناسیم و از اینکه نسبت به آنها "روش نادیده گرفتن" در پیش گیریم بر حذر باشیم. ما باید وجود مشکلات را قبول کنیم، آنها را تجزیه و تحلیل کنیم و با آنها بمبارزه برخیزیم. در جهان راه راست نیست و ما باید آماده باشیم راه پرپیچ و خمی را دنبال کنیم بدون آنکه بخواهیم کاسیابی‌های ارزانی بدست آوریم. نباید تصور کرد که همه مرتجعین روزی از روزها خود بزانو در خواهند آمد. بطور اجمال آینده درخشان است و راه پرپیچ و خم. ما هنوز مشکلات بسیاری در برابر خود داریم که نباید نادیده انگاریم. اگر با قاطبه خلق بخاطر کوششی مشترک اتحاد بندیم یقیناً خواهیم توانست بر تمام مشکلات فائق گردیم و به پیروزی نائل آئیم.

یادداشتها

۱ - سخن بر سر « خلاصه مذاکرات » است که بنام « موافقت‌نامه ۱۰ اکتبر » نیز نامیده میشود و در تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۴۵ از طرف نمایندگان گومیندان و حزب

کمونیست چین بامضاء رسیده است . بطوری که در این « خلاصه مذاکرات » دیده میشود چانکایشک مجبور شد با «سیاست اساسی صلح و ساختمان ملی» که از طرف حزب کمونیست چین پیشنهاد شده بود ، موافقت کند و بپذیرد که «بر پایه صلح ، دموکراسی ، اتحاد و وحدت . . . بیک همکاری طولانی تحقق بخشد ، با قاطعیت از جنگ داخلی احتراز جوید و به بنای یک چین نو ، مستقل ، آزاد و شکوفا و نیرومند پردازد» و «دموکراتیزه کردن زندگی سیاسی ، ملی کردن ارتشها ، تساوی احزاب سیاسی و قانونی بودن آنها را بمثابة طرق و وسائل کاملاً لازم برای تحقق بخشیدن به صلح و ساختمان ملی» باز شناسد . او همچنین مجبور شد بپذیرد که سریعاً به قیومیت سیاسی گومیندان پایان دهد ، کنفرانس مشورتی سیاسی را دعوت کند ، «آزادی فرد و آزادیهای افکار ، زبان ، مطبوعات ، اجتماعات و اتحادیهها را آنطور که خلقهای کشورهای دموکراتیک در دوران صلح از آنها برخوردارند تضمین کند و بر طبق این اصل قوانین و تصویبهای جاری را ملغی سازد و یا تغییر دهد» ، سرویسهای مخفی را منحل نماید و «توقیف ، بازجویی و مجازات را از طرف هر ارگانی که به دادگستری و پلیس وابسته نیست اکیداً ممنوع سازد» ، «زندانیان سیاسی را آزاد کند» ، «خودمختاری منطقه‌ای را فعالانه تحقق بخشد و به انتخابات همگانی از پائین به بالا دست زند» و غیره . معذک دولت چانکایشک از شناسائی وضع قانونی برای ارتش توده‌ای ، برای قدرت توده‌ای در مناطق آزادشده لجوجانه استنکاف ورزید ، به بهانه «وحدت فرماندهی نظامی» و «وحدت مقامات دولتی» گستاخانه کوشید ارتش توده‌ای و مناطق آزادشده‌ای را که در زیر رهبری حزب کمونیست است کاملاً از میان بردارد و بهمین جهت هیچ توافقی بر سر این مسئله صورت نگرفت . ما در زیر بعضی از قسمتهای «خلاصه مذاکرات» را که مربوط به مذاکره بر سر مسئله نیروهای مسلح و قدرت سیاسی در مناطق آزادشده است میآوریم . در «خلاصه مذاکرات» منظور از لفظ «دولت» دولت گومیندان است که چانکایشک در رأس آن قرار دارد .

«در مورد ملی کردن ارتش ، حزب کمونیست چین پیشنهاد زیر را داد :

بخاطر وحدت فرماندهی نظامی دولت باید بیک تجدید سازمان صحیح و منصفانه نیروهای مسلح کشور دست زند ، برنامه‌ای تعیین کند برای آنکه این امر طی مراحل انجام گیرد ، بعلاوه به مرزبندی جدید مناطق نظامی پردازد و سیستمی برای سربازگیری و تکمیل نفرات برقرار نماید . پس از آنکه این برنامه تعیین شد حزب کمونیست چین آماده خواهد بود سپاهیان ضد ژاپنی تحت فرماندهی خود را تا ۲۴ لشکر و حتی تا ۲۰

لشکر تقلیل دهد و سپس بسرعت به ترخیص سپاهیان ضد ژاپنی خود در هشت منطقه واقع در استان گوان دون ، جه جیان ، جنوب جیان سو ، ان هوی جنوبی ، ان هوی مرکزی ، حو نان ، حو به و حه نان (بدون حه نان شمالی) بپردازد . حزب سپاهیان را که باید تجدید سازمان کند بتدریج از مناطق نامبرده بیرون خواهد برد تا آنها را در مناطق آزادشده جیان سوی شمالی ، ان هوی شمالی و در شمال خط آهن لون های متمرکز نماید . دولت اعلام داشت که برنامه تجدید سازمان سپاهیان در مقیاس ملی در دست تنظیم است و دولت آماده است که تجدید سازمان بیست لشکر سپاهیان ضد ژاپنی زیر رهبری حزب کمونیست چین را در نظر بگیرد ، هرگاه تمام مسائل مورد بحث در مذاکرات کاملاً حل شوند . در مورد مقر این سپاهیان دولت اضافه کرد که حزب کمونیست چین مختار است پیشنهاداتی تسلیم نماید که بعداً موضوع بحث و تصمیم قرار خواهند گرفت . حزب کمونیست چین پیشنهاد کرد که حزب کمونیست و نمایندگان نیروهای مسلح محلی او در کار شورای نظامی ملی و دوائر مختلف آن شرکت جویند ، دولت اجرای نظامنامه کادر را تضمین کند و افسران سر خدمت را در واحدهای تجدید سازمان یافته به درجات نظامی مختلف منصوب نماید ، افسرانی که پس از تجدید سازمان بخدمت در نیامده‌اند در مناطق مختلف برای تعلیمات توزیع شوند و یک سیستم صحیح و منصفانه تدارکات و همچنین یک برنامه تعلیمات سیاسی تعیین شود . دولت اعلام داشت که نسبت به این پیشنهادات ایرادی ندارد و حاضر است آنها را در جزئیات مورد بحث قرار دهد . حزب کمونیست چین پیشنهاد کرد که چریک توده‌ای مناطق آزادشده تماماً به صورت گاردهای محلی دفاع از خود سازمان یابد . دولت خاطر نشان ساخت که چنین سازمانی فقط میتواند در جایی در نظر گرفته شود که شرایط محلی آنرا ایجاب کند یا اجازه دهد . بمنظور تنظیم نقشه‌ای مشخص برای کلیه مسائلی که در اینجا طرح شده طرفین موافقت میکنند که کمیسیونی مرکب از سه عضو که بترتیب نماینده دایره عمومی عملیات نظامی شورای نظامی ملی و وزارت جنگ و ارتش هجدهم باشد تشکیل گردد .

”در مورد حکومت محلی در مناطق آزادشده ، حزب کمونیست پیشنهاد زیر را داد : دولت باید وضع قانونی دولتهای منتخب خلق را در مناطق آزادشده و در تمام مدارج برسمیت بشناسد . دولت اعلام داشت که پس از تسلیم ژاپن اصطلاح ” منطقه آزادشده “ باید منسوخ تلقی شود و وحدت مقامات دولتی در مقیاس ملی برقرار گردد . فرمول اولیه‌ای که حزب کمونیست پیشنهاد کرده بود پیش‌بینی میکرد که با در نظر گرفتن وضع کنونی هیجده منطقه آزادشده در استانها و مناطق اداری میبایست

مرزبندی جدیدی بعمل آید و حزب بمنظور توحید مقامات دولتی صورتی از اعضا دولتهای محل منتخب خلق در مدارج مختلف تسلیم خواهد نمود تا این اعضا از طرف دولت مرکزی در مقام خود تأیید گردند. دولت خاطر نشان ساخت که همان طوری که رئیس چانگایشک به آقای مائو اعلام داشته دولت مرکزی پس از وحدت فرماندهی نظامی و مقامات دولتی در سراسر کشور صورت اشخاصی را که حزب کمونیست چین توصیه میکند در نظر خواهد گرفت. دولت در نظر خواهد گرفت تعدادی از کارکنان اداری مناطق باز ستانده را که بجنگ مقاومت خدمت کرده‌اند با توجه به درجه لیاقت و وضع خدمت آنها و صرفنظر از تعلق سیاسی آنها بخدومت نگاه دارد. در این موقع حزب کمونیست چین فرمول دیگری پیشنهاد کرد و از دولت مرکزی خواست نامزدهائی را که حزب کمونیست چین معرفی میکند به مقامات رؤسا و اعضای دولتهای ایالتی منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و پنج استان ژه هه ، چاهار ، حه به ، شان دون و شان سی منصوب نماید و نامزدهائی را که حزب کمونیست معرفی میکند به مقامات نواب رئیس و اعضا شش دولت ایالتی زیر : سوی یوان ، حه نان ، جیان سو ، ان هوی ، حو به و گوان دون بر گمارد (زیرا که در یازده استان نامبرده یا مناطق آزاد شده وسیع و یا مناطق دیگر با وسعت کمتر وجود داشت). حزب کمونیست چین همچنین خواهان انتصاب نامزدهای خود به مقامات معاون شهرداری در چهار شهرداری مخصوص بی پین ، تیائزین ، چینگ دائو و شانگهای و قبول نامزدهای خود برای اداره استانهای شمال شرقی بود. پس از مباحثات بسیار بر سر این مسئله ، حزب کمونیست چین پاره تغییرات در فرمول دوم خود وارد ساخت و انتصاب نامزدهای خود را بمقامات رؤسا و اعضای دولتهای ایالتی منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و چهار استان ژه هه ، چاهار ، حه به ، شان دون و انتصاب بمقامات نواب رئیس و اعضای دو دولت ایالتی شان سی ، سوی یوان و همچنین انتصاب بمقامات معاونت شهرداری را در سه شهرداری مخصوص بی پین ، تیائزین و چینگ دائو خواستار گردید. دولت در پاسخ اعلام داشت که حزب کمونیست چین میتواند نامزدهای خود را که در جریان جنگ مقاومت منشاء خدمت شایانی بوده و در امور اداری از خود کاردانی نشان داده‌اند برای انتصاب آنها بدولت توصیه کند ، اما حزب کمونیست چین ، اگر در امر انتصاب نامزدهای خود بمقامات رئیس ، نایب رئیس و اعضای این یا آن دولت ایالتی پافشاری کند صادقانه مایل بوحدت فرماندهی نظامی و وحدت مقامات دولتی نخواهد بود. حزب کمونیست چین پیشنهاد دوم خود را پس گرفت و فرمول سومی پیشنهاد کرد : در مناطق آزاد شده تحت مسئولیت دولتهای منتخب خلق در تمام

مدارج و تحت کنترل نمایندگانی که کنفرانس مشورتی سیاسی تعیین میکند انتخابات همگانی صورت خواهد گرفت ، و اعضای همه احزاب سیاسی دیگر و همچنین شخصیت‌های کلیه محافل که برای شرکت در انتخابات به زادگاه خویش باز میگردند مورد استقبال قرار خواهند گرفت . انتخابات توده‌ای در مقیاس شهرستان باید در جایی صورت گیرد که بیش از نیمی از بخش‌ها و دهستان‌ها انتخابات توده‌ای را انجام داده باشند . بهمین قسم انتخابات توده‌ای در مقیاس ایالتی یا در مقیاس منطقه اداری در جایی صورت میگیرد که بیش از نیمی از شهرستان‌ها انتخابات توده‌ای را انجام داده باشند . برای تأمین وحدت مقامات دولتی ، تمام منتخبین به مقامات دولتهای ایالتی ، مناطق اداری و شهرستانی باید توسط دولت مرکزی در مقامات خود تأیید گردند . دولت در پاسخ گفت که این شیوه انتصاب در مورد استانها و مناطق اداری بسود وحدت مقامات دولتی نیست - معذک دولت خواهد توانست انتخابات توده‌ای را در مقیاس شهرستانی در نظر بگیرد ولی انتخابات توده‌ای در مقیاس ایالتی فقط پس از اعلام قانون اساسی پس از آنکه آئین‌نامه استان‌ها مشخص گردد صورت خواهد گرفت . تا فرا رسیدن آئین‌نامه ، فقط بر دولتهای ایالتی منتصب دولت مرکزی است که به مناطق مربوطه خود رهسپار گردند ، اداره امور را در دست خود بگیرند و شرایط عادی را بسرعت باز گردانند . آنگاه حزب کمونیست چین فرمول چهارمی پیشنهاد کرد متضمن این نکته که در تمام مناطق آزادشده تا زمانیکه مقررات قانون اساسی مربوط به انتخابات توده‌ای دولتهای ایالتی بتصویب نرسیده و بمرحله اجرا گذارده نشده موقتاً وضع موجود بدون هیچگونه تغییری باقی بماند و فعلاً بمنظور تأمین برقراری صلح و نظم مقرراتی موقتی تعیین شود . از سوی دیگر حزب کمونیست چین بر آن بود که حل این مسئله ممکن است به کنفرانس مشورتی سیاسی واگذار گردد . دولت اصرار داشت که در مرحله اول وحدت مقامات دولتی ضرورت دارد و اعلام کرد که بدون حل این مسئله بیم آن میرود که مانعی بر سر راه صلح و ساختمان ایجاد گردد . دولت اظهار امیدواری کرد که بزودی برای این مسئله راه حل مشخصی پیدا شود . حزب کمونیست چین پذیرفت که مذاکرات همچنان ادامه یابد .

۲ - شان دان نام قدیمی قسمت جنوب شرقی استان شان سی بود که چان جی مرکز آن بود . قسمتهای کوهستانی آن از طرف لشگر ۱۲۹ ارتش هشتم در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی بمنزله تکیه‌گاه مورد استفاده قرار گرفت ، به منطقه آزادشده شان سی - حه به - شان دون - حه نان تعلق داشت . ین سی شان ، دیکتاتور نظامی گومیندان در سپتامبر ۱۹۴۵ سیزده لشگر گرد آورد که هماهنگ با سپاهیان ژاپنی و

سپاهیان پوشالی یکی پس از دیگری از شهرهای لین فن ، فو شان و ای چن و همچنین از قای یوان و یو تسی برای اشغال سیان یوان ، تون لیو و لو چن در منطقه آزادشده جنوب شرقی شان سی حرکت کردند . در اکتبر ارتش و خلق این منطقه آزادشده بحمله متقابل پرداخته و بر نیروهای مهاجم تلفاتی بالغ بر ۳۵ هزار نفر وارد ساختند ، تعدادی افسر عالی رتبه از آنجمله فرماندهان سپاه و لشکر به اسارت گرفتند .

۳ - سخن بر سر تجربه‌ای است که حزب کمونیست چین در مبارزه با گومیندان از ۱۹۲۷ یعنی سالی که گومیندان به انقلاب خیانت ورزید تا ۱۹۴۵ بدست آورده بود .

۴ - نقل از مقاله « درباره دولت ائتلافی » قسمت ۲ بخش ۴ « برنامه خاص ما » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۳ .

۵ - صحبت بر سر تکیه‌گاههای ارتش توده‌ای است در هشت استان گوان دون ، جه جیان ، جنوب جیان سو ، جنوب ان هوی ، ان هوی مرکزی ، حو نان ، حو به و حه نان (بدون استان شمالی) .

۶ - مراجعه شود به « دو سرنوشت چین » و « یوگون پیر مردی که کوه را از جا میکند » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۳ .

۷ - از یازدهم سپتامبر تا ۲ اکتبر ۱۹۴۵ وزرای امور خارجه اتحاد شوروی ، چین ، اتازونی ، بریتانیای کبیر و فرانسه در لندن جمع آمدند تا پیمانهای صلح با ایتالیا ، رومانی ، بلغارستان ، مجارستان و فنلاند را یعنی کشورهایی که در جنگ تجاوزکارانه آلمان فاشیستی شرکت جسته بودند مورد بحث قرار دهند و در باره وضع آینده مستعمرات ایتالیا به بحث پردازند . این کنفرانس بهیچ موافقتی نیانجامید زیرا که اتازونی ، بریتانیای کبیر و فرانسه که در سیاست امپریالیستی تجاوزکارانه خود پافشاری میکردند و امید داشتند که قدرت توده‌ای را که پس از پیروزی در جنگ ضد فاشیست در رومانی ، مجارستان و بلغارستان برقرار گردیده بود واژگون سازند ، پیشنهادات منطقی اتحاد شوروی را رد کردند .

۸ - مراجعه شود به « چند ارزیابی از وضع بین‌المللی کنونی » ، جلد حاضر .

حقایقی درباره حملات گومیندان

(۵ نوامبر ۱۹۴۵)

یونایتد پرس در تلگرافی از چون چینگ بتاریخ ۳ نوامبر گزارش میدهد که او گوه جن مدیر بخش تبلیغات کمیته اجرایی مرکزی گومیندان ، اظهار داشته که " دولت در این جنگ بکلی در موضع دفاعی است " و اقداماتی بمنظور " استقرار مجدد ارتباطات " پیشنهاد کرده است (۱) . یکی از خبرنگاران خبرگزاری سین هوا در این مورد به سخنگوی حزب کمونیست چین سؤال داده است .

اینک پاسخ سخنگوی حزب کمونیست چین : اینکه او گوه جن میگوید که دولت " در موضع دفاعی است " دروغ محض است . گومیندان به اشغال پنج منطقه آزادشده که سپاهیان ما در جه جیان شرقی ، جیان سوی جنوبی ، آن هوی مرکزی ، آن هوی جنوبی و حونان تخلیه کرده‌اند و به پایمال کردن اهالی آن مناطق اکتفا نورزیده بلکه

اثر حاضر اظهاریه رفیق مائو تسه دون بعنوان سخنگوی حزب کمونیست چین میباشد . در آن تاریخ چانگایشک « موافقت‌نامه ۱۰ اکتبر » را نقض کرده بود و جنگ داخلی بر ضد مناطق آزاد شده روز بروز گسترش بیشتر می‌یافت .

بیش از ۷۰ لشکر از سپاهیان منظم خود را وارد بسیاری دیگر از مناطق آزاد شده و مثلاً وارد مناطق گوان دون، حوبه، حه نان، جیان سوی شمالی، ان هوی شمالی، شان دون، حه به و سرزمینهای مجاور آنها ساخته، خلق را سرکوب کرده و به حمله بر سپاهیان ما و یا تدارك حمله بر آنها مشغول است. بعلاوه ده ها لشکر گومیندان هم اکنون بسوی مناطق آزاد شده سرازیر گشته اند. آیا "در موضع دفاعی بودن" اینست؟ از ۸ لشکر گومیندان که از جان ده بسوی شمال روان بودند پس از رسیدن به منطقه جن دن ۲ لشکر بمخالفت با جنگ داخلی و بهواداری از صلح برخاستند و ۶ لشکر دیگر (سه تای آنها سراپا مجهز با اسلحه آمریکائی) پس از حمله متقابل سپاهیان و مردم مناطق آزاد شده که محقانه بدفاع از خود پرداخته بودند، بناچار اسلحه بر زمین گذاشتند. بسیاری از افسران این واحدهای گومیندان از آن جمله معاونان فرماندهی های منطقه جنگی، فرماندهان سپاه و معاونانشان، اینک در مناطق آزاد شده بسر میبرند (۲) و میتوانند گواهی دهند که از کجا آمده اند و تصدیق کنند که حکم حمله بآنها داده شده بوده است. آیا این نیز "در موضع دفاعی بودن" است؟ سپاهیان ما در مناطق آزاد شده استان های حه نان و حو به اکنون کاملاً در محاصره بیش از ۴۰۰ لشکر گومیندان از مناطق جنگی یکم، پنجم و ششم بفرماندهی کل لیو جی که مأمور "سرکوب کمونیستها" در این استان ها است هستند. مناطق آزاد شده ما در حه نان غربی و مرکزی و در حو به جنوبی و شرقی و مرکزی همگی گرفتار تاخت و تاز و اشغال نیروهای گومیندان گردیده است که با چنان حرصی بسوختن و کشتن میپردازند که واحدهای ما تحت فرماندهی لی سیان نیان و وان شوشن نتوانستند پناهمگاهی بیابند و برای حفظ حیات خود

بناچار بمرز میان حه نان و حو به برای استقرار رفتند . ولی در آنجا نیز مورد تعقیب و حمله سپاهیان گومیندان قرار گرفتند (۳) . آیا این نیز "در موضع دفاعی بودن" است ؟ در سه استان شان سی ، سوی یوان و چاهار وضع بهمین منوال است . در نخستین دهه ماه اکتبر ۱۳ لشکر فرمان یین سی شان به بخش میان یوان - تون لیو از منطقه آزادشده شان دان نفوذ کردند . سپاهیان ما و مردم سرزمین مذکور محقانه بدفاع از خود برخاسته همگی آنها را خلع سلاح کردند . عده‌ای از فرماندهان سپاه و فرماندهان لشکر در جزو اسیران این پیکاراند . اینک آنان در منطقه آزادشده تای هان بسر میبرند و همگی صحیح و سالم‌اند و میتوانند گواهی دهند که از کجا آمده‌اند و تصدیق کنند که حکم حمله بآنها داده شده بوده‌است . اخیراً یین سی شان در چون چینگ یک سلسله دروغ گوئی پرداخته گفته است که بوی حمله شده و او فقط "در موضع دفاعی" قرار داشته است . ظاهراً او فراموش کرده که ژنرال‌هایش از قبیل شی زه پوه فرمانده سپاه شماره ۱۹ ، گوه ژون فرمانده لشکر شماره ۴۶ ، موقت ، جان هون فرمانده لشکر شماره ۴۹ ، موقت ، لی پی بین فرمانده لشکر شماره ۶۶ ، گوه‌تیان سین فرمانده لشکر شماره ۶۸ و یان وین تسای فرمانده لشکر شماره ۳۷ موقت (۴) الساعه در مناطق آزادشده ما هستند و این نکته برای رد کلیه دروغ‌های او گوه جن ، یین سی شان و سایر مرتجعانی که جنگ داخلی بر می‌انگیزند کافی است . دو ماه است که ژنرال فو زوه ای باجرای فرمان حمله بر مناطق آزادشده سوی یوان ، چاهار و ژه هه مشغول میباشد . او حتی تا دروازه جان جیا کو به پیش رانده و تمام منطقه آزادشده سوی یوان و بخش غربی چاهار را بتصرف در آورده است . آیا این نیز "در موضع دفاعی بودن"

و "اولین تیر تفنگ" را در نکردن است؟ سپاهیان ما و مردم چاهار و سوی یوان بدفاع از خود برخاستند و در حملات متقابل خویش آنان نیز عده کثیری افسر و سرباز باسارت گرفتند که همگی میتوانند گواهی دهند که از کجا آمده‌اند و چگونه بعمله پرداخته‌اند و غیره (۵). ما در نبردهای دفاع از خود به کوه‌های از اسناد ضد کمونیستی و یا مربوط به "امحاء راهزنان" و از آن جمله به «کتابچه در باره امحاء راهزنان» (۶) و یا فرمان‌های "امحاء راهزنان" و سایر اسناد ضد کمونیستی که از طرف عالی‌ترین مقامات گومیندان پخش شده‌است دست یافتیم که او گوه جن وجود آنها را رد کرده و استناد بآنها را "شوخی" نامیده است. بزودی اسناد مذکور به یمن آن فرستاده خواهد شد. این اسناد بوجه انکارناپذیر ثابت میکند که سپاهیان گومیندان بر مناطق آزادشده حمله آورده‌اند.

آنگاه خبرنگار خبرگزاری سین هوا از سخنگوی حزب کمونیست چین پرسیده است که نظر وی در باره اقدامات پیشنهادی او گوه جن برای استقرار مجدد ارتباطات چیست. سخنگو میگوید: این پیشنهاد چیز دیگر جز تاکتیک دفع‌الوقت نیست. مقامات گومیندان نیروهای عظیمی گرد آورده که در صدد است سیل آنها را بر مناطق آزادشده سرازیر کند. پس از آنکه چندین حمله او در سپتامبر و اکتبر با شکست روبرو شد وی بتدارك حملات بازهم نیرومندتر مشغول است. یکی از وسائل جلوگیری از این حملات و بالتیجه قطع واقعی جنگ داخلی عبارتست از جلوگیری از نقل و انتقال سپاهیان بوسیله راه آهن. ما مانند همگان طرفدار براه انداختن سریع خطوط ارتباط هستیم. ولی این کار فقط وقتی میسر است که سه مسئله یعنی پذیرش تسلیم ژاپن، حق اتخاذ تصمیم

درباره سپاهیان پوشالی ، و تحقق خودمختاری اداری مناطق آزاد شده حل گردد . کدام يك بايد قبلاً حل شود ، این سه مسئله یا مسئله ارتباطات ؟ چرا سپاهیان مناطق آزادشده که مدت‌ها هشت سال به نبردهای سنگین بر ضد ژاپن پرداخته‌اند صلاحیت پذیرش تسلیم ژاپن را ندارند ؟ و چرا باید به سایر سپاهیان زحمت داد که از راه دور بیایند و این کار را بر عهده گیرند ؟ هر کس حق دارد سپاهیان پوشالی را مجازات کند ؛ چرا همه آنها را وارد " ارتش ملی " کرده و بآنها فرمان حمله به نواحی آزادشده میدهند ؟ خودمختاری منطقه‌ای در « موافقت نامه ۱۱ اکتبر » بخصوص تصریح شده و دکترسون یاتسن مدت‌ها پیش نظر داده است که خلق استانداران را انتخاب کند ؛ چرا لازم است که دولت گومیندان ماسوران خود را به محل‌ها معین کند ؟ مسئله ارتباطات باید سرعت حل شود ، ولی فوریت این سه مسئله عمده از آن هم بیشتر است . از استقرار مجدد ارتباطات پیش از حل این سه مسئله عمده صحبت کردن فقط بسود گسترش و ادامه جنگ داخلی است و فقط بکسانی یاری میرساند که میخواهند مناطق آزادشده را براندازند و باین منظور جنگ داخلی برمی‌انگیزند . ما برای قطع فوری جنگ داخلی ضد توده‌ای و ضد دموکراتیک که اینک به سراسر کشور گسترده شده است اقدامات زیرین را پیشنهاد میکنیم :

۱ - کلیه نیروهای دولت گومیندان که بمنظور پذیرش تسلیم ژاپن و حمله بر ما به مناطق آزادشده چین شمالی ، جیان سوی شمالی ، آن هوی شمالی ، چین مرکزی و سرزمین‌های مجاور آنها آمده‌اند باید بیدرنگ بمواضع نخستین خویش باز گردند ؛ سپاهیان مناطق آزادشده پذیرش تسلیم ژاپن خواهند پرداخت و

پادگان‌هایی در شهرها و بر روی خطوط ارتباطات خواهند گذاشت ؛ مناطق آزادشده که باشغال گوسیندان در آمده است دوباره مستقر خواهد شد .

۲ - کلیه سپاهیان پوشالی باید بیدرنگ خلع سلاح و ترخیص شوند . در چین شمالی ، در جیان سوی شمالی و ان هوی شمالی ، مناطق آزادشده مأسور خلع سلاح و ترخیص آنان خواهند بود .

۳ - خودمختاری دموکراتیک خلق در کلیه مناطق آزادشده باید بر رسمیت شناخته شود ؛ دولت مرکزی هیچ کس را بعنوان مأسور محلی منصوب نخواهد کرد و اعزام نخواهد داشت ؛ مواد « موافقت نامه . ۱ اکتبر » باید بموقع اجراء در آید .

سخنگو اظهار داشت : این یگانه وسیله جلوگیری از جنگ داخلی است ؛ هیچ تضمین دیگری برای جلوگیری از آن وجود ندارد . اسنادی که ما در طی سه نبرد دفاع از خود در سوی یوان ، شان دان و جن دن بدست آورده‌ایم و همچنین واقعیاتی نظیر مانور عظیم سپاهیان و حملات وسیع آنها همگی تکذیب کننده این ادعای مقامات گوسیندان است که گویا بسود خلق و نه بخاطر جنگ داخلی خواستار " استقرار مجدد ارتباطات " شده‌اند . خلق چین را مدت درازی فریب داده‌اند و دیگر فریب نمی‌خورد . امروز وظیفه اساسی همه خلق عبارتست از بسیج شدن بمنظور جلوگیری از جنگ داخلی با کلیه وسائل .

یادداشتها

۱ - در پایان جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، بیشتر راه آهن‌های چین یا تحت کنترل

ارتش و مردم مناطق آزادشده و یا در محاصره آنان بود. مرتجعان گومیندان در صدد بر آمدند به بهانه "استقرار مجدد ارتباطات" راه آهن‌های مذکور را بمنظور تجزیه مناطق آزاد شده مورد استفاده قرار داده میلیون‌ها سرباز گومیندان را به چین شمال شرقی، شمالی، شرقی و مرکزی انتقال دهند و به حمله بر مناطق آزادشده پرداخته شهرهای بزرگ را با شتاب بتصرف در آورند.

۲ - در سپتامبر ۱۹۴۵ سپاهیان گومیندان که از منطقه جن جو و سین سیان حرکت کرده بودند بمنظور حمله بر منطقه آزاد شده شان سی - حه به - شان دون - حه نان در طول راه آهن بی پین - حان کو به پیشروی پرداختند. طلایه آنها مرکب از ۳ سپاه در دهه آخر اکتبر به منطقه تسی سیان و جن دن هجوم برد. ارتش و مردم منطقه آزاد شده دلیرانه بدفاع برخاستند و پس از يك هفته نبردهای سخت، ژنرال گائو شو سیون، معاون فرماندهی منطقه جنگی یازدهم گومیندان که در عین حال فرمانده سپاه هشتم جدید نیز بود، در منطقه جن دن بر علیه گومیندان سر بشورش زد و با سپاه هشتم جدید و يك ستون که مجموعاً بیش از ۱۰,۰۰۰ تن میشدند بما پیوست. دوسپاه دیگر که با بینظمی به عقب‌نشینی پرداختند محاصره و خلع سلاح شدند. بسیاری از افسران عالیرتبه مجبور بتسلیم گردیدند و ما فا او، معاون دیگر فرماندهی منطقه جنگی یازدهم گومیندان که در عین حال فرماندهی سپاه ۴۰ را نیز داشت، لیو شی ژون، معاون فرماندهی سپاه ۴۰، لی سیو دون رئیس ستاد او و لیو شو سن معاون فرماندهی لشکر در شمار آنان بودند.

۳ - پس از تسلیم ژاپن، گومیندان بیش از بیست لشکر از سه منطقه جنگی گرد آورد تا بحملات وسیع بر مناطق آزاد شده استان‌های حه نان و حو به پردازد. بخشی از نیروهای حو زون نان، فرمانده منطقه جنگی یکم گومیندان، در دو طرف راه آهن لون های از شمال غربی بسوی مشرق پیش رفت تا وارد مناطق آزاد شده حه نان غربی گردد. نیروهای لیو جی، فرمانده منطقه جنگی پنجم، در دو طرف راه آهن بی پین - حان کو از شمال بجنوب پیش رفتند تا وارد مناطق آزاد شده حه نان مرکزی، و حو به مرکزی و شرقی گردند. نیروهای منطقه جنگی ششم در انطباق با عملیات نیروهای فوق از حو به جنوبی بسوی شمال رهسپار شدند. بیشتر این نیروهای گومیندان تحت فرمان لیو جی قرار داشت. ارتش توده‌ای مناطق آزادشده حه نان و حو به با تجاوزکاران به نبردهای پرخشم و کین دست زد و با حفظ نیروهای خود در دهه آخر اکتبر ۱۹۴۵ بسوی منطقه واقع در مرز حه نان - حو به که کوهستان دا هون و تون بای و همچنین شهر زائو یان را دربر میگیرد

روان شد . این ارتش پس از آنکه از طرف گومیندیان تحت فشار سخت قرار گرفت به سیوان هوا دیان ، واقع در مشرق راه آهن بی پین - حان کو رفت .

۴ - راجع به نبرد شان دان مراجعه شود به « در باره مذاکرات چون چینگ » ، یادداشت ۲ ، جلد حاضر . افسران گومیندیان که اسیر شدند و نامشان در اینجا ذکر شده است همگی ژنرال‌های ارتش یین سی شان بودند .

۵ - استان سوی یوان در ۶ مارس ۱۹۵۴ حذف شد وبصورت بخشی از منطقه خودمختار مغولستان داخلی در آمد . ژنرال فو زوه ای در آن موقع فرمانده منطقه جنگی دوازدهم گومیندیان بود . سپاهیان وی در هنگام جنگ مقاومت بر ضد ژاپن در بخش او یوان - لین هه در مغرب سوی یوان پادگان داشتند . پس از تسلیم شدن ژاپن وی فرمان یافت که بر مناطق آزاد شده استان‌های سوی یوان ، ژه هه و چاهار حمله برد . وی در اوت ۱۹۴۵ گوی سوی (امروز حو هه هوت) ، جی نین و فون جن را بتصرف در آورد . در آغاز سپتامبر سین هه ، شان ای ، او چوان ، تائو لین ، سین تان و لیان چن را تسخیر کرده به حملات وسیع بر مناطق آزاد شده چاهار پرداخت و تا حوالی جان جیا کو پیش رفت . ارتش ما محقانه بدفاع از خود برخاست ، حملات او را پس زد و عده کثیری افسر و سرباز دشمن را باسیری گرفت .

۶ - « کتابچه در باره امحاء راهزنان » کتابچه‌ای بود ضد انقلابی و تنظیم شده بوسیله چانکایشک در ۱۹۳۳ و منحصر بود به شیوه‌های حمله بر نیروهای مسلح خلق چین و پایگاههای انقلابی . در ۱۹۴۵ که جنگ مقاومت پایان یافت چانکایشک کتابچه مذکور را تجدید طبع و بین افسران گومیندیان توزیع کرد و فرمان محرمانه زیرین را بر آن افزود : « کارزار کنونی امحاء راهزنان که سعادت خلق وابسته بآن است باید بسرعت بپایان برسد . شما باید افسران و سربازان خویش را تشویق کنید که از کلیه امکانات خود برای امحاء راهزنان طبق روح جنگ مقاومت و طبق « کتابچه در باره امحاء راهزنان » که متن آن را شخصاً تنظیم کرده‌ام استفاده نمایند . کسانی که خدمت برجسته‌ای بدولت انجام دهند پاداش خواهند یافت و کسانی که مرتکب تأخیر و یا خطا گردند به شورای جنگ تسلیم خواهند شد . کلیه افسران و سربازان تحت فرماندهی شما که در امحاء راهزنان شرکت دارند باید با این فرمان آشنا شوند و از آن پیروی کنند . »

تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید — دو وظیفه مهم برای دفاع از مناطق آزاد شده

(۷ نوامبر ۱۹۴۵)

۱ — گومیندان بکمک آمریکا کلیه نیروهای خود را برای حمله بر مناطق آزادشده ما بسیج کرده است . دیگر جنگ داخلی بمقیاس ملی بصورت واقعیت در آمده است . وظیفه کنونی حزب ما عبارتست از بسیج کلیه نیروهای خویش ، ایستادگی در موضع دفاع از خود ، درهم شکستن حملات گومیندان ، دفاع از مناطق آزادشده و مبارزه بمنظور آنکه صلح فرا رسد . برای نیل باین هدف ، باید وظایف زیرین را بفوریت انجام داد : مراقبت در اینکه در مناطق آزادشده ، دهقانان در همه جا از تقلیل بهره مالکانه بهره‌مند گردند ، کارگران و سایر توده‌های زحمتکش به افزایش عادلانه دستمزد و بهبود شرایط زندگی نائل

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است .

آینده در عین حال مراقبت در اینکه مالکان ارضی باز آنقدر داشته باشند که زندگی کنند و سرمایه‌داران صنعتی و تجاری باز بتوانند سود بدست آورند ؛ بعلاوه در سال آینده باید جنبش وسیعی را در تولید گسترش داد ، تولید غلات و مواد را که در درجه اول مورد نیاز است بالا برد ، شرایط زندگی خلق را بهبود بخشید ، به قحطی زدگان و به فراریان یاری رسانید ، نیازمندی‌های ارتش را برآورده ساخت . ما نمیتوانیم بر دشواریها فائق آئیم ، ما نمیتوانیم بجبهه یاری برسائیم و به پیروزی نائل شویم مگر آنکه از عهده دو وظیفه مهم تقلیل بهره‌مالکانه و بسط تولید بر آئیم .

۲ - از آنجا که اکنون جنگ دامنه بسیار وسیع بخود میگیرد بسیاری از رفقای رهبر ما در پست فرماندهی خویش در جبهه بسر میبرند و نمیتوانند در عین حال توجه خود را به تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید معطوف دارند . پس باید تقسیم کار کرد . رفقای رهبری که در عقب جبهه میمانند در عین حال که کار بسیاری برای کمک مستقیم بجبهه انجام میدهند باید از هر فرصت مناسب برای سازمان دادن این دو وظیفه مهم یعنی تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید استفاده کنند . آنان باید در عرض ماه‌های زمستان و بهار به برانگیختن جنبش وسیعی برای تقلیل بهره مالکانه مبادرت جویند و تقلیل مذکور را در سراسر مناطق آزادشده و بویژه در مناطق وسیعی که تازه آزاد شده عملی گردانند بطوریکه موجب اعتلاء شور و شوق انقلابی اکثریت عظیم توده‌های دهقانی گردد . در عین حال باید در سال ۱۹۴۶ تولید کشاورزی و صنعتی در کلیه مناطق آزادشده به رونق جدیدی نائل آید . این امر که جنگ مجدداً توسعه یافته نباید ما را به مسامحه در تقلیل بهره مالکانه و

بسط تولید بکشانند. برعکس، درست بخاطر شکست دادن تعرض گومیندان باید فعالانه تر باین کار پرداخت.

۳ - تقلیل بهره مالکانه باید نتیجه مبارزه توده ها باشد نه استیاری که دولت بآنها اعطا کرده است. شکست یا پیروزی تقلیل بهره مالکانه وابسته باین نکته است. در مبارزه بخاطر تقلیل بهره مالکانه بزحمت میتوان از تندروی ها احتراز جست. ولی آنجا که واقعاً مبارزه آگاهانه توده های وسیع در کار است هر تندروی را میتوان بعداً اصلاح کرد. فقط آنگاه است که میتوان به توده ها فهماند و آنها را قانع ساخت که بسود دهقانان و همه خلق است که وسائل معاش از مالکان ارضی گرفته نشود تا به پشتیبانی از گومیندان برخیزند. هنوز سیاست کنونی حزب ما تقلیل بهره مالکانه است نه مصادره ارضی. ما باید در هنگام تقلیل بهره مالکانه و پس از آن به اکثریت عظیم دهقانان یاری بدهیم که در اتحادیه های دهقانی متشکل گردند.

۴ - کلید پیروزی در جنبش تولید عبارتست از سازمان دادن اکثریت عظیم تولیدکنندگان در گروه های کمک متقابل. واگذاری اعتبارات دولتی به کشاورزی و پیشه وری از اقدامات ضروری است. همچنین بسیار مهم است که کارهای کشاورزی را سرفصل شروع کنیم و از ائتلاف دوره کشت و کار بکاهیم. اینک ما باید از یک طرف نیروهای خلق را برای خدمت به جنگ تجهیز کنیم و از طرف دیگر باید بکوشیم که هیچ فصل کشت و کار از دست نرود. از همین جهت باید مطالعه شود که نیروهای خود را چگونه تقسیم کنیم. واحدهای ارتش، ارگانهای دولتی و مدارس باید همچنان باندازه لازم به کار تولید مشغول باشند مشروط بر اینکه به جنگ، به کار و به درس صدمه نخورد. و فقط

از این طریق است که میتوانند شرایط زندگی خود را بهبود بخشند و بار سنگین خلق را سبک گردانند .

۵ - ما از هم اکنون عده‌ای از شهرهای بزرگ و عده کثیری از شهرهای متوسط را در دست داریم . یکی از وظایف مهم حزب ما اکنون عبارتست از اجرای نظارت اقتصادی بر این شهرها و توسعه صنعت ، تجارت و مالیه آنها . باین منظور کاملاً لازم است که کلیه اشخاص صلاحیت دار را که در اختیار ما هستند مورد استفاده قرار دهیم و اعضاء حزب را قانع سازیم که با آنها همکاری کنند و در امور فنی و شیوه‌های مدیریت از آنها بیاموزند .

۶ - به کلیه اعضاء حزب بگوئید که استوار در کنار خلق بایستند ، بدشواریهای اقتصادی وی پردازند و در نظر داشته باشند که اجراء این دو وظیفه مهم ، یعنی تقلیل بهره‌مالکانه و بسط تولید ، برای کمک بخلق در تفوق بر مشکلات وی جنبه اساسی دارد ؛ اگر اینطور عمل کنیم پشتیبانی صمیمانه خلق را جلب خواهیم کرد و خواهیم توانست کلیه حملات مرتجعان را با شکست روبرو سازیم . هنوز باید همه چیز را در زمینه يك كوشش متمادی در نظر گرفت ، منابع انسانی و مادی را باید با صرفه‌جوئی مورد استفاده قرار داد و همه چیز را باید برای مدتی طولانی پیش‌بینی کرد ؛ در این صورت پیروزی ما تأمین خواهد شد .

سمتگیری کار ما در سال ۱۹۴۶ در مناطق آزاد شده

(۱۵ دسامبر ۱۹۴۵)

حزب ما در طی ماههای اخیر در رهبری خلق در مبارزات سخت برای برانداختن نیروهای ژاپنی و پوشالی و برای درهم شکستن حملات گومیندان بر مناطق آزادشده به پیروزیهای بزرگ نائل آمده است . همه رفقای حزبی ما یکدلانه کار میکنند و در زمینه‌های گوناگون به نتایج درخشان رسیده‌اند . سال ۱۹۴۵ پایان میرسد و ما باید در کاری که در سال ۱۹۴۶ در مناطق آزادشده انجام خواهیم داد توجه خویش را در همه جا به نکات زیرین معطوف داریم :

۱ - در هم شکستن حملات جدید . پس از آنکه ارتش ما حملات پرمایه گومیندان را بر مناطق آزادشده در سوی یوان ، شان سی و حه به جنوبی درهم شکست گومیندان بگردآوری نیروهای بازهم مهمتری

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است .

پرداخت تا حملات جدیدی را تدارك ببندد. اگر هیچ حادثه جدیدی پیش نیاید که گومیندان را به متوقف ساختن سریع جنگ داخلی وادارد نبرد بهار ۱۹۴۶ نبرد سختی خواهد بود. از اینجهت هنوز وظیفه مرکزی ما در کلیه مناطق آزادشده عبارت خواهد بود از ایستادگی در موضع دفاع از خود و بکار بردن کلیه مساعی برای درهم شکستن حملات گومیندان.

۲ - ترویج جنبش گائوشو سیون (۱). حزب ما برای درهم شکستن حملات گومیندان باید بکوشد که در سپاهیان گومیندان که میخواهند باو حمله آورند و یا در حال حمله باو هستند تفرقه افکند. از يك طرف ارتش ما سریعاً بتبلیغات پرداخته سیاسی و به تعرض وسیع سیاسی بر سپاهیان گومیندان که به جنگ داخلی مشغولاند ادامه خواهد داد تا اراده آنها را در نبرد سست گرداند. از طرف دیگر ما باید به تدارك و بسیج قیامها در درون ارتش گومیندان پردازیم و جنبش گائوشو سیون را ترویج کنیم بطوری که در لحظه حساس عملیات، واحدهای کثیری از گومیندان مانند گائوشو سیون بجانب خلق آیند، به مخالفت با جنگ داخلی برخیزند و در موضع صلح قرار گیرند. برای اینکه این کار بطور مؤثر صورت گیرد و سریعاً به نتیجه برسد هر منطقه باید بر طبق رهنمودهای کمیته مرکزی دائره خاصی تشکیل دهد و عده زیادی از کادرها را در آن دائره بگمارد که تمام نیروی خود را مصروف این وظیفه سازند. و دستگاههای رهبری هر منطقه باید این کار را دقیقاً رهبری کنند.

۳ - تعلیمات سپاهیان. ارتشهای صحرائی مناطق آزادشده بطور کلی هم اکنون تشکیل شدهاند. سپاهیان محلی نیز باندازه کافی زیاداند. از اینجهت ما باید عجبالتاً بطور کلی از افزایش افراد دست نگهداریم

و از فاصله میان نبردها استفاده کرده توجه خود را به تعلیمات سپاهیان معطوف داریم . این اصل درباره ارتشهای صحرائی ، سپاهیان محلی و همچنین چریک توده‌ای صادق است . در مورد موضوعات تعلیمات ، هدف ما همچنان در درجه اول عبارتست از بالا بردن سطح فنی تیراندازی ، نبرد با سرنیزه ، نارنجك‌اندازی و غیره و در درجه دوم عبارتست از بالا بردن سطح تاکتیک ، با عطف توجه خاص به تمرین عملیات شبانه . در مورد شیوه تعلیمات ، ما باید جنبش تعلیماتی توده‌ای را بسط دهیم که در طی آن افسران به سربازان ، سربازان به افسران و سربازان بیکدیگر بیاموزند . در سال ۱۹۴۶ ما باید کار سیاسی در ارتش را بازهم بهبود بخشیم ، شیوه کار دگماتیک و فرمالیست را که در ارتش بچشم می‌خورد براندازیم و کوشش خویش را برای تأسین وحدت میان افسران و سربازان ، میان ارتش و خلق ، میان ما و سپاهیان دوست و نیز برای تلاشی سپاهیان دشمن و اجراء شایسته وظایف تعلیمات ، تدارکات و نبرد بیفزائیم . چریک توده‌ای محلی را باید بر طبق شرایط کنونی تجدید سازمان کرد . امور کاربردازی در پشت جبهه هم باید از نو سازمان یابد . باید از کلیه اسکانات استفاده کرد که واحدهای توپخانه و مهندسی در کلیه مناطق بوجود آید و نفرات آنها رو بافزایش رود . مدارس نظامی همچنان بکار خود ادامه خواهند داد و کوشش عمده خود را باآموزش کادر فنی معطوف خواهند داشت .

۴ - تقلیل بهره‌مالکانه . بر طبق رهنمود کمیته مرکزی مورخ ۷ نوامبر ۱۹۴۵ (۲) کلیه منطقه‌ها باید در ۱۹۴۶ در سرزمین‌های تازه آزاد شده خویش جنبش توده‌ای پردامنه‌ای که خوب رهبری شده باشد برای تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود برانگیزند . در مورد کارگران ،

باید دستمزد آنها را باندازه مناسب بالا برند . باید توده‌های وسیع در اثر جنبش مذکور بتوانند آزادی سربرآرند ، متشکل گردند و بصورت فرمانروایان آگه مناطق آزادشده در آیند . توده‌ها در مناطق آزادشده جدید بدون این اقدامات جدی نمیتوانند تشخیص دهند که کدام يك از دو حزب ، حزب کمونیست و گوسیندان ، خوب است و کدام يك بد است ؛ آنها در تردید خواهند ماند و از حزب ما مصممانه پشتیبانی نخواهند کرد . در مناطق آزادشده قدیم باید رسیدگی کنیم که در زمینه تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود چه کاری صورت گرفته است و آن را بیشتر تحکیم کنیم .

ه - تولید . بر طبق رهنمود ۷ نوامبر ، کلیه مناطق باید بیدرنگ بتدارك لازم پردازند تا تولید ۱۹۴۶ در بخش‌های عمومی و خصوصی از لحاظ دامنه خود و حاصل خود در همه مناطق آزادشده از هر سالی بیشتر باشد . احساس خستگی که در نزد اهالی دیده میشود فقط در صورتی رفع شدنی است که وظیفه تقلیل بهره‌مالکانه و وظیفه بسط تولید دقیقاً اجرا گردد و بنتایج درخشان برسد . اجراء و یا عدم اجراء این دو وظیفه بزرگ است که بالاخره موجب پیروزی و یا شکست مبارزات سیاسی و نظامی ما در مناطق آزادشده خواهد گشت . هیچ منطقه‌ای نباید این وظایف را از دیده فروگذارد .

۶ - اسور مالی . بار مالیاتی ما که در اثر احتیاجات کارهای پردامنه اخیر سنگین شده است باید در سال ۱۹۴۶ منظمأ و طبق نقشه به حدود عادی برگردد . باید به کسانی که بار مالیاتشان خیلی سنگین است تخفیف لازم داد . بخاطر يك كوشش طویل‌المدت ، تعداد کسانی که از تولید جدا میشوند در هیچ منطقه نباید از حدود امکانات مالی محلی

تجاوز کند . ارزش سپاهیان در درجه اول به کیفیت است نه کمیت . این یکی از اصول ما در ساختمان ارتش است . بسط تولید ، تأمین تدارکات ، تمرکز رهبری ، عدم تمرکز بهره‌برداری ، بحساب آوردن نیازمندی‌های ارتش و نیازمندی‌های اهالی ، ملحوظ داشتن منافع همگانی و همچنین منافع فردی ، تولید و صرفه‌جویی دقیق را بیکسان اهمیت دادن — امروز نیز اینست اصول راهنمایی صحیحی که میتواند مسائل اقتصادی و مالی را حل کند .

۷ — پشتیبانی از دولت و مهرورزی به خلق . پشتیبانی از ارتش و معاضدت با خانواده‌های رزمندگان جنگ مقاومت (۳) . ما باید در ۱۹۴۶ بهتر از سال‌های اخیر از عهده این دو وظیفه برآئیم . این امر در خورد کردن حملات گومیندان و استوار ساختن مناطق آزادشده اهمیت عظیم خواهد داشت . ما باید در ارتش در نزد کلیه فرماندهان و جنگاوران بکار ایدئولوژیک پردازیم تا آنان عمیقاً به اهمیت پشتیبانی از دولت و مهرورزی به خلق پی ببرند . اگر ارتش از عهده این وظیفه بخوبی برآید مناسبات میان مقامات محلی و خلق از یک طرف و ارتش از طرف دیگر بهتر خواهد شد .

۸ — کمک . در مناطق آزادشده ، بسیاری از قربانیان آفات طبیعی ، بسیاری از پناهندگان جنگ ، بسیاری از کسانی که تماماً و یا قسماً بیکاراند نیاز مبرم به کمک دارند . چگونگی حل این مسئله ، خواه خوب و خواه بد ، تأثیر بزرگی در زمینه‌های مختلف خواهد داشت . علاوه بر اقداماتی که از طرف دولت بعمل می‌آید باید در درجه اول به بسیج کمک متقابل توده‌ها بیکدیگر پرداخت . بر عهده حزب و دولت است که توده‌ها را در سازمان دادن چنین کمک‌ها تشویق کنند .

۹ - توجه به کادرهای محلی . امروز هر منطقه آزادشده‌ای در کلیه مدارج رهبری دارای عده کثیری کادر است که از مناطق دیگر آمده‌اند . بویژه در استانهای شمال شرقی چنین است . دستگاههای رهبری هر منطقه باید مصرا نه توصیه کنند که به کادرهای محلی توجه شود ، با آنها با رفاقت کامل و با حسن نیت کامل رفتار شود . کادرهایی که از مناطق دیگر می‌آیند باید زنده کردن ، بار آوردن و بالا کشیدن کادرهای محلی را وظیفه مهم خویش بشمارند . فقط از این راه است که حزب ما میتواند در مناطق آزادشده ریشه بگیرد . رفتار متکبرانه غیر محلی‌ها نسبت به محلی‌ها را باید مورد انتقاد قرار داد .

۱۰ - پیش‌بینی همه چیز برای مدت طولانی . تحول وضع کنونی هر چه باشد حزب ما باید همه چیز را برای مدت طولانی پیش‌بینی کند تا آنکه موضع ما خلل پذیر نباشد . اینک حزب ما از يك طرف در مناطق آزادشده در موضع خودمختاری و دفاع از خود استوار ایستاده است ، با حملات گومیندان مجدانه مقابله میکند و مزایائی را که اهالی آن مناطق بدست آورده‌اند استحکام میبخشد . از طرف دیگر ما از جنبش دموکراتیک که در مناطق گومیندان گسترش مییابد (و اعتصاب دانشجویان کون مین (۴) گواه آن است) پشتیبانی میکنیم تا مرتجعان را منفرد سازیم ، متحدان کثیری بدست آوریم و جبهه متحد ملی دموکراتیک را که تحت نفوذ حزب ما عمل میکند توسعه دهیم . بعلاوه ، هیئت نمایندگی حزب ما بزودی در کنفرانس مشورتی سیاسی که مشتمل بر نمایندگان کلیه احزاب و شخصیت‌های بی‌حزب خواهد بود شرکت خواهد جست . این هیئت مذاکره با گومیندان را از سر خواهد گرفت و برای تحقق بخشیدن به صلح و دموکراسی در سراسر کشور مبارزه

خواهد کرد . معذلك ممكن است كه ما بازهم به تغييرات غير مترقبه
بربخوريم . دشواريهاي بسياري در انتظار ماست . مثلاً مناطق آزادشده
جدید ما و سپاهیان جدید ما هنوز استحکام نیافته‌اند و امور مالی ما
مسائلی برای ما پیش آورده‌است . ما باید صریحاً با این دشواریها
روبرو شویم و بر آنها فائق آئیم و در سازمان دادن هر کاری تصمیم را
برای مدت طولانی اتخاذ کنیم ، دقت کامل بعمل آوریم که منابع
انسانی و مادی با صرفه‌جویی مورد استفاده قرار گیرد و پرهیزیم از
اینکه حساب ما بر روی پیروزی‌های وابسته بتصادف باشد .

این ده نکته باید در کاری که در ۱۹۴۶ در پیش خواهیم
داشت و بویژه در نیمه اول سال ۱۹۴۶ مورد توجه خاص ما باشد .
امیدواریم که رفقای ما در مناطق مختلف ، این رهنمود را با نرمش و با
ملحوظ داشتن شرایط محلی بکار برند . بقیه کارهایی که باید در مناطق
گوناگون صورت گیرد مانند تأسیس قدرت محلی ، کار جبهه متحد ،
توسعه آموزش مربوط به مسائل سیاسی روز در داخل و در خارج حزب ،
کار در شهرهای نزدیک بمناطق آزادشده ، — همه مهم‌است . ولی ما در
اینجا به بحث درباره آنها نخواهیم پرداخت .

یادداشتها

۱ - در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۵ گائو شو سیون ، معاون فرماندهی منطقه جنگی
شماره ۱۱ گومیندان ، در جبهه جنگ داخل در جن دن ، در جنوب استان حبه ،
سربه شورش برافراشت و با يك سپاه و يك ستون بما پیوست . این عمل انعکاس بزرگی
در کشور یافت . کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برای آنکه تجزیه و تلاشی
سپاهیان گومیندان را عمیق گرداند و آنها را به شورش برانگیزد تصمیم گرفت که به

نبرد تبلیغاتی دست زده افسران و سربازان ارتش گومیندان را به پیروی از نمونه گائو شو سیون و سپاهیان فرا خواند ، از آنها دعوت کند که از حمله بر مناطق آزاد شده سرباز زنند و در جبهه جنگ داخلی به خرابکاری پرداخته به ارتش آزادیبخش توده‌ای دست برادری بدهند ، به شورش برخیزند و بخلق به پیوندند . اینست آنچه " جنبش گائو شو سیون " نامیده میشود .

۲ - اشاره است به : « تقلیل بهره‌مالکانه و بسط تولید - دو وظیفه مهم برای دفاع از مناطق آزاد شده » ، جلد حاضر .

۳ - " پشتیبانی از دولت و مهرورزی بخلق " شعار ارتش آزادیبخش توده‌ای بود . " پشتیبانی از ارتش و معاضدت با خانواده‌های رزمندگان جنگ مقاومت " شعار سازمان‌های حزبی ، سازمان‌های دولتی ، سازمانهای توده‌ای و توده‌های وسیع مناطق آزاد شده بود . شعار دوم بعدها بصورت " پشتیبانی از ارتش و معاضدت با خانواده‌های رزمندگان ارتش انقلابی " در آمد .

۴ - شبانگاه ۲۵ نوامبر ۱۹۴۵ بیش از شش هزار دانش‌آموز و دانشجوی دبیرستانها و دانشکده‌های کون مین ، مرکز استان یون نان ، در دانشگاه متحد جنوب غربی گرد آمدند تا کنفرانسی درباره مسائل سیاسی روز تشکیل دهند و به جنگ داخلی اعتراض کنند . مرتجعان گومیندان سپاهیان بمحل اجتماع اعزام داشتند که آنجا را در محاصره گرفته باستعمال اسلحه مانند توپخانه سبک ، مسلسل و تفنگ پرداختند و حوالی دانشگاه را تحت نظر قرار داده از بازگشت شاگردان و استادان بخانه‌های خود جلو گرفتند . در نتیجه این اقدام ، همه دانش‌آموزان و دانشجویان کون مین اعتصاب کردند . در روز ۱ دسامبر مرتجعان گومیندان تعداد کثیری سرباز و مأمور مخفی به دانشگاه متحد جنوب غربی و دانشسرای عالی فرستادند که با پرتاب نارنجک موجب کشته شدن چهار نفر و زخمی شدن بیش از ده نفر گردیدند . اینست آنچه " حادثه خونین ۱ دسامبر " نامیده میشود .

پایگاههای محکم در شمال شرقی برپا کنیم

(۲۸ دسامبر ۱۹۴۵)

۱ - وظیفه کنونی حزب ما در شمال شرقی عبارتست از برپا کردن پایگاهها ، پایگاههای محکم نظامی و سیاسی در منچوری شرقی ، شمالی و غربی (۱) . این کار آسانی نیست و مستلزم مبارزه سخت است . ما برای برپا کردن چنین پایگاهها سه تا چهار سال وقت لازم داریم . ولی باید در طی سال ۱۹۴۶ نخستین پایه‌های محکم را بریزیم و گرنه ممکن است نتوانیم خود را نگهداریم .

۲ - اکنون باید این نکته را روشن ساخت که این پایگاهها نباید در شهرهای بزرگ و یا در طول راههای عمده ارتباط که بوسیله گومیندان اشغال شده و یا خواهد شد برپا گردد . این کار در

رهنمودی است که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده و عنوانش بوروی شمال شرقی است . همینکه اتحاد شوروی به ژاپن اعلان جنگ داد و ارتش سرخ به شمال شرقی قدم گذاشت کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و ارتش آزادیبخش توده‌ای چین کادرها و سپاهیان فراوانی به شمال

شرایط کنونی ممکن نیست. همچنین پایگاههای مذکور را نباید در مناطق مجاور شهرهای بزرگ و یا راههای عمده ارتباط که در دست گومیندان است بر پا کرد. زیرا که گومیندان در آنجا که شهرهای بزرگ و راههای عمده ارتباط تسلط دارد بما امکان نخواهد داد در مناطقی که خیلی نزدیک بآنجا است پایگاههای محکم بر پا کنیم. حزب ما در این مناطق باید به کار بسیار فراوانی پردازد و نخستین خط دفاعی نظامی ما را در آنجا قرار دهد، و هیچگاه نباید این مناطق را سرسری از دست داد. معذک این مناطق عرصه عملیات پارتیزانی هر دو طرف خواهد بود و نتواند پایگاههای محکمی برای ما باشد. از اینجهت مناطقی که در آنجا باید پایگاههای محکم بر پا ساخت عبارتند از شهرها و سرزمین وسیع روستاهائی که از مراکز اشغال گومیندان بدوراند. اکنون باید این مناطق را تعیین کرد تا بتوانیم نیروهای خود را بر طبق آنها آرایش دهیم و همه حزب را بسوی این هدف توجیه کنیم.

۳ - پس از تعیین مناطقی که پایگاههای محکم ما باید در آنجا

شرقی فرستادند تا اینکه تحت رهبری آنها خلق به امحاء بقایای نیروهای متجاوزان ژاپنی و نابود ساختن رژیم پوшالی "منچورگوه"، به برانداختن خائنان بملت و از بین بردن راهزنی و با استقرار حکومتهای محلی دموکراتیک در مدارج مختلف پردازد. اما در همین اثنا مرتجعان گومیندان که میخواستند بهر قیمت شده نظارت بر شمال شرقی را منحصراً در دست خویش گیرند بکمک امپریالیسم آمریکا از راه زمین، دریا و هوا ارتش مهمی به آنجا اعزام داشتند، مواضع کلیدی مانند شانهای گوان و جین جو را که قبلاً بدست ارتش آزادیبخش توده‌ای آزاد شده بود قبضه کردند. بالنتیجه مبارزه شدید اجتناب‌ناپذیری در شمال شرقی پیش آمد که در تحول وضعیت سراسر کشور اهمیتی کاملاً خاص داشت. رفیق مائو تسه دون در این رهنمود

بر پا شود ، پس از آرایش نیروها و افزایش معتنا به تعداد ارتش ما ، وظیفه عمده حزب ما در شمال شرقی عبارت خواهد بود از کار توده‌ای . باید این مطلب را به همه کادرها حالی کرد که تا مدتی گومیندان در شمال شرقی از حزب ما قویتر خواهد بود ، و اگر فعالیت ما مبتنی بر این اصل نباشد که باید توده‌ها را بمبارزه برانگیخت ، باید مسایل آنها را حل کرد و در همه چیز بر آنها تکیه داشت ، اگر کلیه نیروها را بمنظور کار توده‌ای دقیق تجهیز نکنیم و از حالا تا يك سال و بویژه در چند ماه آینده که اهمیت قطعی دارند نخستین پایدهای محکم را بر پا نسازیم در شمال شرقی منفرد خواهیم شد ، نخواهیم توانست پایگاههای محکم بوجود آوریم و حملات گومیندان را در هم بشکنیم ، بلکه ممکن خواهد بود در برابر دشواریهای عظیم قرار گیریم و حتی در معرض خطر شکست باشیم . برعکس ، اگر بر توده‌ها استوار تکیه کنیم بر کلیه دشواری‌ها غلبه خواهیم کرد و رفته رفته به هدف خویش خواهیم رسید . کار توده‌ای بآن معناست که توده‌های خلق را بسیج کنیم برای اینکه

پیش بینی کرد که مبارزه در شمال شرقی مبارزهای سخت خواهد بود، درست بموقع خود راهنمایی کرد که مرکز ثقل کار باید در شهرها و مناطق روستائی پهناوری باشد که از مراکز اشغال گومیندان نسبتاً دوراند ، باین معنی که ما باید " شاهراه را بگذاریم و دو طرف آن را بتصرف در آوریم " تا آنکه توده‌ها را برانگیزیم ، پایگاههای محکم برپا سازیم ، بتدریج نیروهای خویش را افزایش دهیم و برای گذار به تعرض متقابل آماده شویم . این سیاست صحیح که بوسیله کمیته مرکزی و رفیق مائو سه دون تعیین گردید بوسیله بوروی شمال شرقی که رفیق لین بیائو در رأس آن قرار داشت موفقانه بموقع اجرا گذاشته شد و مبداء پیروزی بزرگی بود که سه سال بعد در نوامبر ۱۹۴۸ سراسر شمال شرقی را آزاد ساخت .

در راه تصفیه حساب خویش با خائنان بملت مبارزه کنند و جنبش برای
تقلیل بهره‌مالکانه و افزایش دستمزد و همچنین بسط تولید بر پا سازیم .
ما باید در طی این مبارزات سازمان‌های گوناگون توده‌ای بوجود آوریم ،
هسته‌های حزب را بنیاد نهیم ، از توده‌ها واحدهای مسلح و همچنین
ارگانه‌ای قدرت توده‌ای تشکیل دهیم ، مبارزات اقتصادی توده‌ای را
سریعاً بسط مبارزات سیاسی برسانیم و توده‌ها را برای شرکت در
ساختمان پایگاه‌ها بسیج کنیم . رهنمودی که اخیراً از طرف کمیته
حزب در استان ژه هه راجع به بسیج توده‌ها در مبارزه (۲) صادر شده‌است
میتواند در شمال شرقی بکار رود . حزب ما باید مزایای مادی محسوسی
به خلق در شمال شرقی بدهد ؛ فقط در آن صورت توده‌ها از ما پشتیبانی
خواهند کرد و در برابر حملات گومیندان بمقاومت بر خواهند خاست .
در غیر این صورت آنها نمیتوانند تشخیص دهند کدام يك از دو حزب ،
گومیندان یا حزب کمونیست خوبست و کدام يك بد است ، ممکن است
تا مدتی به تبلیغ دروغین گومیندان گرفتار آیند و حتی ممکن است با
حزب ما به مخالفت برخیزند و چنین چیزی وضعیت بسیار ناساعدی
برای ما در شمال شرقی بوجود خواهد آورد .

۴ - امروزه برای حزب ما در شمال شرقی مشکلی از نوع مشکلات
ذهنی بوجود آمده‌است . بسیاری از کادرها و سپاهیان ما فقط اندك مدتی
است که در شمال شرقی بسر میبرند و نه این سرزمین و نه مردم آن را
نمیشناسند . کادرهائی هستند که ناراضی‌اند چرا ما نمیتوانیم شهرهای
بزرگ را تصرف کنیم و در برابر کار پرنج بسیج توده‌ها و استقرار پایگاه‌ها
ناشکیبائی نشان میدهند . این حالت با وضعیت کنونی و وظائف حزب ما
در تضاد است . ما باید پیوسته به کادرهائی که از مناطق دیگر آمده‌اند

بیاموزیم که به تحقیق و مطالعه اهمیت بسیار بدهند ، با محل و با مردم آن آشنا گردند ، تصمیم بگیرند که با اهالی شمال شرقی یکی شوند ؛ ما باید تعداد زیادی از عناصر فعال و کادرهایی از درون توده‌های مردم تربیت کنیم . ما باید به کادرها توضیح دهیم که اگر چه شهرهای بزرگ و راههای ارتباط در دست گومیندان است معذک وضعیت شمال شرقی برای ما مساعد است . اگر ما بتوانیم این نظریه را در کلیه کادرها و جنگجویان رسوخ دهیم که باید توده‌ها را برانگیخت و پایگاهها را برپا ساخت ، و اگر کلیه نیروها را بسیجیم و سرعت به مبارزه عظیم برای استقرار این پایگاهها پردازیم خواهیم توانست محکم در شمال شرقی و ژه‌هه مستقر شویم و پیروزی از آن ما خواهد بود . باید بکادرها گفت که بهیچوجه نباید به نیروی گومیندان کم بها دهند ، و نیز بهیچوجه نباید بفکر اینکه گومیندان به حمله بر منچوری شرقی و شمالی خواهد پرداخت در برابر دشواری کار گرفتار ناشکیبی گردند . البته در موقع این توضیحات نباید این فکر را در کادرها بوجود آوریم که گومیندان نیروی عجیبی دارد و حملاتش را نمیتوان در هم شکست . باید نشان داد که گومیندان در شمال شرقی دارای پایه‌های عمیق و سازمان داده‌ای نیست و حملاتش میتواند درهم شکسته شود و بنابر این حزب ما میتواند در آنجا پایگاه برپا سازد . اما اکنون میبایان گومیندان به حمله بر سرژ ژه‌هه - لیاو نین مشغول‌اند و اگر بر آنها ضربه زده نشود بزودی بر منچوری شرقی و شمالی حمله خواهند کرد . از اینجهت کلیه اعضاء حزب باید مصمم باشند که به پررنجترین وظائف پردازند ، توده‌ها را سرعت برانگیزند ، پایگاههای ما را برپا سازند و حملات گومیندان را در منچوری غربی و ژه‌هه قاطعاً و منظمآ در هم بشکنند . در منچوری شرقی و شمالی باید

بسرعت در تدارك شرایطی بود که برای در هم شکستن حملات گومیندان لازم است. ما باید کادرهای خود را یکباره از این تصور برهانیم که گویا میتوان بیاری بخت و اقبال و بدون مبارزه‌ای سخت و تلخ و بدون ریختن خون و عرق به پیروزی نائل آمد.

۵ - باید سرعت سنجوری غربی، شرقی و شمالی را به منطقه‌ها و بخش‌های نظامی و نیروهای مسلح را به ارتش صحرائی و ارتش محلی تقسیم کرد. باید واحدهای سهمی از ارتش منظم را بین بخشهای نظامی بخش کرد تا آنکه توده‌ها را برانگیزند، راهزنان را نابود سازند، ارگان‌های حکومت بر پا کنند، واحدهای پارتیزانی، دستجات چریک توده‌ای و نیروهای دفاع از خود را سازمان دهند، بطوریکه دفاع مناطق ما تأمین گردد و با هم آهنگی با ارتش‌های صحرائی ما حملات گومیندان در هم شکسته شود. باید هر واحد در منطقه معین و به وظیفه مشخص گماشت؛ از این طریق است که واحدها سرعت خواهند توانست با خلق متحد شوند و پایگاههای محکم بر پا سازند.

۶ - بیش از ۱۰۰,۰۰۰ تن از سپاهیان ما به شمال شرقی و ژه هه رفته‌اند. ارتش مذکور اخیراً با بیش از ۲۰۰,۰۰۰ تن دیگر تکمیل شده و همچنان در جهت افزایش است. اگر کارسندان حزب و دولت را هم بیفزائیم بنظر ما تا يك سال دیگر مجموعاً از ۴۰۰,۰۰۰ نفر متجاوز خواهد شد. این وضعیت که عده‌ای باین کثرت از تولید بریده شده‌اند و از لحاظ خوراك و پوشاك خویش وابسته اهالی شمال شرقی‌اند مسلماً قابل دوام نیست و متضمن خطر بزرگی است. از اینجهت کلیه واحدهای ارتش و کلیه ادارات و سازمان‌ها باید در خارج از مبارزه و خارج از کار منظم خویش به تولید پردازند، باستانای ارتش‌های

صحرائی که سپاهیانسان برای عملیات نظامی بزرگ متمرکز شده‌اند .
 سال ۱۹۴۶ نباید بیهوده بگذرد . باید بیدرنک در سراسر شمال شرقی
 نقشه‌های مناسب برای کار طرح گردد .

v - در استقرار پایگاههای ما و در پیروزی نبردهای آینده ما
 در شمال شرقی سمت گیری کارگران و روشنفکران دارای اهمیت بسیاری
 است . از اینجهت حزب ما باید به کار در شهرهای بزرگ و در طول
 راههای عمده ارتباط و بویژه به کار در میان کارگران و روشنفکران برای
 جلب آنها توجه لازم و کامل معطوف دارد . از آنجا که حزب ما در
 اوایل جنگ مقاومت باندازه کافی به جلب کارگران و روشنفکران به
 پایگاهها نپرداخته‌است سازمانهای حزب در شمال شرقی در عین حال که
 به کار مخفی در نواحی تحت نظارت گومیندان توجه میکنند اینک باید
 کلیه اسکانات خویش را بکار برند تا کارگران و روشنفکران به ورود در
 ارتش جلب شوند و در همه زمینه‌ها در کار ساختمان در پایگاههای ما
 شرکت جویند .

یادداشتها

۱ - پایگاه منچوری شرقی از آن جمله شامل میشد بر مناطق جی لین ،
 سی ان ، ان تو ، ین جی ، دون هوا در مشرق بخش شن یان - چان چون راه
 آهن چان چون چین . پایگاه منچوری شمالی از آن جمله شامل میشد بر مناطق
 حاربین ، مو دن جیان ، بی ان ، جیا مو سی . پایگاه منچوری غربی از آن
 جمله شامل میشد بر مناطق چی چی هار ، تائو ان ، کای لو ، فو سین ، جن
 جیا تون ، و فو یو در مغرب بخش شن یان - چان چون راه آهن چان چون چین .
 حزب ما در منچوری جنوبی نیز پایگاهی بر پا ساخت که از آن جمله شامل

میشد بر مناطق آن دون (امروز به دن دون تجدید نام یافت - مترجم) ، جوان
 هه ، تون هوا ، لین جیان ، چینگ یوان در مشرق بخش شن یان - دالیان راه آهن
 چان چون چین و بر منطقه لیائو جون در جنوب غربی شن یان . مبارزه سختی
 که در منچوری جنوبی بر ضد دشمن ادامه یافت نیز در ساختمان پایگاه‌های
 شمال شرقی نقش مهم بازی کرد .

۲ - اشاره است به « رهنمود در باوه بسیج توده‌ها » که در دسامبر ۱۹۴۵
 از طرف کمیته ایالتی حزب کمونیست چین در ژو هه صادر گردید . رهنمود مذکور
 تأکید میکرد که وظیفه مرکزی برای برانگیختن توده‌ها در حال حاضر عبارتست از بر
 پا کردن نبرد بازخواست و تلافی که هدفش تصفیه حساب با خائنان بملت و مأموران مخفی
 است . بوسیله این نبرد باید شور و شوق توده‌ها را برانگیخت ، موقعیت اجتماعی ،
 سیاسی و اقتصادی آنها را ارتقاء داد و سندیکاها ، اتحادیه‌های دهقانی و سایر سازمان‌های
 توده‌ای را بوجود آورد و باید آماده بود که همیشه این نبرد پایان یافت به جنبش توده‌ای
 برای تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود پرداخته شود . در موقع برانگیختن توده‌های شهر
 باید نخست به برانگیختن کارگران دست زد بطوریکه آنها بتوانند پیشاهنگ باشند
 در نبرد برای تصفیه حساب با خائنان بملت و مأموران مخفی نقش رهبر ایفا کنند .
 رهنمود مذکور همچنین اشعار میداشت که باید کلیه امور مربوط بداره شهرها
 را یاد گرفت ، باید نیروی کار را با صرفه‌جویی مورد استفاده قرار داد ، باید
 همه چیز را برای مدتی طولانی پیش‌بینی کرد .

چند ارزیابی از وضع بین‌المللی کنونی

(آوریل ۱۹۴۶)

۱ - نیروهای ارتجاعی جهان در واقع جنگ سوم جهانی را تدارک می‌بینند و خطر جنگ وجود دارد . ولی نیروهای دموکراتیک خلقهای جهان بر نیروهای ارتجاعی جهان برتری پیدا کرده‌اند و به پیشروی ادامه می‌دهند ؛ آنها باید و حتماً میتوانند بر خطر جنگ فایق آیند . بنا بر این در روابط بین آمریکا ، انگلستان و فرانسه از يك طرف و اتحاد شوروی از طرف دیگر مسئله بر سر سازش یا شکاف نیست ، بلکه بر سر آنستکه آیا سازش زودتر انجام خواهد گرفت یا دیرتر . غرض از سازش حصول توافقات از طریق مذاکرات مسالمت‌آمیز است . مقصود از زودتر یا دیرتر

این اثر در رد چند ارزیابی بدبینانه از اوضاع بین‌المللی که در آن زمان بوجود آمده بود ، نگاشته شده است . از بهار ۱۹۴۶ امپریالیستها بسرکردگی ایالات

اینستکه این سازش پس از چند سال دیگر و یا پس از بیشتر از ده سال دیگر و یا پس از زمانی بیشتر از این انجام گیرد .

۲ - این نوع سازش که در بالا از آن نام رفت ، معنیش سازش در تمام مسایل بین‌المللی نیست . حصول این سازش مآدام که آمریکا ، انگلستان و فرانسه همچنان زیر سلطه مرتجعین قرار دارند ، غیرممکن است . سازشی که در اینجا از آن سخن می‌رود بمعنی سازش در بعضی مسایل ، از آنجمله در برخی مسایل مهم است . معیناً اینگونه سازشها نمیتواند در آینده نزدیک زیاد باشد . ولی با وجود این امکان توسعه روابط تجارتی آمریکا ، انگلستان و فرانسه با اتحاد شوروی موجود است .

۳ - چنین سازشهایی میان آمریکا ، انگلستان و فرانسه از يك

متحد آمریکا همگام با مرتجعین کشورهای مختلف روز بروز بر فعالیتهای ضد اتحاد شوروی ، ضد کمونیستی و ضد خلقی خود میافزودند و برای بااصطلاح " ناگزیری جنگ میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی " و " ناگزیری آغاز سومین جنگ جهانی " تبلیغ میکردند . در چنین وضعی رفتائی بودند که به نیروهای امپریالیستی پربها و به نیروهای خلق کم‌بها میدادند ، آنها از امپریالیسم آمریکا و از شروع يك جنگ جهانی جدید هراس داشتند و بدین جهت در برابر حملات مسلحانه دسته‌بندی ارتجاعی آمریکا و چانکایشك از خود ناتوانی نشان میدادند و جرأت نمیکردند که قاطعانه جنگ انقلابی را در برابر جنگ ضد انقلابی قرار دهند . در این سند ، رفیق مائو تسه دون این شیوه تفکر نادرست را میکوبد . رفیق مائو تسه دون خاطر نشان می‌سازد که فقط در صورتی خطر جنگ جهانی جدید بر طرف میشود که نیروهای خلقهای جهان قاطعانه و بطور مؤثر علیه نیروهای ارتجاعی جهان مبارزه

طرف و اتحاد شوروی از طرف دیگر فقط میتواند در نتیجه مبارزه مصمم و مؤثر تمام نیروهای دموکراتیک جهان علیه نیروهای ارتجاعی آمریکا، انگلستان و فرانسه بدست آید. اینگونه سازشها ایجاب نمیکند که خلقهای کشورهای سرمایه‌داری جهان در کشورهای خود با پیروی از آن سازش کنند. خلقهای این کشورها کمافی السابق بنابر اوضاع خاص خود به اشکال گوناگون مبارزه خواهند کرد. اصلی که نیروهای ارتجاعی در برابر نیروهای دموکراتیک توده‌ای از آن پیروی میکنند، چنین است: نابود کردن قطعی آنچه نابود شدنی است و تدارك دیدن برای نابود آنچه فعلاً نمیتوان نابود کرد. در چنین شرایطی نیروهای دموکراتیک توده‌ای نیز باید این اصل را در مورد نیروهای ارتجاعی بکار بندند.

کند؛ در عین حال رفیق مائو تسه دون خاطر نشان میسازد که امکان آن هست که کشورهای سوسیالیستی با کشورهای امپریالیستی به بعضی سازشها برسند، ولی معیذاً این سازشها "ایجاب نمیکند که خلقهای کشورهای سرمایه‌داری جهان در کشورهای خود با پیروی از آن سازش کنند"، "خلقهای این کشورها کمافی السابق بنابر اوضاع خاص خود به اشکال گوناگون مبارزه خواهند کرد". این سند در آن زمان انتشار نیافت، بلکه فقط در دسترس برخی از رفقای رهبری کمیته مرکزی حزب قرار گرفت و سپس در جلسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، متشکله در دسامبر ۱۹۴۷، بین اعضای کمیته مرکزی توزیم گردید. پس از آنکه رفقای حاضر در این جلسه با اتفاق آرا محتوی آنرا تصدیق و تصویب کردند، متن کامل آن بعداً در «بخشنامه درباره مصوبات جلسه دسامبر ۱۹۴۷ کمیته مرکزی» که در ژانویه ۱۹۴۸ از طرف کمیته مرکزی منتشر گردید، داخل شد.

www.KetabFarsi.com

تعرض چانكایشك را با جنگ دفاع از خود درهم بشکنیم

(۲۰ ژوئیه ۱۹۴۶)

۱ - چانكایشك پس از آنكه موافقت نامه متاركه (۱) را از هم درید ، تصمیمات كنفرانس مشورتی سیاسی (۲) را نقض كرد و سی پین ، چان چون و سایر شهرهای ما را در شمال شرقی بتصرف در آورد اینك به تعرض جدید پردامنه ای بر ضد ما در چین شرقی و شمالی دست زده است ؛ و امکان آن هست كه بعداً حملات خود را به شمال شرقی از سر بگیرد . خلق چین نمیتواند صلح برقرار سازد مگر آنكه تعرض چانكایشك را با جنگ دفاع از خود بكلی درهم شكند .

رهنمود برای حزب كه بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب كمونیست چین تنظیم شده است . در زمستان ۱۹۴۵ چانكایشك « موافقت نامه ۱۰ اکتبر » را از هم درید ، ولی تداركات او برای جنگ داخلی همگانی پایان نرسیده بود ، بویژه آنكه هنوز نیروهای مهمی از گومیندان به جیبه جنگ داخلی انتقال نیافته بود . از این جهت دولت چانكایشك در ژانویه ۱۹۴۶ تحت فشار همه خلق كه صلح و دموکراسی میخواست ناچار شد كنفرانس مشورتی سیاسی را كه حزب

۲ - حزب ما و ارتش ما مشغول کلیه تدارکات لازم اند تا تعرض چانکایشک را در هم شکنند و باین طریق صلح بدست آورند . چانکایشک از کمک آمریکا برخوردار است ولی احساسات خلق بر ضد او است ، روحیه سپاهیانش ضعیف است و اقتصادش در وضعیت دشواری است . ما کمکی از خارج دریافت نداریم ولی احساسات خلق با ما است ، روحیه سپاهیان ما قوی است و از لحاظ اقتصادی میتوانیم گلیم خود را از آب بیرون بکشیم . پس ما قادریم که بر چانکایشک پیروز شویم . بایند در این موضوع اطمینان کاملی در سراسر حزب ما برقرار باشد .

۳ - برای پیروزی بر چانکایشک ، آن شیوه نبرد که بطور کلی

کمونیست چین و سایر احزاب دموکراتیک در آن شرکت جستند دعوت کند . کنفرانس یک سلسله قطعنامه‌هایی به‌وفاداری از صلح و دموکراسی تصویب کرد ، فرمان آتش‌بس در ۱۰ ژانویه داده شد . اما چانکایشک قصد نداشت تصمیمات کنفرانس مشورتی سیاسی و فرمان آتش‌بس را مراعات کند . در نیمه اول سال ۱۹۴۶ سپاهیان گومیندان به حمله بر نقاط متعددی از مناطق آزاد شده ادامه دادند . حمله‌ای که در شمال شرقی روی داد بویژه پرمایه بود و وضعیت زیرین پیش آمد : نبردهای کوچک در جنوب دیوار بزرگ چین و نبردهای بزرگی در شمال آن . در این اثنا آمریکا کوشش فراوان بکار میبرد تا سپاهیان گومیندان را نقل و انتقال دهد و مجهز گرداند . در پایان ژوئن ۱۹۴۶ چانکایشک و خداوندگاران آمریکائیش خود را کاملاً آماده دیدند و قادر دانستند که در عرض سه تا شش ماه ارتش آزادیبخش توده‌ای را بکلی نابود سازند . از این جهت به تعرض عمومی بر مناطق آزاد شده دست زدند ، تعرضی که در ۲۶ ژوئن با حمله وسیع برای محاصره منطقه آزاد شده دشتهای مرکزی آغاز گردید . از ژوئیه تا پایان سپتامبر سپاهیان گومیندان پشت سرهم به حملات پرمایه بر مناطق آزاد شده جیان‌سو - ان‌هوی ، شان‌دون ، شان‌سی - حه‌به - شان‌دون - حه‌نان ، شان‌سی - چاهار - حه‌به و شان‌سی - سوی یوان میادرت جستند . در اکتبر دوباره

باید بکار رود شیوه جنگ متحرك است . پس ترك سوقت برخی از سرزمین ها یا برخی از شهرها نه فقط اجتناب ناپذیر است بلکه ضروری است . اگر ما برخی از سرزمین ها یا برخی از شهرها را موقتاً ترك میکنیم بآن علت میباشد که پیروزی نهائی باین قیمت است . طور دیگر نمیتوانیم بآن برسیم . ما باید این نکته را بهمه اعضاء حزب ، بهمه اهالی مناطق آزاد شده بروشنی بفهمانیم تا اذهان خود را آماده سازند .

۴ - ما برای در هم شکستن تعرض چانكایشك باید با توده های مردم از نزدیک همکاری کنیم و کلیه کسانی را که میتوانند بجانب ما بیایند جلب کنیم . در روستاها از يك طرف باید مسئله ارضی

به حمله وسیع بر ناحیه آزاد شده شمال شرقی پرداختند . در عین حال با نیروهای مهمی به محاصره منطقه آزاد شده شنسی - گان سو - نین سیا ادامه دادند . آنگاه که جنگ داخلی بمقیاس ملی در گرفت گومیندان ۱۹۳ تیپ (یا لشگر) یعنی در حدود ۱,۶۰۰,۰۰۰ تن از سپاهیان منظمش را در حمله بر مناطق آزاد شده بکار انداخت . این ۸۰ در صد مجموعه نیروهای گومیندان بود که بر ۲۴۸ تیپ (یا لشگر) منظم یعنی ۲ میلیون نفر بالغ میشد . ارتش و مردم مناطق آزاد شده برهبری کمیته مرکزی حزب و بوروها و شعبات بوروی کمیته مرکزی برای در هم شکستن تعرض سپاهیان چانكایشك دلیرانه نبرد کردند . در این دوره در مناطق آزاد شده شش صحنه بزرگ عملیات وجود داشت . اینست صورت آن شش صحنه و نیروهای ارتش آزادیبخش توده ای که در آنجا میجنگیدند :

منطقه آزاد شده شانسی - حه به - شان دون - حه نان با نیروهای ارتش آزادیبخش توده ای بفرماندهی لیو به چن ، دن سیائو پین و رفقای دیگر .
منطقه آزاد شده چین شرقی (شامل مناطق آزاد شده شان دون و جیان سو - ان هو) با نیروهای ارتش آزادیبخش توده ای بفرماندهی چن ای ، سویو ، تن جن لین و رفقای دیگر .

را با قاطعیت حل کنیم ، بر مزدوران کشاورزی و دهقانان فقیر محکم تکیه کنیم ، و با دهقانان میانه حال متحد شویم ؛ از طرف دیگر باید در حل مسئله ارضی ، دهقانان مرفه معمولی و مالکان کوچک و متوسط ارضی را از خائنان ، اشراف زیانکار و مستبدان محلی تشخیص بدهیم . باید با خائنان ، اشراف زیانکار و مستبدین محلی بیشتر سختگیر باشیم و با دهقانان مرفه و مالکان کوچک و متوسط ارضی کمتر . و در آنجا که هم اکنون مسئله ارضی حل شده است باید روش خود را معتدل سازیم و با مجموعه طبقه مالکان ارضی ، بااستثنای گروه اندک مرتجعان ، نرم تر رفتار کنیم . برای آنکه از تعداد عناصر دشمن بکاهیم و مناطق آزاد شده را

منطقه آزادشده شمال شرقی با نیروهای ارتش آزادیبخش توده‌ای
بفرماندهی لین‌بیائو ، لوه ژون هوان و رفقای دیگر .

منطقه آزادشده شانسی - چاهار - حبه با نیروهای ارتش آزادیبخش
توده‌ای بفرماندهی نیه ژون جن و رفقای دیگر .

منطقه آزادشده شانسی - سوی یوان با نیروهای ارتش آزادیبخش
توده‌ای بفرماندهی هولون و رفقای دیگر .

منطقه آزادشده دشت‌های مرکزی با نیروهای ارتش آزادیبخش توده‌ای
بفرماندهی لی سیان نیان ، جن وی سان و رفقای دیگر .

ارتش آزادیبخش توده‌ای در آن موقع مجموعاً بر ۱,۲۰۰,۰۰۰ تن بالغ میشد
از لحاظ تعداد از دشمن کمتر بود . ارتش مذکور استراتژی تنظیمی رفیق مائو
تسه دون را بدرستی اجرا کرد و پیوسته ضربات سنگین بر دشمن متجاوز وارد ساخت .
ارتش آزادیبخش توده‌ای پس از آنکه در عرض مدتی قریب هشت ماه ۶۶ تیپ
منظم و واحدهای غیرمنظم دشمن یعنی متجاوز از ۷۱۰,۰۰۰ تن را نابود کرد
تعرض همگانی دشمن را متوقف گردانید و سپس بتدریج به گسترش تعرض
متقابل استراتژیک پرداخت .

تحكيم كنيم بايد به همه مالكان ارضي كه در تاسين معاش خویش بزرگمت
افتاده اند كمك برسائيم ، مالكان ارضي فراری را به بازگشت فرا خوانيم و
بآنها امكان تاسين معاش بدهيم . در شهرها نه فقط بايد با طبقه كارگر ،
خرده بورژوازي و كلييه عناصر مترقي متحد شويم بلكه بايد در اندیشه
اتحاد با عناصر ميانه حال نیز باشيم تا آنكه مرتجعان را منفرد سازيم .
در میان سپاهيان گوميندان بايد كلييه کسانی را كه ممكن است با جنگ
داخلی مخالف باشند بسوی خویش جلب كنيم . و ستیزه جويان را منفرد
گردانيم .

• - برای در هم شكستن تعرض چانكاشك بايد نقشه های
خود را برای مدت متمادی تنظيم كنيم . در استفاده از نیروهای انسانی
و مادی خویش بايد صرفه جوئی بسیار بكار بریم و با تمام اسكانات خود
از اسراف جلوگیری . بايد بمواردی كه در اینجا و آنجا فساد پیدا شده
است رسیدگی كنیم و آنها را براندازیم . بايد مصممانه بكار تولید پردازیم
تا بتوانیم كلييه نیازمندی های خویش را از حیث محصولاتى كه در
درجه اول ضرورت اند و بویژه از حیث غلات و پارچه خودمان رفع كنیم .
بايد كشت پنبه را عمومى گردانيم ، هر خانواده را به رشتن و هر دهكده
را به بافتن تشويق نمائيم . بايد حتى در شمال شرقی به بسط این فعالیت ها
دست بزنیم . در زمینه امور مالی و تداركات بايد نیازمندی های مادی
جنگ دفاع از خود را برآورده سازیم و در عین حال بار مردم را سبك
كنیم بطوری كه شرایط زندگی آنها در مناطق آزاد شده ما با وجود
جنگ بهتر شود . خلاصه آنكه ما بر خلاف چانكاشك كه همه چیزش
وابسته به خارجه است تماماً بر كوشش های خویش تكيه میکنیم و
غلبه ناپذیریم . سادگی در زندگی و استواری در نبرد پیشه ماست ؛ ما

هم به نیازسندیهای ارتش و هم به نیازسندیهای خلق توجه داریم . ولی بر عکس ، در مناطقی که تحت نظارت چانگایشک است طبقات بالای اجتماع فاسد و پوسیده‌اند و خلق در بینوائی غوطه‌ور است . در چنین احوالی ما به پیروزی خویش اطمینان کامل داریم .

۶ - دشواریهایی در برابر ما برپا است . اما بر این دشواریها میتوان و باید غلبه کرد . همه رفقای حزبی ، همه سپاهیان و همه خلق مناطق آزاد شده باید برای در هم شکستن کامل تعرض چانگایشک یکپارچه باشد و چین نوین ، مستقل ، صلح‌جو و دموکراتیک برپا سازند .

یادداشتها

۱ - « موافقت‌نامه متارکه » موافقت‌نامه‌ای بود درباره قطع مخاصمات که در ۱۰ ژانویه ۱۹۴۶ میان نمایندگان حزب کمونیست چین و نمایندگان دولت گومیندان چانگایشک منعقد شد . موافقت‌نامه مقرر میداشت که سپاهیان طرفین عملیات نظامی را در مواضع خویش از نیمه شب ۱۳ ژانویه متوقف خواهند ساخت . ولی در واقع چانگایشک از این موافقت‌نامه بمثابه پرده دودی استفاده کرد که در پس آن باتخاذ تصمیماتی برای جنگ داخلی عظیمی پرداخت . وی در همان لحظه که فرمان آتش بس مخابره میشد به سپاهیان گومیندان فرمان " تصرف نقاط استراتژیک " داد و از این لحظه بعد پیوسته واحدهائی را به حمله بر مناطق آزاد شده گماشت . چانگایشک در ژوئیه موافقت‌نامه متارکه را آشکارا از هم درید و به تعرضی عمومی بر مناطق آزاد شده مبادرت جست .

۲ - کنفرانس مشورتی سیاسی مرکب از نمایندگان گومیندان ، حزب کمونیست و سایر احزاب سیاسی و شخصیت‌های بی‌حزبی از تاریخ ۱۰ تا ۳۱ ژانویه ۱۹۴۶ در چون چینگ منعقد گردید . در کنفرانس مذکور پنج قطعنامه بتصویب رسید :

(۱) موافقت‌نامه درباره تشکیل دولت . این موافقت‌نامه تصدیق

ميكرد كه " در قانون ارگانيك دولت ملي بمنظور تقويت شوراي دولت ملي تجديد نظر خواهد شد " . موافقت نامه تعداد اعضاي شوراي دولت ملي را افزايش داد و مقرر ميداشت كه " اعضاي شوراي دولت ملي از طرف صدر دولت ملي از افراد منتسب يا غير منتسب به گوميندان انتصاب خواهند شد " ؛ " انتصاب اعضاي احزاب مختلف بعنوان اعضاي شوراي دولت ملي كه بوسيله صدر دولت ملي صورت خواهد گرفت ، بنابر پيشنهاد احزاب مذكور خواهد بود و هرگاه صدر دولت ملي با اين پيشنهاد موافق نباشد ، احزاب مذكور پيشنهادهاي جديد خواهند داد " ؛ " هرگاه صدر دولت ملي شخصيت بي حزبي را بعنوان نامزد شوراي دولت ملي پيشنهاد كند و يك سوم اعضاي شورا با اين پيشنهاد مخالف باشند ، صدر بايد در اين امر تجديد نظر كند و پيشنهاد تازه بدهد " . " نصف اعضاي شوراي دولت ملي از اعضاي گوميندان خواهند بود و نصف ديگر از اعضاي ساير احزاب سياسي و شخصيتهاي سرشناس کشور " . شوراي دولت ملي اسماً بعنوان " ارگان عالي دولتي در عهده داري امور کشور " تعريف شده بود كه اختيار بحث و تصميم در باره اصول قانون گذاري ، رهنمودهاي سياسي ، اقدامات مهم سياسي و نظامي ، نقشه هاي مالي و بودجه و همچنين در باره اموري كه بررسي آنها را صدر دولت ملي بآن محول مي ساخت ، داشت ؛ از طرف ديگر صدر دولت ملي معذك داراي اختيارات معتنايه و از آن جمله حق انتصاب ، حق وتوي نسبي در مورد تصميمات ، و اختيارات فوق العاده بود . موافقت نامه مذكور همچنين مقرر ميداشت كه " هفت يا هشت عضو شوراي مجريه بايد از اشخاص خارج از گوميندان انتصاب شوند . اينان پستهاي وزارت هاي موجود و يا پستهاي وزارتخانه مشاور را كه بوجود خواهد آمد ، اشغال خواهد كرد " .

(۲) برنامه صلح و ساختمان ملي . اين برنامه شامل نه فصل زير ميشود : " كليات " ، " حقوق خلق " ، " امور سياسي " ، " امور نظامي " ، " امور خارجي " ، " امور اقتصادي و مالي " ، " تعليم و تربيت و فرهنگ " ، " معاضدت و تجديد ساختمان " و " امور مهاجرين چيني " . فصل " كليات " مشعر بود بر " وحدت استوار " كلييه احزاب سياسي کشور " براي ساختمان چين نوين ، واحد ، آزاد و دموكراتيك " ؛ " دموكراتيزه كردن زندگي سياسي ، ملي كردن ارتشها ، تساوي احزاب سياسي و قانوني بودن آنها " ؛ " حل اختلافات سياسي با وسايل سياسي تا آنكه تكامل صلح آميز کشور تأمين

گردد". فصل "حقوق خلق" مقرر ميداشت كه آزادي‌هاي فرد ، فكر ، رسوم مذهبي ، وجدان ، بيان ، مطبوعات ، اجتماعات ، اتحاديه‌ها ، مسكن ، نقل و انتقال و مكاتبات براي خلق تضمين خواهد شد ، "اكيداً قدغن ميشود كه ارگاني و يا كسي كه نماينده قوه قضايه و يا پليس نيست به بازداشت ، بازپرسی و مجازات مردم بپردازد ، هر كس اين ماده را نقض كند ، كيفر خواهدديد". فصل "امور سياسي" مقرر ميداشت كه "دستگاه‌هاي اداري در كليه مدارج مورد تجديد سازمان قرار خواهند گرفت ، اختيارات و مسئوليتهاي آنها يكي و مشخص خواهد گرديد ، كليه ارگانهاي مضاعف حذف خواهد شد ، مقررات اداري ساده خواهد گرديد و هر يك از مدارج اداري داراي مسئوليتهاي مشخص خواهد بود" ؛ "كار براي كارمندان شايسته تضمين خواهد شد ، انتصاب به مشاغل دولتي براساس صلاحيت و سابقه صورت خواهد گرفت نه براساس تعلق ب يك حزب ، چنده شغلي و پارتی‌بازی قدغن خواهد بود" ؛ "سيستم بازرسى اكيداً مراعات خواهد شد ، اختلاس و ارتشاء مورد كيفر شديد قرار خواهد گرفت ، تسهيلايى براي خلق فراهم خواهد آمد كه بتواند مأمورين فاسد را در كمال آزادي افشا كند" ؛ "مجدانه به اجراي خودمختاري محلي پرداخته خواهد شد و انتخابات عمومي از پائين تا بالا انجام خواهد يافت" ؛ "اختيارات دولت مركزي و ارگانهاي محلي برحسب تقسيم منصفانه اختيارات تعيين خواهد گشت ، ارگانهاي محلي ميتوانند تصميمات مناسب را بر حسب شرايط محلي اتخاذ كنند ولي مصوبات و مقررات استان يا شهرستان نبايد با قوانين و فرمانهاي دولت مركزي مغايرت داشته باشد". فصل "امور نظامي" مقرر ميداشت كه "تركيبات نظامي بايد پاسخگوي نيازمندي‌هاي دفاع ملي باشد ، سيستم نظامي برحسب رژيم دموكراتيک و شرايط خاص كشور اصلاح خواهد شد ، ارتش مستقل از احزاب سياسي خواهد بود و مقامات نظامي از مقامات كشوري تفكيك خواهد شد ، آموزش نظامي اصلاح خواهد گرديد ، تداركات ارتش تقويت خواهد شد ، سيستم پرسنل و سيستم اداره امور مالي بهبود خواهد يافت ، بطوري كه ارتش ملي مدرن بنا يابد" ؛ "سپاهيان سراسر كشور طبق نقشه تجديد سازمان نظامي بطور مؤثر تقليل خواهند يافت". فصل "امور اقتصادي و مالي" مقرر ميداشت كه "بسط سرمايه بوروكراتيک متوقف خواهد شد ، اكيداً قدغن خواهد شد كه مأمورين دولت از اختيارات و از موقعيت خود براي پرداختن به احتكار ، به انحصار جوئي ، به تقلبات ماليات ، به

قاچاق ، باختلاس وجوه عمومی و بهره‌برداری غیرقانونی از وسائل حمل و نقل سوء استفاده کنند “ ؛ ” بمنظور بهبود زندگی دهقانان ، بهره‌مالکانه و نرخ سود تقلیل خواهد یافت ، حق مزارعه‌گیری دهقانان محفوظ خواهد شد ، پرداخت بهره‌مالکانه تأمین خواهد شد ، اعتبارات کشاورزی افزایش خواهد یافت و رباخواری جداً قدغن خواهد شد ، يك قانون ارضی بمنظور عملی ساختن هدف زیرین بموقع اجرا در خواهد آمد : ” زمین از آن کشتکار است “ ؛ ” يك قانون کار بموقع اجرا در خواهد آمد که شرایط کار را بهبود بخشد “ ؛ ” وضع مالی بااطلاع عموم رسانیده خواهد شد . سیستم بودجه و حسابداری شدیداً مراعات خواهد شد ، هزینه‌های بودجه شدیداً تقلیل خواهد یافت ، توازن هزینه و درآمد حفظ خواهد شد ، صلاحیت مالی دولت مرکزی و ارگانهای محلی از یکدیگر تفکیک خواهد شد ، حجم پول در جریان کاهش خواهد یافت ، سیستم پولی تثبیت خواهد شد ، گرفتن و بکار بردن وام‌های داخلی و خارجی بااطلاع عموم خواهد رسید و تحت نظارت ارگانهایی که نماینده افکار عمومی هستند ، قرار خواهد گرفت “ ؛ ” در سیستم مالیات اصلاحات بعمل خواهد آمد ، کلیه مالیات و عوارض کمرشکن گوناگون از ریشه از میان برده خواهد شد و از هرگونه اجحاف جلوگیری بعمل خواهد آمد “ . فصل ” تعلیم و تربیت و فرهنگ “ مقرر میداشت که ” آزادی فعالیتهای آکادمیک تضمین خواهد شد و هیچ مداخله‌ای بعنوان معتقدات مذهبی و یا نظرات سیاسی در اداره آموزشگاهها مجاز نخواهد بود “ ؛ سهم بودجه دولت برای تعلیم و تربیت و فرهنگ افزایش خواهد یافت “ ، ” سانسور زمان جنگ که بر روی مطبوعات ، طبع و نشر ، سینما ، تئاتر ، پست و تلگراف برقرار است ، لغو خواهد شد “ .

(۳) موافقت‌نامه درباره مجلس ملی . این موافقت‌نامه مقرر میداشت که در مجلس ملی تعداد نمایندگان ” ۷۰۰ نفر افزایش خواهد یافت که از میان اعضای احزاب مختلف و شخصیت‌های سرشناس تعیین خواهند شد “ ، ” وظایف و اختیارات نخستین مجلس ملی عبارت خواهد بود از تدوین قانون اساسی “ .

(۴) موافقت‌نامه درباره طرح قانون اساسی . این موافقت‌نامه مقرر میداشت که کمیته بازرسی‌ای برای طرح قانون اساسی تشکیل خواهد یافت که طرح پیشنهادی گویندگان را در مورد قانون اساسی مورد تجدید نظر قرار

دهد ، و اصول تجدید نظر طرح قانون اساسی را تدوین کند . این موافقت‌نامه در کنار مقررات اصولی در مورد وظایف و اختیارات مجلس ملی و ارگانهای دولتی ، بخصوص "سیستم اداری محلی" و "حقوق ووظایف خلق" را معین مینمود . در مورد "سیستم اداری محلی" چنین مقرر میداشت که "استان عالی‌ترین واحد خودمختاری محلی است" ؛ "اختیارات دولتهای ایالتی نسبت به دولت مرکزی برحسب اصول منصفانه تعیین وتفکیک خواهد شد" ؛ "استاندار از طرف خلق انتخاب خواهد شد" ؛ "استان میتواند قانون اساسی استانی داشته باشد ولی نباید با مقررات قانون اساسی کشوری تضاد پیدا کند" . موافقت‌نامه در مورد "حقوق ووظایف خلق" چنین مقرر میداشت که "کلیه آزادی‌ها و حقوقی که عموماً خلق یک کشور دموکراتیک از آن بهره‌مند میشود ، در برابر هر نقض غیرقانونی مورد حمایت قانون اساسی قرار خواهد گرفت" ؛ "هدف کلیه مصوبات قانون‌گذاری که به آزادی‌های خلق مربوط میشود ، باید حمایت این آزادی‌ها باشد نه محدودیت آنها" ؛ "تعیین کار اجباری از وظایف قانون ارگانهای خودمختاری محلی خواهد بود نه از وظایف قانون اساسی کشوری" ؛ "حق خودمختاری برای اقلیتهای ملی که بصورت انبوه در مناطق معین بسر میبرند ، تضمین خواهد شد" .

(۵) موافقت‌نامه درباره امور نظامی . این موافقت‌نامه مقرر میداشت که "سیستم نظامی باید برحسب رژیم دموکراتیک و شرایط خاص کشور اصلاح شود" ؛ "نظام وظیفه سازمان بهتری خواهد یافت" ؛ "آموزش و تربیت در ارتش باید با اصولی که ارتش بر روی آنها بنا شده است ، مطابق گردد و برای همیشه از زیر سلطه احزاب سیاسی و ارتباطات شخصی بیرون آید" ؛ "ارتش مستقل از احزاب سیاسی خواهد بود" ؛ "هیچ حزب سیاسی ، هیچ فرد اجازه نخواهد داشت ارتش را بمنزله افزار مبارزه سیاسی بکار برد" ؛ "مقامات نظامی از مقامات کشوری تفکیک خواهد شد" و "هیچ فرد نظامی که خدمت آکتیف دارد ، نمیتواند در عین حال کارمند کشوری باشد" . موافقت‌نامه درباره تجدید سازمان ارتش گومیندان و ارتش مناطق آزاد شده چنین مقرر میداشت که "کمیسیون نظامی مرکب از سه عضو همانطور که پیش‌بینی شده است با سرعت تمام خواهد کوشید تا موافقت‌نامه‌ای درباره اقداماتی که برای تجدید سازمان ارتش حزب کمونیست چین ضروری است بامضاء برسد و این تجدید سازمان را بپایان رساند" ؛ ارتش گومیندان "بر طبق نقشه قبلی که

بوسیله وزارت جنگ تنظیم شده است در ۹۰ لشکر تجدید سازمان خواهد یافت و این تجدید سازمان هر چه زودتر و حد اکثر تا شش ماه به پایان خواهد رسید؛ پس از آنکه دو ماده فوق در باره تجدید سازمان بموقع اجرا درآمد، تمام سپاهیان کشور طبق نقشه واحدی در ۵۰ یا ۶۰ لشکر تجدید سازمان خواهند شد. این موافقت نامه های کنفرانس مشورتی سیاسی بدرجات مختلف بسود خلق بود نه بسود سلطه ارتجاعی چانكایشك. چانكایشك در عین حال که میخواست مردم را با ظاهر صلح خواهانه فریب دهد و بر این موافقت نامه ها صحه می گذاشت، مجدانه بتدارك برانگیختن جنگ داخلی بمقیاس ملی مشغول بود. این موافقت نامه های کنفرانس مشورتی سیاسی بزودی یکی پس از دیگری از طرف چانكایشك نقض گردیدند.

www.KetabFarsi.com

مصاحبه با خبرنگار آمریکائی انا لویز استرانگ

(اوت ۱۹۴۶)

ا. ل. استرانگ : آیا شما فکر میکنید که میتوان به حل سیاسی و مسالمت‌آمیز مسئله چین در آینده نزدیک امید داشت ؟
مائو تسه دون : این بستگی به روش دولت آمریکا دارد . چنانچه خلق آمریکا دستان مرتجعین آمریکائی را که در جنگ داخلی به چانکایسک کمک میکنند کوتاه کند ، آنوقت میتوان به صلح امید داشت .
استرانگ : آیا چانکایسک در صورت قطع کمک آمریکا — گذشته از

متن حاضر بیانیه مهمی است که از طرف رفیق مائو تسه دون کمی بعد از جنگ جهانی دوم در پیرامون اوضاع بین‌المللی و داخلی اعلام گردیده است . در این مصاحبه رفیق مائو تسه دون تر معروف خود را که " تمام مرتجعین ببر کاغذی هستند " بیان میکند . این تر از نظر ایدئولوژیک مردم ما را مسلح ساخت و اعتماد آنها را به پیروزی مستحکم نمود و بدین ترتیب نقش بسیار بزرگی در جنگ آزادیبخش توده‌ای ایفا کرد . عیناً مانند آنکه لنین امپریالیسم را " غول پاگلی " نامیده است ، رفیق مائو تسه دون نیز امپریالیسم و تمام مرتجعین را ببر کاغذی می‌شمارد ، این هر دو تشبیه نمایشگر سرشت امپریالیسم می‌باشد . این تر يك تفکر استراتژیک و اساسی

کمکی که تاکنون باو شده است (۱) — تا چند وقت دیگر قادر بادامه جنگ خواهد بود ؟

مائو : بیش از يك سال .

استرانگ : آیا واقعاً چانکایشك از نظر اقتصادی تا این مدت طولانی میتواند پایداری کند ؟

مائو : بله ، میتواند .

استرانگ : چه خواهد شد ، اگر ایالات متحده آمریکا اعلام کند که از این پس دیگر کمکی به چانکایشك نخواهد کرد ؟

مائو : تاکنون هیچ نشانه‌ای در دست نیست که حاکی از تمایل دولت آمریکا و چانکایشك به قطع آتش جنگ در آینده نزدیک باشد .

استرانگ : حزب کمونیست تا چند وقت دیگر میتواند پایداری کند ؟

مردم انقلابی میباشد . از دوران دومین جنگ انقلابی داخلی رفیق مائو تسه دون بدفعات خاطر نشان ساخته است که انقلابیون بایستی دشمن را از نظر استراتژیک و در مجموع کم بها دهند ، تا جرأت یابند با دشمن نبرد کنند و پیروزی کسب نمایند ؛ ولی در عین حال باید دشمن را از نظر تاکتیکی ، در هر مورد و در هر نبرد مشخص جدی گرفت ، با احتیاط عمل کرد ، به فنون رزمی توجه مخصوص بخشید ، و طبق زمان ، مکان و وضع موجود اشکال متناسب نبرد را بکار برد ، تا دشمن بتدریج منفرد گردیده و قدم بقدم بسوی نابودی سوق یابند . رفیق مائو تسه دون در جلسه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در شهر او چان بتاریخ یکم دسامبر ۱۹۵۸ تأکید کرد :

همانطوریکه در جهان چیزی یافت نمیشود که طبیعت دوگانه نداشته باشد (این قانون وحدت تضداد است) ، امپریالیسم و تمام مرتجعین نیز دارای طبیعت دوگانه‌اند — آنها هم ببر حقیقی‌اند و هم ببر کاغذی . در تاریخ ، طبقات برده‌دار و مالکان ارضی فئودال و بورژوازی قبل از بدست

مائو : اگر بمیل ما باشد يك روز هم نخواهیم جنگید . ولی اگر اوضاع ما را بجنگ مجبور سازد ، ما قادریم تا آخر جنگ پایداری کنیم .
استرانگ : اگر مردم آمریکا از من پرسند که چرا حزب کمونیست میجنگد ، من چه پاسخی باید بدهم ؟

مائو : علت این جنگ اینستکه چانکایشك قصد کشتار مردم چین را کرده است ، و مردم نیز برای زنده ماندن مجبور به دفاع از خود هستند .
این را مردم آمریکا میتوانند بفهمند .

استرانگ : نظر شما درباره امکان شروع جنگ از طرف ایالات متحده آمریکا علیه اتحاد شوروی چیست ؟

مائو : تبلیغات درباره جنگ علیه اتحاد شوروی دو جنبه دارد .
جنبه اول اینستکه امپریالیسم آمریکا واقعاً جنگی را علیه اتحاد شوروی

آوردن قدرت دولت و یا تا مدتی بعد از آن ، سرشار از نیروی حیات ، انقلابی و مترقی بودند - آنها بیران حقیقی بودند ؛ ولی باگذشت زمان بعلت اینکه طرف مخالف آنان - طبقه بردگان ، طبقه دهقانان و پرولتاریا - بتدریج نیرومند گردیده و علیه آنها هر لحظه شدیدتر مبارزه میکردند ، این طبقات حاکم رفته رفته بعکس خود تغییر یافتند ، به افراد مرتجع و عقب مانده مبدل گردیدند - آنها بیران کاغذی شده و سرانجام از طرف مردم سرنگون گردیدند ، یا سرانجام سرنگون خواهند شد . طبقات مرتجع ، عقب مانده و پوسیده این خصلت دوگانه را حتی در برابر مبارزه مرگ و زندگی خلق نیز حفظ میکنند . آنها از یکسو بیران حقیقی و آدمخوارند و انسانها را میلیون میلیون ، ده میلیون ده میلیون می بلعند . امر مبارزه خلق دوران سخت و پردردی را پیموده و از راه پرپیچ و خمی گذشته است . مردم چین قبل از رسیدن به پیروزی در سال ۱۹۴۹ ، برای برانداختن سلطه امپریالیسم و فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک در چین مجبور شدند که بیش از صد سال وقت صرف کنند و دهها میلیون

تدارك مي بينند . تبليغات كنوني درباره جنگ عليه اتحاد شوروي مانند ساير تبليغات ضد شوروي بمفهوم تدارك سياسي براي چنين جنگي است ؛ جنبه ديگر اينستكه مرتجعين آمريكا از اين تبليغات چون ساتري براي پوشش تضادهاي موجوديكه امپرياليسم آمريكا هم اكنون در مقابل دارد ، استفاده مي كنند . اين تضادها عبارتند از : تضاد بين مرتجعين آمريكا و خلق آمريكا ، تضاد بين امپرياليسم آمريكا و ساير كشورهاي سرمايه داري و تضاد بين امپرياليسم آمريكا و كشورهاي مستعمره و نيمه مستعمره . در حال حاضر ، هدف واقعي شعار آمريكا در اقدام به جنگي ضد شوروي ، فشار ب مردم آمريكا و گسترش قواي تجاوزي خود در ساير كشورهاي سرمايه داري جهان است . همانطوريكه ميدانيد هيتلر و همدستانش — ميليتاريستهاي ژاپن — مدت مديدي از شعارهاي ضد

جان آدمي قرباني دهند . ملاحظه كنيد ، آيا اينان بيران زنده ، بيران آهني ، بيران حقيقي نبودند ؟ ولي سرانجام به بيران كاغذي ، بيران مرده و بيران خميري مبدل گشتند . اينها همه حقايق تاريخي هستند . آيا انسانها شاهد اين رخدادها نبوده يا درباره آنها چيزي نشيده اند ؟ اينها همه در واقع هزاران هزار گواه هستند ! هزاران هزار ! بدين سبب بايستي امپرياليسم و همه مرتجعين را بطور ماهوي و از يك ديد طولاني و از نظر استراتژيك همانگونه كه واقعا هستند ، بير كاغذي شمرد . فكر استراتژيك ما بايد بر اين پايه استوار گردد . از سوي ديگر آنها بيران زنده ، بيران آهني ، بيران حقيقي هستند كه قادرند انسانها را ببلعند . بر اين اساس است كه بايد فكر تكتيكي ما استوار گردد . پيرامون لزوم ناچيز شمردن دشمن از نظر استراتژيك و جدی گرفتن آن از لحاظ تكتيكي به : « مسائل استراتژي در جنگ انقلابي چين » فصل ۵ ، بخش ۶ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد اول و همچنين به « در باره بعضي مسائل مهم سياست كنوني حزب » بخش اول ، جلد حاضر ، مراجعه شود .

شوروی چون دست‌آویزی برای برده ساختن مردم کشورهای خود و تجاوز به کشورهای دیگر استفاده میکردند. اکنون نیز مرتجعین آمریکا درست همین شیوه را بکار میبرند.

هرگاه مرتجعین آمریکا بخواهند جنگی برانگیزند ابتدا باید بحرم آمریکا یورش برند. آنها هم اکنون به تعرض علیه مردم آمریکا دست زده‌اند — از لحاظ سیاسی و اقتصادی کارگران و دموکراتهای آمریکا را مورد ستم قرار داده و خود را برای استقرار فاشیسم در ایالات متحده آمریکا آماده کرده‌اند. مردم آمریکا باید بپاخیزند و در برابر حملات مرتجعین آمریکا مقاومت کنند. من مطمئن هستم که مردم آمریکا چنین خواهند کرد.

ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی را منطقه پهناوری از هم جدا میسازد که تعداد زیادی از کشورهای سرمایه‌داری، مستعمره و نیمه مستعمره اروپا، آسیا و آفریقا را دربر میگیرد. تا زمانیکه مرتجعین آمریکا این کشورها را بزیر فرمان خود در نیآورده‌اند، نمیتوانند به اتحاد شوروی حمله کنند. اکنون ایالات متحده آمریکا در اقیانوس آرام مناطقی وسیعتر از تمام مناطق نفوذ سابق بریتانیا، تحت نظارت دارد. ایالات متحده آمریکا بر ژاپن، بر قسمتی از چین که تحت سلطه گومیندان است، بر نیمی از کره و جنوب اقیانوس آرام نظارت میکند و دیر زمانی است که آمریکای مرکزی و جنوبی را نیز بزیر کنترل خود کشیده است و علاوه بر این تلاش میکند تا تمام امپراطوری بریتانیا و اروپای غربی را نیز زیر نظارت خود در آورد. آمریکا به بهانه‌های مختلف تدابیر نظامی وسیعی اتخاذ کرده و در بسیاری از کشورها پایگاه‌های نظامی برقرار ساخته است. مرتجعین آمریکا

خود اذعان دارند که پایگاه‌های نظامی‌ای که در سراسر جهان ایجاد کرده و یا می‌خواهند ایجاد کنند، علیه اتحاد شوروی متوجه است. بلکه، این حقیقتی است که این پایگاه‌های نظامی همگی علیه اتحاد شوروی متوجه‌اند. ولی در حال حاضر این اتحاد شوروی نیست که هدف تجاوز مستقیم آمریکا قرار می‌گیرد، بلکه کشورهایی که در خاک آنها پایگاه‌های نظامی آمریکا مستقر شده‌است، مورد این تجاوز قرار گرفته‌اند. من ایمان دارم دیری نپاید که این کشورها پی‌برند که ستمگر واقعی آنان کیست - اتحاد شوروی است یا ایالات متحده آمریکا. و آن روز هم فرا خواهد رسید که مرتجعین آمریکا خلقهای سراسر جهان را علیه خود ببینند.

البته منظور من این نیست که مرتجعین آمریکا قصد حمله با اتحاد شوروی را ندارند. اتحاد شوروی مدافع صلح جهانی و عامل نیرومندی در جلوگیری از استقرار سلطه جهانی مرتجعین آمریکاست. در سایه وجود اتحاد شوروی است که مرتجعین آمریکا و مرتجعین تمام جهان بهیچوجه نمیتوانند بمقصد آزمندانه خود جامه عمل بپوشانند. و از اینرو است که مرتجعین آمریکا نسبت به اتحاد شوروی کینه شدیدی در دل گرفته‌اند و حقیقتاً هم خیال نابودی این دولت سوسیالیستی را در سر می‌پرورانند. اما این حقیقت که اکنون، اندکی پس از جنگ جهانی دوم، مرتجعین آمریکا درباره جنگ میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی چنان هیاهو و جاروجنجال بپا ساخته و محیط را زهرآگین کرده‌اند، ما را وادار می‌سازد که به این هدف واقعی آنان توجه بیشتری مبذول داریم. آنها زیر شعار ضد شوروی در واقع به کارگران و دموکراتهای آمریکا بطرز وحشیانه‌ای یورش برده و می‌خواهند کشورهایی را که هدف نقشه‌های

توسعه طلبانه خود قرار داده اند ، به زائده ايالات متحده آمريكا بدل سازند .
 بنظر من ، مردم آمريكا و مردم تمام كشورهايى كه مورد تهديد تجاوز
 آمريكا قرار گرفته اند ، بايد متحد شده و عليه يورش هاي مرتجعين آمريكا
 و نوكرانشان در اين كشورها مبارزه كنند . تنها پيروزي در اين مبارزه
 است كه وقوع جنگ جهاني سوم را غيرممكن ميسازد ، و گر نه جنگ
 اجتناب ناپذير است .

استرانگ : اين توضيح بسيار روشني است . ولي چه خواهد شد ،
 اگر آمريكا بمب اتمي استعمال كند و اتحاد شوروي را از پا يگاه هاي
 خود واقع در آيسلند ، او كيناوا و چين بمباران كند ؟

مائو : بمب اتمي پيري كاغذى است كه مرتجعين آمريكا براى
 ارعاب انسانها از آن استفاده ميكنند . بمب اتمي بظاهر ترسناك بنظر
 ميرسد ولي در واقع چنين نيست . البته بمب اتمي يك اسلحه كشتار
 جمعي است ، ولي اين خلق است كه فرجام جنگ را معين ميكند ، نه
 يك يا دو سلاح نوين .

تمام مرتجعين پير كاغذى هستند . مرتجعين بظاهر ترسناك بنظر
 ميآيند ، ولي در واقع چندان نيرومند نيستند . در بررسي مسايل از ديد
 وسيع و طولاني ملاحظه ميشود كه نيروي عظيم واقعي را خلق صاحب
 است ، نه مرتجعين . چه كساني در روسيه ، قبل از انقلاب فوريه ۱۹۱۷ ،
 قدرت واقعي را در دست داشتند ؟ در آن زمان تزار ظاهراً قدرت داشت ،
 ولي انقلاب فوريه با يك ضربه بادي صفحه زمين را از وجودش پاك
 ساخت . و سرانجام معلوم شد كه در روسيه ، قدرت در دست شوراهاي
 كارگري ، دهقاني و سربازي بود و تزار پيري كاغذى بيش نبود . مگر
 هيتلر در زمان خودش نيرومند محسوب نميشد ؟ ولي بالاخره تاريخ ثابت

کرد که او هم بیری کاغذی بیش نبود . موسولینی بهمان نحو ،
امپریالیسم ژاپن نیز بهمان شکل . بر عکس قدرت اتحاد شوروی و مردم
شیفته آزادی و دموکراسی در جهان ، بمراتب از آنچه که پیش‌بینی
میشود ، پرتوان‌تر است .

چانکایشک و حامیانش — مرتجعین آمریکا — نیز بران کاغذی‌اند .
و تئیکه از امپریالیسم آمریکا سخن بمیان می‌آید ، گمان می‌رود که او صاحب
قدرت خارق‌العاده‌ایست ، و مرتجعین چین هم از این " قدرت " آمریکا
برای ارعاب مردم چین استفاده می‌کنند . اما بالاخره ثابت خواهد شد که
مرتجعین آمریکا نیز مانند سایر مرتجعین در تاریخ ، صاحب قدرتی نیستند .
در آمریکا نیروی واقعی را کسان دیگری در اختیار دارند — خلق آمریکا .
وضع چین را در نظر بگیریم : ما بجز ارزن و تفنگ چیز دیگری که بدان
تکیه کنیم ، نداریم ، ولی سرانجام تاریخ ثابت خواهد کرد که این ارزن
و تفنگ ما نیرومندتر از هواپیماها و تانکهای چانکایشک است . با وجود
اینکه مردم چین هنوز مشکلات فراوانی در برابر دارند و مدتی طولانی
مجبور به تحمل رنجبائی از حملات مشترک امپریالیستهای آمریکا و
مرتجعین چینی خواهند بود ، ولی سرانجام روز شکست این مرتجعین و
پیروزی ما فرا خواهد رسید . دلیل این امر ساده است : مرتجعین نماینده
ارتجاع و ما نماینده پیشرفت و ترقی هستیم .

یادداشتها

۱ — امپریالیستهای آمریکا برای کمک به چانکایشک در برآه انداختن
جنگ داخلی ضد توده‌ای ، بدولت وی کمکهای فراوان نمودند . ایالات متحده

آمریکا تا پایان ژوئن ۱۹۴۶ ، ۴۵ لشکر گومیندان را مجهز کرد . ایالات متحده آمریکا ۱۵۰,۰۰۰ نفر سپاهی گومیندان ، شامل نیروهای زمینی ، دریائی ، هوائی ، عمال مخفی ، واحدهای پلیس ارتباطات ، افسران ستاد ، افسران بهداشتی ، کارمندان مالی و غیره را تعلیم داد . ناوگان جنگی و هواپیماهای آمریکا ۱۴ سپاه گومیندان (شامل ۴۱ لشکر) و ۸ تیپ واحدهای پلیس ارتباطات را که جمعاً بیش از ۵۴۰,۰۰۰ نفر میشد ، برای هجوم به مناطق آزاد شده به جبهه حمل کردند . دولت آمریکا ۹۰,۰۰۰ تفنگدار دریائی را بخاک چین پیاده کرد که در شهرهای عمده مانند شانگهای ، چینگ دائو ، تیانزین ، بی پین و چینگ هوان دائو مستقر گردیدند و در شمال چین خطوط ارتباطات را برای گومیندان حفظ میکردند . طبق اطلاعاتیکه در کتاب سفید بنام « روابط ایالات متحده آمریکا با چین » که در ۵ اوت ۱۹۴۹ از طرف وزارت خارجه آمریکا منتشر گردید ، افشا شد ، ارزش کل کمک آمریکا به دولت چانگکایشک بشکلهای مختلف از زمان جنگ مقاومت ضد ژاپنی تا سال ۱۹۴۸ به چهار میلیارد و پانصد میلیون دلار میرسد (قسمت عمده کمک آمریکا به دولت گومیندان در زمان جنگ مقاومت ضد ژاپنی برای جنگ داخلی ضد توده‌ای بعدی ذخیره شده بود) . ولی جمع کل حقیقی کمک آمریکا به چانگکایشک خیلی بالاتر از این رقم است . در کتاب سفید آمریکا اعتراف میشود که کمک ایالات متحده آمریکا بالغ بر " بیش از ۵۰ در صد مخارج نقدی " دولت چانگکایشک بوده و " نسبت به بودجه این دولت کمک آمریکا بطور نسبی بیشتر از کمک او به هر يك از کشورهای اروپای غربی پس از پایان جنگ بوده است " .

www.KetabFarsi.com

تمرکز نیروهای برتر برای نابودی یکایک نیروهای دشمن

(۱۶ سپتامبر ۱۹۴۶)

- ۱ - تمرکز نیروهای برتر برای نابودی یکایک نیروهای دشمن (۱)
شیوه نبردی است که نه فقط باید در آرایش قوا طی عملیات اپراتیو بلکه باید در آرایش قوا طی عملیات تاکتیکی نیز بکار رود .
- ۲ - در آرایش قوا طی عملیات اپراتیو هنگامیکه دشمن تیپهای (۲)
(یا هنگهای) بسیاری وارد میدان میکند و در چندین ستون بسوی ارتش ما پیش می‌آید ، ارتش ما باید نیروهائی مطلقاً برتر یعنی شش ، پنج ، چهار و یا لااقل سه برابر نیروهای دشمن را متمرکز سازد و در لحظه مناسب نخست یک تیپ (یا یک هنگ) دشمن را محاصره و نابود کند . این تیپ (یا این هنگ) باید یکی از تیپهای نسبتاً ضعیف دشمن باشد ، یا از پشتیبانی کمتری برخوردار باشد و یا اینکه در محلی مستقر باشد که سرزمین و سکنه آن محل برای ما بسیار مساعد و

متن حاضر دستور درون حزبی است که از طرف رفیق مائو تسه دون برای کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تهیه و تلویین گردیده است.

برای دشمن نامساعدند. ارتش ما باید با نیروهای اندك سایر تیپهای (یا هنگهای) دشمن را تثبیت کند و نگذارد که آنها بسرعت بكمك تیپ (یا هنگ) مذکور که مورد محاصره و حمله ما قرار گرفته، بشتابند و این بارتش ما امکان خواهد داد که قبل از هر چیز تیپ (یا هنگ) محصور را نابود سازد. پس از آنکه این موفقیت بدست آمد، برحسب اوضاع و احوال یا باید يك یا چند تیپ دیگر دشمن را نابود کنیم و یا اینکه باید واحدهای خود را عقب بکشیم، استراحت بدهیم، تقویت کنیم و برای نبردهای آینده آماده سازیم (اینك دو مثال برای مورد اول: واحدهای ما بفرماندهی سو یو و تن جن لین در نزدیکی ژو گائو در ۲۲ اوت يك واحد ۵ هزار نفری از پلیس ارتباطات دشمن (۲) و سپس در ۲۶ اوت يك تیپ و باز در ۲۷ اوت يك تیپ و نیم از قوای دشمن را نابود ساختند (۴). واحدهای ما بفرماندهی لیو بوه چن و دن سیائو پین از ۳ تا ۶ سپتامبر يك تیپ از واحدهای دشمن را در نزدیکی دین تائو و يك تیپ دیگر را در بعد از ظهر ۶ سپتامبر و باز دو تیپ دیگر را در ۷ و ۸ سپتامبر نابود ساختند (۵). در آرایش نیروها طی عملیات اپراتیو ما باید این شیوه اشتباه آمیز — یعنی در نتیجه کم بها دادن بدشمن قوای خود را برای مقابله با همه ستونهای دشمن تقسیم کردن — را بدور افکنیم، زیرا با این شیوه نخواهیم توانست حتی يك ستون دشمن را هم نابود کنیم و بالاخره به پاسیویته خواهیم افتاد.

۳ — در آرایش قوا طی عملیات تاکتیکی، هنگامیکه ارتش ما یکی از ستونهای دشمن (يك تیپ یا يك هنگ) را با تمرکز نیروهای مطلقاً برتر محاصره کرد، قسمتهای (یا واحدهای) حمله ما نباید در صدد برآیند در آن واحد و با يك ضربه کلیه نیروهای محصور را نابود

سازند ، زیرا در اینصورت ناچار خواهند شد نیروهای خود را تقسیم کنند و بدون قدرت کافی بهمه طرف حمله نمایند و در نتیجه در نیل به موفقیت دچار اتلاف وقت و دشواری میگردند . آنها باید نیروهائی مطلقاً برتر یعنی شش ، پنج ، چهار و یا لااقل سه برابر نیروهای دشمن را متمرکز سازند ، کلیه واحدهای توپخانه و یا قسمت اعظم آنرا متمرکز سازند ، يك نقطه نسبتاً ضعیف (نه اینکه دو نقطه) از مواضع دشمن را انتخاب کنند و بشدت بدان حمله ور گردند تا آنکه به پیروزی قطعی دست یابند و آنگاه باید از این پیروزی بسرعت بهره برداری کرده و نیروهای دشمن را یکایک نابود سازند .

۴ - نتیجه این شیوه نبرد عبارت است از : اولاً نابودی کامل دشمن و ثانیاً فرجام سریع نبرد . تنها نابودی کامل است که بر دشمن مؤثرترین ضربات را وارد می آورد ، زیرا وقتی که ما هنگی را نابود سازیم ، يك هنگ از دشمن کم میشود و وقتی که تپیی را نابود سازیم ، يك تپ از دشمن کم میشود . این شیوه بخصوص آنگاه مؤثر است که در برابر دشمنی که باندازه کافی واحدهای خط دوم ندارد ، بکار رود . فقط نابودی کامل است که بما امکان میدهد نیروهای خود را بعداً کمتر ترمیم کنیم . در حال حاضر ، نابودی کامل فقط منبع عمده اسلحه و مهمات ما نیست ، بلکه منبع سهمی برای نیروی انسانی ارتش ما نیز بشمار میرود . نابودی کامل روحیه سپاهیان دشمن را تخریب میکند و آنها را خموده میگرداند ولی برعکس روحیه افراد ما را قوی میکند و بآنها الهام میبخشد . فرجام سریع به واحدهای ما امکان میدهد که یا نیروهای امدادی دشمن را یکایک نابود سازند و یا اینکه از نبرد با آنها طفره ببرند . فرجام سریع در عرصه عملیات تاکتیکی و اپراتیو شرط ضرور برای عملیات طولانی

در عرصه استراتژیک است .

۵ - در ارتش ما هنوز کادرهای زیادی هستند که اصل تمرکز نیروها برای نابودی یکایک نیروهای دشمن را در مواقع عادی تأیید میکنند ، ولی در موقع پیکار غالباً نمیتوانند آنها بکار برند . این امر ناشی از کم بها دادن بدشمن و همچنین ناشی از فقدان تربیت جدی و بررسی دقیق این شیوه نبرد است . باید با ارائه مثالهای مشروح از نبردهای گذشته مزایای این شیوه نبرد را مکرراً توضیح داد و ثابت نمود که وسیله عمده در هم شکستن حملات چانکایشک همین شیوه است . بکار بردن این شیوه به پیروزی و بکار بردن آن به شکست می انجامد .

۶ - اصل تمرکز نیروها برای نابودی یکایک نیروهای دشمن ، سنت ستوده ای است که ارتش ما طی مدتی پیش از ده سال از آغاز تأسیس خود بآن وفادار بوده است ؛ این نخستین بار نیست که این اصل مطرح میشود . درست است که ارتش ما در دوره جنگ مقاومت ضد ژاپنی بطور عمده به پخش نیروها بمنظور اقدام به جنگ پارتیزانی توسل می جست و تمرکز نیروها برای دست زدن به جنگ متحرک شیوه فرعی او بود ، اما در جنگ داخلی کنونی که شرایط تغییر یافته است ، شیوه نبرد هم باید تغییر یابد ؛ تمرکز نیروها بمنظور اقدام به جنگ متحرک باید شیوه عمده و پخش نیروها برای دست زدن به جنگ پارتیزانی شیوه فرعی ارتش ما باشد . اینک در شرایطی که ارتش چانکایشک با سلاحهای نیرومندتری مجهز شده ، ارتش ما باید برای شیوه تمرکز نیروهای برتر برای نابودی یکایک نیروهای دشمن اهمیت خاصی قایل شود .

۷ - آنگاه که دشمن در حال تعرض است و ما در حال دفاع هستیم ، باید باین شیوه توسل جوئیم . ولی هنگامیکه دشمن در حال

دفاع است و ما به تعرض میپردازیم ، باید ایندو وضعیت را از هم تشخیص بدهیم و دوشیوه مختلف اتخاذ نمائیم . اگر نیروهای ما در نقطه معینی زیاد باشند و دشمن از حیث نفرات نسبتاً ضعیف باشد و یا اگر ارتش ما غافلگیرانه بدشمن حمله کند ، در آنصورت میتوان در عین حال بچندین واحد وی ضربه زد . مثلاً بین ۵ و ۱۰ ژوئن واحدهای ما در شان دون در عین حال به بیش از ده شهر کوچک بر روی خطوط راه آهن چینگ دائو - جی نان و تیائزین - پو کو حمله کردند و آنها را گرفتند (۶) . مثال دیگر ، بین ۱۰ و ۲۱ اوت واحدهای ما تحت رهبری لیو بوه چن و دن سیائو پین به بیش از ده شهر کوچک در طول منطقه کای فون و سیو جو از خط لون های حمله کردند و آنها را گرفتند (۷) . اما در صورتیکه ما نیروی کافی نداشته باشیم ، باید شهرهای تحت اشغال دشمن را یکی پس از دیگری بگیریم و نباید باو در عین حال در چندین شهر حمله ور شویم . درست بوسیله همین شیوه بود که نیروهای ما در شان سی شهرهای طول راه آهن داتون - پو جو را بتصرف در آوردند (۸) .

۸ - هنگامیکه قوای عمده ما برای نابود ساختن دشمن متمرکز است ، عملیات ارتش ما باید با عملیات فعال قسمتهای محلی ، واحدهای پارتیزانی محلی و دستجات چریک توده‌ای همسوئی داشته باشد . هنگامیکه قسمتهای (یا واحدهای) محلی بیک هنگ ، یک گردان یا یک گروهان دشمن حمله میبرند ، نیز باید اصل تمرکز نیروها برای نابود ساختن یکایک نیروهای دشمن را بکار بندند .

۹ - اصل تمرکز نیروها برای نابود ساختن یکایک نیروهای دشمن ، هدف عمده‌اش نابودی قوای مؤثر دشمن است نه دفاع از سرزمین و یا تصرف آن . در بعضی از موارد بمنظور تمرکز نیروها برای نابود

ساختن نیروهای دشمن و یا بمنظور اینکه به قوای عمده ما امکان داده شود که از حملات سنگین دشمن بهره‌یزند و باین طریق استراحت و آموزش و تقویت خویش را برای نبردهای آینده آسان گردانند ، میتوان این یا آن سرزمین را ترك گفت . در صورتیکه ارتش ما قادر باشد نیروی مؤثر دشمن را بمقیاس وسیعی نابود سازد ، خواهد توانست سرزمین‌های از دست رفته را دوباره پس بگیرد و علاوه بر این سرزمین‌های جدیدی را تسخیر کند . از اینرو باید کلیه کسانی را که به نابود ساختن نیروی مؤثر دشمن موفق میشوند ، تشویق کرد . ما نه فقط باید کسانی را که واحدهای منظم دشمن را نابود میسازند بلکه کسانی را که واحدهای امنیت عمومی ، گروه‌های بازگشت به موطن (۹) و سایر نیروهای محلی ارتجاع را نابود میسازند ، نیز تشویق کنیم . ولی هر بار که تناسب قوا بین دشمن و ما اجازه میدهد و هر بار که سرزمین از لحاظ عملیات اهراتیو و تاکتیکی اهمیت می‌یابد ، باید به حفظ و یا تسخیر آن پردازیم و گرنه اشتباه کرده‌ایم . از اینجهت باید کسانی را هم که به حفظ و تسخیر چنین سرزمین‌هایی موفق میشوند ، تشویق کرد .

یادداشتها

۱ - اصطلاحات " نابودی دشمن " و " از بین بردن دشمن " در این اثر بصورت مترادف بکار رفته‌اند ، و هر دو آنها بمعنای کشتن ، زخمی کردن و اسیر گرفتن سپاهیان دشمن‌اند .

۲ - ساختمان نیروهای منظم گومیندان در اصل بدینقرار بود که يك سپاه از سه یا فقط دو لشکر تشکیل میشد که هر يك شامل سه هنگ میگردد . پس از مه سال ۱۹۴۶ واحدهای منظم گومیندان که در جنوب رودخانه زرد مستقر بودند ،

در چند مرحله تجدید سازمان یافتند. آنچه سپاه بود بصورت لشکر تجدید سازمان یافته درآمد و لشگرهای سابق بصورت تیپ و هر تیپ شامل سه و یا فقط دو هنگ میشد. بخشی از واحدهای گومیندان که در شمال رودخانه زرد مستقر بودند، تجدید سازمان نیافتند و اسامی خویش را حفظ کردند. بعداً بعضی از لشگرهایی که تجدید سازمان یافته بودند، همان نام سابق سپاه را گرفتند.

۳ - واحدهای پلیس ارتباطات گومیندان در مارس ۱۹۴۵ تشکیل شدند. واحدهای مذکور پس از تسلیم شدن ژاپن ببهانه نگهبانی خطوط راه آهن در طول راههای ارتباطی برای "خدمات پادگانی" گماشته شدند، ولی در واقع به فعالیت‌های پلیس مخفی میپرداختند. این یکی از نیروهائی بود که گومیندان در جنگ داخلی بکار میبرد. - مترجم

۴ - در ژوئیه سال ۱۹۴۶ واحدهای گومیندان به تعرض پرادمنه‌ای بر علیه منطقه آزاد شده جیان سو-ان هوی پرداختند و نیروهای مادلیرانه از خود دفاع نمودند. نیروهای دشمن که به منطقه آزاد شده جیان سوی مرکزی حمله میکردند، مرکب بودند از ۱۵ تیپ، یعنی تقریباً ۱۲۰,۰۰۰ تن، تحت فرماندهی تان تن یوه. از ۱۳ ژوئیه تا ۲۷ اوت، ۱۸ هنگ از ارتش آزادیبخش توده‌ای چین شرقی، بفرماندهی سو یو، تن جن لین و رفقای دیگر نیروهای متفوقی متمرکز ساختند و متوالیاً به هفت نبرد در مناطق تائی سین، ژو گائو، حای ان و شائو یوه واقع در جیان سوی مرکزی دست زدند، ۶ تیپ دشمن و ۵ واحد از پلیس ارتباطات دشمن را نابود ساختند. نتیجه دو نبرد از این نبردهاست که در اینجا ذکر شده است.

۵ - در اوت ۱۹۴۶ نیروهای گومیندان از شهرهای سیوجو و جن جو حرکت کردند تا در دو ستون به منطقه آزاد شده شانسی - حه به - شاندون - حه نان حمله کنند. ارتش آزادیبخش توده‌ای این منطقه، تحت فرماندهی لیو یوه چن، دن سیائو پین و رفقای دیگر، بمنظور نبرد با ستونی از دشمن که از جن جو حرکت کرده بود، نیروهای برتر را متمرکز ساخت و از ۳ تا ۸ سپتامبر چهار تیپ دشمن را متوالیاً در ناحیه حه زه، دین تائو و تسائو سیان از شاندون نابود نمود.

۶ - در دهه اول ژوئن ۱۹۴۶، ارتش آزادیبخش توده‌ای شاندون به لشگرکشی کیفری علیه واحدهای پوشالی که در طول خطوط راه آهن چینگ دائو - جی نان، تیائوزین - پوکو پخش بودند، دست زد و متوالیاً بیش از ده شهر کوچک و از آنجمله جیانو سیان، جان دیان، جو تسون، ده جو، تائی ان و زائو جوان را آزاد ساخت.

۷ - از ۱۰ تا ۲۱ اوت ۱۹۴۶ ، ارتش آزادیبخش توده‌ای شان‌سی - حه به - شان‌دون - حه نان بمنظور همسوئی عملیات خویش با ارتش آزادیبخش توده‌ای دشتهای مرکزی و چین شرقی در چندین ستون بر واحدهای دشمن که در طول منطقه کای فون - سیو جو از خط لون‌های مستقر شده بودند ، حمله‌ور گشت و متوالیاً بیش از ده شهر کوچک و از آنجمله تان‌شان ، لان فون ، حوان کور ، لی جوان ویان جی را متصرف شد .

۸ - در ژوئیه ۱۹۴۶ نیروهای گومیندان بفرماندهی حو زون نان و نیروهای تحت فرماندهی ین سی شان متفقاً به منطقه آزاد شده جنوب شان‌سی حمله کردند . واحدهای ارتش آزادیبخش توده‌ای شان‌سی - حه به - شان‌دون - حه نان که در تای یوه مستقر بودند ، باتفاق بخشی از ارتش آزادیبخش توده‌ای شان‌سی - سوی‌یوان به حمله متقابل پرداختند و دشمن را از جنوب شان‌سی عقب راندند . در ماه اوت واحدهای مذکور بر ضد دشمن که در طول منطقه لین فن - لین شی از خط داتون - پو جو مستقر بود ، به تعرض پرداختند و متوالیاً شهرهای حون دون ، جائو چن ، حوه سیان ، لین شی و فن سی را آزاد ساختند .

۹ - در جریان جنگ آزادیبخش توده‌ای ، عده‌ای از مالکین و مستبدین محلی نواحی آزاد شده بسوی مناطق گومیندان میگریختند . گومیندان آنها را بصورت دارودسته‌های ارتجاعی مسلح از قبیل " گروههای باز گشت به موطن " ، " واحدهای باز گشت به موطن " و غیره سازمان میداد که در حمله به نواحی آزاد شده همراه سپاهیان گومیندان بودند . این دارودسته‌ها در همه جا دست به غارت و چپاول میزدند ، میکشند و از هیچگونه جنایتی رونمیگردانند .

حقایقی در باره "وساطت" آمریکا و آینده جنگ داخلی چین

— مصاحبه با روزنامه نگار آمریکائی آ.ت. استیل

(۲۹ سپتامبر ۱۹۴۶)

آ.ت. استیل : آیا بعقیده شما کوشش آمریکا در وساطت در جنگ داخلی چین با شکست روبرو شده است ؟ اگر سیاست آمریکا در آینده همان باشد که اکنون هست به کجا منجر خواهد شد ؟

مائوتسه دون : من بسیار تردید دارم که سیاست دولت آمریکا سیاست "وساطت" باشد (۱) . آمریکا کمک عظیمی به چانکایشک میدهد تا وی بتواند جنگ داخلی را بعقیاس بی سابقه توسعه بخشد . اگر از روی این واقعیت قضاوت کنیم سیاست دولت آمریکا اینست که از وساطت ادعائی خود بعنوان پوششی برای تحکیم همه جانبه موقعیت چانکایشک بهره بردارد و با سیاست چانکایشک که سیاست کشتار است نیروهای دموکراتیک چین را سرکوب کند بطوری که چین بصورت مستعمره آمریکا در آید . ادامه چنین سیاستی بیگمان مقاومت مصممانه کلیه میهن پرستان چین را بر خواهد انگیخت .

پرسش : جنگ داخلی چین تا کی بطول خواهد انجامید و سرانجام آن چه خواهد بود ؟

پاسخ : اگر دولت آمریکا از سیاست کنونی خویش که مبنی بر کمک به چانکایشک است چشم پپوشد ، نیروهای خود را از خاک چین بیرون بکشد و قراردادی را که در کنفرانس وزیران امور خارجه شوروی ، آمریکا و انگلستان در مسکو منعقد شده است (۲) اجرا کند ، بیشک پایان جنگ داخلی چین نزدیک خواهد بود . در غیر این صورت ممکن است بصورت جنگی طولانی در آید که در نتیجه آن مسلماً خلق چین مصائب بسیار خواهد دید ولی در عین حال بی خلل متحد خواهد شد ، از موجودیت خویش دفاع خواهد کرد و خود سرنوشت خویش را بدست خواهد گرفت . دشواریها و رنجهای این راه هر چه باشد خلق چین بیگمان وظیفه خویش را در نیل به استقلال ، صلح و دموکراسی انجام خواهد داد . هیچ نیروی قهاری ، چه داخلی و چه خارجی ، نمیتواند از تحقق این وظیفه جلوگیرد .

پرسش : آیا شما چانکایشک را " پیشوای طبیعی " خلق چین میشمارید ؟ آیا حزب کمونیست چین پنج مطالبه (۳) چانکایشک را در هر شرایطی رد خواهد کرد ؟ اگر گومیندان در صدد برآید که مجلسی ملی بدون شرکت حزب کمونیست چین دعوت کند (۴) حزب کمونیست چه خواهد کرد ؟

پاسخ : در هیچ جای جهان " پیشوای طبیعی " وجود ندارد . اگر چانکایشک مسائل سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و سایر مسائل چین را بر طبق موافقتنامه ستارکه (۵) که در ژانویه گذشته بامضاء رسیده و بر طبق قطعنامه های مشترکی که در آن موقع از تصویب کنفرانس

سیاسی مشورتی گذشته است (۶) و نه بر طبق "پنج مطالبه" یا ده مطالبه که یکطرفه و مخالف موافقتنامه و قطعنامه‌های مشترک هستند حل کند ما همیشه حاضریم با او همکاری کنیم. مجلس ملی باید بر طبق قطعنامه‌های مصوب کنفرانس سیاسی مشورتی با شرکت احزاب مختلف سیاسی دعوت شود. در غیر این صورت ما مصممانه با آن بمخالفت خواهیم برخاست.

یادداشتها

۱ - در دسامبر ۱۹۴۵ دولت آمریکا ژرژ. س. مارشال را بعنوان نماینده خاص رئیس جمهور به چین فرستاد و از "وساطت در مخاصمات میان گومیندان و حزب کمونیست چین" بعنوان پوششی برای تحکیم همه جانبه نیروهای تجاوزکار آمریکا و سلطه مرتجعان گومیندان استفاده کرد. چانکایشک با تلقین امپریالیسم آمریکا بمنظور دفع الوقت برای تدارك جنگ داخلی چنین نشان داد که خواست حزب کمونیست چین و خلق چین را در قطع جنگ داخلی میپذیرد. در ژانویه ۱۹۴۶ نمایندگان دولت گومیندان و حزب کمونیست چین موافقتنامه متارکه امضاء کردند، فرمان آتش بس منتشر ساختند و "کمیسیون سه گانه" و "ستاد اجرایی بی پین" را با شرکت نمایندگان آمریکا تشکیل دادند. مارشال در دوره "وساطت" خویش بهر حیل‌ای متوسل شد تا به نیروهای گومیندان در حمله به مناطق آزاد شده، نخست در چین شمال شرقی و سپس در چین شمالی، شرقی و مرکزی کمک کند. وی مجدانه به تعلیم و تجهیز سپاهیان گومیندان پرداخت و مقدار عظیمی اسلحه و سایر مواد جنگی به چانکایشک داد. در ماه ژوئن ۱۹۴۶ چانکایشک ۸۰ درصد نیروهای منظم گومیندان (بالغ بر ۲ میلیون نفر) را در جبهه حمله بر مناطق آزاد شده گرد آورده بود. بیش از ۵۴۰,۰۰۰ نفر از این سپاهیان مستقیماً بوسیله کشتی‌های جنگی و هواپیماهای قوای مسلح آمریکا حمل و نقل شده بودند. در ماه ژوئیه، چانکایشک که آرایش قوای خود را پایان رسانیده بود به جنگ ضد انقلابی بمقیاس ملی دست زد. سپس ژرژ مارشال و ل. استوارت، سفیر آمریکا در چین در

۱۰ اوت به انتشار اظهاریه مشترکی پرداخته شکست "وساطت" را اعلام داشتند تا به چانکایشک آزادی کامل برای جنگ داخلی بدهند.

۲ - اشاره است به قرارداد مربوط به چین که در دسامبر ۱۹۴۵ در کنفرانس وزیران امور خارجه اتحاد شوروی، آمریکا و انگلستان در مسکو منعقد شد. سه وزیر امور خارجه در اعلامیه کنفرانس "موافقت خود را با سیاست عدم مداخله در امور داخلی چین تأیید میکردند". وزیران امور خارجه اتحاد شوروی و آمریکا موافقت کردند که نیروهای شوروی و آمریکا باید هرچه زودتر از چین خارج شود. اتحاد شوروی این قرارداد را صدیقانه مراعات کرد. فقط در اثر تقاضای مکرر دولت گومیندان بود که نیروهای شوروی امر تخلیه را به عقب انداختند. در ۳ مه ۱۹۴۶ تخلیه نیروهای مسلح اتحاد شوروی از چین شمال شرقی پایان رسید. اما دولت آمریکا هیچیک از وعدههای خود را نگه نداشت، از تخلیه نیروهای خود امتناع ورزید و مداخله خویش را در امور داخلی چین شدت داد.

۳ - چانکایشک دوبار، یکی در ژوئن و دیگری در اوت ۱۹۴۶، "پنج مطالبه" خویش را نزد حزب کمونیست چین فرستاد و اظهار داشت که گومیندان به قطع جنگ داخلی رضایت نخواهد داد مگر آنکه حزب کمونیست چین آنها را بپذیرد. پنج مطالبه مذکور متضمن آن بود که ارتش آزادیبخش توده‌ای چین نقاط زیرین را تخلیه کند؛ ۱ - کلیه مناطق جنوب راه آهن لون های؛ ۲ - تمام خط آهن چینگ دائو - جی نان؛ ۳ - چن ده و منطقه جنوب این شهر؛ ۴ - قسمت اعظم چین شمال شرقی؛ ۵ - کلیه مناطقی که از ۷ ژوئن ۱۹۴۶ بپس در استانهای شان دون و شان سی بوسیله نیروهای مسلح توده‌ای مناطق آزاد شده از تسلط سپاهیان پوشالی آزاد گردیده بود. حزب کمونیست چین همه این مطالبه ضد انقلابی را بکلی رد کرد.

۴ - طبق تصمیم کنفرانس سیاسی مشورتی که در ژانویه ۱۹۴۶ تشکیل شد مجلس ملی میبایست مجلسی دموکراتیک و مبتنی بر وحدت باشد که احزاب مختلف سیاسی در آن شرکت جویند و نمیبایست دعوت شود مگر بعد از اجرای موافقت‌نامه‌هایی که در کنفرانس سیاسی مشورتی بتصویب رسیده است، زیر نظر دولتی که تجدید سازمان شده باشد. روز ۱۱ اکتبر ۱۹۴۶ سپاهیان گومیندان جان جیا کو را اشغال کردند. این "پیروزی" موجب سرگیجه دارودسته چانکایشک شد. بعد از ظهر همان روز دارودسته چانکایشک مواد قطعه‌نامه کنفرانس سیاسی مشورتی را خودسرانه نقض و فرمان دعوت "مجلس ملی" تفرقه افکن، استبداد منش و تحت

- نظارت انحصاری گومیندان را صادر کردند . این "مجلس ملی" که روز ۱۵ نوامبر ۱۹۴۶ رسماً در فانگن گشایش یافت از طرف حزب کمونیست چین ، احزاب دموکراتیک و قاطبه خلق چین مورد اعتراض شدید قرار گرفت و تحریم شد .
- ۵ - مراجعه شود به « تعرض چانگایشک را با جنگ دفاع از خود در هم بشکنیم » ، یادداشت ۱ ، جلد حاضر .
- ۶ - همانجا ، یادداشت ۲ ، جلد حاضر .

ترازنامه سه ماهه

(۱ اکتبر ۱۹۴۶)

- ۱ - رهنمود کمیته مرکزی مورخ ۲۰ ژوئیه در باره اوضاع کنونی (۱) تصریح میکند : " ما میتوانیم بر چانکایشک پیروز شویم . تمام حزب باید نسبت باین موضوع اطمینان کامل داشته باشد . " نبردهای ژوئیه ، اوت و سپتامبر صحت این حکم را ثابت کرده اند .
- ۲ - صرفنظر از تضادهای اساسی سیاسی و اقتصادی که چانکایشک قادر بحل آنها نیست و علت اصلی پیروزی حتمی ما و شکست ناگزیر

متن حاضر رهنمودی است برای حزب که از طرف رفیق مائو سه دون برای کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تهیه و تدوین شده است . این رهنمود تجارب سه ماه نبرد را که پس از آغاز جنگ داخلی در مقیاس ملی در ژوئیه ۱۹۴۶ روی داد ، بتفصیل ترازبندی میکند ، اصول عملیاتی و وظایف آتی نظامی ارتش آزادیبخش توده‌ای را مطرح مینماید و خاطر نشان میسازد که ما پس از گذشتن از دوره دشواریها در جنگ آزادیبخش توده‌ای حتماً پیروزی را بدست خواهیم آورد . این سند همچنین مسایل را که برای پشتیبانی و همسوئی با جنگ آزادیبخش توده‌ای ضرورتاً میبایستی حل کند ، مانند اصلاحات ارضی ، بسط تولید در مناطق آزادشده ، تقویت رهبری در مبارزات توده‌ای در مناطق تحت حکومت گومیندان و سایر مسایل مربوطه ، بطور اصول تشریح میکند .

چانکایشك محسوب میشوند ، در عرصه نظامی بین خط جبهه چانکایشك که بیش از اندازه گسترش یافته و کمبود سپاهیان وی ، تضاد حادی بروز کرده است . این تضاد مسلماً علت مستقیم پیروزی ما و شکست چانکایشك خواهد شد .

۳ - مجموعه سپاهیان منظم چانکایشك که به مناطق آزاد شده حمله میکنند ، بدون در نظر گرفتن واحدهای پوشالی ، واحدهای امنیت عمومی و واحدهای پلیس ارتباطات ، به صد و نود و چند تیپ بالغ میگردد . بغیر از این عده ، دشمن میتواند حداکثر بخشی از سپاهیان خود را بعنوان نیروهای امدادی از جنوب بشمال انتقال دهد ، ولی پس از آن اعزام هر گونه نیروی امدادی دیگری برای او دشوار خواهد بود . از این صد و نود و چند تیپ ، ۲۵ تیپ آن در ظرف سه ماه اخیر از طرف ما نابود شده‌اند . این عدد شامل آن نیروهائی نیست که ما از فوریه تا ژوئن در شمال شرقی نابود ساخته‌ایم .

۴ - تقریباً نیمی از این صد و نود و چند تیپ چانکایشك باید وظایف پادگانی انجام بدهند ، فقط کمی بیش از نصف آنها میتوانند به عملیات صحرائی پردازند . وقتی که نیروهای صحرائی باین یا آن منطقه برسند ، ناگزیر قسمتی از آنها و یا اکثرشان به وظایف پادگانی گماشته خواهند شد . پس تعداد نیروهای صحرائی دشمن در حالیکه جنگ ادامه مییابد ، اجباراً بتدریج کاهش مییابد زیرا از یکطرف ما پیوسته آنها را نابود میسازیم و از طرف دیگر بسیاری از آنها باید به انجام وظایف پادگانی پردازند .

۵ - از ۲۵ تیپی که ما در عرض سه ماه اخیر نابود ساختیم ، ۷ تیپ بفرماندهی تان ئن بوه (سابقاً بفرماندهی لی مو ان) بود ، ۲ تیپ

بفرماندهی سیوه یوه ، ۷ تیمپ بفرماندهی گو جو تون (سابقاً بفرماندهی لیو جی) ، ۲ تیمپ بفرماندهی حوزون نان ، ۴ تیمپ بفرماندهی ین سی شان ، ۲ تیمپ بفرماندهی وان یائو او و یک تیمپ بفرماندهی دو یو مین . فقط چهار گروه تحت فرمان لی زون ژن ، فو زوه ای ، ما هون کوی و چن چیان هنوز از ارتش ما ضربات کاری نخورده‌اند . بر بقیه ۷ گروه ضربات نسبتاً سنگین و یا سبك وارد آمده است . گروه‌هائی که ضربات سنگین دیده‌اند ، عبارتند از گروه‌های دو یو مین (با در نظر گرفتن نبردهائی که از فوریه تا ژوئن سال جاری در شمال شرقی روی داده) ، تان ئن بوه ، گو جو تون و ین سی شان . آنهائی که ضربات نسبتاً سبك خورده‌اند ، عبارتند از گروه‌های سیوه یوه ، حوزون نان و وان یائو او . همه اینها ثابت میکنند که ارتش ما میتواند بر چانکایشك پیروز شود .

۶ — وظیفه ما در دوره آینده عبارت از اینست که ۲۵ تیمپ دیگر از دشمن را نابود کنیم . انجام این وظیفه بما اسکان خواهد داد که تعرض چانکایشك را متوقف سازیم و بخشی از سرزمینهای از دست رفته را بازستانیم . میتوان پیش‌بینی کرد که ارتش ما پس از نابود ساختن ۲۵ تیمپ دیگر از دشمن بطور قطعی خواهد توانست ابتکار استراتژیک را بدست آورد و از دفاع به تعرض پردازد . در آنموقع وظیفه ما نابود ساختن سومین ۲۵ تیمپ دشمن خواهد بود . اگر ما در این کار موفق شویم ، خواهیم توانست بخش بزرگی از سرزمینهای از دست رفته و حتی تمام آنها را دو باره بازستانیم و مناطق آزاد شده را توسعه بخشیم . و آنگاه مسلماً تغییری شگرف در تناسب قوای نظامی بین گومیندان و حزب کمونیست روی خواهد داد . برای نیل باین هدف باید موفقیت‌های برجسته سه ماه اخیر ، یعنی نابودی ۲۵ تیمپ دشمن را ادامه دهیم و در حدود ۲۵ تیمپ

دیگر از دشمن را در عرض سه ماه آینده نابود کنیم . کلید تغییر تناسب قوا بین دشمن و ما در اینجاست (۲) .

۷ - در عرض این سه ماه اخیر ما چند ده شهر كوچك و متوسط مانند هوای بین ، حه زه ، چن ده و جی نین را از دست دادیم . ترك اغلب این شهرها ناگزیر بود و ترك موقتی آنها بابتکار خودمان نیز صحیح بود . پاره‌ای از این شهرها را ما مجبور شدیم که ترك بگوئیم زیرا خوب نجنگیده بودیم . بهر حال ما خواهیم توانست سرزمینهای از دست رفته را باز ستانیم ، مشروط بر اینکه خوب بجنگیم . ممکن است که در آینده نیز نتوانیم از اشغال بعضی سرزمینها بوسیله دشمن جلوگیری کنیم ولی بعداً خواهیم توانست همه آنها را باز ستانیم . کلیه مناطق باید به بررسی انتقادی تجارب نبردهای خویش پردازند تا از آن درس گیرند و از تکرار اشتباهات پرهیزند .

۸ - در عرض این سه ماه اخیر ، ارتش آزادیبخش دشتهای مرکزی در غلبه بر دشواریها و سختیها استقامت بیسابقه‌ای از خود نشان داده است . بغیر از بخشی از این ارتش که به مناطق آزاد شده قدیم وارد شده ، نیروهای عمده‌اش دو پایگاه پارتیزانی در جنوب شنسی و مغرب حویه ایجاد کرده‌اند (۳) . بعلاوه واحدهای ما در مشرق و مرکز حویه پیگیرانه بجنگ پارتیزانی ادامه میدهند . همه اینها به عملیات در مناطق آزاد شده قدیم کمک فراوان کرده و میکنند و نقش باز هم مهمتری در جنگ طولانی آینده ایفا خواهند کرد .

۹ - عملیات سه ماه اخیر ، چند دسته از واحدهای زبده‌ایرا که چانکایشك ابتدا در نظر داشت به شمال شرقی اعزام دارد ، در جنوب دیوار بزرگ میخکوب کرد و بالنتیجه ما در شمال شرقی فرصت یافتیم

که به استراحت و تقویت واحدهای خویش و بسیج توده‌ها پردازیم .
این نیز برای مبارزات آتی ما دارای اهمیت بزرگی است .

۱۰ - تمرکز نیروهای برتر برای نابود ساختن یکایک نیروهای دشمن ، یگانه شیوه صحیح نبرد است ، شیوه‌ای که ما در عرض سه ماه اخیر برای نابود ساختن ۲۵ تیپ دشمن بکار بردیم . فقط با تمرکز نیروهائی که شش ، پنج ، چهار و یا لااقل سه برابر نیروهای دشمن باشند ، میتوانیم دشمن را بطور مؤثر نابود سازیم . این شیوه هم در عملیات اهراتیو و هم در عملیات تاکتیکی صادق است . فرماندهان ارشد و همچنین کادرهای متوسط و پائین باید این شیوه نبرد را عمیقاً فراگیرند .

۱۱ - ارتش ما در عرض سه ماه اخیر علاوه بر ۲۵ تیپ منظم دشمن ، تعداد قابل توجهی از نیروهای ارتجاعی مانند واحدهای پوشالی ، واحدهای امنیت عمومی و واحدهای پلیس ارتباطات را نیز نابود ساخته است . این نیز موفقیت بزرگی است . ما باید همچنان به نابود ساختن تعداد کثیری از اینگونه نیروهای ارتجاعی ادامه دهیم .

۱۲ - تجربه این سه ماه اخیر ثابت کرده است که نابود ساختن ۱۰,۰۰۰ سرباز دشمن بقیمت از دست دادن ۲,۰۰۰ یا ۳,۰۰۰ نفر از سربازان خودی تمام میشود . و این امری اجتناب ناپذیر است . برای از پیش بردن جنگ طولانی (در کلیه مناطق باید همه چیز را با محاسبه چنین جنگی مورد نظر قرار داد) باید ارتش را در آینده منظم‌تر توسعه داد ، نیروهای عمده را پیوسته تکمیل کرد و تعداد کثیری کادرهای نظامی تربیت نمود . ما باید طبق نقشه معین امور تولیدی را رونق بخشیم و امور مالی را منظم گردانیم و برای این کار باید اصول زیرین را با قطعیت بکار ببریم : توسعه اقتصاد و تأمین نیازسندیها ، رهبری

واحد و اداره غیرمتمرکز، ملحوظ داشتن نیازمندیهای ارتش و همچنین نیازمندیهای اهالی، ملحوظ داشتن منافع عمومی و همچنین منافع فردی.

۱۳ - تجربه این سه ماه اخیر ثابت کرده است که واحدهائی که هنگام وقفه عملیات از ژانویه تا ژوئن، طبق رهنمودهای کمیته مرکزی (که بارها بمناطق مختلف سفارش میکرد تعلیمات نظامی، کار تولیدی و اصلاحات ارضی را سه وظیفه مرکزی خود بشمارند) مساعی خویش را جهت تعلیمات نظامی افزایش داده‌اند، در نبرد به نتیجه بمراتب بهتری از واحدهائی که باین کار نپرداخته‌اند، رسیده‌اند. از این پس در همه مناطق باید از فواصل بین نبردها برای افزایش تعلیمات نظامی استفاده شود. کار سیاسی باید در کلیه واحدهای ارتش تقویت یابد.

۱۴ - تجربه این سه ماه اخیر ثابت کرده است که در هر جا که «رهنمود ۴ مه» (۴) کمیته مرکزی با قطعیت و با سرعت بکار برده شده و مسئله ارضی بطور ریشه‌ای و کامل حل گشته است، دهقانان در کنار حزب و ارتش ما قرار گرفته‌اند و در برابر حملات سپاهیان چانکایشک بمقاومت پرداخته‌اند. اما در هر جا که «رهنمود ۴ مه» با قطعیت بکار برده نشده، در هر جا که اقدامات لازم در اجرای آن با تأخیر زیاد صورت گرفته، و یا در هر جا که کار در این زمینه بطور مکانیکی بمراحل مختلف تقسیم شده و یا اصلاحات ارضی پیهانه گرفتاریهای نظامی از دیده فرو گذاشته شده است، دهقانان در حالت انتظار مانده‌اند. در ماههای آینده کلیه مناطق هر قدر هم که گرفتار جنگ باشند، باید توده‌های دهقانان را در حل مسئله ارضی با قطعیت رهبری کنند و بر اساس اصلاحات ارضی دست با اقداماتی بزنند که تولید را در سال آینده بمقیاس وسیع توسعه بخشد.

- ۱۵ - تجربه این سه ماه اخیر ثابت کرده است که در هر جا که نیروهای مسلح محلی مشتمل بر دستجات چریک توده‌ای ، واحدهای پارتیزانی و گروه‌های مسلح کار بخوبی سازمان یافته‌اند ، ما توانسته‌ایم بر مناطق روستائی وسیعی نظارت داشته باشیم ، اگر چه بسیاری از نقاط و خطوط آن سرزمین‌ها موقتاً در تصرف دشمن بودند . اما در هر جا که نیروهای مسلح محلی ضعیف بودند و رهبری آنها تعریفی نداشت ، شرایط مساعدی برای دشمن فراهم گردید . از این ببعد ما باید رهبری حزب را تقویت کنیم ، در کلیه مناطقی که موقتاً بوسیله دشمن اشغال شده‌اند ، نیروهای مسلح محلی را توسعه بخشیم ، جنگ پارتیزانی را پیگیرانه تعقیب کنیم ، از منافع توده‌ها دفاع نمائیم و فعالیت مرتجعین را خنثی سازیم .
- ۱۶ - سه ماه جنگ ، نیروهای ذخیره گومیندان را تقریباً تحلیل برده و از قدرت نظامی او در مناطق تحت حکومتش بسیار کاسته است . در عین حال گومیندان دو باره به سربازگیری و وصول مالیات جنسی (۵) پرداخته و این امر موجب ناخشنودی اهالی گردیده‌است و باین طریق زمینه بسط و توسعه مبارزه توده‌ای را مساعد ساخته‌است . تمام حزب باید رهبری مبارزات توده‌ای را در مناطق تحت حکومت گومیندان تقویت کند و بر مساعی خویش برای از هم پاشیدن ارتش گومیندان بیفزاید .
- ۱۷ - مرتجعین گومیندان با اشاره آمریکا موافقت‌نامه ستارک و قطعنامه‌های کنفرانس مشورتی سیاسی ژانویه سال جاری را نقض کرده‌اند و بقصد نابود ساختن نیروهای دموکراتیک توده‌ای تصمیم به برانگیختن جنگ داخلی گرفته‌اند . همه سخنان زیبای آنان چیزی جز فریب و نیرنگ نیست . ما باید کلیه دسایس آمریکا و چانکاپشک را افشا کنیم .
- ۱۸ - در عرض این سه ماه ، در مناطق گومیندان ، وسیعترین

قشرهای خلق و از آنجمله بورژوازی ملی سرعت و بهتر دریافتند که گومیندان و دولت آمریکا با همدستی یکدیگر عمل میکنند و جنگ داخلی را برانگیخته و خلق را مورد ظلم و ستم قرار داده‌اند. تعداد کسانی که باین حقیقت پی می‌برند که میانجیگری مارشال، نیرنگ است و گومیندان جنایتکار شماره یک جنگ داخلی است، روز بروز افزایش می‌یابد. توده‌های وسیع که تصورات واهی خود را نسبت به آمریکا و گومیندان بدور افکنده‌اند، اینک به پیروزی حزب ما امیدوار گشته‌اند. این وضعیت سیاسی داخلی وضعیت بسیار مساعدی است. سیاست ارتجاعی امپریالیسم آمریکا روز بروز بیشتر موجب ناخشنودی توده‌های وسیع خلق‌های کشورهای جهان می‌گردد. سطح آگاهی سیاسی خلق‌ها بطور روزافزون بالا می‌رود. مبارزات دموکراتیک خلق‌ها در کلیه کشورهای سرمایه‌داری چنان بسط و توسعه می‌یابد و احزاب کمونیست کشورهای مختلف چنان نیروهای خود را افزایش داده‌اند که مرتجعین دیگر قادر به مهار کردن آنها نخواهند بود. قدرت اتحاد شوروی و حیثیت او در میان خلق‌ها روز بروز بیشتر می‌شود. مرتجعین آمریکائی و مرتجعین تحت‌الحمایه آنها در کشورهای دیگر ناگزیر روز بروز منقرض‌تر خواهند گشت. این وضعیت سیاسی بین‌المللی وضعیت بسیار مساعدی است. اوضاع داخلی و بین‌المللی با اوضاع پس از جنگ جهانی اول بسیار فرق میکند. از جنگ جهانی دوم باینطرف، نیروهای انقلابی بشدت افزایش یافته‌اند. ما قادریم بر مرتجعین چینی و بیگانه هر قدر هم که شرور باشند (این شرارت از لحاظ تاریخی، اجتناب‌ناپذیر است و بهیچوجه تعجیبی ندارد) پیروز شویم. رفقای رهبر در کلیه مناطق باید بآن عده از رفقای حزبی که در اثر عدم درک کافی وضعیت مساعد داخلی و بین‌المللی، آینده مبارزه را

تاریک می بینند ، این مسئله را عمیقاً توضیح دهند . باید بخوبی در مد نظر داشت که دشمن هنوز قدرت دارد و ما هنوز دارای نقاط ضعفیم و مبارزه همچنان دیرپای و رنجبار است . ولی بیگمان ما میتوانیم پیروز شویم . این درك مسایل و این ایمان باید در سراسر حزب ما عمیقاً جایگیر شود .

۱۹ - چند ماه آینده دوره سهم و دشواری خواهد بود . ما باید فعالانه به بسیج سراسر حزب و به عملیات نظامی که دقیقاً تدارك دیده شده اند ، پردازیم تا آنکه تغییری بنیادی در وضعیت نظامی بوجود آوریم . همه مناطق باید رهنمودهای فوق را با قطعیت بموقع اجرا بگذارند و برای اینکه چنین تغییری در وضعیت نظامی ایجاد کنند ، مبارزه نمایند .

یادداشتها

۱ - اشاره است به « تعرض چانکایشك را با جنگ دفاع از خود در هم بشکنیم » ، جلد حاضر .

۲ - تکوین حوادث بعدی نشان داد که تناسب قوا بین دشمن و ما در ژوئیه ۱۹۴۷ رو بتغییر نهاد ، یعنی از موقعی که ارتش آزادیبخش توده ای شانسی - حبه - شان دون - حه نان از رودخانه زرد بزور گذشت و بسوی کوه دابیه پیش رفت . ارتش آزادیبخش توده ای در این تاریخ مدت دوازده ماه نبرد کرد ، و قریب ۱۰۰ تیپ دشمن را نابود ساخت که بطور متوسط ماهیانه ۸ تیپ میشود . رقم مذکور بیش از پیش بینی است که در این ترازنامه آمده زیرا که چانکایشك بكمك امپریالیسم آمریکا همه نیروهائی را که در اختیار داشت ، برای تعرض بکار برده بود .

۳ - در اواخر ژوئن سال ۱۹۴۶ ارتش آزادیبخش توده ای دشتهای مرکزی ، فرماندهی لی سیان نیان ، جن وی سان و سایر رفقا که در محاصره ۵۰۰ و ۳۰۰

سرباز گومیندان افتاده بود ، بابتکار خود به انتقال استراتژیک دست زد و پیروزمندان از محاصره دشمن درآمد . واحدهائی که رفیق مائو تسه دون نام برده و میگوید که بمناطق آزاد شده قدیم وارد شده‌اند ، واحدهای تحت فرماندهی وان جن و سایر رفقا بودند که پس از در هم شکستن محاصره دشمن به ناحیه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا وارد شده بودند . منظور از پایگاه پارتیزانی جنوب شنسی پایگاهی است که بوسیله بخشی از نیروهای عمده ارتش آزادیبخش توده‌ای دشتهای مرکزی برپا شد . پایگاه مذکور شامل میشد برلوشی ، صی چوان در غرب حه‌نان ، و لوه نان و شان یان در جنوب شنسی . منظور از پایگاه پارتیزانی در مغرب حوبه پایگاهی است که بوسیله بخشی دیگر از همین ارتش برپا شد و مرکزش کوه اودان در شمال غربی حوبه بود .

۴ - اشاره است به « رهنمود در باره مسئله ارضی » که در ۴ مه ۱۹۴۶ از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین صادر شد . کمیته مرکزی پس از تسلیم ژاپن با توجه به خواست مبرم دهقانان در بدست آوردن زمین ، تصمیم گرفت که آن سیاست ارضی را که در زمان جنگ مقاومت تدوین کرده بود ، عوض کند یعنی بجای سیاست تقلیل بهره مالکانه و تقلیل ربح ، سیاست مصادره اراضی مالکان ارضی و تقسیم آنها را بین دهقانان در پیش گیرد . « رهنمود ۴ مه » نشانه این تغییر بود .

۵ - اشاره است به مالیات ارضی که بصورت غلات وصول میشد .

درود بر اعتلاء نوین انقلاب چین

(۱ فوریه ۱۹۴۷)

۱ - اکنون کلیه احوال نشان میدهد که وضعیت چین به مرحله نوینی از تکامل خویش میرسد. این مرحله نوین مرحله‌ای خواهد بود که در آن مبارزه ضد امپریالیستی و ضد فئودالی بمقیاس ملی به يك انقلاب بزرگ توده‌ای نوین رشد و تکامل مییابد. ما در استانه این انقلابیم. وظیفه حزب ما عبارتست از تسریع اعتلاء انقلاب و پیروزی آن.

۲ - از هم‌اکنون وضعیت جنگی در جهت مساعد خلق تحول مییابد. ما در عرض ۷ ماه نبرد، از ژوئیه گذشته تا ژانویه اسسال، ۵۶ تیپ از نیروهای منظم چانگ‌کیشک را که بمناطق آزادشده هجوم آورده بودند، یعنی ماهیانه بطور متوسط ۸ تیپ را نابود ساختهایم، و این غیر از تعداد فراوانی از سپاهیان پوشالی و گارد امنیتی عمومی است که نابود شده‌اند و غیر از سایر نیروهای منظم چانگ‌کیشک است که هزیمت یافته‌اند. تعرض چانگ‌کیشک در شان دون جنوبی و غربی، در منطقه مرزی

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائو سه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است.

شنسی - گان سو - نین سیا ، در طول بخش شمالی راه آهن بی پین - حان کو و در منچوری جنوبی ادامه دارد ولی نسبت به پائیز گذشته خیلی ضعیف تر شده است . چانکایشك باندازه کافی سرباز در اختیار ندارد و نمیتواند تعداد نفرات خود را بعدی که در سربازگیری پیش پینی کرده است برساند . و این امر با خطوط دراز جبهه های او و تلفات عظیمش در تضاد جدی است . روحیه ارتش او هر روز بیشتر پائین می آید . روحیه بسیاری از واحدهایش در طی نبردهای جدید در جیان سوی شمالی ، شان دون جنوبی و غربی ، شان سی غربی بسطع بسیار نازلی تنزل کرد . در چندین جبهه ، ارتشهای ما در حال بدست گرفتن ابتکار و ارتشهای چانکایشك در حال از دست دادن آن اند . میتوان پیش پینی کرد که ما در عرض چند ماه آینده خواهیم توانست به هدف خویش نائل آییم یعنی با حساب تیپ هائی که تاکنون نابود ساخته ایم ، مجموعاً ۱۰۰ تیپ چانکایشك را نابود سازیم . چانکایشك مجموعاً ۹۳ لشکر (سپاه) منظم پیاده و سوار دارد که مرکب است از ۲۴۸ تیپ (لشکر) و رویهمرفته ۱,۹۱۶,۰۰۰ نفر میشود . و این غیر از سپاهیان پوشالی ، پلیس ، گاردهای محلی امنیت عمومی ، واحدهای پلیس ارتباطات ، دوائر کارپردازی و واحدهای فنی است . نیروهائی که در حمله بر مناطق آزاد شده بکار افتاده اند ۷۸ لشکر (سپاه) اند مرکب از ۲۱۸ تیپ (لشکر) و مجموعاً ۱,۷۱۳,۰۰۰ تن یعنی تقریباً ۹۰ درصد سپاهیان منظم چانکایشك . در آن مناطق پشت جبهه که تحت نظارت چانکایشك میباشد بیش از ۱۵۰ لشکر باقی نیست که مرکب است از ۳۰ تیپ یعنی ۲۰۳,۰۰۰ نفر و تقریباً ۱۰ درصد سپاهیان منظم چانکایشك است . پس چانکایشك دیگر نمیتواند واحدهای مهمی که نبرد آزمائی

شایسته‌ای داشته باشند از پشت جبهه برای حمله بر مناطق آزادشده بیاورد. از ۲۱۸ تیپی که در حمله بر مناطق آزاد شده بکار افتاده‌اند بیش از یک‌چهارم نابود شده است. اگر چه بعضی از تیپ‌ها نفرات خود را تکمیل کرده و پس از نابود شدن بهمان نام نخستین احیا شده‌اند ولی نبردآزمائیشان بسیار کم است. بعضی دیگر پس از تکمیل شدن دوباره نابود شده‌اند، و بعضی دیگر حتی بتکمیل نفرات خویش نائل نیامده‌اند. هرگاه ارتشهای ما بتوانند در طی چند ماه آینده بازهم ۴ تا ۵ تیپ را نابود سازند و باین طریق با حساب آنچه تاکنون نابود شده است مجموعاً ۱۰۰ تیپ نابود شود تغییر سهمی در وضعیت جنگی روی خواهد داد.

۳ - در عین حال جنبش توده‌ای عظیمی در مناطق چانکایشک در گسترش است. شورشهای توده‌ای در شانگهای که در اثر آنکه گومیندان دستفروشان را مورد تعقیب و آزار قرار داد از ۳ نوامبر سال گذشته آغاز شده است (۱) و جنبش دانشجویان بی پین که از ۳ دسامبر همانسال در اثر آنکه دختر دانشجوی چینی بوسیله سربازان آمریکائی هتک عصمت شد برپا گشته است (۲) نشانه اوج جدید مبارزات توده‌ای در مناطق تحت نظارت چانکایشک است. جنبش دانشجویان که در بی پین آغاز شد بسایر شهرهای بزرگ کشور سرایت کرده است و صدها هزار نفر در آن شرکت جسته‌اند. جنبش مذکور از حیث دامنه خود از جنبش دانشجویان که در ۹ دسامبر بر علیه امپریالیسم ژاپن برپا گردید (۳) در گذشته است.

۴ - پیروزیهای ارتش آزادیبخش توده‌ای در مناطق آزاد شده و گسترش جنبش توده‌ای در مناطق چانکایشک نوید میدهد که بدون

شك انقلاب بزرگ توده‌ای نوین چین بر ضد امپریالیسم و ضد فئودالی نزدیک است ، انقلابی که میتواند پیروز شود .

۵ - این وضعیت در حالی روی میدهد که امپریالیسم آمریکا و چاکر او چانگ‌ایشك بجای امپریالیسم ژاپن و چاکر او وان جین وی نشسته و سیاستی اتخاذ کرده‌اند که هدفش عبارتست از تبدیل چین به مستعمره آمریکا ، برانگیختن جنگ داخلی و تقویت دیکتاتوری فاشیستی . در برابر چنین سیاست ارتجاعی امپریالیسم آمریکا و چانگ‌ایشك ، خلق چین چاره دیگری جز مبارزه نداشت . هنوز هم در دوره کنونی مبارزه در راه استقلال ، صلح و دموکراسی خواست اسامی خلق چین است . از همان آوریل ۱۹۴۵ هفتمین کنگره حزب ما که این سیاست ارتجاعی امپریالیسم آمریکا و چانگ‌ایشك را پیش‌بینی میکرد مشی سیاسی همه جانبه و کاملاً درستی برای غلبه بر آن تنظیم نمود .

۶ - این سیاست ارتجاعی امپریالیسم آمریکا و چانگ‌ایشك کلیه قشرهای توده‌ای چین را واداشته است که بخاطر نجات خویش با یکدیگر متحد شوند . این قشرها عبارتند از کارگران ، دهقانان ، خرده بورژوازی شهری ، بورژوازی ملی ، متنفذین روشنبین ، سایر میهن‌پرستان ، اقلیتهای ملی و چینیان ماوراء بحار . این جبهه‌ای است متحد و بسیار وسیع که تمام ملت را دربر میگیرد . این جبهه نه فقط باندازه جبهه متحد دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی وسیع است بلکه پایه‌هایی عمیق‌تر از آن دارد . همه رفقای حزبی باید برای تحکیم و توسعه این جبهه مبارزه کنند . در مناطق آزاد شده در عین حال که سیاست " زمین از آن کشتکار است " مصممانه و بی هیچ تردید باید اجرا شود ، سیاست " سیستم سه ثلث " (۴) باید محفوظ بماند . ما باید مانند گذشته علاوه بر کمونیستها

عناصر مترقی خارج از حزب و عناصر وسط (مانند متنفذین روشنین) را که بسیاراند در ارگانهای قدرت و سازمانهای اجتماعی شرکت دهیم . در مناطق آزاد شده کلیه افراد صرفنظر از تفاوت طبقاتی ، جنسی و معتقدات مذهبی حق دارند انتخاب کنند و انتخاب شوند ، باستثنای خائنان و مرتجعان که بر ضد منافع خلق موضع گرفته و در معرض کینه تسکین ناپذیر وی قرار گرفته اند . پس از آنکه سیستم " زمین از آن کشتکار است " کاملاً اجرا گردید حق مالکیت خصوصی مانند گذشته برای خلق در مناطق آزاد شده تضمین خواهد شد .

v - از آنجا که دولت چانکایشک مدتهاست که سیاست مالی و اقتصادی ارتجاعی اجرا میکند ، و از آنجا که سرمایه بوروکراتیک - کمپرادور چانکایشک بموجب قرارداد رسوای بازرگانی چین و آمریکا (۵) که قرارداد خیانت ملی است با سرمایه اسپریالیستی آمریکا درهم آمیخته تورم خطرناکی بسرعت توسعه مییابد . صنعت و تجارت ، بورژوازی ملی چین روز بروز بیشتر ورشکسته میشود ؛ وضعیت توده های زحمتکش ، کارمندان و معلمان روز بروز بدتر میشود ؛ بسیاری از عناصر طبقات متوسط شاهد آنند که ذخائرشان رو به تحلیل میرود و تمام دارائی خویش را از دست میدهند ؛ و از اینجهت اعتصابات کارگران و دانشجویان و مبارزات دیگر پشت سرهم وقوع مییابد . بحرانی اقتصادی که وخاست آن در چین بی سابقه است همه قشرهای مردم را تهدید میکند . چانکایشک برای اینکه بتواند جنگ داخلی را ادامه دهد دو باره سیستم بسیار مضر سربازگیری و جمع غله را که در دوره جنگ مقاومت معمول بود برقرار ساخته و زندگی توده عظیم روستائیان و بویژه دهقانان بی برگ و نوا غیرممکن گردیده است . از اینجهت شورشهای توده ای از هم اکنون

آغاز شده و در حال گسترش است. بنابر این دارودسته حاکم ارتجاعی چانکایشک هر روز بیشتر از نزد توده‌های وسیع خلق بی‌اعتبار خواهد شد و با بحران‌های وخیم سیاسی و نظامی درگیر خواهد بود. وضعیت موجود از یکطرف جنبش توده‌ای ضد امپریالیستی و ضد فئودالی را در مناطق تحت نظارت چانکایشک هر روز پیشرفت میدهد و از طرف دیگر روحیه سپاهیان چانکایشک را هر روز خرابتر میکند و امکانات پیروزی ارتش آزادیبخش توده‌ای را افزایش میدهد.

۸ - مجلس ملی غیرقانونی که عامل تفرقه است و چانکایشک بمنظور منفرد ساختن حزب ما و سایر نیروهای دموکراتیک دعوت کرد، و همچنین آن باصطلاح قانون اساسی که مجلس مذکور ساخته و پرداخته است هیچ اعتباری در نزد خلق ندارند. آن مجلس و این قانون اساسی بجای آنکه موجب منفرد شدن حزب ما و سایر نیروهای دموکراتیک گردند، باعث منفرد شدن خود دارودسته حاکم چانکایشک گردیدند. حزب ما و سایر نیروهای دموکراتیک از شرکت در باصطلاح مجلس ملی خودداری ورزیدند، و این سیاست کاملاً صحیحی بود. دارودسته حاکم مرتجع چانکایشک حزب جوانان (۶) و حزب دموکرات سوسیالیست (۷) یعنی دو حزب کوچکی را که هیچگاه کمترین وزنه‌ای در کشور نداشته‌اند و همچنین برخی از "شخصیتهای سرشناس" (۸) را بخود جلب کرده است و میتوان پیش‌بینی کرد که عده‌ای دیگر از عناصر میانه‌حال هم بارتجاع خواهند پیوست. دلیلش اینست که نیروهای دموکراتیک چین روز بروز افزایش مییابند و حال آنکه نیروهای ارتجاعی روز بروز منفردتر میشوند، و این امر ایجاب میکند که خط تمایز میان ما و دشمن ما با چنین روشنی ترسیم شود. همه عناصری که بمنظور فریب خلق

در جبهه دموکراتیک پنهان شده‌اند سرانجام چهره حقیقی خود را نشان خواهند داد و از طرف خلق رانده خواهند شد و صفوف ضد امپریالیستی و ضد فئودالی توده‌ها در اثر اینکه بین خود و این مرتجعان نقابدار خط تمایز روشنی ترسیم کرده‌اند بازهم بیشتر گسترش خواهند یافت .

۹ - تحول وضعیت بین‌المللی برای مبارزه خلق چین بسیار مناسب است . نیروی روزافزون اتحاد شوروی و کامیابیهای سیاست خارجی ، گرایش خلقهای جهان باینکه روز بروز بیشتر به سمت چپ روی آورند و اعتلاء مداوم مبارزات آنها برعلیه نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی ، دو عامل بزرگ است که امپریالیسم آمریکا و چاکرانش را در کشورهای مختلف به انفراد روز بروز کاستر کشانیده و باز هم خواهد کشانید . اگر عامل بحران اقتصادی را که ناگزیر در آمریکا پیش خواهد آمد براین بیفزائیم دیده میشود که امپریالیسم آمریکا و چاکرانش اجباراً به وضعیتی بازهم وخیمتر دچار خواهند آمد . قدرت امپریالیسم آمریکا و چاکر او چانکایشك فقط موقت است . تعرضهای آنها در هم شکستنی است . این افسانه که تعرضهای مرتجعان را نمیتوان درهم شکست نباید هیچ اعتباری در صفوف ما داشته باشد . کمیته مرکزی چندین بار در این مورد تأکید کرده است و تحول وضعیت بین‌المللی و داخلی هر روز با روشنی بیشتری صحت این نظریه را تأیید میکند .

۱۰ - چانکایشك بمنظور آنکه فرصت لازم برای تکمیل سپاهیان خویش بدست آورد و تعرض تازه‌ای برانگیزد ، بمنظور آنکه از آمریکا وامهای دیگر و تجهیزات دیگر بگیرد و بمنظور آنکه خشم خلق را تسکین بخشد بحیله جدیدی مبادرت جسته خواستار از سر گرفتن باصطلاح مذاکرات صلح با حزب ما شده‌است (۹) . سیاست حزب ما رد این " مذاکرات "

نیست بلکه استفاده از این فرصت است برای افشاء حیلۀ چانکایشك .

۱۱ - ما برای درهم شکستن کامل تعرض چانکایشك باید در عرض چند ماه آینده بازهم ۴ تا ۵ تیپ او را نابود سازیم . این جاست کلید حل همه مسائل . ما برای نیل باین هدف باید رهنمود کمیته مرکزی مورخ ۱ اکتبر سال گذشته را که مربوط به ترازنامه سه ماه است و رهنمود کمیسیون نظامی مورخ ۱۶ سپتامبر همان سال را که مربوط به تمرکز نیروها برای نابود ساختن یکایک نیروهای دشمن است کاملاً بموقع اجرا بگذاریم . در اینجا توجه رفقا را در کلیه مناطق بار دیگر بنکات زیرین جلب میکنیم :

الف - مسئله نظامی . ارتش ما در طی نبردهای سختی که در هفت ماه اخیر در گرفت ثابت کرد که بخوبی میتواند تعرض چانکایشك را درهم بشکند و به پیروزی نهائی برسد . ارتش ما هم ساز و برگ خود را و هم تاکتیک خود را بهبود بخشیده است . از این بعد وظیفه مرکزی ما در ساختمان ارتش عبارتست از اینکه واحدهای توپخانه و مهندسی را با کلیه وسائل خود تقویت کنیم . کلیه مناطق نظامی ، چه بزرگ و چه کوچک ، و کلیه ارتشهای صحرائی باید مسائل مشخصی را که مربوط به تقویت واحدهای توپخانه و مهندسی است و در درجه اول دو مسئله آموزش کادرها و تولید مهمات را حل کنند .

ب - مسئله ارضی . تقریباً در دو سوم سرزمین هر منطقه آزاد شده ، رهنمود کمیته مرکزی مورخ ۴ مه ۱۹۴۶ (۱۰) بموقع اجرا درآمده ، مسئله ارضی حل شده و سیاست " زمین از آن کشتکار است " عملی گردیده است . این پیروزی بزرگی است . معذک بر تقریباً يك سوم سرزمین ها باقی است که باید تمام کوشش را برای بسیج کامل توده ها

و عملی ساختن سیاست " زمین از آن کشتکار است " در آنجا بکار برد . در بعضی جاها که این سیاست عملی گردیده هنوز نقایصی در کار است ، مسئله عمیقاً حل نشده است . و علت عمده‌اش اینست که توده‌ها خوب بسیج نشده‌اند بالنتیجه مصادره و تقسیم زمین از ریشه صورت نگرفته و این امر موجب ناخشنودی توده‌ها گردیده است . در چنین جاهائی ما باید برسیدگی دقیق دست بزنیم و تعادل برقرار سازیم (۱۱) تا دهقانانی که زمین ندارند و یا کم زمین دارند زمین بگیرند و همه اشراف زیانکار و مستمکاران محلی کیفر ببینند . ما باید در تمام مدتی که سیاست " زمین از آن کشتکار است " در حالت اجرا است با دهقانان سیانه حال مصممانه متحد شویم ؛ بهیچوجه قابل قبول نیست که منافع دهقانان میانه حال (و از آنجمله دهقانان میانه حال مرفه) پایمال گردد . اگر منافع دهقانان میانه حال لطمه دیده است باید جبران کرد و از آنها پوزش خواست . بعلاوه در طی اصلاحات ارضی و بعد از آن باید با در نظر داشتن « رهنمود ۴ مه » بطور کلی به وضع دهقانان مرفه و بوضع مالکان متوسط و کوچک ارضی، در حدودی که توده‌ها رضایت بدهند ، توجه مناسب معطوف داشت . بطور خلاصه ما باید در طی جنبش اصلاح ارضی در مناطق روستائی با بیش از ۹۰ درصد اهالی روستا که اصلاحات ارضی را تأیید میکنند متحد شویم و تعداد اندک فئودالهای مرتجع را که با آن مخالف‌اند منفرد گردانیم بطوریکه بتوانیم سیاست " زمین از آن کشتکار است " را بسرعت عملی سازیم .

ج — مسئله تولید . در کلیه مناطق باید همه چیز را برای مدت متمادی پیش‌بینی کرد و باید مجدانه بتولید پرداخت ، صرفه جوئی اکید بکار برد و بر اساس دو امر ضروری که یکی بسط تولید و دیگری

مراعات صرفه جوئی است راه حل صحیحی برای مسئله مالی یافت . در اینجا اصل اول عبارتست از بسط تولید و تأمین نیازمندیها . پس باید با این نظریه اشتباه‌آمیز مبارزه کرد که فقط بر امور مالی و بازرگانی تکیه میکند و تولید کشاورزی و صنعتی را از دیده فرو میگذارد . اصل دوم عبارتست از توجه به نیازمندیهای ارتش و مردم ، به منافع عمومی و فردی . پس باید با این نظریه اشتباه‌آمیز مبارزه کرد که فقط بیک طرف توجه دارد و طرف دیگر را از دیده فرو میگذارد . اصل سوم عبارتست از تمرکز رهبری در عین عدم تمرکز مدیریت . پس جز در جایی که مستلزم مدیریت متمرکز است باید با این نظریه اشتباه‌آمیز مبارزه کرد که میخواهد همه چیز را بدون محاسبه اوضاع و احوال متمرکز گرداند و جرأت ندارد به مدیریت غیر متمرکز میدان بدهد .

۱۲ - حزب ما و خلق چین همه اسباب پیروزی را در دست دارند . در این هیچ تردیدی نیست . ولی این بیان معنا نیست که دیگر دشواری‌هایی در جلوی ما نخواهد بود . مبارزه چین بر ضد امپریالیسم و فئودالیسم مبارزه‌ای طولانی است ، مرتجعان چینی و بیگانه با تمام نیروی خود به مخالفت با خلق چین ادامه خواهند داد ، سلطه رژیم فاشیستی در مناطق تحت نظارت چانکایشک بازهم شدیدتر خواهد گشت ، موقتاً برخی از سرزمینهای مناطق آزادشده در اشغال دشمن خواهد افتاد و یا عرصه جنگهای پارتیزانی خواهد شد ، ممکن است که بر بخشی از نیروی انقلابی موقتاً تلفاتی وارد شود و البته ما در طی جنگ طولانی ضایعات انسانی و مادی خواهیم داشت . همه رفقای حزبی باید اینها را خوب بحساب بیاورند و آماده باشند که با اراده استوار منتظماً بر همه دشواریها فائق آیند . نیروهای ارتجاعی

مشکلاتی دارند و ما هم مشکلاتی داریم . اما مشکلات نیروهای ارتجاعی غلبه‌پذیر نیست زیرا که آنها راهسپار نیستی‌اند و هیچ دورنمای آینده‌ای ندارند . مشکلات ما غلبه‌پذیر است زیرا که ما نیروهای جوان و روینده هستیم و آینده درخشانی از آن ماست .

یادداشتها

۱ - مقامات گومیندان در شانگهای از اوت ۱۹۴۶ کار وکسب دستفروشان محله حوان پو و لاؤجوا را غدغن کردند . در دهه آخر نوامبر قریب هزار تن از دستفروشان که بکسب خویش ادامه داده بودند دستگیر شدند . در ۳۰ نوامبر سه هزار دستفروش بنمایش پرداختند وکلانتری محله حوان پو را بمحاصره در آوردند . مقامات گومیندان دستور تیراندازی دادند . ۷ تن از نمایش‌دهندگان بقتل رسیدند و بسیاری دیگر زخمی ویا دستگیر شدند . روز اول دسامبر دستفروشان به مبارزه ادامه دادند . با آنکه ده نفر دیگر بقتل رسیدند و بیش از صد نفر زخمی شدند تعداد شرکت کنندگان به بیش از پنج هزار بالغ گردید . کلیه مغازه‌های شانگهای برای آنکه علاقه خویش را بدستفروشان نشان بدهند تخته کردند . باین ترتیب حادثه مذکور بصورت جنبش توده‌ای ضد چانکایشک در آمد ، جنبشی که در سراسر شهر گسترش یافت .

۲ - این حادثه در ۲۴ دسامبر ۱۹۴۶ در بی پین روی داد . يك دوشیزه دانشجوی دانشگاه پکن بوسیله سربازان آمریکائی هتك عصمت شد ودر اثر آن در چندین ده شهر بزرگ و متوسط مناطق تحت نظارت چانکایشک دانشجویان از ۳۰ دسامبر ودر تمام طول ژانویه ۱۹۴۷ به برپا کردن اعتصابات ونمایشهای ضد آمریکا و ضد چانکایشک دست زدند و خروج ارتشهای آمریکا را از چین خواستار شدند . بیش از نیم میلیون دانشجو در این جنبش شرکت جستند .

۳ - اشاره است به جنبش میهن پرستانه دانشجویان که در ۹ دسامبر ۱۹۳۵ در بی پین روی داد . برای توضیح بیشتر مراجعه شود به «درباره قاکتیک‌های مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن » ، یادداشت ۸ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد اول .

۴ - "سیستم سه ثلث" مظهر سیاست جبهه متحد در تشکیل ارگانهای قدرت در مناطق آزاد شده در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی بود، سیاستی که حزب کمونیست چین دنبال میکرد. بموجب سیاست مذکور ارگانهای قدرت دموکراتیک ضد ژاپنی تشکیل میشد از اعضاء حزب کمونیست، از مترقیان چپ و از عناصر وسط و غیره، تقریباً بنسبت يك سوم از هر کدام.

۵ - «قرارداد بازرگانی چین و آمریکا» یعنی «قرارداد دوستی، بازرگانی و دریانوردی چین و آمریکا» در ۴ نوامبر ۱۹۴۶ در نانکن بین دولت چانگکایشك و دولت آمریکا منعقد شد. این قرارداد که قسمت بزرگی از حاکمیت چین را بآمریکا تفویض میکرد شامل سی ماده بود که مضمون عمده اش چنین است:

(۱) - اتباع آمریکا در "سراسر سرزمین" چین از حق اقامت، مسافرت، پرداختن بکار بازرگانی، تولید و بعمل آوردن محصولات، اشتغال بعلوم، آموزش و پرورش، مذهب، و امور خیریه بهره منداند و همچنین حق دارند به تفحص منابع معدنی و بهره برداری از آنها مشغول شوند، زمین اجاره کنند، مالك زمین شوند و به سایر حرف و مشاغل دست بزنند. اتباع آمریکا از لحاظ اقتصادی همان حقوقی را خواهند داشت که چینیها دارند.

(۲) - محصولات آمریکائی در چین در زمینه مالیات و عوارض، فروش، توزیع و مصرف از شرایطی استفاده خواهند کرد که لااقل باندازه شرایطی که برای محصولات کشوری دیگر و یا برای محصولات چینی معین شده است مساعد باشد. "هیچ ممنوعیت و هیچ محدودیتی" از طرف چین بر گیاهان کاشتنی، بر محصولات و مواد ساخته شده که از آمریکا وارد شود و یا بر محصولات و مواد چینی که بآمریکا صادر شود "برقرار نخواهد گشت".

(۳) - کشتیهای آمریکائی آزاد خواهند بود که به کلیه بنادر، نقاط و آبهای داخلی چین که بروی دریانوردی و بازرگانی خارجی باز است وارد شوند. سرنشینان و محصولات این کشتیها از آزادی ترانزیت در خاک چین "از مناسبترین راهها" برخوردار خواهند بود. کشتیهای آمریکائی و از آنجمله کشتیهای جنگی میتوانند به بهانه "اولین علامت خطر" "بهر يك از بنادر، نقاط و آبهای داخلی" چین "که بروی دریانوردی و بازرگانی خارجی باز نیست" وارد شوند.

گوی جیون که در آنموقع سفیر دولت چانگکایشك در آمریکا بود با بیشرمی علنی گفت این قرارداد بمعنای "گشودن همه سرزمین چین بر روی بازرگانان آمریکا" است.

۶ - مراجعه شود به « تحلیل طبقات جامعه چین » یادداشت ۱ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد اول .

۷ - حزب دموکرات سوسیالیست در اوت ۱۹۴۶ از آمیزش « حزب مشروطه خواه دموکرات » و « حزب ناسیونال سوسیالیست » بوجود آمد . این حزب بطور عمده از سیاستمداران ارتجاعی و فرومایه ترین افراد محافل فتودالی دوره دیکتاتورهای نظامی شمال تشکیل میشد .

۸ - اشاره است به سیاستمداران بی وجدانی نظیر وان یون او ، قوسی نیان و هو جن جی که خود را بعنوان شخصیت‌های نا وابسته باحزاب جا میزدند و در واقع آرایشگر « مجلس ملی » ساخته و پرداخته چانکایشک بودند .

۹ - در ۱۶ ژانویه ۱۹۴۷ دولت گومیندان در اثر شکستهای پی در پی تعرضهای نظامی و خرابتر شدن مداوم وضعیت نظامیش بوسیله سفیر آمریکا در چین جان لیتون استوارت ، از حزب کمونیست چین اجازه خواست که نمایندگان خود را به یین ان برای « مذاکرات صلح » بفرستد و منظورش این بود که فرصتی برای تدارك تعرض جدید بدست آورد . این حيله جديد آمريکا و چانکایشک بيدرننگ بوسیله حزب کمونیست چین کاملاً افشا شد . حزب کمونیست چین اعلام داشت که مذاکرات را نمیتوان از سر گرفت مگر آنکه لااقل دو شرط تحقق پذیرد : (۱) الغاء باصطلاح قانون اساسی که با نقض تصمیمات کنفرانس مشورتی سیاسی بوسیله چانکایشک ساخته و پرداخته شده است ؛ (۲) تخلیه همه سرزمینهای مناطق آزاد شده که سپاهیان گومیندان پس از آنکه موافقت نامه متارکه ۱۳ ژانویه ۱۹۴۶ قوت قانونی یافته است تسخیر کرده اند . در غیر این صورت نمیتوان تضمین کرد که گومیندان موافقتنامه ای را که در اثر « مذاکرات » جدید منعقد شود دوباره از هم نخواهد درید . وقتی که دولت گومیندان دریافت که حيله « صلح » وی در نمیگیرد در روزهای ۲۷ و ۲۸ فوریه به کلیه نمایندگان حزب کمونیست چین که در نانکن ، شانگهای و چون چینگ برای مذاکره و برقراری ارتباط اقامت داشتند دستور داد آنجا را ترک کنند و قطع شدن نهائی مذاکرات میان گومیندان و حزب کمونیست چین را اعلام داشت .

۱۰ - اشاره است به « رهنمود درباره مسئله ارضی » صادر از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مورخ ۴ مه ۱۹۴۶ . مراجعه شود به « ترازنامه سه ماهه » یادداشت ۴ ، جلد حاضر .

۱۱ - « برقراری تعادل » در مناطق آزاد شده قدیم که اصلاح ارضی نسبتاً کاملی در آنها اجرا شده بود بعنوان يك اقدام سیاسی عملی گردید . هدفش عبارت

بود از حل مسئله کمبود اراضی و سایر افزارهای تولید که بعضی از دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی بدان دچار بودند و همچنین سایر مسایلی که در موقع اصلاح ارضی معلق مانده بود . باین طریق که بوضع زمین و سایر افزارهای تولید در چارچوب نسبتاً محدودی تجدید نظر میشد تا ترتیب منطقی تری داده شود ؛ از کسانی که بهترش را داشتند میگرفتند و بکسانی میدادند که بآن خوبی نداشتند ؛ از کسانی که زیاد داشتند میگرفتند و بکسانی میدادند که کم داشتند .

در باره ترك موقت ين ان و دفاع از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا — دوسند از کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

(نوامبر ۱۹۴۶ و آوریل ۱۹۴۷)

۱ — رهنمود ۱۸ نوامبر ۱۹۴۶

چانکایشك در ين بست افتاده است . او از دوراه میخواهد بر حزب
ما ضربه بزند و خود را تقویت کند ؛ از راه دعوت ”مجلس ملی“ و از راه
حمله بر ين ان . ولی در واقع به نتیجه معکوس خواهد رسید . خلق چین

این دوسند را رفیق مائو تسه دون تهیه کرده است . سند نخستین در ين ان در
زمستان ۱۹۴۶ ، در هنگامی که سپاهیان گومیندان برای حمله بر ين ان آماده میشدند ،
نوشته شده است ، و سند دوم در چینگ یان چا ، در شهرستان حن شان ، در شنسی
شمالی ، بیست روز پس از اشغال ين ان بدست سپاهیان گومیندان که در ۱۹ مارس
۱۹۴۷ صورت گرفت . چانکایشك پس از آنکه نقشه تعرض عمومی وی بر مناطق
آزاد شده با شکست روبرو شد بمنظور نجات رژیم محتضر خویش با اقدامات

با آن "مجلس ملی" که سراپا ساخته و پرداخته چانکایشك میباشد و هدفش تجزیه ملت است قطعاً مخالف است. روز افتتاح این مجلس آغاز انهدام دارودسته چانکایشك است. اینك كه ما ۳۵ تیپ (۱) از سپاهیان چانکایشك را نابود ساخته ایم و قدرت تعرضی آنها رو به زوال است اگر هم این ان را با حمله ناگهانی بتصرف در آورند این امر بهیچوجه دورنمای کلی پیروزی در جنگ آزادیبخش توده‌ای را تیره نمیسازد و چانکایشك را از فرجامی كه در انتظار اوست رهایی نخواهد بخشید. خلاصه چانکایشك در طریق هلاك رهسپار است؛ همه فریبکاری او از روی این بازی دوگانه آشکار میشود: دعوت "مجلس ملی" و حمله برین ان، و این امر به پیشرفت جنگ آزادیبخش توده‌ای كمك خواهد كرد. ما باید در هر منطقه بمردم، اعم از عضو حزب و غیر آن، این دو اقدام چانکایشك را بخوبی توضیح دهیم: دعوت "مجلس ملی" و حمله برین

جنون‌آمیزی دست زده باصطلاح مجلس ملی را دعوت كرد، نمایندگان حزب كمونیست چین را از مناطق گومیندان راند، و به حمله برین ان، جایگاه كمیته مركزی حزب كمونیست چین مبادرت ورزید. همانطور كه در این اسناد پیش‌بینی شده است اقدامات چانکایشك به اضمحلال خود او در عرصه سیاسی منجر گردید. در عرصه نظامی، چانکایشك در صدد بر آمد به "حملات متمرکز" دست بزند و نیروهای خویش را در جناحهای شرقی و غربی مناطق آزاد شده یعنی منطقه آزاد شده شان دون و منطقه آزاد شده شنسی - گان سو - نین سیا گرد آورد. در آنجا نیز شكست كامل نصیب وی شد. سپاهیان گومیندان كه بر منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا حمله می‌آوردند بیش از ۲۳۰,۰۰۰ تن بودند و حال آنكه شماره ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال غربی در این منطقه فقط اندكی از ۲۰,۰۰۰ تجاوز می‌كرد. از اینجهت نیروهای دشمن توانستند این ان و کلیه مراکز شهرستان‌های این منطقه را كه ما بابتكار خویش ترك می‌كردیم بتصرف در آورند. معذلك دشمن كه میخواست

ان ، و بايد همه حزب ، همه ارتش و همه خلق را در مبارزه برای درهم شکستن تعرض چانکاشك و برای ساختمان چين دموکراتيك متحد سازيم .

۲ - بخشنامه ۹ آوريل ۱۹۴۷

گوميندان بمنظور نجات رژيم محتضر خویش نه فقط باصطلاح خود مجلس ملی دعوت کرده ، نه فقط چیزی بنام قانون اساسی ساخته و پرداخته ، هیئتهای نمایندگی حزب ما را از نانکن ، شانگهای و چون چینگ رانده و قطع پیوند میان گومیندان و حزب کمونیست چين را اعلام داشته است (۲) بلکه برین ان ، جایگاه کمیته مرکزی حزب ما و ستاد کل ارتش آزادیبخش توده‌ای ، و همچنین بر منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا حمله ور شده‌است .

دستگاههای مرکزی حزب کمونیست چين و ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال غربی را نابود سازد و یا آنها را به گذار به مشرق رودخانه زرد مجبور گرداند به‌دفع خود نائل نیامد ، برعکس ، ارتش ما بارها ضربات سخت بر وی وارد آورد ؛ دشمن تقریباً ۱۰۰,۰۰۰ نفر از دست داد و سرانجام بحالت فلاکت‌باری از منطقه مرزی گریخت و حال آنکه ارتش ما برای آزادی سراسر شمال غربی پیروزمندانه به تعرض می‌پرداخت . بعلاوه ، ارتش ما در صحنه شمال غربی با نیروهای اندك ، واحدهای مهمی از نیروهای عمده دشمن را بسوی خویش جلب و آنها را نابود کرد و از این راه به سپاهیان ما که در سایر صحنه‌ها به پیکار مشغول بودند و بویژه به سپاهیان صحنه شان سی - سه به - شان دون - سه نان پشتیبانی نیرومند رسانید و یاری داد که زودتر به تعرض پردازند . رفیق مائو تسه دون ، کمیته مرکزی حزب کمونیست چين و ستاد کل ارتش آزادیبخش توده‌ای ، از مارس ۱۹۴۷ که ارتش ما از ين ان بیرون رفت تا لحظه‌ای که يك سال بعد به تعرض در شمال غربی پرداختيم ،

اگر گومیندان باین اقدامات دست میزنند بهیچوجه نشانه آن نیست که رژیمش نیرومند است بلکه نشانه آنست که بحران رژیمش بسیار عمیق شده است. حمله او برین ان و منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین میا کوشش نابخردانه ای است که بآن وسیله میخواهد نخست مسئله شمال غربی را حل کند، بازوی راست حزب ما را ببرد، کمیته مرکزی حزب ما و ستاد کل ارتش آزادیبخش توده ای را از شمال غربی براند و سپس سپاهیان خود را به حمله بر چین شمالی بگمارد و از این طریق بمنظور خویش که نابود ساختن جز بجز نیروهای ماست نائل آید.

در چنین احوالی کمیته مرکزی مقرر میدارد که :

۱ - ما باید به دفاع مصممانه و پیکارجویانه از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و مناطق آزاد شده شمال غربی و به گسترش آنها پردازیم، و مسلماً میتوانیم باین هدف نائل آئیم.

پیوسته در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا باقی ماندند. این امر اهمیت سیاسی عظیمی داشت و اراده نبرد و ایمان به پیروزی را در ارتش و خلق در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و سایر مناطق آزاد شده کشور بر انگیزخت و نیرو داد. رفیق مائو تسه دون هنگامی که در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا بود نه فقط همچنان به رهبری جنگ آزادیبخش توده ای در کلیه جبهه های کشور میپرداخت بلکه شخصاً فرماندهی جبهه شمال غربی را نیز برعهده داشت. بدین ترتیب هدفی که در سند حاضر عرضه شده است یعنی "دفاع مصممانه و پیکارجویانه از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین میا و مناطق آزاد شده شمال غربی و گسترش آنها" موفقانه تحقق یافت. در مورد عملیات صحنه شمال غربی مراجعه شود به « رهنمودهایی برای عملیات در صحنه جنگ شمال غربی » و « درباره پیروزی بزرگ در شمال غربی و جنبش طراز نوین برای تربیت ایدئولوژیک در ارتش آزادیبخش »، جلد حاضر.

- ۲ - کمیته مرکزی حزب ما و ستاد کل ارتش آزادیبخش توده‌ای باید در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا باقی بمانند . سرزمین این منطقه چنان است که دشمن بسختی میتواند بر آن گذر یابد ، ما در آنجا پایگاههای خوبی در میان توده‌ها داریم ، در آنجا فضای وسیعی برای مانور وجود دارد و امنیت ما در آنجا کاملاً تضمین میشود .
- ۳ - در عین حال بمنظور آسان ساختن کار خودمان يك کمیسیون کار در جنب کمیته مرکزی تشکیل داده‌ایم و وظیفه‌اش اینست که به شان سی شمال غربی و یا نقاط مناسب دیگر برود تا وظائفی را که کمیته مرکزی باو محول ساخته است بانجام برساند .
- این سه تصمیم که در ماه گذشته اتخاذ شده اکنون بموقع اجرا در آمده‌است . سند حاضر ، شما را در جریان میگذارد .

یادداشتها

- ۱ - این آمار مربوط است به دوره بین آغاز ژوئیه و ۱۲ نوامبر ۱۹۴۶ .
- ۲ - در ۲۷ و ۲۸ فوریه ۱۹۴۷ ، همه اعضای هیئت‌های نمایندگی حزب کمونیست چین و کارکنان آن که بمنظور مذاکره و انجام وظائف ارتباط در نانکن ، شانگهای و چون چینگ بسر میبردند از طرف دولت گومیندان مجبور شدند که محل‌های خویش را در مهلت معین ترك گویند . روز ۱۵ مارس کمیته اجرایی مرکزی گومیندان پلنوم سوم خویش را تشکیل داد و در آنجا چانگ‌کایشک قطع پیوند میان گومیندان و حزب کمونیست چین را اعلام داشته ، گفت که مصمم است جنگ را تا پایان دنبال کند .

www.KetabFarsi.com

رهنمودهایی برای عملیات در صحنه جنگ شمال غربی

(۱۵ آوریل ۱۹۴۷)

۱ - اینک دشمن بسیار خسته شده ولی هنوز کاملاً از تاب و توان نیفتاده است . دشمن در تأمین خواربار با مشکلات قابل ملاحظه‌ای روبرو است ولی مشکلاتش فوق‌العاده زیاد نیست . اگر چه ارتش ما پس از نابود ساختن تیپ سی و یکم دشمن (۱) نیروی مهمی از دشمن را نابود نساخته است ، اما طی بیست روز اخیر توانسته است به‌هدف خویش یعنی فرسودن شدید دشمن و کاستن شدید خواربار او نایل آید و باین طریق شرایط مساعدی برای ناتوان کردن دشمن ، قطع خواربار و نابودی نهائی او فراهم آورد .

۲ - در حال حاضر ، دشمن علیرغم خستگی و کمبود خواربار

تلگرافی است که از طرف رفیق مائو تسه دون به ارتش صحرائی شمال غربی مخابره شده است . این ارتش در آنموقع مرکب بود از ارتش آزادیبخش توده‌ای مناطق آزاد شده شنسی - گان سو - نین سیا و شانسی - سوی یوان تحت فرماندهی پون ده هوای ، چه لون ، سی جون سیون و سایر رفقا .

اصل عملیاتش عبارت از اینست که نیروهای عمده ما را به گذار بمشرق رودخانه زرد مجبور سازد و سپس سوی ده و می جی را به محاصره در آورد و نیروهای خود را برای "پاک کردن" سرزمین بچند ستون تقسیم کند. دشمن در ۳۱ مارس به چینگ جیان رسید ولی فوراً بسوی شمال پیش نرفت؛ مقصود دشمن این بود که گذرگاهی برای ما بگذارد. دشمن که بسوی مغرب یعنی وایائو بائو پیش میرفت، میخواست که ما را بسوی سوی ده و می جی براند. اینک که واحدهای ما را کشف کرده است، بسوی جنوب و مغرب وایائو بائو میچرخد و سپس دوباره بسوی این شهر کوچک باز خواهد گشت تا ما را بسوی شمال براند.

۳ - اصل عملیات ما عبارتست از ادامه اجرای شیوه‌ای که تا کنون بکار برده‌ایم، باین معنی که دشمن را باز تا مدتی (قریب یک ماه) در همان منطقه‌ای که هست، به حرکت واداریم تا او را از خستگی خورد کنیم، او را گرفتار قحطی گردانیم و سپس منتظر فرصت باشیم تا او را نابود کنیم. لازم نیست که نیروهای عمده ما برای حمله به یو لین بسوی شمال و یا برای قطع مسیر عقب‌نشینی دشمن بسوی جنوب بشتابند. باید برای فرماندهان و رزمندگان و همچنین برای توده‌های مردم روشن ساخت که شیوه‌ای که ارتش ما برگزیده، یگانه راهی است که بشکست نهائی دشمن میانجامد. بدون آنکه دشمن را از خستگی خورد کنیم و بدون آنکه او را کاملاً گرسنه گردانیم، نمیتوانیم به پیروزی نهائی نایل آئیم. این شیوه را میتوان تاکتیک "فرسودن" نامید یعنی دشمن را چنان خسته میکنیم که از رمق بیفتد و آنگاه او را نابود میکنیم.

۴ - چون شما اینک در مناطق شرقی و شمالی وایائو بائو مستقرید ، بهتر اینستکه دشمن را بسوی ناحیه شمال این شهر كوچك جلب كنید زیرا آنگاه میتوانید بر قسمت ضعیف نیروهای لیائو ان (۲) حمله ور شوید و دشمن را بسوی مشرق جلب كنید و سپس خود بسمت ان سای پیچید و دشمن را دوباره بسوی مغرب جلب كنید .

۵ - ولی شما باید در عرض چند روز به تیپ ۳۵۹ (در ترکیب کامل خودش) دستور دهید که آمادگی خود را برای تعرض غافلگیرانه بجنوب پایان برساند تا در عرض يك هفته از تاریخ امروز بتواند بجنوب برود و به منطقه ای که در جنوب خط ین چان - ین ان و در شمال خط ای چوان - لوه چوان قرار دارد ، بطور ناگهانی حمله کند و خط انتقال خواربار دشمن را قطع نماید .

۶ - خواهشمندیم عقیده خود را درباره نظریات فوق اعلام دارید .

یادداشتها

۱ - ارتش آزادیبخش توده ای شمال غربی ، پس از آنکه ین ان را بابتکار خود تخلیه کرد ، تعداد کمی از نیروهای خود را برای جلب توجه نیروهای عمده دشمن و کشاندن آنها تا ان سای واقع در شمال غربی ین ان گماشت و نیروهای عمده خویش را در منطقه چینگ هوا بیان واقع در شمال شرقی ین ان در کمین گذاشت تا دشمن را در لحظه مقتضی نابود سازند . در ۲۵ مارس ۱۹۴۷ يك هنگ گومیندان از تیپ سی و یکم لشکر بیست و هفتم از لشگرهای تجدید سازمان یافته حوزون نان برهبری ستاد تیپ در این دام افتاد و در نبردی که کمی بیش از يك ساعت طول کشید ، بکلی از طرف قوای ما نابود شد .

۲ - لیائو ان ، فرمانده هفتاد و ششمین لشکر تجدید سازمان یافته نیروهای مسلح گومیندان بود که تحت فرماندهی حو زون نان قرار داشت . او بعدها در نبردی در چینگ چیان در ۱۱ اکتبر ۱۹۴۷ بدست نیروهای مسلح ما اسیر شد .

www.KetabFarsi.com

دولت چانكایشك در محاصره تمام خلق است

(۳۰ و ۱۹۴۷)

دولت چانكایشك كه خصم عموم خلق است اینك میبیند كه در محاصره عموم خلق افتاده است . این دولت ، در جبهه نظامی و نیز در جبهه سیاسی ، بشكستهای دچار آمده ، از طرف نیروهای كه آنها را دشمن خود خوانده در محاصره قرار گرفته است و هیچ راه گریزی نمییابد . دارودسته خائن چانكایشك و خداوندگاران آنها ، امپریالیستهای آمریکا ، وضعیت را غلط ارزیابی كردند . آنها به نیروی خویش پیر بها دادند و نیروی خلق را كم انگاشتند . آنها در این تصور بودند كه

متن حاضر تفسیری است كه رفیق مائو سه دون برای خبرگزاری سین هوا نوشته است . این تفسیر اشعار میدارد كه حوادث چین زودتر از آنچه پیشبینی میشد بسط مییابد ، و از خلق دعوت میشود كه كلیه شرایط ضروری پیروزی انقلاب چین در مقیاس سراسر كشور را سریعاً تدارك ببیند . صحت این پیشبینی بزودی باثبات رسید . تفسیر فوق و « رهنمودهایی برای عملیات در صحنه جنگ شمال غربی » هر دو در وان جیا ون از شهرستان جین بیان در شنسی شمالی ، نوشته شده است .

چین و جهان ، پس از جنگ دوم جهانی ، مانند سابق باقی مانده‌اند ؛ هیچ تغییری را نمی‌پذیرفتند و بهیچ کس اجازه نمی‌دادند بر ضد اراده آنان قد برافرازد . آنان پس از تسلیم شدن ژاپن تصمیم گرفتند نظام کهن را دوباره در چین برقرار سازند . دولت خائن چانکایشک ، بوسیله نیرنگ سازی‌هایی نظیر مشورت سیاسی و وساطت نظامی ، فرصت بدست آورد و دو میلیون سرباز جمع کرد و به تعرض عمومی پرداخت .

اینک در چین دو جبهه وجود دارد . جبهه اول عبارتست از جنگ میان نیروهای تجاوزکار چانکایشک و ارتش آزادیبخش توده‌ای . و اکنون جبهه دومی ظهور کرده که عبارتست از مبارزه حاد میان جنبش بزرگ و محقانه دانشجویان و دولت ارتجاعی چانکایشک (۱) . شعار جنبش دانشجویان اینست : ”خوراک ، صلح ، آزادی“ و یا ”برضد گرسنگی ، برضد جنگ داخلی ، برضد ستمگری“ . چانکایشک به اعلام « تدابیر موقت بمنظور تأمین نظم عمومی » (۲) دست زده است . در همه جا ارتش او ، پلیس او ، ژاندارم‌ها و عمال مخفی او با توده‌های دانشجوی دست بگریبان‌اند . چانکایشک در برابر دانشجویان بی‌سلاح بزور توسل بسته آنان را در معرض بازداشت ، حبس ، شکنجه و کشتار قرار داده‌است ، و بالنتیجه جنبش دانشجویان روز بروز گسترش مییابد . کلیه محافل اجتماعی با دانشجویان همدردی دارند . چانکایشک و چاکران‌ش یکباره منفرد شده‌اند ، و چهره درنده چانکایشک بکلی بی‌نقاب گردیده‌است . جنبش دانشجویان بخشی از مجموعه جنبش توده‌ای است . مسلماً اعتلاء جنبش دانشجویان موجب اعتلاء مجموعه جنبش توده‌ای خواهد شد . شاهد این امر تجربه تاریخی جنبش ۴ مه ۱۹۱۹ و جنبش ۹ دسامبر ۱۹۳۵ است .

چون امپریالیسم آمریکا و چاکر او چانكایشك بر جای امپریالیسم ژاپن و چاکر او وان جین وی نشسته و سیاستی در پیش گرفته‌اند که هدفش تبدیل چین به مستعمره آمریکا و برانگیختن جنگ داخلی و تقویت دیکتاتوری فاشیستی است آنان باین طریق خودشان را دشمن عموم خلق چین اعلام کرده و همه قشرهای مردم کشور را بر لبه پرتگاه گرسنگی و مرگ کشانده‌اند . واقعیت مذکور کلیه این قشرها را واداشته است که در مبارزه مرگ و زندگی برضد دولت ارتجاعی چانكایشك با یکدیگر متحد شوند و موجب گسترش سریع این مبارزه گردیده‌است .

چاره دیگری برای خلق کشور نیست . همه قشرهای مردم چین که از سیاست ارتجاعی دولت چانكایشك ستم میبینند و برای نجات خویش متحد شده‌اند عبارتند از کارگران ، دهقانان ، خرده بورژوازی شهری ، بورژوازی ملی ، متنفذین روشنبین ، سایر عناصر میهن پرست ، اقلیتهای ملی و چینی‌های ماوراء بحار . این جبهه متحد ملی بسیار پرمایه‌ای است .

سیاست بسیار ارتجاعی مالی و اقتصادی که مدتهاست دولت چانكایشك در پیش گرفته اینك در اثر قرارداد بازرگانی چین و آمریکا که قرارداد ییماند خیانت بمنافع ملی است بازهم بیشتر تقویت شده‌است .

براساس قرارداد مذکور ، سرمایه انحصاری آمریکا و سرمایه بوروکراتیک - کمپرادور چانكایشك از نزدیک بهم پیوند یافته و زندگی اقتصادی سراسر کشور را تحت نظارت گرفته‌است . این امر موجب تورم بی‌اندازه ، ترقی بیسابقه قیمتها ، ورشکستگی روزافزون بنگاههای صنعتی و بازرگانی بورژوازی ملی ، بد شدن مداوم شرایط زندگی توده‌های زحمتکش ، کارمندان و معلمان گردیده‌است . در چنین شرایطی راه دیگری برای هیچك از قشرهای خلق کشور وجود ندارد مگر آنکه متحد

شوند و برای هستی خویش مبارزه کنند .

سرکوب نظامی و فریبکاری سیاسی ، دو شیوه عمده چانکایشک در حفظ سلطه ارتجاعی خویش بوده است . امروزه مردم شاهد ورشکستگی سریع این دو شیوه است .

ارتش چانکایشک در تمام عرصه های نبرد دچار شکست شده است . در عرض یازده ماهی که از ژوئیه پارسال میگذرد فقط از میان سپاهیان منظم چانکایشک قریب نود تیپ نابود شده اند . سپاهیان مذکور دیگر آن نخوتی را که سال گذشته در موقع اشغال چان چون ، چن ده ، جان جیا کو ، هه زه ، حوای یین ، ان دون و یا حتی همین امسال در موقع گرفتن لین ای و یین ان داشتند ندارند . چانکایشک و چن چن نیروی ارتش آزادیبخش توده ای و شیوه های نبرد او را غلط ارزیابی کردند ؛ عقب نشینی های ما را بخطا ناشی از ترسوئی دانستند و ترك بعضی از شهرها را از طرف ما شکست پنداشتند و در عالم پرمدهائی خویش امیدوار شدند که نخست در جنوب دیوار بزرگ در مدت سه یا شش ماه و سپس در شمال شرقی بکار ما پایان دهند . اما ده ماه گذشته است و همه نیروهای تجاوزکار چانکایشک به بن بست افتاده اند . آنها از هر سو در محاصره مردم مناطق آزاد شده و ارتش آزادیبخش توده ای هستند و دشواریهای بزرگی برای فرار از این محاصره در پیش خواهند داشت .

از آنجا که خبر شکستهای سپاهیان چانکایشک هر روز بیشتر و بیشتر به پشت جبهه میرسد ، توده های وسیع خلق که در زیر متم دولت ارتجاعی چانکایشک به خفقان افتاده اند هر روز امید بیشتری میابند که پایان رنج های خویش را به بینند و برهائی برسند . و درست در این

لحظه است که کلیه نیرنگهای چانكاشك در عالم سیاست زود نقش بر آب میشود همانطور که زود بآن توسل میجویند . پس همه چیز بر خلاف انتظار مرتجعان روی داده است . حیلله‌هائی مانند دعوت "مجلس ملی" بمنظور تصویب "قانون اساسی" ، تجدید سازمان دولت و تبدیل آن از صورت دولت حزب واحد به "دولت احزاب گوناگون" هدف دیگری جز منفرد ساختن حزب کمونیست چین و سایر نیروهای دموکراتیک نداشت . ولی نتیجه معکوس داد : حزب کمونیست چین و سایر نیروهای دموکراتیک منفرد نشدند بلکه خود مرتجعان منفرد شدند . از این پیعد خلق چین بتجربه دریافته است که "مجلس ملی" چانكاشك ، "قانون اساسی" او و "دولت احزاب گوناگون" او در واقع چه معنی میدهد . سابقاً بسیاری از چینیان و بطور عمده عناصری از قشرهای بینایینی درباره این سانورهای چانكاشك کم و بیش پندارهائی در سر داشتند . درباره "مذاکرات صلح" او نیز چنین بود . اینك که او چندین موافقتنامه رسمی متارکه را بیکباره از هم دریده ، اینك که او مرنیزه‌ها را بسوی توده دانشجویانی که هوادار صلح و مخالف جنگ داخلی‌اند بلند کرده است ، هیچکس به مذاکرات ادعائی وی درباره صلح باور نمیکند ، مگر کسانی که قصد راسخ به فریب افراد دارند و یا بکلی فاقد تجربه سیاسی‌اند .

همه حوادث در اثبات صحت ارزیابی‌های ماست . ما پیوسته خاطر نشان ساخته‌ایم که دولت چانكاشك چیز دیگری جز دولت خیانت ملی ، دولت جنگ داخلی و دیکتاتوری نیست . او در تلاش است که حزب کمونیست چین و همه نیروهای دموکراتیک دیگر را با جنگ داخلی نابود گرداند تا چین را به مستعمره آمریکا مبدل سازد و رژیم دیکتاتوری

خویش را نگهدارد. از آنجا که وی این سیاست ارتجاعی را در پیش گرفته از لحاظ سیاسی کلیه حیثیت و کلیه نیروی خود را از دست داده است. قدرت دولت چانکایشک قدرتی گذرا و سطحی است؛ این دولت اگر ظاهراً تواناست واقعاً ناتوان است. تعرض‌های او را در هر جا و در هر جبهه‌ای میتوان درهم شکست. فرجاسی که در انتظار اوست اینست که هوادارانش او را رها کنند، پیروانش بگریزند و ارتش‌هایش بکلی از هم بپاشند. صحت این ارزیابی‌ها را کلیه حوادث اثبات کرده‌است و همچنان اثبات خواهد کرد.

پیشرفت حوادث در چین سریع‌تر از آن است که پیش‌بینی میشد. از يك سو پیروزی‌های ارتش آزادیبخش توده‌ای و از سوی دیگر اعتلاء مبارزه توده‌ای در سرزمین‌های تحت نظارت چانکایشک، و پیشرفت در هر دو سو خیلی سریع است. خلق چین باید در تدارك کلیه شرایط ضروری برای ایجاد چین نوین که از صلح، دموکراسی و استقلال برخوردار باشد تسریع کند!

یادداشت‌ها

۱ - جنبش دموکراتیک و میهن پرستانه توده‌های عظیم دانشجو برضد گرسنگی، جنگ داخلی و ستمگری در مناطق تحت نظارت گومیندان پس از دسامبر ۱۹۴۶ و بموازات گسترش جنگ آزادیبخش توده‌ای باعث اعتلاء نوینی رسید و بتدریج در مبارزه برضد سلطه ارتجاعی چانکایشک بصورت جبهه دوم در آمد. از پایان دسامبر ۱۹۴۶ تا آغاز ژانویه ۱۹۴۷ بیش از ۵۰۰,۰۰۰ دانشجو در ده‌ها شهر بزرگ و متوسط و از آن جمله در بی‌پین، تیانزین، شانگهای و نانکن دست باعصاب زدند و بعنوان اعتراض برهنگ عصمتی که از طرف سربازان آمریکائی نسبت به يك دوشیزه دانشجوی

دانشگاه پکن روی داده بود و برای مطالبه خروج نیروهای مسلح آمریکا از چین نمایش دادند. این مبارزه بیدرنگ مورد پشتیبانی کارگران، معلمان و سایر توده‌های خلق واقع شد. روز ۴ مه ۱۹۴۷ دانشجویان شانگهای برضد جنگ داخلی بنمایش پرداختند. در عین حال ۸,۰۰۰ کارگر و دانشجوی شانگهای کلائتری مرکزی گومیندان را در محاصره گرفتند. این جنبش میهن پرستانه بزودی در نانکن، بی پین، هان جو، شن یان، چینگ دائو، کای فون و بسیاری از شهرهای دیگر گسترش یافت. مرتجعان گومیندان سرکوبی بسیار وحشیانه جنبش دموکراتیک و میهن پرستانه دانشجویان مبادرت جستند. روز ۲۰ مه بیش از ۱۰۰ نفر دانشجوی در نانکن و تیانزین زخمی و دستگیر شدند. اینست آنچه به "حادثه خونین ۲۰ مه" معروف است. اما جنبش میهن پرستانه دانشجویان که بوسیله توده‌های وسیع خلق پشتیبانی میشد از پای در نیامد. اعتصابات و نمایش‌های دانشجویان در زیر شعار "برضد گرسنگی، برضد جنگ داخلی، برضد ستمگری" و مبارزات توده‌ای برضد آمریکا و چانكایشك، مانند اعتصابات کارگران و معلمان به بیش از ۶۰ شهر بزرگ و متوسط سرایت کرد. در مه ۱۹۴۸ دانشجویان شانگهای باتفاق کارمندان محافل فرهنگی، مطبوعاتی و سایر محافل اجتماعی جنبشی میهن پرستانه برضد پشتیبانی آمریکا از اشیاء نیروهای تجاوزکار ژاپن برانگیختند. این جنبش نیز بزودی شهرهای متعددی را فرا گرفت. باین طریق مبارزات میهن پرستانه دانشجویان تا آنگاه که پیروزی در سراسر کشور بدست آمد هرگز قطع نشد و ضربات سختی بر گومیندان وارد ساخت.

۲ - این تدابیر که در ۱۸ مه ۱۹۴۷ بوسیله دولت چانكایشك اعلام شد هرگونه دادخواستی را که بیش از ده نفر پای آن را امضاء کرده باشند و همچنین کلیه اعتصابات کارگران و دانشجویان و نیز هر میتینگ و نمایش را موكداً قذغن میکرد. بعلاوه به دولتهای محل گومیندان اجازه میداد که بمنظور سرکوب خونین جنبش‌های میهن پرستانه و دموکراتیک خلق به اتخاذ "تدابیر لازم" و "اقدامات فوری" پردازند.

www.KetabFarsi.com

استراتژی سال دوم جنگ آزادیبخش

(۱ سپتامبر ۱۹۴۷)

۱ - ما طی سال اول جنگ (از ژوئیه سال گذشته تا ژوئن امسال) ۹۷ تیپ و نیم از واحدهای منظم دشمن بالغ بر ۷۸۰,۰۰۰ نفر ، واحدهای پوشالی و واحدهای امنیت عمومی و سایر واحدها بالغ بر ۳۴۰,۰۰۰ نفر یعنی مجموعاً ۱,۱۲۰,۰۰۰ نفر را نابود ساختیم . این پیروزی بزرگی بود . این پیروزی ضربه‌ای سنگین بر دشمن وارد ساخت ، باعث شیوع وسیع روحیه شکست طلبی در اردوگاه دشمن گردید ، خلق را در سراسر کشور بشور و شوق در آورد و پایه و اساس نابودی کامل

این دستور درون حزبی از طرف رفیق مائو تسه دون که در آنموقع با کمیته مرکزی حزب در جوگوان جای از شهرستان جیا سیان واقع در شمال شنسی مستقر بود ، بنام کمیته مرکزی تنظیم شده است . این دستور وظیفه اساسی سال دوم جنگ آزادیبخش را معین کرد ؛ وظیفه مذکور عبارت بود از کشاندن جنگ بوسیله نیروهای عمده ما بمناطق گومیندان و گذار از عملیات در خطوط داخلی به عملیات در خطوط خارجی ، یعنی گذار از مرحله دفاع استراتژیک بمرحله تعرض

ارتش دشمن بوسیله ارتش ما و نیل به پیروزی نهائی را بنا نهاد .

۲ - دشمن طی سال اول جنگ با ۲۱۸ تیپ از ۲۴۸ تیپ منظم خود ، یعنی با بیش از ۱,۶۰۰,۰۰۰ نفر و تقریباً با يك میلیون نفر از واحدهای ویژه (نیروی دریائی ، هوائی ، توپخانه ، واحدهای مهندسی و زره پوش) و واحدهای پوشالی ، واحدهای پلیس ارتباطات و واحدهای امنیت عمومی به تعرض پردامنه‌ای به مناطق آزادشده دست زد . ارتش ما استراتژی مبتنی بر عملیات در خطوط داخلی را بدرستی بکار برد ، و برای بدست آوردن ابتکار عمل در هر زمان و هر مکان ، از اینکه بیش از ۳۰۰,۰۰۰ نفر تلفات دهد و سرزمین‌های وسیعی باشغال دشمن در آیند ، دریغ نورزید . نتیجه این شد که ما موفق به نابود کردن ۱,۱۳۰,۰۰۰ تن از افراد دشمن شدیم ، دشمن را مجبور کردیم که قوای خویش را پراکنده سازد ، ارتش خودمان را آبدیده و تقویت نمودیم ، و در شمال شرقی ، ژه هه ، مشرق حه به ، جنوب شان سی و

استراتژیک . ارتش آزادیبخش توده‌ای طبق نقشه استراتژیک رفیق مائو تسه دون از ژوئیه تا سپتامبر ۱۹۴۷ در سراسر کشور به تعرض دست زد . ارتش صحرائی شان سی - حه به - شان دون - حه نان در ۳۰ ژوئن در ناحیه جنوب غربی شان دون از رودخانه زرد بزور گذشت و در دهه اول ماه اوت از خط راه آهن لون های عبور کرد و وارد کوهستان دابیه شد . واحدهای تائی یوه از ارتش صحرائی شان سی - حه به - شان دون - حه نان در دهه آخر ماه اوت در جنوب شان سی از رودخانه زرد بزور گذشتند و وارد ناحیه غربی حه نان شدند . ارتش صحرائی چین شرقی در آغاز سپتامبر پس از آنکه حمله متمرکز دشمن را عقب زد ، وارد جنوب غربی شان دون شد . در همین ماه واحدهای شان دون از ارتش صحرائی چین شرقی برضد دشمن در شان دون شرقی به تعرض دست زدند . ارتش صحرائی شمال غربی در دهه

شمال حه نان به تعرض متقابل استراتژیک پرداختیم و در آنجا سرزمینهای پهناوری را پس گرفتیم و نواحی وسیع جدیدی را آزاد ساختیم (۱).

۳ - در دومین سال جنگ وظیفه اساسی ارتش ما عبارتست از اقدام به تعرض متقابل در سراسر کشور، یعنی بکار انداختن نیروهای عمده برای نبرد بسوی خطوط خارجی، کشاندن جنگ بمناطق گومیندان، نابود ساختن تعداد کثیری از افراد دشمن در خطوط خارجی و بر هم زدن کامل استراتژی ضد انقلابی گومیندان که عبارتست از ادامه کشاندن جنگ بنواحی آزادشده، صدمه زدن و فرسودن بازهم بیشتر منابع انسانی و مادی ما تا آنکه ما نتوانیم مدت طولانی پایداری کنیم. در دومین سال جنگ وظیفه فرعی ارتش ما عبارت از اینستکه قسمتی از نیروهای عمده و تعداد کثیری از واحدهای محلی را برای تعقیب عملیات در خطوط داخلی بکار اندازد، دشمن را در آنجا نابود سازد و زمینهای از دست رفته را باز ستاند.

آخر اوت به تعرض متقابل پرداخت. ارتش صحرائی شان سی - چاهار - حه به در آغاز سپتامبر در طول ناحیه شمالی خط آهن بی پین - حان کو تعرض برضد دشمن را آغاز کرد. ارتش صحرائی شمال شرقی بلافاصله پس از تعرض تابستانی خویش در سراسر شمال شرقی، از همان سپتامبر به تعرض پائیزی بمقیاس وسیع در ناحیه چان چون - جی لین - سی پین و در منطقه جین سی - ای سیان، در روی خط آهن بی پین - لیائو نین دست زد. تعرضهایی که در کلیه این صحنههای عملیات صورت میگرفت، تعرض عمومی ارتش آزادیبخش توده‌ای را تشکیل میداد. این تعرض به مقیاس وسیع، جنگ آزادیبخش را به نقطه عطف رسانید و تغییری ریشه‌ای در وضعیت جنگ بوجود آورد. رجوع شود به «اوضاع کنونی و وظایف ما»، جلد حاضر.

۱ - در بکار بردن این اصل یعنی عملیات در خطوط خارجی ، کشاندن جنگ بمناطق گومیندان ، ارتش ما بیگمان با دشواریهای فراوانی روبرو خواهد شد . زیرا که برای استقرار پایگاههای جدید در مناطق گومیندان وقت لازم است و ما نمیتوانیم پایگاههای محکمی برقرار کنیم مگر آنکه تعداد کثیری از افراد دشمن را طی عملیات متحرک متعددی که گاهی پیشروی و گاهی عقبنشینی دارد ، نابود سازیم ، توده‌ها را بسیج نمائیم ، زمینها را تقسیم کنیم ، ارگانهای قدرت سیاسی خود را مستقر گردانیم و نیروهای مسلح خلق را سازمان دهیم . تا آن هنگام ، دشواریها زیاد خواهند بود . اما میتوان و باید بر آنها غلبه کرد . زیرا که دشمن مجبور خواهد شد باز هم بیشتر پراکنده شود ، و سرزمینهای پهناوری برای تشکیل عرصه عملیات متحرک ارتش ما فراهم خواهند آمد و باین ترتیب ما خواهیم توانست بجنگ متحرک دست بزنیم ؛ در این سرزمینها توده‌های وسیع خلق از گومیندان نفرت دارند و از ارتش ما پشتیبانی میکنند ؛ و اگر چه بخشی از نیروهای دشمن هنوز قدرت رزمی نسبتاً زیاد دارد ، ولی بطور کلی روحیه دشمن و قدرت رزمی‌اش نسبت بسال گذشته بمراتب پائین‌تر و ضعیفتر گشته است .

۲ - کلید پیروزی عملیات ما در مناطق گومیندان ، اینستکه اولاً موقع مناسب برای نبرد را بخوبی بشناسیم ، بیباک و مصمم باشیم و هر چه بیشتر پیروزی بدست آوریم ؛ ثانیاً سیاست جلب توده‌ها را با قطعیت بکار بریم ، به توده‌های وسیع امکان بدهیم که منافع بدست آورند تا جانب ارتش ما را بگیرند . اگر این دو نکته تحقق پذیرد ، پیروزی ما حتمی خواهد بود .

۳ - تا پایان اوت امسال وضع نیروهای دشمن و از آنجمله نیروهای

که نابود شده و یا ضربات شکننده خورده‌اند ، باین ترتیب بود : ۱۵۷ تیمپ در جبهه جنوب ، ۷۰ تیمپ در جبهه شمال و ۲۱ تیمپ در پشت جبهه گومیندان . مجموعه نیروهای دشمن در سراسر کشور کمافی‌السابق ۲۴۸ تیمپ و تعداد واقعی نفراتشان تقریباً ۱,۵۰۰,۰۰۰ بود ؛ تعداد افراد واحدهای ویژه ، سپاهیان پوشالی ، واحدهای پلیس ارتباطات و واحدهای امنیت عمومی و غیره تقریباً ۱,۲۰۰,۰۰۰ نفر بود ؛ تعداد افراد غیرنظامی در ارگانهای نظامی پشت جبهه تقریباً ۱,۰۰۰,۰۰۰ نفر ، و باین ترتیب نیروهای دشمن مجموعاً بالغ بر ۳,۷۰۰,۰۰۰ نفر میشد . در میان واحدهای جبهه جنوب ، ۱۱۷ تیمپ متعلق است به گروه گوجو تون ، ۷ تیمپ به گروه چن چیان و دیگران ، و ۳۳ تیمپ به گروه حو زون نان . از ۱۱۷ تیمپ گروه گوجو تون ۶۳ تیمپ نابود شده و یا ضربات شکننده خورده‌اند . از میان آنها ، بعضی‌ها هنوز به تکمیل نفرات خویش نپرداخته‌اند ؛ بعضی دیگر اگر چه باین کار اقدام کرده‌اند ، ولی از لحاظ نفرات کم و از لحاظ قدرت رزمی ضعیفند ؛ و بعضی دیگر اگر چه از لحاظ نفرات و اسلحه نسبتاً خوب تأمین شده‌اند و تا حدودی قدرت رزمی خویش را باز یافته‌اند ، ولی از گذشته بمراتب ضعیف‌ترند . فقط ۵ تیمپ باقی مانده‌اند که تاکنون نابود نشده و یا ضربات شکننده نخورده‌اند . از مجموع نیروهای گوجو تون ۸۲ تا ۸۵ تیمپ به خدمات پادگانی مشغولند و یا فقط میتوانند برای مانورهای محلی مورد استفاده قرار گیرند . فقط ۳۲ تا ۳۵ تیمپ میتوانند در مانورهای استراتژیک بکار روند . ۷ تیمپ گروه چن چیان و دیگران بطور کلی میتوانند فقط در خدمات پادگانی مورد استفاده قرار گیرند و یکی از آنها دیگر ضربه شکننده خورده‌است . از ۳۳ تیمپ گروه حو زون نان (و از آنجمله تیپهایی که در مشرق لان

جو و در جنوب نین سیا و یولین و در مغرب لین فن و لوه یان مستقرند (۱۲ تیپ نابود شده و یا ضربات شکننده خورده‌اند . فقط ۷ تیپ می‌توانند در مانورهای استراتژیک مورد استفاده قرار گیرند ، بقیه به خدمات پادگانی گماشته می‌شوند . در جبهه شمال ، دشمن مجموعاً ۷ تیپ دارد که از آنها گروه شمال شرقی شامل ۲۶ تیپ است که ۱۶ تای آنها نابود شده و یا ضربات شکننده خورده‌اند ؛ گروه سون لیان جون ۱۹ تیپ دارد که ۸ تای آنها نابود شده و یا ضربات شکننده خورده‌اند ؛ فو زوه ای ۱۰ تیپ در اختیار دارد که ۲ تای آنها ضربات شکننده خورده‌اند ؛ ین سی شان ۱۵ تیپ تحت فرماندهی دارد که ۹ تای آنها نابود شده و یا ضربات شکننده خورده‌اند . اکنون این واحدهای دشمن بطور عمده در حالت دفاعی هستند و فقط بخش کوچکی از آنها می‌تواند به عملیات متحرک دست بزند . گومیندان در پشت جبهه خود فقط ۲۱ تیپ برای خدمات پادگانی در اختیار دارد . از آنها ۸ تیپ در سین جیان و در غرب گلن سو ، ۷ تیپ در سی چوان و سی کان ، ۲ تیپ در یون نان ، ۲ تیپ در گوان دون (یعنی لشکر ۶۹ که نابود شد) و ۲ تیپ در تایوان مستقر اند . در ۶ استان حونان ، گوان سی ، گوی جو ، فوجیان ، جه جیان و جیان سی واحدهای منظم وجود ندارند . گومیندان در نظر دارد که اسسال باکمک آمریکا يك ميليون نفر سرباز بگیرد تا نیروهای مسلح جبهه را تکمیل کند و تعدادی از تیپهای جدید و هنگهای تکمیلی را تعلیم و تربیت دهد . اما اگر ارتش ما بتواند همانطور که در سال اول جنگ عمل کرد ، ماهیانه بطور متوسط ۸ تیپ دشمن را نابود سازد ، یعنی در سال دوم ۹۶ تا ۱۰۰ تیپ دیگر را از بین ببرد (هم اکنون در ژوئیه و اوت ۱۶ تیپ و نیم نابود شده‌اند) ، در آنصورت ارتش دشمن

باز هم ضعیفتر خواهد شد ، نیروهای ذخیره استراتژیک وی بحداقل خواهند رسید و بدون شك مجبور خواهند شد که در سراسر کشور حالت دفاعی بخود بگیرند و از هر سو مورد حمله با قرار خواهند گرفت . گرچه گومیندان در نظر دارد که يك میلیون سرباز بگیرد و تیپهای جدید و هنگهای تکمیلی را تعلیم و تربیت دهد ، ولی این هیچ کمکی باو نخواهد کرد . از آنجا که گومیندان بزور و از طریق استخدام سزدور سرباز میگیرد ، مسلماً جمع آوری يك میلیون سرباز برایش مشکل خواهد بود و بعلاوه تعداد زیادی از آنها فرار خواهند کرد . از طرف دیگر ارتش ما که اصل عملیات در خطوط خارجی را بکار میبرد ، خواهد توانست از منابع انسانی و مادی دشمن بکاهد .

۷ - اصول عملیات نظامی ارتش ما همان است که قبلاً معین شده است :

باید نخست به نیروهای پراکنده و منفرد دشمن حمله کرد (این اصل در مورد عملیات بزرگ نابود کننده که در عین حال علیه چندین تیپ صورت میگیرد ، نیز صادق است ، مانند عملیات لای او (۲) در فوریه و عملیات جنوب غربی شان دون (۳) در ژوئیه امسال) و سپس به نیروهای متمرکز و نیرومند دشمن .
 باید نخست شهرهای کوچک و متوسط و مناطق وسیع روستائی را تصرف کرد و سپس شهرهای بزرگ را .

باید نابودی نیروی مؤثر دشمن را هدف عمده خود قرار داد ، نه حفظ یا تصرف شهرها و سرزمینها را . حفظ یا تصرف شهرها و سرزمینها نتیجه نابودی نیروی مؤثر دشمن است ، و غالباً يك شهر یا يك منطقه زمانی میتواند بخوبی حفظ و یا بطور نهائی تصرف

شود که چند بار دست بدست گشته باشد .

باید در هر نبرد نیروهای نظامی مطلقاً برتر را متمرکز ساخت ، باید قوای دشمن را از چهار طرف بحلقه محاصره انداخت ، سعی در نابودی کامل آن نمود و نگذاشت حتی يك نفر هم فرار کند . در شرایط خاص باید از شیوه فرود آوردن ضربات خرد کتنده بر دشمن استفاده کرد ؛ بدین معنی که ما باید با تمرکز تمام نیرو از روبرو بدشمن حمله کنیم و در عین حال بيك يا دو جناح آن نیز حمله بریم ، البته با این هدف که بخشی از نیروهای دشمن را نابود ساخته و بخش دیگر را تارومار کنیم تا ارتش ما بتواند بسرعت واحدهای خود را برای در هم کوبیدن سایر نیروهای دشمن بکار اندازد . از یکطرف ، باید توجه داشت که بدون آمادگی قبلی و بدون اطمینان به پیروزی بهیچ نبردی دست نزد ؛ قبل از هر نبرد باید تمام مساعی را برای تهیه تدارکات لازم و تضمین پیروزی در شرایط موجود بین خود و دشمن بکار برد ؛ از طرف دیگر باید شیوه پسندیده رزمی خود — یعنی تهور داشتن در نبرد ، نترسیدن از قربانی ، بیاعتنا بودن بهخستگی و استقامت در پیکارهای مداوم (بمفهوم نبردهای متوالی در مدت کوتاه) را شکوفا ساخت .

باید کوشید که دشمن به جنگ متحرك کشیده شود ، ولی در عین حال باید به آموختن تاکتیکهای حمله موضعی و تقویت توپخانه و واحدهای مهندسی اهمیت خاص داد تا به تصرف تعداد کثیری از نقاط استحکامی و شهرهای دشمن نایل آمد .

باید تمام آن نقاط استحکامی و شهرهای دشمن را که نیروی دفاعی ضعیف دارند ، بدون لحظه‌ای تأمل تصرف نمود . در فرصت

مناسب باید تمام نقاط استحکامی و شهرهای دشمن را که دارای نیروی دفاعی متوسط‌اند ، در صورتیکه شرایط اجازه دهد ، تصرف کرد ، در مورد تمام آن نقاط استحکامی و شهرهای دشمن که قدرت دفاعی نیرومندی در اختیار دارند ، باید منتظر ماند تا شرایط برای تصرف آنان آماده گردد .

باید قدرت خود را با تمام سلاحها و تجهیزات که از دشمن به غنیمت گرفته شده و همچنین با قسمت اعظم اسرای جنگی (۸۰ تا ۹۰ درصد سربازان و عده قلیلی از افسران جزء) تکمیل کرد . باید بکوشیم نیروهای خود را بطور عمده از قبل دشمن و از نواحی گومیندان تکمیل کنیم و فقط قسمتی از آنها را از نواحی آزادشده قدیم بدست آوریم . این مطلب بخصوص در مورد ارتشهای جبهه جنوب صادق است .

در کلیه مناطق آزادشده ، خواه جدید و خواه قدیم ، باید اصلاحات ارضی را مصممانه عملی گردانیم (این اساسی‌ترین شرط برای از پیش بردن جنگ طولانی و بدست آوردن پیروزی در سراسر کشور است) ، تولید را بسط دهیم ، جداً صرفه‌جویی کنیم و صنایع جنگی را تقویت کنیم — همه چیز برای پیروزی در جبهه . تنها از این طریق است که ما خواهیم توانست جنگ طولانی را از پیش ببریم و در سراسر کشور پیروز شویم . اگر واقعاً چنین عمل کنیم ، مسلماً خواهیم توانست جنگ طولانی را از پیش ببریم و در سراسر کشور پیروز شویم .

۸ — آنچه که در بالا تشریح شد ، ترازنامه نبردهای سال اول و اصول نبردهای آینده است . از رفقای رهبری در مناطق مختلف خواستاریم که مضمون آنها در ارتش باطلاع کلیه کادرها از مرتبه

هنگ بیالا ، در محل از مرتبه کمیته نواحی ویژه حزب بیالا و همچنین از مرتبه کمیساریای نواحی ویژه بیالا برسانند ، تا آنکه هر کس بخوبی بداند وظیفه اش چیست و آنرا با استواری تزلزل ناپذیر بانجام برساند .

یادداشتها

۱ - تعرض متقابل استراتژیک ارتش ما در شمال شرقی ، ژه هه ، مشرق حه به ، تعرض تابستانی ۱۹۴۷ بود که بوسیله ارتش آزادیبخش توده ای شمال شرقی صورت گرفت . این ارتش از ۱۳ ماه مه در این جبهه ها همزمان به تعرض دست زد و تا اول ژوئیه بیش از ۸۰,۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساخت و بیش از ۴۰ مرکز شهرستان را دو باره بتصرف درآورد . باین طریق نقشه دشمن که در نظر داشت مناطق آزادشده شمال شرقی چین را از هم مجزا گرداند ، نقش بر آب گشت . نیروهای دشمن که بدرون دو دالان تنگ در طول راه آهن چان چون چینی و راه آهن بی پین - لیائو نین رانده شده بودند ، مجبور شدند باصطلاح به " دفاع از نقاط کلیدی " بپردازند . بالنتیجه وضعیت شمال شرقی چین بکلی تغییر یافت . تعرض متقابل استراتژیک در جنوب شانسی و شمال حه نان شامل است بر تعرضهایی که از مارس تا مه ۱۹۴۷ بوسیله ارتش آزادیبخش توده ای شانسی - حه به - شان دون - حه نان در شمال حه نان و در دو طرف خط راه آهن داتون - پوجو در جنوب شان سی صورت گرفت . سپاهیان ما در شمال حه نان در ۲۳ مارس شروع بحمله کردند و پس از آنکه ین جین ، یان او ، پو یان و فون چیو را یکی پس از دیگری بتصرف در آوردند ، بسوی شمال تاختند تا از این کامیابیها بهره برداری کنند . آنها تا ۲۸ مه مراکز شهرستانهای چی سیان ، جیون سیان ، حوا سیان و نان بین را نیز بتصرف در آوردند و بیش از ۴۵,۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساختند . سپاهیان ما در جنوب شانسی در ۴ آوریل به تعرض دست زدند و تا ۴ مه ۲۲ مرکز شهرستان و از آنجمله چیووه ، سین جیان و یون جی و همچنین دو لنگرگاه مهم رودخانه زرد یعنی یو من کو و فون لین دو را بتصرف در آوردند و بیش از ۱۸,۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساختند .

۲ - عملیات لای او نبرد متحرکی است که بوسیله ارتش آزادیبخش توده‌ای چین شرقی در منطقه لای او (در جنوب شرقی جی نان) از استان شان دون صورت گرفت . در اواخر ژانویه ۱۹۴۷ سپاهیان گومیندان همزمان از جنوب و شمال به تعرض به مناطق آزادشده شان دون دست زدند . از جنوب ، ۸ لشکر تجدید سازمان یافته گومیندان در سه ستون در طول رودخانه‌های ای و شو بسمت شمال ، بسوی لین ای روان شدند . از شمال ، ۳ سپاه گومیندان از گروه لی سیان جو ، در هماهنگی با ۸ لشکر مذکور از مین شوی ، زی چوان و بوه شان بسمت جنوب بسوی لای او و سین تای حرکت کردند . این واحدها در صدد بودند که با نیروهای عمده ارتش آزادیبخش توده‌ای چین شرقی در منطقه کوهستانی ای - مون به نبرد قطعی بپردازند . ارتش ما بخشی از سپاهیان خود را برای مسدود کردن راه دشمنی که از جنوب می‌آمد ، فرستاد ، ولی نیروهای عمده خویش را بسوی شمال بطرف لای او برای نابود ساختن گروه لی سیان جو اعزام داشت . واحدهای دشمن که بیش از ۶۰,۰۰۰ تن بودند ، در نبردی که ۲۰ فوریه آغاز شد و در بعد از ظهر ۲۳ فوریه پایان رسید ، بکلی نابود گشتند . لی سیان جو ، معاون فرماندهی دومین منطقه استقرار آرامش وابسته به اداره استقرار نظم و آرامش در سیو جو اسیر شد و ۱۳ شهر مسترد گردید .

۳ - عملیات جنوب غربی شان دون نبردی است که در ژوئیه ۱۹۴۷ بوسیله ارتش آزادیبخش توده‌ای شان‌سی - حه به - شان‌دون - حه نان در منطقه حه زه ، یون چن ، جیویه ، دین تاتو ، جین سیان و تسائو سیان واقع در جنوب غربی استان شان دون صورت گرفت . در این نبرد ۴ ستاد لشکر و ۹ تیپ و نیم از نیروهای گومیندان و مجموعاً بیش از ۵۶,۰۰۰ نفر نابود شدند .

www.KetabFarsi.com

مانیفست ارتش آزادیبخش توده‌ای چین

(اکتبر ۱۹۴۷)

ارتش آزادیبخش توده‌ای چین پس از در هم شکستن تعرض چانگ‌کایشک ، اینک به تعرض متقابل پرداخته‌ای دست زده‌است . ارتش‌های جبهه جنوب ما بسوی حوضه رودخانه یان تسه و ارتش‌های جبهه شمال بسوی راه آهن چان چون چینی و راه آهن بی پین - لیائونین یورش کثان پیش می‌روند . هر جا که سپاهیان ما قدم می‌گذارند ، دشمن با هرج و مرج پا بفرار مینهد و خلق با کف زدنهای پرشور از ما استقبال میکند . وضعیت دشمن و ما نسبت بیک سال پیش تغییر اساسی یافته‌است .

این مانیفست سیاسی بوسیله رفیق مائو تسه دون برای فرماندهی کل ارتش آزادیبخش توده‌ای چین تهیه و تدوین گردیده‌است . رفیق مائو تسه دون در این مانیفست وضع سیاسی چین را در آن دوره تحلیل کرد ، شعار ” سرنگون ساختن چانگ‌کایشک و آزاد ساختن سراسر چین “ را مطرح نمود و سیاست اساسی هشت ماده‌ای ارتش آزادیبخش توده‌ای چین را که در عین حال سیاست حزب کمونیست چین نیز بود ، اعلام داشت . این مانیفست که در ۱۰ اکتبر ۱۹۴۷ انتشار یافت ، به « مانیفست ۱۰ اکتبر » معروف گردیده است . این مانیفست در شن چیوان بائو از شهرستان جیا میان در شمال شنی تهیه و تدوین شده‌است .

هدف جنگی که ارتش ما دنبال میکند ، همانطور که بارها در برابر خلق و جهان اعلام گردیده ، عبارتست از آزاد ساختن خلق چین و ملت چین . و امروز ، هدف ما عبارتست از برآورده ساختن خواست‌های مبرم خلق سراسر کشور یعنی سرنگون ساختن چانکایشک این آتش افروز عمده جنگ داخلی ، تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی برای نیل به هدف عمومی خویش که آزادی خلق و ملت است .

خلق چین برای کسب آزادی و استقلال ملی مدت هشت سال متمادی علیه امپریالیسم ژاپن قهرمانانه پیکار کرده‌است . خلق پس از تسلیم ژاپن تشنه صلح بود ، اما چانکایشک کلیه مساعی خلق را در راه صلح بر باد داد و مصیبت جنگ داخلی بیماندی را بوی تحمیل نمود . از اینجهت در برابر قشرهای خلق کشور ما جز آنکه برای سرنگون ساختن چانکایشک باهم متحد شوند ، راه دیگری باقی نمی‌ماند .

سیاست جنگ داخلی کنونی چانکایشک بهیچوجه تصادفی نیست بلکه نتیجه ناگزیر آن سیاست ضد خلقی است که خود او و دارودسته ارتجاعیش همواره دنبال کرده‌اند . در سال ۱۹۲۷ نیز چانکایشک با حق‌ناشناسی تمام باتحاد انقلابی گومیندان و حزب کمونیست و همچنین بسه اصل انقلابی خلق و بسه اصل اساسی سیاسی سون یاتسن خیانت ورزید و از آن پس دیکتاتوری را بر پا نمود ، در برابر امپریالیسم تسلیم شد و مدت ده سال تمام بجنگ داخلی پرداخت که به تجاوز راهزنان ژاپنی انجامید . حزب کمونیست چین در حادثه سی ان (۱) در سال ۱۹۳۶ بدی را با نیکی پاسخ داد و ژنرال جان سیوه لیان و ژنرال یان هو چن را بر آن داشت که چانکایشک را رها کنند ، باین اسید که وی نادم شود ، خود را اصلاح کند و بمبارزه بر ضد تجاوزکاران ژاپنی بپیوندد . ولی او بار

دیگر نمک شناسی کرد ، در مبارزه بر ضد تجاوزکاران ژاپنی همچنان غیر فعال باقی ماند ، و در عوض فعالانه به سرکوب خلق پرداخت و نسبت به حزب کمونیست شدیداً کینه‌ورزی نمود . دو سال پیش (در سال ۱۹۴۵) ژاپن تسلیم شد و خلق چین بار دیگر چانکایشک را بخشید و از وی خواست که بجنگ داخلی‌ایکه بر پا ساخته پایان دهد ، دموکراسی را اجرا کند و در امر صلح و ساختمان ملی با کلیه احزاب متحد گردد . اما پس از آنکه موافقت‌نامه متارکه باامضاء رسید ، قطعنامه‌های کنفرانس مشورتی سیاسی تصویب شد و تعهدات چهارگانه (۲) اعلام گردید ، چانکایشک این اعجوبه عهدشکنی فوراً زیر همه اینها زد . خلق بخاطر مصلحت عمومی چندین بار از خود شکیبائی و معاشات نشان داد ، ولی چانکایشک که از امپریالیسم آمریکا کمک میگرفت ، مصمم بود که بدون توجه به سرنوشت کشور و ملت بر ضد خلق به تعرض عمومی پرداخته بمانندی دست بزند . از ژانویه سال گذشته (۱۹۴۶) که موافقت‌نامه متارکه اعلام شد ، تا امروز چانکایشک بیش از ۲۲۰ تیپ از واحدهای منظم و قریب یک میلیون نفر از مبارزان واحدهای ملغمه را تجهیز کرده و به حملات پرداخته‌ای بر مناطق آزادشده که خلق چین بقیمت نبردهای خونین از امپریالیسم ژاپن ستانده است ، دست زده و یکی پس از دیگری شهرهای شن یان ، فوشون ، بن سی ، سی پین ، چان چون ، یون جی ، چن ده ، جی نین ، جان جیا کو ، حوای یین ، حه زه ، لین ای ، یین ان ، یین تای و مناطق وسیع روستائی را بتصرف در آورده‌است . سپاهیان چانکایشک هر جا که میروند ، میکشند ، آتش میزنند ، هتک ناموس میکنند ، غارت میکنند ، سیاست تمام سوزاندن ، تمام کشتن و تمام غارت کردن را عملی میسازند و رفتارشان عیناً مانند

راهزنان ژاپنی است. در نوامبر سال گذشته چانکایشك باصطلاح مجلس
 ملی را دعوت کرد و باصطلاح قانون اساسی را اعلام داشت و در مارس
 سال جاری نمایندگان حزب کمونیست را از مناطق گوسیندان راند.
 در ژوئیه سال جاری چانکایشك فرمان بسیج همگانی بر ضد خلق صادر
 کرد (۲). در مورد جنبش عادلانه توده‌ای که در نقاط مختلف کشور
 برضد جنگ داخلی، گرسنگی و تجاوز امپریالیسم آمریکا گسترش می‌یابد
 و همچنین در مورد مبارزه‌ای که کارگران، دهقانان، دانشجویان، اهالی
 شهرها، کارمندان و معلمان بخاطر زندگی خود در پیش گرفته‌اند، سیاست
 چانکایشك سیاست سرکوب، توقیف و کشتار است. او در مورد اقلیتهای
 ملی سیاست شوینیسم عظمت‌طلبانه ملت حان را عملی می‌سازد و با تمام
 وسایل ممکن به تعذیب و سرکوب متوسل می‌شود. در تمام مناطق تحت
 سلطه چانکایشك فساد حکومت می‌کند، مأمورین خفیه قدرت مطلق دارند،
 مالیات طاقت‌فرسا و عناوین مختلف وصول می‌شود، قیمت‌ها قوس
 صعودی طی می‌کنند، اقتصاد دچار ورشکستگی است، کلیه معاملات
 را کد است، سربازگیری اجباری و مصادره غلات معمول است، فریاد
 شکایت از همه جا بلند است. اکثریت عظیم خلق کشور باین طریق
 در ورطه رنج و بدبختی فرو افتاده‌است. ولی الیگارشی مالی،
 مأمورین فاسد و مختلس، مستبدین محلی و متنفذین شریر و در رأس همه
 آنها چانکایشك ثروتهای کلانی اندوخته‌اند. چانکایشك و همالانش
 این ثروتها را در سایه قدرت دیکتاتوری خویش از طریق وصول جبری
 مالیات و از راه خدمت بمنافع خصوصی خویش در زیر پرده خدمت بمنافع
 عمومی گرد آورده‌اند. چانکایشك بمنظور حفظ دیکتاتوری خویش و
 ادامه جنگ داخلی دریغ نورزید از اینکه حق حاکمیت کشور ما را به

امپریالیسم بیگانه بفروشد ، با نیروهای آمریکائی تبانی نماید تا آنکه آنها در چینگ دائو و نقاط دیگر باقی بمانند ، از آمریکا مستشارانی بیاورد تا آنکه در هدایت جنگ داخلی و تعلیم واحدهای ارتش برای کشتار هممیهنانش شرکت کنند . مقادیر عظیمی هواپیما ، تانک ، توپ و مهمات برای جنگ داخلی از آمریکا وارد میشود . از آمریکا مبالغ هنگفتی برای جنگ داخلی وام گرفته میشود . چانکایشک بیاس‌الطافی که از امپریالیسم آمریکا دیده ، به امپریالیسم آمریکا پایگاههای نظامی و حق پرواز و بحریمائی تعویض کرده و با آن قرارداد تجاری اسارت‌آور (۴) منعقد ساخته است ؛ این خیانت‌هایی که او مرتکب شده همگی بمراتب شدیدتر از خیانت‌های یوان شی کای است . خلاصه آنکه این بیست سال سلطه چانکایشک چیز دیگری جز خیانت به کشور ، دیکتاتوری و مبارزه بر ضد خلق نبوده است . اینک اکثریت عظیم خلق چین خواه در شمال و خواه در جنوب ، خواه جوان و خواه پیر بر جنایات فجیع چانکایشک وقوف یافته‌اند و امیدوارند که ارتش ما سریعاً به تعرض متقابل پردازد تا آنکه چانکایشک را واژگون و سراسر چین را آزاد سازد .

ما ارتش خلق چین هستیم و در اقدام بهر کاری از اراده خلق چین پیروی میکنیم . سیاستی که ارتش ما دنبال میکند ، بازتاب خواستهای مبرم خلق چین است . این سیاست بطور عمده شامل مواد زیرین میباشد :

۱ - متحد ساختن کلیه طبقات ستمکشی - کارگران ، دهقانان ، سربازان ، روشنفکران و بازرگانان - کلیه سازمانهای توده‌ای ، کلیه احزاب دموکراتیک ، کلیه اقلیت‌های ملی ، کلیه مهاجرین چینی و سایر میهن‌پرستان ؛ تشکیل جبهه متحد ملی ؛ سرنگون ساختن حکومت دیکتاتوری چانکایشک و تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی .

۲ - دستگیری و محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگ داخلی و در رأس آنها چانگایشک .

۳ - برانداختن رژیم دیکتاتوری چانگایشک ، تحقق بخشیدن به سیستم دموکراسی توده‌ای و تضمین آزادی بیان ، مطبوعات ، اجتماعات و اتحادیه‌ها برای خلق .

۴ - برانداختن سیستم پوسیده رژیم چانگایشک ، برکنار کردن سائورین فاسد و مختلس و برقراری حکومتی پاک و صديق .

۵ - مصادره اموال چهار خانواده بزرگ - چانگایشک ، سون زی وین ، کون سیان سی و برادران چن لی فو و همچنین مصادره اموال سایر جنایتکاران عمده جنگ ؛ مصادره سرمایه بوروکراتیک ، توسعه صنعت و تجارت بورژوازی ملی ، بهبود بخشیدن به زندگی کارگران و کارمندان و کمک کردن به آسیب دیدگان و نیازمندان .

۶ - برانداختن سیستم استعمار فئودالی و برقراری این سیستم که زمین از آن کشتکار است .

۷ - برسمیت شناختن تساوی حقوق اقلیتهای ملی و حق خودمختاری برای آنها در سراسر خاک چین .

۸ - طرد سیاست خارجی خائنه حکومت استبدادی چانگایشک ، لغو قراردادهای خیانت ملی و اعراض از برسمیت شناختن هر وامی که چانگایشک در دوران جنگ داخلی از کشورهای خارجی گرفته است ؛ طلبیدن از حکومت آمریکا که واحدهای ارتش خویش را که در چین مستقرند و استقلال چین را تهدید میکنند ، بیرون برد ؛ مخالفت با هر کشور خارجی که به چانگایشک در ادامه جنگ داخلی یاری برساند و یا سعی کند نیروهای تجاوزکار ژاپنی را احیا نماید ؛ انعقاد قراردادهای

بازرگانی و دوستی با کشورهای خارجی بر اساس تساوی حقوق و منافع متقابل ؛ اتحاد با کلیه ملل جهان که با ما رفتاری برابرانه دارند در مبارزه مشترک .

اینست سیاست اساسی ارتش ما . این سیاست در هر جا که ارتش ما قدم بگذارد ، بیدرنگ بموقع اجرا گذاشته خواهد شد . این سیاست با خواست بیش از ۹۰ درصد اهالی کشور ما مطابقت دارد .

ارتش ما تمام کسانی را که در جانب چانکایشک هستند ، طرد نمیکند بلکه سیاستش عبارتست از رفتار مختلف بر حسب موارد مختلف . عبارت دیگر : جنایتکاران عمده قطعاً مجازات خواهند شد ، کسانی که از روی اجبار در جرمی شریک هستند ، تعقیب نخواهند شد و کسانی که خدمات شایسته‌ای انجام دهند ، پاداش خواهند دید . اما در مورد چانکایشک این آتش افروز عمده جنگ داخلی که شنیع‌ترین جنایات را مرتکب شده‌است و در مورد همدستان استوار وی که خلق را زیر سم ستوران خود لگدال کرده و توده‌های وسیع بر پیشانی آنها داغ جنایتکار جنگ زده‌اند — ارتش ما همه آنها را دنبال خواهد کرد اگر چه در آن سر دنیا باشند ، تا آنکه طبق قانون محاکمه و مجازات شوند . ارتش ما بکلیه افسران و سربازان ارتش چانکایشک ، بهمه کارسندان حکومت چانکایشک و بهمه اعضای حزب چانکایشک اخطار میکند : کسانی که هنوز دستشان از خون بیگناهان رنگین نیست ، باید از پیوستن باین جنایتکاران خودداری ورزند . کسانی که کار بد کرده‌اند ، باید بیدرنگ از آن دست بردارند ، نادم شوند ، خود را اصلاح کنند و از چانکایشک ببرند . ما بآنها اسکان خواهیم داد که جنایات خویش را با انجام خدمات شایسته تلافی کنند . ارتش ما هیچیک از افسران و سربازان ارتش

چانكاشك را كه اسلحه بزين بگذارند ، نخواهد كشت و با هيچيك از آنها بد رفتاري نخواهد كرد ، بلكه آنها را اگر ماييل باشند ، در صفوف خود خواهد پذيرفت و اگر ماييل باشند ، بخانه هايشان خواهد فرستاد . آن واحدهاي چانكاشك كه بشورش برخيزند و بارتش ما بپيوندند و كسانيكه آشكار يا مخفي براي ارتش ما كار كنند ، پاداش خواهند يافت .

براي آنكه امر سرنگون ساختن چانكاشك و تشكيل دولت دموكراتيك ائتلاف در آينده نزديك صورت گيرد ، ما از همه هموطنان خود در هر محيطي كه هستند ، دعوت ميكنيم كه در آنجا كه ارتش ما حضور دارد ، با وي بمنظور ريشه كن كردن نيروهاي ارتجاعی و استقرار نظم دموكراتيك فعالانه همكاري كنند ، و در آنجا كه هنوز ارتش ما حضور ندارد ، خودشان اسلحه بدست بگيرند ، در برابر سربازگيري اجباري و مصادره غلات مقاومت نشان دهند ، به تقسيم اراضي بپردازند ، از پرداخت كليۀ وام هائي كه گرفته اند شانه خالي كنند و از نقاط ضعف مناطقي كه تحت نظارت دشمن است ، استفاده نمايند و جنگ پارتيزاني را توسعه بخشند .

براي آنكه امر سرنگون ساختن چانكاشك و تشكيل دولت دموكراتيك ائتلاف در آينده نزديك صورت گيرد ، ما از مردم نواحی آزادشده دعوت ميكنيم كه اصلاحات ارضي را بانجام برسانند ، پايه هاي دموكراسي را استوار سازند ، توليد را توسعه بخشند ، جداً صرفه جوئي كنند ، قدرت نيروهاي مسلح توده اي را افزايش دهند ، آخرين تكيه گاه هاي دشمن را براندازند و بچنگ در جبهه كمك برسانند .

همه رفقای فرمانده و جنگجوی ارتش ما ! مهمترين و پرافتخارترين

وظیفه تاریخ انقلاب کشور بر دوش ماست . ما برای انجام این وظیفه باید مساعی خویش را دو چندان کنیم . فرا رسیدن آن روزی که میهن کبیر ما از تاریکی بدر آید و هم‌میهنان عزیز ما زندگی شایسته انسان داشته باشند و بتوانند حکومتی بدخواه خویش برگزینند ، وابسته بمساعی ماست . همه افسران و سربازان ارتش ما باید مهارت نظامی خویش را کامل سازند ، در این جنگ که پیروزی ما در آن حتمی است متهورانه به پیش روند ، و کلیه دشمنان را با قطعیت ، از بیخ و بن و بطور تمام و کمال نابود سازند . همه آنها باید سطح آگاهی خویش را بالا ببرند و در دو زمینه یعنی نابود ساختن نیروهای دشمن و بیدار کردن توده‌ها ماهر گردند ، با جان و دل به توده‌ها پیوندند و مناطق تازه آزادشده را سریعاً تکامل بخشند تا از آنها مناطق مستحکم بوجود آید . آنها باید روحیه انضباطی خود را تقویت بخشند ، فرمان‌ها را با قطعیت اجرا کنند ، سیاست ما را بکار برند ، سه اصل بزرگ انضباطی و هشت ماده مقرراتی را عملی گردانند ، وحدت ارتش و خلق ، وحدت ارتش و دولت ، وحدت افسران و سربازان و وحدت تمام ارتش را تحقق بخشند و به هیچگونه نقض انضباطی راه ندهند . همه افسران و سربازان ما باید پیوسته در خاطر داشته باشند که ما ارتش کبیر آزادیبخش توده‌ای هستیم ، سپاه‌یانی هستیم که حزب کبیر کمونیست چین ما را رهبری میکند . اگر ما رهنمودهای حزب را همواره مراعات کنیم ، بیگمان پیروز خواهیم شد .

مرده باد چانکایشک !

زنده باد چین نوین !

یادداشتها

- ۱ - مراجعه شود به « اعلامیه درباره اعلامیه چانکایشك » یادداشت ۱ ، « منتخب آثار ماتو تسه دون » ، جلد اول .
- ۲ - اشاره است به « تعهدات چهارگانه » که چانکایشك در جلسه گشایش کنفرانس مشورتی سیاسی در سال ۱۹۴۶ پذیرفت و عبارت بودند از : تضمین آزادیهای خلق ، تضمین وضع قانونی احزاب سیاسی ، اجرای انتخابات عمومی و آزادی زندانیان سیاسی .
- ۳ - در ۴ ژوئیه سال ۱۹۴۷ حکومت ارتجاعی گومیندان « طرح بسیج همگانی » را که چانکایشك پیش کشیده بود ، تصویب و بیدرنگ باصطلاح « فرمان بسیج همگانی برای سرکوب شورش راهزنان کمونیست » را صادر کرد . در واقع چانکایشك از مدتها پیش به بسیج همگانی برای جنگ داخلی ضد انقلابی دست زده بود . از همان زمان ارتش آزادیبخش توده‌ای چین تعرض متقابل را در سراسر کشور شروع کرده بود . خود چانکایشك اعتراف کرد که رژیمش دستخوش « بحران ونیم » گردیده است . « فرمان بسیج همگانی » فقط نشانه واپسین تلاشهای مذبوحانه وی بود .
- ۴ - اشاره است به باصطلاح « قرارداد دوستی ، بازرگانی و دریانوردی چین و آمریکا » که در ۴ نوامبر ۱۹۴۶ بین دولت چانکایشك و دولت آمریکا منعقد گردیده و حاکمیت چین را به آمریکا میفروخت . مراجعه شود به « درود بر اعتلاء نوین انقلاب چین » یادداشت ۵ ، جلد حاضر .

در باره انتشار مجدد سه اصل بزرگ انضباطی و هشت ماده مقرراتی — دستور ستاد کل ارتش آزادبخش توده‌ای چین

(۱۰ اکتبر ۱۹۴۷)

۱ — ارتش ما سال‌هاست "سه اصل بزرگ انضباطی" و "هشت ماده مقرراتی" را بکار برده‌است (۱) ، اما مضمون آنها بر حسب واحدهای مناطق مختلف کمی تغییر یافته‌است . اکنون باین اصول شکل واحد میبخشیم و آنها مجدداً منتشر میکنیم . انتظار میرود که این نسخه برای آموزش عمیق و اجرای اکید بعنوان نسخه معتبر تلقی گردد . در مورد مسایل دیگری که باید مورد توجه قرار گیرند ، فرماندهان عالیرتبه نیروهای مسلح در مناطق مختلف بر حسب اوضاع و احوال مشخص آن مناطق میتوانند موادی وضع کنند و با اجرای آنها فرمان دهند .

۲ — سه اصل بزرگ انضباطی عبارتند از :

(۱) — از فراسین در کلیه عملیات خود اطاعت کنید ؛

(۲) — از توده‌ها حتی يك سوزن و يا يك رشته نخ هم نگیرید ؛

(۳) همه غنائیم را تحویل دهید .

۳ — هشت ماده مقرراتی عبارتند از :

(۱) — مؤدبانه صحبت کنید ؛

(۲) — هر چه می‌خرید بهایش را منصفانه بپردازید ؛

(۳) — هر چه باسالت سیگیرید ، پس دهید ؛

(۴) — هر خسارتی که وارد می‌آورید ، جبران کنید ؛

(۵) — مردم را كتك نزنید ، بآنها دشنام ندهید ؛

(۶) — به محصول زیان نرسانید ؛

(۷) — به زنان جسارت و بی‌احترامی نکنید ؛

(۸) — با اسراء بد رفتاری نکنید .

یادداشتها

۱ — سه اصل بزرگ انضباطی و هشت ماده مقرراتی عبارتند از اصول انضباطی اینکه توسط رفیق مائو تسه دون در دوران دومین جنگ انقلابی داخلی برای ارتش سرخ کارگری - دهقانی چین تدوین گردیده است . اجراء این اصول بخش مهمی از کار سیاسی ارتش سرخ را تشکیل میداد و در ساختمان ارتش توده‌ای ، حل صحیح مسئله روابط داخلی ارتش ، تحقق وحدت با توده‌های مردم و تعیین سیاست صحیح ارتش توده‌ای نسبت به اسراء جنگی نقش بزرگی ایفا کرد . از همان ابتدای زندگی ارتش سرخ ، رفیق مائو تسه دون طلب کرد که سربازان با توده‌ها مؤدبانه صحبت کنند ، هر چه می‌خرند بهایش را منصفانه بپردازند ، هیچوقت مردم را به پیگیری نگمارند ، كتك نزنند و بآنها دشنام ندهند . در بهار سال ۱۹۲۸ زمانی که ارتش سرخ کارگری - دهقانی در کوهستان جین گان مستقر بود ، رفیق مائو تسه دون

این سه اصل انضباطی را معین کرد : (۱) - از فرامین در عملیات خود اطاعت کنید ؛ (۲) - از کارگران و دهقانان چیزی نگیرید ؛ (۳) - هر چیزی که از مستبدین محلی گرفته‌اید ، تحویل دهید . در تابستان سال ۱۹۲۸ رفیق مائو تسه دون شش ماده مقرراتی مطرح کرد که عبارت بودند از (۱) - درهائی را که بر داشته و بجای تخت خواب مورد استفاده قرار داده‌اید ، مجدداً بجای خود بگذارید ؛ (۲) - کاهی را که بعنوان تشك مورد استفاده قرار داده‌اید ، مجدداً بجای خود باز گردانید ؛ (۳) - مؤدبانه صحبت کنید ؛ (۴) - هر چه میخرید ، بهایش را منصفانه پردازید ؛ (۵) - هر چه بامانت میگیرید ، پس دهید ؛ (۶) - هر خسارتی که وارد می‌آورید ، جبران کنید . بعد از سال ۱۹۲۹ رفیق مائو تسه دون در این اصول تغییراتی چند بوجود آورد . اصل انضباطی دوم بدین شکل در آمد : ” از توده‌ها حتی يك سوزن و يا يك رشته نخ هم نگیرید ” و اصل انضباطی سوم باین شکل در آمد : ” تمام پولهایى را که گرفته‌اید ، تحویل دهید ” . این اصل بعداً بدین شکل تغییر یافت : ” همه غنایم را تحویل دهید ” ؛ به شش ماده مقرراتی این دو ماده افزوده شد : ” در مقابل چشم زنان آب‌تنی نکنید ” و ” جیب اسراء جنگی را نگردید ” . چنین بود منشاء سه اصل بزرگ انضباطی و هشت ماده مقرراتی .

اوضاع کنونی و وظایف ما

(۲۵ دسامبر ۱۹۴۷)

۱

جنگ انقلابی خلق چین اکنون به نقطه چرخشی رسیده است ؛ بدین معنی که ارتش آزادیبخش توده‌ای چین با دفع حملات قوای نظامی ارتجاعی چندین میلیون چانگ‌پشک — این سگ زنجیری ایالات متحده آمریکا — به تعرض رو نهاده است . ارتش آزادیبخش توده‌ای در نخستین سال این جنگ ، یعنی از ژوئیه سال ۱۹۴۶ تا ژوئن سال ۱۹۴۷ ، حملات چانگ‌پشک را در چند جبهه درهم شکست و او را مجبور به اتخاذ موضع دفاعی نمود . ارتش آزادیبخش توده‌ای در سه ماه اول سال دوم جنگ ، یعنی از ژوئیه تا سپتامبر سال ۱۹۴۷ در مقیاس تمام کشوری

اثر حاضر متن گزارشی است که رفیق مائو تسه دون به جلسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین که از تاریخ ۲۵ تا ۲۸ دسامبر ۱۹۴۷ در یان جیاگو از شهرستان می جی واقع در شمال استان شنسی تشکیل یافته بود ، تقدیم نموده است . علاوه بر اعضاء و کاندیداهای کمیته مرکزی که میتوانستند شرکت کنند ، رفقای

به تعرض روی آورد و نقشه‌های ضد انقلابی چانگایشک را دایر بر ادامه گسترش دامنه جنگ به مناطق آزادشده برای نابودی کامل این مناطق نقش بر آب ساخت. اکنون دیگر عرصه عمده جنگ مناطق آزادشده نیست، بلکه مناطق تحت حکومت گومیندیان است؛ نیروهای عمده ارتش آزادیبخش توده‌ای دامنه نبرد را به مناطق تحت حکومت گومیندیان کشانده‌اند (۱). ارتش آزادیبخش توده‌ای چین هم اکنون در خاک چین چرخ ضد انقلابی امپریالیسم آمریکا و نوکرانش - دسته راهزنان چانگایشک - را بعقب برگردانده و آنها را بسریشیب نابودی سوق داده‌است و در عین حال چرخ انقلاب را در شاهراه پیروزی به پیش هدایت نموده‌است. این نقطه چرخشی در تاریخ است. این نقطه‌ای است که نمودار تغییر سلطه بیست ساله ضد انقلابی چانگایشک و سلطه بیش از صد ساله امپریالیستها در چین از رشد به زوال است. این رخداد عظیمی است و بدینجهت عظیم است که در يك کشور ۴۷۵ میلیون

مسئول منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیاه و شان سی - سوی یوان نیز در جلسه حضور داشتند. جلسه این گزارش را همراه با اثر دیگری از رفیق مائو تسه دون تحت عنوان «چند ارزیابی از وضع بین‌المللی کنونی» (رجوع کنید به جلد حاضر، صفحه ۱۱۹) مورد بحث قرار داد و بتصویب رسانید. در قرارهای جلسه در مورد گزارش رفیق مائو تسه دون تصریح شده‌است: «این گزارش در تمام دوره واژگونی دارودسته حاکم و ارتجاعی چانگایشک و استقرار چین دموکراتیک نوین برای کار سیاسی، نظامی و اقتصادی سندی برنامه‌ای است. تمام حزب و ارتش باید پیرامون این سند و همچنین در ارتباط با آن پیرامون کلیه اسناد منتشره در تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۴۷ (منظور «مائیفست ارتش آزادیبخش توده‌ای چین»، «شمارهای ارتش آزادیبخش توده‌ای چین»، «دستور درباره تجدید انتشار سه اصل بزرگ انضباطی و هشت

نفری رخ میدهد ؛ و چنانچه رخ دهد ، حتماً به پیروزی سرتاسری کشور می‌انجامد . و باز ، عظیم است بدینجهت که در مشرق زمین صورت می‌گیرد ، یعنی در منطقه‌ایکه بیش از يك میلیارد نفر (نیمی از جمعیت جهان) زیر یوغ ظلم و ستم اسپریالیسم رنج می‌برند . گذار جنگ آزادیبخش خلق چین از دفاع به تعرض مسلماً شادی و خرسندی این ملل ستمدیده را بر می‌انگیزد و بآنها الهام می‌بخشد و در عین حال بمثابة کمکی است به خلقهای ستمدیده کشورهای اروپا و آمریکا که اکنون در حال مبارزه‌اند .

۲

ما از همان روزیکه چانکایشک جنگ ضد انقلابی را بر پا ساخت ، گفتیم که باید چانکایشک را در هم بکوبیم و بخوبی نیز قادر بانجام این

ماده مقرراتی « ، « برنامه قانون ارضی چین » و « قرار کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره اعلام برنامه قانون ارضی چین » (یک کار آموزشی عمیق دست زنند و آنرا رهنمون کار عملی خود قرار دهند . در اجرای سیاستها در محلهای مختلف ، هرگونه عدولی از اصول اساسی این گزارش باید بلافاصله اصلاح شود . « سایر قرارهای مهم این جلسه عبارتند از :

۱ - از هیچگونه کوششی برای ادامه بلاانقطاع جنگ انقلابی خلق چین تا پیروزی کامل نباید فروگذار کرد ، بدشمن نباید اجازه داد با تاکتیک دفع‌الوقت (مذاکرات صلح) برای هجوم دوباره بخلق فرصت نفس کشیدن بیابد .

۲ - زمان تشکیل دولت انقلابی مرکزی هنوز فرا نرسیده‌است .

امر هستیم. ما باید چانکایشك را شكست دهیم زیرا جنگی که او بر پا کرده، جنگی است ضد انقلابی که از طرف امپریالیسم آمریکا علیه استقلال ملی چین و آزادی خلق چین هدایت میشود. پس از پایان جنگ جهانی دوم و شكست امپریالیسم ژاپن، وظایف خلق چین عبارت بودند از انجام اصلاحات دموکراتیک نوین در شئون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تحقق وحدت و استقلال کشور و تغییر چین از يك کشور فلاحتی يك کشور صنعتی. ولی در چنین موقعی، پس از پیروزی دومین جنگ جهانی ضد فاشیستی، امپریالیسم آمریکا و نوکرانش در کشورهای مختلف بر جای امپریالیسم آلمان و ژاپن و نوکرانشان نشستند و با تشکیل يك اردوگاه ارتجاعی علیه اتحاد شوروی، علیه کشورهای دموکراتیک توده‌ای اروپا، علیه جنبش‌های کارگری کشورهای سرمایه‌داری، علیه نهضت‌های ملی مستعمرات و نیمه مستعمرات و علیه آزادی خلق چین قدامت نمودند. در همین موقع بود که مرتجعین چین بسرکردگی

این مسئله فقط وقتی میتواند مطرح شود که ارتش ما به پیروزیهای باز هم بزرگتری رسیده باشد. و حتی اعلام قانون اساسی نیز مسئله‌ایست مربوط به آینده.

جلسه علاوه بر این مسئله وجود بعضی از گرایشهای ناسالم درون حزبی و همچنین برخی از سیاستهای مشخص در مورد اصلاحات ارضی و جنبش توده‌ای را بطور دقیق مورد بحث قرار داد. نتایج این بحث بعدها از طرف رفیق مائو تسه دون در مقاله‌ای تحت عنوان «در باره بعضی مسائل مهم سیاست کنونی حزب» جمع‌آوری گردید (رجوع کنید بجلد حاضر، صفحه ۲۶۵). تمام نوشته‌هایی از متن حاضر گرفته تا «بخشنامه درباره وضع حاضر» نوشته شده در ۲۰ مارس ۱۹۴۸ همگی در یان جیا گو از شهرستان می جی واقع در شمال استان شنسی نگارش یافته است.

چانکایشك — درست همانند وان جین وی ، این سگ زنجیری امپریالیستهای ژاپن — بصورت عاملین امپریالیستهای آمریکا در آمدند و چین را به ایالات متحده آمریکا فروختند و بمنظور جلوگیری از پیشرفت امر آزادی خلق چین آتش جنگ را علیه خلق چین مشتعل ساختند . در چنین شرایطی ، اگر ما از خود ضعف نشان میدادیم و یا پا پس میکشیدیم و جرأت نمیکردیم با جنگ انقلابی بمبارزه قاطعانه علیه جنگ ضد انقلابی برخیزیم ، چین به محاق ظلمت و تاریکی فرو میرفت و آینده ملت ما تباه میگردد . ارتش آزادیبخش توده‌ای چین تحت رهبری حزب کمونیست چین در مقابل حملات چانکایشك با عزم راسخ در راه جنگ انقلابی میهن پرستانه و عادلانه گام نهاده‌است . حزب کمونیست چین با ارزیابی دقیق اوضاع بین‌المللی و داخلی بر اساس دانش مارکسیسم - لنینیسم در یافته که نه فقط باید بلکه بخوبی میتوان حملات سرتجعین داخلی و خارجی را در هم شکست . هنگامیکه آسمان را پوششی از ابرهای سیاه فرا گرفته بود ، ما یادآور شدیم که این فقط پدیده‌ای موقتی است ، ظلمت و تاریکی بزودی وداع خواهد گفت و سپیده صبحگاهی مژده ورود خواهد داد . ژوئییه سال ۱۹۴۶ ، هنگامیکه دسته راهزنان چانکایشك جنگ ضد انقلابی را در سراسر کشور بر پا ساختند ، تصور میکردند که میتوانند ارتش آزادیبخش توده‌ای را در ظرف سه تا شش ماه در هم بشکنند . آنها حساب میکردند که نیروئی بالغ بر چهار میلیون نفر در اختیار دارند که عبارتست از دو میلیون نفر ارتش منظم ، بیش از يك میلیون نفر ارتش غیرمنظم و متجاوز از يك میلیون نفر کارمند در مؤسسات نظامی و واحدهای مسلح در پشت جبهه ؛ بعلاوه آنها حساب میکردند برای تکمیل تدارکات تعرض از فرصت استفاده کرده‌اند ؛ شهرهای بزرگ را دو باره تحت

کنترل خود در آورده‌اند ؛ جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ میلیون نفر در اختیار دارند ؛ تمام تجهیزات ارتش يك میلیون نفری تجاوزی ژاپن را تصاحب نموده‌اند و از دولت ایالات متحده آمریکا کمکهای نظامی و مالی هنگفتی اخذ کرده‌اند . آنها باز چنین میپنداشتند که ارتش آزادیبخش توده‌ای چین پس از هشت سال جنگ مقاومت ضد ژاپنی سخت فرسوده گشته و از نظر تعداد نفرات و تجهیزات بهیچوجه پاي ارتش گومیندان نمیرسد، و علاوه بر این مناطق آزادشده چین فقط کمی بیش از صد میلیون نفر جمعیت دارد و بخش وسیعی از آن هنوز از وجود نیروهای ارتجاعی و فئودالی پاك نشده‌است و اصلاحات ارضی هم در آنجا هنوز بطور عموم و تمام و کمال انجام نیافته‌است . در يك کلام ارتش آزادیبخش توده‌ای فاقد پشتگاه مستحکمی میباشد . درست در نتیجه يك چنین ارزیابی بود که دسته راهزنان چانکایشك علیرغم آرزوی خلق چین به صلح ، سرانجام قرارداد آتش‌بس ژانویه سال ۱۹۴۶ بین گومیندان و حزب کمونیست را نقض کرد و تصمیمات متخذه کنفرانس مشورتی سیاسی همه احزاب را زیر پا نهاد و جنگ ماجرأجویانه را بر پا ساخت . ما در همان موقع گفتیم که برتری قوای نظامی چانکایشك گذرا و عاملی است که فقط میتواند نقشی موقتی داشته باشد ؛ کمک امپریالیسم آمریکا نیز بهمین ترتیب عاملی است که فقط میتواند نقشی موقتی داشته باشد ، حال آنکه خصلت ضد خلقی جنگ چانکایشك و احساسات مردم عواملی هستند که نقش دائمی دارند . در این زمینه ارتش آزادیبخش توده‌ای در موضع برتر قرار گرفته‌است . ارتش آزادیبخش توده‌ای بجنگی میهن‌پرستانه و عادلانه و انقلابی برخاسته‌است که مسلماً از پشتیبانی مردم سراسر کشور برخوردار خواهد بود . چنین است اساس سیاسی پیروزی ما بر چانکایشك .

تجربیات ۱۸ ماه اخیر جنگ صحت این قضاوت ما را کاملاً ثابت کرده‌اند.

۳

در نتیجه پیکارهای ۱۷ ماه اخیر (از ژوئیه ۱۹۴۶ تا نوامبر ۱۹۴۷، آمار دسامبر هنوز در دست نیست) یک میلیون و ششصد و نود هزار نفر از ارتش منظم و غیرمنظم چانکایشک کشته، مجروح یا اسیر شده‌اند که از میان آنها ۶۴ هزار نفر کشته یا مجروح و یک میلیون و ۵۰ هزار نفر اسیر گردیده‌اند. بدینسان ارتش ما توانست حملات چانکایشک را دفع کند و قسمت عمده مناطق آزادشده را حفظ نماید و خود به تعرض رو آورد. اگر مسئله را از نظر نظامی بررسی کنیم، ما باین علت توانستیم موفق شویم که استراتژی صحیحی را اجرا کرده بودیم. اصول نظامی ما بدینقرارند:

- ۱ — باید نخست به نیروهای پراکنده و منفرد دشمن حمله برد و سپس به نیروهای متمرکز و نیرومند دشمن.
- ۲ — باید نخست شهرهای کوچک و متوسط و مناطق وسیع روستائی را تصرف کرد و سپس شهرهای بزرگ را.
- ۳ — باید نابودی نیروی مؤثر دشمن را هدف عمده خود قرار داد، نه حفظ یا تصرف شهرها و سرزمینها را. حفظ یا تصرف شهرها و سرزمینها نتیجه نابودی نیروی مؤثر دشمن است، و معمولاً یک شهر یا یک منطقه زمانی میتواند بخوبی نگهداری یا بطور نهائی تصرف شود که چند بار دست بدست گشته باشد.
- ۴ — باید در هر نبرد نیروهای نظامی مطلقاً برتر را متمرکز

ساخت (دو ، سه یا چهار و گاهی حتی پنج یا شش برابر نیروهای دشمن) ، قوای دشمن را باید از چهار طرف بحلقه محاصره در آورد و سعی در نابودی کامل آن نمود ، بطوریکه حتی يك نفر هم فرصت فرار نیابد . در شرایط خاص باید از شیوه فرود آوردن ضربات خرد کننده بر دشمن استفاده کرد ، بدین معنی که ما باید با تمرکز تمام نیرو از روبرو بدشمن حمله کنیم و در عین حال يك یا دو جناح آن نیز حمله بریم ، البته با این هدف که بخشی از نیروهای دشمن را نابود ساخته و بخش دیگر را تارومار کنیم تا ارتش ما بتواند بسرعت واحدهای خود را برای درهم کوبیدن سایر نیروهای دشمن بکار اندازد . ما باید از پیکارهای فرساینده‌ای که در آن برد ما از باخت ما کمتر و یا برد و باخت ما با یکدیگر مساوی هستند ، اجتناب ورزیم . بدین ترتیب با وجود اینکه ما در مجموع (از نظر تعداد) ضعیف هستیم ، در جزء و در هر عملیات اپراتیو مشخص برتری مطلق داریم و این خود ضامن پیروزی ما در عملیات اپراتیو است . ما با گذشت زمان ، در مجموع برتری خواهیم یافت و سرانجام کلیه نیروهای دشمن را نابود خواهیم ساخت .

۵ — نباید بدون آمادگی قبلی و بدون اطمینان به پیروزی به هیچ نبردی دست زد ؛ قبل از هر نبرد باید تمام مساعی را برای تهیه تدارکات لازم و تضمین پیروزی در شرایط موجود بین خود و دشمن بکار برد .

۶ — باید شیوه رزمی خود — یعنی تهور داشتن در نبرد ، نترسیدن از قربانی ، بی‌اعتنا بودن به‌خستگی و استقامت داشتن در پیکارهای مداوم (بمفهوم نبردهای متوالی در مدت کوتاه و بدون

استراحت) را شکوفا ساخت.

۷ - باید کوشید تا دشمن را در حین حرکت نابود کرد. در عین حال باید به تاکتیک حمله موضعی و تصرف نقاط استحکامی و شهرهای دشمن نیز توجه داشت.

۸ - در مورد حمله به شهرها، باید تمام آن نقاط استحکامی و شهرهای دشمن را که نیروی دفاعی ضعیفی دارند، مصممانه تصرف نمود. در فرصت مناسب باید تمام نقاط استحکامی و شهرهای دشمن را که دارای قدرت دفاعی متوسطاند، در صورتیکه شرایط اجازه دهد، تصرف کرد؛ در مورد تمام آن نقاط استحکامی و شهرهای دشمن که قدرت دفاعی نیرومندی در اختیار دارند، باید منتظر ماند تا شرایط برای تصرف آنان آماده گردد.

۹ - باید قدرت خود را با تمام سلاحها و تجهیزات که از دشمن به غنیمت گرفته شده و همچنین با قسمت اعظم اسرای جنگی تکمیل کرد. منبع عمده ذخایر نیروی انسانی و مادی ارتش با جبهه‌های جنگ است.

۱۰ - باید از فاصله بین دو عملیات جنگی برای استراحت، تعلیم و تقویت واحدهای نظامی بخوبی استفاده کرد. مدت استراحت، تعلیم و تقویت واحدها برای اینکه دشمن امکان نفس کشیدن داده نشود، معمولاً نباید زیاد طولانی باشد.

اینها همه متدهای عمده‌ای هستند که ارتش آزادیبخش توده‌ای جهت در هم کوبیدن چانکایشک بکار برده است. این متدها در نتیجه آبدیدگی ارتش آزادیبخش توده‌ای در جریان مبارزه طولانی علیه دشمنان داخلی و خارجی بدست آمده و با شرایط کنونی ما کاملاً مطابقت دارند. دسته

راهزنان چانکایشك و پرسنل نظامی امپریالیستهای آمریکا در چین این
 متدها را بخوبی می‌شناسند. چانکایشك برای یافتن طرقی جهت مقابله با
 این متدها، بارها به تعلیم نظامی ژنرالها و افسران خود پرداخته و
 نشریات نظامی و اسنادیکه در جریان جنگ از ما به غنیمت گرفته بود،
 برای مطالعه بین آنها توزیع کرده‌است. پرسنل نظامی آمریکا برای نابودی
 ارتش آزادیبخش توده‌ای استراتژی و تاکتیکهای گوناگونی به چانکایشك
 پیشنهاد میکردند و قوای نظامی او را تعلیم میدادند و بآنها تجهیزات نظامی
 میرسانیدند. ولی هیچیک از این تلاشها نتوانست دسته راهزنان چانکایشك
 را از شکست نجات دهد. زیرا استراتژی و تاکتیک ما براساس جنگ
 توده‌ای مبتنی است؛ هیچ ارتش ضد خلقی قادر به استفاده از استراتژی
 و تاکتیک ما نیست. ارتش آزادیبخش توده‌ای کار سیاسی انقلابی پرتوان
 خود را براساس جنگ توده‌ای و بر اساس اصل وحدت ارتش و مردم،
 وحدت فرماندهان و رزمندگان و همچنین تلاشی ارتش دشمن رشد و تکامل
 داده است؛ و این خود یکی از عوامل مهم تأمین پیروزی ما بر دشمن
 است. زبانیکه ما بخاطر مصون ماندن از ضربات مرگبار نیروی برتر دشمن و
 تغییر مکان قوای نظامی خود جهت نابودی دشمن در حین حرکت بسیاری
 از شهرها را بابتکار خود رها کردیم، دشمنان ما از فرط شادی سر از پا
 نمیشناختند. آنها این عمل را پیروزی خود و شکست ما بحساب می‌آوردند
 و از باده این "پیروزی" موقتی سخت سرمست شده بودند. چانکایشك
 بعد از ظهر همان روزیکه شهر جان جیا کو را باشغال در آورد، فرمان
 تشکیل مجلس ملی ارتجاعی را صادر کرد، گوئی از این پس حکومت
 ارتجاعی وی چون کوه تای دیگر مستحکم گردیده‌است. امپریالیستهای
 آمریکا نیز از شدت خوشحالی در پوست خود نمی‌کنجیدند، مثل اینکه

توطئه شوم آنها در تبدیل چین بیک مستعمره آمریکا دیگر بدون هیچ مانع و رادعی میتواند تحقق یابد. ولی با گذشت زمان، لحن چانکایشک و اربابان آمریکائی او رو به تغییر نهاد. اکنون بدینی مفرطی بر دشمنان داخلی و خارجی مستولی است. آنها با آه و ناله از بحران موجود شکوه و شکایت میکنند و دیگر اثری از وجد و شعف در سیمایشان خوانده نمیشود. طی ۱۸ ماه اخیر اکثر فرماندهان عالیرتبه چانکایشک در جبهه‌های مختلف بعثت شکست از کار معزول گردیده‌اند. در میان آنها لیوجی (در جن جو)، سیوه‌یوه (در سیوجو)، اوچی وی (در شمال جیان سو)، تان ئن بوه (در جنوب شان دون)، وان جون لیان (در شمال حه نان)، دو یو مین و سیون شی هوی (در شن یان) و سون لیان جون (در بی پین) هستند. چن چن رئیس ستاد کل چانکایشک که فرماندهی کل عملیات را برعهده داشت، نیز از کار برکنار شد و به فرماندهی جبهه شمال شرقی تنزل مقام یافت (۲). ولی درست در همان وقتی که چانکایشک بجای چن چن شخصاً فرماندهی کل را بدست گرفت، اوضاع رو به تغییر نهاد و ارتش چانکایشک مجبور شد از حالت تعرضی به حالت دفاعی برود در صورتیکه ارتش آزادیبخش توده‌ای از دفاع به تعرض روی آورد. اکنون دیگر دارودسته مرتجع چانکایشک و اربابان آمریکائی آنها حتماً باید به اشتباهات خود پی برده باشند. آنها تمام کوشش‌هایی را که حزب کمونیست چین، بمشابه بیان‌کننده آرزوها و آمال خلق چین، مدت مدیدی پس از تسلیم ژاپن بخاطر صلح و علیه جنگ داخلی به‌خرج میداد، نشانه ترس و ضعف وی میدانستند. آنها به نیروی خود پربها و به نیروی انقلاب کم‌بها میدادند و سرانجام با برافروختن آتش جنگ ماجراجویانه در داسی که خود گسترده بودند، سرنگون گردیدند.

محاسبات استراتژیک دشمنان ما کاملاً غلط از آب درآمد.

۴

در حال حاضر پشتگاه ارتش آزادیبخش توده‌ای چین از ۱۸ ماه پیش به‌راتب محکم‌تر گردیده است. علت اینستکه حزب ما با قطعیت تمام در صف دهقانان ایستاده و اصلاحات ارضی را به‌مرحله اجرا در آورده است. در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی، بخاطر تشکیل جبهه متحد ضد ژاپنی با گومیندان و وحدت کلیه افرادی که در آنزمان می‌توانستند علیه امپریالیسم ژاپن مبارزه کنند، حزب ما سیاست ارضی گذشته خود را دایر بر مصادره زمینهای مالکین برای تقسیم بین دهقانان به تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود تغییر داد. این عملی کاملاً لزومی بود. پس از تسلیم ژاپن، دهقانان مصرانه طلب زمین می‌کردند و ما بموقع تصمیم گرفتیم سیاست ارضی خود را دایر بر تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود به مصادره اراضی طبقه مالکین برای تقسیم بین دهقانان تغییر دهیم. رهنمود مورخ ۴ ماه مه ۱۹۴۶ (۳) کمیته مرکزی حزب ما نشان‌دهنده این تغییر است. سپتامبر سال ۱۹۴۷ حزب ما با تشکیل کنفرانس ارضی سرتاسری کشور برنامه قانون ارضی چین (۴) را بتصویب رساند که بلادرنگ در تمام نقاط کشور بموقع اجرا گذاشته شد. این اقدام نه تنها اصول «رهنمود ۴ ماه مه ۱۹۴۶» را تأیید میکرد، بلکه برخی از جنبه‌های ناپیگیری سند مزبور را هم قاطعانه بر طرف ساخت. برنامه قانون ارضی چین که اصل تقسیم سرانه و یکسان زمین را پیش‌بینی میکند، بر اساس اصل لغو سیستم ارضی استثمار فئودالی و نیمه فئودالی و استقرار سیستم

ارضی " زمین از آن کشت کار " استوار است (۵). این کاملترین شیوه‌ای است که نظام فئودالی را ریشه کن می‌سازد و به بهترین وجهی با خواسته‌های توده‌های وسیع دهقانان چین مطابقت می‌کند. بمنظور اجرای قطعی و کامل اصلاحات ارضی، نه فقط باید در روستاها اتحادیه‌های دهقانی که وسیعترین توده‌های دهقانان مزدور و دهقانان فقیر و دهقانان میانه حال را دربر می‌گیرد، و همچنین کمیته‌های منتخب آنها را تشکیل داد، بلکه باید قبل از همه انجمن‌های دهقانان فقیر متشکل از دهقانان فقیر و دهقانان مزدور و کمیته‌های منتخب آنانرا که هسته رهبری‌کننده تمام مبارزات دهقانی هستند، ایجاد کرد. این اتحادیه‌های دهقانی و انجمنهای دهقانان فقیر بمثابة ارگانه‌های قانونی در اجرای اصلاحات ارضی محسوب می‌شوند. سیاست ما چنین است: اتکاء به دهقانان فقیر، اتحاد پایدار با دهقانان میانه حال و الغاء سیستم استثمار فئودالی و نیمه فئودالی طبقه مالکین و دهقانان مرفه طراز کهن. به مالکین و دهقانان مرفه نباید بیش از سهم توده‌های دهقانان ملک و دارائی داده شود. اما آن سیاست نادرست چپ افراطی سالهای ۱۹۳۱ - ۱۹۳۴، یعنی " به مالکین زمین داده نشود و به دهقانان مرفه زمین نامرغوب داده شود " نیز دیگر بهیچوجه نباید تکرار شود. با آنکه نسبت جمعیت مالکین و دهقانان مرفه در نقاط مختلف روستائی یکی نیست، مع الوصف در مجموع از ۸ درصد (بر حسب خانوار) تجاوز نمی‌کند، در حالیکه املاک آنها معمولاً ۷ تا ۸ درصد تمام مساحت زمین را تشکیل می‌دهند. از اینرو اصلاحات ارضی ما فقط علیه عده معدودی متوجه است؛ آن خانواده‌های دهقانی که می‌توانند و باید در جبهه متحد اصلاحات ارضی شرکت کنند، تقریباً بیش از ۹۰ درصد جمعیت روستاها را تشکیل

میدهند. در اینجا باید دو اصل اساسی مورد توجه قرار گیرد: اولاً، تأمین خواسته‌های دهقانان فقیر و دهقانان مزدور، و این اساسی‌ترین وظیفه اصلاحات ارضی است؛ ثانیاً، اتحاد محکم با دهقانان میانه حال و حفظ مصالح آنان در مقابل تجاوز. چنانچه ما از این دو اصل اساسی پیروی کنیم، مسلماً قادر خواهیم بود وظایف خود را در اصلاحات ارضی بطور موفقیت‌آمیز انجام دهیم. علت اینکه زمینهای اضافی و بخشی از دارائی دهقانان مرفه طراز کهن باید طبق اصل تقسیم یکسان تقسیم شوند، اینست که در چین دهقانان مرفه بطور کلی و تا اندازه زیادی دارای خصلت استثمار فئودالی و نیمه فئودالی هستند و اکثر آنها از طریق اجاره دادن زمین و رباخواری و اجیر کردن دهقانان مزدور تحت شرایط نیمه فئودالی اسرار معاش میکنند (۶). بعلاوه از آنجا که دهقانان مرفه بالنسبه زمینهای بیشتر و بهتری را صاحبند (۷)، لذا خواسته‌های دهقانان فقیر و دهقانان مزدور تنها با تقسیم این زمینها میتواند تأمین شود. معهذا طبق مقررات برنامه قانون ارضی، باید بین دهقانان مرفه و مالکین بطور کلی فرق گذاشته شود. دهقانان میانه حال در اصلاحات ارضی به اصل تقسیم یکسان زمین روی موافق نشان میدهند، زیرا این به منافع آنها صدمه‌ای وارد نمی‌آورد. با اجرای اصل تقسیم یکسان، زمینهای عده‌ای از دهقانان میانه حال بدون تغییر باقی میماند و بر زمینهای عده دیگر افزوده خواهد شد؛ فقط بخشی از دهقانان میانه حال مرفه هستند که کمی زمین اضافی دارند، ولی اینها هم حاضر به واگذار کردن زمینهای اضافه خود هستند، زیرا در چنین صورتی از بار مالیات آنها بر زمین کاسته خواهد شد. معذک در اجرای تقسیم یکسان زمین در نقاط مختلف باید به نظرات دهقانان میانه حال توجه کرد و در

صورت عدم موافقت آنها ، از خود گذشت نشان داد . در حین مصادره و تقسیم زمین و دارائی و اموال طبقه فئودال باید نیازمندیهای بعضی از دهقانان میانه حال را نیز مورد توجه قرار داد . هنگام تعیین تعلق طبقاتی باید دقت شود تا دهقانان میانه حال اشتباهاً بجای دهقانان مرفه بحساب نیایند . دهقانان میانه حال فعال را باید به شرکت در کار کمیته‌های اتحادیه دهقانی و ارگانهای حکومتی جلب نمود . در تعیین میزان مالیات بر زمین و کمک بامر جنگ باید رعایت عدل و انصاف گردد . اینها رهنمودهای مشخصی هستند که حزب ما باید در امر وحدت استوار با دهقانان میانه حال برای اجرای وظیفه استراتژیک خود اتخاذ کند . تمام حزب باید درك کند که اصلاحات ارضی ریشه‌ای یکی از وظایف اساسی انقلاب چین در مرحله کنونی است . چنانچه بتوانیم بطور همه جانبه و کامل مسئله ارضی را حل کنیم ، اساسی‌ترین شرط را جهت شکست کلیه دشمنان بدست خواهیم آورد .

۵

برای اجرای قطعی و کامل اصلاحات ارضی و استحکام پشتگاه ارتش آزادیبخش توده‌ای ، تربیت و تجدید سازمان صفوف حزب ما ضرور است . جنبش اصلاح سبك کار در درون حزب در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی بطور کلی با موفقیت انجام پذیرفت . نمودار موفقیت عمده آن پی بردن بیشتر ارگانهای رهبری و بخش عظیمی از کادرها و اعضای حزب ما به این اصل اساسی ، یعنی وحدت حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم با پراتیک مشخص انقلاب چین است . حزب ما در اینمورد با مقایسه

با مراحل تاریخی قبل از جنگ مقاومت ضد ژاپنی گام بلندی بجلو برداشته است. اما در سازمانهای محلی و بخصوص در سازمانهای بنیادی روستائی حزب هنوز مسئله آلودگی ترکیب طبقاتی صفوف و سبک کار ما حل نشده است. طی مدت ۱۱ سال - از سال ۱۹۳۷ تا سال ۱۹۴۷ - تعداد اعضای حزب ما از چند ده هزار نفر به دو میلیون و ۷۰۰ هزار نفر رسیده است و این خود جهش بسیار بزرگی به پیش است. این امر حزب ما را به نیرومندترین حزب سیاسی در تاریخ چین تبدیل کرده است. و بدینجهت بود که ما توانستیم امپریالیسم ژاپن را از پا در آوریم، حملات چانکایشک را دفع کنیم، رهبری مناطق آزادشده با جمعیتی بیش از ۱۰۰ میلیون نفر را بکف بگیریم و ارتش آزادیبخش توده‌ای دو میلیونی را رهبری کنیم. ولی نواقص و کمبودهائی هم پیدا شده‌اند. بسیاری از مالکین، دهقانان مرفه و اراذل و اوباش با استفاده از فرصت به درون حزب ما رخنه کرده‌اند. آنها در مناطق روستائی در بسیاری از سازمانهای حزبی، ارگانهای دولتی و توده‌ای قدرت را بچنگ گرفته و بمیل خود هر کاریکه بخواهند میکنند، بر مردم تحکم میکنند و سیاست حزب را تحریف مینمایند و بدین ترتیب این سازمانها را از توده‌های مردم جدا ساخته و از اجرای کامل اصلاحات ارضی جلوگیری مینمایند. درست همین وضع وخیم است که وظیفه تربیت و تجدید سازمان صفوف حزب را در برابر ما قرار میدهد. ما بدون انجام این وظیفه قادر به پیشبرد کار خود در روستاها نخواهیم بود. کنفرانس کشوری حزب درباره مسئله ارضی پس از بررسی کامل این مسئله تدابیر و شیوه‌های مناسبی تدوین نمود. اکنون این تدابیر و شیوه‌ها همراه با قرار درباره تقسیم یکسان زمین در نقاط مختلف با قطعیت تمام بموقع اجرا گذاشته میشود. در اینجا مهمترین نکته بسط و گسترش

انتقاد و انتقاد از خود در درون حزب، افشای کامل افکار اشتباه‌آمیز و وضع و خیم سازمانهای محلی است که از مشی حزب منحرف گردیده‌اند. کلیه رفقای حزبی باید باین نکته آگاه باشند که تصفیه سازمانهای حزبی و تربیت و تجدید سازمان صفوف حزب حلقه تعیین کننده زنجیره حل مسئله ارضی و پشتیبانی از جنگ طولانی است که بحزب اسکان میدهد تا همپای وسیعترین توده‌های زحمتکش در یک جهت به پیش رود و آنها را هدایت کند.

۹

مصادره زمین‌های طبقه فئودال و واگذار کردن آنها به دهقانان؛ مصادره سرمایه انحصاری که در صدر آن چانکایشک، سون زی وین، کون سیان سی و چن لی فو قرار دارد و واگذار کردن آن به دولت دموکراتیک نوین؛ حمایت از صنایع و بازرگانی بورژوازی ملی - اینست سه سیاست عمده اقتصادی انقلاب دموکراتیک نوین. چهار فاسیل بزرگ - چانکایشک، سون زی وین، کون سیان سی و چن لی فو - طی بیست سال حکومت خود ثروت هنگفتی بالغ بر ۱۰ تا ۲۰ میلیارد دلار آمریکائی بهم زده‌اند و تمام رشته‌های حیاتی اقتصاد کشور را به انحصار خود در آورده‌اند. این سرمایه انحصاری با آمیختن با قدرت دولتی به سرمایه‌داری انحصاری دولتی مبدل شده است. این سرمایه‌داری انحصاری با پیوند نزدیکی که با امپریالیسم خارجی، طبقه مالکان و دهقانان سرفه طراز کهن داخلی یافته است، به سرمایه‌داری انحصاری دولتی کمپرادور و فئودالی بدل گردیده‌است. این است پایه اقتصادی قدرت سیاسی ارتجاعی چانکایشک. این سرمایه‌داری انحصاری دولتی نه فقط به کارگران و

دهقانان بلکه به خرده بورژوازی شهری ستم روا میدارد و نیز به بورژوازی متوسط خساراتی وارد میآورد. در طول جنگ مقاومت ضد ژاپنی و بعد از تسلیم ژاپن این سرمایه‌داری انحصاری دولتی به حداکثر رشد خود رسید و شرایط مادی کاملی برای اجرای انقلاب دموکراتیک نوین فراهم آورد. این سرمایه در چین معمولاً سرمایه بوروکراتیک خوانده میشود و این بخش از سرمایه‌داران معروف به سرمایه‌داران بوروکراتیک را بورژوازی بزرگ چین مینامند. وظایف انقلاب دموکراتیک نوین در داخل کشور علاوه بر لغو امتیازات امپریالیستها در چین عبارت است از برانداختن استثمار و مظلوم طبقه مالکان و سرمایه‌داران بوروکراتیک (بورژوازی بزرگ)، تغییر مناسبات تولیدی کمپرادور - فئودالی و آزاد کردن نیروهای مولده. قشرهای فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط که از این طبقات و حاکمیت دولتی رنج و خسران میبرند، علی‌رغم تعلقی که به بورژوازی دارند، میتوانند در انقلاب دموکراتیک نوین شرکت جویند یا بیطرف بمانند. اینان که با امپریالیسم پیوندی نداشته و یا پیوند سستی دارند، بورژوازی ملی واقعی را تشکیل میدهند. قدرت سیاسی دولت دموکراتیک نوین در هر جا که مستقر شود، باید این قشرها را با قطعیت و بدون چون و چرا مورد حمایت قرار دهد. در مناطق تحت حکومت چانگ‌کیشک عده خیلی از افراد قشرهای فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط - عناصر دست راست این قشرها - دارای گرایشهای سیاسی ارتجاعی بوده و با اشاعه تصورات واهی نسبت به امپریالیسم آمریکا و دارودسته مرتجع چانگ‌کیشک علیه انقلاب دموکراتیک خلق قدامت میکنند. ما بمحض مشاهده نفوذ این گرایشهای ارتجاعی در میان توده‌ها باید با عریان ساختن ماهیت واقعی آنان در برابر توده‌ها

نفوذ سیاسی آنها را در میان مردم خنثی کرده و توده‌ها را از بند آن نجات دهیم. ولی حملات سیاسی و نابودی اقتصادی دو موضوع کاملاً گوناگونند؛ این خطا خواهد بود اگر ما این دو را باهم مخلوط کنیم. انقلاب دموکراتیک نوین تنها فتودالیسم و سرمایه‌داری انحصاری - طبقه مالکین و بورژوازی بوروکراتیک (بورژوازی بزرگ) - را از میان بر میدارد، ولی هدفش از میان برداشتن سرمایه‌داری بطور اعم و قشرهای فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط نیست. بعزت عقب ماندگی اقتصاد چین، حتی پس از پیروزی انقلاب در سراسر کشور نیز وجود يك بخش کاپیتالیستی اقتصاد ملی متعلق به قشر فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط برای يك مدت طولانی هنوز مجاز خواهد بود و بعلاوه طبق اصل تقسیم کار اقتصاد ملی، رشد و توسعه معین کلیه آن عناصر بخش کاپیتالیستی که بنفع اقتصاد ملی است، لزومی خواهد بود؛ این بخش کاپیتالیستی جزء لاینفک اقتصاد ملی خواهد بود. قشر فوقانی خرده بورژوازی که در اینجا بدان اشاره شد، صاحبان مؤسسات کوچک صنعتی و بازرگانی هستند که کارگر و یا فروشنده اجیر میکنند. علاوه بر این، عده زیادی از پیشه‌وران مستقل و تجار خرده پا هم وجود دارند که نه کارگری اجیر میکنند و نه فروشنده‌ای، و بدیهی است که باید آنها را مورد حمایت کامل قرار داد. پس از پیروزی انقلاب در سراسر کشور، مؤسسات دولتی بزرگ که از بورژوازی بوروکراتیک گرفته شده‌اند و بر تمام رشته‌های حیاتی اقتصاد ملی نظارت میکنند، بمالکیت دولت دموکراتیک نوین در خواهند آمد؛ بعلاوه، يك اقتصاد کشاورزی آزاد از فتودالیسم وجود خواهد داشت که هر چند برای مدتی طولانی اساساً بطور پراکنده و منفرد اداره خواهد شد، ولی در آینده بتدریج بسوی

کشوراتیوه شدن خواهد رفت . در چنین شرایطی ، موجودیت و رشد این بخش از سرمایه‌داری کوچک و متوسط هیچگونه خطری ندارد . در مورد اقتصاد دهقانان نو سرفه که الزاماً بعد از اصلاحات ارضی در روستاها پدید میاید ، نیز اصل فوق صادق است . و بهیچوجه نباید آن سیاست چپ افراطی نادرست را نسبت به بخش اقتصادی قشر فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط تکرار کنیم که حزب ما در دوره ۱۹۳۱ - ۱۹۳۴ در پیش گرفته بود (مانند تقاضاهای بیمورد بنفع کارگران ؛ مالیات بر درآمد بیش از حد ؛ تجاوز به منافع صاحبان صنایع و بازرگانان در جریان اجرای اصلاحات ارضی ؛ و اتخاذ سیاست کوتاه‌نظرانه و یکجانبه برای باصطلاح ” رفاه زحمتکشان ” بعوض اتخاذ سیاستی جهت رشد و توسعه تولید ، اعتلای اقتصاد ، توجه کردن به منافع عمومی و خصوصی و تأمین منافع کار و سرمایه) . مسلم است که تکرار این اشتباهات به منافع توده‌های زحمتکش و همچنین به منافع دولت دموکراتیک نوین زیان میرساند . یکی از مواد برنامه قانون ارضی چین میگوید : ” دارائی و اموال و فعالیت قانونی صاحبان صنایع و بازرگانان باید از تجاوز مصون بمانند . ” در اینجا مقصود از صاحبان صنایع و بازرگانان تمام پیشه‌وران مستقل و تجار کوچک و همچنین کلیه سرمایه‌داران کوچک و متوسط است . بطور کلی ، ترکیب اقتصاد چین نوین بدینقرار خواهد بود :

- ۱ - اقتصاد دولتی بمشابه بخش رهبری کننده ؛ ۲ - اقتصاد کشاورزی که بتدریج از شکل انفرادی به شکل کلکتیو رشد مییابد ؛ ۳ - بخش پیشه‌وران مستقل و تجار کوچک و همچنین اقتصاد سرمایه‌داری شخصی کوچک و متوسط . اینها همه در مجموع تشکیل دهنده اقتصاد ملی دموکراتیک نوین هستند . اما اصول هدایت کننده در اقتصاد ملی دموکراتیک

نوین باید مستقیماً به هدف عمومی دایر بر رشد و توسعه تولید ، اعتلای اقتصاد ، توجه کردن به منافع عمومی و خصوصی و تأمین منافع کار و سرمایه خدمت کند . هر گونه رهنمود ، سیاست و تدبیر دیگری که مغایر این هدف عمومی باشد ، نادرست است .

۷

ارتش آزادیبخش توده‌ای در اکتبر سال ۱۹۴۷ مانیفستی انتشار داد که در قسمتی از آن گفته میشود :

متحد ساختن کلیه طبقات ستمکش — کارگران ، دهقانان ، سربازان ، روشنفکران و بازرگانان — ، کلیه سازمانهای توده‌ای ، کلیه احزاب دموکراتیک ، کلیه اقلیت‌های ملی ، کلیه مهاجرین چینی و سایر میهن‌پرستان ؛ تشکیل جبهه متحد ملی ؛ سرنگون ساختن حکومت دیکتاتوری چانگ‌کائیشک و تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی .

این برنامه سیاسی اساسی ارتش آزادیبخش توده‌ای و حزب کمونیست چین است . ظاهراً چنین به نظر میرسد که اکنون جبهه متحد ملی انقلابی ما در قیاس با دوره جنگ مقاومت ضد ژاپنی کوچک‌تر شده است . ولی در حقیقت درست در مرحله کنونی ، پس از آنکه چانگ‌کائیشک منافع ملی را تسلیم امپریالیسم آمریکا نمود و جنگ ضد خلقی داخلی را در سراسر کشور بر پا ساخت ، و پس از آنکه جنایات و تبهکاریهای امپریالیستهای آمریکا و دارودسته حاکم مرتجع چانگ‌کائیشک در برابر خلق چین کاملاً افشاء گردیده‌اند ، جبهه متحد ملی ما واقعاً وسعت پیدا کرده است . چانگ‌کائیشک و گومیندان در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی هنوز

نفوذ و اعتبار خود را در میان مردم چین کاملاً از دست نداده بود و هنوز برای گمراه کردن خلق چین امکانات بسیاری در اختیار داشت. ولی در حال حاضر وضع دیگر تغییر یافته است و اعمال آنان که نشاندهنده کذب گفتارشان است، آنها را از توده‌های مردم بکلی جدا ساخته و به افراد مطلق کشانده است. حزب کمونیست چین، بعکس گویندگان، نه تنها در مناطق آزادشده از اعتماد کامل توده‌های وسیع مردم برخوردار است، بلکه مورد پشتیبانی توده‌های وسیع مردم مناطق و شهرهای بزرگ تحت حکومت گویندگان نیز واقع شده است. اگر در سال ۱۹۴۶ در مناطق تحت حکومت چانکایشک هنوز بخشی از روشنفکران قشر فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط امیدی بیک باصطلاح "راه سوم" (۸) داشته بودند، اکنون دیگر این امید نقش بر آب شده است. حزب ما بعلت اتخاذ یک سیاست ارضی کامل از پشتیبانی صمیمی توده‌های دهقانی بمراتب وسیعتر از دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی برخوردار است. تجاوز امپریالیسم آمریکا، مظالم چانکایشک و سیاست صحیح حزب ما در راه حفظ قاطع منافع توده‌های مردم مسبب شده است که حزب ما در مناطق تحت حکومت گویندگان از همدردی و علاقه توده‌های وسیع طبقه کارگر، طبقه دهقان، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی متوسط برخوردار شود. توده‌های مردم بعلت وجود گرسنگی، ستم سیاسی و جنگ داخلی ضد خلقی چانکایشک که تمام امکانات زندگی را بروی آنها بسته است، پیگیرانه علیه امپریالیسم آمریکا و حکومت ارتجاعی چانکایشک به مبارزه بسیخیزند؛ و شعارهای اساسی خود را علیه گرسنگی، علیه ستمگری، علیه جنگ داخلی، علیه مداخله ایالات متحده آمریکا در امور داخلی چین متوجه میسازند. آگاهی آنها چه در دوران

قبل از جنگ مقاومت ضد ژاپنی و چه در اثنای جنگ و چه بعد از تسلیم ژاپن ، هیچگاه به درجه اسروزی نرسیده بود . بدین لحاظ است که ما میگوئیم امروز جبهه متحد انقلابی دموکراتیک نوین وسیعتر و مستحکمتر از هر زمان دیگر گردیده است . این واقعیت فقط در نتیجه سیاست ما در روستاها و شهرها بوجود نیامده است ، بلکه به اوضاع عمومی سیاسی یعنی به پیروزی ارتش آزادیبخش توده‌ای ، گذار واحدهای نظامی چانکایشک از تعرض به دفاع و گذار ارتش آزادیبخش توده‌ای از دفاع به تعرض و همچنین اوج جدید انقلاب چین نیز مستقیماً مربوط است . اکنون مردم به چشم خود می‌بینند که اضمحلال رژیم چانکایشک امری اجتناب‌ناپذیر است و از اینرو تمام امید خود را به حزب کمونیست چین و ارتش آزادیبخش توده‌ای می‌بندند ، و این امری طبیعی است . پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در چین بدون وجود وسیعترین جبهه متحد اکثریت قاطع مردم کشور امکان‌پذیر نیست . بعلاوه ، این جبهه متحد باید تحت رهبری استوار حزب کمونیست چین قرار گیرد . بدون رهبری استوار حزب کمونیست چین هیچ جبهه متحد انقلابی قادر به کسب پیروزی نیست . در سال ۱۹۲۷ ، هنگامیکه لشکرکشی بشمال به نقطه اوج خود رسیده بود ، تسلیم طلبان در دستگاه رهبری حزب ما داوطلبانه از رهبری توده‌های دهقانی ، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی متوسط و بخصوص از رهبری نیروهای مسلح دست کشیدند و بدینترتیب انقلاب را دستخوش شکست ساختند . در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی حزب ما علیه نظراتی نظیر اینگونه نظرات تسلیم طلبانه مبارزه کرد ، یعنی علیه نظرات کسانی که نسبت به سیاست ضد خلقی گومیندان گذشت می‌کردند ، به گومیندان بیشتر از توده‌های خلق اعتماد داشتند ، به بسیج بی‌پروای

توده‌ها برای مبارزه و به توسعه مناطق آزادشده و افزایش نیروهای مسلح خلق در مناطق اشغالی ژاپنیها جرأت نمیکردند و رهبری جنگ مقاومت ضد ژاپنی را بدست گومیندان میسپردند. حزب ما علیه این نظرات پوسیده و سست پایه که مغایر اصول مارکسیسم - لنینیسم میباشد، قاطعانه مبارزه کرد و مشی سیاسی "توسعه نیروهای مترقی، جلب نیروهای بینایینی و متفرد ساختن نیروهای سرسخت" را بطور قطع اجرا نمود و با قطعیت تمام مناطق آزادشده و ارتش آزادیبخش توده‌ای را بسط و توسعه داد. این امر نه تنها پیروزی حزب ما را بر امپریالیسم ژاپن هنگام تجاوزش تأمین کرد، بلکه تضمین نمود که حزب ما بتواند در دوران پس از تسلیم ژاپن، یعنی هنگامیکه چانگ‌کیشک به جنگ ضد انقلابی دست زد، با موفقیت و بدون تلفات در راه جنگ انقلابی خلق علیه جنگ ضد انقلابی چانگ‌کیشک قدم گذارد و در مدت کوتاهی پیروزیهای عظیمی کسب کند. کلیه رفقای حزبی باید این درسهای تاریخی را همواره بخاطر داشته باشند.

۸

دارودسته مرتجعین چانگ‌کیشک که در سال ۱۹۴۶ جنگ داخلی ضد خلقی را در سراسر کشور برپا کرده‌اند، بدین علت جرأت اقدام بیک چنین ماجراجویی جنگی را یافتند که علاوه بر اتکاء به قدرت برتر نظامی خود، بطور عمده به امپریالیسم آمریکا که بمب اتمی در اختیار دارد و به تصور آنها "فوق‌العاده مقتدر" و "شکست‌ناپذیر" است، تکیه میکردند. آنها از يك طرف گمان میکردند که امپریالیسم آمریکا میتواند بطور مستمر

احتیاجات نظامی و مالی آنها را برطرف سازد ؛ و از طرف دیگر با گستاخی تمام به تبلیغ درباره "ناگزیری جنگ بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی" و "ناگزیری سومین جنگ جهانی" میپرداختند . بعد از جنگ جهانی دوم وجه مشترك کلیه نیروهای ارتجاعی جهان را يك چنین وابستگی نسبت به امپریالیسم آمریکا تشکیل میدهد . این منعکس کننده ضربات سختی است که در جنگ جهانی دوم بر سرمایه‌داری جهانی وارد آمده و همچنین نمودار ترس و وحشت و ضعف و عدم اطمینان نیروهای ارتجاعی کلیه کشورها و تجلی بخش قدرت نیروهای انقلابی جهان است — این عوامل همگی باعث میشوند که مرتجعین همه کشورها در برابر خود راه دیگری بجز اتکاء به کمک امپریالیسم آمریکا نبینند . ولی آیا امپریالیسم آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم واقعاً آنقدر مقتدر شده است که چانکایشك و مرتجعین کشورهای مختلف تصور میکنند ؟ آیا امپریالیسم آمریکا واقعاً قادر به تأمین مستمر احتیاجات چانکایشك و مرتجعین کشورهای مختلف است ؟ خیر ، بهیچوجه . قدرت اقتصادی امپریالیسم آمریکا که در اثنای جنگ جهانی دوم رشد یافته بود ، با بی‌ثباتی و انقباض دائمی بازارهای داخلی و خارجی مواجه شده‌است و انقباض آتی این بازارها ناگزیر موجب انفجار بحران اقتصادی خواهد گردید . پیشرفت و ترقی ایالات متحده آمریکا در طول جنگ فقط پدیده‌ای موقتی است . قدرت ایالات متحده آمریکا نیز پدیده‌ای فقط سطحی و گذراست . تضادهای حل نشدنی داخلی و خارجی ، چون کوه آتشفشان ، امپریالیسم آمریکا را همه روزه مورد تهدید قرار میدهند . امپریالیسم آمریکا درست بر قله این کوه آتشفشان نشسته است . این اوضاع و احوالی است که امپریالیستهای آمریکا را به تدوین نقشه اسارت جهان

و داشته است. آنها چون درندگان به اروپا و آسیا و سایر نقاط جهان یورش می‌برند و با تجمع نیروهای ارتجاعی کشورهای مختلف — این تفاله‌های مورد تنفر خلقها — و با متشکل ساختن اردوگاه امپریالیستی و ضد دموکراتیک که علیه کلیه نیروهای دموکراتیک و در رأس آنها اتحاد شوروی متوجه است، به تدارک جنگ می‌پردازند بامید اینکه شاید در آینده دور روزی موفق به برافروختن آتش سوین جنگ جهانی جهت نابودی نیروهای دموکراتیک گردند. این نقشه‌ای جنون‌آمیز است. نیروهای دموکراتیک جهان موظف به عقیم گذاشتن این نقشه هستند و مسلماً هم بدان قادر خواهند بود. قدرت اردوگاه ضد امپریالیستی جهان بر قدرت اردوگاه امپریالیستی پیشی بسته است. اکنون این ما هستیم که برتری یافته‌ایم، نه دشمن. اردوگاه ضد امپریالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی، دیگر تشکیل یافته است. اتحاد شوروی سوسیالیستی که عاری از بحران است و در راه رشد و ترقی سیر میکند، از پشتیبانی و علاقه توده‌های وسیع مردم جهان برخوردار است و قدرتش بر قدرت آمریکای امپریالیستی که مورد تهدید جدی بحران قرار گرفته، رو به اضمحلال نهاده و با مخالفت توده‌های وسیع مردم جهان روبرو گشته است، تفوق بسته است. کشورهای دموکراتیک توده‌ای اروپا استحکام درونی می‌یابند و با یکدیگر متحد میشوند. در کشورهای سرمایه‌داری اروپا نیروهای ضد امپریالیستی به پیشاهنگی خلقهای فرانسه و ایتالیا بسط و توسعه می‌یابند. در ایالات متحده آمریکا نیروهای دموکراتیک خلق روز بروز نیرومندتر می‌گردند. خلقهای آمریکای لاتین نیز دیگر برده مطیع امپریالیسم آمریکا نیستند. سراسر آسیا را جنبش عظیم آزادیبخش ملی فرا گرفته است. کلیه نیروهای اردوگاه ضد امپریالیستی در اتحاد با یکدیگر

به پیش گام برمیدارند. احزاب کمونیستی و کارگری نه کشور اروپائی به تشکیل يك بوروی اطلاعاتی اقدام کرده‌اند و به خلقهای سراسر جهان برای برخاستن علیه نقشه‌های اسارت‌آور امپریالیستی پیامی صادر کرده‌اند (۹). این پیام به خلقهای ستمدیده سراسر جهان الهام بخشیده، سمت مبارزه آنها را روشن ساخته و اعتماد آنها را به پیروزی تقویت کرده‌است. بعکس مرتجعین جهان از این پیام سخت بوحشت افتاده‌اند. در کشورهای مشرق زمین نیز کلیه نیروهای ضد امپریالیستی باید بمنظور مبارزه علیه ظلم و ستم امپریالیسم و ارتجاع داخلی با یکدیگر متحد شوند و آزادی بیش از يك سیلیارد انسانهای ستمدیده مشرق زمین را هدف مبارزه خود قرار دهند. سرنوشت ما مسلماً باید بدست خودمان افتد. ما باید صفوفمانرا از هر گونه روحیه سستی و ناتوانی پاک کنیم. کلیه نظراتی که به نیروهای دشمن پربها داده و به نیروهای خلق کم‌بها میدهد، نادرست است. چنانچه ما همدوش کلیه نیروهای دموکراتیک جهان تمام سعی و کوشش خود را بکار بندیم، مسلماً قادر خواهیم بود نقشه‌های اسارت‌آور امپریالیستی را خنثی سازیم و از وقوع جنگ جهانی سوم جلوگیری نمائیم و طومار سلطه همه مرتجعین را بر چینیم و به صلح پایدار بشریت دست یابیم. ما بخوبی واقفیم که در راه پیشرفت ما موانع و مشکلات گوناگونی موجود است و باید آماده روبرو شدن با مقاومت سرسختانه و مبارزه ناامیدانه کلیه دشمنان داخلی و خارجی خود شویم. ولی فقط در صورت تسلط بر علم مارکسیسم - لنینیسم، اعتماد به توده‌های مردم، ایجاد وحدت فشرده با توده‌ها و رهبری آنها در شاهراه پیشرفت و ترقی، کاملاً قادر به رفع هر گونه مانع و مشکلی خواهیم شد. قدرت ما شکست‌ناپذیر است. دوران تاریخی کنونی

دورانی است که در آن سرمایه‌داری و امپریالیسم در سراسر جهان بسوی اضمحلال می‌گراید و سوسیالیسم و دموکراسی توده‌ای در سراسر جهان بسوی پیروزی گام برمی‌دارد؛ طلوع شفق صبح نزدیک می‌شود، ما باید با تمام نیرو کوشش کنیم.

یادداشتها

- ۱ - درباره اینکه ارتش آزادیبخش توده‌ای چین چگونه در جبهه‌های مختلف متوالیاً به تعرض روی آورد و دامنه نبرد را به مناطق تحت حکومت گومیندان کشاند، رجوع کنید به «در باره پیروزی بزرگ در شمال غربی و جنبش طراز نوین برای تربیت ایدئولوژیک در ارتش آزادیبخش»، یادداشت ۲، جلد حاضر.
- ۲ - لیو جی رئیس اداره استقرار نظم و آرامش در جن جو (از استان حه نان) بعلت شکستی که در سپتامبر ۱۹۴۶ در نبرد دین تائو (جنوب غربی شان دون) متحمل شد، در نوامبر ۱۹۴۶ از کار برکنار گردید. سیوه یوه رئیس اداره استقرار نظم و آرامش در سیو جو (از استان جیان سو) نیز بعلت شکستهای سختی که قوای نظامی تحت فرماندهی وی در نبرد شمال سو سیان (از استان جیان سو) در دسامبر ۱۹۴۶ و در نبرد جنوب شان دون در ژانویه ۱۹۴۷ و در نبرد لای او (شان دون مرکزی) در فوریه ۱۹۴۷ متحمل شده بود، در مارس ۱۹۴۷ از مقام خود معزول گردید. او چی وی معاون آن اداره هم بعلت شکست در نبرد شمال سو سیان (بتاریخ دسامبر ۱۹۴۶)، در مارس ۱۹۴۷ از شغل خود منفصل شد. تان تن یوه فرمانده ارتش اول گومیندان بعلت نابود شدن لشکر ۷۴ جدید گومیندان (در ماه مه سال ۱۹۴۷) در نبرد مون لیان گو (جنوب شان دون) در ژوئن ۱۹۴۷ تغییر مقام یافت. وان جون لیان فرمانده ارتش چهارم گومیندان در ماه اوت ۱۹۴۷ بعلت شکست در نبرد جنوب غربی شان دون (در ماه ژوئیه) از خدمت معزول گردید. دویو مین فرمانده ستاد کل امنیت در شمال شرقی و سیون شی هوی رئیس ستاد کل ژنرالسیسم در شمال شرقی بعلت اینکه ارتش آزادیبخش توده‌ای طی تعرض تابستانی خود در ماه ژوئن ۱۹۴۷ در شمال شرقی شکستهای

خوردکننده‌ای به آنها وارد آورده بود ، از کار برکنار گشتند . سون لیان جون فرمانده منطقه جنگی شماره ۱۱ گومیندان بریاست اداره استقرار نظم و آرامش در بائو دین (از استان حه به) تنزل مقام یافت ، زیرا در نبرد چینگ - تسان و نبرد سیو شوی واقع در شمال بائو دین در ماه ژوئن ۱۹۴۷ شکست خورده بود . چن چن رئیس ستاد کل چانگکایشک نیز در اوت ۱۹۴۷ به حکمرانی استانهای شمال شرقی تنزل رتبه یافت ، زیرا در تمام نبردهائیکه تحت فرماندهی او در استان شان دون انجام یافتند ، دچار شکست گردیده بود .

۳ - این مربوط به « رهنمود درباره مسئله ارضی » است که از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در چهارم ماه مه ۱۹۴۶ انتشار یافته است . مراجعه شود به « تراژنامه سه ماهه » یادداشت ۴ ، جلد حاضر .

۴ - کنفرانس ارضی سرتاسری کشور حزب کمونیست چین در سپتامبر ۱۹۴۷ در دهکده سی بای پوه واقع در شهرستان پین شان از استان حه به تشکیل گردید . « برنامه قانون ارضی چین » که در تاریخ ۱۳ سپتامبر بتصویب کنفرانس رسیده بود ، از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ۱۰ اکتبر ۱۹۴۷ انتشار یافت . در این قانون مواد ذیل قید شده است :

الغاء سیستم استثماری فئودالی ونیمه فئودالی ارضی واستقرار سیستم زمین از آن کشتکار ؛

مصادره تمام زمینهای مالکین ودولت در روستاها از طرف اتحادیه‌های دهقانی محل وتقسیم یکسان آنها بضمیمه تمام زمینهای دیگر بین همه اهالی روستاها صرفنظر از جنس وسن آنها ؛

ضبط حیوانات بارکش ، ابزارهای کشاورزی ، مساکن ، غله وبقیه ثروت ودارائی مالکین از طرف اتحادیه‌های دهقانی دهکده‌ها ، مصادره مازاد مال وثروت دهقانان مرفه وتقسیم آنها بین دهقانان وسایر مردم فقیر ومحتاج وتخصیص سهمیه مساوی به مالکین .

برنامه قانون ارضی اصل " مصادره زمینهای مالکین وتقسیم آنها بین دهقانان " را در « رهنمود چهارم مه » سال ۱۹۴۶ تأیید میکند وعلاوه بر این نقایص موجود در آن دستورات را دایر بر توجه زیاد از حد به بعضی از مالکین ، اصلاح مینماید .
۵ - در عمل تغییرات چندی در طرز تقسیم یکسان زمین طبق « برنامه قانون ارضی چین » صورت گرفت . در فوریه ۱۹۴۸ کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در « دستورات درباره اجرای اصلاحات ارضی وتحکیم حزب در مناطق قدیم

و نسبتاً قدیم « تصریح نمود که در این مناطق که سیستم فئودالی دیگر وارثگون گردیده است ، احتیاجی به تقسیم مجدد زمین نیست ، بلکه در صورت لزوم باید به دهقانان فقیر و دهقانان مزدور که هنوز بطور کامل از قید یوغ فئودالی خلاص نشده‌اند ، مقداری زمین و سایر وسایل تولید داده شود که از محل ضبط زمین و وسایل تولید اضافی و یا مرغوب‌تر دیگران تأمین میشود . بعلاوه باید به دهقانان میانه حال اجازه مالکیت زمین بیشتری از آنچه دهقانان فقیر بطور متوسط دارا هستند ، داده شود . در مناطقی که سیستم فئودالی هنوز موجود است ، تقسیم یکسان بطور عمده به زمینها و دارائی و ثروت مالکین و مازاد زمینها و ثروت دهقانان مرفه قدیمی محدود میشود . در تمام این مناطق مصادره مازاد زمین دهقانان میانه حال و دهقانان مرفه نوین بمنظور تنظیم تقسیم یکسان تنها در صورت لزوم و با موافقت صاحب ملک انجام می‌یابد ، در جریان اصلاحات ارضی در مناطق تازه آزاد شده از دهقانان میانه حال زمینی گرفته نمیشود .

۶ - مسئله دهقانان مرفه در جریان اصلاحات ارضی مسئله ویژه‌ای بود که از شرایط مشخص تاریخی و اقتصادی چین سرچشمه میگرفت . دهقانان مرفه چین از دو جنبه با دهقانان مرفه بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری متفاوتند : آنها بطور کلی وبافنده زیاد دارای خصلت استثمار فئودالی و نیمه فئودالی بودند وبعلاوه این اقتصاد دهقانی مرفه در اقتصاد کشاورزی کشور موضع چندانی مبنی را اشغال نمیکرد . توده‌های وسیع دهقانان فقیر و دهقانان مزدور در مبارزه علیه استثمار فئودالی طبقه مالکین چین خواستار برانداختن استثمار فئودالی و نیمه فئودالی دهقانان مرفه نیز بودند . سیاست حزب کمونیست چین در طول جنگ آزادیبخش عبارت بود از مصادره مازاد زمین و ثروت دهقانان مرفه برای تقسیم بین دهقانان بمنظور تأمین خواست توده‌های دهقانان فقیر و دهقانان مزدور ، و این خود وسیله‌ای بود که پیروزی در جنگ آزادیبخش توده‌ای را تضمین میکرد . در ماه فوریه سال ۱۹۴۸ ، وقتی که مبارزه به فرجام ظفرنمون خود نزدیک میشد ، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین رهنمودهای نوینی برای اصلاحات ارضی در مناطق تازه آزاد شده اتخاذ کرد که منبایستی در دو مرحله اجرا شوند : مرحله اول دهقانان مرفه را بیطرف میساخت و ضربه اصلی را بر مالکین و بخصوص بر مالکین بزرگ متمرکز میساخت ؛ در مرحله دوم زمینهای مالکین و همینطور زمینهای دهقانان مرفه اجازه میکردند و مازاد زمینهای آنها تقسیم میشد ، ولی در این مرحله نیز طرز برخورد با دهقانان مرفه با مالکین تفاوت داشت (مراجعه شود به « نکات اساسی درباره اصلاحات ارضی

در مناطق آزادشده جدید « ، جلد حاضر) . پس از تشکیل جمهوری توده‌ای چین ، دولت توده‌ای مرکزی در ماه ژوئن سال ۱۹۵۰ قانونی درباره اصلاحات ارضی بتصویب رسانید که در آن تصریح میشود تنها زمینهایی که دهقانان مرفه در اجاره دارند ، بطور قسمتی و یا کاملاً مصادره میشوند ، در حالیکه از بقیه املاک و ثروت آنان محافظت خواهد شد . در مرحله آتی انقلاب سوسیالیستی اقتصاد دهقانی مرفه با تعمیق جنبش برای کثوپراتیوه کردن اقتصاد کشاورزی و رشد اقتصادی روستائی از میان رفت .

۷ - این بهمنای آنستکه کمیت و کیفیت زمینهای يك خانواده دهقان مرفه بطور متوسط بیشتر و بهتر از يك خانواده دهقان فقیر بوده‌است . در مقیاس کشوری مالکیت بر وسایل تولید از طرف دهقانان مرفه و کمیت تولیدات کشاورزی آنها ناچیز بود . اقتصاد دهقانی مرفه موضع مهمی در اقتصاد کشاورزی چین اشغال نمیکرد .

۸ - بعضی از شخصیتهای دموکراتیک در اوایل جنگ آزادیبخش توده‌ای گمان میکردند که میتوانند بجز دیکتاتوری مالکین بزرگ و بورژوازی بزرگ برهبری گویندگان و بجز دیکتاتوری دموکراتیک خلق برهبری حزب کمونیست چین ، راه بااصطلاح سومی بجویند . ولی این راه در واقع هیچ چیز دیگری بجز راه دیکتاتوری بورژوازی طبق الگوی انگلستان و آمریکا نبود .

۹ - در سپتامبر ۱۹۴۷ بوروی اطلاعاتی احزاب کمونیستی و کارگری در کنفرانس ورشو تشکیل گردید که در آن نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری بلغارستان ، رومانی ، مجارستان ، لهستان ، اتحاد شوروی ، فرانسه ، چکسلواکی ، ایتالیا و یوگوسلاوی شرکت داشتند . چندی بعد ، در کنفرانسی که در ماه ژوئن ۱۹۴۸ در رومانی تشکیل یافت ، بورو ، حزب کمونیست یوگوسلاوی را که بر نظرات ضد مارکسیستی - لنینیستی خود پافشاری میکرد و موضع خصمانه‌ای نسبت به اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیستی اتخاذ کرده بود ، اخراج نمود . پیامی که بوروی اطلاعاتی به خلقهای سراسر جهان جهت مبارزه علیه نقشه‌های اسارت‌آور امپریالیستی فرستاده بود و در اینجا مورد اشاره رفیق مائو تسه دون قرار گرفته ، « اعلامیه درباره اوضاع بین‌المللی » بوده‌است که از طرف بوروی اطلاعاتی در نشست سپتامبر ۱۹۴۷ خود بتصویب رسیده‌است .

در باره برقراری سیستم گزارش دهی

(۷ ژانویه ۱۹۴۸)

بمنظور اینکه اطلاعات بموقع به کمیته مرکزی برسد تا وی بتواند کلیه مناطق را ، خواه پیش از اقدام و خواه پس از آن ، در اجتناب از خطاها و یا در کاهش تعداد آنها یاری دهد و باین طریق پیروزی‌های باز هم بزرگتری در جنگ انقلابی بدست آید از اسسال بعد سیستم گزارش دهی برقرار میشود که چنین است :

۱ - دیر هر بورو و هر سوبورو کمیته مرکزی باید هر دو ماه یک گزارش عمومی به کمیته مرکزی و صدر آن تسلیم کند (که بوسیله خود او تنظیم شده باشد نه بوسیله معاونانش) . گزارش مذکور برای هر منطقه باید شامل باشد بر فعالیت در زمینه‌های نظامی ، سیاسی ، اصلاحات ارضی ، تحکیم حزب ، اقتصاد ، تبلیغات و فرهنگ ، مسائل

وهمود برای حزب که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است . سیستم گزارش دهی که در این رهنمود مقرر گردیده نشانه آن بود که مبارزه متمادی کمیته مرکزی ، در حراست جازمانه مرکزیت دموکراتیک و جلوگیری از گرایش به بی انضباطی و آنارشیزم در شرایط تازه توسعه یافته است . این مسئله در آن موقع اهمیتی خاص داشت زیرا که در وضعیت

و گرایش‌هایی که در این فعالیت‌ها بظهور رسیده و شیوه‌هایی که برای حل آنها بکار رفته است. هر گزارش محدود خواهد بود به قریب هزار کلمه، و جز در موارد خاص نباید از دو هزار کلمه تجاوز کند. اگر کلیه مسائل در يك گزارش نگنجد دو گزارش نوشته خواهد شد. و یا اینکه گزارش نخستین فقط شامل برخی از مسائل خواهد بود و از سایر مسائل باختصار یاد خواهد کرد و گزارش بعدی بطور عمده شامل مسائل اخیر خواهد بود و از مسائل نخستین باختصار خواهد گذشت. گزارش عمومی باید منحصر بمطالب اساسی باشد و با سبکی منسجم نگاشته شود. گزارش عمومی، مسائل و یا نکات مورد اختلاف را متذکر خواهد شد. این گزارش باید در ده روزه اول هر يك از ماه‌های فرد (۱) نوشته و بوسیله تلگراف ارسال گردد. اینست گزارش منظم و درخواست راهنمایی که دیر هر بورو و یا سوبورو شخصاً موظف است به کمیته مرکزی و صدر آن تسلیم کند. هر گاه دیر برای رهبری عملیات نظامی بجبهه رفته باشد باید علاوه بر گزارش‌هایی که شخصاً میدهد دیر موقت و یا معاون خود را موظف گرداند که گزارش‌هایی درباره فعالیت‌های پشت جبهه تنظیم نمایند. گزارش‌ها و درخواست‌های

انقلابی پیشرفت‌های عظیمی روی داده بود: بسیاری از مناطق آزاد شده بهم پیوند یافته و منطقه واحدی بوجود آورده بودند، بسیاری از شهرها آزاد شده و یا نزدیک به آزاد شدن بودند، ارتش آزادیبخش توده‌ای باز هم بیشتر جنبه ارتش منظم یافته بود، جنگ آزادیبخش توده‌ای باز هم بیشتر بصورت جنگ منظم در آمده بود، و پیروزی در مقیاس سراسر کشور به چشم می‌خورد. این وضعیت ایجاب میکرد که حزب هرگونه بی‌انضباطی یا آنارشی را در درون خویش و در ارتش

راهنمایی که بوروها و سوبوروها در مواقع مختلف مانند سابق به کمیته مرکزی تسلیم خواهند کرد مشمول تصمیمات بالا نمیشود .

ما این سیستم گزارش دهی درباره سیاست حزب را ، این گزارش های عمومی منظم و درخواست های راهنمایی را مقرر داشتیم زیرا که از کنگره هفتم حزب تا امروز هنوز بعضی (و فقط بعضی) از رفقای بوروها و سوبوروها ضرورت و اهمیت گزارش دهی به کمیته مرکزی و درخواست راهنمایی از او را خواه پیش از اقدام و خواه پس از آن ، در نیافته اند و فقط در باره مسائل تکنیکی به ارسال گزارش و درخواست راهنمایی دست میزنند . نتیجه این شد که چون کمیته مرکزی در باره فعالیت ها و اقدامات سیاسی مهمی که آنها بعمل آورده بودند (صحبت بر سر فعالیت ها و اقدامات سیاسی که در درجه دوم اهمیت اند و یا جنبه تکنیکی دارند نیست) روشن نبود و یا باندازه کافی روشن نبود مواردی پیش آمد که اصلاح آنها امکان نداشت و یا دشوار بود و نیز مواردی پیش آمد که بما صدمه زد و حال آنکه اصلاح آنها امکان پذیر بود . بر عکس ، بوروها و سوبوروهای که قبلاً راهنمایی خواسته و پس از هر اقدام گزارش داده اند از این گونه صدمات برکنار مانده و یا از آنها کاسته اند . از

بسرعت از میان بردارد و هر قدرتی را که تمرکز ضروری و ممکن بود در دست کمیته مرکزی متمرکز گرداند . برقراری سیستم اکید گزارش دهی ، اقدام مهمی بود که از طرف حزب برای نیل باین هدف اتخاذ شد . در این باره همچنین مراجعه شود به « کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در ۱۹۴۸ » ، بخش ۶ ، و « بخش نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره جلسه سپتامبر » ، ماده ۴ ، جلد حاضر .

امسال باید ارگانهای رهبری حزب در کلیه مدارج این رسم معیوب را که پیش از هر اقدام از مقامات بالاتر راهنمایی نخواهند و پس از هر اقدام بآنها گزارش ندهند ترك گویند. بوروها و سوبوروها که ارگانهای هستند که بوسیله کمیته مرکزی منصوب شده و وظایف محوله از طرف کمیته مرکزی را بنام وی بموقع اجرا میگذارند باید نزدیکترین تماس را با کمیته مرکزی حفظ کنند. همچنین کمیته‌های ایالتی یا منطقه‌ای حزب باید با بوروها و سوبوروهای کمیته مرکزی تماس نزدیک داشته باشند. اینک که انقلاب بمرحله نوینی از اعتلا رسیده است کاملاً ضروری است که این تماس‌ها تقویت شود.

۲ - رفقای رهبر ارتش‌های صحرائی و مناطق نظامی علاوه بر اینکه در مواقع ضروری به تسلیم گزارش‌ها و درخواستهای راهنمایی در باره اصول عملیات میپردازند و علاوه بر اینکه طبق ترتیب سابق به گزارش‌های ماهیانه درباره پیروزی‌ها در نبرد، تلفات افراد و صرف مصالح و درباره قدرت واقعی سپاهیان خویش مبادرت میجویند از اسسال باید هر دو ماه گزارش عمومی درباره سیاست حزب و نیز درخواست راهنمایی تنظیم کنند. این گزارش‌ها و درخواستهای راهنمایی بویژه راجع خواهد بود به انضباط سپاهیان، شرایط زندگی آنها، روحیه فرماندهان و جنگجویان، انحرافات که در صفوف آنان روی داده و شیوه‌هایی که برای اصلاح آنها بکار رفته است، جلو رفتن یا عقب رفتن تکنیک و تاکتیک، نقاط قوت و نقاط ضعف نیروهای دشمن و حالت روحی آنها، کار سیاسی ارتش ما، اجرای سیاست ارضی، سیاست در شهرها و سیاست نسبت باسیران جنگ، شیوه‌های اصلاح انحرافات که در این زمینه‌ها پیش آمده است، روابط میان ارتش و خلق و همچنین گرایش‌های

قشرهای مختلف اهالی . طول این گزارش ها ، طرز تنظیم آنها و موقع ارسال آنها همان باید باشد که در مورد گزارش های بوروها و سوبوروهای کمیته مرکزی ذکر شد . هر گاه در موقعیکه گزارش باید ارسال شود (یعنی در ده روزه اول هر يك از ماههای فرد) نبردهای شدیدی در جریان باشد میتوان ارسال آن را چند روز به جلو یا به عقب انداخت ، اما دلائل را باید ذکر کرد . آن قسمت از گزارش که مربوط به کار سیاسی است باید بوسیله رئیس اداره سیاسی هر ارتش تنظیم شود ، بوسیله فرمانده و کمیسر سیاسی مورد بررسی و اصلاح قرار گیرد و بامضاء هر سه برسد . این گزارش ها به صدر کمیسیون نظامی حزب تلگراف خواهد شد . این گزارشهای عمومی در باره سیاست حزب بهمان دلائلی خواسته میشود که از بوروها و سوبوروها خواسته شده است .

یادداشتها

۱ - یعنی ژانویه ، مارس ، مه ، و غیره . - مترجم

www.KetabFarsi.com

درباره بعضی مسائل مهم سیاست کنونی حزب

(۱۸ ژانویه ۱۹۴۸)

۱ - مبارزه با گرایش‌های نادرست در درون حزب

باید با پربها دادن به نیروی دشمن مبارزه کرد . مثلاً ترس از امپریالیسم آمریکا ؛ ترس از جنگیدن در مناطق گوسپندان ؛ ترس از برانداختن سیستم کمپرادور - فئودال ، از دست زدن به تقسیم اراضی مالکین ارضی و مصادره سرمایه بوروکراتیک ؛ ترس از جنگ طولانی و غیره . آنها همه نادرست است . امپریالیسم در سراسر جهان و حکومت دارودسته ارتجاعی چانکایسک در چین پوسیده است ، آینده ندارد . جا دارد که ما آنها را حقیر شماریم و ما یقین و اطمینان داریم که بر تمام دشمنان خلق چین چه داخلی و چه خارجی غلبه خواهیم کرد . اما در هر

رهنمودی برای حزب که رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین آنرا نگاشته است . رجوع شود به توضیح عنوان «اوضاع کنونی و وظایف ما» ، جلد حاضر .

وضع خاص و در هر مبارزه مشخص (اعم از مبارزه نظامی ، سیاسی ، اقتصادی یا ایدئولوژیک) ما مطلقاً نباید دشمن را حقیر بشماریم ، برعکس باید او را جداً بحساب بگذاریم و همه نیروهای خود را در مبارزه بخاطر نیل به پیروزی متمرکز سازیم . از نظر کلی ، از نظر استراتژی ما بدرستی خاطر نشان میکنیم که باید دشمن را حقیر شمرد اما در هیچ وضع خاص و در هیچ مسئله مشخص ما هرگز نباید او را حقیر بشماریم . اگر از نظر کلی ما به نیروی دشمن پربها دهیم و در نتیجه جرأت نکنیم او را سرنگون سازیم یا بر او پیروز گردیم ما مرتکب اشتباه اپورتونیسم راست خواهیم شد . اگر در هر وضع خاص ، در هر مسئله مشخص ما با حزم و احتیاط عمل نکنیم ، فن مبارزه را مطالعه و تکمیل ننمائیم ، تمام نیروهای خود را در نبرد متمرکز نسازیم و نکوشیم که تمام متحدینی را که میتوانند متحد ما باشند (دهقانان میانه حال ، پیشه‌وران و کسبه مستقل ، بورژوازی متوسط ، دانشجویان ، آموزگاران ، استادان و روشنفکران بطور کلی ، کارمندان بطور کلی ، افراد مشاغل آزاد ، متنفذین روشن بین) را به آرمان خود جلب نکنیم ، مرتکب اشتباه اپورتونیسم " چپ " خواهیم شد .

برای مبارزه با انحرافات " چپ " و راست در درون حزب ما باید سیاست خود را برحسب اوضاع و احوال مشخص تعیین کنیم . مثلاً هنگامی که ارتش ما به پیروزی‌هایی نائل می‌آید باید از انحرافات " چپ " برحذر بود و هنگامیکه دچار شکست‌هایی میشود یا در نبردهای اندکی کاسیایی بدست می‌آورد آنگاه از انحرافات راست باید برحذر بود . در کار اصلاحات ارضی ما باید در آنجا که توده‌ها هنوز واقعاً بپا نخواستہ‌اند ، مبارزه هنوز دامنہ نیافته است با انحرافات راست مبارزه کنیم و در آنجا

که توده‌ها واقعاً بپا خاسته‌اند و مبارزه گسترش یافته است از انحرافات "چپ" برحذر باشیم.

۲ - بعضی مسائل مشخص سیاست ما در اصلاحات ارضی و جنبش‌های توده‌ای

۱ - باید منافع دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی و همچنین نقش محرك سازبانهای دهقانان فقیر را در درجه اول قرار داد. حزب ما باید اصلاحات ارضی را با دست دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی گسترش دهد و کاری کند که آنها در اتحادیه‌های دهقانی و ارگانهای قدرت در روستا نقش محرك بازی کنند. این نقش محرك عبارتست از تحقق اتحاد با دهقانان میانه حال برای اینکه به اشتراك عمل کنند. و نه اینکه دهقانان میانه حال را کنار بگذارند و تمام کار را بخود انحصار دهند. در مناطق آزاد شده قدیم که دهقانان میانه حال اکثریت دارند و دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی اقلیت دارند دهقانان میانه حال موقعیت بویژه مهمی را اشغال میکنند. این شعار که میگوید "دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی کوهها و رودها را تصرف کرده و بر آنها حکومت خواهند کرد" غلط است. در روستا این دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی، دهقانان میانه حال و دیگر زحمتکشان هستند که متحداً در زیر رهبری حزب کمونیست چین باید "رودها و کوهها را تصرف کرده و بر آنها حکومت نمایند" و نه فقط دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی. در مقیاس کشور این کارگران، دهقانان (منجمله دهقانان مرفه جدید)، پیشه‌وران و کسبه مستقل، سرمایه‌داران متوسط و کوچک که از نیروهای

ارتجاعی مسم کشیده و صدمه دیده‌اند ، دانشجویان ، آموزگاران ، استادان و روشنفکران بطور کلی ، افراد مشاغل آزاد ، متنفذین روشن بین ، کارمندان بطور کلی ، اقلیت‌های ملی مسم دیده و چینی‌های ماوراء بحار هستند که همه متحداً در زیر رهبری طبقه کارگر (از راه حزب کمونیست) باید " روده‌ها و کوه‌ها را تصرف کرده و بر آنها حکومت نمایند " ، نه فقط اقلیتی از مردم .

۲ - باید از هرگونه سیاست ماجراجویانه در قبال دهقانان میانه حال دوری جست . هرگونه اشتباهی در تعیین تعلق طبقاتی دهقانان میانه حال و کسانی از قشرهای اجتماعی دیگر باید تصحیح شود و اموالی که بخطا تقسیم شده‌اند باید تا سرحد اسکان مسترد گردند . این گرایش که دهقانان میانه حال را در صفوف نمایندگان دهقانان و در کمیته‌های اتحادیه‌های دهقانی راه نمیدهد و همچنین این گرایش که در مبارزه بخاطر اصلاحات ارضی دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی را در مقابل دهقانان میانه حال میگذارد باید تصحیح شود . دهقانانی که از استثمار کار دیگری درآمدی بدست می‌آورند ، هرگاه این درآمد کمتر از ۲۵ درصد (یکربع) مجموع درآمد آنها باشد در زمره دهقانان میانه حال بشمار خواهد آمد ، هرگاه بیشتر از این رقم باشد در ردیف دهقانان مرفه (۱) . اراضی دهقانان میانه حال مرفه را نباید بدون رضایت مالک آنها تقسیم کرد .

۳ - باید از هرگونه سیاست ماجراجویانه در قبال صنعت‌گران و بازرگانان متوسط و کوچک احتراز جست . سیاست حمایت و تشویق هرگونه صنعت و بازرگانی خصوصی که بسود اقتصاد ملی است و در گذشته در مناطق آزاد شده اجرا شد سیاستی است صحیح و باید آنرا همچنان دنبال

کرد . سیاست تشویق مالکین ارضی و دهقانان مرفه به اینکه فعالیت خود را در جهت صنعت و بازرگانی سوق دهند همان سیاستی که در دوران تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود دنبال میشد بنویه خود صحیح است ؛ اشتباه است اگر این تغییر فعالیت را بمشابه " دگرگونی " ماهرانه‌ای قلمداد کنند ، در نتیجه با آن بمقابله برخیزند و اسوالی را که بدین ترتیب بکار افتاده‌است مصادره و تقسیم نمایند . مؤسسات صنعتی و تجارتی مالکین ارضی و دهقانان مرفه باید بطور کلی مورد حمایت واقع گردند . فقط مؤسسات صنعتی و تجارتی متعلق به سرمایه بوروکراتیک یا متعلق به مستبدین محلی و ضد انقلابیون واقعی دیگر ممکن است مصادره شوند . در این مؤسسات صنعتی و تجارتی مشمول مصادره ، آنهایی که سودمند بحال اقتصاد ملی میباشند پس از آنکه بمالکیت دولت و خلق در میآیند باید کار خود را همچنان ادامه دهند ، باید از برچیدن این مؤسسات با بستن آنها جلوگرفت . مالیاتی که از رقم معاملات مربوط به صنعت و تجارت ، آن صنعت و تجارتی که سودمند بحال اقتصاد ملی اند برداشت میشود نباید به نرخى باشد که به رشد آنها زیان رساند . در هر مؤسسه دولتی بخاطر بهبود اداره آن ، مدیریت و سندیکا باید يك کمیته اداری مشترك ایجاد کنند بدین منظور که قیمت تولید اجناس را پائین آورند ، تولید را افزایش دهند و منافع عمومی را همراه با منافع فردی در نظر گیرند . مؤسسات سرمایه‌داری خصوصی نیز باید این شیوه را آزمایش کنند تا قیمت تولید اجناس را پائین آورند ، تولید را افزایش دهند و منافع کار و منافع سرمایه هر دو را تأمین نمایند . باید شرایط زندگی کارگران را بطرز مناسبی بهبود بخشید و در عین حال از افزایش بی‌تناسب دستمزد و امتیازات احتراز جست .

۴ — باید از هرگونه سیاست ماجراجویانه در قبال دانشجویان ، آموزگاران ، استادان ، کارمندان محافل علمی و هنری و روشنفکران بطور کلی احتراز ورزید . تجربه جنبش‌های دانشجویی و مبارزات انقلابی در چین ثابت کرده است که آنها در اکثریت عظیم خود میتوانند در انقلاب شرکت جویند یا بیطرف بمانند ؛ ضد انقلابیون سرسخت فقط اقلیت ناچیزی را تشکیل میدهند . از اینرو حزب ما باید از هرگونه بی‌احتیاطی نسبت به دانشجویان ، آموزگاران ، استادان ، کارمندان محافل علمی و هنری و روشنفکران بطور کلی پرهیز کند . ما باید برحسب هر مورد خاص با آنها متحد شویم و بآنها آموزش دهیم و آنها را بکار جلب نمائیم و فقط با تعداد بسیار کمی از آنها که ضد انقلابیون سرسختی میباشند باید آنطور که در خورد آنها است رفتاری بر اساس مشی توده‌ای در پیش گیریم .

۵ — درباره متنفذین روشن بین . در دوران جنگ مقاومت علیه ژاپن همکاری حزب ما با متنفذین روشن بین در ارگانهای قدرت در مناطق آزاد شده (شوراهای مشورتی و ارگانهای حکومتی) کاملاً لازم و ثمربخش بود . ما باید در موارد مقتضی و بشرط آنکه به اصلاحات ارضی لطمه‌ای وارد نیاید به آن متنفذین روشن بین که همراه با حزب ما روزهای سختی را گذرانده و واقعاً بکام کمک شایسته‌ای رسانیده‌اند ارج بگذاریم . اگر روش سیاسی آنها نسبتاً خوب است و شایستگی دارند باید در ارگانهای عالی حکومتی باقی بمانند و کار مناسبی دریافت دارند . اگر روش سیاسی آنها نسبتاً خوب است ولی استعدادی ندارند باید وسائل زندگی آنها را تأمین کرد . اگر آنها از خانواده مالکین ارضی یا دهقانان مرفه برخاسته‌اند اما خلق احساس کینه عمیقی نسبت به آنها ندارد باید زمین‌ها و اموال فتودالی آنها را بر طبق قانون ارضی تقسیم نمود ، ولی مراقب

بود که آنها هدف مبارزه توده‌ها قرار نگیرند. مالکانی را که به ارگانهای قدرت راه یافته‌اند اما در واقع همیشه عناصر زیانکاری بوده، نمیتوانند هیچ فایده‌ای بخلق برسانند و ضمناً کینه تسکین‌ناپذیر توده‌های وسیع بر علیه خود برانگیخته‌اند باید مانند مستبدین محلی برای محاکمه و مجازات به دادگاه‌های توده‌ای سپرد.

۶ — باید میان دهقانان مرفه جدید و قدیم (۲) فرق گذاشت. تشویقی که در دوران تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود از دهقانان مرفه جدید و دهقانان میانه حال مرفه بعمل آمد تأثیرات نیکوئی بخشید از این جهت که دهقانان میانه حال را مطمئن ساخت و موجب رشد تولید کشاورزی در مناطق آزاد شده گردید. پس از تقسیم متساوی زمین باید از دهقانان دعوت کرد که تولید را رشد دهند بقسمی که بتوانند بخوبی بپوشند و بخورند. باید به آنها توصیه کرد که در کار کشاورزی سازمانهای تعاون و همکاری ایجاد کنند مانند گروه‌های مبادله کار، گروه‌های تعاونی و گروه‌های مبادله زحمت و غیره. در تقسیم متساوی زمین باید با دهقانان مرفه جدید مناطق آزاد شده قدیم مانند دهقانان میانه حال مرفه رفتار کرد. زمین‌های آنها نباید بدون رضایت مالک تقسیم شود.

۷ — در میان مالکان ارضی و دهقانان مرفه که طرز زندگی آنها از زمان تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود در مناطق آزاد شده قدیم تغییر یافته است، آن مالکان ارضی که اقل مدت پنج سال با بازوان خود کار کرده‌اند و آن دهقانان مرفه که لااقل از سه سال پیش در شرایط زندگی دهقانان میانه حال و دهقانان فقیر بسر میبرند چنانچه رفتار آنها پسندیده باشد میتوانند تعلق طبقاتی خود را برحسب شرایط کنونی خود تغییر دهند. اگر هنوز مازاد ملك آنها بسیار است (و نه اندك) باید آنها بر طبق

مطالبات دهقانان و اگذار کنند .

۸ - وظیفه مرکزی اصلاحات ارضی عبارتست از تقسیم متساوی زمین‌های طبقه فئودالها و اموال دیگر آنان مانند غله ، دام و افزار کشاورزی (دهقانان مرفه فقط اموال اضافی خود را و اگذار میکنند) ؛ نباید در مبارزه بخاطر بیرون کشیدن اموالی که در زیر خاک مدفون کرده‌اند (۳) اصرار ورزید و بویژه نباید وقت زیادی به اینکار اختصاص داد بطوری که بزیان کار اصلی تمام شود .

۹ - ضمن اتخاذ تصمیمات نسبت به مالکان ارضی و دهقانان مرفه باید بر طبق مفاد قانون ارضی میان آنها فرق گذاشت .

۱۰ - در عین مراعات اصل تقسیم متساوی زمین‌ها باید میان مالکان ارضی بزرگ و متوسط و کوچک و همچنین میان مالکان ارضی و دهقانان مرفه که در عداد مستبدین محلی‌اند و آنهایی که نیستند فرق گذاشت .

۱۱ - باید مستی جنایتکار را که واقعاً سرکب زشت‌ترین سیاهکاریها شده‌اند ، پس از آنکه دادگاه‌های توده‌ای آنها را جداً محاکمه و محکوم کردند و مقامات صلاحیت‌دار (کمیته‌هایی که از طرف حکومت‌های محلی در مقیاس بخش و شهرستان تشکیل شده‌است) این احکام را تأیید نمودند تیرباران کرد و اعدام آنها را بهمگان اعلام نمود . مصلحت نظام انقلابی چنین امری را ایجاب میکند . این يك جنبه مسئله است . جنبه دیگر آنکه ما باید اصرار ورزیم که کمتر اعدام کنند اکیداً قداغن کنیم که کسی را بدون تمایز نکشند . این اندیشه که باید هر چه بیشتر یا حتی بدون تمایز اعدام کرد اندیشه‌ای کاملاً نادرست است . چنین عملی فقط به این نتیجه میانجامد : هواداران حزب را از خود

میراند ، حزب را از توده‌ها جدا می‌سازد و به افراد میکشاند . محاکمه و محکومیت این جنایتکاران از طرف دادگاه‌های توده‌ای شکلی از مبارزه است که مفاد قانون ارضی آنرا پیش‌بینی کرده است ، باید آنرا اکیداً مراعات کرد . این قانون سلاح نیرومندی است در دست توده‌های دهقانی برای اینکه در جمع مالکین ارضی و دهقانان سرفه سیاه‌ترین عناصر را در هم کوبید ، این قانون همچنین امکان می‌دهد که از اشتباهات در زمینه کوبیدن و کشتن بدون تمایز اجتناب ورزید . در مواقع مناسب (پس از اعتلاء مبارزه ارضی) باید دورنمای منافع توده‌ها را برای آنها توضیح داد ، بقسمی که آنها آن مالکان ارضی و دهقانان سرفه را که نمیکوشند در کار جنگ و اصلاحات ارضی خرابکاری کنند و تعداد آنها در سراسر کشور به چند ده میلیون میرسد (تقریباً ۳۶ میلیون از مجموع سکنه دهات که در حدود ۳۶ میلیون است) بمثابة نیروی کار مفید برای کشور تلقی نمایند ، نیروئی که باید حفظ کرد و از نو تربیت نمود . وظیفه ما عبارتست از محو سیستم فئودالی و برانداختن مالکان ارضی بمثابة طبقه و نه بمثابة افراد . ما باید بر طبق قانون ارضی بهر يك از آنها وسائل کار و وسائل زندگی بدهیم اما این وسائل نباید از آنچه که يك دهقان دریافت میکند بیشتر باشد .

۱۲ — ما باید کادرها و اعضای حزب را که مرتکب خطاهای سنگینی شده‌اند و همچنین عناصر ناپاب را در میان توده‌های کارگر و دهقان مورد انتقاد قرار دهیم و با آنها به مبارزه پردازیم . باید توده‌ها را متقاعد ساخت که در این انتقاد و در این مبارزه به طرق و اشکال صحیح توسل جویند و از اعمال خشونت‌آمیز احتراز ورزند . این يك جنبه مسئله است . جنبه دیگر آنکه باید این کادرها ، این اعضای حزب و این عناصر ناپاب را متعهد ساخت که علیه توده‌ها به انتقام‌جویی دست

نزنند . باید اعلام کرد که توده‌ها نه فقط حق دارند از آنها آزادانه انتقاد کنند بلکه چنانچه لازم باشد حق دارند آنها را از مقامات خود خلع کنند و یا پیشنهاد عزل آنها و یا اخراج آنها را از حزب بدهند و حتی زیان‌مندترین عناصر را بدادگه‌های توده‌ای تسلیم نمایند برای آنکه محکمه و مجازات شوند .

۳ - درباره قدرت دولتی

۱ - قدرت دولتی دموکراسی نوین قدرت دولتی ضد امپریالیستی و ضد فئودالی توده‌های خلق است که طبقه کارگر آنها رهبری میکند . توده‌های خلق در اینجا عبارتند از طبقه کارگر ، طبقه دهقان ، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی ملی که از طرف امپریالیسم و رژیم ارتجاعی گومیندان و طبقاتی که این رژیم نمایند آنها است یعنی بورژوازی بوروکراتیک (بورژوازی بزرگ) و طبقه مالکان ارضی تحت فشار قرار گرفته و لطمه دیده است ، بخش عمده توده‌ها از کارگران ، دهقانان (سربازان در اکثریت خود دهقانانی هستند که به لباس سربازی درآمده‌اند) و زحمتکشان دیگر تشکیل شده است . توده‌های خلق دولت خود (جمهوری توده‌ای چین) را تشکیل می‌دهند و حکومتی را که نمایند این دولت است (حکومت مرکزی جمهوری توده‌ای چین) مستقر می‌سازد ، طبقه کارگر از راه پیشاهنگ خود ، حزب کمونیست چین این دولت توده‌ای و حکومت آنها رهبری میکند . دشمنان جمهوری توده‌ای و حکومت آن عبارتند از امپریالیسم خارجی و در داخل کشور ارتجاعیون گومیندان و طبقاتی که این ارتجاعیون نمایند آنها است : بورژوازی بوروکراتیک

و مالکان ارضی .

۲ - ارگانهای قدرت جمهوری توده‌ای چین عبارتند از کنفرانس‌های نمایندگان خلق در مدارج مختلف و حکومت‌های منتخب این کنفرانس‌ها در مدارج مختلف .

۳ - در دوران کنونی ما میتوانیم و باید بنابر تقاضای دهقانان جلسات دهقانی را در روستاها دعوت کنیم تا به انتخاب حکومت ده مبادرت ورزند و کنفرانس‌های دهقانی بخش را دعوت کنیم تا حکومت بخش را انتخاب کنند . از آنجائی که حکومت در مقیاس شهرستان و شهر و بالاتر نه فقط نماینده دهقانان در ده ، بلکه نماینده تمام قشرها و تمام صرّفه‌ها در شهرها و مراکز شهرستان و مراکز استان و شهرهای بزرگ صنعتی و تجارّتی نیز میباشد ، لذا ما باید کنفرانس‌های نمایندگان خلق را در مدارج شهرستان ، شهر ، استان و منطقه سرّزی دعوت کنیم تا در هر يك از این مدارج حکومتی انتخاب کنند . بعداً وقتی که انقلاب در سراسر کشور پیروز گردید حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی در کلیه مدارج باید از طرف کنفرانس‌های نمایندگان خلق مربوطه انتخاب گردند .

۴ - روابط میان رهبری‌کنندگان و رهبری‌شوندگان

در جبهه متعدد انقلابی

طبقه رهبری‌کننده و حزب رهبری‌کننده فقط بدو شرط زیر میتوانند رهبری خود را بر طبقات ، قشرها ، احزاب سیاسی و سازمانهای توده‌ای زیر رهبری خود اعمال کنند :

۱ - آنهایی را که رهبری میشوند (متحدین را) مصممانه

علیه دشمن مشترك به مبارزه بکشانند و به پیروزیهای دست یابند ؛

۲ - برای آنتهایی که رهبری میشوند امتیازات مادی تحصیل کنند یا لاقبل به منافع آنان زیان نرسانند و در عین حال به آنان پرورش سیاسی بدهند .

چنانچه این دو شرط یا یکی از این دو موجود نباشد اعمال رهبری امکان پذیر نیست . مثلاً برای اعمال رهبری دهقانان میانه حال حزب کمونیست باید آنها را در کنار خود مصممانه علیه طبقه فئودال به مبارزه بکشاند و پیروزیهای دست آورد (از بین بردن نیروهای مسلح مالکان ارضی و تقسیم زمین های آنها) ، چنانچه مبارزه با قاطعیت انجام نگیرد یا مبارزه به پیروزی نیانجامد ، دهقانان میانه حال به تردید میافتند . علاوه باید قسمتی از زمین ها و اموال دیگر مالکان ارضی را میان دهقانان میانه حال که نسبتاً فقیراند تقسیم نمائیم . اما در مورد دهقانان میانه حال مرقه ما باید از زیان زدن به منافع آنان احتراز جوئیم . ما باید فعالین دهقانان میانه حال را در اتحادیه های دهقانی و حکومت های دهستان و بخش وارد کنیم و تعداد مناسبی از مقامات نمایندگی (مثلاً يك سوم از اعضای کمیته ها) را برای آنها تأمین نمائیم . در موقع تعیین تعلق طبقاتی دهقانان میانه حال برتکب اشتباه نشویم ، در مورد مالیات ارضی و خدمات مربوط به جنگ با آنها عادلانه رفتار کنیم و در عین حال فراسوش نکنیم که به آنان پرورش سیاسی بدهیم . اگر ما اینکارها را انجام ندهیم پشتیبانی دهقانان میانه حال را از دست خواهیم داد . در شهرها نیز برای تأمین رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست بر بورژوازی متوسط ، احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای که از طرف نیروهای ارتجاعی تحت فشار قرار گرفته و لطمه دیده اند باید بر طبق همین اصول عمل کرد .

یادداشتها

۱ - برای ملاکهای تعیین تعلق طبقاتی در مناطق روستائی رجوع شود به « چگونگی تعیین تعلق طبقاتی در روستا » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد اول و « انقلاب چین و حزب کمونیست چین » فصل ۲ ، بخش ۴ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۲ .

۲ - منظور از دهقانان مرفه جدید ، دهقانان میانه حال و فقیری هستند که در مناطق پایگاههای انقلابی از راه کار خود به دهقانان مرفه تبدیل شده‌اند ؛ منظور از دهقانان مرفه قدیم ، دهقانانی هستند که پیش از استقرار پایگاههای انقلابی دهقانان مرفه بوده‌اند . دهقانان مرفه قدیم معمولاً تا درجه زیادی دارای خصلت استثمارگران فئودالی و نیمه فئودالی بودند . دهقانان مرفه جدید غالباً باندازه ناچیزی با استثمار دست میزدند . - مترجم

۳ - منظور تروتشائی است که مالکان ارضی در زیر زمین پنهان میکردند .

www.KetabFarsi.com

جنبش دموکراتیک در ارتش

(۳۰ ژانویه ۱۹۴۸)

سیاستی که برای کار سیاسی واحدهای ارتش ما در نظر گرفته شده ، عبارتست از بسیج بی پروای توده سربازان و فرماندهان و کلید کارمندان تا آنکه بتوان از طریق جنبش دموکراتیک تحت رهبری متمرکز به هدف عمده نائل آمد : درجه عالی از وحدت سیاسی ، بهبود شرایط زندگی و سطح بالائی از تکنیک و تاکتیک نظامی . جنبش ” سه رسیدگی ” و ” سه اصلاح ” (۱) که هم اکنون در واحدهای ارتش ما با شور و حرارت فراوان جریان دارد ، درست باین منظور بر پا گردیده که از طریق بسط اسلوبهای دموکراتیک سیاسی و اقتصادی بدو هدف اول از هدف های فوق الذکر دست یافته شود .

دموکراسی در زمینه اقتصادی عبارت از اینست که باید به نمایندگان منتخب سربازان حق داده شود در اداره امور مربوط به خواربار و تغذیه گروهان ، فرمانده گروهان را دستیاری کنند (البته نباید از حدود دستیاری تجاوز کنند) .

این رهنمود درون حزبی توسط رفیق مائو سه دون بنام کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است .

دموکراسی در زمینه نظامی عبارت از اینست که باید شیوه آموزش متقابل بین افسران و سربازان و بین خود سربازان هنگام تعلیمات نظامی عملی گردد، هنگام نبرد گروهانهای که در جبهه هستند، باید جلسات گوناگون بزرگ و کوچک تشکیل دهند. سربازان باید تحت رهبری فرمانده گروهان درباره چگونگی حمله و تصرف مواضع دشمن و طرز انجام مأموریتهای جنگی به بحث برانگیخته شوند و چنانچه پیکار چند روز متوالی بطول انجامد، این جلسات نیز باید چندین بار تشکیل شوند. این نوع دموکراسی نظامی در نبرد پن لون (۲) در شمال شنسی و در نبرد شی جیا جوان (۳) در ناحیه شانسی - چاهار - حه به با موفقیت زیاد عملی شد. این نشان میدهد که چنین رسمی جز سود چیز دیگر ندارد و هیچ زبانی نمیتواند داشته باشد. سربازان باید حق داشته باشند خطاها و جرایم عناصر زیانکار کادرها را فاش سازند. باید اطمینان داشته باشیم که سربازان همه کادرهای خوب و یا نسبتاً خوب را دوست دارند. بعلاوه سربازان باید در موقع لازم حق داشته باشند از میان خود افراد مورد اعتماد خویش را بعنوان کادر درجات پائین نامزد کنند و بمقام بالاتر برای تصویب پیشنهاد نمایند. این رسم در موقعیکه از حیث کادرهای درجات پائین کمبود زیاد موجود است، بسیار مفید میباشد. معذک نباید آنرا بصورت قاعده در آورد بلکه باید آنرا فقط در موقع ضروری بکار برد.

یادداشتها

۱ - "سه رسیدگی" و "سه اصلاح" جنبش مهمی را برای تحکیم حزب و تربیت ایدئولوژیک در ارتش تشکیل میداد که در رابطه با اصلاحات ارضی طی جنگ

آزادیبخش توده‌ای از طرف حزب ما برانگیخته شده بود. "سه رسیدگی" در محلها مربوط میشد به منشاء طبقاتی، ایدئولوژی و سبک کار؛ در واحدهای مسلح "سه رسیدگی" مربوط میشد به منشاء طبقاتی، حس وظیفه شناسی و اراده به مبارزه. "سه اصلاح" عبارت بود از استحکام تشکیلاتی، تربیت ایدئولوژیک و اصلاح سبک کار.

۲ - پن لون شهر کوچکی است در شمال شرقی ین آن. در ماه مه ۱۹۴۷ ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال غربی بیش از ۶,۷۰۰ تن از سپاهیان خو زون نان را در آنجا محاصره و نابود کرد.

۳ - شی جیا جوان در ۱۲ نوامبر ۱۹۴۷ بدست واحدهای ارتش آزادیبخش توده‌ای ناحیه مرزی شان سی - چاهار - حه به آزاد شد. پادگان دشمن که بیش از ۲۴,۰۰۰ تن بود، بکلی نابود شد. این نخستین شهر مهمی بود که در شمال چین بوسیله ارتش ما آزاد گردید.

www.KetabFarsi.com

تاکتیک‌های مختلف برای اجرای قانون ارضی در مناطق مختلف

(۳ فوریه ۱۹۴۸)

در اجرای قانون ارضی باید سه نوع منطقه را از یکدیگر تشخیص داد و در مورد هر يك تاکتیک دیگری بکار برد .

۱ - مناطق آزاد شده قدیم که پیش از تسلیم ژاپن بوجود آمده‌اند . در این مناطق بطور کلی تقسیم زمین مدت‌ها پیش صورت گرفته و فقط جرح و تعدیلهای قسمی لازم است . کار ما در اینجاها باید معطوف بآن باشد که از راه کوشش مشترك حزب و عناصر بیرون از حزب ، بر طبق تجربه شهرستان پین شان (۱) صفوف حزب را تحکیم بخشیم و تضادهای میان حزب و توده‌ها را حل کنیم . در این مناطق آزاد شده قدیم وظیفه ما آن نیست که زمینها را بر اساس قانون ارضی يك بار دیگر تقسیم کنیم و یا بطور ساختگی و علی‌رغم میل آنها دهقانان فقیر را بمنظور رهبری اتحادیه‌های دهقانی در سازمان‌های دهقانان فقیر متشکل سازیم . وظیفه ما آن است که در داخل اتحادیه‌های دهقانی به متشکل ساختن گروه‌های دهقانان فقیر بپردازیم . عناصر فعال این گروه‌ها میتوانند

مقامات رهبری در اتحادیه‌های دهقانی و ارگان‌های قدرت در روستاها بدست آورند. ولی نباید این را بصورت قاعده در آورد که پستهای مذکور متعلق به دهقانان فقیر است و دهقانان میانه حال را بآنها دسترس نیست. در مناطق مذکور مقامات رهبری در اتحادیه‌های دهقانی و ارگان‌های قدرت در روستاها باید بر عهده عناصر فعالی از دهقانان فقیر و میانه حال باشد که نظریات درست دارند و در گرداندن کارها جانب انصاف را میگیرند. در مناطق مذکور اکثر دهقانان فقیر سابق بصورت دهقانان میانه حال در آمده‌اند که اینک اکثریت جمعیت روستائی را تشکیل میدهند؛ پس ما باید عناصر فعال دهقانان میانه حال را در کار رهبری روستاها شرکت دهیم.

۲ - مناطقی که در فاصله میان تسلیم ژاپن و تعرض متقابل همگانی یعنی در طی دو سالی که بین سپتامبر ۱۹۴۵ و اوت ۱۹۴۷ قرار داشت، آزاد شده‌اند. این مناطق اکنون بزرگترین بخش مناطق آزاد شده‌اند و میتوان آنها را مناطق آزاد شده نسبتاً قدیم نامید. در این مناطق در اثر دو سال مبارزه در راه تصفیه حساب و همچنین در اثر اجرای « رهنمود ۴ مه » (۲) سطح آگاهی سیاسی و درجه تشکل توده‌ها باندازه زیادی ترقی کرده و نخستین گامها در حل مسئله ارضی برداشته شده است. معذلك سطح آگاهی سیاسی و درجه تشکل توده‌ها هنوز خیلی بالا نیست و حل مسئله ارضی عمیقاً صورت نگرفته است. پس در این مناطق قانون ارضی کاملاً قابل اجراست و تقسیم زمین باید کاملاً و در همه نقاط انجام یابد و اگر این وظیفه در مرتبه اول بخوبی صورت نگرفته باید آماده تقسیم جدید بود، و در هر صورت يك یا دو بار رسیدگی لازم است. در این مناطق دهقانان میانه حال در اقلیت‌اند و در حالت انتظار بسر میبرند.

دهقانان فقیر در اکثریت اند و در آرزوی تحصیل زمین میسوزند . پس باید در اینجاها سازمانهای دهقانان فقیر را بوجود آورد و بآنها در اتحادیههای دهقانی و ارگانهای قدرت در روستاها مقام رهبری داد .

۳ - مناطقی که بتازگی پس از تعرض متقابل همگانی آزاد شدهاند . در این مناطق هنوز تودهها بحرکت در نیامدهاند ، گویندگان ، مالکان ارضی و دهقانان مرفه هنوز نفوذ بسیار دارند و ما هنوز در هیچ زمینهای ریشه نگرفتهایم . پس نباید در صدد باشیم که قانون ارضی را یکمرتبه اجرا کنیم بلکه باید آن را در دو مرحله بموقع اجرا در آوریم . در مرحله اول باید دهقانان مرفه را بیطرف ساخت و فقط بر مالکان ارضی ضربه زد . خود این مرحله نیز باید بچند بخش تقسیم شود : تبلیغ ، سازماندهی ابتدائی ، تقسیم اسوال منقول (۳) مالکان بزرگ ارضی ، تقسیم زمینهای مالکان بزرگ و متوسط با در نظر داشتن منافع مالکان ارضی کوچک ، و بالاخره تقسیم زمینهای همه طبقه مالکان ارضی . در طی این مرحله ، باید سازمانهای دهقانان فقیر را بعنوان استخوانبندی رهبری تشکیل داد . اتحادیههای دهقانی نیز میتوان بوجود آورد که رکن اصلی آن مرکب از توده دهقانان فقیر باشد . در مرحله دوم باید زمینهای را که دهقانان مرفه بمزارعه دادهاند ، زمینهای زائد و قسمتی از اسوال دیگر آنها و همچنین بخشی از زمینهای مالکان ارضی را که در مرحله اول کاملاً تقسیم نشدهاست تقسیم کرد . مرحله اول باید تقریباً دو سال و مرحله دوم باید يك سال بطول انجامید . مسلماً شتابزدگی نتیجه خوبی نخواهد بخشید . اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم نیز باید در طول سه سال (از تاریخ ژانویه سال جاری) انجام یابد . در اینجا هم شتابزدگی بجائی نخواهد رسید .

یادداشتها

- ۱ - شهرستان پین شان ، واقع در ناحیه غربی استان حه به ، در آن موقع جزء منطقه آزاد شده شنسی - چاهار - حه به بود . تجربه پین شان که در اینجا بآن اشاره میشود چنین بود که در هنگام اصلاحات ارضی از اشخاص خارج از حزب برای شرکت در جلسات حزب دعوت بعمل آوردند تا اینکه به تحکیم سازمانهای بنیادی حزب در مناطق روستائی کمک شود .
- ۲ - اشاره است به « رهنمود درباره مسئله ارضی » که در ۴ مه ۱۹۴۶ از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین صادر شد . مراجعه شود به « ترازنامه سه ماهه » یادداشت ۴ ، جلد حاضر .
- ۳ - منظور در اینجا غلات ، پول ، پوشاک و غیره است .

رفع اشتباهات انحراف‌آمیز "چپ" در زمینه تبلیغ برای اصلاحات ارضی

(۱۱ فوریه ۱۹۴۸)

در ماههای اخیر خبرگزاری ما و روزنامه‌های ما در بسیاری از منطقه‌ها اخبار و مقالاتی که حاوی اشتباهات انحراف‌آمیز "چپ" است انتشار داده‌اند بدون آنکه درست و نادرست را از هم جدا کنند و مورد تحلیل قرار دهند. اینک چند نمونه :

۱ - در این خبرها و مقالات بجای شناساندن این مشی سیاسی که باید برای برانداختن سیستم فئودالی به دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی تکیه کرد و با دهقانان میانه حال استوارانه متحد شد به تبلیغ يك جانبه برای مشی دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی پرداخته میشود. در این خبرها و مقالات بجای تبلیغ این اندیشه که پرولتاریا برای برانداختن سلطه امپریالیسم و فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک و برای استقرار جمهوری توده‌ای چین و حکومت دموکراتیک توده‌ای

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده‌است.

باید با کلیه زحمتکشان ، بورژوازی ملی متمدیده ، روشنفکران و سایر میهن پرستان (و از آنجمله متنفذین روشن بینی که مخالف اصلاحات ارضی نیستند) متحد گردد باین تبلیغ یکجانبه پرداخته میشود که گویا دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی باید ” رودها و کوهها را بتصرف در آورند و بر آنها فرمانروائی کنند “ و با اینکه دولت دموکراتیک باید منحصراً دولت دهقانان باشد و یا فقط به کارگران ، دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی گوش فرا دهد در حالیکه از دهقانان میانه حال ، پیشه‌وران و سایر زحمتکشان فردی ، بورژوازی ملی و روشنفکران اصلاً نامی در میان نیست . این خطای اصولی خطیری است . معذک این گونه خبرها از طرف بوروهای خبرگزاری ما ، روزنامه‌های ما و ایستگاههای رادیوئی ما پخش شده است ، و بخشهای تبلیغات کمیته‌های حزبی در مناطق مختلف این اشتباهات را حتی باطلاع مقامات بالاتر نیز نرسانده‌اند . این قبیل تبلیغات در ماههای اخیر اگرچه دامنه وسیعی ندارد ولی آن اندازه شایع است که اشخاصی با اشتباه تصور کنند که اندیشه صحیح رهبری چنین است . بعلاوه چون ایستگاه رادیوئی شنسی شمالی اخبار نادرستی پخش کرده است بعضی‌ها حتی پنداشته‌اند که این نظریات مورد تأیید کمیته مرکزی است .

۴ - در مورد تحکیم حزب ، در بعضی از مناطق نه بر علیه این نظریه که منشاء طبقاتی از دیده فروگذار شود و نه بر علیه این نظریه که فقط منشاء طبقاتی در نظر گرفته شود تبلیغ مجدانه نشده است . و حتی به تبلیغ اشتباه‌آمیز بسود اینکه فقط منشاء طبقاتی در نظر گرفته شود پرداخته‌اند .

۳ - در مورد اصلاحات ارضی ، در برخی از مناطق ، تبلیغ بر علیه

دودلی و بر علیه شتابزدگی را بخوبی در دست گرفته‌اند. اما در بسیاری از مناطق دیگر به ترغیب شتابزدگی پرداخته و حتی مقالاتی در ستایش آن نوشته‌اند. در مورد روابط میان رهبران و توده‌ها، در برخی از مناطق، مراقبت شده است که هم بر علیه دستوردهی و هم بر علیه دنباله‌روی تبلیغ شود. ولی در بسیاری از مناطق دیگر بخطا بر روی "انجام دادن هر آنچه توده‌ها می‌خواهند" تکیه کرده و با اندیشه‌های اشتباه‌آمیزی که در توده‌ها بظهور رسیده است راه سازگاری در پیش گرفته‌اند. و حتی تا آنجا رفته‌اند که اظهار غلطی را که نه از توده‌ها بلکه فقط از برخی از افراد است بدون برخورد انتقادی پذیرفته‌اند. این نفی نقش رهبری حزب است، تشویق دنباله‌روی است.

۴ - در مورد سیاست مربوط به صنعت و بازرگانی، و همچنین مربوط به جنبش کارگری، در برخی از مناطق آزاد شده، انحرافات خطیر "چپ" را یا مورد ستایش قرار داده و یا پدید آورده‌اند. بطور کلی، در طی ماههای اخیر، کارهایی با سارزات عظیم - جنگ، اصلاحات ارضی، تحکیم حزب، تولید، پشتیبانی از جنبه - را بدرستی انعکاس بخشیده و راهنمایی کرده و به کامیابی‌های بزرگ آنها یاری داده است. این جنبه عمده کار تبلیغاتی ماست که قبل از هر چیز باید مورد قبول قرار گیرد. ولی باید وجود اشتباهات و نقایص را نیز متذکر شد. اشتباهات و نقایص مذکور خصلت چپ‌روانه دارد. بعضی از آنها بکلی با اصول و موضع مارکسیسم - لنینیسم مغایر است و یکباره از مشی کمیته مرکزی دور میشود. امیدواریم که بوروها و سوبوروهای کمیته مرکزی، بخش‌های تبلیغات آنها، خبرگزاری سین هوا و شعب محلی آن و رفقای که در روزنامه‌های

ما کار میکنند با تکیه بر اصول مارکسیسم - لنینیسم و مشی کمیته مرکزی به بررسی کار تبلیغی ماههای اخیر خواهند پرداخت ، کاسیابی های خود را گسترش خواهند داد ، اشتباهات خود را رفع خواهند کرد بطوری که کار آنها بتأمین پیروزی در مبارزات بزرگ - جنگ ، اصلاحات ارضی ، تحکیم حزب ، جنبش کارگری ، و همچنین پیروزی در سراسر انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فئودالی یاری برساند . بخش های تبلیغات کمیته های حزبی در کلیه مناطق و بوروی مرکزی خبرگزاری سین هوا باید مسئولیت اصلی این بررسی را بر عهده گیرند و بنام خودشان گزارش های سیاسی درباره نتایج این بررسی به بخش تبلیغات کمیته مرکزی ارسال دارند .

نکات اساسی اصلاحات ارضی در مناطق آزاد شده جدید

(۱۵ فوریه ۱۹۴۸)

۱ - شتابزدگی نداشته باشید . سرعت اصلاحات ارضی باید برحسب اوضاع و احوال ، سطح آگاهی سیاسی توده‌ها و ظرفیت کار کادرهای رهبری تنظیم شود . در صدد برنیاثید که اصلاحات ارضی را در چند ماه پایان برسانید بلکه آماده شوید که آن را در هر منطقه در عرض دو یا سه سال انجام دهید . این امر در مورد مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم نیز صادق است .

۲ - اصلاحات ارضی در مناطق آزاد شده جدید باید در دو مرحله انجام گیرد . در طی مرحله اول بر مالکان ارضی ضربه زنید و دهقانان مرفه را بیطرف سازید . خود این مرحله بچند بخش تقسیم میشود : باید نخست بر مالکان ارضی بزرگ ضربه زد ، سپس به سایر مالکان ارضی . باید با کسانی که مستبداند و آنهایی که چنین نیستند ، رفتارهای مختلف

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائو سه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است .

داشت . همچنین باید با مالکان بزرگ ، متوسط و كوچك ارضی با شیوه‌های مختلف رفتار کرد . مرحله دوم عبارتست از مرحله تقسیم متساوی زمین‌ها ، و از آنجمله زمین‌هایی که بوسیله دهقانان مرفه بزمزرعه داده شده‌است و زمینهای زائد آنان . معذلك نباید با دهقانان مرفه مانند مالکان ارضی رفتار کرد . بطور کلی بخشی که بر آن حمله میشود مجموعاً نباید بیش از ۸ درصد خانوارها و یا ۱۰ درصد اهالی باشد . شیوه‌های مختلف رفتار ، و دامنه کلی حمله در مناطق آزاد شده نسبتاً قدیم همین خواهد بود . این مسائل در مناطق آزاد شده قدیم مطرح نیست و در آنجاها بطور کلی فقط باید به جرح و تعدیل پرداخت (۱) .

۳ - نخست سازمانهای دهقانان فقیر و سپس ، چند ماه بعد ، اتحادیه‌های دهقانی را تشکیل دهید . جداً مانع شوید که مالکان ارضی و دهقانان مرفه در اتحادیه‌های دهقانی و سازمانهای دهقانان فقیر راه یابند . عناصر فعال سازمانهای دهقانان فقیر باید استخوان‌بندی رهبری اتحادیه‌های دهقانی را تشکیل دهند . ولی باید عده‌ای از عناصر فعال دهقانان میانه حال را نیز در کمیته‌های اتحادیه‌های دهقانی وارد کرد . باید دهقانان میانه حال را در مبارزه برای اصلاحات ارضی شرکت داد و بمنافع آنان توجه داشت .

۴ - یکمرتبه در همه جا کار را شروع نکنید ، بلکه کادرهای صلاحیت‌داری را برگزینید که نخست در بعضی از جاها دست بکار شوند تا تجربه بدست‌آید و شما در حالیکه کار را مانند امواج پیاپی گسترش می‌دهید بتدریج به تعمیم تجربه‌ها می‌پردازید . این قاعده درباره هر منطقه استراتژیک و نیز درباره هر شهرستان صادق است . همچنین در مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم نیز صدق میکند .

۵ - میان مناطق آزاد شده ثابت و بخشهای پارتیزانی فرق بگذارید . در مناطق آزاد شده ثابت اصلاحات ارضی را بتدریج گسترش دهید . در بخشهای پارتیزانی به کار تبلیغات ، به سازماندهی مخفی و به تقسیم مقادیری از اموال منقول اکتفاء ورزید . در اینجاها سازمانهای توده‌ای را آشکارا تشکیل ندهید ، به اصلاحات ارضی دست نزنید ، تا مبادا دشمن به آزار توده‌ها دست بزند .

۶ - دسته‌های مسلح ارتجاعی مالکان ارضی و دوائر مخفی ارتجاعی باید از میان برده شود و نباید مورد استفاده قرار گیرد .

۷ - باید سرتجعان را سرکوب کرد ولی اکیداً ممنوع است که کسی بدون تشخیص گناه کشته شود . هر چه کمتر بکشیم بهتر است . محکومیت‌های اعدام باید از طرف کمیسیونی که در سطح شهرستان تشکیل میشود مورد رسیدگی و تأیید قرار گیرد . قضاوت و صدور حکم درباره متهمان سیاسی با کمیسیونهایی است که در سطح کمیته حزبی بخش قرار دارند . این نکته در مورد مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم نیز صادق است .

۸ - روشنفکران و نیمه روشنفکران انقلابی معلی که از خانواده‌های مالکان ارضی و یا دهقانان مرفه برخاسته‌اند ولی طرفدار اصلاحات ارضی‌اند به شرکت در استقرار تکیه‌گاهها دعوت خواهند شد . ولی باید کار آموزشی خود را در میان آنها توسعه دهیم و آنها را از قبضه کردن قدرت و جلوگیری از اصلاحات ارضی باز داریم . بطور کلی نباید بگذاریم که آنها در همان زادوبوم خویش کار کنند . باید توجه اصلی را به استفاده از روشنفکران یا نیمه روشنفکران که از خانواده‌های دهقانی برخاسته‌اند معطوف داشت .

۹ — باید در حمایت صنعت و بازرگانی توجه جدی بکار برد .
 باید نقشه‌های اقتصادی و مالی برای آینده‌ای طولانی تنظیم کرد . باید
 نیروهای مسلح و حکومت‌های بخش و دهستان از اسراف خودداری
 ورزند .

یادداشتها

۱ — مراجعه شود به «دروود بر اعتلاء نوین انقلاب چین» یادداشت ۱۱ ، جلد
 حاضر .

درباره سیاست در زمینه صنعت و بازرگانی

(۲۷ فوریه ۱۹۴۸)

۱ - در بعضی جاها سازمانهای حزب بر خلاف سیاست کمیته مرکزی در زمینه صنعت و بازرگانی عمل کرده و لطمات سترگ در این دو مورد وارد ساخته‌اند. باید این اشتباهات را سریعاً رفع کرد. در جریان رفع این اشتباهات کمیته‌های حزبی در نقاط مذکور باید از نقطه نظر اصول رهبری و نیز از نقطه نظر شیوه‌های رهبری به بررسی مجدانه کار خود پردازند.

۲ - اصول رهبری. نخست باید از این اشتباه برحذر بود که همان اقداماتی که در روستاها در مبارزه بر علیه مالکان ارضی و دهقانان مرفه و در برانداختن نیروهای فئودالی بکار می‌رود در شهرها نیز عملی شود. باید تفاوت جدی گذاشت میان لغو استثمار فئودالی که بوسیله مالکان ارضی و دهقانان مرفه صورت می‌گیرد و حمایت بنگاههای صنعتی و بازرگانی

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است.

آنان . همچنین باید تفاوت جدی گذاشت میان سیاست صحیح توسعه تولید ، شکوفاندن اقتصاد ، ملاحظه دوگانه منافع عمومی و خصوصی ، ملاحظه دوگانه منافع کار و سرمایه ، و سیاست یکجانبه و نزدیک‌بینانه " معاضدت " که بنام " رفاه " زحمتکشانش است ولی در واقع به صنعت و بازرگانی صدمه میزند و به امر انقلاب توده‌ای زیان می‌رساند . باید در میان رفقای عضو سندیکاها و در میان توده‌های کارگر به کار آموزش پرداخت تا بآنها حالی شود که نباید فقط منافع آنی و قسمی را ببینند و منافع عمومی و دراز مدت طبقه کارگر را از یاد ببرند . باید کارگران و سرمایه‌داران را قانع ساخت که تحت رهبری دولتهای محلی به تشکیل کمیته‌های مختلط برای اداره تولید دست بزنند و همه کوششهای خود را در راه کاهش بهای تولید ، افزایش تولید و تسهیل فروش فرآورده‌ها بکار برند بطوری که به هدفهای زیرین نائل آیند : ملاحظه دوگانه منافع عمومی و خصوصی ، ملاحظه دوگانه منافع کار و سرمایه ، و کمک به جنگ . در بسیاری از جاها اشتباهاتی که روی داده در اثر آن بوده است که نتوانسته‌اند اصول رهبری ناسبرده ، خواه تمام آنها ، خواه اکثر آنها و خواه برخی از آنها را بدرستی بکار بندند . بوروها و سوبوروهای کمیته مرکزی باید این مسئله را بروشنی مطرح سازند ، بتحلیل و بررسی آن پردازند ، اصول سیاسی درستی تنظیم و رهنمودهایی برای حزب صادر کنند ، و تصویب‌نامه‌هایی باسضای دولتها برسانند .

۳ - شیوه‌های رهبری . بوروها و سوبوروهای کمیته مرکزی پس از آنکه اصول سیاسی را تنظیم و رهنمودها را صادر کردند باید با کمیته‌های حزبی منطقه‌ای و ولایتی و یا با کمیسیون‌های کار که خود به محل اعزام داشته‌اند از راه تلگراف یا تلفن ، از راه چاپارهای دوچرخه

سوار یا اسب سوار و از راه مذاکرات خصوصی در ارتباط نزدیک باقی بمانند ، و باید از روزنامه بمثابة افزار بسیار مهم کار سازمانی و رهبری استفاده کنند . باید همواره در جریان کار باشند ، به تبادل تجربه ها بپردازند ، و اشتباهات را مرتفع سازند . نباید منتظر شوند که پس از ماه ها ، پس از شش ماه و یک سال در جلسات نتیجه گیری به بررسی عمومی و تصحیح کلی اشتباهات اقدام کنند . انتظار موجب خسارات عظیم خواهد گشت ولی اگر بتدریج که اشتباهات رخ بدهد برفع آنها اقدام شود خسارت کمتری عاید خواهد شد . در شرایط عادی ، هر بوروی کمیته مرکزی باید بکوشد که با سازمان های زیردست خود در تماس نزدیک باشد ، پیوسته مراقبت کند که میان آنچه باید بشود و آنچه نباید بشود بروشنی فرق بگذارد و تشخیص خود را همواره به سازمان های زیردست یادآور گردد تا آنکه آنها هرچه ممکن است کمتر اشتباه کنند . همه این مسائل مربوط به شیوه های رهبری است .

۴ - همه رفقای حزبی باید دریابند که دشمن اکنون کاملاً منفرد شده است . اما منفرد شدن دشمن بآن معنی نیست که ما دیگر پیروز شده ایم . اگر در سیاست خود مرتکب اشتباهات شویم بازهم به پیروزی نخواهیم رسید . بعبارت واضحتر ، اگر ما در یکی از پنج زمینه سیاست خود - در جنگ ، در تحکیم حزب ، در اصلاحات ارضی ، در صنعت و بازرگانی ، در سرکوب ضد انقلاب - دچار اشتباهات اصولی گردیم و بعداً برفع آنها نائل نیائیم در آن صورت شکست خواهیم خورد . سیاست ، مبداء هر اقدام عملی حزب انقلابی است و در پروسه و در سرانجام اقدامات آن حزب نمایان میگردد . هر اقدام حزب انقلابی ، اجرای سیاست اوست . اگر حزب سیاست صحیحی را اجرا نکند ، سیاست

ناصحیحی را اجرا میکند ؛ اگر حزب سیاستی را آگاهانه اجرا نکند کورکورانه اجرا میکند . آنچه ما تجربه مینماییم عبارتست از پروسه اجرای يك سیاست و سرانجام آن . فقط در اثر عمل خلق ، یعنی در اثر تجربه است که ما میتوانیم بیآزمائیم که آیا سیاستی صحیح یا ناصحیح است و تعیین کنیم که تا چه اندازه صحیح یا ناصحیح است . اما عمل انسان‌ها و بویژه عمل حزب انقلابی و توده‌های انقلابی ضرورتاً وابسته است به این با آن سیاست . پس ما پیش از آنکه باقصدی دست بزنیم باید سیاستی را که در پرتو شرایط معین تنظیم کرده‌ایم بروشنی به اعضای حزب و توده‌ها توضیح بدهیم . وگرنه اعضای حزب و توده‌ها از رهبری سیاسی حزب ما دور خواهند شد ، کورکورانه عمل خواهند کرد و مجری سیاستی ناصحیح خواهند بود .

درباره مسئله بورژوازی ملی و متنفذین روشن بین

(۱ مارس ۱۹۴۸)

انقلاب چین در مرحله کنونی دارای خصلت انقلاب توده‌های پهناور خلق ، تحت رهبری پرولتاریا ، بر علیه اسیپرالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک است . منظور از توده‌های پهناور خلق کلیه کسانی هستند که از اسیپرالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک متم می‌کشند ، خسارت می‌بینند و یا گرفتار محدودیت میشوند ، یعنی کارگران ، دهقانان ، سربازان ، روشنفکران ، بازرگانان و سایر میهن‌پرستان ، بطریقی که در مانیفست ارتش آزادیبخش توده‌ای چین (۱) منتشر در اکتبر ۱۹۴۷ بروشنی بیان شده‌است . در این مانیفست ، ” روشنفکران ” اشاره به کلیه روشنفکرانی است که دچار آزار و محدودیت‌اند . ” بازرگانان ” اشاره به کلیه عناصر آزار کشیده و محدودیت دیده بورژوازی ملی یعنی بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده‌است .

است . " سایر میهن پرستان " بطور عمده اشاره به متنفذین روشن بین است . انقلاب چین در مرحله کنونی انقلابی است که کلیه کسانی که نام بردیم بهم میپیوندند تا جبهه متحدی بر علیه امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک بوجود آورند و نیروی عمده آن خلق زحمتکش است . منظور از خلق زحمتکش عبارت است از زحمتکشان یدی (مانند کارگران ، دهقانان ، پیشه وران) و زحمتکشان فکری که بزحمتکشان یدی نزدیک اند و استثمارشونده اند نه استثمارکننده . هدف انقلاب چین در مرحله کنونی لغو سرمایه داری بطور کلی نیست بلکه سرنگون ساختن سلطه امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک و استقرار جمهوری دموکراتیک نوین توده های پهناور خلق است که نیروی عمده آن زحمتکشان اند .

ما نباید متنفذین روشن بینی را که با ما همکاری کرده اند و امروز همچنان همکاری میکنند و با مبارزه ما بر علیه آمریکا و چانکایسک و نیز با اصلاحات ارضی موافق اند رها سازیم . برای نمونه اشخاصی مانند لیو شائو بای از منطقه مرزی شان سی - سوی یوان و لی دین مین از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا را در نظر میگیریم (۲) . اینان در جنگ مقاومت بر ضد ژاپن و پس از آن در لحظات دشوار بما کمک قابل توجهی دادند و بعداً هنگامیکه ما دست باصلاحات ارضی زدیم جلوی آن را نگرفتند و با اجرای آن بمخالفت برخاستند ، پس ما باید در مورد آنها همچنان سیاست اتحاد را دنبال کنیم . ولی متحد شدن با آنها بآن معنا نیست که آنها را نیروی تعیین کننده خصلت انقلاب چین بشماریم . آنچه خصلت انقلاب را تعیین میکند از یک سو عبارتست از دشمنان عمده آن و از سوی دیگر عبارتست از نیروهای عمده انقلابی .

امروز دشمنان عمده ما امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک هستند و نیروهای عمده ما در مبارزه بر ضد این دشمنان عبارتند از کلیه زحمتکشان یدی و فکری که ۹۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند . از اینجا است که انقلاب ما در مرحله کنونیش خصلت انقلابی دموکراتیک نوین ، انقلابی دموکراتیک توده‌ای دارد که از انقلاب سوسیالیستی مانند انقلاب اکبر متفاوت است .

آن عده اندك از عناصر راست بورژوازی ملی که وابسته به امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک و مخالف انقلاب دموکراتیک توده‌ای می‌باشند نیز دشمنان انقلاب‌اند ، و حال آنکه عناصر چپ بورژوازی ملی که وابسته به مردم زحمتکش و مخالف سرتیجان می‌باشند و همچنین آن عده اندك از متنفذین روشن بین که از طبقه فئودال‌ها جدا شده‌اند نیز انقلابی‌اند . اما نه آن اولیها نیروی عمده دشمن‌اند و نه دومیها نیروی عمده انقلابیون‌اند . هیچک از آنها نمیتوانند تعیین کننده خصلت انقلاب باشند . بورژوازی ملی طبقه‌ای است از لحاظ سیاسی بسیار ضعیف و سخت متزلزل . اما اکثریت اعضاء آن از آنجا که از جانب امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک گرفتار آزار و محدودیت‌اند میتوانند یا با انقلاب دموکراتیک توده‌ای پیوندند و یا سوزی بیطرف اختیار کنند . آنها بخشی از توده‌های پهن‌اور خلق‌اند ، ولی نه نیروی عمده این توده‌ها هستند و نه نیروی تعیین کننده خصلت انقلاب . معذالك نظر باینکه اهمیت اقتصادی دارند و میتوانند یا به مبارزه بر علیه آمریکا و چانکایشك پیوندند و یا در این مبارزه بیطرف بمانند برای ما ممکن و لازم است که آنها را با خویش متحد گردانیم . پیش از ظهور حزب کمونیست چین گومیندان تحت رهبری سون یاتسن نماینده بورژوازی ملی بود و

نقش رهبر در انقلاب چین در آن دوره (انقلاب دموکراتیک ناپیگیر از طراز کهن) داشت . اما همینکه حزب کمونیست چین پدید آمد و شایستگی‌های خود را نمایاند گومیندان دیگر نتوانست رهبری انقلاب چین (انقلاب دموکراتیک نوین) را بر عهده داشته باشد . بورژوازی ملی به جنبش انقلابی سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ پیوست ، سپس در طی سالهای ۱۹۲۷ - ۱۹۳۱ (پیش از حادثه ۱۸ سپتامبر ۱۹۳۱) بخش مهمی از عناصر وی جانب ارتجاع تحت رهبری چانگ‌کیشک را گرفتند . اما از اینجا بهیچوجه نتیجه نمیشود که ما نمیایست در طی این دوره میکوشیدیم تا بورژوازی ملی را در عرصه سیاسی جلب کنیم و در عرصه اقتصادی مورد حمایت قرار دهیم . از اینجا بهیچوجه نتیجه نمیشود که سیاست بسیار چپ‌روانه آن زمان در مورد بورژوازی ملی سیاستی ماجراجویانه نبوده است . بر عکس ، در آن دوره نیز ما میایست معذلك سیاست حمایت از بورژوازی ملی و جلب وی را بکار میبردیم تا بتوانیم کوششهای خود را در مبارزه بر علیه دشمنان عمده خویش متمرکز گردانیم . در دوران جنگ مقاومت ، بورژوازی ملی در عین حال که بین گومیندان و حزب کمونیست در نوسان بود در جنگ شرکت جست . در مرحله کنونی ، اکثریت این طبقه کینه روزافزونی از آمریکا و چانگ‌کیشک در دل دارد . عناصر چپ وی به حزب کمونیست میپیوندند و عناصر راستش به گومیندان . اما عناصر وسطش در حال انتظار بسر میبرند و بین دو حزب مردداند . در چنین احوالی برای ما لازم و ممکن است که اکثریت بورژوازی ملی را جلب کنیم و اقلیت آن را منفرد سازیم . و بمنظور نیل به این هدف باید در مورد آنچه مربوط به موقعیت اقتصادی این طبقه است با احتیاط عمل کنیم و علی‌الاصول سیاست عمومی حمایت وی را

در پیش گیریم . و گر نه دچار اشتباهات سیاسی خواهیم شد .

متنفذین روشن بین ، عناصر خیلی هستند از طبقه مالکان ارضی و دهقانان مرفه که صاحب تمایلات دموکراتیک اند . اینان با سرمایه داری بوروکراتیک و امپریالیسم و همچنین تا حدودی با مالکان ارضی و دهقانان مرفه فئودال تضادهائی دارند . ما با اینان متحد میشویم نه از آنجهت که نیروی سیاسی بزرگی هستند ، نه از آنجهت که اهمیت اقتصادی دارند (زمینهای که بر اساس سیستم فئودالی در دست آنهاست باید با رضایت خودشان بدهقانان واگذار و تقسیم شود) بلکه از آنجهت که اینان در هنگام جنگ مقاومت بر ضد ژاپن و در مبارزه بر علیه آمریکا و چانکایشک بما کمک سیاسی قابل ملاحظه ای رساندند . در دوران اصلاحات ارضی ، موافقت عده خیلی از متنفذین روشن بین برای اصلاحات ارضی در سراسر کشور مفید خواهد بود و بخصوص بما در جلب روشنفکران (روشنفکران چین غالباً از خانواده های مالکان ارضی و یا دهقانان مرفه برخاسته اند) ، بورژوازی ملی (اعضاء بورژوازی ملی چین غالباً با زمین وابستگی دارند) و متنفذین روشن بین سراسر کشور (که تعدادشان چند صد هزار است) و در منفرد ساختن دشمن عمده انقلاب چین یعنی دارودسته ارتجاعی چانکایشک کمک خواهد کرد . درست باین علت که متنفذین روشن بین میتوانند چنین نقشی بازی کنند و در جبهه متحد انقلابی ضد امپریالیسم ، ضد فئودالیسم و ضد سرمایه داری بوروکراتیک نیز شرکت دارند موضوع اتحاد ما با آنها باید مورد توجه ما باشد . در دوران جنگ مقاومت بر ضد ژاپن ، آنچه از متنفذین روشن بین میخواستیم هواداری از مقاومت بر ضد ژاپن ، از دموکراسی (یا حزب کمونیست مخالفت نکردن) و از تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود بود . در مرحله

کنونی آنچه از آنها میخواهیم هواداری از مبارزه بر ضد آمریکا و چانکاشك ، از دموکراسی (با حزب کمونیست مخالفت نکردن) و از اصلاحات ارضی است . اگر آنها مطالبات ما را برآورده سازند باید با آنها بدون استثناء متحد شویم و در عین حال بآنها آموزش دهیم .

یادداشتها

- ۱ - مراجعه شود به اصل نخستین از اصول سیاسی هشت گانه که در «مانیفست ارتش آزادیبخش توده‌ای چین» یاد شده است ، جلد حاضر .
- ۲ - لیو شائو بای ، متنفذ روشن بین منطقه مرزی شان سی - سوی یوان ، بمعاونت صدر مجلس نمایندگان موقت منطقه مرزی شان سی - سوی یوان انتخاب شد . لی دین مین متنفذ روشن بین شنسی شمالی ، بمعاونت صدر دولت منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا انتخاب شد .

در باره پیروزی بزرگ در شمال غربی و جنبش طراز نوین برای تربیت ایدئولوژیک در ارتش آزادیبخش

(۷ مارس ۱۹۴۸)

سخنگوی ستاد کل ارتش آزادیبخش توده‌ای در تفسیر پیروزی بزرگی که اخیراً ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال غربی بدست آورده ، چنین اظهار داشت : این پیروزی وضعیت شمال غربی را عوض کرده‌است و در وضعیت دشتهای مرکزی تأثیر خواهد گذاشت . این پیروزی ثابت کرده‌است که ارتش آزادیبخش توده‌ای با برانگیختن جنبش طراز نوین تربیت ایدئولوژیک که از طریق ” حکایت رنج‌ها ” و ” سه رسیدگی ” عملی میگردد ، میتواند بصورت ارتشی غلبه‌ناپذیر درآید .

سخنگو گفت : این بار ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال غربی یک

متن حاضر تفسیری است که از طرف رفیق مائو تسه دون بنام سخنگوی ستاد کل ارتش آزادیبخش توده‌ای چین تنظیم گردیده‌است . در آن هنگام تعرض دشمن در صحنه عملیات شمال غربی درهم شکسته شده و ارتش ما به تعرض پرداخته بود . این تفسیر وضعیت شمال غربی را تحلیل میکند و وضعیت سایر عرصه‌های عملیات

تیپ از واحدهای دشمن را در ای چوان ناگهان محاصره کرد و حو زون نان به لیو کان فرمانده سپاه ۲۹ خود دستور داد از خط لوه چوان - ای جیون با ۴ تیپ از ۲ لشکر تجدید سازمان یافته ، یعنی با تیپ ۳۱ و ۴۷ از لشکر تجدید سازمان یافته ۲۷ و تیپ ۵۳ و ۶۱ از لشکر تجدید سازمان یافته . ۹ که مجموعاً بیش از ۲۴,۰۰۰ نفر بودند ، برای کمک به ای چوان بشتابند ؛ این تیپها روز ۲۸ فوریه به جنوب غربی ای چوان رسیدند . ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال غربی به نبرد نابود کننده دست زد و در عرض سی ساعت یعنی از روز ۲۹ فوریه تا اول مارس این نیروهای امدادی را بکلی نابود ساخت ، بدون آنکه بگذارد یکنفر بگریزد . در این نبرد بیش از ۱۸,۰۰۰ تن اسیر ، ۵,۰۰۰ تن کشته و یا زخمی شدند . خود لیو کان و یین مین فرمانده لشکر ۹ و برخی دیگر از افسران نیز کشته شدند . و سپس روز ۳ مارس ای چوان را گرفتیم و بیش از ۵,۰۰۰ تن از تیپ ۲۴ از لشکر ۷۶ تجدید سازمان یافته را که از آن شهر دفاع میکردند ، نابود ساختیم . دشمن در جریان این عملیات يك ستاد سپاه ، ۲ ستاد لشکر و ۵ تیپ و مجموعاً ۳۰,۰۰۰ نفر را از دست داد . این نخستین پیروزی بزرگ ما در صحنه عملیات شمال غربی است .

نظامی کشور ما را در خطوط کلی نشان میدهد . مهمترین عنصر این تفسیر آنستکه اهمیت بزرگ جنبش طراز نوین برای تربیت ایدئولوژیک در ارتش را که از طریق "حکایت رنج‌ها" و "سه رسیدگی" عمل میگردید ، تأکید میکند . این جنبش طراز نوین نشانه رشد و تکامل پراهمیت کار سیاسی و جنبش دموکراتیک در درون ارتش آزادیبخش توده‌ای و انعکاسی بود در ارتش از جنبش اصلاحات ارضی و جنبش تحکیم حزب که در آن زمان در کلیه مناطق آزاد شده با جنب و جوش جریان مییافت . جنبش مذکور آگاهی سیاسی ، انضباط و قدرت رزمی کلیه افسران و سربازان

سخنگو در تحلیل وضعیت صحنه عملیات شمال غربی اظهار داشت :
از ۲۸ تیپ باصطلاح " ارتش مرکزی " تحت فرماندهی مستقیم حو
زون نان ، ۸ تیپ به ۳ لشکر زنده یعنی به لشکرهای تجدید سازمان
یافته ۱ و ۳۶ و ۹۰ تعلق داشتند . از میان آنها ، تیپ یکم از لشکر
یکم تجدید سازمان یافته قبلاً يك مرتبه در سپتامبر ۱۹۴۶ در فوشان
واقع در جنوب شان سی نابود شده بود . در ماه مه سال گذشته نیروهای
عمده تیپ ۱۶۷ همین لشکر در پن لون واقع در شمال شنسی ، نیز
گرفتار همین سرنوشت گردیدند . در ماه اوت همین سال تیپ ۱۲۳ و
۱۶۵ از لشکر تجدید سازمان یافته ۳۶ یکبار در شا جیا دیان از شهرستان
می جی واقع در شمال شنسی نابود شده بود . این مرتبه لشکر تجدید
سازمان یافته ۹ کاملاً نابود شد . از میان نیروهای عمده باقیمانده حو
زون نان فقط تیپ ۷۸ از لشکر یکم تجدید سازمان یافته و تیپ ۲۸
از لشکر ۳۶ تجدید سازمان یافته هنوز نابود نشده اند . پس میتوان گفت
که ارتش حو زون نان عملاً از واحدهای زنده محروم شده است . بعد
از نبرد نابود کننده ای که در ای چوان روی داد ، از ۲۸ تیپ از واحدهای
منظم تحت فرماندهی مستقیم حو زون نان ، فقط ۲۳ تیپ باقی مانده که

را بوجه قابل ملاحظه ای بالا برد و در عین حال به مؤثرترین وجهی این پروسه را
تسریع کرد که عده کثیری از سربازان گویندگان که اسیر شده بودند ، از نو تربیت
شوند و بصورت سربازان ارتش آزادیبخش در آیند ، و علاوه بر این در تحکیم و توسعه
ارتش آزادیبخش توده ای و در پیروزیهای وی در عرصه نبرد نقش مهمی ایفا نمود .
در باره اهمیت این جنبش رجوع شود به « جنبش دموکراتیک در ارتش » ، « سخنرانی
در کنفرانس کادرهای منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان » و « بخشنامه کمیته
مرکزی حزب کمونیست چین درباره جلسه سپتامبر » ، جلد حاضر .

در نواحی زیرین تقسیم شده‌اند : يك تپ در لین فن واقع در جنوب شانسی در تنگنا افتاده است ؛ ۹ تپ در مرز شنسی - حه نان و در طول خط لوه یان - تون گوان بمقابله با ارتش صحرائی ما که تحت فرماندهی چن گن و سیه فوجی است ، مشغولند ؛ يك تپ در جنوب شنسی از ناحیه حان جون محافظت میکند ؛ و بغیر از آن ۱۲ تپ دیگر در طول راه‌های ارتباطی بشکل " T " از تون گوان تا بائو جی و از میان یان تا ین ان بخش شده‌اند . از میان آنها ۳ " تپ بازگشته از جبهه " (۱) هستند که تماماً از سربازان جدید تشکیل شده‌اند ؛ دو تپ از آنها قبلاً از طرف ارتش ما بکلی نابود گشته بودند و اخیراً تکمیل یافته‌اند ؛ دو تپ دیگر از دست ما ضربات شکستنده خورده‌اند و ۵ تپ نسبتاً کم ضربه خورده‌اند . از اینجا میتوان نتیجه گرفت که این واحدها نه فقط خیلی ضعیفند بلکه اکثر آنها بخدمات پادگانی مشغولند . علاوه بر ارتش حو زون نان ، ۲ تپ تحت فرماندهی دن بائو شان از یو لین دفاع میکند و ۹ تپ دیگر تحت فرماندهی ما هون کوی از استان نین میا و ما بو فان از استان چینگ های در مناطق سان بیان و لون دون بخش شده‌اند . همه واحدهای منظم فوق‌الذکر که بترتیب تحت فرماندهی حو زون نان ، دن بائو شان ، ما هون کوی و ما بو فان قرار دارند و از آنجمله واحدهائی که یکی دو بار نابود شده و از نو تکمیل یافته‌اند ، مجموعاً ۳۴ تپ را تشکیل میدهند .

اینست وضعیت دشمن در شمال غربی . حال برگردیم به تیپهایی که در راه‌های ارتباطی بصورت " T " گسترده شده‌اند . از این تیپها ۵ تپ نسبتاً کم ضربه خورده‌اند ، دو تپ در ین ان برای دفاع از آن شهر میخکوب شده‌اند و سه تپ در منطقه گوان جون بزرگ مستقرند ؛ بقیه

اکثراً تیپهائی هستند که بتازگی تکمیل شده‌اند و بعضی‌ها واحدهائی هستند که ضربات شکننده خورده‌اند. عبارت دیگر نیروهای دشمن در سراسر منطقه گوان جون بزرگ و بویژه در استان گان سو سخت ضعیف گشته و نمیتوانند جلوی تعرض ارتش آزادیبخش توده‌ای را بگیرند. این وضعیت مسلماً در آرایش قسمتی از نیروهای چانکایشک در جبهه جنوب و در درجه اول در آرایش نیروهای وی در مرز حه نان - شنسی برای مقابله با ارتش صحرائی ما بفرماندهی چن گن و سیه فوجی تأثیر خواهد گذاشت. ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال غربی در یورش کنونی خویش بسوی جنوب همینکه درفش خود را باهتزاز در آورد، به پیروزی رسید، شهرت فراوان یافت و در شمال غربی تناسب قوا میان دشمن و ما را تغییر داد. وی از این پس در هماهنگی با واحدهای ارتش آزادیبخش توده‌ای که در صحنه‌های جنگ جبهه جنوب عمل میکنند، با اثربخشی باز هم بیشتری خواهد جنگید.

سخنگو اظهار داشت: از تابستان و پائیز گذشته سه ارتش صحرائی ما بترتیب تحت فرماندهی لیو بوه چن و دن سیائو پین، چن ای و سویو، چن گن و سیه فوجی پس از عبور از رودخانه زرد بسوی جنوب پیشرفتند و در سرزمین‌های بین رودخانه‌های یان تسه، حوای، زرد و حان بتاخت و تاز پرداختند و تعداد زیادی از واحدهای دشمن را نابود ساختند، تقریباً ۹. تیپ از صد و شصت و چند تیپی را که چانکایشک در جبهه جنوب در اختیار داشت، بحرکت در آورده و آنها را بدور خویش جلب کردند، ارتشهای چانکایشک را بموضع غیرفعال انداختند و باین طریق نقش استراتژیک قاطعی بازی نمودند و مورد تحسین و تشویق خلق سراسر کشور قرار گرفتند (۲). ارتش صحرائی شمال شرقی ما در تعرض زمستانی خود

از سرمای شدید ۳ درجه زیر صفر پروا نکرد ، قسمت بزرگی از سپاهیان دشمن را نابود ساخت ، شهرهای مهم را یکی پس از دیگری گرفت و در سراسر کشور شهرت یافت (۲) . ارتشهای صحرائی ما در منطقه شان‌سی - چاهار - حه به ، در شان دون ، شمال جیان سو و در منطقه شان‌سی - حه به - شان دون - حه نان پس از آنکه در سال گذشته عده کثیری از سپاهیان دشمن را طی نبردهای قهرمانانه نابود ساختند (۴) ، در زمستان سال گذشته وظیفه خویش را در کار تعلیمات و تقویت صفوف خود پایان رساندند و بزودی به تعرض بهاره دست خواهند زد (۵) . از بررسی مجموعه اوضاع ، این حقیقت باثبات میرسد : تا زمانیکه ما علیه محافظه‌کاری ، علیه ترس از دشمن و دشواریها مصممانه مبارزه میکنیم ، تا زمانیکه از مشی عمومی استراتژیک کمیته مرکزی حزب و دستور آن درباره ده اصل مهم عملیات نظامی (۶) پیروی میکنیم ، میتوانیم دامنه تعرضهای خود را گسترش دهیم ، سپاهیان دشمن را بتعداد زیاد نابود سازیم و به نیروهای دارودسته راهزنان چانکایشک چنان ضرباتی وارد آوریم که یا فقط موقتاً قابل دفع باشد و بآنها امکان تلافی ندهد و یا اصولاً برایشان قابل دفع نباشد و آنها را یکی پس از دیگری نابود سازد .

سخنگو تأکید کرد : قدرت رزمی ارتش صحرائی شمال غربی ما بمراتب بیشتر از سال گذشته شده است (۷) . ارتش صحرائی شمال غربی در نبردهای سال گذشته فقط میتوانست در عین حال حداکثر ۲ تیپ دشمن را نابود سازد ، حال آنکه اینک طی نبرد ای چوان توانسته است در آن واحد ۵ تیپ دشمن را از پای درآورد . کسب این پیروزی درخشان دارای علل مختلف است که آنچه باید ذکر شود ، بقرار زیر است : فرماندهی متین و با نرمش رفقای رهبری در جبهه ، پشتیبانی فعال رفقای

رهبری و توده‌های وسیع در پشت جبهه ، افراد نسبی سپاهیان دشمن و موقعیت مساعد زمین . ولی علتی که بیش از همه شایان توجه است ، عبارتست از جنبش طراز نوین تربیت ایدئولوژیک در ارتش که در زمستان گذشته طی مدتی بیش از دو ماه از طریق ” حکایت رنج‌ها “ و ” سه رسیدگی “ عملی گردید . رشد صحیح جنبش برای ” حکایت رنج‌ها “ (جور و ستمی که از طرف جامعه کهن و مرتجعین نسبت به مردم زحمتکش اعمال شده) و ” سه رسیدگی “ (منشاء طبقاتی ، حس وظیفه‌شناسی و اراده مبارزه) آگاهی سیاسی فرماندهان و رزمندگان سراسر ارتش را در مبارزه بخاطر آزادی توده‌های زحمتکش استثمار شده ، بخاطر اصلاحات ارضی در سراسر کشور و نابودی دشمن مشترک خلق یعنی دارودسته راهزنان چانکایشک بمیزان قابل ملاحظه‌ای بالا برده‌است . در ضمن ، جنبش مذکور همبستگی استوار کلیه فرماندهان و رزمندگان را تحت رهبری حزب کمونیست بشدت تحکیم نموده‌است . ارتش بر این اساس در صفوف خود پیاکیزگی بیشتری رسیده ، انضباط خود را تقویت نموده ، جنبش توده‌ای برای تعلیمات نظامی برپا کرده و دموکراسی را در عرصه سیاسی ، اقتصادی و نظامی تحت رهبری صحیح و بطور منظم رشد و قوام داده‌است . از اینرو ارتش ما چون تنی واحد بهم پیوسته‌است ، بطوریکه همه کس فکر و نیروی خود را بکار میاندازد . ارتش ما از قربانی نمیهراسد ، قادر به غلبه بر مشکلات مادی است و سرشار از روحیه قهرمانی توده‌ای و جرأت به نابود ساختن دشمن است ؛ چنین ارتشی شکست ناپذیر است .

سخنگو اظهار داشت : فقط در شمال غربی نیست که جنبش طراز نوین تربیت ایدئولوژیک در ارتش برپا شده‌است ، این جنبش در سراسر

ارتش آزادیبخش توده‌ای نیز جریان یافته و یا جریان دارد. این جنبش که در فاصله میان نبردها عملی میشود، عملیات نظامی را دچار وقفه نمیسازد. این جنبش با جنبش تحکیم حزب و جنبش اصلاحات ارضی که در لحظه کنونی از طرف حزب ما بوجه صحیحی توسعه داده شده‌اند، در پیوند است؛ این جنبش با سیاست درست حزب ما مبنی بر اینکه دامنه حمله باید محدود شود — یعنی مبارزه فقط علیه امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک، منع زدن و کشتن بدون تشخیص (هر چه کمتر بکشند، بهتر است) و همچنین پیوند محکم با توده‌های وسیع خلق که بیش از ۹۰ درصد اهالی کشورند — هماهنگ است؛ این جنبش با اجرای سیاست صحیح حزب ما در شهرها و با سیاست قاطع ما مبتنی بر حمایت و بسط صنایع و تجارت ملی هماهنگی دارد. باین طریق جنبش مذکور بیگمان ارتش آزادیبخش توده‌ای ما را غلبه‌ناپذیر خواهد ساخت. دارودسته راهزنان چانکایسک و اربابش، امپریالیسم آمریکا هر چه بر ضد مبارزه عظیم خلق چین در راه انقلاب دموکراتیک نو میدانه بکوشند، باز مسلماً پیروزی از آن ما خواهد بود.

یادداشتها

۱ - منظور از تیپ‌های بازگشته از جبهه، آن تیپ‌های گومیندان است که بخش اعظم آنها در میدان جنگ از طرف ارتش آزادیبخش توده‌ای چین نابود شده و برای تکمیل به پشت جبهه انتقال مییابند، ولی نمره‌های آنها عوض نمیگردند. — مترجم

۲ - از ۳۰ ژوئن ۱۹۴۷ هفت ستون از ارتش صحرائی شان سی - سه به - شان دون - سه نان بفرماندهی لیو بوه چن، دن سیائو پین و رفقای دیگر از رودخانه

زرد بزور گذشتند و بسوی کوه دابیه پیش رانده و بدین ترتیب تعرض استراتژیک ارتش آزادیبخش توده‌ای را آغاز کردند. تا آخر مارس ۱۹۴۸ بیش از ۱۰۰,۰۰۰ نفر از واحدهای دشمن نابود شدند و در مرز حوبه - حه نان، در مغرب آن هوی، در منطقه کوهستانی تون بای و در دشتهای بین رودخانه‌های یان تسه و حان پایگاههایی برپاگردیدند. در اوت ۱۹۴۷ هشت ستون از ارتش صحرائی چین شرقی بفرماندهی چن ای، سویو و رفقای دیگر حمله متمرکز دشمن بر استان شان دون را درهم شکستند و سپس به جنوب غربی شان دون و منطقه مرزی حه نان - آن هوی - جیان سو سرازیر شدند، مجموعاً بیش از ۱۰۰,۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساختند، منطقه آزاد شده حه نان - آن هوی - جیان سو را توسعه دادند و مراکز استراتژیک دشمن یعنی کای فون و جن جو را منفرد گردانند. در اوت ۱۹۴۷ دو ستون ویک سپاه از ارتش تائی یوه از منطقه شان سی - حه به - شان دون - حه نان بفرماندهی چن گن، سیه فو جی و رفقای دیگر در جنوب شان سی از رودخانه زرد بزور گذشتند، وارد مغرب حه نان شدند، بیش از ۴۰,۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساختند و در مرز حه نان - شنسی - حوبه و در جنوب شنسی پایگاههایی برپا کردند، لوه یان را که مرکز استراتژیک دشمن در مغرب حه نان بود، بکلی منفرد گردانند و تون گوان را مورد تهدید قرار دادند.

۳ - از ۱۵ دسامبر ۱۹۴۷ تا ۱۵ مارس ۱۹۴۸، ۱۰ ستون و ۱۲ لشکر مستقل ارتش صحرائی شمال شرقی بفرماندهی لین بیائو، لوه ژون هوان و رفقای دیگر طی نود روز نبرد مداوم در طول منطقه سی پین جیه - داشی چیائو از راه آهن چان چون چینی و در طول منطقه شان های گوان - شن یان از راه آهن بی پین - لیائو نین به تعرض زمستانی پرداخته و بیسابقه‌ای دست زدند، بیش از ۱۵۶,۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساختند و مرکز استراتژیک سی پین جیه را که استحکاماتی نیرومند داشت و هجده شهر دیگر را به تصرف در آوردند. یک لشکر دشمن که پادگان بین کو را تشکیل میداد، بقیام برخاست و بصفوف ما پیوست. نیروهای دشمن که از شهر جی لین دفاع میکردند، شهر را ترک کرده و بسوی چان چون گریختند. بدین ترتیب منطقه تحت اشغال دشمن در شمال شرقی به یک صدم این منطقه تقلیل یافت و پناهگاههایش در شهرهای طول خط چان چون - شن یان - جین جو منفرد گردیدند.

۴ - از آغاز سپتامبر تا نیمه نوامبر ۱۹۴۷ پنج ستون از ارتش صحرائی شان سی - چاهار - حه به بفرماندهی نیه ژون جن و رفقای دیگر متوالیاً به نبردهائی در شمال رودخانه دا چینگ و منطقه چینگ فون دیان و همچنین به نبرد برای آزاد

ساختن شی جیا جوان دست زدند ، قریب ۵۰,۰۰۰ نفر از سپاهیان دشمن را نابود ساختند و مناطق آزاد شده شان سی - چاهار - حه به ، شان سی - حه به - شان دون - حه نان را بهم متصل گردانده و بصورت سرزمین واحد در آوردند . از سپتامبر تا دسامبر ۱۹۴۷ سه ستون از ارتش شان دون متعلق به ارتش صحرائی چین شرقی و نیروهای مسلح محلی تحت فرماندهی سیو شی یو ، تن جن لین و رفقای دیگر به نبرد مشرق شان دون دست زدند ، بیش از ۶۳,۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساختند ، بیش از ۱۰ مرکز شهرستان را دو باره بتصرف در آوردند که در نتیجه وضعیت استان شان دون بکلی تغییر یافت . از اوت تا دسامبر ۱۹۴۷ واحدهائی از ارتش صحرائی چین شرقی در شمال جیان سو متوالیاً به نبردهائی در ین جن ، لی بائو و غیره دست زدند که بدشمن بیش از ۲۴,۰۰۰ تن تلفات وارد ساخت . آنها نواحی وسیعی را در شمال جیان سو دوباره بتصرف در آوردند . در دسامبر ۱۹۴۷ واحدهائی از ارتش صحرائی شان سی - حه به - شان دون - حه نان بفرماندهی سیو سیان چیان و سایر رفقا در هماهنگی با واحدهای ارتش صحرائی شمال غربی به یون جن حمله ور گشتند و آنرا بتصرف در آوردند . دشمن بیش از ۱۳,۰۰۰ تن تلفات داد . تمام نیروهایش در جنوب غربی شان سی نابود شدند و واحدهای او که در لین فن مستقر بودند ، منفرد گردیدند .

۵ - در بهار ۱۹۴۸ ارتشهای صحرائی ارتش آزادیبخش توده‌ای پس از طی دوران تعلیمات و تقویت واحدها در زمستان سال گذشته یکی بعد از دیگری به تعرض بهاره دست زدند . از مارس تا مه ارتش صحرائی شان سی - چاهار - حه به و واحدهائی از ارتش صحرائی شان سی - حه به - شان دون - حه نان و ارتش صحرائی شان سی - سوی یوان به نبردهائی در جنوب چاهار ، مشرق سوی یوان و در منطقه لین فن پرداختند که بیش از ۴۳,۰۰۰ تن بر دشمن تلفات وارد ساخت و منجر به باز ستاندن سرزمینهای وسیعی گردید . از ۸ مارس تا ۲۹ مه واحدهائی از ارتش صحرائی دشتهای مرکزی و ارتش صحرائی چین شرقی متوالیاً به نبردهائی در لوه یان ، سون هه ، در غرب و شرق نان ون دست زدند . دشمن بیش از ۵۶,۰۰۰ تن تلفات داد و سیستم دفاعی اش در دشتهای مرکزی در هم شکسته شد و منطقه آزاد شده آنجا توسعه و تحکیم یافت . از ۱۱ مارس تا ۸ مه ارتش شان دون از ارتش صحرائی چین شرقی نخست در بخش غربی راه آهن چینگ دائو - جی نان ، سپس در وی سیان به نبردهائی پرداخت که بدشمن بیش از ۸۴,۰۰۰ تن تلفات وارد ساخت . باین طریق استان شان دون جز چند تکیه‌گاه از قبیل جی نان ، چینگ دائو ، لین

ای وین جو که در دست گومیندان باقی ماندند ، آزاد گردید . در ماه مارس ارتش شمال جیان سو به نبردی موفقیت آمیز در ای لین دست زد .

۶ - در باره ده اصل عملیات نظامی رجوع شود به « اوضاع کنونی و وظایف ما » بخش ۳ ، جلد حاضر .

۷ - نیروهای عمده ای که در تابستان ۱۹۴۷ از طرف ارتش صحرائی شمال غربی بفرماندهی پون ده هوای ، حه لون ، سی جون سیون و رفقای دیگر در نبردهای شمال شنسی بکار افتادند ، مرکب بودند از ۲ ستون و ۲ تیپ مجموعاً بیش از ۲۵,۰۰۰ تن . این نیروها در بهار ۱۹۴۸ به پنج ستون با تعدادی متجاوز از ۷۵,۰۰۰ تن رسیدند . توده های وسیع افسران و سربازان در اثر يك سال مبارزه و در اثر جنبش طراز نوین تربیت ایدئولوژیک که در زمستان ۱۹۴۷ جریان یافت ، آبدیده تر شدند و سطح آگاهی سیاسی و قدرت رزمی واحدهای خویش را بطور بیسابقه بالا بردند . باین طریق شرایط لازمی بوجود آمد که بارتش صحرائی شمال غربی اجازه داد در مارس ۱۹۴۸ بعملیات در خطوط خارجی روی آورد . این ارتش پس از پیروزی بزرگ ای چوان در ۱۲ آوریل به نبردهائی در سی فو (واقع در مغرب سی ان و بین رودخانه های جین و وی) و مشرق گان سو دست زد ، به ناحیه وسیعی بین رودخانه های جین و وی وارد شد ، جاده شوسه سی ان - لان جو را قطع کرد و در ۲۲ آوریل ین ان را باز ستاند .

www.KetabFarsi.com

بخشنامه درباره وضع حاضر

(۲۰ مارس ۱۹۴۸)

۱ - کمیته مرکزی حزب در ماههای اخیر همه کوشش خود را بر آن مصروف داشته است تا مسایل مربوط به سیاست و تاکتیک خاص اصلاحات ارضی ، صنعت و بازرگانی ، جبهه متحد ، تحکیم حزب ، کار در مناطق آزاد شده جدید را در شرایط نوظهور حل کند و همچنین بمبارزه با انحرافات راست و "چپ" و بویژه انحرافات "چپ" در درون حزب پردازد . تاریخ حزب ما نشان میدهد که خطر پیدایش انحرافات راست در موقعی ظهور کرده که حزب ما با گویندگان جبهه متحد داشته است ، حال آنکه خطر پیدایش انحرافات "چپ" آنگاه پدید آمده که بین حزب ما و گویندگان جدائی افتاده است . امروزه مضمون انحرافات "چپ" بطور عمده عبارتست از : منافع دهقانان میانه حال را پامال کردن ،

بخشنامه برای حزب که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است . کمیته مرکزی پس از صدور این بخشنامه از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا حرکت کرده پس از عبور از منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان به منطقه آزاد شده شان سی - چاهار - حه به منتقل شد و در مه ۱۹۴۸ به دهکده سی بای پوه از شهرستان پین شان واقع در مغرب استان حه به رسید .

بمنافع بورژوازی ملی لطمه زدن ، در جنبش کارگری فقط بر منافع آنی کارگران تکیه کردن ، در رفتار با مالکان ارضی و دهقانان مرفه و همچنین در رفتار با مالکان ارضی بزرگ ، متوسط و کوچک ، و نیز در رفتار با مالکان ارضی که مستبداند و آنها که مستبد نیستند تفاوت نگذاشتن ، وسایل لازم برای اسرار معاش را برخلاف اصل تقسیم متساوی زمین ها از مالکان ارضی گرفتن ، در مبارزه برای سرکوب ضد انقلاب از حدودی که سیاست ما مقرر داشته است فراتر رفتن ، احزاب سیاسی نماینده بورژوازی ملی را راندن ، متنفذین روشن بین را طرد کردن ، اهمیت این تاکتیک را که در نواحی آزادشده جدید باید بخش مورد حمله ما محدود باشد از دیده فرو گذاشتن (یعنی به بیطرف ساختن دهقانان مرفه و مالکان کوچک ارضی بی اعتنا بودن) ، و بالاخره در اجرای منظم کارشکیب نداشتن . اینگونه انحرافات "چپ" تقریباً از دو سال باین طرف بدرجات مختلف در کلیه مناطق آزادشده ظهور کرده و گاهی بصورت تمایلات ماجراجویانه خطرناک در آمده است . خوشبختانه رفع آنها خیلی دشوار نیست و بطور کلی در طی ماههای اخیر یا رفع شده و یا در حال رفع شدن اند . معذک لازم است که رهبران در کلیه مراتب مجدانه باقدام پردازند تا اینگونه انحرافات یکباره رفع گردند . مضمون انحرافات راست بطور عمده عبارتست از پربها دادن به نیروی دشمن ، بیمناک شدن از گزافی کمک آمریکا به چانکایشک ، احساس خستگی کردن از دیر پائیدن جنگ ، بشک افتادن در قدرت نیروهای دموکراتیک جهانی ، بیجراتی در تجهیز بیقیاس توده ها برای برانداختن سیستم فئودالی ، لاقیدی نسبت به آلودگی هائی که در درون حزب در ترکیب طبقاتی و شیوه کار پدید می آید . معذک این انحرافات راست اکنون مهمترین انحرافات نیستند و رفع آنها نیز دشوار

نیست . حزب ما در طی ماههای اخیر به کامیابی‌هایی در جنگ ، اصلاحات ارضی ، تحکیم حزب ، آموزش ایدئولوژیک ارتش ، توسعه مناطق آزادشده جدید ، و جلب احزاب دموکراتیک نائل آمده و بخصوص انحرافات را که در این زمینه‌ها بظهور رسیده رفع کرده و یا در حال رفع کردن است . این امر به جنبش انقلابی چین امکان خواهد داد که در راه تکامل سالم رهسپار گردد . فقط آنگاه که تمام سیاست و تمام تاکتیک‌های حزب بدرستی معین شود انقلاب چین میتواند به پیروزی نائل آمد . سیاست و تاکتیک ، عین زندگی حزب است . رفقای رهبری در کلیه مراتب باید به آنها توجه بسیار مبذول دارند و هرگز نباید در این زمینه سسامحه ورزند .

۲ - برخی از شخصیت‌های دموکراتیک تصور کرده بودند که گویا هنوز امکان راه سومی (۱) وجود دارد و موضعی بینابینی در وسط گومیندان و حزب کمونیست چین اختیار کرده بودند زیرا که هنوز پندارهایی درباره آمریکا و چانگ‌کاشک داشتند و در این موضوع که حزب ما و خلق دارای آنچنان نیروئی باشند که بر همه دشمنان داخلی و خارجی فائق آیند در تردید بودند . این شخصیت‌ها در برابر تعرض ناگهانی گومیندان گرفتار عدم تحرک شدند . سرانجام در ژانویه ۱۹۴۸ شعارهای حزب ما را پذیرفتند و مخالفت خود را با چانگ‌کاشک و آمریکا و هواداری خود را از اتحاد با حزب کمونیست و با اتحاد شوروی اعلام داشتند (۲) . ما باید نسبت باینان سیاست اتحاد داشته باشیم و در عین حال از نظریات اشتباه‌آمیزشان بطور شایسته انتقاد کنیم . لازم و مفید است که در آینده ، در موقع تشکیل دولت توده‌ای مرکزی ، از بعضی از اینان برای شرکت در دولت دعوت شود . خصوصیت این اشخاص اینست که هرگز

نخواستند با توده‌های زحمتکش تماس داشته باشند، و بعلاوه چون بزندگی در شهرهای بزرگ خو گرفته‌اند باسانی حاضر نمیشوند بمناطق آزادشده بیایند. ولی آن پایه اجتماعی که اینان نمایندگانند، یعنی بورژوازی ملی، دارای اهمیتی است که نمیتوان ندیده گرفت. از اینجهت جلب اینان ضرورت دارد. میتوان پیش‌بینی کرد که آنکه که ما به پیروزی‌های بزرگتر نائل آئیم و عده‌ای از شهرهائی مانند شن یان، بی بین و تیانزین را تسخیر کنیم و پیروزی حزب کمونیست برگومیندان کاملاً روشن گردد این اشخاص اگر بشرکت در دولت توده‌ای مرکزی دعوت شوند شاید حاضر خواهند بود که برای همکاری با ما به مناطق آزادشده بیایند.

۳ - ما در نظر نداریم امسال دولت توده‌ای مرکزی تشکیل دهیم، زیرا که هنگام آن فرا نرسیده‌است. وقتی که امسال باصلاح مجلس ملی چانکایشک را به ریاست جمهوری برگزینند (۲) و او باز هم بیشتر بی‌اعتبار گردد، وقتی که ما به پیروزی‌های بزرگتر نائل آئیم و سرزمین‌های خویش را بیشتر توسعه دهیم، و بویژه پس از تسخیر یک یا دو شهر از بزرگترین شهرهای کشور، و وقتی که چین شمال شرقی، چین شمالی، شان دون، جیان سوی شمالی، حه نان، حو به و ان هوی بهم پیوندند و منطقه واحدی بوجود آورند تشکیل دولت توده‌ای مرکزی کاملاً ضروری خواهد بود. ظاهراً این موقع در ۱۹۴۹ فرا خواهد رسید. عجبالتاً ما مشغول عملی ساختن وحدت مناطق آزادشده شان سی - چاهار - حه به، شان سی - حه به - شان دون - حه نان و منطقه بوه های از استان شان دون هستیم تا آنها را تحت رهبری کمیته حزبی واحد (بوروی چین شمالی)، دولت واحد و فرماندهی نظامی واحد قرار دهیم (۴)

(پیوستن منطقه بوه‌های ممکن است چندی بعقب افتد) . این سه منطقه شامل است بر سرزمین‌های وسیعی در شمال خط آهن لون‌های ، در مغرب خط آهن تیانزین - پو کو و خلیج بوه‌های ، در مشرق خط آهن دا تون - پو جو و در جنوب خط آهن بی پین - سوی یوان . سه منطقه مذکور سرزمین بهم پیوسته‌ای را شامل . ه میلیون نفر تشکیل میدهد و وحدت آن ظاهراً بزودی پایان خواهد رسید . این امر بما اسکان خواهد داد که عملیات در جبهه جنوب را قویاً پشتیبانی کنیم و عده کثیری از کادرهای ما آزاد شوند تا آنها را بمناطق آزادشده جدید اعزام داریم . مرکز رهبری این منطقه متحد عبارت خواهد بود از شی جیا جوان . کمیته مرکزی نیز در تدارک آن است که به چین شمالی منتقل شود تا در آنجا با کمیسیون کار خود بهم پیوندد .

۴ - نیروهای ما در جبهه جنوب یعنی ۹ تیپ از ارتش‌های شان دون ، ۷ تیپ از ارتش‌های جیان سوی شمالی ، ۲۱ تیپ از ارتش‌های منطقه بین رودخانه‌های زرد و حوای ، ۱۰ تیپ از ارتش‌های منطقه حه نان - حو به - شنسی ، ۹ تیپ از ارتش‌های منطقه بین رودخانه‌های یان تسه ، حوای و حان شوی ، ۱۲ تیپ از ارتش‌های شمال غربی و ۱۲ تیپ از ارتش‌های شان سی جنوبی و حه نان شمالی - همگی در طی دوره بین دسامبر و فوریه باستراحت پرداختند ، آموزش دیدند و تحکیم شدند ، باستانای نیروهای عمده ارتش‌های منطقه بین رودخانه‌های یان تسه ، حوای و حان شوی ، تحت فرماندهی لیو بوه چن و دن سیائو پین که چون بای چون سی سپاهیان جمع کرد و بر کوهستان دا ییه حمله آورد (۵) ، فقط در پایان فوریه توانستند تعدادی از واحدهای خود را به شمال رودخانه حوای برای استراحت ، آموزش

دیدن و تحکیم شدن بفرستند . در طی بیست ماهه اخیر نبرد این نخستین بار است که سپاهیان ما با چنین مقیاس وسیعی باستراحت پرداختند ، آموزش دیدند و تحکیم شدند . ما باین منظور شیوه‌های زیرین را بکار بردیم : حکایت رنج‌های توده‌ها (افشاء مصائبی که از طرف جامعه کهن و مرتجعان بر سر توده‌های زحمتکش آمده‌است) ، سه رسیدگی (مربوط به تعلق طبقاتی ، حس وظیفه‌شناسی و اراده نبرد) ، و آموزش توده‌ها (افسران به سربازان می‌آموزند ، سربازان به افسران می‌آموزند و سربازان یکدیگر می‌آموزند) . ما بوسیله این شیوه‌ها شور عظیم انقلابی در فرماندهان و جنگجویان در سراسر ارتش برانگیختیم ، عناصری از طبقات مالکان ارضی و دهقانان مرفه و سایر عناصر زیانکار را که در ارتش راه یافته بودند تجدید تربیت کردیم و با کنار زدیم ، انضباط را تقویت کردیم ، سیاست‌های گوناگون مربوط به اصلاحات ارضی و مربوط به صنعت و بازرگانی و همچنین مربوط به روشنفکران را بروشنی توضیح دادیم ، اسلوب کار دموکراتیک در ارتش را گسترش بخشیدیم و سطح تکنیک و تاکتیک نظامی خود را بالا بردیم . نتیجه این شد که قدرت نبرد ارتش ما بسیار بالا رفت . باستثنای بخشی از سپاهیان بفرماندهی لیو یوه چن و دن میائو پین که هنوز در دوره استراحت ، آموزش و تحکیم‌اند نیروهای ما در جبهه جنوب از اواخر فوریه یا اوایل مارس پشت سرهم به عملیات تازه دست زده و در عرض دو هفته ۹ تیپ دشمن را نابود ساخته‌اند . در میان سپاهیان ما که در جبهه شمال‌اند ، یعنی ۶ ، ۴ تیپ از ارتش‌های شمال شرقی ، ۱۸ تیپ از ارتش‌های منطقه شان سی - چاهار - حه به و ۴ تیپ از ارتش‌های منطقه شان سی - سوی یوان ، قسمت اعظمشان در تمام زمستان جنگیده‌اند و بقیه در دوره استراحت ، آموزش و تحکیم

بسر برده‌اند . ارتش‌های ما در شمال شرقی با استفاده از یخ‌بندان رودخانه لیائو مدت سه ماه با دشمن نبرد کردند ، ۸ تیپ دشمن را نابود و یکی را بما ملحق ساختند ، جان او ، فاکو ، سین لی تون ، لیائو یان ، ان شان ، بین کو و سی بین جیه را تسخیر کردند و جی لین را بازستاندند . اینک این ارتش‌ها وارد دوره استراحت ، آموزش و تحکیم شده‌اند . پس از پایان این دوره ، یا بر چان چون یا بر نیروهای دشمن که در طول راه آهن بی بین - لیائو نین موضع گرفته‌اند حمله خواهند برد . ارتش‌های منطقه شان سی - چاهار - حه به بیش از يك ماه به استراحت ، آموزش و تحکیم پرداختند و اینک بسوی خط آهن بی بین - سوی یوان رهسپاراند . ارتش‌های منطقه شان سی - سوی یوان نفرات کمتری دارند و وظیفه اساسی آنها عبارتست از میخکوب کردن سپاهیان یی سی شان . بطور کلی اکنون ما در جبهه‌های شمال و جنوب دارای ۱۰ قسمت هستیم که از لحاظ نفرات با یکدیگر یکسان نیستند و شامل‌اند بر ۵ ستون از سپاهیان منظم (که هر يك از آنها با يك لشکر تجدید سازمان شده گومیندان برابر است) یا ۱۵۶ تیپ (که هر يك از آنها با يك تیپ تجدید سازمان شده گومیندان برابر است) ، یعنی مجموعاً بیش از ۱,۳۲۲,۰۰۰ نفر ، از قرار هر تیپ (۳ هنگ) بطور متوسط ۸,۰۰۰ نفر . بر این عده باید سپاهیان غیر منظم را که بیش از ۱,۱۶۸,۰۰۰ نفراند (و ۸۰۰,۰۰۰ نفر آنها سپاهیان جنگجویند) افزود . این سپاهیان ترکیب میشوند از قسمت‌ها و واحدهای محلی ، دسته‌های پارتیزان‌ها ، ارگان‌های نظامی و مدارس نظامی پشت جبهه . باین طریق مجموع نیروهای ما بر بیش از ۲,۴۹۱,۰۰۰ تن بالغ میگردد ، ولی در ژوئیه ۱۹۴۶ هنوز فقط ۲۸ ستون از سپاهیان منظم یا ۱۱۸ تیپ یعنی مجموعاً

کمی بیش از ۶۱۲,۰۰۰ نفر، از قرار هر تیپ (۳ هنگ) بطور متوسط کمتر از ۵,۰۰۰ نفر، در اختیار داشتیم. با افزایش بیش از ۶۶۵,۰۰۰ تن از سپاهیان غیرمنظم تعداد مجموع سپاهیان ما اندکی از ۱,۲۷۸,۰۰۰ نفر متجاوز میشد. اینک بخوبی دیده میشود که نیروهای ما رشد کرده‌اند. تعداد تیپ‌ها زیاد افزایش نیافته ولی نفرات هر تیپ خیلی زیاد شده‌است. پس از بیست ماه جنگ، قدرت نبرد ما نیز بسیار فزونی گرفته‌است.

۵ — از ژوئیه ۱۹۴۶ تا تابستان ۱۹۴۷ ارتش منظم گومیندان از ۹۳ لشکر یعنی ۲۴۸ تیپ تشکیل میشد. اینک ارتش مذکور طبق نمره‌بندی‌هایش ۱.۴ لشکر یعنی ۲۷۹ تیپ دارد. آرایش آنها از این قرار است: ۲۹ لشکر یعنی ۹۳ تیپ در جبهه شمال است و مجموعاً قریب ۵۵۰,۰۰۰ نفر دارد (۱۳ لشکر یعنی ۴۵ تیپ بفرماندهی وی لی هوان در شن یان، ۱۱ لشکر یعنی ۳۳ تیپ بفرماندهی فو زوه ای در بی پین، ۵ لشکر یعنی ۱۵ تیپ بفرماندهی یین می شان در تای پوان). در جبهه جنوب ۶۶ لشکر است که مرکب از ۱۵۸ تیپ و مجموعاً ۱,۰۶۰,۰۰۰ نفر دارد (۳۸ لشکر یعنی ۸۶ تیپ بفرماندهی گو جو تون در جن جو، ۱۴ لشکر یعنی ۳۳ تیپ بفرماندهی بای چون سی در جیو جیان، ۱۴ لشکر یعنی ۳۹ تیپ بفرماندهی حو زون نان در سی ان). در خط دوم ۹ لشکر یعنی ۲۸ تیپ است که مجموعاً قریب ۱۹۶,۰۰۰ نفر دارد (۴ لشکر یعنی ۸ تیپ در منطقه شمال غربی یعنی منطقه واقع در غرب لان جو، ۴ لشکر یعنی ۱۰ تیپ در منطقه جنوب غربی یعنی استانهای سی چوان، سی کان، یون نان، گوی جو، ۸ تیپ در منطقه جنوب شرقی یعنی استان‌های جنوب رودخانه یان تسه، و ۱ لشکر یعنی ۲ تیپ در تایوان). دلیل اینکه تعداد واحدهای نمره‌بندی شده

سپاهیان منظم گومیندان افزایش یافته از قرار زیرین است : پس از آنکه تعداد کثیری از سپاهیان گومیندان نابود شده و سپاهیان مذکور از تعرض استراتژیک به دفاع استراتژیک درآمدند ، گومیندان کمبود نفرات را سخت احساس کرد و آنگاه مراتب تعداد کثیری از واحدهای محلی و پوشالی را ارتقا داده و یا آنها را تجدید سازمان داد تا در ارتشهای منظم خویش وارد کند . باین طریق در جبهه شمال ۳ لشکر مرکب از ۱۴ تیپ به ارتشهای تحت فرماندهی وی لی هوان اضافه شد ، و ۲ لشکر مرکب از ۶ تیپ به ارتشهای تحت فرماندهی فوزو ای ؛ در جبهه جنوب ۶ لشکر یعنی ۹ تیپ بارتشهای تحت فرماندهی گو جو تون اضافه شد و ۲ تیپ بارتشهای حو زون نان . مجموع افزایشها عبارت بود از ۱۱ لشکر یعنی ۳۱ تیپ . از اینجا چنین نتیجه شد که اینک ارتش گومیندان بجای ۹۳ لشکر ۱۰۴ لشکر و بجای ۲۴۸ تیپ ۲۷۹ تیپ دارد . اما اولاً آن ۶ لشکر یعنی ۲۹ تیپی که ما در ماههای اخیر (تا ۲۰ مارس) نابود ساختیم چون فرصت نیافتند خود را احیا و یا تکمیل کنند فقط اسماً وجود دارند و ظاهراً برخی از آنها هیچگاه به احیا و یا تکمیل خود نائل نخواهند شد . پس در لحظه کنونی ارتش گومیندان در واقع بیش از ۹۸ لشکر مرکب از ۲۵۰ تیپ ندارد یعنی از تاهستان گذشته فقط ۵ لشکر اسمی و ۲ تیپ واقعی بر آن اضافه شده است . ثانیاً از ۲۵۰ تیپی که واقعاً وجود دارند فقط ۱۱۸ تیپ ضربات خورد کننده نخورده اند ؛ ۱۳۲ تیپ دیگر يك ، دو و حتی سه بار بوسیله ارتش ما نابود و سپس دوباره تکمیل شده اند ، و یا اینکه يك ، دو و حتی سه بار ضربات خورد کننده نخورده اند (نابود کردن تیپ عبارتست از منهدم ساختن کامل آن یا قسمت اعظم آن . ضربه خورد کننده زدن بر تیپ عبارتست از منهدم

ساختن يك يا بیشتر از هنگ‌هایش و نه نیروهای عمده‌اش) . روحیه آنها بسیار تنزل کرده و قدرت نبرد آنها بسیار کاسته‌است . از ۱۱۸ تپی که ضربات خورد کننده نخورده‌اند بعضی‌ها از سربازان جدیدی تشکیل یافته‌اند که در خط دوم جبهه تعلیمات دیده‌اند ، بعضی دیگر سپاهیان محلی و پوشالی‌اند که مرتبه آنها را ارتقاء داده و یا آنها را تجدید سازمان کرده‌اند . قدرت نبرد آنها خیلی کم است . ثالثاً نیروهای مسلح گومیندوان از لحاظ تعداد هم کم شده‌است . نیروهای مذکور در ژوئیه ۱۹۴۶ مرکب بود از دو میلیون نفر از سپاهیان منظم ، ۷۳۸,۰۰۰ نفر از سپاهیان غیر منظم ، ۳۶۷,۰۰۰ نفر در واحدهای ویژه ، ۱۹۰,۰۰۰ نفر در نیروی دریائی و هوائی ، ۱,۰۱۰,۰۰۰ نفر در ادارات کارپردازی و مدارس نظامی ، مجموعاً ۴,۳۰۵,۰۰۰ نفر . در فوریه ۱۹۴۸ گومیندوان در سپاهیان منظم ۱,۸۱۰,۰۰۰ نفر ، در سپاهیان غیرمنظم ۵۶۰,۰۰۰ نفر ، در واحدهای ویژه ۲۸۰,۰۰۰ نفر ، در نیروی دریائی و هوائی ۱۹۰,۰۰۰ نفر ، در ادارات کارپردازی و مدارس نظامی ۸۱۰,۰۰۰ نفر داشت که مجموعاً ۳,۶۵۰,۰۰۰ نفر میشدند . یعنی تعداد نفقاتش ۶۵۵,۰۰۰ تن تقلیل یافته بود . ارتش ما در طی ۱۹ ماه از ژوئیه ۱۹۴۶ تا ژانویه ۱۹۴۸ تلفاتی بالغ بر ۱,۹۷۷,۰۰۰ تن بر سپاهیان گومیندوان وارد ساخته‌است (آمارهای فوریه و نخستین نیمه ماه مارس هنوز روشن نیست ولی تعداد تلفات گومیندوان در این مدت تقریباً ۱۸۰,۰۰۰ نفر خواهد بود) . عبارت دیگر گومیندوان نه فقط بیش از يك میلیون از افرادی را که در طی جنگ سربازی گرفته بود از دست داده بلکه قسمت مهمی از سپاهیان را که در اصل داشت نیز فاقد شده‌است . گومیندوان در چنین شرایطی سیاستی معکوس سیاست ما توسل بسته باین معنی که در

صدد بر نیامده است تا نفرات تیمپ‌های خویش را بتعداد کامل برساند بلکه نفرات هر تیمپ را تقلیل داده و شماره‌گذاری تیمپ‌ها را افزایش بخشیده است. اگر در ۱۹۴۶ یک تیمپ گومیندان بطور متوسط تقریباً شامل ۸,۰۰۰ تن بود اینک فقط شامل ۶,۵۰۰ تن است. از این پس سرزمین‌های اشغالی ارتش ما پیوسته توسعه خواهد یافت و منابع گومیندان از لحاظ انسان و خواربار هر روز رو بکاهش خواهد گذاشت. بعقیده ما پس از یک سال دیگر نبرد یعنی در بهار آینده ارتش ما و ارتش گومیندان از لحاظ تعداد تقریباً باهم برابر خواهند شد. سیاست ما عبارت از اینست که با گام‌های محکم به پیش برویم و ضربه‌های کاری بزنیم و فقط در پی نتایج فوری نباشیم. کافی است که ماهیانه بطور متوسط قریب ۸ تیمپ و سالیانه ۱۰۰ تیمپ از ارتش منظم گومیندان را نابود سازیم. در واقع تلفات گومیندان از زمستان گذشته باین طرف از این رقم تجاوز کرده است و بدون شك باز هم بیشتر تجاوز خواهد کرد. پس ممکن است کلیه نیروهای گومیندان را تقریباً در عرض ۵ سال (از تاریخ ژوئیه ۱۹۴۶) نابود ساخت (۶).

۶ - اینک دشمن در دو بخش از جبهه‌های شمال و جنوب هنوز دارای نیروی ذخیره مهمی برای کارزارهای تعرضی است و این امر باعث میشود که سپاهیان ما در آنجا موقتاً در وضعیتی دشوار قرار گیرند. بخش نخستین در کوهستان دایبه است که دشمن در آنجا تقریباً ۱۴ تیمپ ذخیره دارد. بخش دوم در شمال رودخانه حوای است که دشمن در آنجا تقریباً ۱۲ تیمپ ذخیره دارد. سپاهیان گومیندان در این دو بخش ابتکار را حفظ کرده‌اند (در بخش شمال رودخانه حوای ابتکار را حفظ کرده‌اند زیرا که ما ۹ تیمپ از سپاهیان کارزاری خویش را از آنجا فرا خواندیم تا

بشمال رودخانه زرد برای استراحت ، آموزش و تحکیم بفرستیم و سپس در بخش‌های دیگر بکار اندازیم) . ولی در سایر صحنه‌های عملیات در موضع غیرفعال قرار گرفته و در معرض حملات ما هستند . آن صحنه‌های عملیات که وضعیتشان برای ما بویژه مساعد میباشد عبارتست از صحنه شمال شرقی ، شان دون ، شمال غربی ، جیان سوی شمالی ، منطقه شان سی - چاهار - حه به ، منطقه شان می - حه به - شان دون - حه نان ، و همچنین سرزمین‌های وسیعی که در مغرب خط آهن جن جو - حان کو ، در شمال رودخانه یان تسه و جنوب رودخانه زرد گسترده شده‌اند .

یادداشتها

- ۱ - مراجعه شود به « اوضاع کنونی و وظایف ما » یادداشت ۸ ، جلد حاضر .
- ۲ - در اکتبر ۱۹۴۷ دولت ارتجاعی گومیندان با انحلال جامعه دموکراتیک فرمان داد . بعضی از عناصر متزلزل این جامعه تحت فشار دارودسته ارتجاعی گومیندان انحلال وی و توقف فعالیت‌های وی را اعلام داشتند . در این دوره سایر احزاب دموکراتیک نیز تحت تعقیب دارودسته ارتجاعی گومیندان بودند و امکان نداشتند در مناطق تحت نظارت گومیندان با اقدامات آشکار دست بزنند . در ژانویه ۱۹۴۸ شن جیون ژو و سایر رهبران جامعه دموکراتیک جلسه‌ای در هونگ کنگ دعوت کردند و تصمیم گرفتند که ارگان رهبری جامعه را از نو تشکیل داده فعالیت جامعه را از سر گیرند . در همان ماه لی جی شن و سایر اعضاء گروه دموکراتیک گومیندان در هونگ کنگ کمیته انقلابی گومیندان را بوجود آوردند . این دو جمعیت ، نظریات حزب کمونیست چین را درباره اوضاع آن روز پذیرفتند ، اعلامیه‌ای صادر کردند و خود را هوادار اتحاد با حزب کمونیست چین و سایر احزاب دموکراتیک ، هوادار سرنگونی قدرت دیکتاتوری چانگکایشک و مخالف مداخله مسلحانه آمریکا در امور داخلی چین خواندند . آنگاه عناصر متزلزل جامعه دموکراتیک نیز این شعارها را پذیرفتند .

- ۳ - مرتجعان گومیندان از ۲۹ مارس تا ۱ مه ۱۹۴۸ در نانکن باصطلاح "مجلس مل" تشکیل دادند که چانکایشك و لی زون ژن را بترتیب به "ریاست جمهور" و "معاونت ریاست جمهور" "انتخاب کرد".
- ۴ - در مه ۱۹۴۸ مناطق آزاد شده شان سی - چهار - سه به و شان سی - سه به - شان دون - سه نان بهم پیوستند و شورای اداری متحد چین شمالی و همچنین منطقه نظامی چین شمالی را بوجود آوردند. در اوت همان سال شورای اداری متحد چین شمالی نام دولت توده‌ای چین شمالی بخود گرفت.
- ۵ - بای چون سی حمله بر کوهستان دابیه را در دسامبر ۱۹۴۷ با ۳۳ تیپ آغاز کرد.
- ۶ - در آن موقع مدت لازم برای نابود ساختن کلیه نیروهای گومیندان پنج سال تخمین زده میشد. این مدت در پیش بینی‌های بعدی به سه سال و نیم تقلیل یافت. مراجعه شود به «تغییر عظیم در وضعیت نظامی چین»، جلد حاضر.

www.KetabFarsi.com

سخنرانی در کنفرانس کادرهای منطقه آزادشده شان سی - سوی یوان

(۱ آوریل ۱۹۴۸)

رفقا ! امروز میخواهم بطور عمده درباره چند مسئله مربوط به کارمان در منطقه آزادشده شان سی - سوی یوان و سپس درباره چند مسئله مربوط به کارمان در مجموعه کشور با شما حرف بزنم .

۱

بعقیده من کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب که از يك سال باین طرف تحت رهبری سوبوروئی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در شان سی - سوی یوان در این منطقه صورت گرفته با کامیابی قرین بوده است . این کامیابی را میتوان از دو جنبه مشاهده کرد . از يك سو سازمان حزب در شان سی - سوی یوان ، با انحرافات راست مبارزه کرده ، توده ها را بمبارزه کشانده ، کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب را در میان دو میلیون و چند صد هزار نفر از سکنه محل که اندکی بیش از ۳ میلیون

نفراند پایان رسانده و یا در حال پایان رساندن است . از سوی دیگر انحرافات "چپ" را که در طی این جنبش پیش آمد رفع کرده و باین طریق مجموعه کار خود را براه رشد سالم انداخته است . من کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب را در منطقه آزادشده شان سی - سوی یوان از این دو نظر موفقیت آمیز می‌شمارم .

مردم منطقه آزادشده شان سی - سوی یوان می‌گویند : " از این پس دیگر هیچکس جرأت ندارد روش فتودالی داشته باشد ، دیگر هیچکس جرأت ندارد با اشخاص بدرفتار کند ، دیگر هیچکس جرأت ندارد به فساد بگراید . " اینست نتیجه‌ای که مردم از کار ما در زمینه اصلاحات ارضی و تحکیم حزب می‌گیرند . وقتیکه مردم می‌گویند : " دیگر هیچکس جرأت ندارد روش فتودالی داشته باشد " منظورشان اینست که مردم با مبارزه‌ای که تحت رهبری ما درگیر شده است سیستم استثمار فتودالی را در مناطق آزادشده جدید و آخرین بقایای آن را در مناطق آزادشده قدیم و نسبتاً قدیم برانداخته‌اند و یا در حال برانداختن‌اند . وقتیکه مردم می‌گویند : " دیگر هیچکس جرأت ندارد با اشخاص بدرفتار کند ، دیگر هیچکس جرأت ندارد به فساد بگراید " باین پدیده خطیر اشاره می‌کنند که مقداری آلودگی در ترکیب طبقاتی و یا در شیوه کار سازمان‌های حزبی و ارگانهای دولتی ما بوجود آمده بود ، عده‌ای از عناصر زیانکار در سازمانهای حزبی و ارگانهای دولتی راه یافته بودند ، عده‌ای از افراد بشیوه بوروکراتیک کار دست زده ، بسو استفاده از قدرت خویش و بدرفتاری با اشخاص پرداخته ، اسلوب‌های زورگویانه و قدرت‌فروشانه در اجرای وظایف بکار برده و بالنتیجه ناخشنودی توده‌ها را برانگیخته بودند ، و یا اینکه دستخوش فساد شده و یا بمنافع توده‌ها لطمه زده بودند . این وضعیت در اثر يك

سال کار در راه اصلاحات ارضی و تحکیم حزب از ریشه عوض شده است . یکی از رفقای حاضر در کنفرانس بمن گفت : " آنچه برای ما هلاکت آور بود اکنون رفع شده است و آنچه تا امروز نداشتیم اکنون بدست آمده است . " از آنچه برای ما هلاکت آور بود منظورش پدیده خطر مقداری آلودگی است که در ترکیب طبقاتی و یا در شیوه کار سازمان های حزبی و ارگانه های دولتی ما وجود داشت و عدم رضایتی که این امر در میان توده ها بر میانگیخت . اینك این پدیده بکلی از میان رفته است . آنچه تا امروز نداشتیم و اکنون بدست آورده ایم اشاره است به سازمان های دهقانان فقیر ، اتحادیه های جدید دهقانی ، کنفرانس های خلق در مرتبه بخش یا ده و محیط تازه ای که در اثر اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در روستاها حکمفرماست .

بعقیده من این انعکاس مطابق واقعیت است .

اینست کاسیایی بزرگ کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در منطقه آزادشده شان سی - سوی یوان . این جنبه اول کاسیایی ماست . فقط بر این پایه است که سازمان حزبی شان سی - سوی یوان توانسته در عرض يك سال کار عظیمی در راه خدمت بارتش و برای پشتیبانی از جنگ کبیر آزادیبخش توده های انجام دهد . بدون کاسیایی هائی که در کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب بدست آمده است مشکل بود که چنین وظیفه مترگی از لحاظ نظامی بخوبی اجرا شود .

از طرف دیگر سازمان حزبی شان سی - سوی یوان چند انحراف "چپ" را که در جریان کارش بظهور رسیده بود رفع کرده است . بطور عمده سه انحراف از این گونه وجود داشته است . نخست اینکه در بسیاری از جاها در موقع تعیین تعلق طبقاتی ، تعداد کثیری از زحمتکشانی را که

هرگز با استثمار فئودالی دست نزده و یا باندازه ناچیزی دست زده بودند بغلط از نوع مالکان ارضی و دهقانان مرفه بشمار آوردند . بالنتیجه بخش مورد حمله را بغلط بیش از اندازه توسعه دادند و این اصل فوق العاده سهم استراتژیک را از یاد بردند که ما میتوانیم و باید در اصلاحات ارضی قریب ۹۲ درصد خانواده ها و قریب ۹ درصد اهالی نواحی روستائی یعنی همه خلق زحمتکش دهات را با خود متحد سازیم تا جبهه متحدی بر علیه سیستم فئودالی بوجود آوریم . اکنون این انحراف رفع شده است . بالنتیجه اهالی اطمینان خاطر بسیار یافته اند و جبهه متحد انقلابی استوارتر گشته است . دوم اینکه در طی اصلاحات ارضی ، منافع پنگاههای صنعتی و بازرگانی که متعلق به مالکان ارضی و دهقانان مرفه باشد صدمه دید ؛ در طی مبارزه ای که برای فاش ساختن فعالیت های ضد انقلابی در زمینه اقتصادی صورت گرفت از حدود مقرر تجاوز بعمل آید ؛ در سیاست مالیاتی بر صنعت و بازرگانی لطمه خورد . اینها بود انحرافات "چپ" در مورد صنعت و بازرگانی . اینک انحرافات مذکور نیز رفع شده است و این امر به صنعت و بازرگانی اسکان میدهد که سر پای خود بایستد و رشد یابد . سوم اینکه در طی مبارزه حادی که از يك سال به این طرف در راه اصلاحات ارضی جریان یافت سازمان حزبی شان سی - سوی یوان نتوانست در اجرای سیاست حزب که زدن و کشتن بدون تشخیص گناه را اکیداً ممنوع میسازد استوار و بی تزلزل باشد و بطوری که در بعضی از جاها در هنگام اصلاحات ارضی عده ای از مالکان ارضی و دهقانان مرفه بدون ضرورت اعدام شدند و عناصر زیانکار روستاها برای تلافی جوئی از وضعیت استفاده کرده و عده ای از زحمتکشان را وحشیانه بقتل رساندند . البته ما میدانیم که کاملاً لازم و صحیح است که جنایتکاران بزرگی که بطور

فعال و جدی با انقلاب دموکراتیک توده‌ای بمبارزه برخاسته و در اصلاحات ارضی خرابکاری کرده‌اند یعنی ضد انقلابی‌ها و مستبدان محلی که مرتکب فجایع بزرگ شده‌اند بوسیله دادگاه‌های توده‌ای و مقامات دموکراتیک با اعدام محکوم گردند. در غیر این صورت نمیتوان نظام دموکراتیک را برپا ساخت. ولی اعدام بلاتشخیص فرمانبران ساده گویندگان، مالکان ارضی عادی و دهقانان مرفه عادی و یا افرادی که گناه کمتری دارند ممنوع است. بعلاوه دادگاه‌های توده‌ای و مقامات دموکراتیک نباید در بازجویی جنایتکاران به فشار جسمانی توسل جویند. انحرافات از این گونه که از يك سال باین طرف در منطقه شان سی - سوی یوان بظهور رسیده نیز رفع شده است.

از آنجا که همه این انحرافات بطور شایسته رفع شده‌است با دلایل کافی میتوان گفت که مجموعه کاری که سوپرووی کمیته مرکزی در شان سی - سوی یوان انجام میدهد در راه رشد سالم سیر میکند.

شیوه اساسی کار که باید در ذهن هر کمونیستی جایگیر شده باشد اینست که رهنمودهای خود را بر طبق وضعیت واقعی معین کنیم. بررسی اشتباهات نشان میدهد که همه آنها ناشی از این امر است که ما وضعیت واقعی را آنطور که در زمان و مکان معین وجود داشته است بحساب نیاورده‌ایم و در موقع تعیین رهنمودهای کار خود بطور ذهنی عمل کرده‌ایم. همه رفقا باید از این درس بگیرند.

در مورد تحکیم سازمان‌های بنیادی حزب، شما بر طبق رهنمود کمیته مرکزی درباره کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم (۱) از تجربه شهرستان پین شان از منطقه آزاد شده شان سی - چاهار - حه به استفاده کرده‌اید باین معنی که میان توده‌ها

از عناصر فعال خارج از حزب برای شرکت در جلسات هوزه‌های حزب دعوت بعمل آوردید در آنجا بانتقاد و انتقاد از خود پرداختید تا به آلودگی در ترکیب طبقاتی و یا در شیوه کار سازمان‌های حزبی خاتمه داده شود و از این راه به حزب امکان دادید که پیوندهای خویش را با توده‌ها استوار سازد. این امر بشما توانائی خواهد بخشید که همه کار تحکیم سازمان‌های حزب را بخوبی بانجام برسانید.

آن اعضاء حزب و کادرهایی که مرتکب خطا شده ولی هنوز در خور تجدید تربیت‌اند و در شمار علاج‌ناپذیران نیستند نباید رانده شوند بلکه باید همه آنها را، هر منشاء طبقاتی که داشته باشند، از نو تربیت کرد. جای خوشوقتی است که شما این اصل را بکار برده‌اید و یا اینکه بکار می‌برید.

یکی از ارزنده‌ترین تجربی که در مبارزه بر علیه سیستم فئودالی بدست آمده اینست که بر اساس سازمان‌های دهقانان فقیر و اتحادیه‌های دهقانی، کنفرانسهای نمایندگان خلق در بخش‌ها و دهات (دهستانها) تشکیل شده است. فقط کنفرانسی که بر اراده توده‌های واقعاً وسیع متکی باشد کنفرانس واقعی نمایندگان خلق است. اینک امکان آن فرا رسیده است که کنفرانسها از این نوع در کلیه مناطق آزاد شده بوجود آید. چنین کنفرانس همینکه بوجود آمد باید بصورت ارگان محلی قدرت توده‌ای در آید و این کنفرانس و شورای دولتی برگزیده او باید از تمام اختیارات لازم برخوردار گردند. آنموقع سازمان‌های دهقانان فقیر و اتحادیه‌های دهقانی دستیار این کنفرانس و شوراهای دولتی خواهند بود. نظر ما آن بود فقط آنکه کنفرانس نمایندگان خلق را در مناطق روستائی بوجود آوریم که اصلاحات ارضی علی‌الاصول تمام شده باشد. اینک که

تجربه شما و تجربه سایر مناطق آزاد شده این نکته را باثبات رسانیده که ممکن و لازم است که این کنفرانس و شورای دولتی برگزیده او در مبارزه اصلاحات ارضی در مقیاس بخش و ده بوجود آید، شما باید باین کار ادامه دهید. در تمام مناطق آزاد شده باید اینطور عمل شود. پس از اینکه کنفرانسهای نمایندگانی خلق در همه بخشها و دهها برپا شد میتوان کنفرانسهای شهرستانی تشکیل داد. پس از اینکه کنفرانسهای نمایندگانی خلق در همه شهرستانها و در درجات پایینتر تشکیل شد ایجاد کنفرانسها در مقیاس بالاتر از شهرستان آسان خواهد بود. کنفرانسهای نمایندگانی خلق در درجات مختلف باید حتی الامکان شامل نمایندگانی کلیه قشرهای دموکراتیک - کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و سایر زحمتکشان فردی، دارندگان مشاغل آزاد، روشنفکران، صنعت‌داران و بازرگانان بورژوازی ملی، متنفذین روشن‌بین - باشند. البته نباید کوشید که بهرطوری که هست همه این قشرها نماینده در کنفرانس داشته باشند. باید میان آن مناطق روستائی که جنبه شهری میدارند و آن مناطق روستائی که فاقد این جنبه اند، میان درجات مختلف این جنبه، میان شهرها و مناطق روستائی فرق گذاشت و وظیفه متحد ساختن کلیه قشرهای دموکراتیک را بطور طبیعی و نه مکانیکی انجام داد. در طی مبارزه عظیم توده‌ای برای اصلاحات ارضی و تحکیم حزب، دهها هزار عضو فعال و کادر آموزش و پرورش یافتند. اینان با توده‌ها در پیونداند و سرمایه بسیار گرانبهای جمهوری توده‌ای چین بشمار می‌آیند. ما باید از این پس برکوشش خود برای آموزش آنها بیفزائیم تا پیوسته در کار خویش به پیشرفت نائل گردند. در عین حال باید آنها را از اینکه در اثر پیشرفت‌ها و ستایش‌ها مغرور و از خود راضی باشند برحذر

بداریم .

بر این اساس ، بر اساس پیشرفت‌هایی که در این زمینه‌های مختلف بدست آمده میتوان گفت که منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان امروز از هر وقت دیگر استوارتر است . سایر مناطق آزاد شده که بهمین طریق کار کرده‌اند نیز استوار گردیده‌اند .

۲

علل کامیابی‌های منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان ، در آنجا که مربوط به رهبری است ، بطور عمده از این قرار است :

۱ - سوبوروی شان سی - سوی یوان با کمک گرفتن از کاری که رفیق کان شن در بهار و تابستان ۱۹۴۷ در دهکده اداری حائو جیا پو از شهرستان لین سیان انجام داده بود در ژوئن سال گذشته کنفرانسی از دبیران کمیته‌های حزبی ولایتی ترتیب داد . کنفرانس انحرافات راست را که قبلاً در کار وجود داشت انتقاد کرد ، این واقعیت خطیر را روشن ساخت که بطرق گوناگون از مشی حزب جدائی حاصل شده است ، و این سیاست را اتخاذ کرد که یکدلانه به کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب پردازد . کنفرانس مجموعاً موفقیتی بشمار می‌آید . چنین نهضت وسیع اصلاحات ارضی و تحکیم حزب بدون این کنفرانس نمیتوانست بکامیابی برسد . معذک کنفرانس مذکور نقایصی نیز داشت که چنین است :

کنفرانس میان رهنمودهای کاری که در مناطق آزاد شده مختلف ، در مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم و جدید بر طبق شرایط

خاص هر منطقه باید عملی شود فرق نگذاشت . کنفرانس در تعیین تعلق طبقاتی ، سیاسی چپ‌روانه اتخاذ کرد . کنفرانس در مسئله وسائلی که برای نابود ساختن سیستم فئودالی باید بکار برده شود بیش از اندازه در کشف اسوای که مالکان ارضی دفن کرده‌اند اصرار ورزید . کنفرانس در این مسئله که در برابر مطالبات توده‌ها چه روشی باید اتخاذ کرد بدون آنکه به تحلیل روشنی پردازد شعار " آنچه توده‌ها می‌خواهند انجام دهیم " را بطور مبهم به پیش کشید . مسئله اخیر را که مسئله ارتباط میان حزب و توده‌ها است باید چنین فهمید : حزب باید توده‌ها را در عملی ساختن کلیه نظریات درست آنان بر طبق شرایط مختلف رهبری کند ؛ حزب باید به توده‌ها بیاموزد تا نظریات نادرستی را که در صفوفشان بظهور رسیده است اصلاح کنند . کنفرانس فقط تکیه کرد بر اینکه حزب باید نظریات توده‌ها را عملی سازد ولی از دیده فرو گذاشت که حزب همچنین باید به توده‌ها بیاموزد و توده‌ها را رهبری کند . بعداً این غفلت بر روی رفقای بعضی از مناطق اثر زیانمندی گذاشت و اشتباه دنباله‌روی آنها را عمیق‌تر ساخت .

۴ - سوپرووی شان سی - سوی یوان در ژانویه گذشته تصمیمات مناسبی برای رفع انحرافات " چپ " اتخاذ کرد . این تصمیمات پس از بازگشت رفقای سوپورو که در جلسه دسامبر کمیته مرکزی (۲) شرکت جسته بودند بموقع اجرا گذاشته شد . سوپورو در این مورد رهنمودی در پنج ماده (۳) صادر کرد . این تصمیمات اصلاحی آنچنان با خواست‌های توده‌ها مطابق بود و آنچنان سرعت و آنچنان بدقت بموقع اجرا در آمد که در اندک

مدتی تقریباً همه انحرافات "چپ" رفع گردید.

۳

مشی رهبری سازمان حزب در شان سی - سوی یوان در هنگام جنگ مقاومت ضد ژاپنی اصولاً درست بود. مظاهر این درستی را در اینجاها میتوان مشاهده کرد که بهره مالکانه و نرخ سود تقلیل یافت، تولید کشاورزی، نخ ریزی و بافندگی خانگی، صنایع جنگی و برخی از رشته های صنایع سبک تا اندازه های قابل توجهی مجدداً مستقر شده و توسعه یافت، شالوده سازمان های حزب افکنده شد، دولت دموکراتیک بوجود آمد، ارتش توده ای قریب صد هزار نفری تشکیل گردید. با تکیه بر این کارها بود که ما توانستیم در جنگ مقاومت ضد ژاپنی پیروزی بدست آوریم و حملات این سی شان و سایر مرتجعان را دفع کنیم. بدیهی است که حزب و دولت در این دوره نقایصی میداشتند؛ این نقایص، همانطور که اینک بروشنی دیدیم، عبارت بود از درجه ای از آلودگی در ترکیب طبقاتی صفوف ما و در شیوه کار ما، نیز اثرات زیانمندی که از این آلودگی در کار ما بظهور رسید. اما کاری که در دوره جنگ مقاومت صورت گرفت مجموعاً ثمربخش بود و این امر شرایط مساعدی برای ما فراهم آورد تا پس از تسلیم ژاپن به درهم شکستن حملات ضد انقلابی چانکایشک پردازیم. نقایص و اشتباهات رهبری سازمان حزبی در شان سی - سوی یوان در دوره جنگ مقاومت در اصول ناشی از آن بود که رهبری نتوانست بر وسیع ترین توده ها تکیه کند تا آن اندازه آلودگی را که در ترکیب طبقاتی و شیوه کار سازمان های

حزبی و ارگان‌های دولتی بظهور رسیده بود و همچنین اثرات زیانمند آن را در کار خویش رفع کند. شما اینک این وظیفه را انجام داده‌اید. یکی از علل چنین وضعی این بود که بعضی از رفقای که آن روز شان سی - سوی یوان را رهبری میکردند بسیاری از جنبه‌های وضعیت واقعی حزب و توده‌ها را در نیافته بودند. این نیز باید برای رفقای ما درسی باشد.

۴

اکنون وظیفه سازمان حزبی شان سی - سوی یوان اینست که تا میتواند بکوشد که کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب را پایان برساند، همچنان به جنگ آزادیبخش توده‌ای و پشتیبانی از آن پردازد، از افزایش بار مالیاتی خلق بپرهیزد و بطور مناسب آن را تخفیف دهد، تولید را مستقر سازد و توسعه دهد. اینک شما کنفرانسی درباره تولید ترتیب داده‌اید. در سال‌های آینده، هدف استقرار و توسعه تولید عبارت خواهد بود از بهبود بخشیدن زندگی خلق از یک طرف و پشتیبانی از جنگ آزادیبخش توده‌ای از طرف دیگر. کشاورزی و صنعت پیشه‌وری شما بسیار گسترده است. چند صنعت سبك و سنگین نیز دارید که با ماشین می‌چرخند. من امیدوارم که شما این دستگاههای تولیدی را خوب رهبری خواهید کرد، و گرنه مارکسیستهای خوبی نخواهید بود. در کشاورزی، گروه‌های مبادله کار و کثوپراتیوهائی (۴) که در دست عناصر انباشته از بوروکراسی بودند و جز زیان رساندن بخلق نتیجه‌ای نداشتند همه بر باد رفته‌اند. این کاملاً قابل درك است و بهیچوجه

تأسف ندارد . وظیفه شما آنست که آن گروه‌های مبادله کار ، کثوپراتیوها و اشکال دیگر سازمان‌های لازم اقتصادی را که مورد پشتیبانی توده‌ها قرار گرفته‌اند حفظ کنید و توسعه بخشید و شکل آنها را در همه جا برپا سازید .

۵

ذهن رفقای ما متوجه وضعیتی است که در سراسر کشور برقرار است . پس از آنکه کنفرانس کشوری ارضی حزب که سال گذشته تشکیل شد سیاست جدیدی برای توسعه کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب اتخاذ کرد کنفرانس‌های بزرگی از کادرها برای همین دو موضوع تقریباً در همه مناطق آزاد شده بر پا گشت . در این کنفرانس‌ها افکار انحرافی راست که در حزب وجود داشت مورد انتقاد قرار گرفت و این واقعیت خطیر روشن شد که ترکیب طبقاتی صفوف ما و شیوه کار ما تا درجه‌ای آلودگی یافته است . از این بعد در بسیاری منطقه‌ها تصمیمات مقتضی اتخاذ شد و انحرافات " چپ " رفع گردید و یا در حال رفع گردیدن است . باین طریق حزب ما در مواجهه با وضعیت سیاسی جدید و وظیفه سیاسی جدید توانست کار خویش را در مجموعه کشور براه رشد سالم بیندازد . در ماه‌های اخیر تقریباً کلیه واحدهای ارتش آزادیبخش توده‌ای از فاصله میان نبردها برای کار پردامنه در زمینه آموزش و تحکیم استفاده کرده‌اند . این کار با شیوه دموکراتیک ولی در عین حال با رهبری صحیح و نظم کامل صورت گرفته است . در نتیجه این کار شور انقلابی توده‌های وسیع فرماندهان و جنگجویان در اثر درك روشن از هدف جنگ بالا رفته ،

برخی از گرایش‌های خطای ایدئولوژیک و برخی از پدیده‌های زیانمندی که در ارتش بظهور رسیده بود خاتمه داده شده است، کادرها و سربازان آموزش دیده‌اند و قدرت نبرد ارتش افزایش بسیار یافته است. ما باید این جنبش آموزش ایدئولوژیک در ارتش را که جنبش دموکراتیک توده‌ای طراز نوین است همچنان بسط دهیم. خوب توجه دارید که دشمن ما، گومیندان، نمیتواند از عهده هیچیک از این وظائف که اهمیت بزرگ تاریخی دارد — تحکیم حزب، آموزش ایدئولوژیک ارتش، اصلاحات ارضی — و ما انجام داده‌ایم برآید. ما مجدانه به غلبه بر نقایص مشغولیم و طوری کرده‌ایم که همه حزب و همه ارتش مانند تن واحدی متحد باشند. همه حزب و همه ارتش با توده‌های خلق پیوند نزدیک برقرار کرده‌اند، کلیه رهنمودهای سیاسی و کلیه تاکتیک‌هایی که از طرف کمیته مرکزی حزب ما معین میشود بوجه مؤثر بموقع عمل در می‌آید و جنگ آزادیبخش توده‌ای مظفرانه به پیش میرود. ولی در نزد دشمنان ما کاملاً برعکس است. آنان آنقدر قاصداند، آنقدر در اثر تضادهای تسکین‌ناپذیر و روزافزون داخلی خود از هم گسیخته‌اند، آنقدر مورد انکار خلق‌اند و در چنان افراد کامل افتاده‌اند و آنقدر در عرصه نبرد بشکست خورده‌اند که مسلماً رهسپار نیستی‌اند. اینست بطور کلی دو منظره متضاد انقلاب و ضد انقلاب در چین.

در برابر چنین وضعیتی، کلیه رفقای حزبی باید با عزم راسخ از مشی عموسی حزب که مشی انقلاب دموکراتیک نوین است پیروی کنند. این انقلاب هر انقلابی نیست، این انقلاب فقط میتواند و باید انقلاب توده‌های وسیع خلق تحت رهبری پرولتاریا و برضد امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک باشد. بآن معنی که رهبری این انقلاب نمیتواند

و نباید در دست طبقه دیگر و حزب دیگر جز پرولتاریا و حزب کمونیست چین باشد. بآن معنی که جبهه متحد کسانی که در این انقلاب شرکت میجویند خیلی پهناور است و شامل میشود بر کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و سایر زحمتکشان فردی، دارندگان مشاغل آزاد، روشنفکران، بورژوازی ملی و عده خیلی از متنفذین روشن بین که از طبقه مالکان ارضی بریده‌اند. اینها مجموعه‌ای را تشکیل میدهند که ما توده‌های وسیع خلق مینامیم. حکومت و دولتی که این توده‌های وسیع خلق باید بنیاد نهند عبارتست از جمهوری توده‌ای چین و دولت دموکراتیک ائتلافی برهبری پرولتاریا و بر اساس اتحاد همه طبقات دموکراتیک. دشمنانی که سرنگونی آنها هدف این انقلاب است جز امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک نمیتوانند باشند و نباید باشند. مظهر جامع کلیه این دشمنان عبارتست از رژیم ارتجاعی گومیندان چانگایشک.

فئودالیسم دستیار امپریالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک و پایه سلطه آنهاست. از اینجهت مضمون اساسی انقلاب دموکراسی نوین در چین عبارتست از رفرم سیستم ارضی. مشی عمومی اصلاحات ارضی مشعر است بر تکیه بر دهقانان فقیر و اتحاد با دهقانان میانه حال تا آنکه سیستم استثمار فئودالی بطور منظم و با شیوه‌های گوناگون برافتد و تولید کشاورزی بسط یابد. آن نیروی اصلی که ما در طی اصلاحات ارضی بر آن تکیه میکنیم نمیتواند و نباید نیروی دیگری باشد مگر دهقانان فقیر. این قشر از دهقانان با مزدوران کشاورزی رویهم رفته قریب ۷۰ درصد جمعیت روستای چین را تشکیل میدهد. وظیفه عمده و عاجل اصلاحات ارضی عبارتست از برآوردن مطالبات توده‌های دهقانان فقیر و نیز مزدوران کشاورزی. در اصلاحات ارضی، اتحاد ما با دهقانان

میانه حال ضروری است . دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی باید با دهقانان میانه حال که قریب ۲۰ درصد جمعیت روستا هستند متحد شوند تا جبهه متحد استواری بوجود آورند . در غیر این صورت دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی منفرد خواهند شد و اصلاحات ارضی با شکست روبرو خواهد گردید . یکی از وظائف اصلاحات ارضی عبارتست از برآوردن مطالبات عده‌ای از دهقانان میانه حال . باید به بخشی از آنها اجازه داد که هر نفرشان بیش از آن اندازه زمین داشته باشد که دهقانان فقیر بطور متوسط دریافت میدارند . اگر ما از مطالبه دهقانان مبنی بر تقسیم متساوی زمین پشتیبانی میکنیم برای آنست که بجنبش درآوردن توده‌های وسیع دهقانان را بمنظور برانداختن سریع سیستم مالکیت ارضی طبقه مالکان فئودال آسان گردانیم و برای آن نیست که به برابری مطلق مبادرت جوئیم . کسی که هوادار برابری مطلق است خطا میکند . اینک چنین نظریه‌ای در دهات متداول شده است که به صنعت و بازرگانی زیان میرساند و مبلغ برابری مطلق در تقسیم زمین است . این نظریه ، ارتجاعی است ، عقب‌مانده است ، قهقرائی است و ما باید از آن انتقاد کنیم . در طی اصلاحات ارضی ، آماج ما فقط سیستم استثمار فئودالی است که از طرف طبقه مالکان ارضی و دهقانان سرفه نوع قدیم عملی میشود و نباید جز این باشد . نباید بمنافع بورژوازی ملی و منافع بنگاههای صنعتی و بازرگانی که بدست مالکان ارضی و دهقانان سرفه اداره میشود لطمه زد . بویژه باید مراقب بود که بر منافع آن دهقانان میانه حال ، پیشه‌وران و سایر زحمتکشان فردی ، دارندگان مشاغل آزاد و دهقانان سرفه نوع جدید که کار دیگران را استثمار نمیکند و یا کم استثمار میکنند صدمه وارد نشود . هدف اصلاحات

ارضی عبارتست از برانداختن سیستم استثمار فئودالی یعنی برانداختن مالکان ارضی فئودال بمنزله طبقه و نه بمنزله افراد . از همینجهت باید بهر مالك ارضی همانقدر زمین و مال داد که بیک دهقان . باید باو کار مولد آموخت و او را در زندگی اقتصادی ملی شریک ساخت . لازم است درباره همه کس ، بااستثنای ضد انقلابی ها و مستبدان محلی که سرتکب بزرگترین فجایع شده و کینه تسکین ناپذیر توده های وسیع خلق را بخود جلب کرده اند و اگر گناهشان ثابت شود ممکن است و باید مورد مجازات قرار گیرند ، سیاست اغماض اعمال گردد . زدن و کشتن بدون تشخیص گناه ممنوع است . سیستم استثمار فئودالی باید بطور منظم یعنی بر طبق تاکتیک از بین برده شود . وقتیکه بمبارزه دست میزنیم باید تاکتیک خود را برحسب اوضاع و برحسب درجه آگاهی سیاسی و درجه تشکل توده های دهقان معین کنیم . نباید در صدد بود که تمام سیستم استثمار فئودالی یک روزه برافتد . با در نظر گرفتن شرایط مشخص سیستم استثمار فئودالی ، بشکلی که در دهات چین برقرار است ، مجموعه بخشی که در طی اصلاحات ارضی مورد حمله قرار میگیرد بطور کلی نباید بیش از تقریباً ۸ درصد خانوارها و یا بیش از تقریباً ۱۰ درصد اهالی روستا را شامل شود . این صدانه در مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم باید از این هم کمتر باشد . خطرناک است که بخش مورد حمله اشتباهاً توسعه داده شود و واقعیت از دیده فروگذار گردد . از طرف دیگر در مناطق آزاد شده جدید باید میان محل های مختلف و مراحل مختلف فرق گذاشت . منظور از فرق گذاشتن میان محل های مختلف اینست که در آنجائی که میتوانیم محکم مستقر شویم کوشش های خود را بر روی اصلاحات ارضی مناسبی که مطابق آرزوی توده های خلق

باشد متمرکز سازیم ولی در آنجائی که عجبالتاً نمیتوان محکم مستقر شد تا موقع تغییر وضعیت ، به اجرای وظائفی که عملی است و در شرایط موجود بسود توده‌هاست اکتفا ورزیم و در اقدام باصلاحات ارضی شتاب نکنیم . منظور از فرق گذاشتن میان مراحل مختلف اینست که در آنجائی که تازه باشغال ارتش آزادیبخش توده‌ای در آمده است تاكتيك بیطرف ساختن دهقانان مرفه و همچنین مالکان ارضی متوسط و كوچك را به پیش بکشیم و بکار بندیم و حملات خویش را به نابود گردانیدن نیروهای مسلح ارتجاعی گومیندان محدود سازیم و فقط بر مالکان بزرگ و مستبدان محلی ضربه بزنیم . ما باید همه مساعی خویش را بر روی اجرای این وظیفه بمنزله مرحله اول کار در مناطق آزادشده جدید متمرکز سازیم . سپس بتدریج که سطح آگاهی سیاسی و تشکل توده‌ها بالا می‌آید ما بسمت مرحله لغو کامل سیستم فئودالی پیش خواهیم رفت . ما باید در مناطق آزاد شده جدید اسوال منقول و زمین‌ها را فقط آنگاه تقسیم کنیم که وضع نسبتاً ثابت شده باشد و اکثریت عظیم توده‌ها کاملاً بسیج شده باشند . در غیر این صورت کار ما متضمن خطر خواهد بود ، نامطمئن و زیانمند خواهد بود . ما باید در مناطق آزاد شده جدید تجربه‌ای را که در طی جنگ مقاومت بدست آورده‌ایم بخوبی مورد استفاده قرار دهیم . وقتی که می‌گوئیم برانداختن سیستم فئودالی باید با شیوه‌های گوناگون انجام گیرد منظورمان ضرورت این امر است که باید میان مالکان ارضی و دهقانان مرفه ، میان مالکان ارضی بزرگ و متوسط و كوچك ، میان کسانی از مالکان ارضی و دهقانان مرفه که مستبداند و کسانی که مستبد نیستند فرق گذاشت . ما در عین حال که اصل عمده تقسیم متساوی زمین و برانداختن سیستم فئودالی را مراعات میکنیم نباید در

مورد این اشخاص تصمیمات یکسان اتخاذ کنیم بلکه باید شیوه برخورد ما با هر کدام برحسب شرایط مختلف باشد. اگر باین طریق عمل کنیم همه خواهند دید که عمل ما کاملاً مطابق عقل سلیم است. هدف عاجل اصلاحات ارضی عبارتست از بسط تولید کشاورزی. فقط لغو سیستم فئودالی میتواند شرایط جهت این بسط را فراهم آورد. در هر منطقه همینکه سیستم فئودالی برانداخته شد و اصلاحات ارضی بپایان رسید حزب و دولت دموکراتیک باید استقرار و بسط تولید کشاورزی را در دستور روز بگذارند، کلیه نیروهای موجود در ده را بر روی این وظیفه متمرکز سازند، کثوپراسیون و کمک متقابل را سازمان دهند، تکنیک کشاورزی را تکامل بخشند، زبده کردن بذر را تشویق کنند، بامور آبیاری بپردازند، و همه این کارها را بمنظور افزایش تولید انجام دهند. سازمان‌های حزب در مناطق روستائی باید بیشترین نیروهای خویش را در راه استقرار و بسط تولید کشاورزی و نیز تولید صنعتی مراکز شهرستانها بکار اندازند. برای اینکه این استقرار و این بسط تسریع شود ما باید در طی مبارزه‌ای که بمنظور لغو سیستم فئودالی انجام میدهم با تمام قوا بکوشیم تا کلیه وسایل قابل استفاده تولید و وسائل قابل استفاده معاش حتی‌الامکان حفظ شود و در مورد هر کس که آنها را از بین ببرد و یا باسراف دست بزند تصمیمات جدی بگیریم و با زیاده‌روی در خورد و خوراک مخالفت ورزیده، صرفه‌جوئی شدیدی را مراعات کنیم. برای اینکه تولید کشاورزی بسط یابد ما باید بدهقانان توصیه کنیم که بتدریج و بر پایه اصل داوطلبی در انواع کثوپراتیوهای تولید و مصرف بر اساس مالکیت خصوصی و در چارچوب شرایط اقتصادی کنونی متشکل گردند. لغو سیستم فئودالی و بسط تولید کشاورزی پایه‌ای خواهد

بود برای بسط تولید صنعتی و تبدیل کشور کشاورزی ما به کشور صنعتی . اینست هدف نهائی انقلاب دموکراسی نوین .

شما رفقا میدانید که حزب ما مشی عمومی و سیاست عمومی انقلاب چین را تعیین کرده و همچنین مشی‌های مشخص مختلف برای کار و رهنمودهای سیاسی مشخصی نیز مقرر داشته است . معذلك غالباً اتفاق می‌افتد که بسیاری از رفقا مشی‌های مشخص کار و رهنمودهای مشخص سیاسی را فرا میگیرند و مشی عمومی و سیاست عمومی حزب را از یاد میبرند . و چنانچه واقعاً ما مشی عمومی و سیاست عمومی حزب را فراموش کنیم انقلابیونی نابینا ، ناپخته و کورذهن خواهیم بود و در موقعی که مشی‌های مشخص کار و یا رهنمودهای سیاسی مشخص را عملی میگردانیم سمت حرکت را گم خواهیم کرد ، گاهی به‌چپ و گاهی بر راست خواهیم افتاد و بکارمان صدمه خواهیم زد .

اجازه بدهید بار دیگر تکرار کنم :

انقلاب توده‌های پهناور خلق در زیر رهبری پرولتاریا ، بر ضد امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک — اینست انقلاب دموکراسی نوین در چین ، اینست مشی عمومی و سیاست عمومی حزب کمونیست چین در مرحله تاریخی کنونی .

تکیه بر دهقانان فقیر ، اتحاد با دهقانان میانه حال ، لغو سیستم استثمار فئودالی بطور منظم و با شیوه‌های گوناگون و بسط تولید کشاورزی — اینست مشی عمومی و سیاست عمومی حزب کمونیست چین در کار اصلاحات ارضی در دوره انقلاب دموکراسی نوین .

یادداشتها

۱ - این رهنمود کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ۲۲ فوریه ۱۹۴۸ صادر شد. رهنمود مذکور تجربه‌ای را که در طی کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در مناطق آزادشده مختلف بدست آمده بود ترازبندی کرد، یک سلسله رهنمودهای سیاسی و شیوه‌هایی برای اصلاحات ارضی و تحکیم حزب مقرر داشت و بخصوص انحرافات "چپ" را که در جریان اجرای دو وظیفه فوق در برخی از مناطق روی داده بود برانداخت.

۲ - مراجعه شود به یادداشت سر آغاز «اوضاع کنونی و وظایف ما»، جلد حاضر.

۳ - اشاره است به «رهنمود در باره رفع اشتباهاتی در تعیین تعلق طبقاتی و درباره اتحاد با دهقانان میانه حال» که در ۱۳ ژانویه ۱۹۴۸ از طرف سوپوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در شان سی - سوی یوان صادر شد. این رهنمود به پنج بخش تقسیم شده و نکات اساسی آن از این قرار است:

(۱) - از آنجا که ملاک‌های تعیین تعلق طبقاتی بر روشنی معلوم نگردیده است بعضی از اشخاص بنا بر خواست خود بخود دهقانان، با اشتباه در شمار مالکان ارضی ورشکسته و یا دهقانان مرفه گذاشته شده‌اند. بویژه دهقانان میانه حال مرفه با اشتباه در ردیف دهقانان مرفه بقلم رفته‌اند. این امر مانع اتحاد با دهقانان میانه حال می‌گردد و اشتباه بود.

(۲) - باید اقدامات مقتضی برای اقناع مجدانه دهقانان برفع این اشتباهات بعمل آید. اموالی که مصادره شده‌است باید باندازه لازم بصاحبان آنها مسترد گردد.

(۳) - باید بدهقانان و به کادرها توضیح داد که یگانه ملاک تشخیص تعلق طبقاتی باید ملاک مبتنی بر روابط استثمار باشد. اشتباهاتی که در تعیین تعلق طبقاتی روی داده باید از میان برداشته شود.

(۴) - اصل تکیه بر دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی و اتحاد با دهقانان میانه حال باید مراعات گردد. دهقانان میانه حال باید بتوانند بنسبت تقریباً یک سوم در کنفرانسهای نمایندگان دهقانان و در ارگان‌های رهبری اتحادیه‌های دهقانی شرکت جویند. در اخذ مالیات و در اصلاحات

ارضی باید منافع آنان را بطور شایسته در نظر گرفت .

(۵) - کادرهای مسئول باید سیاست طبقاتی حزب را در مناطق روستائی مورد بررسی جدی قرار دهند . هر اشتباهی که در مورد دهقانان میانه حال روی داده است باید بر طبق سیاست حزب در این زمینه اصلاح شود و این کار باید با عمل توده ها انجام گیرد .

سوبروی شان سی - سوی یوان همزمان با رهنمود پنج ماده ای مذکور « رهنمود درباره حفظ صنعت و تجارت » را بمنظور اصلاح انحرافات که در طی اصلاحات ارضی بر صنعت و تجارت صدمه وارد می ساخت صادر کرد .

۴ - منظور در اینجا کتوپراتیوهای تدارکات و فروش است .

www.KetabFarsi.com

گفتگو با هیئت تحریریه روزنامه «جین سوی ژیبائو»

(۲ آوریل ۱۹۴۸)

باید سیاست ما را نه فقط بر رهبران و کادرها بلکه بر توده‌های وسیع نیز روشن ساخت . تبلیغات مربوط به سیاست ما بطور کلی باید بوسیله روزنامه‌ها و مجلات حزب صورت گیرد . ما به اصلاح سیستم ارضی دست زده‌ایم . تدابیر سیاسی مربوط به اصلاحات ارضی باید بوسیله روزنامه‌ها و رادیو انتشار یابد تا توده‌های وسیع از آنها آگاه شوند . همینکه توده‌ها بحقیقت پی ببرند و هدف مشترکی پیدا کنند یکدل عمل خواهند کرد . مثل جنگ : برای کامیابی در نبرد نه فقط افسران بلکه سربازان نیز باید یکدلانه بمیدان در آیند . پس از آن که ارتش‌های ما در شنسی شمالی آموزش دیدند و اسور خود را تحکیم کردند و به جنبش حکایت رنج‌های روزگار قدیم پرداختند سطح آگاهی سربازان ارتقاء یافت و دریافتند که چرا می‌جنگند و چگونه باید بجنگند ، همگی برای نبرد دامن بر کمر زدند ، روحیه‌شان بالا رفت و همینکه وارد عمل گردیدند به پیروزی نائل آمدند . آنگاه که توده‌ها یکدلانه وارد عمل میشوند همه

کار آسان می‌گردد . یکی از اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم اینست که چنان کنیم که توده‌ها منافع خویش را باز شناسند و در مبارزه در راه منافع خویش متحد شوند . نقش روزنامه و آنچه با و نیرو می‌بخشد اینست که برنامه و مشی حزب ، اصول و تدابیر سیاسی حزب ، وظائف و سبک‌های کار حزب را به سریع‌ترین و گسترده‌ترین وجهی باطلاع توده‌ها برساند .

در بعضی از نقاط ، عده‌ای از اعضاء ارگان‌های رهبری ما می‌پندارند که اطلاع رهبران از سیاست حزب به تنهایی کافی است و لازم نیست که سیاست مذکور باطلاع توده‌ها برسد . یکی از دلائل اصلی اینکه بخشی از کار ما بخوبی انجام نیافته همین است . بیش از بیست سال است که حزب ما هر روز به کار توده‌ای می‌پردازد و در طی ده سال اخیر هر روز از مشی توده‌ای صحبت میدارد . ما همیشه بر آن بوده‌ایم که انقلاب باید بر توده‌های مردم تکیه کند و شرکت هر فرد را بحساب بیاورد . ما همیشه مخالف آن بوده‌ایم که فقط به کسانی که صادر کننده دستوراند اکتفاء شود . معذک برخی از رفقا هنوز مشی توده‌ای را در فعالیت خود عمیقاً بکار نمی‌بندند ، همیشه فقط عده خیلی را بحساب می‌آورند و در انفرادی بیروح بسر می‌برند . یکی از دلائلش اینست که رفقای مذکور هر کاری که انجام بدهند از توضیح دقیق آن با افراد تحت رهبری خویش اجتناب دارند و نمیدانند که چگونه باید ابتکار و نیروی آفرینندگی اینان را گسترش داد . از لحاظ ذهنی خواستار آنند که همه کس در کار شرکت جوید ولی بدیگران حالی نمی‌کنند که چه کاری باید انجام گیرد و چگونه باید انجام گیرد . در این صورت چگونه توقع دارید که همه بکار پردازند و کار بخوبی اجرا شود ؟ البته راه حل اساسی مسئله

آنست که باین رفقا در مورد مشی توده‌ای ، آموزش ایدئولوژیک داده شود ولی در عین حال باید بسیاری از سبک‌های مشخص کار را بآنها آموخت . یکی از این سبک‌های مشخص عبارتست از استفاده عمیق از روزنامه‌ها . روزنامه را بدرستی رهبری کردن ، آن را پر مطلب و جالب ساختن ، در آن به تبلیغ صحیح اصول و تدابیر سیاسی حزب دست زدن و بوسیله آن پیوند حزب را با توده‌ها تحکیم بخشیدن ، مسئله‌ای است که در کار حزب حائز اهمیت اصولی است و نباید از دیده فروگذار شود .

رفقا ! شما روزنامه‌نویسید . وظیفه شما همین است که بتوده‌ها آموزش بدهید ، منافع توده‌ها ، وظائف آنها ، اصول و تدابیر سیاسی حزب را بآنها بشناسانید . اداره روزنامه مانند هر کار دیگر است : برای اینکه روزنامه خوب بشود ، برای اینکه جاندار باشد باید در کار آن اهتمام ورزید . برای چرخاندن روزنامه‌ها نیز ما باید به همگان ، به توده‌های مردم ، به مجموعه حزب ، و نه فقط به عده خیلی از اشخاص که در محیط سربسته بکار مشغول‌اند تکیه کنیم . روزنامه‌های ما هر روز از مشی توده‌ای صحبت میدارند ولی در کار خود روزنامه‌ها غالباً مشی توده‌ای از دیده فروگذار میشود . مثلاً غلطهای چاپی در روزنامه‌ها غالباً اتفاق میافتد و علتش فقط اینست که این کار را جدی نگرفته و به اصلاح آن همت نگماشته‌اند . اگر میخواهید در این مورد سبک مشی توده‌ای را بکار بندید باید در صورت پیدایش غلطها فقط بمنظور بحث درباره آنها کارمندان روزنامه را گرد هم آورید ، توضیح دهید که غلطها کدام است ، چرا غلطها روی داده‌است و چگونه میتوان آنها را از بین برد ، و از یکایک افراد بخواهید که باین امر توجه جدی معطوف دارد . پس از سه تا پنج مرتبه که بدین ترتیب عمل شود مسلماً اجتناب از این

غلطها امکان پذیر خواهد شد. این نکته، هم در مورد امور كوچك صادق است و هم در مورد امور بزرگ.

سیاست حزب را در عمل توده‌ها متجلی ساختن، نه فقط كادرهای رهبری بلکه همچنین توده‌های وسیع مردم را بدرك يكايك جنبش‌ها و يكايك مبارزات ما و به پیشبرد شایسته آنها رهنمون شدن، چنین است هنر رهبری مارکسیستی - لنینیستی. و همین امر است که نشان میدهد که آیا ما میتوانیم در کار خویش از خطا پرهیزیم یا نه. اگر هنگامی که توده‌ها هنوز با گاهی نرسیده‌اند در صدد تعرض برائیم مرتکب ماجراجوئی شده‌ایم. اگر بخواهیم توده‌ها را بر خلاف دلخواه آنها بعملی واداریم بدون شك با شكست روبرو خواهیم شد. اگر هنگامی که توده‌ها خواستار پیشروی‌اند به پیش نرویم به اپورتونیسم راست گرفتار آمده‌ایم. خطای اپورتونیستی چن دو سیو همانا در آن بود که از لحاظ آگاهی سیاسی از توده‌ها عقب ماند، نتوانست آنها را بجلو رهبری کند و حتی با پیشروی آنها مخالفت ورزید. هنوز بسیاری از رفقا این موضوعات را در نمی‌یابند. روزنامه‌های ما باید بوجهی شایسته به تبلیغ این نظریات همت بگذارند بطوری که همه کس بدرك آنها نائل آید.

رفقائی که در جراید کار میکنند برای آنکه بتوده‌ها آموزش بدهند باید نخست از آنها آموزش بگیرند. شما، رفقا، همگی روشنفکرید و روشنفکران غالباً مسائل عملی را در نمی‌یابند، در مسائل عملی کم تجربه دارند و یا بهیچوجه تجربه ندارند. رساله «چگونگی تعیین تعلق طبقاتی در روستا» که در ۱۹۳۳ بطبع رسیده است تماماً برای شما قابل درك نیست. در این مورد دهقانان از شما قویتراند زیرا همینکه بانها توضیح داده شد بی‌درنگ می‌فهمند. بیش از صد و هشتاد نفر از دهقانان دو

بخش از شهرستان گوه سیان مدت پنج روز نشستند و مسائل عدیده‌ای را در مورد تقسیم اراضی حل کردند. اگر قرار بود هیئت تحریریه شما این مسائل را موضوع بحث قرار دهد تصور میکنم که چنانچه دو هفته هم بی‌بحث می‌نشستید آنها را حل نمی‌کردید. و دلیلش خیلی ساده است: شما این مسائل را در نمی‌یابید. برای گذار از ندانستن به دانستن باید عمل کرد و نظاره کرد، و این همان است که آموختن نامیده میشود. رفقائی که در جراند کار میکنند باید بنوبه در مدت معینی در کار توده‌ای، در کار اصلاحات ارضی شرکت جویند. این بسیار لازم است. وقتی هم که در کار توده‌ای شرکت ندارید باید درباره جنبش‌های توده‌ای، بسیار بشنوید و بسیار بخوانید و در مطالعه اسناد مربوط بآنها جداً اهتمام ورزید. شعار ما در مورد آموزش سپاهیان چنین است: "افسران سربازان می‌آموزند، سربازان بافسران می‌آموزند و سربازان یکدیگر می‌آموزند." سربازان از تجارب عملی عظیمی درباره نبرد برخوردارند. افسران باید از آنان بی‌آموزند و هر اندازه که تجربه دیگران را بیشتر فراگیرند به همان اندازه شایسته‌تر خواهند شد. رفقائی که در جراند کار میکنند نیز باید با مطالعه اسنادی که از پائین می‌آید پیوسته بی‌آموزند، معلومات عملی خود را بتدریج غنی سازند و بصورت افرادی در آیند از لحاظ تجربه توانگر. فقط باین طریق شما میتوانید کار خود را خوب انجام دهید و از عهده وظیفه آموزش توده‌ها برآئید.

روزنامه «جین سوی ژیبائو» پس از کنفرانس دبیران کمیته‌های ولایتی حزب که در ژوئن سال گذشته تشکیل شد به پیشرفت‌های بسیار بزرگی نائل آمد، از لحاظ مضمون غنی بود، تند و تیز بود، گزنده و جاندار بود، مبارزات عظیم توده‌ها را منعکس می‌ساخت و برای توده‌ها

سخن میگفت . من با کمال میل آن را میخواندم . ولی از ژانویه امسال که ما به اصلاح انحرافات " چپ " دست زدیم بنظر میرسد که روزنامه شما از نفس افتاده است ، دیگر آن روشنی بیان را ندارد ، دیگر آنطور تند و تیز نیست ، کمتر خبر میدهد و زیاد برای خواننده جالب نیست . اکنون که شما به بررسی کار و ترازبندی تجارب خویش مشغولید ، این خیلی خوبست . وقتی که تجارب خود را در مبارزه با انحرافات راست و " چپ " ترازبندی کنید و نظر روشن‌تری در آن باره داشته باشید به بهبود کار نائل خواهید گشت .

مبارزه‌ای که روزنامه « جین سوی ژیبائو » از ژوئن سال گذشته باین طرف بر ضد انحرافات راست در پیش گرفت کاملاً درست بود . شما در این مبارزه به کاری بسیار دقیق پرداختید و جنبش توده‌ای را در کلیه جوانبش بدرستی منعکس ساختید . شما درباره نظریات و اسنادی که اشتباه‌آمیز تشخیص میدادید به انتقاداتی بصورت تذکرات هیئت تحریریه دست زدید . با آنکه در برخی از تفسیرات اخیر شما نقایصی دیده میشود دقت شما شایان تحسین است . نقص عمده کار شما آن بود که زه کمان را زیاده از اندازه کشیدید و وقتی که زه کمان را زیاده از اندازه بکشند می‌گسلد . در قدیم میگفتند : " قاعده شاهان وین و او عبارت بود از توالی کشیدن و رها کردن . " (۱) حالا اندکی " رها کنید " ، آنگاه رفقا دید روشن‌تر خواهند داشت . شما در کار خود به پیشرفت‌هایی نائل آمده‌اید ، ولی نقایصی نیز در کارتان بظهور رسیده که بطور عمده انحرافات " چپ " است . اینک به ترازبندی کلی مشغولید و موقعی که انحرافات " چپ " را اصلاح کنید ، به پیشرفت‌های بزرگتر نائل خواهید آمد .

آنگاه که ما به اصلاح انحرافات دست میزنیم بعضی ها می پندارند که کار گذشته مطلقاً بی ثمر و پرداختن بآن بکلی غلط بوده است. این صحیح نیست. این اشخاص نمی بینند که حزب ما دهقانان بیشمار را در مبارزه بخاطر تحصیل زمین و برانداختن فئودالیسم رهنمون شده، سازمان های خود را استحکام و سبک کار کادرها را بهبود بخشیده و اینک انحرافات "چپ" را نیز اصلاح کرده و کادرها و توده ها را آموزش داده است. آیا اینها کامیابی های بزرگ نیست؟ ما باید کار خود و اقدامات توده ها را با روحیه تحلیل مورد ارزیابی قرار دهیم نه اینکه همه چیز را یکجا محکوم کنیم. سابقاً انحرافات "چپ" از آن جهت روی داد که تجربه نبود. بدون تجربه، بدشواری میتوان از اشتباه برکنار ماند. بین بی تجربگی و تجربه، مرحله ای است که باید پیمود. در طی دوران کوتاه پس از ژوئن سال گذشته تا اسرار، انحرافات راست و "چپ"، این نکته فهمیده شد که مبارزه با انحراف راست و مبارزه با انحراف "چپ" بچه معنی است. این نکته بدون پیمودن آن مرحله فهمیده نمیشد.

پس از آنکه شما کار خود را بررسی و تعارب خویش را ترازبندی کنید اطمینان دارم که کار روزنامه را باز هم بیشتر بهبود خواهید داد. روزنامه شما باید شایستگی سابق خویش را دوباره بدست آورد. روزنامه شما باید تند و تیز، گزنده و روشن باشد، و با نهایت دقت اداره شود. ما باید در دفاع از حقیقت استوار باشیم و حقیقت ایجاب میکند که موضعی صریح اختیار کنیم. ما کمونیستها پوشاندن نظریات خود را پیوسته مرم آور شمرده ایم. روزنامه های تحت رهبری حزب ما و مجموعه کار تبلیغاتی ما باید جاندار باشند، موضع صریح داشته باشند، تیز و برا

باشند و هرگز نباید در ابهام بمانند . برای ما ، برای پرولتاریای انقلابی ،
 سبك پیکارجویانه لازم است . ما که میخواهیم شناخت حقیقت را بخلق
 بیاموزیم و او را بمبارزه بخاطر رهائی خودش برانگیزیم به چنین سبك
 پیکارجویانه‌ای نیازمندیم . تیغی که برائی ندارد بکار نیاید .

یادداشتها

- ۱ - مراجعه شود به کتاب « آداب » ، « لطائف گوناگون » .

تلگراف به فرماندهی جبهه لوه یان پس از بازگرفتن آن شهر

(۸ آوریل ۱۹۴۸)

لوه یان باز گرفته شد (۱) و این بار احتمال می‌رود که ما خواهیم توانست آن را محکم نگهداریم . در مورد سیاست ما در شهرها باید بنکات زیرین توجه کرد :

۱ - در انحلال ارگان‌های رژیم گومیندان احتیاط بسیار روا دارید ، فقط مرتجعان عمده را دستگیر سازید و تعداد زیادی از اشخاص را مورد تعقیب قرار ندهید .

۲ - سرمایه بوروکراتیک را دقیقاً تعریف کنید . کلیه بنگاههای صنعتی و بازرگانی را که بوسیله اعضاء گومیندان اداره میشده‌اند در شمار سرمایه بوروکراتیک نیاورید و مصادره نکنید . باید این اصل را برقرار

تلگرافی است که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است . نظر باینکه مضمون آن نه فقط در مورد لوه یان بلکه علی‌الاصول در مورد کلیه شهرهای بتازگی آزاد شده صادق بود ، تلگراف مذکور در عین حال برفقای رهبری و در سایر جبهه‌ها و در سایر مناطق نیز فرستاده شد .

ساخت که دولت دموکراتیک کلیه بنگاههای صنعتی و بازرگانی را که یقین دارد بوسیله دولت مرکزی و یا دولت‌های ایالتی، ولایتی و شهرداری‌های گومیندان اداره میشده‌اند یعنی آن بنگاههای صنعتی و بازرگانی را که کاملاً بوسیله ارگان‌های دولتی بهره‌برداری میشده‌اند در دست میگیرد و اداره میکند. اما اگر دولت دموکراتیک هنوز وقت تصرف آنها را ندارد و یا هنوز برای این کار آماده نیست باید مسئولیت اداره موقت بنگاههای مذکور را بر عهده اشخاصی که بر سر کاراند گذاشت بطوری که بنگاهها بطریق معمول کار کنند تا آنگاه که دولت دموکراتیک اشخاصی را برای تصرف آنها مأمور گرداند. باید کارگران و تکنیسینهای این بنگاههای صنعتی و بازرگانی را متشکل ساخت تا آنان در اداره بنگاهها شرکت جویند و باید بصلاحت آنها اعتماد داشت. اگر کارمندان گومیندان گریخته‌اند و بنگاه از کار افتاده است باید کمیته مدیریت مرکب از نمایندگان منتخب کارگران و تکنیسینها تشکیل داد تا آنگاه که مسئولان و مدیرین از طرف دولت دموکراتیک بیایند و مدیریت را با اشتراك کارگران در دست گیرند. در مورد بنگاههایی که بدست بوروکرات‌های بزرگ و سرشناس گومیندان اداره میشوند باید اصول و مقررات مذکور در فوق را معمول داشت. ولی بنگاههای صنعتی و بازرگانی که بدست بوروکرات‌های کوچک و یا بدست مالکان ارضی اداره میشوند مشغول مصادره نخواهند گردید. هرگونه تجاوز نسبت به هر بنگاهی که بدست بورژوازی ملی اداره میشود اکیداً ممنوع است.

۳ - قدغن کنید که سازمان‌های دهقانی برای دستگیری مالکان ارضی و تصفیه حساب آنها بشهر نروند. مالکان ارضی که زمین‌هایشان در ده است و خودشان در شهراند باید از طرف دولت دموکراتیک شهر

بر طبق قانون مورد تعقیب قرار گیرند و کسانی از آنها که مرتکب فجیع ترین جنایات شده اند ممکن است بنابر تقاضای سازمان های دهقانی برای محاکمه به ده خویش فرستاده شوند .

۴ - وقتی که وارد شهری میشوید بیهساب به پخش شعارهایی برای افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار نپردازید . در دوران جنگ همین که تولید ادامه یابد ، ساعات کار و سطح دستمزدها ثابت بماند مایه خوشوقتی است . اینکه بعدها کاهش ساعات کار و افزایش دستمزدها بمیزان مناسب ممکن گردد ، وابسته به شرایط اقتصادی یعنی به رونق بنگاهها خواهد بود .

۵ - در بسیج اهالی شهرها برای مبارزه در راه اصلاحات دموکراتیک و در راه بهبود شرایط زندگی شتاب نورزید . این مسائل را بطریق مقتضی و مناسب با شرایط نمیتوان حل کرد مگر آنگاه که اداره شهر بطور شایسته صورت گیرد ، مگر آنگاه که اهالی آرامش خاطر یافته باشند ، پژوهش های دقیق انجام گرفته ، وضعیت روشن شده و اقدامات لازم بعمل آمده باشد .

۶ - اکنون در شهرهای بزرگ ، خواربار و سوخت مسئله اساسی است که باید بطور منظم حل شود . وقتی که شهری تحت اداره ما در می آید مسئله شرایط زندگی بینوایان را باید بتدریج و منظم حل کرد . به پخش این شعار مبادرت نجوئید که : " انبارها را برای کمک به تهیدستان بگشائید " . این گرایش را در نزد تهیدستان بوجود نیاورید که فقط به کمک دولت چشم داشته باشند .

۷ - باید کوشید و همه اعضا گویندگان و جامعه جوانان سه اصل خلق را چنانکه باید یافت و نام آنان را ثبت کرد .

۸ - باید همه چیز را برای مدت طولانی پیش‌بینی کرد . از بین بردن وسائل تولید ، خواه در مالکیت عمومی و خواه در مالکیت خصوصی باشد ، و همچنین اسراف در مواد مصرفی اکیداً قدغن است . باید از زیاده روی در خورد و خوراک خودداری ورزید و همت به صرفه‌جویی گماشت .

۹ - کسانی را به دبیری کمیته‌های حزبی شهرها و به مقام شهرداری منصوب سازید که سیاست حزب را خوب فرا گرفته‌اند و لیاقت ایفاء وظیفه خویش را دارند . این اشخاص باید همه کارمندان خویش را آموزش دهند و تصمیمات سیاسی و تاکتیکی را که باید در شهرها بکار رود برای آنان تشریح کنند . اینک که شهر متعلق به مردم است همه چیز باید بر اساس این اصل صورت گیرد که خود خلق عهده‌دار اداره شهر است . بکلی نادرست است که آن سیاست و تاکتیکی که ما در مورد شهرهای تحت اداره گومیندان بکار میبردیم در مورد شهری که تحت اداره خود خلق است بکار برده شود .

یادداشتها

۱ - لوه یان تکیه‌گاه مهم سپاهیان گومیندان در بخش غربی استان چه نان بود . ارتش آزادیبخش توده‌ای نخستین بار شهر لوه یان را در ۱۴ مارس ۱۹۴۸ بتصرف در آورد . سپس آن را بابتکار خویش و بمنظور آسان ساختن امحاء نیروهای مؤثر دشمن تخلیه کرد . در ۵ آوریل ۱۹۴۸ آن را باز ستانید .

مسائل تاکتیکی کار در ده در مناطق آزاد شده جدید

(۲۴ مه ۱۹۴۸)

مسائل تاکتیکی کار در ده در مناطق آزاد شده جدید باید در مجموعه خود مورد بررسی قرار گیرد . با استفاده کامل از تجربه‌ای که در دوران جنگ مقاومت علیه ژاپن بدست آمده ، ما باید پس از آزادی این مناطق برای مدتی نسبتاً طولانی ، در زمینه اجتماعی سیاست تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود را دنبال کنیم و بطور متناسب به تعدیل ذخائر بذر و غلات پردازیم و در زمینه مالی سیاست توزیع منصفانه مالیاتها را در پیش گیریم ، هدف ضربات ما ، درست مانند دوران جنگ مقاومت که فقط خائنین را توقیف مینمودیم و اسوالشان را مصادره میکردیم ، باید بطور عمده ضد انقلابیون سرشناس باشند که از لحاظ سیاسی جانب گومپندان را میگیرند و عنودانه با حزب ما و ارتش ما مخالفت میورزند . ما نباید بلافاصله سیاست اصلاحات اجتماعی را دایر بر تقسیم اموال منقول و زمین بکار بندیم . دلیل آن اینست که فقط عده خیلی کمی از بی‌پرواترین عناصر از توزیع نابهنگام اموال منقول خشنود میگردند در حالی که

توده‌های اسامی چیزی بدستشان نمیرسد و ناراضی میشوند . بعلاوه بخش شتابزده ثروت‌های اجتماعی عامل نامساعدی بحال ارتش است . تقسیم نابهنگام زمین تمام مخارج احتیاجات نظامی را بجای آنکه بر دوش مالکین ارضی و دهقانان مرفه بگذارد ، از همان آغاز بدهقانان تحمیل میکند . بنابر این در زمینه اصلاحات اجتماعی بجای تقسیم اموال منقول و زمین بهتر است در همه جا بهره‌مالکانه و نرخ سود تقلیل یابد تا دهقانان امتیازات محسوسی بدست آورند . در سیاست مالی ما باید مخارج را منصفانه سرشکن کنیم بطوری که مالکین ارضی و دهقانان مرفه بیشتر پردازند . بدین ترتیب ثروت‌های اجتماعی پراکنده نخواهند شد و نظم عمومی ثبات بیشتری خواهد یافت و این خود بما کمک خواهد کرد که تمام مساعی خود را در راه از بین بردن مرتجعان گومیندان متمرکز سازیم . پس از گذشت يك يا دو سال یا حتی سه سال ، هنگامیکه در پایگاه‌های وسیع مرتجعان گومیندان از میان رفتند ، هنگامی که وضع تثبیت گردید و توده‌ها آگاه و متشکل گردیدند ، هنگامی که جنگ به مناطق دوردست برده شد ، آنگاه ما خواهیم توانست اصلاحات ارضی یعنی تقسیم اموال منقول و زمین را ، آنگونه که در شمال چین صورت گرفت آغاز کنیم . در هیچیک از مناطق آزاد شده جدید ، از مرحله تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود نمیتوان طفره رفت . در غیر اینصورت اشتباهاتی روی خواهد داد . تاکتیک فوق‌الذکر باید همچنین در مناطق آزاد شده وسیع شمال چین ، شمال شرق و شمال غرب ، در قسمت‌هایی که در مجاورت سرزمین‌های اشغالی دشمن است اعمال گردد .

کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در ۱۹۴۸

(۲۵ مه ۱۹۴۸)

۱

لازم است به فصول سال توجه داشت . در مناطقی که بوروها و سوپوروهای کمیته مرکزی تعیین کرده‌اند در تمام طول پائیز و زمستان آینده یعنی ظرف هفت ماه از سپتامبر امسال تا مارس آینده ، باید به انجام وظائفی که به ترتیب در زیر آمده پرداخت :

- ۱ - در وضع دهات به تحقیق پرداخت .
- ۲ - بر طبق سیاست صحیح به نخستین کار جهت تحکیم حزب دست زد . هیئت کار یا گروه کاری که از طرف مقام بالاتری به منطقه روستائی اعزام میشود باید نخست با تمام عناصر فعال و دیگر اعضای شایسته حوزه محلی حزب متحد شود تا به معیت

رهنمود برای حزب که رفیق مائو سه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین نگاشته است .

آنان کار اصلاحات ارضی را رهبری کند .

۳ - سازمانهای دهقانان فقیر و اتحادیه های دهقانی تشکیل داد یا آنها را تجدید سازمان کرد و تقویت نمود و مبارزه را بخاطر اصلاحات ارضی آغاز کرد .

۴ - تعلق طبقاتی را بر طبق ملاکهای صحیح تعیین نمود .
۵ - زمینها و اموال فئودالها را بر طبق سیاست صحیح تقسیم کرد . نتیجه نهائی تقسیم باید طوری باشد که تمام قشرهای عمده آنها صحیح و عادلانه بشمارند و مالکین ارضی نیز پی ببرند که آنها نیز وسیله ای مطمئن برای زندگی دارند .

۶ - بتأسیس کنفرانسهای نمایندگان خلق در مقیاس دهستان (یا دهکده) ، بخش و شهرستان دست زد و شوراهای حکومتی در سه درجه فوق انتخاب کرد .

۷ - برای تسجیل حق مالکیت بر اراضی بتوزیع اسناد مالکیت پرداخت .

۸ - به تعدیل نرخهای مالیات کشاورزی (یعنی غله ای که باید بدولت تسلیم شود) و یا به تجدید نظر در آنها دست زد . این نرخها باید با اصل مراعات منافع همگانی و منافع خصوصی مطابق باشد ، بعبارت دیگر این نرخها باید از یکسو پشتیبانی از مساعی جنگ را میسر سازد و از سوی دیگر دهقانان را به احیاء و رشد تولید علاقه مند گرداند و این خود به بهبود شرایط زندگی آنها کمک خواهد کرد .

۹ - در زمینه سازمانی ، کار تحکیم حوزه های حزبی بر طبق سیاست صحیح پایان رسانید .

۱۰ - برای مبارزه مشترك بخاطر احيا و رشد توليد كشاورزی، مركز كار خود را از اصلاحات ارضی به متحد ساختن تمام زحمتكشان ده و سازمان دادن نیروی كار مالكین ارضی و دهقانان سرفه انتقال داد . بر اساس اصول شركت داوطلبانه و مبادله ارزشهای مساوی به ایجاد گروههای كوچك مبادله كار و واحدهای دیگر كشوراتیوی پرداخت ؛ بذر ، كود و سوخت تهیه كرد ؛ برای تولید نقشه‌هایی تدوین نمود ؛ اگر لازم و ممكن باشد با اعطاء اعتبارات كشاورزی موافقت كرد (بطور عمده وام برای تحصیل وسائل تولید كه قابل پرداخت است و با كمكهای مالی دیگر بكلی فرق دارد) ؛ برای ساختمان مؤسسات آبیاری در جائی كه چنین ساختمانی ممكن است نقشه‌هایی تنظیم نمود .

اینست جریان كامل كار از اصلاحات ارضی گرفته تا تولید ، جریانی كه باید به تمام رفقای كه مستقیماً در اصلاحات ارضی شركت دارند فهمانید قسمی كه آنها بتوانند از نظرات یكجانبه در كار خود پرهیزند و تمام وظائف فوق‌الذكر را بدون آنكه هیچ فصلی را از دست بدهند ، طی پائیز و زمستان آینده انجام دهند .

۲

برای نیل به این هدفها لازم است طی سه ماه آینده از ژوئن تا اوت كار زیر را بیایان رسانید :

۱ - مناطق اصلاحات ارضی را تعیین كرد . در هر يك از این مناطق باید سه شرط زیر موجود باشد :

الف — تمام نیروهای مسلح دشمن نابود شده باشند و وضع در منطقه ثبات داشته باشد . منطقه بی‌ثبات جنگهای پارتیزانی را نباید تعیین نمود .

ب — تقسیم زمین باید خواست اکثریت عظیم توده‌های اصلی (مزدوران کشاورزی ، دهقانان فقیر و دهقانان میانه حال) باشد و نه فقط خواست يك اقلیت .

ج — کادرهای حزب باید صلاحیت‌دار و بتعداد کافی باشند تا بتوان کار اصلاحات ارضی را در دست گرفت . کادرها نباید این کار را بعمل خود بخود توده‌ها واگذارند . منطقه‌ای را که فاقد یکی از این سه شرط باشد نباید برای اصلاحات ارضی سال ۱۹۴۸ تعیین نمود . مثلاً آن قسمت‌هایی از مناطق آزاد شده در شمال ، مشرق ، شمال شرقی و شمال غربی چین که مجاور سرزمین اشغالی دشمن است بعلت فقدان شرط اول نباید در برنامه اصلاحات ارضی امسال گنجانیده شود همینطور است قسمت اعظم منطقه میان رودخانه یان تسه ، رودخانه حوای ، رودخانه زرد و رودخانه حان شوی ، منطقه‌ای که در حیطه اختیار بوروی کمیته مرکزی برای جلگه‌های مرکزی است . گنجاندن این مناطق در برنامه سال آینده بازهم به اوضاع و احوال بستگی دارد . در این مناطق با استفاده کامل از تجربه دوران جنگ مقاومت علیه ژاپن ما باید در زمینه اجتماعی سیاست تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود را دنبال کنیم و بطور متناسب به تعدیل ذخائر بذر و غلات پردازیم و در زمینه مالی سیاست توزیع منصفانه مالیاتها را در پیش گیریم تا تمام آن نیروهای اجتماعی را که میتوان متحد و یا بیطرف ساخت

با خود متحد سازیم یا بیطرف نگاه داریم ، به ارتش آزادیبخش توده‌ای کمک کنیم که کلیه نیروهای مسلح گومیندان را نابود سازد و به مستبدین محلی که از لحاظ سیاسی ارتجاعی‌ترین عناصرند ضرباتی وارد آوریم . در این مناطق نه زمین و نه اسوال منقول نباید تقسیم شود زیرا که این مناطق بتازگی آزاد شده‌اند و در مجاورت سرزمینهای اشغالی دشمن قرار دارند . چنین تقسیمی ، در انجام وظیفه اساسی یعنی نابود کردن نیروهای ارتجاعی گومیندان بسود اتحاد و یا بیطرف ساختن آن نیروهای اجتماعی که بتوان آنها را با خود متحد ساخت و یا بیطرف نگاه داشت نیست .

۲ - موفقیت کنفرانسهای کادر را تأمین کرد . در این کنفرانسهای کادر که به کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب اختصاص دارند ، کلیه تصمیمات سیاسی صحیح مربوط به این دو وظیفه را باید عمیقاً توضیح داد و لازم است بطور وضوح آنچه را که مجاز است از آنچه که مجاز نیست تمیز داد . همه کادرهایی که بکار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب می‌پردازند باید اسناد مهم صادره کمیته مرکزی را با جدیت مطالعه کرده و از آنها درك صحیحی داشته باشند ؛ آنها باید این اسناد را در تمام نکات خود مراعات کنند و رأساً کوچکترین تغییری در آنها ندهند ؛ در موردی که برخی قسمتهای این اسناد پاسخگوی شرایط محلی نباشند میتوان و باید مواد اصلاحی پیشنهاد کرد ، اما هرگونه تغییر باید با تأیید کمیته مرکزی باشد . ارگانهای رهبری عالی مناطق مختلف باید برای کنفرانسهای کادری که امسال در مدارج مختلف تشکیل میشود تدارکات لازم و مناسب را بعمل آورند . یعنی پیش از دعوت

کنفرانس عده کمی از رفقا (که یکی از آنها مسئولیت عمده را برعهده میگیرد) باید با یکدیگر بمشاوره پردازند، مسائل را طرح و تحلیل کنند، کتباً طرحی بریزند، این طرح را در مضمون و شکل آن بدقت منقح گردانند (باید مطمئن شد که این طرح روشن و منسجم است و از پیهوده گوئی احتراز جست). سپس گزارش را به کنفرانس عرضه میدارند که موضوع مباحثه داسنه داری قرار میگیرد، در پرتو نظراتی که در جریان مباحثات ابراز شده، این طرح اصلاح و تکمیل میشود و سند نهائی در سراسر حزب در اختیار مدارج مربوطه گذارده میشود و تا آنجا که ممکن است در روزنامه ها انتشار می یابد. باید با جلساتی که به شیوه تجربی تشکیل میشود مبارزه کرد، یعنی جلساتی که بدون تدارك قبلی جریان مییابد، بدون آنکه مسائل قبلاً طرح و تحلیل شده باشند، بدون آنکه گزارشی به کنفرانس کادرها عرضه شود، گزارشی که با دقت تهیه شده و مضمون و انشاء آن با تعمق سبك و سنگین شده باشد، بالاخره جلساتی که در آنها شرکت کنندگان به پرگوئی و حاشیه روی می پردازند بقسمی که دوره اجلاسیه بدرازا میکشد و به نتیجه دقیق و مطالعه شده ای نمی انجامد. باید مراقب بود که این شیوه تجربی و مضر، اگر در کار رهبری بعضی بوروها و سو بوروهای کمیته مرکزی یا در بعضی کمیته های منطقه ای، ایالتی و ولایتی بکار بی رود، برانداخته شود. در کنفرانسهای که به بحث در سیاست اختصاص دارند نباید افراد زیادی را شرکت داد و در صورتیکه این کنفرانسها بخوبی تدارك شوند میتوان مدت آنها را کوتاه کرد. بطور کلی میتوان کنفرانسهای مرکب از ده تا بیست نفر یا بیست

تا سی یا چهل تا پنجاه نفر برای مدت یکم هفته ترتیب داد ، تعداد افراد بر حسب اوضاع و احوال تغییر میکند . در جلساتی که هدف آنها شناساندن سیاست ماست میتوان افراد بیشتری را شرکت داد ولی مدت آنها نباید زیاد طولانی باشد . فقط در کنفرانسهای کادرهای بالا و متوسط که مقصد آنها تحکیم حزب است افراد بیشتری میتوانند شرکت جویند و مدت آنها میتواند طولانی تر باشد .

۳ - کلیه کادرهایی که مستقیماً در کار اصلاحات ارضی شرکت میجویند باید از پانزده روز اول سپتامبر یا حداکثر در پانزده روز دوم آن بدهات برسند و بلافاصله کار خود را آغاز کنند . در غیر اینصورت ممکن نیست از پائیز و زمستان آینده برای اتمام اصلاحات ارضی و تحکیم حزب و ایجاد ارگانهای قدرت و برای تهیه کشت بهاره بطور کامل استفاده کرد .

۳

در کنفرانسهای کادر و در جریان کار باید به کادرها آموخت که چگونه شرایط کنکرت را تحلیل کنند و چگونه بر اساس شرایط کنکرت در مناطق مختلف و با توجه به شرایط تاریخی مختلف وظائف و طرق کار خود را در مکان معین و زمان معین تعیین نمایند . باید میان شهر و ده ، میان مناطق آزادشده قدیم ، مناطق آزاد شده نیمه قدیم ، مناطق مجاور سرزمینهای اشغالی دشمن و مناطق آزادشده جدید فرق گذاشت . در غیر اینصورت ما مرتکب اشتباهاتی خواهیم شد .

۴

در مناطقی که سیستم فئودالی از ریشه برانداخته شده و دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی همه تقریباً حد متوسط زمینی را که باید بهر يك از آنها تعلق گیرد بدست آورده‌اند و اختلافی که هنوز میان سهم زمین آنها و سهم يك دهقان میانه حال وجود دارد (و این خود قابل قبول است) زیاد نیست ، در این مناطق مسئله ارضی را باید حل شده دانست و اصلاحات ارضی را دیگر مطرح نکرد . در این مناطق وظیفه مرکزی عبارتست از احیا و رشد تولید ، اتمام تحکیم حزب ، تأسیس ارگانهای قدرت و همچنین پشتیبانی از جبهه . اگر در بعضی از دهات این مناطق تقسیم زمین هنوز خاتمه نیافته یا باید در آن جرح و تعدیل بعمل آید ، اگر در تعلق طبقاتی بعضی عناصر هنوز باید تجدید نظر کرد و اگر هنوز باید به توزیع پاره‌ای اسناد مالکیت مبادرت ورزید ، طبیعتاً این وظائف را باید بر طبق شرایط واقعی پایان رسانید .

۵

در تمام مناطق آزادشده ، اعم از آنکه اصلاحات ارضی در آنها خاتمه یافته باشد یا نه ، باید دهقانان را راهنمایی کرد که در پائیز به کشت گندم پردازند و قسمتی از زمینها را شخم بزنند . در زمستان باید از دهقانان دعوت کرد که کود جمع‌آوری کنند . اینها همه برای تولید کشاورزی و برای محصول سال ۱۹۴۹ در مناطق آزاد شده دارای اهمیت اساسی است و باید بكمك اقدامات اداری هم‌آهنگ با کار توده‌ها آنها بمرحله عمل در آورد .

۶

باید با قاطعیت به پاره‌ای تظاهرات ناشی از بی‌انضباطی و هرج و مرج که در بسیاری از نقاط وجود دارد خاتمه بخشید. در واقع رفقائی هستند که بدون اجازه سیاست و تاکتیک مصوب کمیته مرکزی یا کمیته‌های حزب را در مدارج بالا تغییر میدهند و سیاست و تاکتیک فوق‌العاده زیانبخش اعمال میکنند که برخلاف اراده و انضباط همگانی است ولی آنها آنرا صحیح می‌پندارند. رفقای دیگری هستند که به بهانه زیادی کار روش نادرستی اتخاذ میکنند و پیش از آنکه بعملی اقدام نمایند دستور نمیگیرند و پس از آن گزارش نمیدهند؛ آنها منطقه‌ای را که اداره میکنند، اقلیم مستقلی میشمارند. اینها همه برای منافع انقلاب بشدت زیانمند است. کمیته‌های حزب در تمام مدارج خود باید بیش از یکبار به بحث در این مسئله پردازند، برای غلبه بر چنین بی‌انضباطی و چنین هرج و مرجی با جدیت بکوشند و تمام اختیاراتی را که میتوان و باید متمرکز ساخت در دست کمیته مرکزی و ارگانهای نماینده (۱) آن متمرکز سازند.

۷

کمیته مرکزی، بوروهایش (یا سوبورها)، کمیته‌های منطقه‌ای (یا ایالتی)، کمیته‌های ولایت، شهرستان و بخش تا حوزه‌های حزب باید با یکدیگر تماس نزدیک برقرار کنند تا بطور کامل در جریان گرایشهای جنبشهای مختلف باشند، در هر لحظه بمبادله اطلاعات و تجارب پردازند،

بموقع اشتباهات را اصلاح کنند و کامیابی‌ها را توسعه بخشند ؛ برای دست یافتن به این هدفها آنها بطور کامل استفاده خواهند کرد از وسائل ارتباط مانند رادیو ، تلگراف ، تلفن و پست و نامه‌های خصوصی ، از وسائل مشورت مانند جلسات (مرکب از چهار یا پنج نفر) ، کنفرانسهای منطقه‌ای (مرکب از چند شهرستان) و مذاکرات خصوصی ، از دوره‌های بازرسی که یا بوسیله گروه‌های کوچک (سه تا پنج نفر) یا انفرادی ، از طرف آن اعضای کمیته که دارای وجهه و اعتبارند صورت میگیرد ؛ بالاخره از آژانس خبرگزاری ما و روزنامه‌های ما . يك سازمان مادون نباید چندین ماه ، نیمی از سال و یا حتی بیشتر منتظر بماند برای آنکه گزارش اجمالی خود را به سازمان بالاتر عرضه بدارد . همینطور يك سازمان مافوق نباید برای انتقال رهنمودهای عمومی به مدارج پایین‌تر اینگونه عمل کند . زیرا که این گزارشها و رهنمودها غالباً فعلیت خود را از دست میدهند و دیگر کلاً یا جزئاً مفید فایده نخواهند بود . و اشتباهاتی روی خواهد داد بدون آنکه بتوان آنها را بموقع اصلاح نمود ، و این موجب زیانهای شدیدی میگردد . آنچه که سران حزب بدان احتیاج مبرم دارد گزارشها و رهنمودهای زنده ، مشخص و بموقع است .

۸

بوروها و سوبوروهای کمیته مرکزی ، کمیته‌های حزب در منطقه ، ایالت ، ولایت و شهرداری در رهبری خود باید به کار در شهر مانند کار در روستا ، بوظائف تولید صنعتی مانند وظائف تولید کشاورزی توجه شایان مبذول دارند . یعنی آنها نباید بعلت اینکه اصلاحات ارضی و تولید

کشاورزی را رهبری میکنند از رهبری کار در شهرها و کار تولید صنعتی غفلت ورزند و مساعی خود را در این زمینه فرو گذارند. اکنون که ما شهرهای متعدد بزرگ، متوسط و کوچک و يك شبکه وسیع مؤسسات صنعتی و معدنی و خطوط ارتباطی داریم، چنانچه ارگانهای رهبری مربوطه از خود غفلت نشان دهند و مساعی خود را در این زمینه فرو گذارند ما مرتکب اشتباهاتی خواهیم شد.

یادداشتها

- ۱ - در اینجا منظور بوروها و سوبوروهای کمیته مرکزی است.

www.KetabFarsi.com

رهنمودهائی برای عملیات اپراتیو لیائو سی - شن یان^(۱)

(سپتامبر و اکتبر ۱۹۴۸)

۱ - تلگراف ۷ سپتامبر

ما در نظر داریم تقریباً در ۵ سال (از تاریخ ژوئیه ۱۹۴۶) (۲) گومیندان را بطور قطعی از پا در آوریم . این ممکن است . اگر ما هر سال تقریباً ۱۰۰ تیپ از سپاهیان منظم گومیندان ، یعنی در عرض ۵ سال تقریباً ۵۰۰ تیپ را نابود سازیم ، به هدف خود خواهیم رسید . طی دو سال اخیر ارتش ما مجموعاً ۱۹۱ تیپ از سپاهیان منظم دشمن ، یعنی بطور متوسط سالیانه ۵۰ تیپ و نیم و ماهیانه تقریباً ۸ تیپ دشمن را نابود

این تلگرافها خطاب به لین بیائو ، لوه ژون هوان و سایر رفقا از طرف رفیق مائو تسه دون بنام کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است . رهنمودهائی که در اینجا برای عملیات اپراتیو لیائو سی - شن یان از طرف رفیق مائو تسه دون داده شده است ، بعدها با موفقیت کامل اجرا گردید . نتایج عملیات اپراتیو نامبرده از اینقرار است :

ساخته است . در عرض سه سال آینده از ارتش ما خواسته میشود بیش از ۳۰۰ تیپ از سپاهیان منظم دشمن را نابود سازد . امیدواریم که از ژوئیه امسال تا ژوئن سال آینده بتوانیم تقریباً ۱۱۵ تیپ از سپاهیان منظم دشمن را نابود سازیم . این مجموعه بین ارتشهای صحرائی و ارتشهای دیگر تقسیم میشود (۳) . از ارتش صحرائی چین شرقی خواسته میشود که تقریباً ۴ تیپ (از آنجمله ۷ تیپی که قبلاً در ماه ژوئیه نابود ساخته است) را نابود سازد و جی نان و تعدادی از شهرهای بزرگ ، متوسط و کوچک را در شمال جیان سو ، مشرق حه نان و شمال ان هوی بگیرد . از ارتش صحرائی دشتهای مرکزی خواسته میشود که تقریباً ۱۴ تیپ (از آنجمله ۲ تیپی که قبلاً در ماه ژوئیه نابود ساخته است) را نابود سازد و تعدادی از شهرهای استان حوبه ، حه نان و ان هوی را بگیرد . از ارتش صحرائی شمال غربی خواسته میشود که تقریباً

-
- ۱ - نابود ساختن ۷۰,۰۰۰ تن از ارتش دشمن ، همراه با پیروزیهای ارتش آزادیبخش توده‌ای که در همین دوره در سایر صحنه‌های عملیات بدست آمد ، باین ارتش نسبت به ارتش گویندان برتری عددی نیز بخشید .
 - ۲ - تمام سرزمین شمال شرقی چین آزاد شد و شرایط آزادی بی پین ، تیانزین ، و سراسر شمال چین فراهم آمد .
 - ۳ - ارتش ما در این فن که جنگ نابود کننده را بمقیاس وسیع چگونه اجرا کند ، تجربه بدست آورد .
 - ۴ - آزادی شمال شرقی چین پشت جبهه استراتژیک محکمی با پایگاه نسبتاً خوب صنعتی برای جنگ آزادیبخش تأمین کرد و شرایط مساعدی برای حزب و خلق بوجود آورد که بتوانند اقتصادیات کشور را بتدریج احیا کنند .
- عملیات اپراتیو لیائو سی - شن یان نخستین عملیات اپراتیو از سه عملیات اپراتیو قطعی و بزرگ در جنگ آزادیبخش توده‌ای چین بود . در عملیات اپراتیو دیگر عبارت بودند

۱۲ تیپ (از آنجمله یک تیپ و نیم که قبلاً در ماه اوت نابود ساخته است) را نابود سازد . از ارتش شمال چین فرماندهی سیو سیان چیان و جوشی دی خواسته میشود که تقریباً ۱۴ تیپ از سپاهیان ین سی شان (و از آنجمله ۸ تیپی که قبلاً در ماه ژوئیه نابود ساخته است) را نابود سازد و تای یوان را بگیرد . از شما خواسته میشود که در هماهنگی با دو ارتش تحت فرماندهی لوه ژوی چینگ و یان چن او تقریباً ۳۵ تیپ از سپاهیان وی لی هوان و سپاهیان فو زوه ای (و از آنجمله تیپی که بوسیله یان چن او در ماه ژوئیه نابود شد) را نابود سازید و کلیه شهرهای واقع در طول خطوط راه آهن بی پین - لیائو نین ، بی پین - سوی یوان ، بی پین - چن ده و بی پین - بائو دین ، باستانی بی پین ، تیائوزین و شن یان را بگیرید . عوامل تعیین کننده برای رسیدن باین هدف عبارتند از آرایش صحیح نیروها و فرماندهی صحیح نیروها در عملیات اپراتیو و تناسب صحیح

از عملیات اپراتیو حوای های و بی پین - تیائوزین . در این سه عملیات اپراتیو بزرگ که چهار ماه و نوزده روز طول کشید ، ۱۴۴ لشکر (یا تیپ) از سپاهیان منظم دشمن و ۲۹ لشکر از سپاهیان غیرمنظم وی یعنی مجموعاً ۱,۵۴۰,۰۰۰ تن نابود شدند . در همین دوره ارتش آزادیبخش توده ای در سایر جبهه ها نیز به تعرضهائی دست زد و عده کثیری از سپاهیان دشمن را نابود ساخت . ارتش آزادیبخش توده ای چین در دو سال اول جنگ بطور متوسط هر ماه ۸ تیپ دشمن را نابود کرد . ولی در این دوره متوسط مذکور نه ۸ تیپ بلکه ۳۸ تیپ در ماه بود . این سه عملیات اپراتیو بزرگ واحدهای زبده ای را که گومیندان بوسیله آنها جنگ داخلی ضد انقلابی را برانگیخته بود ، بطور عمده نابود ساخت و پیروزی جنگ آزادیبخش را در سراسر کشور بسیار تسریع کرد . در مورد عملیات اپراتیو حوای های و عملیات اپراتیو بی پین - تیائوزین رجوع شود به « رهنمودهائی برای عملیات اپراتیو حوای های » و « رهنمودهائی برای عملیات اپراتیو بی پین - تیائوزین » ، جلد حاضر .

میان دوره نبرد و دوره استراحت . اگر در عرض دو ماه سپتامبر و اکتبر و یا کمی دیرتر بتوانید دشمن را در طول راه آهن جین جو - تان شان نابود سازید و جین جو ، شان های گوان و تان شان را بگیرید ، خواهید توانست تقریباً ۱۸ تیپ دشمن را نابود سازید . باین منظور باید از هم اکنون آماده باشید که نیروهای عمده خود را بر روی این خط بکار اندازید ، بدون آنکه به سپاهیان دشمن در چان چون و شن یان پردازید . ولی در عین حال باید آماده شوید که نیروهای دشمن را که ممکن است در موقع حمله شما بر جین جو از شن یان و چان چون بکمک این شهر بیایند ، نابود سازید . از آنجا که نیروهای دشمن در جین جو ، شان های گوان و تان شان و در اطراف این شهرها از یکدیگر مجزا هستند ، کامیابی حملات شما برای نابود ساختن آنها تقریباً مسلم است و امید زیاد هست که با در هم کوبیدن نیروهای اسدادی دشمن ، در تسخیر جین جو موفق شوید . برعکس اگر نیروهای عمده خود را برای حمله به نیروهای دشمن که ممکن است از چان چون و شن یان بکمک بیایند در سین سین و در شمال این شهر بگمارید ، این نیروها چون مورد تهدید شدید شما قرار میگیرند ، شاید هرگز جرأت بیرون آمدن نکنند . پس از یکطرف دشمن در چان چون و شن یان ممکن است بیرون نیاید و از طرف دیگر چون تعداد نیروهائی که شما بسوی جین جو ، شان های گوان و تان شان اعزام میدارید ، کم است ، ممکن است دشمن از این سه شهر و از حوالی آنها (با ۱۸ تیپ) خود را به جین جو و تان شان بکشد و حمله باو دشوار گردد ، حال آنکه شما مجبور خواهید شد باو حمله کنید و وقت و انرژی زیادی تلف کنید و باین ترتیب شاید خود را بیک موضع پاسیو بیندازید . از اینجهت بهتر است که به سپاهیان

دشمن در چان چون و شن یان نپردازید بلکه توجه خویش را روی سپاهیائی که در جین جو ، شان های گوان و تان شان مستقرند ، متمرکز سازید . نکته دیگر : طی ده ماه ، از سپتامبر امسال تا ژوئن آینده ، باید خود را برای سه عملیات اپراتیو بزرگ آماده سازید و برای هر عملیات تقریباً دو ماه و برای هر سه مجموعاً شش ماه وقت بگذارید و بقیه چهار ماه را به استراحت اختصاص دهید . اگر طی عملیات اپراتیو جین جو - شان های گوان - تان شان (نخستین عملیات اپراتیو بزرگ) دشمن در چان چون و شن یان همه نیروهای خود را برای رهائی جین جو از لانه بیرون بیاورد (اینکه نیروهای عمده شما نه در سین سین بلکه در حوالی جین جو قرار خواهند گرفت ، وی لی هوان را برای کمک بآمدن باین شهر تعریض خواهد کرد) ، شما خواهید توانست بدون آنکه خط جین جو - شان های گوان - تان شان را ترك گوئید نیروهای اسدادی دشمن را بتعداد زیاد یکی بعد از دیگری نابود سازید و باید کوشید که کلیه سپاهیان وی لی هوان را مر جای خود نابود سازید . البته این بهترین وضعیت خواهد بود . از اینجهت باید بنکات زیرین توجه کنید :

- ۱ - اراده کنید که به جین جو ، شان های گوان و تان شان حمله و آنها را تسخیر کنید و بر سراسر این خط نظارت نمائید .
- ۲ - اراده کنید که به نبرد نابود کننده بمقیاسی وسیعتر از نبردهای پیشین دست بزنید ، یعنی وقتیکه تمام ارتش وی لی هوان بکمک جین جو آمد ، جرأت کنید با آن درگیر شوید .
- ۳ - با توجه باین دو اراده ، نقشه عملیاتی خود را دو باره از نظر بگذرانید ، تأمین نیازمندیهای نظامی کلیه واحدها (خواربار ، مهمات ، سربازان جدید وغیره) را تدارك ببینید و مسئله اسرای

جنگی را حل کنید .

خواهشمندیم مطالب فوق را بررسی و نظریات خود را تلگراف نمائید .

۲ - تلگراف ۱۰ اکتبر

۱ - از روزی که شما حمله به جین جو را آغاز کنید ، دورانی فرا خواهد رسید که وضعیت جبهه خیلی متشنج گردد . انتظار داریم که هر دو یا هر سه روز یکبار از وضعیت دشمن (قدرت مقاومت نیروهای او که از جین جو دفاع میکنند ، پیشروی نیروهای امدادی که از حو لو دائو و جین سی و یا از شن یان میآیند و حرکات و نیات سپاهیان چان چون) و همچنین از وضعیت خود ما (پیشرفت ما در حمله به شهر ، تلفات در این حمله و در متوقف ساختن نیروهای امدادی دشمن) با رادیو بما اطلاع دهید .

۲ - همانطور که اظهار داشته‌اید ، احتمال زیاد می‌رود که وضعیت جبهه در این دوران برای شما بسیار مساعد گردد ، یعنی امکان یابید که نه فقط نیروهای دشمن را که از جین جو دفاع میکنند ، بلکه بخشی از نیروهای امدادی وی را نیز که از حو لو دائو و جین سی می‌رسند و همچنین قسمتی و یا اکثریت نیروهایش را که از چان چون می‌گریزند ، نابود سازید . اگر نیروهای امدادی دشمن که از شن یان میآیند ، درست بعد از سقوط جین جو تا منطقه شمال رودخانه دالین پیش روند و شما هم بتوانید نیروهای خود را برای محاصره آنها نقل و انتقال دهید ، در آنصورت امکان نابودی این نیروهای امدادی وجود خواهد داشت . کلید همه اینها در اینست که شما بکوشید جین جو را تقریباً در ظرف یک هفته تسخیر کنید .

۳ - بر حسب اینکه پیشرفت ارتش ما در حمله به جین جو و همچنین پیشرفت نیروهای امدادی دشمن از شرق و از غرب چگونه باشد، باید در باره طرز آرایش سپاهیان خود برای متوقف ساختن آنها تصمیم بگیرید. اگر نیروهای امدادی دشمن از شن یان بکندی پیشرفت کنند (هر گاه طی حمله شما به جین جو، دشمن که در چان چون محاصره شده است، از محاصره بیرون بزند ولی بوسیله ستون ۱۲ و سایر نیروهای ما به نبرد کشیده شود و در هم کوبیده گردد، نیروهای امدادی دشمن که از شن یان میآیند، ممکن است چنان بیخود بشوند که بکندی پیشروی کنند و یا متوقف شوند و یا برای کمک به نیروهای چان چون بعقب برگردند)، حال آنکه نیروهای امدادی دشمن که از حولو دائو و جین سی میآیند، بسرعت پیشروی کنند، شما باید آماده باشید که نیروهای ذخیره عمومی خود را بکار اندازید تا آنها باتفاق ستونهای ۱ و ۱۱ بخشی از نیروهای امدادی دشمن را نابود سازند و قبل از هر چیز پیشرفت آنها را متوقف کنند. اگر نیروهای امدادی دشمن که از حولو دائو و جین سی میآیند، بوسیله ستونهای ۱ و ۱۱ و سایر نیروهای ما میخکوب شوند و بالنتیجه خیلی کند پیشروی کنند و یا متوقف گردند، چنانچه نیروهای دشمن در چان چون خط محاصره را نشکنند، اگر نیروهای امدادی دشمن که از شن یان میآیند، بسرعت پیشروی کنند، و اگر اکثر نیروهای دشمن در جین جو نابود شده باشند و تصرف شهر مسلم شود، در آنصورت باید بگذارید نیروهای دشمن که از شن یان میآیند با عمیق منطقه شمال رودخانه دالین نفوذ کنند تا بتوانید بموقع با انتقال نیروهای خویش آنها را محاصره و در فرصت مناسب نابود سازید.

۴ - برای اینکه جین جو را هر چه زودتر تصرف کنید، باید توجه

خویش را بر روی عملیات در این شهر متمرکز سازید . حتی اگر هیچیک از هدفهای دیگر بدست نیاید و فقط جین جو تسخیر شود ، ابتکار عمل باز بدست شما خواهد افتاد ؛ و این پیروزی بزرگی خواهد بود . امید است که شما بنکات فوق الذکر توجه کنید . بویژه در نخستین روزهای نبرد جین جو که نیروهای امدادی دشمن که از شرق و غرب سیایند ، بحركات مهمی دست نخواهند زد ، باید تمام قوه خود را در عملیات جبهه جین جو بکار اندازید .

یادداشتها

۱ - عملیات اپراتیو لیائو سی - شن یان ، عملیات اپراتیو بزرگی بود که از ۱۲ سپتامبر تا ۲ نوامبر سال ۱۹۴۸ بوسیله ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال شرقی در مغرب استان لیائو نین و در ناحیه شن یان - چان چون صورت گرفت . در آستانه این عملیات اپراتیو نیروهای گومیندان در شمال شرقی مجموعاً شامل ۴ ارتش مرکب از ۱۴ سپاه یا ۴ لشکر میشد . این نیروها به سه ناحیه مجزا از یکدیگر عقب کشیده بودند : چان چون ، شن یان و جین جو . ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال شرقی برای نابود کردن کامل سپاهیان دشمن در همان شمال شرقی و آزاد ساختن سریع تمام این سرزمین پس از آنکه نیروهای عمده خود را که مرکب از ۱۲ ستون و یک ستون توپخانه بودند ، متمرکز ساخت و نیز سپاهیان محلی را جمع کرد (یعنی در مجموع ۵۳ لشکر یا بیش از ۷۰۰,۰۰۰ سپاهی) ، با پشتیبانی توده‌های وسیع مردم محل در سپتامبر سال ۱۹۴۸ عملیات اپراتیو لیائو سی - شن یان را آغاز کرد . جین جو واقع در کنار خط آهن بی پین - لیائو نین گره استراتژیکی بود که شمال شرقی و شمال چین را بهم متصل میساخت . نیروهای دشمن در پادگان جین جو مشتمل میشد بر ۸ لشکر یا بیش از ۱۰۰,۰۰۰ نفر تحت فرماندهی فان هان جیه ، معاون رئیس ستاد کل شمال شرقی گومیندان برای " سرکوب راهزنان " . تسخیر جین جو کلید پیروزی در عملیات اپراتیو لیائو سی - شن یان بود . طبق دستورات رفیق

مائو تسه دون ، ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال شرقی با يك ستون و ۷ لشکر مستقل به محاصره چان چون ادامه داد ، ۶ ستون و يك ستون توپخانه و يك گردان تانک را برای محاصره جین جو و حمله بآن بکار برد و ۴ ستون را در ناحیه تا شان - گائو چیاو در جنوب غربی جین جو و ۳ ستون را در ناحیه حی شان ، دا هو شان و جان او گماشت تا از کلیه کمک‌های که ممکن بود دشمن از طرف جین سی و حو لو دائو و یا از طرف شن یان به جین جو بفرستد ، جلو گیرد . نبرد در ناحیه جین جو در تاریخ ۱۲ سپتامبر آغاز شد . در هنگامیکه ارتش ما پس از تسخیر ای سیان ، حوالی جین جو را از وجود دشمن پاک میکرد ، چانکایشک با عجله بشمال شرقی پرواز کرد تا شخصاً رهبری عملیات را بعهده بگیرد ، او بفوریت ۵ لشکر از ستاد کل شمال چین گومیندان برای ”سرکوب راهزنان“ که در خط بی پین - لیائو نین مستقر شده بود و نیز دو لشکر از شان دون بکمک آورد و این لشگرها با ۴ لشکر جین سی یعنی مجموعاً ۱۱ لشکر از دهم اکتبر بحملات شدیدی علیه مواضع ما در تا شان پرداختند ولی نتوانستند در خطوط ما شکافی ایجاد کنند . در این اثنا نهمین ارتش گومیندان بفرماندهی لیائو یائو سیان که ۱۱ لشکرو ۳ تیپ سواره نظام داشت و از شن یان بکمک جین جو میرفت ، در شمال شرقی حی شان و دا هو شان بوسیله قوای ما متوقف گردید . ارتش ما در ۱۴ اکتبر به هجوم بر جین جو پرداخت و پس از سی و يك ساعت نبرد شدید ، نیروهای دشمن را بکلی نابود ساخت ، فان هان جیه معاون ستاد کل شمال شرقی گومیندان برای ”سرکوب راهزنان“ ، لو جیون چیوان ، فرمانده ششمین ارتش و همچنین بیش از ۱۰۰,۰۰۰ نفر از نیروهای آنها را باسارت گرفت . آزادی جین جو قسمتی از سپاهیان دشمن در چان چون را واداشت که قیام کنند و بما بپیوندند و بقیه تسلیم شوند . از آنموقع دیگر نابودی کامل نیروهای گومیندان در شمال شرقی قطعی شد . اما چانکایشک که هنوز خیال پس گرفتن جین جو و برقراری ارتباطات میان شمال شرقی و شمال چین را در سر می‌پروراند ، به ارتش لیائو یائو سیان اکیداً فرمان داد که بحرکت بسوی جین جو ادامه دهد . ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال شرقی پس از تسخیر جین جو بیدرنگ بسوی شمال شرقی باز گشت و ارتش لیائو یائو سیان را در جناح شمالی و جنوبی در حی شان و دا هو شان بمحاصره انداخت . ارتش آزادیبخش توده‌ای در ۲۶ اکتبر موفق شد که دشمن را در منطقه حی شان - دا هو شان - سین مین محاصره کند و قوای دشمن را پس از دو روز و يك شب نبردهای سخت بکلی نابود سازد و لیائو یائو سیان فرمانده ارتش دشمن ، لی تائو ، سیان فون او و جن تین

جی فرماندهان سپاه ویش از ۱۰۰,۰۰۰ تن را اسیر نماید ، ارتش ما با استفاده از این پیروزی سرعت به تعقیب دشمن پرداخت و شن یان و یین کو را در دوم نوامبر آزاد ساخت ، بیش از ۱۴۹,۰۰۰ تن از نیروهای دشمن را از میان برد . و باین طریق تمام شمال شرقی آزاد شد . طی این عملیات اپراتیو مجموعاً بیش از ۴۷۰,۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن نابود شدند .

۲ - مراجعه شود به « بخشنامه درباره وضع حاضر » یادداشت ۶ ، جلد حاضر .

۳ - در اول نوامبر ۱۹۴۸ کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی طبق تصمیمات متخذه در جلسه سپتامبر بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ، نیروهای مسلح مناطق بزرگ استراتژیک را بواحدهای صحرائی ، واحدهای محلی و واحدهای پارتیزانی تقسیم بندی کرد . واحدهای صحرائی بصورت ارتشهای صحرائی سازمان یافتند . یک ارتش صحرائی مرکب بود از چند ارتش . هر ارتش مرکب بود از چند سپاه (که در اصل ستون نامیده میشد) ، هر سپاه از چند لشکر ، هر لشکر از چند هنگ . ارتشهای صحرائی برحسب منطقه اقامت خویش بنامهای زیرین خوانده میشدند : ارتش صحرائی شمال غربی ، ارتش صحرائی دشتهای مرکزی ، ارتش صحرائی چین شرقی ، ارتش صحرائی شمال شرقی و ارتش صحرائی چین شمالی ارتش آزادیبخش توده‌ای چین . تعداد ارتشها ، سپاهها و لشکرهای هر ارتش صحرائی بر حسب شرایط خاص هر منطقه بزرگ استراتژیک تغییر میکرد . بعدها ارتش صحرائی شمال غربی به ارتش صحرائی یکم موسوم شد و مشتمل بر ۲ ارتش بود . ارتش صحرائی دشتهای مرکزی بنام ارتش صحرائی دوم خوانده شد و مشتمل بر ۳ ارتش بود . ارتش صحرائی چین شرقی نام ارتش صحرائی سوم را گرفت و مشتمل بر ۴ ارتش بود . ارتش صحرائی شمال شرقی به ارتش صحرائی چهارم موسوم گردید و مشتمل بر ۴ ارتش بود . سه ارتشی که ارتش صحرائی چین شمالی را تشکیل میدادند ، تحت فرماندهی مستقیم ستاد کل ارتش آزادیبخش توده‌ای چین قرار داشتند .

درباره تقویت سیستم کمیته حزبی

(۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸)

سیستم کمیته حزبی سیستم حزبی مهمی است برای تضمین رهبری جمعی و جلوگیری از هر فردی که بخواهد رتق و فتق امور را به انحصار خود در آورد . اخیراً دیده شده است که در برخی از ارگان های رهبری (البته نه در همه آنها) انحصار رتق و فتق امور و تصمیم گیری درباره مسائل مهم بوسیله يك فرد بصورت عادت در آمده است . مسائل مهم نه از طرف جلسات کمیته های حزبی ، بلکه از طرف يك فرد حل میشوند و از عضویت در کمیته حزبی بجز نام چیز دیگری بجا نمانده است . اختلاف نظر میان اعضای کمیته حزبی نمیتواند از بین رود و مدتها همچنان لاینحل باقی میماند . در میان اعضای کمیته حزبی نه وحدت واقعی بلکه وحدت ظاهری وجود دارد . این وضع باید تغییر یابد . از این پس باید در تمام ارگانهای رهبری — از بوروی کمیته مرکزی گرفته تا کمیته های حزبی ولایتی ، از کمیته های حزبی جبهه ها گرفته تا کمیته های

متن حاضر قراری است که از طرف رفیق مائو تسه دون برای کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تهیه و تدوین شده است .

حزبی تیپ‌ها و مناطق نظامی (سو کمیسیونهای کمیسیون نظامی انقلابی یا گروه‌های رهبری) ؛ و همچنین در گروه‌های رهبری حزبی ارگان‌های دولتی ، سازمان‌های توده‌ای ، خبرگزاریها و ادارات روزنامه‌ها - سیستمی سالم برای برگزاری جلسات کمیته‌های حزبی معمول گردد .

تمام مسائل مهم (البته نه مسائل کم اهمیت و ناچیز و یا مسائلی که درباره آنها پس از بحث در جلسات تصمیم گرفته شده و فقط باید اجرا شوند) باید برای بحث به کمیته‌ها ارجاع شوند و اعضای حاضر در کمیته‌ها باید نظرات خود را تماماً بیان کنند و به تصمیمات مشخص برسند تا آنکه سپس توسط اعضای مربوطه به مرحله اجرا در آید . عین همین روش باید از طرف کمیته‌های پائین‌تر از کمیته حزبی ولایتی و تیپها نیز بکار بسته شود . در ارگان‌های رهبری بالاتر نیز باید جلسات کادرهای رهبری شعبه‌ها (مثلاً شعبه تبلیغات و شعبه تشکیلات) ، کمیسیونها (مثلاً کمیسیون کار ، کمیسیون زنان و کمیسیون جوانان) ، مدارس (مثلاً مدارس حزبی) ، و مؤسسات (مثلاً مؤسسات تحقیقی) تشکیل یابد . البته برای اینکه جلوی پیشرفت کار گرفته نشود ، باید توجه کرد که جلسات بدرازا نکشند و یا زیاد تکرار نشوند و غرق در بحث راجع به مسایل جزئی نگردند . گذشته از این ، درباره مسائل مهم و بغرنج ، مسائلی که روی آنها اختلاف نظر موجود است ، برای آنکه افراد خود در آن باره بیاندیشند ، باید قبل از تشکیل جلسه بطور خصوصی مشورت شود تا اینکه تصمیمات جلسه بصورت فرمالیته درنیایند و یا تصمیم گرفتن در جلسه تعلیق بمحال نگردد . جلسات کمیته‌های حزبی بدو نوع تقسیم میشوند : جلسات کمیته دائمی و جلسات پلنوم که آنها را نباید با هم مخلوط کرد . بعلاوه باید توجه داشت تا پیش از اندازه

نه برهبری جمعی بزیان مسئولیت فردی و نه بمسئولیت فردی بزیان رهبری جمعی تکیه شود . در ارتش شخصیکه در مقام فرماندهی است ، حق دارد هنگام نبرد و چنانچه موقعیت ایجاب نماید ، تصمیمات فوری اتخاذ کند .

www.KetabFarsi.com

بخشنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره جلسه سپتامبر

(۱۰ اکتبر ۱۹۴۸)

۱ - در سپتامبر ۱۹۴۸ بوروی سیاسی کمیته مرکزی جلسه‌ای تشکیل داد که در آن هفت عضو بوروی سیاسی ، چهارده عضو و کاندیدای عضویت کمیته مرکزی و ده نفر از رفا که دارای مسئولیت‌های مهمی بودند و از آنجمله رهبران عمده حزب و ارتش در شمال چین ، در شرق چین ، در جلگه‌های مرکزی و در شمال غربی چین شرکت جستند . این

بخشنامه حزبی نگارش رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین . جلسه سپتامبر ۱۹۴۸ در دهکده سی بای پوه از شهرستان پین شان واقع در استان حه به تشکیل گردید . از زمان تسلیم ژاپن ، این جلسه کمیته مرکزی وسیعترین جلسه بود . قبلاً ممکن نبود جلساتی با شرکت تعداد وسیعی از اعضا ترتیب داد ، باین علت که اغلب اعضای کمیته مرکزی ، در مناطق مختلف آزادشده پراکنده بودند و در این مناطق جنگ آزادیبخش را که در آنموقع بشدت جریان داشت رهبری مینمودند ، ارتباطات نیز فوق‌العاده دشوار بود .

جلسه وسیعترین جلسه‌ای است که کمیته مرکزی از تاریخ تسلیم ژاپن تشکیل داده‌است. در این جلسه کار دوران گذشته مورد بررسی قرار گرفت و وظایف دوران آینده تعیین گردید.

۲ - از زمان هفتمین کنگره کشوری حزب، در آوریل ۱۹۴۵، کمیته مرکزی و کادرهای رهبری در سراسر حزب بیشتر از دوران جنگ مقاومت علیه ژاپن از خود وحدت نشان داده‌اند. این وحدت بحزب ما امکان داد که در عرض سه سال تماسی که از تسلیم ژاپن میگذرد با حوادث مهم بسیاری چه در داخل کشور و چه در خارج از آن مقابله کند و در جریان این حوادث انقلاب چین را گام بزرگی پیش راند، نفوذ سیاسی امپریالیسم آمریکا را در میان توده‌های وسیع مردم چین در هم شکند، با خیانت تازه گویندگان (۱) بمقابله پردازد، حملات نظامی او را دفع کند و ارتش آزادیبخش توده‌ای را در حالتی قرار دهد که از دفاع به تعرض پردازد.

در جریان دو سال اخیر جنگ، از ژوئیه ۱۹۴۶ تا ژوئن ۱۹۴۸ ارتش آزادیبخش توده‌ای تلفاتی بالغ بر ۲,۶۴۰,۰۰۰ نفر بدشمن وارد آورده که ۱,۶۳۰,۰۰۰ نفر از آنها اسیر شده‌اند. غنائم جنگی ظرف این دو سال بطور عمده عبارتند از قریب ۹۰۰,۰۰۰ تفنگ، بیش از ۶۴,۰۰۰ مسلسل سنگین و سبک، ۸,۰۰۰ عدد توپ سبک، ۵,۰۰۰ عدد توپ پیاده نظام و ۱,۱۰۰ توپ سنگین کوهستانی و صحرائی. در همین دوره نفرات ارتش آزادیبخش توده‌ای از ۱,۲۰۰,۰۰۰ نفر به ۲,۸۰۰,۰۰۰ نفر افزایش یافته‌است. سپاهیان منظم ما از ۱۱۸ تیپ به ۱۷۶ تیپ یعنی از ۶۱۰,۰۰۰ نفر به ۱,۴۹۰,۰۰۰ نفر رسیده‌است؛ وسعت مناطق آزادشده اکنون به ۴,۳۵۰,۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ میگردد یعنی ۲۴/۵

در صد مساحت کل چین که ۹,۵۹۷,۰۰۰ کیلومتر مربع است ؛ جمعیت این مناطق ۱۶۸ میلیون نفر است یعنی ۳۵/۳ در صد جمعیت کل کشور که ۴۷۵ میلیون است ؛ این مناطق شامل ۵۸۶ شهر بزرگ و متوسط و کوچك (مراکز شهرستان و بالاتر) است یعنی ۲۹ در صد از ۲,۰۰۹ شهری که در کشور وجود دارد .

از آنجا که حزب ما با قاطعیت دهقانان را در راه رفورم سیستم ارضی رهبری نمود ، در مناطقی که سکنه آنها در حدود صد میلیون نفر میباشد مسئله ارضی بطور کامل حل شده و زمین های مالکین ارضی و دهقانان مرفه از نوع قدیم تقریباً به تساوی میان سکنه روستا و در وهله اول میان دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی تقسیم گردیده است .

تعداد اعضای حزب ما که در مه سال ۱۹۴۵ ۱,۲۱۰,۰۰۰ نفر بود اکنون به ۳,۰۰۰,۰۰۰ نفر بالغ گردیده است (در ۱۹۲۷ پیش از آنکه گومیندان به انقلاب خیانت ورزد تعداد آنها ۵۰,۰۰۰ نفر بود . در همین سال ، پس از خیانت گومیندان این تعداد تقریباً تا ۱۰,۰۰۰ نفر کاهش یافت ؛ در ۱۹۳۴ در نتیجه بسط موفقیت آسیر انقلاب ارضی این تعداد تا ۳۰۰,۰۰۰ نفر بالا رفت ؛ در ۱۹۳۷ بر اثر شکست انقلاب در جنوب (۲) تقریباً تا ۴۰۰,۰۰۰ نفر پائین آمد ؛ در ۱۹۴۵ بدنبال موفقیت های که در جنگ مقاومت علیه ژاپن بدست آمد این تعداد تا ۱,۲۱۰,۰۰۰ نفر افزایش یافت و اکنون که جنگ علیه چانکایشک و انقلاب ارضی با موفقیت پیش میرود به سه میلیون بالغ گردیده است) . از یکسو حزب طی يك سال اخیر بطور اساسی بر پدیده های ناسالمی که تا حدودی در صفوف آن دیده میشد مانند آلودگی در ترکیب طبقات (نفوذ مالکین ارضی و دهقانان مرفه) ، آلودگی در ایدئولوژی (ایدئولوژی مالکین

ارضی و دهقانان مرفه) و آلودگی در اسلوب کار (بوروکراتیسم و دستور دهی) غلبه کرده و همچنان غلبه میکند و از سوی دیگر حزب طی همین مدت بر برخی اشتباهات "چپ" غلبه کرده و همچنان غلبه میکند. این اشتباهات در جریان مبارزه توده‌های دهقانی که در مقیاسی وسیع بخاطر حل مسئله ارضی بسیج شده بودند پدید آمده بود و عبارت بود از پایمال کردن قسمی و مکرر منافع دهقانان میانه حال، وارد آوردن خسارت به بعضی از مؤسسات صنعتی و تجارتی خصوصی و در بعضی نقاط تجاوز از حدود سیاست حزب در زمینه سرکوب ضد انقلاب. مبارزات انقلابی عظیم و پرشوری که ظرف سه سال و بویژه از یک سال پیش جریان یافته همراه با اصلاح دقیق اشتباهات ما، پختگی سیاسی را در سراسر حزب با بمقیاس وسیعی افزایش داده است.

کار حزب در مناطق گومیندان با موفقیت‌های فراوانی روبرو گردیده است. این امر از اینجا مشهود است که ما در شهرهای بزرگ توده‌های وسیع کارگران، دانشجویان، آموزگاران، استادان، کارمندان فرهنگی و اهالی شهرنشین و سرمایه‌داران ملی و همچنین مجموعه احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای را به سوی حزب خود جلب کرده‌ایم و از اینراه توانستیم در برابر فشار و اختناق گومیندان ایستادگی کنیم و او را کاملاً منفرد سازیم. در چندین منطقه وسیع جنوب (مناطق مرزی فوجیان - گوان دون - جیان سی و حو نان - گوان دون - جیان سی، گوان دون - گوان سی، گوان سی - یون نان، جنوب یون نان، منطقه مرزی آن هوی - جه جیان - جیان سی و همچنین مشرق و جنوب جه جیان) پایگاه‌های جنگ پارتیزانی برقرار گردیده و نقرات نیروهای پارتیزانی به بیش از سی هزار نفر افزایش یافته است.

طی دو سال اخیر و بخصوص طی سال گذشته ما در ارتش آزادیبخش توده‌ای يك جنبش دموکراتیک با ترتیب منظم و با رهبری مناسب ایجاد کردیم که تمام جنگجویان و فرماندهان در آن شرکت جستند . در این جنبش ما انتقاد از خود را بسط دادیم ، بر بوروکراتیسم در ارتش غلبه کردیم و همچنان غلبه میکنیم ؛ ما سیستم کمیته حزبی را در مدارج مختلف ارتش و سیستم کمیته سربازان را در گروهان‌ها که هر دو از ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۲ نتایج نیکوئی بخشیده و بعداً منحل شده بودند برقرار نمودیم . اینها همه شور و شوق و سطح آگاهی سیاسی فرماندهان و جنگجویان را بسیار بالا برد ، قدرت نبرد و روح انضباط را در آنان تقویت کرد و بما کمک کرد که قریب ۸۰۰,۰۰۰ سرباز گوسیندان را که اسیر شده بودند بصفوف خود جلب کنیم و آنها را به جنگجویان آزادشده‌ای (۳) که سلاح خود را علیه گوسیندان برگرداندند تبدیل کنیم . طی دو سال اخیر در مناطق آزادشده ما از میان دهقانانی که زمین دریافت کرده‌اند قریب ۱,۶۰۰,۰۰۰ نفر را برای ورود در ارتش آزادیبخش توده‌ای بسیج کردیم .

ما هم اکنون تعداد نسبتاً زیادی راه آهن ، معادن و صنایع داریم و حزب ما برای آنکه اداره صنایع و بازرگانی را بیاموزد فعالیت بسیاری بخرج میدهد . طی دو سال اخیر صنایع جنگی ما بطور وسیع رشد کرده ولی هنوز قادر نیست به مطالبات جنگ پاسخ گوید . ما فاقد بعضی مواد اولیه و ماشین‌های مهم هستیم و عملاً هنوز نمیتوانیم فولاد تهیه کنیم . در چین شمالی ، در مناطقی که سکنه آن به ۴۴ میلیون میرسد ما دولت توده‌ای متعددی برقرار کردیم که در آن حزب ما با دموکراتها در خارج از حزب همکاری میکند . برای تسهیل پشتیبانی از جبهه ما

تصمیم گرفتیم به این دولت مأموریت دهیم که رهبری و اداره اقتصاد ، دارائی ، بازرگانی ، بانکها ، ارتباطات و صنایع جنگی را در سه منطقه چین شمالی و چین شرقی (با ۳۴ میلیون سکنه) و چین شمال غربی (با ۷ میلیون سکنه) توحید بخشد و ما فکر میکنیم در آینده نزدیکی این توحید را بدو منطقه دیگر یعنی منطقه شمال شرقی و منطقه جلگه‌های مرکزی گسترش دهیم .

۳ - در پرتو موفقیت‌های ما در نبردهای دو سال اخیر و وضع عمومی ما و دشمن ، جلسه بوروی سیاسی بر آن بود که در حدود پنج سال (از ژوئیه ۱۹۴۶) کاملاً ممکن است يك ارتش آزادیبخش توده‌ای پنج میلیون نفری بوجود آورد ، مجموعاً قریب ۵۰۰ تیپ (یا لشکر) از سپاهیان منظم دشمن را (بطور متوسط تقریباً یکصد تیپ در سال) نابود ساخت ، تلفاتی در حدود ۷,۵۰۰,۰۰۰ نفر به نیروهای منظم و غیرمنظم و بواحدهای مخصوص (بطور متوسط تقریباً ۱,۵۰۰,۰۰۰ نفر در سال) وارد آورد و سلطه ارتجاعی گومیندان را در اساس آن سرنگون کرد . نیروی نظامی گومیندان در ژوئیه ۱۹۴۶ برابر ۴,۳۰۰,۰۰۰ نفر بود . در جریان دو سال اخیر ۳,۰۹۰,۰۰۰ تن از سربازان آن از صحنه نبرد خارج گردیده یا فراری شده‌اند ، در حالی که ۲,۴۴۰,۰۰۰ سرباز جدید بخدست گرفته است . بنابر این نیروی کنونی آن ۳,۶۵۰,۰۰۰ نفر است . پیش‌بینی میشود که ظرف سه سال آینده گومیندان خواهد توانست سه میلیون نفر دیگر را بخدست سربازی در آورد و احتمالاً در حدود ۴,۵۰۰,۰۰۰ نفر از صحنه نبرد خارج خواهند شد و یا فراری خواهند گردید . بدین ترتیب پس از پنج سال جنگ برای نیروی نظامی گومیندان احتمالاً بیش از دو میلیون نفر باقی نخواهد ماند . ارتش ما

اکنون مرکب از ۲,۸۰۰,۰۰۰ نفر است. در سه سال آینده ما در نظر داریم ۱,۷۰۰,۰۰۰ تن اسیر را (تخمیناً ۶۰ درصد مجموع اسرائی که ما خواهیم گرفت) به نیروهای خود ملحق سازیم و دو سیلیون دهقان را برای ورود در ارتش بسیج نمائیم. با در نظر گرفتن تلفات، ارتش ما پس از پنج سال نبرد احتمالاً نزدیک به پنج سیلیون نفر خواهد بود. چنانچه پنج سال نبرد چنین نتایجی ببار آورد، آنگاه میتوان گفت که ما سلطه ارتجاعی گومیندان را در اساس خود واژگون نموده ایم.

ما باید برای انجام این وظیفه هر سال در حدود یکصد تیپ (یا لشکر) از سپاهیان منظم دشمن را نابود سازیم که ظرف پنج سال مجموعاً قریب پانصد تیپ (یا لشکر) میشود. این است کلید حل تمام مسائل. چون که سپاهیان منظم دشمن که ما نابود کرده ایم از لحاظ نفرات در سال اول جنگ برابر ۹۷ تیپ (یا لشکر) و در سال دوم برابر ۹۴ تیپ (یا لشکر) است ما میتوانیم به مقصد خود برسیم و حتی آنها پشت سر گذاریم. از مجموع نیروهای نظامی کنونی گومیندان که ۳,۶۵۰,۰۰۰ تن است هفتاد درصد آن در جبهه مقدم است (در شمال خطی که رودخانه یان تسه با کوه های با شان تشکیل میدهد، در مشرق خط لان جو و کوه های حه لان و در جنوب خط چن ده - چان چون) و فقط قریب سی درصد آن در پشت جبهه میباشد (از آنجمله در جنوب خطی که رودخانه یان تسه با کوه های با شان تشکیل میدهد و در مغرب خط لان جو و کوه های حه لان). از مجموع نیروهای منظم کنونی گومیندان که ۲۸۵ تیپ و یا ۱,۹۸۰,۰۰۰ نفر است، ۲۴۹ تیپ یا ۱,۷۴۲,۰۰۰ نفر در جبهه مقدم اند (۹۹ تیپ یا ۶۹۴,۰۰۰ نفر در جبهه شمال، ۱۵۰ تیپ یا ۱,۰۴۸,۰۰۰ نفر در جبهه جنوب) و فقط ۳۶ تیپ یا

۲۳۸,۰۰۰ نفر در پشت جبهه‌اند. و اینها غالباً سپاهیانی هستند که بتازگی تشکیل شده‌اند و قدرت نبرد آنها ناچیز است. از اینرو کمیته مرکزی تصمیم گرفته است که تمام ارتش آزادیبخش توده‌ای، طی سال سوم، در شمال رودخانه یان تسه و در شمال و شمال شرقی چین به عملیات خود ادامه دهد. برای انجام وظیفه خود یعنی نابود کردن دشمن علاوه بر آنکه باید سکنه مناطق آزادشده را بطور منظم و به اندازه لازم برای ورود به ارتش بسیج نمود لازم است از سربازان اسیر به تعداد زیاد استفاده کرد.

۴ - بعزت اینکه حزب ما و ارتش ما مدتی طولانی در وضعی قرار داشت که دشمن میان ما جدائی افکنده بود و ما در مناطق روستائی بودیم و جنگ پارتیزانی میکردیم، ما به ارگانهای رهبری حزب و ارتش در مناطق مختلف خودمختاری وسیعی دادیم و این امر به سازمانهای حزبی و نیروهای مسلح امکان داد که ابتکار و شور و شوق خود را بکار اندازند و دورانهای طولانی مشکلات حاد را از سر بگذرانند. اما در عین حال این امر موجب پیدایش بعضی تظاهرات بی‌انضباطی، هرج و مرج طلبی، محلی‌گری و روحیه پارتیزانی گردید که زیانمند به امر انقلاب بود. وضع کنونی ایجاب میکند که حزب ما تمام امکانات خود را برای برانداختن این پدیده‌ها بکار اندازد، تمام قدرتی را که ممکن است و باید تمرکز یابد در دست کمیته مرکزی و ارگانهای نماینده آن متمرکز سازد و انتقال از جنگ پارتیزانی به جنگ منظم را عملی نماید؛ طی دو سال اخیر، ارتش و عملیات جنگی آن خصلت منظم‌تری یافته‌اند؛ اما این هنوز کافی نیست و در جریان سال سوم باید گام بزرگ جدیدی در این راه برداشته شود. بدین منظور ما باید همه امکانات خود را بکار ببریم برای

آنکه وسائل ارتباطات جدید مانند خطوط آهن ، جاده ها ، کشتی های بخار را ترمیم کرده بکار اندازیم ، اداره شهرها و اداره صنایع را تقویت کنیم تا بتدریج مرکز کار خود را از روستا به شهر انتقال دهیم .

۵ - وظیفه تصرف قدرت در سراسر کشور ایجاب میکند که حزب ما سریعاً و بطور منظم عده زیادی کادر تربیت کند که قادر باشند اداره امور نظامی ، سیاسی و اقتصادی و همچنین امور حزب ، فرهنگ و آموزش را در دست گیرند . در جریان سومین سال جنگ ما باید سی یا چهل هزار کادر ردیف پائین ، متوسط و بالا آماده داشته باشیم تا در جریان چهارمین سال جنگ آنها بتوانند هنگامی که ارتش پیشروی میکند همراه با آن پیش روند و مناطق آزاد شده جدید را که پنجاه تا صد میلیون سکنه دارند با نظم و ترتیب اداره کنند . چین دارای سرزمین وسیع و جمعیت کثیری است و جنگ انقلابی با سرعت زیادی گسترش مییابد ؛ اما ذخیره کادر ما بسیار ناکافی است ، این خود مشکل بسیار بزرگی است . برای تهیه کادر در جریان سومین سال جنگ باید اکثریت کادرها را از مناطق آزاد شده قدیم بیرون کشید و در عین حال کادرهایی نیز از شهرهای بزرگ زیر کنترل گومیندان بدست آورد . در شهرهای بزرگ مناطق گومیندان کارگران و روشنفکران بسیاری هستند که میتوانند در کار ما شرکت کنند و سطح فرهنگی آنان بطور کلی بالاتر از سطح فرهنگی کارگران و دهقانان مناطق آزاد شده قدیم است . بااستثنای عناصر مرتجع ما باید به تعداد زیاد از آنهایی که در ارگانهای اقتصادی ، مالی ، فرهنگی و آموزشی گومیندان کار میکنند استفاده کنیم . در مناطق آزاد شده باید تحصیل در مدارس را برقرار کرد و توسعه داد .

۶ - شعار دعوت کنفرانس مشورتی سیاسی (۴) ، تمام احزاب

دموکراتیک ، تمام سازمانهای توده‌ای و تمام دموکراتهای بی‌حزب مناطق گومیندان را در پیرامون حزب ما گرد آورده است . ما در حال اتخاذ ترتیباتی هستیم برای آنکه نمایندگان این احزاب و سازمانها بتوانند به مناطق آزادشده بیایند ، ما در تدارك آن هستیم که در ۱۹۴۹ ، بمنظور تشکیل حکومت مرکزی موقت جمهوری توده‌ای چین کنفرانسی از نمایندگان تمام احزاب دموکراتیک ، تمام سازمانهای توده‌ای و دموکراتهای بی‌حزب دعوت کنیم .

۷ - در کوششی که ما بخاطر پشتیبانی از جنگ و غلبه بر مرتجعان گومیندان بعمل می‌آوریم ، احیاء و رشد تولید صنعتی و کشاورزی در مناطق آزادشده حلقه مهمی را تشکیل میدهد . جلسه بوروی سیاسی بر آن بود که از یکسوارتش آزادیبخش توده‌ای باید تعرض پیروزمندانه خود را در مناطق گومیندان بسط دهد و از ارتش‌ها و مناطق گومیندان منابع مهم مادی و انسانی لازم را برای ادامه جنگ بدست آورد و از سوی دیگر تمام مساعی باید بکار افتد تا در مناطق آزادشده قدیم تولید صنعتی و کشاورزی احیاء شود و رشد کند و سطح آن اندکی بالا رود . تنها پس از انجام وظایف خود در این دو زمینه ما میتوانیم مطمئن باشیم که سلطه ارتجاعی گومیندان را سرنگون خواهیم نمود ؛ در غیر اینصورت این کار ممکن نخواهد بود .

ما در انجام این وظایف به مشکلات بسیاری برخورد خواهیم کرد . هنگامی که ارتش‌های ما بدون آنکه بتوانند بر پشت جبهه یا پشت جبهه کافی تکیه کنند ، در مناطق گومیندان عملیات خواهند پرداخت ، آنها باید تمام یا قسمت بزرگی از احتیاجات خود را از محل مرتفع بسازند . ضمناً احیاء و رشد تولید صنعتی و کشاورزی مستلزم کار سازمانی صحیح ،

رهبری صحیح بازار در مناطق آزادشده ، نظارت بر بازرگانی با مناطق خارجی ، حل مسائل ناشی از کمبود برخی ماشین‌ها و مواد اولیه و در درجه اول حل مسائل راجع به ارتباطات و حمل و نقل و ترمیم خطوط آهن ، جاده‌ها و راه‌های رودخانه‌ای است . اکنون در وضع اقتصادی و مالی مناطق آزادشده مشکلات بزرگی وجود دارد . این مشکلات بمراتب از مشکلات گومیندان کوچکترند ولی در هر حال وجود دارند . این دشواریها بطور عمده ناشی از اینست که منابع انسانی و مادی ما تکافوی احتیاجات جنگ را نمیکند و تورم بطور محسوسی شدت یافته است . ناکافی بودن کار سازمانی ما بویژه در زمینه اقتصادی و مالی نیز از علل این مشکلات است . ما بر آنیم که همه این مشکلات میتوان و باید غلبه کرد . بدین منظور ما باید با اسراف مبارزه کنیم و رژیم اقتصادی سختی برقرار نمائیم . در جبهه ما باید مراقب باشیم که هر غنیمتی بمقامات رسمی تسلیم شود ، ما باید در استفاده از نیروهای فعال خود زیاده‌روی نکنیم ، از اسلحه بخوبی مواظبت نمائیم ، از اسراف در مهمات و بدرفتاری با اسیران پرهیزیم . در پشت جبهه ما باید مخارج ادارات را تقلیل دهیم ، در جایی که ضرورت مبرم نیست کمتر به بسیج کارگر و نیروی حیوانی پردازیم . از وقت جلسات بکاهیم ، فصول کشاورزی را از نظر دور نداریم تا کار در مزارع بموقع انجام گیرد . هزینه تولید صنعتی را کاهش دهیم ، بازده کار را بالا ببریم ، تمام حزب را بسیج کنیم تا اداره تولید صنعتی و کشاورزی را بیاموزد و کار بازرگانی را فراگیرد ، کوشش فراوانی بکار ببریم تا اقتصاد مناطق آزادشده را بدرستی سازمان دهیم ، بر هرج و مرج بازار غلبه کنیم و علیه محترکین و قاچاقچیان مبارزه لازم دست بزنیم . اگر جداً به انجام این وظایف

کمر بر بندیدیم ما یقیناً خواهیم توانست بر مشکلات خود فائق آئیم .
 ۸ - ارتقاء سطح تئوریک کادرها و بسط دموکراسی در حزب از حلقه‌های مهم انجام وظایف فوق‌الذکر است . جلسه بوروی سیاسی درباره بسط دموکراسی در حزب قطعنامه مخصوصی (۵) تصویب کرده است .
 این جلسه مسئله ارتقاء سطح تئوریک کادرها را مورد بحث قرار داده و توجه تمام رفقای حاضر را به این مسئله جلب کرده است .

۹ - ششمین کنگره ملی کار با موفقیت جریان یافت و فدراسیون سندیکاهای چین تأسیس گردید (۶) . در نیمه اول سال آینده کنگره ملی زنان دعوت خواهد شد تا فدراسیون ملی زنان دموکرات چین (۷) را بنا گذارد و کنگره ملی جوانان دعوت خواهد شد تا فدراسیون ملی جوانان چین (۸) را تشکیل دهد و سازمان جوانان دموکراسی نوین (۹) تأسیس خواهد شد .

یادداشتها

۱ - اولین خیانت گومیندان در ۱۹۲۷ صورت گرفت . منظور از " خیانت تازه " در اینجا جنگ داخلی ضد انقلابی است که گومیندان پس از پایان جنگ مقاومت علیه ژاپن در مقیاس ملی براه انداخت .

۲ - منظور شکست ارتش سرخ چین در مبارزه‌اش علیه پنجمین پیکار " محاصره و سرکوب " گومیندان است ، شکستی که موجب گردید عمده قوای ما در ۱۹۳۴ از پایگاه‌های انقلابی جنوب عقب‌نشینی کند . این شکست نتیجه خط مشی انحرافی " چپ " بود که برای سومین بار در حزب بروز میکرد و نماینده آن وان مین بود .

۳ - منظور سربازان گومیندان است که توسط ارتش آزادیبخش توده‌ای اسیر و سپس آزاد شدند . آنها پس از آنکه پرورش سیاسی یافتند بصفوف این ارتش پیوستند .

۴ - شعار دعوت کنفرانس مشورتی سیاسی از طرف رفیق مائو سه دون به پیش کشیده شد. به پیشنهاد او یکی از «شعارهای اول ماه مه» کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ۱۹۴۸ چنین بود: «بگذار تمام احزاب دموکراتیک و تمام سازمانهای توده‌ای و شخصیت‌های سرشناس، هر چه زودتر يك کنفرانس مشورتی سیاسی ترتیب دهند، و درباره دعوت يك کنفرانس نمایندگان خلق و تشکیل يك دولت ائتلافی دموکراتیک به بحث پردازند و آنرا عملی سازند.» این شعار فوراً در نزد احزاب دموکراتیک، سازمانهای توده‌ای و دموکراتهای غیرحزبی مناطق تحت کنترل گومیندان بگرمی انعکاس یافت. کنفرانس مشورتی سیاسی بعداً بنام کنفرانس مشورتی سیاسی جدید و سپس بنام کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین نامیده شد. رجوع شود به «سخنرانی در جلسه کمیته تدارك کنفرانس سیاسی مشورتی جدید» یادداشت ۱، همین جلد.

۵ - منظور «قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره دعوت کنگره‌ها و کنفرانس‌های حزب در مدارج مختلف» است. این قطعنامه برای استقرار و رشد زندگی دموکراتیک عادی در درون حزب مراتب زیر را مقرر میداشت: کمیته‌های حزبی در مدارج مختلف باید کنگره‌ها و کنفرانس‌های مدارج مربوط خود را آنطور که اساسنامه حزب طلب میکند منظمأ تشکیل دهند. این کنگره‌ها و کنفرانس‌ها باید از تمام اختیاراتی که در اساسنامه حزب پیش‌بینی شده برخوردار باشند. نقض این اختیارات هیچ‌چوجه مجاز نیست. جلسات باید از پیش بنحوی تدارك شوند و گزارش مباحثات درون حزب باید فوراً و مطابق با واقع برای ارگان مافوق ارسال گردد؛ مباحثات مهم باید به کمیته مرکزی گزارش شود. بعلاوه ده قطعنامه تصمیماتی نیز بود تقویت سیستم کمیته حزبی اتخاذ گردیده و مطالبه میشود که کمیته‌های حزب در تمام مدارج از سیستمی پیروی کنند که بنابر آن در مسائل مهم باید بطور جمعی و پس از بحث در کمیته حزبی تصمیم اتخاذ شود؛ درباره يك مسئله مهم از طرف يك فرد هیچ تصمیمی اتخاذ نمیشود؛ نباید بر روی رهبری جمعی یا مسئولیت فردی یکی بزبان دیگری بیش از اندازه تکیه شود.

۶ - ششمین کنگره ملی کار در اوت ۱۹۴۸ در حاربین تشکیل شد. در این کنگره فدراسیون سندیکاهاى چین، سازمان ملی متحد طبقه کارگر چین احیاء گردید. پنج کنگره سابق کاربترتیب در ۱۹۲۲، ۱۹۲۵، ۱۹۲۶، ۱۹۲۷ و ۱۹۲۹ برگزار شده بود.

۷ - نخستین کنگره ملی زنان در مارس ۱۹۴۹ در بی پین تشکیل شد.

در این کنگره فدراسیون ملی زنان دموکرات چین ، ارگان رهبری سازمانهای زنان در سراسر کشور تأسیس گردید . این فدراسیون بعداً بنام فدراسیون ملی زنان جمهوری توده‌ای چین نامیده شد .

۸ - نخستین دوره اجلاسیه کنگره جوانان در مه ۱۹۴۹ در بی پین تشکیل شد . فدراسیون ملی جوانان دموکراتیک چین در این دوره اجلاسیه تأسیس گردید و بعداً بنام فدراسیون ملی جوانان چین نامیده شد .

۹ - سازمان جوانان دموکراسی نوین در ژانویه ۱۹۴۹ بر طبق تصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تأسیس شد ، نخستین کنگره خود را در آوریل ۱۹۴۹ در بی پین تشکیل داد . این سازمان در سومین کنگره خود در ۱۹۵۷ بنام سازمان جوانان کمونیست چین نامیده شد .

رهنمودهائی برای عملیات اپراتیو حوای‌های

(۱۱ اکتبر ۱۹۴۸)

راجع به اقداماتی که باید در عملیات اپراتیو حوای‌های (۱) بعمل آید ، چند نکته زیرین را بتوجه شما میرسانیم :

۱ - وظیفه مرکزی مرحله اول این عملیات عبارتست از تمرکز قوا بخاطر نابود ساختن ارتش حوان بوه تائو ، ایجاد شکافی در مرکز و تسخیر مین ان جن ، ایستگاه راه آهن یون هه ، تسائو باجی ، ای سیان ، زائوجوان ، لین چن ، حن جوان ، شویان ، پی سیان ، تن چن ، تایلجوان و لین ای . بمنظور نیل باین هدف باید برای نابود ساختن هر لشکر دشمن ۲ ستون بکار انداخت ، یعنی مجموعاً باید از ۴ تا ۷ ستون برای تجزیه

این تلگراف خطاب به ارتشهای صحرائی چین شرقی و دشتهای مرکزی و همچنین خطاب به بوروهای کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در این دو منطقه از طرف رفیق مائو تسه دون بنام کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است . عملیات اپراتیو حوای‌های یکی از سه بزرگترین عملیات قطعی در جنگ آزادیبخش توده‌ای چین بود . این عملیات بوسیله ارتشهای صحرائی چین

و نابود ساختن لشگرهای ۲۵ ، ۲۳ و ۲۴ دشمن استفاده کرد . باید ۵ تا ۶ ستون برای متوقف کردن و درهم کوبیدن نیروهای امدادی دشمن بکار انداخت . باید ۱ تا ۲ ستون برای نابود ساختن یک تیپ لی می در منطقه لین چن - حن جوان بکار انداخت و برای اشغال این دو شهر کوشید و سیو جو را از سمت شمال مورد تهدید قرار داد ، تا آنکه ارتشهای چپو چینگ چیوان و لی می جرأت نکنند با تمام نفرات خود بعنوان نیروی امدادی بطرف شرق حرکت کنند . باید با یک ستون با اضافه واحدهای محلی در جنوب غربی شان دون به بخش راه آهن سیو جو - شان چپو ، به حمله جناحی پرداخت تا قسمتی از ارتش چپو چینگ چیوان را میخکوب کرد (از آنجا که ۳ لشگر تحت فرماندهی سون یوان لیان آماده حرکت بسوی مشرق اند ، امید است که لیو بوه چن ، چن ای و دن سیائو پن بیدرنگ واحدهای خویش را آرایش داده و به خط جن جو - سیوجو حمله ور گردند تا ارتش سون یوان لیان را در آنجا میخکوب کنند) . باید ۱ تا ۲ ستون برای عملیات در منطقه سو چیان - سوی نین - لین بی بکار انداخت تا ارتش لی می را میخکوب نمایند . این آرایش قوا بان معنی است که پیش از رسیدن به هدف خویش یعنی نابود ساختن ۳ لشگر از ارتش حوان بوه تائو باید بیش از نیمی از نفرات خود را برای میخکوب کردن ، متوقف کردن و نابود ساختن قسمتی از ارتشهای تحت

شرقی و دشتهای مرکزی و واحدهای محلی این دو منطقه متفقاً صورت گرفت . گومیندان طی این عملیات مجموعاً بیش از ۵۵۵,۰۰۰ نفر تلفات داد . رهنمودهایی که بوسیله رفیق مائو تسه دون در این تلگراف مطرح شده است ، بموفقیت کامل انجامید . عملیات مذکور در شرایطی مساعدتر از آنچه پیشبینی میشد ، جریان یافت و بالنتیجه پیروزی از آنچه پیشبینی شده بود ، بزرگتر گردید و سریعتر بدست

فرماندهی چپو چینگ چیوان و لی سی بکار اندازیم . این آرایش قوا در خطوط کلی خود همانند آرایشی است که هدفش تسخیر جی نان و درهم کوبیدن نیروهای امدادی دشمن بود (۲) و در ماه سپتامبر صورت گرفت . در غیر اینصورت نمیتوان ۳ لشکر از ارتش حوان بوه تائو را نابود ساخت . باید کوشید که این مرحله اول دوسه هفته بعد از آغاز عملیات پایان یابد .

۲ - طی مرحله دوم باید تقریباً ۵ ستون برای حمله کردن و نابود ساختن دشمن در نواحی حای جو ، سین پو ، لیان یون گان و گوان یون ، و گرفتن این شهرها بکار انداخت . میتوان پیش‌بینی کرد که در این مرحله لشکرهای ۴ و ۳۲ دشمن مستقر در چینگ دائو ، با احتمال قوی از راه دریا بمنطقه حای جو - سین پو - لیان یون گان آورده شوند (۳) . باین طریق در این منطقه مجموعاً ۳ لشکر دشمن وجود خواهد داشت که یکی از آنها هم اکنون در آنجا مستقر است . از اینجهت ما باید ۵ ستون را برای حمله بر آنها بکار اندازیم و بقیه نیروهای خویش (نیروهای عمده خویش) را برای میخکوب کردن ارتشهای تحت فرماندهی چپو چینگ چیوان و لی سی مورد استفاده قرار دهیم و در این حال نیز برحسب همان اصل آرایش قوا که ماه سپتامبر برای تسخیر جی نان و درهم کوبیدن نیروهای امدادی دشمن بکار رفت ، عمل کنیم . باید کوشید که این مرحله نیز در عرض دوسه هفته پایان یابد .

آمد . بعد از این عملیات ، نانکن ، پایتخت دولت ارتجاعی گویندیان در معرض تهدید مستقیم ارتش آزادیبخش توده‌ای قرار گرفت . عملیات اپراتیو هوای‌های روز ۱۰ ژانویه ۱۹۴۹ پایان پذیرفت و ۲۱ ژانویه چانگ‌کایشک اعلام داشت که " باز نشسته میشود " . از این ببعد دارودسته ارتجاعی گویندیان در نانکن گرفتار تلاشی کامل گردید .

۳ - طی مرحله سوم میتوان پیش‌بینی کرد که نبرد در اطراف
 حوای یین و حوای ان صورت گیرد . تا آنموقع به نفرات دشمن تقریباً
 يك لشکر (لشکر ۸ تجدید سازمان یافته ازین تای بسوی جنوب رهسپار
 است) اضافه خواهد شد . پس ما نیز باید آماده باشیم که تقریباً ۵
 ستون در حمله بکار اندازیم و بقیه نیروهای عمده خود را برای درهم
 کوبیدن و میخکوب کردن نیروهای امدادی دشمن مورد استفاده قرار
 دهیم . این مرحله نیز تقریباً دو سه هفته وقت خواهد گرفت .
 هر سه مرحله مجموعاً قریب يك ماه و نیم تا دو ماه طول خواهد
 کشید .

۴ - شما باید عملیات اپراتیو حوای‌های را در عرض دو ماه یعنی
 در ماههای نوامبر و دسامبر پ پایان برسانید ، سپاهیان خود را در ژانویه
 آینده استراحت بدهید و تقویت کنید . از ماه مارس تا ژوئیه باید باتفاق
 لیو بوه چن و دن سیائو پین به نبرد پردازید تا آنکه دشمن را بنقاطی که
 در طول ساحل مقابل رودخانه یان تسه قرار دارد بعقب برانید و او را
 که در آنجا موضع خواهد گرفت بحالت دفاع بیندازید . احتمال می‌رود
 که در پائیز آینده نیروهای عمده شما برای عبور از رودخانه یان تسه
 بهجنگ پردازند .

یادداشتها

۱ - عملیات اپراتیو حوای‌های یکی از عملیات قطعی ارتش آزادیبخش توده‌ای
 بود . این عملیات در سرزمینهای پهناوری صورت گرفت که مرکز آن در سیوجو
 بوده و از حای جو در مشرق تا شان چيو در مغرب و از لین چن (که نام کنونی‌اش

سیوچن است) در شمال تا رودخانه حوای در جنوب گسترده شده‌است . نیروهای گومیندان که در این صحنه عملیات متمرکز شده بود ، شامل میشد بر ۵ ارتش و واحدهای سه منطقه استقرار آرامش ، یعنی ۴ ارتش و واحدهای سه منطقه استقرار آرامش تحت فرماندهی لیو جی و دو یو مین که بترتیب رئیس و معاون رئیس ستاد کل گومیندان برای "سرکوب راهزنان" در سیو جو بودند ، و ارتش حوان وی که بعداً از چین مرکزی بکمک آنها آمد . ارتش آزادپخش توده‌ای که بیش از ۶۰۰,۰۰۰ تن در این عملیات بکار انداخت ، شامل واحدهای زیر بود : ۱۶ ستون از ارتش صحرائی چین شرقی ، ۷ ستون از ارتش صحرائی دشتهای مرکزی و واحدهای محلی منطقه نظامی چین شرقی ، منطقه نظامی دشتهای مرکزی و منطقه نظامی حه به - شان دون - حه نان (که در آنموقع جزء منطقه نظامی چین شمالی بود) . این عملیات شصت و پنج روز یعنی از ۶ نوامبر ۱۹۴۸ تا ۱۰ ژانویه ۱۹۴۹ بطول انجامید . ۲۲ سپاه یعنی ۵۶ لشکر از سپاهیان زبده گومیندان (که چهار لشکر و نیم آنها قیام کرده و بصفوف ما پیوستند) با ۵۵۵,۰۰۰ تن کاملاً نابود شدند . بعلاوه ارتشهای تحت فرماندهی لیو ژو مین و لی یین نیان که از نانکن بکمک میآمدند ، نیز دفع شدند . نتیجه این عملیات عبارت بود از آزادی تقریباً کامل سرزمینهای چین شرقی و دشتهای مرکزی که در شمال رودخانه یان تسه قرار دارد . عملیات در سه مرحله بوقوع پیوست . طی مرحله نخستین ، از ۶ تا ۲۲ نوامبر ، ارتش صحرائی چین شرقی که در ارتباط با ارتش صحرائی دشتهای مرکزی عمل میکرد ، ارتش حوان بوه تائو را در بخش سین ان جن - نیان جوان واقع در مشرق سیوجو بمحاصره انداخت و نابود ساخت . حوان بوه تائو کشته شد . سرزمینهای پهناوری در دو طرف خط راه آهن لون‌های واقع در مشرق نیان جوان ، در دو طرف بخشی از خط راه آهن تیانزین - پوگو که بین سیوجو و بان بو قرار دارد ، و همچنین در شمال و مغرب سیوجو آزاد شدند . در بخش تایلجوان - زاتوجوان ۳ لشکر و نیم گومیندان از منطقه سوم استقرار آرامش با عده‌ای بیش از ۲۳,۰۰۰ نفر قیام کردند و بصفوف ما پیوستند . طی مرحله دوم یعنی از ۲۳ نوامبر تا ۱۵ دسامبر ارتش صحرائی دشتهای مرکزی که در ارتباط با نیروهای عمده ارتش صحرائی چین شرقی عمل میکرد ، ارتش حوان وی را در بخش شوان دوی جی واقع در جنوب غربی سو سیان بمحاصره انداخت و نابود ساخت و حوان وی و او شائو جو را که بترتیب فرمانده و معاون فرمانده این ارتش بودند ، باسارت در آورد . يك لشکر از این ارتش قیام کرد و بصفوف ما پیوست . در این اثنا سپاهیان ما ارتش سون یوان لیان را که از سیوجو بسوی مغرب میگریخت ،

نابود ساختند . فقط سون یوان لیان توانست بگریزد . طی مرحله سوم ، یعنی از ۶ تا ۱۰ ژانویه ۱۹۴۹ ارتش صحرائی چین شرقی که در ارتباط با ارتش صحرائی دشتهای مرکزی عمل میکرد ، ارتشهای چو چینگ چوان و لی می را که مستقیماً بوسیله شخص دو یو مین رهبری میشدند و از سیوجو بسوی مغرب میگریختند ، در بخش چینگ لون جی - چن گوان جوان واقع در شمال شرقی یون چن بمحاصره در آورد و نابود ساخت . دو یو مین اسیر شد . چو چینگ چوان بقتل رسید . فقط لی می توانست بگریزد . باین طریق عملیات اپراتیو وسیع حوایهای با پیروزی پایان رسید .

۲ - " تسخیر جی نان و در هم کوبیدن نیروهای امدادی دشمن " اشاره است بآن شیوه نبردی که ارتش آزادیبخش توده‌ای در هنگام نبرد جی نان در اواسط سپتامبر ۱۹۴۸ بکار برد . جی نان نقطه استراتژیک گومیندان واقع در ناحیه شان‌دون بود که بوسیله پادگانی بیش از ۱۱۰,۰۰۰ نفر از سربازان منطقه دوم استقرار آرامش نگهداری میشد . بعلاوه ۲۳ تیپ از نیروهای عمده گومیندان شامل ۱۷۰,۰۰۰ نفر که در ناحیه سیوجو جا داشتند ، هر لحظه آماده بودند که بکمک جی نان بیایند . ارتش صحرائی چین شرقی گروهی مرکب از ۷ ستون ترتیب داد تا بشهر حمله کنند و گروه دیگری مرکب از ۸ ستون را برای در هم کوبیدن نیروهای امدادی گماشت . شب هنگام ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۸ هجوم عمومی به پادگان دشمن در جی نان صورت گرفت . ۲۴ سپتامبر پس از هشت روز و هشت شب نبرد مداوم ، پادگان دشمن بکلی نابود شد (یک سپاه قیام کرد و بصفوف ما پیوست) ، وان یائو او فرمانده منطقه دوم استقرار آرامش باسارت در آمد . نیروهای ما با چنان سرعتی جی نان را گرفتند که سپاهیان دشمن در سیوجو جرأت نکردند بسوی شمال برای کمک به جی نان بیایند .

۳ - در واقع این ۲ لشکر دشمن جرأت نکردند برای کمک بآن منطقه بروند .

نیروهای انقلابی سراسر جهان متحد شوید و بر ضد تجاوز امپریالیستی مبارزه کنید

(نوامبر ۱۹۴۸)

اکنون که طبقه آگاه کارگر و انقلابیون حقیقی سراسر جهان می و یکمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر اتحاد شوروی را بشادمانی جشن میگیرند مقاله مشهوری که استالین در ۱۹۱۸ ، بمناسبت نخستین سالگرد انقلاب اکتبر نوشته است یاد من میآید . استالین در آن مقاله چنین گفته است :

اهمیت بزرگ جهانی انقلاب اکتبر بطور عمده در آنست که این انقلاب :

۱ - دایره مسئله ملی را توسعه بخشید ، آن را از صورت

مقاله رفیق مائو تسه دون که بمناسبت سی و یکمین سالگرد انقلاب اکتبر برای روزنامه « برای صلح پایدار » ، برای دموکراسی توده‌ای « - ارگان بوروی اطلاعات احزاب کمونیستی و کارگری اروپا - نوشته شده است . این مقاله در شماره ۲۱ سال ۱۹۴۸ روزنامه مذکور بچاپ رسید .

مسئله خاص مبارزه با یوغ ملی در اروپا بصورت مسئله عام رهائی خلق‌های ستمدیده و رهائی مستعمرات و نیمه مستعمرات از یوغ امپریالیسم در آورد .

۲ - امکانات پرداخته و راههای عملی برای این رهائی به پیش آورد و باین طریق اسر رهائی خلق‌های ستمدیده باختر و خاور را بسیار تسهیل کرد و آنان را به مسیر عام مبارزه پیروزمند بر علیه امپریالیسم کشانید .

۳ - بهمین طریق میان باختر سوسیالیستی و خاور اسیر پل افکند و جبهه جدیدی از انقلابات بر علیه امپریالیسم جهانی بوجود آورد که از پرولترهای باختر تا خلق‌های ستمدیده خاور گسترده میشود و از انقلاب روسیه میگذرد . (۱)

تاریخ در سمتی تحول یافت که استالین نشان داد . انقلاب اکتبر امکانات پرداخته و راههای عملی برای رهائی خلق‌های جهان به پیش آورد . انقلاب اکتبر جبهه جدیدی از انقلابات بر علیه امپریالیسم جهانی بوجود آورد که از پرولترهای باختر تا خلق‌های ستمدیده خاور گسترده میشود و از انقلاب روسیه میگذرد . این جبهه انقلابات تحت رهبری روشن‌بینانه لنین و پس از مرگش استالین بوجود آمد و توسعه یافت .

برای انقلاب کردن باید حزبی انقلابی وجود داشته باشد . بدون حزب انقلابی ، بدون حزبی مبتنی بر تئوری انقلابی مارکسیستی - لنینیستی و سبک انقلابی مارکسیستی - لنینیستی ممکن نیست طبقه کارگر و توده‌های پهناور خلق را در مبارزه بر علیه امپریالیسم و چاکرانش به پیروزی رهبری کرد . در دوره پس از پیدایش مارکسیسم که کمی بیش از یک قرن است فقط بعد از آنکه بلشویکهای روس در رهبری انقلاب

اکتبر و ساختمان سوسیالیسم و در پیروزی بر تجاوز فاشیسم نمونه بدست دادند احزاب انقلابی تراز نوین در جهان بوجود آمدند و توسعه یافتند . از زمان پدید آمدن این احزاب انقلابی ، سیمای انقلاب جهانی دگرگون شده است . این دگرگونی بقدری عظیم بود که به تحولات جوشان و پرطنینی که در تصور افراد نسل کهن نمیگنجید منجر شد . حزب کمونیست چین نیز حزبی است که از روی نمونه حزب کمونیست اتحاد شوروی ساخته شده و رشد یافته است . با پیدایش حزب کمونیست چین انقلاب چین سیمای کاملاً نوینی یافت . آیا همه اینها واضح نیست ؟

جبهه متحد انقلابی جهانی که اتحاد شوروی در رأس آن است بر آلمان ، ایتالیا و ژاپن فاشیست پیروز شد . این نتیجه ای از انقلاب اکتبر است . آیا پیروزی بر آلمان ، ایتالیا و ژاپن فاشیست و همچنین بر چاکران آنها بدون انقلاب اکتبر ، بدون حزب کمونیست اتحاد شوروی ، بدون اتحاد شوروی ، بدون جبهه متحد انقلابی ضد امپریالیستی باختر و خاور برهبری اتحاد شوروی ، قابل تصور است ؟ اگر انقلاب اکتبر امکانات پر دامنه و راههای عملی برای رهایی طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده سراسر جهان پیش آورد ، پس پیروزی بر فاشیسم در جنگ دوم جهانی امکانات باز هم پر دامنه تر و راههای باز هم عملی تر برای رهایی آنان عرضه داشت . کم بها دادن به اهمیت پیروزی در جنگ دوم جهانی خطای فاحشی است .

پس از پایان پیروزمند جنگ دوم جهانی ، امپریالیسم آمریکا باتفاق چاکرانی که در کشورهای مختلف دارد جای آلمان ، ایتالیا و ژاپن فاشیست را گرفته است و دیوانه وار بتدارك جنگ جدید جهانی مشغول است و سراسر جهان را تهدید میکند . این امر انعکاسی از انحطاط کامل جهان سرمایه داری و وحشت وی در برابر فتنای نزدیک است . این دشمن

هنوز نیرومند است ، پس کلیه نیروهای انقلابی در هر کشور باید متحد شوند ، نیروهای انقلابی تمام کشورها باید متحد شوند و جبهه متحد ضد امپریالیستی که اتحاد شوروی در رأس آن باشد تشکیل دهند و سیاستی درست در پیش گیرند ؛ والا پیروزی غیرممکن است . این دشمن پایه‌های شکننده دارد ، از درون در حال تلاشی است ، جدا از خلق است و در بحران‌های بی‌مفر اقتصادی غوطه می‌زند ؛ پس میتوان بر او پیروز شد . پربها دادن به نیروی دشمن و کم بها دادن به نیروی انقلاب خطای فاحشی است .

در انقلاب بزرگ دموکراتیک خلق چین بر ضد تجاوز دیوانه‌وار امپریالیسم آمریکا به چین و بر ضد دولت ارتجاعی گومیندان که دولت مستبد خیانت ملی است و با بر پا داشتن جنگ داخلی به کشتار خلق چین مشغول میباشد اینک پیروزی‌های بزرگی تحت رهبری حزب کمونیست چین بدست آمده است . ارتش آزادیبخش توده‌ای تحت رهبری حزب کمونیست چین در عرض دو سال ، از ژوئیه ۱۹۴۶ تا ژوئن ۱۹۴۸ ، حملات سپاهیان دولت ارتجاعی گومیندان را که تعدادشان به ۴,۳۰۰,۰۰۰ نفر میرسید در هم شکسته و از دفاع به تعرض پرداخته است . ارتش آزادیبخش توده‌ای در طی این دو سال پیکار (بدون در نظر گرفتن تحولاتی که پس از ژوئیه ۱۹۴۸ روی داده) ۲,۶۴۰,۰۰۰ تن از سپاهیان گومیندان را کشته ، زخمی کرده و باسارت در آورده است . امروز مساحت مناطق آزادشده چین به ۲,۳۵۰,۰۰۰ کیلومتر مربع یعنی به ۲۴/۵ درصد مساحت کل کشور که ۹,۵۹۷,۰۰۰ کیلومتر مربع است میرسد . مناطق مذکور ۱۶۸ میلیون جمعیت دارد یعنی ۳۵/۳ درصد جمعیت کل کشور که ۴۷۵ میلیون نفر است . تعداد شهرهای

مناطق مذکور ۵۸۶ یعنی ۲۹ درصد تعداد کل شهرهای کشور میباشد که ۲,۰۰۹ است. از آنجا که حزب ما دهقانان را در رفرم سیستم ارضی باستواری رهبری کرده مسئله ارضی در مناطقی با قریب ۱۰۰ میلیون نفر از سکنه بطور قاطع حل شده و زمین های مالکان ارضی و دهقانان مرفه از نوع قدیم در آنجاها میان دهقانان و قبل از همه میان دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی تقریباً بتساوی تقسیم شده است. تعداد اعضاء حزب کمونیست چین که در سال ۱۹۴۵، ۱,۲۱۰,۰۰۰ بود امروز به ۳,۰۰۰,۰۰۰ رسیده است. وظیفه حزب کمونیست چین عبارتست از متحد ساختن نیروهای انقلابی سراسر کشور، راندن نیروهای تجاوزکار امپریالیسم آمریکا، سرنگون ساختن سلطه ارتجاعی گومیندان و تأسیس جمهوری توده ای دموکراتیک و واحد. ما میدانیم که دشواریهای فراوانی در پیش است. ولی از آنها نمهراسیم. ما عقیده داریم که باید بر دشواریها فائق آمد و این کار خواهد شد.

انقلاب اکتبر بر ما پرتو افکن است. خلق چین که اینهمه رنج کشیده است باید برای رهایی خویش مبارزه کند و عقیده راسخ دارد که میتواند برهائی نائل آید. مبارزه انقلابی چین که پیوسته منفرد میماند پس از پیروزی انقلاب اکتبر از انفراد بدر آمد. احزاب کمونیست و طبقه کارگر سراسر جهان پشتیبان ما هستند. دکتر سون یاتسن، پیشگام انقلاب چین، این وضعیت را دریافته بود. وی سیاست اتحاد با اتحاد شوروی را برای مبارزه با امپریالیسم طرح ریزی کرد. وی در بستر مرگ نامه ای خطاب باتحاد شوروی نگاشت که بخشی از وصیت نامه اوست. این دارودسته راهزنان چانکایشک در گومیندان است که به سیاست سون یاتسن خیانت میورزد، در جبهه امپریالیستی ضد انقلابی جای گرفته و

به مخالفت با خلق کشور خویش برخاسته است . اما دنیا بزودی خواهد دید که خلق چین رژیم ارتجاعی گومیندان را یکباره بر خواهد انداخت . خلق چین دلیر است ، حزب کمونیست چین نیز دلیر است ، و اینها تصمیم دارند که سراسر چین را آزاد کنند .

یادداشتها

- ۱ - ژ. و. استالین : « انقلاب اکبر و مسئله ملی » بخش ۳ ، « اهمیت جهانی انقلاب اکبر » .

تغییر عظیم در وضعیت نظامی چین

(۱۴ نوامبر ۱۹۴۸)

وضعیت نظامی در چین به نقطه عطف جدیدی رسیده است ، یعنی در تناسب قوا میان طرفین جنگ تغییر ریشه‌ای بوقوع پیوسته است . ارتش آزادیبخش توده‌ای که از مدت‌ها پیش برتری کیفی داشت ، اینک برتری عددی نیز پیدا کرده است . این نشانه آنستکه پیروزی انقلاب چین و تحقق صلح در چین نزدیک است .

در پایان سال دوم جنگ ، یعنی در پایان ماه ژوئن امسال ، تعداد نفرات ارتش گومیندان هنوز رویمهرفته بر ... ۳,۶۵۰,۰۰۰ نفر بالغ میشد . این تعداد از ۴,۳۰۰,۰۰۰ نفری که گومیندان در ژوئیه سال ۱۹۴۶

این تفسیر از طرف رفیق مائو تسه دون برای خبرگزاری سین هوا تهیه شده است . رفیق مائو تسه دون در این تفسیر بر اساس وضعیت تازه‌ای که در اثر تغییر تناسب قوا بین ما و دشمن پس از عملیات اپراتیو لیائو سی - شن یان پدید آمده بود ، درباره زمانیکه برای پیروزی جنگ آزادیبخش توده‌ای لازم است ، تخمین جدیدی زد و خاطر نشان ساخت که برای برانداختن سلطه ارتجاعی گومیندان قریب یک سال از تاریخ نوامبر ۱۹۴۸ کافی است . تکوین بعدی اوضاع نظامی چین پیش‌بینی رفیق مائو تسه دون را کاملاً تأیید کرد .

یعنی در لحظه برپا کردن جنگ داخلی سراسری در اختیار داشت ،
 ۶۵۰,۰۰۰ نفر کمتر بود . ارتش گومیندیان طی این دو سال جنگ قریب
 ۲,۴۴۰,۰۰۰ سرباز گرفت . از اینجهت اگرچه در همین دوره قریب
 ۳,۰۹۰,۰۰۰ نفر نابود و اسیر شده و یا فرار کرده‌اند (که ۲,۶۴۰,۰۰۰
 نفر از آنها کشته و زخمی و یا اسیر بودند) تقلیل نفقاتش فقط
 به ۶۵۰,۰۰۰ رسید . اما اخیراً تغییری ناگهانی بوقوع پیوسته‌است .
 ارتش گومیندیان در همان چهار ماه اول سال سوم جنگ ، یعنی از اول
 ژوئیه تا ۲ نوامبر که روز آزادی شن یان است ، ۱,۰۰۰,۰۰۰ نفر
 تلفات داد . هنوز آمار دقیقی در دست نیست که گومیندیان نفقات خود
 را در عرض این چهار ماه تا چه اندازه تکمیل کرده ، ولی اگر فرض کنیم
 که توانسته باشد ۳۰۰,۰۰۰ سرباز بگیرد ، در آنصورت تقلیل خالص
 تعداد نفقات او ۷۰۰,۰۰۰ نفر خواهد بود . باین ترتیب مجموعه
 نیروهای نظامی گومیندیان - نیروهای زمینی ، دریائی و هوائی ، سپاهیان
 منظم ، غیرمنظم ، واحدهای جنگنده و ادارات کاربرداری - اکنون
 به قریب ۲,۹۰۰,۰۰۰ نفر تقلیل یافته‌است . برعکس تعداد نفقات ارتش
 آزادیبخش توده‌ای که در ژوئن ۱۹۴۶ ۱,۲۰۰,۰۰۰ نفر بود ، در
 ژوئن ۱۹۴۸ به ۲,۸۰۰,۰۰۰ تن رسید و امروز به بیش از ۳,۰۰۰,۰۰۰
 تن افزایش یافته‌است . پس ملاحظه میشود که برتری عددی که ارتش
 گومیندیان مدت‌ها از آن برخوردار بود ، بسرعت به فروتری مبدل شده‌است .
 این نتیجه پیکارهای قهرمانانه‌ای است که ارتش آزادیبخش توده‌ای در
 چهار ماه اخیر در کلیه صحنه‌های عملیات انجام داده و بویژه نتیجه
 نبردهای سوی - چی (۱) و چی نان (۲) در جبهه جنوب و نبردهای
 جین جو ، چان چون ، لیائوسی و شن یان (۳) در جبهه شمال است . از

آنجا که ارتش گومیندان با تلاش زیاد واحدهای منظم خود را با واحدهای غیرمنظم ترسیم میکرد، در اواخر ماه ژوئن اس سال هنوز ۲۸۵ لشکر نمره دار در اختیار داشت. در چهار ماه اخیر مجموعه گردانها و واحدهای بزرگتر از گردان که بدست ارتش آزادیبخش توده‌ای نابود شده‌اند، بر ۸۳ لشکر بالغ میشود که شامل ۶۳ لشکر کامل بودند.

بدین ترتیب پروسه جنگ از آنچه بدو پیش‌بینی کرده بودیم، خیلی کوتاه‌تر خواهد بود. طبق پیش‌بینی سابق، ما میتوانستیم دولت ارتجاعی گومیندان را در حدود پنج سال - از ژوئیه سال ۱۹۴۶ بعد - بطور قطع از پای در آوریم. اما اینک چنین بنظر میرسد که ما از حال حاضر تا تقریباً یک سال دیگر میتوانیم آنرا بطور قطع از پای در آوریم. معذک برای نابودی نیروهای ارتجاعی در کلیه اکناف کشور و تحقق آزادی خلق مدت نسبتاً طولانی‌تری لازم خواهد بود.

دشمن بسرعت از پای در می‌آید. ولی باز لازم است که کمونیستها، ارتش آزادیبخش توده‌ای و قشرهای مختلف خلق سراسر کشور چون تنی واحد بهم پیوندند و مساعی خویش را دوچندان کنند تا بتوان نیروهای ارتجاعی را بطور قطع و تماماً نابود ساخت و جمهوری توده‌ای واحد و دموکراتیکی در سراسر کشور بنا نهاد.

یادداشتها

۱ - نبرد سوی - چی که نبرد مشرق حه نان نیز نامیده میشود، بوسیله ارتش آزادیبخش توده‌ای در منطقه کای فن، سوی سیان و چی سیان در گرفت. نبرد مذکور در ۱۷ ژوئن ۱۹۴۸ آغاز شد. در ۲۲ ژوئن ارتش ما کای فن را

تسخیر کرد. چانکایشك برای آنكه وضعیت بحران نظامی خود را بهبود بخشد، بجبهه رفت و شخصاً فرماندهی را بدست گرفت، ارتشهای تحت فرماندهی چيو چینگ چيوان، او شو نيان و حوان بوه تائو را گرد آورد و از جهات مختلف بحمله برکای فن پرداخت. شش ستون از ارتش صحرائی چین شرقی و دو ستون از ارتش صحرائی دشتهای مرکزی و ستون گوان دون - گوان می، ارتشهای او شو نيان و حوان بوه تائو را در منطقه سوی سیان - چي سیان بمحاصره انداختند و پس از ۹ روز و ۹ شب نبرد سخت (۲۷ ژوئن تا ۶ ژوئیه) دو لشکر شامل بر شش تیپ از ارتش او شو نيان و همچنین بخشی از ارتش حوان بوه تائو، مجموعاً بیش از ۹۰,۰۰۰ تن را نابود ساختند. او شو نيان فرمانده ارتش و همچنین شن چن نيان فرمانده هفتاد و پنجمین لشکر تجدید سازمان یافته گومیندان باسارت درآمدند.

۲ - رجوع شود به «رهنمودهائی برای عملیات اپراتیو حوایهای»، یادداشت ۲، جلد حاضر.

۳ - نبردهای جین جو، چان چون، لیائوسی و شن یان در شمال شرقی مجموعاً عملیات اپراتیو لیائوسی - شن یان نامیده میشوند. رجوع شود به «رهنمودهائی برای عملیات اپراتیو لیائوسی - شن یان»، یادداشت ۱، جلد حاضر.

رهنمودهائی برای عملیات اپراتیو بی پین - تیانزین (۱)

(۱۱ دسامبر ۱۹۴۸)

۱ - نیروهای دشمن در جان جیاکو ، سین بائو ان ، حوای لای و همچنین در سراسر منطقه بی پین ، تیانزین ، تان گو و تان شان ... باستانای واحدهائی از قبیل بعضی از لشگرهای سپاه ۳۵ ، ۶۲ و ۹۴ که قدرت رزمی شان در دفاع از مواضع استحکامی هنوز قابل توجه است - روحیه تعرضی خیلی ضعیفی دارند و چون پرندهای هستند که تا زه کمان میلرزد ، بهراس سیافتند . بویژه از هنگامیکه شما بجنوب دیوار بزرگ

این متن تلگرافی است که از طرف رفیق مائو تسه دون بنام کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین خطاب به لین بیائو ، لوه ژون هوان و سایر رفقا تنظیم شده است . عملیات اپراتیو بی پین - تیانزین آخرین عملیات از سه عملیات اپراتیو قطعی جنگ آزادیبخش توده ای چین بود . ما طی این عملیات بیش از ۵۲۰,۰۰۰ تن از سپاهیان گومیندان را نابود ساختیم و یا تجدید سازمان دادیم ، شهرهای مهمی مانند بی پین ، تیانزین ، جان جیاکو و غیره را آزاد کردیم و نبرد برای آزادی شمال چین را علی الاصول پایان رساندیم . رهنمودهائی که در اینجا بوسیله رفیق مائو تسه دون تنظیم شده است ، با موفقیت کامل بکار بسته شدند .

رسیدید ، چنین شده است . شما هیچگاه نباید بقدرت رزمی دشمن پربها دهید . بعضی از رفقای ما سابقاً از پربها دادن بقدرت رزمی دشمن صدمه دیدند ، ولی پس از آنکه مورد انتقاد قرار گرفتند ، به اشتباه خود پی بردند . اینک دشمن ، خواه در جان جیاکو و خواه در سین بائو ان ، عملاً در محاصره افتاده است و با احتمال قوی مشکل بتواند خط محاصره را بشکند و فرار کند . تقریباً نیمی از نفرات سپاه ۱۶ بسرعت نابود شده است . سپاه ۱۰۴ دشمن در حوای لای سراسیمه بسوی جنوب میگریزد و احتمالاً امروز یا فردا نابود خواهد شد . پس از آنکه چنین شد ، شما باید آماده شوید که ستون ۴ را از جنوب غربی (۲) بشمال شرقی اعزام دارید تا بتواند رابطه میان نان کو و بی پین را قطع کند . بنظر ما این کار آسانی نخواهد بود زیرا که با سپاه ۹۴ و بقایای سپاه ۱۶ بسرعت به بی پین عقب خواهند نشست و با سپاههای ۹۴ ، ۱۶ و ۹۲ بمنظور دفاع مشترک در منطقه نان کو - چان پین - شا هه جن متمرکز خواهند شد . معذلك ستون ۴ با این مانور حومه شمال غربی و شمال بی پین را مستقیماً تهدید خواهد کرد و این نیروهای دشمن را میخکوب خواهد نمود و بدین ترتیب آنها دیگر جرأت جنبیدن نخواهند داشت . ولی اگر جرأت کنند و بحرکت خویش بسوی غرب بمنظور کمک به سپاه ۳۵ ادامه دهند ، شما میتوانید یا راه عقب نشینی آنها را مستقیماً قطع کنید و یا بحمله مستقیم به بی پین پردازید . از اینجهت آنها احتمالاً جرأت نخواهند کرد بحرکت خویش بسوی غرب ادامه دهند . ارتش شمال چین ما بفرماندهی یان ده جی ، لوه ژوی چینگ و گن یائو که هم اکنون ۹ لشکر برای محاصره ۳ لشکر از سپاه ۳۵ دشمن بکار برده است ، برتری مطلق دارد . آنها پیشنهاد کرده اند که این لشکرها را دشمن

را هر چه زودتر نابود سازند . ولی ما از آنها میخواهیم عجلتاً حمله نکنند تا آنکه سپاهیان دشمن در بی بین و تیائزین بمانند و در تصمیم خود درباره فرار از راه دریا دچار تردید شوند . آنها دو ستون را برای محاصره سپاه ۳۵ بکار انداخته‌اند و يك ستون دیگر را برای جلوگیری از سپاه ۱۰۴ گمارده‌اند ، و این هر دو سپاه دشمن دفع شده‌اند .

۲ - ما با شما موافقیم که ستون پنجم را بیدرنگ بحوالی نان کو بفرستید تا دشمن را در بی بین ، نان کو و حوای ژو از شمال شرقی تهدید کند . ستون مذکور در این منطقه باقی خواهد ماند تا آنکه بعداً (پس از ۱۰ تا ۱۵ روز که سپاه ۳۵ بوسیله ارتش شمال چین بفرماندهی یان ده جی ، لوه ژوی چینگ و گن یائو نابود شود) ستون ۴ شما آزاد گردد و در مشرق مورد استفاده قرار گیرد . از اینجهت فرمان بدهید که ستون پنجم از همین امروز حرکت خود را بسوی مغرب ادامه دهد .

۳ - ستون سوم در هیچ حالی نباید به نان کو برود بلکه باید طبق تلگراف مورخ نهم ما بسوی منطقه مشرق بی بین و جنوب تون سیان حرکت نماید تا آنکه بی بین را از مشرق مورد تهدید قرار دهد ، همراه ستون‌های ۴ ، ۱۱ ، ۵ و بی بین را بمحاصره در آورد .

۴ - معذلك هدف واقعی ما اول محاصره بی بین نیست بلکه محاصره تیائزین ، تان گو ، لوتای و تان شان است .

۵ - طبق پیش‌بینی‌های ما ، ستونهای ۱۰ ، ۹ ، ۶ و ۸ و همچنین ستون توپخانه و ستون ۷ شما در حوالی ۱۵ دسامبر در منطقه‌ای که یوتیان مرکز آنست ، جمع خواهند شد . ما پیشنهاد میکنیم که با يك حرکت برق‌آسا در فاصله ۲ تا ۲۵ دسامبر شش ستون - ستون ۳ (که باید از حومه شرقی بی بین بسوی مشرق برود) ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ و ۱۰ -

را بکار اندازید تا دشمن را در تیائزین ، تان گو ، لوتای و تان شان محاصره کنند ، البته مشروط بر اینکه در آنموقع وضعیت دشمن در این شهرها تقریباً مانند امروز باشد . شیوه عمل باید این باشد که ۲ ستون در منطقه لان فان - هه سی او - یان تسون که مرکز آن اوچینگ است ، گماشته شوند و ۵ ستون بصورت گوه در شکافهای بین تیائزین ، تان گو ، لوتای ، تان شان و گویه فرو روند ، تا آنکه رابطه میان نیروهای دشمن قطع گردد . برای جلوگیری از فرار نیروهای دشمن باید هر يك از این ستونها در دو جناح خویش موضع سماعتی بگیرند ، و آنکه بااستراحت و تقویت پردازند و پس از آنکه خستگی در کردند ، بر چند گروه كوچك دشمن حمله برند و آنها را نابود سازند . در این اثنا ستون چهارم باید از شمال غربی بمشرق پی بین برود . پیش از آنکه ستون چهارم جابجا شود ، ارتش شمال چین بفرماندهی یان ده جی ، لوه ژوی چینگ و گن یائو باید دشمن در سین بائو ان را نابود کند . در مشرق ، برحسب اوضاع و احوال باید کوشید در درجه اول دشمن در تان گو را نابود ساخت و این بندر را تحت نظارت در آورد . اگر این دو نقطه یعنی تان گو (مهمترین نقطه) و سین بائو ان را بگیرید ، بر تمام عرصه جنگ مسلط خواهید شد . آرایش قوا بطرز فوق الذکر در واقع محاصره عمومی دشمن در جان جیاکو ، سین بائو ان ، نان کو ، پی بین ، حوای ژو ، شون ای ، تون سیان ، ون بین (جوه سیان ، لیان سیان از هم اکنون در دست ما هستند) فون تای ، تیائزین ، تان گو ، لوتای ، تان شان و کای بین است .

۶ - این شیوه در خطوط کلی مثل همان شیوه ای است که شما در موقع عملیات در طول خط ای سیان ، جین جو ، جین سی ، سین چن ، سوی جون ، شان های گوان و لو ان سیان بکار بردید (۳) .

- ۷ - از امروز تا ۲ هفته دیگر (۱۱ - ۲۵ دسامبر) اصل عمده عبارتست از محاصره بدون در هم کوبیدن (در مورد جان جیاکو و سین بائوان) و در بعضی موارد قطع رابطه بدون محاصره (در مورد بی پین ، تیائزین و تون جو باید محاصره استراتژیک را عملی ساخت و رابطه بین نیروهای دشمن را قطع کرد ، بدون هیچ گونه محاصره تاکتیکی) تا آنکه بتوان پس از تکمیل آرایش قوا نیروهای دشمن را یکایک نابود ساخت . بویژه نباید نیروهای دشمن در جان جیاکو ، سین بائوان و نان کو را نابود سازید زیرا که این امر دشمن در مشرق نان کو را مجبور خواهد ساخت ، بیدرنگ تصمیم به گریز بگیرد . باین نکته باید پی ببرید .
- ۸ - برای اینکه چانکایشک در انتقال سپاهیان خویش از راه دریا از منطقه بی پین - تیائزین بسوی جنوب باتخاذ تصمیم سریع مجبور نشود ، به لیو بوه چن ، دن سیائو پین ، چن ای و سو یو دستور خواهیم داد که پس از آنکه ارتش حوان وی را نابود ساختند ، به بقایای ارتشهای چپو چینگ حیوان و لی سی و سون یوان لیان تحت فرماندهی دو یوسین دست نزنند (تقریباً نیمی از آنها هم اکنون نابود شده‌اند) و تا مدت دو هفته برای آرایش قوا بمنظور نابودی نهائی آنها اقدام نکنند .
- ۹ - برای اینکه از فرار دشمن بسوی چینگ دائو ممانعت کنیم ، به نیروهای خویش در شان دون دستور خواهیم داد که تعدادی از واحدهای خود را برای نظارت بر بخشی از رودخانه زرد واقع در نزدیکی جی نان متمرکز سازند و در طول خط راه آهن چینگ دائو - جی نان تدارک ببینند .
- ۱۰ - اسکان اینکه دشمن بسوی سیو جو ، جن جو ، سی ان یا سوی یوان بگریزد ، منتفی است و یا تقریباً منتفی است .

۱۱ - یگانه ترس ما و یا ترس عمده ما اینستکه دشمن از راه دریا بگریزد . از اینجهت در دو هفته آینده بطور کلی باید به شیوه محاصره بدون درهم کوبیدن و یا قطع رابطه بدون محاصره دست زد .
۱۲ - این نقشه خارج از انتظار دشمن است و تا زمانیکه آرایش قوای شما بطور قطع صورت نگیرد ، برای او خیلی دشوار است که بتواند حلسی بزند . اکنون دشمن احتمالاً حساب میکند که شما به پی حمله خواهید کرد .

۱۳ - با آنکه دشمن چون پرنده‌ای است که تا زه کمان میلرزد ، بهراس سی‌افتد باز بفعالیّت و تحرک ارتش ما کم بها میدهد و به نیروی خود بیش از آنچه که هست ، ارزش میگذارد . دشمن در پی پی و تیانزین هرگز گمان نخواهد کرد که شما میتوانید آرایش قوا را بطرز بالا پیش از ۲۵ دسامبر عملی سازید .

۱۴ - برای آنکه این آرایش قوا پیش از ۲۵ دسامبر عملی گردد ، باید در عرض دو هفته آینده سپاهیان خود را تشویق کنید که خستگی را فراموش کنند ، از کم شدن تفرات نهراسند ، از سرما و گرمگی باك نداشته باشند . و آنکه که این آرایش قوا عملی گردد ، میتوانند بااستراحت و تقویت واحدها پردازند و وقت کافی برای حمله داشته باشند .

۱۵ - حمله تقریباً باین ترتیب صورت خواهد گرفت : اول منطقه تان گو - لوتای ، دوم سین بائو ان ، سوم منطقه تان شان ، چهارم مناطق تیانزین و جان جیا کو و سرحله آخر منطقه پی پی .

۱۶ - نظر شما درباره نقشه‌ای که در بالا مطرح شد چیست ؟ کمبودهای آن کدام است ؟ چه اشکالاتی در اجرای این نقشه موجود است ؟ همه اینها را بررسی نمائید و جواب خود را تلگراف کنید .

یادداشتها

۱ - عملیات اپراتیو بی پین - تیائزین تحت فرماندهی لین بیائو ، لوه ژون هوان ، نیه ژون جن و رفقای دیگر بوسیله ارتش صحرائی شمال شرقی و دو ارتش چین شمالی ارتش آزادیبخش توده‌ای که متفقاً عمل میکردند ، صورت گرفت . این عملیات بلافاصله پس از آنکه عملیات اپراتیو لیائوسی - شن یان در شمال شرقی با پیروزی پایان یافت ، در دهه اول ماه دسامبر ۱۹۴۸ آغاز گردید . طبق دستورات رفیق مائو تسه دون ارتش صحرائی شمال شرقی پس از آنکه مأموریت خویش را در رهائی شمال شرقی پیروزمندانه پایان رسانید ، بسرعت بهجنوب دیوار بزرگ رفت و بارتشهای چین شمالی ارتش آزادیبخش توده‌ای پیوست تا سپاهیان گومیندان را در شمال چین بمحاصره در آورد و آنها را نابود سازد . سپاهیان گومیندان که بیش از ۶۰۰,۰۰۰ تن و تحت فرماندهی فو زوه ای ، فرمانده کل ستاد گومیندان در چین شمالی برای " سرکوب راهزنان " قرار داشتند و از پیروزی ارتش آزادیبخش توده‌ای در شمال شرقی سراسیمه شده بودند ، شتابزده بکوتاه کردن خطوط دفاعی پرداختند ، باین خیال که از طریق دریا بسوی جنوب و یا از سمت مغرب بسوی استان سوی یوان بگریزند . ارتش ما با سرعت صاعقه آسا قوای دشمن را از هم تجزیه کرد و آنها را جدا جدا در ۵ نقطه اتکاء - بی پین ، تیائزین ، جان جیاکو ، سین بائو ان وتان گو - بمحاصره در آورد و باین طریق راه فرار دشمن را بسوی جنوب و مغرب مسدود ساخت . ۲۲ دسامبر ستاد کل و ۲ لشکر از سپاه ۳۵ که نیروهای عمده دشمن بودند ، در سین پائو ان بمحاصره در آمدند و نابود شدند . ۲۴ دسامبر جان جیاکو تصرف شد . ستاد کل یک سپاه و ۷ لشکر از ارتش ۱۱ دشمن یعنی مجموعاً ۵۴,۰۰۰ نفر که پادگان شهر را تشکیل میدادند ، بکلی نابود گشتند . ۱۴ ژانویه ۱۹۴۹ پس از آنکه چن چان جیه فرمانده پادگان تیائزین از تسلیم اسلحه خودداری کرد ، سپاهیان ما که آن شهر را در محاصره داشتند ، به تعرض عمومی پرداختند . شهر پس از بیست و نه ساعت نبرد شدید آزاد شد ، تمام پادگان دشمن که بالغ بر ۱۳۰,۰۰۰ تن میشد ، نابود و چن چان جیه امیر گشت . در نتیجه تمام پادگان دشمن در بی پین که متجاوز از ۲۰۰,۰۰۰ تن وسعت در محاصره سپاهیان ما بود ، به بن بست افتاد . پادگان دشمن در بی پین بفرماندهی ژنرال فو زوه ای در اثر کوششهایی که در جلب او بکار بردیم ، حاضر شد

بوجه مسالمت‌آمیز تجدید سازمان یابد . ۳۱ ژانویه سپاهیان ما وارد بی پین شدند و آزادی مسالمت‌آمیز آن شهر اعلام گردید . باین طریق عملیات اپراتیو بی پین - تیائزین پیروزمندانه پایان یافت . طی این عملیات که فقط پادگان دشمن در تان گو بتعداد کمی بیش از ۵۰,۰۰۰ تن توانست از راه دریا بگریزد ، ارتش آزادیبخش توده‌ای بیش از ۵۲۰,۰۰۰ نفر از سپاهیان گومیندان را نابود ساخت و با تجدید سازمان داد . در سپتامبر ۱۹۴۹ سپاهیان گومیندان در استان سوی یوان با تلگراف اطلاع دادند که قیام کرده و بصفوف ما می‌پیوندند و حاضرند که تجدید سازمان یابند .

۲ - اشاره است به منطقه جنوب غربی نان گو .

۳ - در سپتامبر ۱۹۴۸ بمنظور جلوگیری از اینکه نیروهای دشمن در ای سیان ، جین جو ، جین سی ، سین چن ، سوی جون ، شان های گوان ، لوان سیان و چان لی بکوتاه کردن خطوط و متمرکز شدن دست بزنند ، ارتش صحرائی شمال شرقی که در آنموقع در طول راه آهن بی پین - لیائو نین که همه این شهرها بر روی آن قرار دارند ، عمل میکرد ، شیوه‌ای را اتخاذ کرد که عبارت بود از بکار انداختن قسمتی از سپاهیان خود برای محاصره واحدهای دشمن و قطع رابطه آنها با یکدیگر در شهرهای نامبرده و سپس نابود ساختن یکایک آنها .

پیام به دو یو مین و دیگران در دعوت آنها به تسلیم

(۱۷ دسامبر ۱۹۴۸)

ژنرال دو یو مین ، ژنرال چو چینگ چیون ، ژنرال لی سی و شما فرماندهان سپاه ها ، لشکرها و هنگ های ارتشهای تحت فرماندهی ژنرال چو چینگ چیون و ژنرال لی سی :

شما در وضعیت بسیار اسفناکی افتاده اید . ارتشهای حوان وی در شب ۱۵ بکلی نابود شده اند . ارتشهای لی یین نیان عقب گرد کرده و بسوی جنوب گریخته اند . دیگر هیچ اسیدی نیست که شما بآنها پیوندید . آیا میخواهید محاصره را در هم بشکنید ؟ چطور خواهید توانست و حال آنکه ارتش آزادیبخش توده های از هر سو شما را فرا گرفته است ؟ کوششهایی که این روزهای آخر برای در هم شکستن محاصره بکار بردید چه نتیجه داد ؟ هواپیماها و تانک های شما نیز بیفایده اند . ما بیش از شما

پیامی است که بوسیله رفیق مانو تسه دون بنام فرماندهی ارتش آزادیبخش توده های دشت های مرکزی و چین شرقی تنظیم شد و از رادیو پخش گردید .

هواپیما و تانک داریم . هواپیما و تانک ما توپخانه‌ها و افزارهای انفجاری است که مردم آنها را "هواپیما و تانک ساخت خود" مینامند . آیا اینها ده مرتبه وحشتناک‌تر از هواپیماها و تانک‌های ساخت خارجه شما نیست ؟ کار ارتش‌های سون یوان لیان تمام است و در دو گروه دیگر از ارتشهای شما بیش از نیمی از افراد یا زخمی و یا اسیر شده‌اند . شما کارمندان کثیر و ناهمگونی را که متعلق به ادارات مختلف بوده‌اند و تعداد زیادی از دانشجویان جوان را از سیو جو آورده‌اید تا بزور در ارتش خویش جای دهید ، ولی چطور توقع دارید که اینان قادر به نبرد باشند ؟ مواضع شما که از ده و چند روز پیش در حلقه‌های محاصره ما در آمده و ضربات مکرر دیده بسیار کاهش یافته است . فضائی که شما در اختیار دارید بقدری تنگ است که بزحمت از ده لی در عرض و در عمق تجاوز میکند و بقدری آدم در این فضا جمع شده که تنها یک خمپاره ما میتواند عده کثیری را بقتل آورد . سربازان مجروح و همچنین خانواده‌هایی که بدنبال شما آمده‌اند به زاری افتاده‌اند . سربازان شما و عده‌ای از کادرهای شما نمیخواهند دیگر بجنگند . شما ، معاون فرماندهی کل ، فرماندهان ارتش‌ها ، سپاه‌ها ، لشکرها ، هنگ‌ها ، شما باید در اندیشه زیردستان خود و خانواده آنها باشید ، زندگی آنها را بیابید ، هر چه زودتر راه نجاتی برای آنها بیابید و از فرستادن آنها بمرگ بیهوده باز ایستید .

اینک که ارتشهای حوان وی کاملاً نابود شده و ارتشهای لی یین نیان بسوی بان بو گریخته‌اند ما میتوانیم برای حمله بر شما نیروهائی چندین برابر نیروهای شما متمرکز گردانیم . این بار ما فقط ، ۴ روز نبرد کرده‌ایم و هم اکنون شما ، ۱ لشکر بفرماندهی حوان بوه تائو ، ۱۱ لشکر بفرماندهی حوان وی ، ۴ لشکر بفرماندهی سون یوان لیان ،

۴ لشکر فرماندهی فون جی ان ، ۲ لشکر فرماندهی سون لیان چن ،
 ۱ لشکر فرماندهی لیو ژو مین ، ۱ لشکر درسوسیان و ۱ لشکر درلین
 بی ، مجموعاً ۳۴ لشکر تمام از دست داده‌اید . از میان اینها ۳ لشکر
 و نیم برهبری حه جی فون و جان که سیا و یک لشکر برهبری لیائو یون
 جو سر به شورش برداشته و بما پیوستند . یک لشکر برهبری سون لیان
 چن و دو نیم لشکر که بترتیب تحت رهبری جائو بی گوان و حوان زی
 هوا بودند تسلیم شدند و بما پیوستند (۱) . و ۲۷ لشکر و نیم دیگر بوسیله
 ارتش ما بکلی نابود شدند . شما بچشم خود مرنوشت ارتشهای حوان بوه
 تائو ، ارتشهای حوان وی و ارتشهای سون یوان لیان را دیده‌اید .
 شما باید از ژنرال جن دون گوه در چان چون (۲) و از فرمانده سپاه سون
 لیان چن و از فرماندهان لشکر جائو بی گوان و حوان زی هوا در اینجا
 سرمشق بگیرید و بیدرنگ بسپاهیان خود دستور دهید که اسلحه بزمین
 بگذارند و از مقاومت دست بردارند . زندگی و امنیت همه شما — فرماندهان
 عالیرتبه — و همه افسران و سربازان محفوظ خواهد بود ، ارتش ما آن
 را ضمانت میکند . این یگانه راه نجات شماست . بیندیشید ! اگر آن
 را صحیح میدانید بدان عمل کنید . اگر باز هم در صدد زور آزمائی هستید
 بفمائید . در هر صورت کار شما ساخته‌است (۳) .

فرماندهی ارتش آزادیبخش توده‌ای دشت‌های مرکزی
 فرماندهی ارتش آزادیبخش توده‌ای چین شرقی

یادداشتها

۱ - حه جی فون و جان که سیا ، معاونان فرماندهی سومین منطقه استقرار

آرامش از مناطق گومیندان در ۸ نوامبر ۱۹۴۸ در بخش جیا وان در شمال شرقی سیو جو در طی نخستین مرحله عملیات اپراتیو حوای های بر علیه گومیندان سر بشورش برداشتند و در رأس ستاد کل سپاه ۴ لشکر و یک هنگ یعنی مجموعاً ۲۰,۰۰۰ نفر بارتش آزادیبخش توده‌ای پیوستند. لیاو یون جو فرمانده لشکر ۱۱۰ سپاه ۸۵ گومیندان در ۲۷ نوامبر ۱۹۴۸ در لوه جی در جنوب غربی سو سیان از استان ان هوی در طی دومین مرحله عملیات اپراتیو حوای های بر علیه گومیندان سر بشورش برداشت و در رأس ستاد کل لشکر خویش و ۲ هنگ یعنی مجموعاً ۵,۵۰۰ نفر بارتش آزادیبخش توده‌ای پیوست. سون لیان چن معاون فرماندهی یکمین منطقه استقرار آرامش از مناطق گومیندان و فرمانده سپاه ۱۰۷ در ۱۳ نوامبر ۱۹۴۸ در شمال غربی سوی نین از استان جیان سو در طی نخستین مرحله عملیات اپراتیو حوای های تسلیم شد و در رأس ستاد کل سپاه خویش و یک لشکر یعنی مجموعاً ۵,۸۰۰ نفر به ارتش آزادیبخش توده‌ای پیوست. جاثو بی گوان، فرمانده لشکر ۱۵۰ سپاه ۴۴ گومیندان در ۱۸ نوامبر ۱۹۴۸، در ناحیه نیان جوان در مشرق سیو جو از استان جیان سو، در طی نخستین مرحله عملیات اپراتیو حوای های با بیش از ۲,۰۰۰ نفر که از سپاهیان باقی مانده بودند تسلیم شد و به ارتش آزادیبخش توده‌ای پیوست. حوان زی هوا، فرمانده لشکر ۲۳ سپاه ۸۵ گومیندان، در دسامبر ۱۹۴۸ در شوان دوی جی در شمال شرقی مون چن از استان ان هوی، در طی دومین مرحله عملیات اپراتیو حوای های تسلیم شد و در رأس ستاد کل لشکر و آنچه از ۲ هنگ باقیمانده بود به ارتش آزادیبخش توده‌ای پیوست.

۲ - چان چون از زمستان ۱۹۴۷ بمحاصره ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال شرقی در آمد. پس از آنکه جین جو گرفته شد و آنگاه که همه سپاهیان دشمن در شمال شرقی بتزلزل افتاده بودند جن دون گوه فرمانده سپاهیان گومیندان در چان چون و معاون ستاد کل شمال شرقی برای "امحاء راهزنان" در رأس واحدها و دواثری که مستقیماً تابع ستاد کل ارتش‌های یکم بودند و تحت فرماندهی او قرار داشتند و همچنین کلیه افسران و سربازان سپاه هفتم جدید در ۱۹ اکتبر ۱۹۴۸ اسلحه بزمین گذاشت.

۳ - با وجود توصیه‌هایی که در این پیام شده است دو یو مین معاون ستاد کل گومیندان برای "امحاء راهزنان" در سیو جو، چيو چینگ چيون، فرمانده دومین گروه ارتش‌های گومیندان، و لی می فرمانده سیزدهمین گروه ارتش‌های گومیندان به مقاومت نومیدانه ادامه دادند و این امر منجر شد به نابودی کلیه سپاهیان آنها بوسیله تعرض پرتوان ارتش ما. دو یو مین اسیر شد. چيو چینگ چيون بقتل رسید. فقط لی می توانست بگریزد.

انقلاب را بسرانجام برسانیم

(۳۰ دسامبر ۱۹۴۸)

اکنون حتی دشمنان ما هم در اینکه خلق چین در جنگ کبیر آزادیبخش به پیروزی نهائی خواهد رسید ، شك و تردیدی ندارند . جنگ جریان پر فراز و نشیبی را پیموده است . هنگامیکه دولت مرتجع گومیندان جنگ ضد انقلابی را بر پا کرد ، ارتشی تقریباً سه برابر و نیم ارتش آزادیبخش توده‌ای تحت فرمان داشت ؛ تجهیزات نظامی و نیروی انسانی و ذخایر مادی ارتش آن بر ارتش آزادیبخش توده‌ای به مراتب می‌چربید و صنایع و وسایل حمل و نقل مدرنی در اختیار داشت که ارتش آزادیبخش توده‌ای فاقد همه آنها بود و علاوه بر این ، کمکهای نظامی و اقتصادی هنگفتی از امپریالیسم آمریکا دریافت میکرد و از مدتها پیش خود را برای جنگ آماده کرده بود . بدینجهت در اولین سال جنگ (از ژوئیه سال ۱۹۴۶ تا ژوئن سال ۱۹۴۷) گومیندان در حال تعرض و ارتش آزادیبخش توده‌ای در حال دفاع بود . گومیندان در سال ۱۹۴۶

اثر حاضر پیامی است که رفیق مائو تمه دون بمناسبت فرا رسیدن سال نو ۱۹۴۹ برای خبرگزاری سین هوا نوشته است .

مناطق زیر را بتصرف خود در آورد : در شمال شرقی شهرهای شن یان ، سی پین ، چان چون ، جی لین ، ان دون و شهرهای دیگر و بخش اعظم استانهای لیائو نین ، لیائو به و ان دون (۱) ؛ در جنوب رودخانه زرد شهرهای حوای بین و حه زه و غیره و بخش اعظم مناطق آزاد شده حو به - حه نان - ان هوی ، جیان سو - ان هوی ، حه نان - ان هوی - جیان سو و جنوب غربی شان دون ؛ در شمال دیوار بزرگ شهرهای چن ده ، جی نین ، جان جیاکو و شهرهای دیگر و بخش اعظم استانهای ژه هه ، سوی یوان ، چاهار . گومیندان سرست از باده پیروزی پائیکویان چون قهرمانی فاتح بخود میباید . در چنین وضعی ارتش آزادیبخش توده‌ای با اتخاذ استراتژی صحیحی که هدف عمده‌اش بعوض حفظ و نگهداری مناطق تصرفی نابودی قوای مؤثر گومیندان بود ، همه ماهه بطور متوسط تقریباً هشت تیپ (برابر با هشت لشکر کنونی) از ارتش منظم گومیندان را نابود ساخت . در نتیجه ، گومیندان مجبور گردید که از نقشه حمله عمومی خود صرف نظر کند ، و در نیمه اول سال ۱۹۴۷ ناگزیر گشت هدف اصلی حمله خود را بدو جناح جبهه جنوبی یعنی شان دون و شمال شنسی محدود سازد . در سال دوم (از ژوئیه ۱۹۴۷ تا ژوئن ۱۹۴۸) تغییری ریشه‌ای در جریان جنگ پدید آمد . ارتش آزادیبخش توده‌ای پس از نابود ساختن تعداد کثیری از افراد ارتش منظم گومیندان ، در جبهه‌های جنوبی و شمالی از دفاع به تعرض پرداخت ، در صورتیکه گومیندان مجبور شد از حمله بدفاع روی آورد . ارتش آزادیبخش توده‌ای نه فقط موفق شد اکثر مناطقی را که در شمال شرقی و شان دون و شمال شنسی از دست داده بود ، بازستاند ، بلکه امکان یافت جبهه جنگ را به مناطق گومیندان یعنی بشمال رودخانه یان تسه و رودخانه وی بسط دهد .

بعلاوه ارتش ما در جریان حمله و تصرف شهرهای شی جیا جوان ، یون چن ، سی پین ، لوه یان ، ای چوان ، بائو جی ، وی سیان ، لین فن و کای فون تاکتیک هجوم به استحکامات را فرا گرفت (۲) . ارتش آزادیبخش توده‌ای در این موقع واحدهای توپخانه و مهندسی خود را تشکیل داد . ولی فراموش نشود که ارتش آزادیبخش توده‌ای نه هواپیمائی در اختیار داشت و نه تانکی ، معینا پس از تشکیل واحدهای توپخانه و مهندسی خود که بر واحدهای توپخانه و مهندسی گومیندان برتری داشتند ، سیستم دفاعی گومیندان با تمام هواپیماها و تانکهایش ارزش خود را از دست داد . ارتش آزادیبخش توده‌ای علاوه بر جنگهای متحرك ، اکنون قادر است به جنگهای موضعی نیز پردازد . در نیمه اول سومین سال جنگ (از ژوئیه تا دسامبر سال ۱۹۴۸) تغییر ریشه‌ای دیگری بوقوع پیوست . ارتش آزادیبخش توده‌ای که مدت‌ها از نظر کمی ضعیف بود ، در این زمینه نیز تفوق پیدا نمود و نه فقط موفق به تصرف شهرهای مستحکم گومیندان گردید ، بلکه توانست واحدهای بزرگ صد هزار نفری و حتی چند صد هزار نفری نیروهای نظامی زبده گومیندان را یکجا محاصره و نابود سازد . جریان قلع و قمع نیروهای نظامی گومیندان بوسیله ارتش آزادیبخش توده‌ای بمراتب سریعتر انجام میگرفت . نظری به آمار واحدهای منظم گومیندان — از گردان بیالا — که بوسیله ما از پا در آمده‌اند (منجمه نیروهای نظامی دشمن که قیام کرده و بما ملحق گشته‌اند) نشان میدهد که در سال اول از ۹۷ تیپ ۴۶ و در سال دوم از ۹۴ تیپ ۵ و نیمه اول سال سوم طبق آمار تقریبی از ۱۴۷ لشکر ۱۱۱ لشکر بطور کامل منهدم گردیده‌اند (۳) . در ظرف این شش ماه ۱۵ لشکر دشمن بیش از مجموعه تلفات دو سال اخیرش نابود شده‌اند .

جبهه دشمن از نظر استراتژیک دیگر کاملاً در هم شکسته شده است . نیروهای نظامی دشمن در شمال شرقی بکلی نابود گردیده‌اند و در شمال چین نیز بزودی در هم کوبیده خواهند شد و فقط تعداد کمی از آنها در مشرق و در دشتهای مرکزی چین هنوز باقی مانده‌اند . نابودی نیروهای عمده ارتش گومیندان در شمال رودخانه یان تسه ، عبور ارتش آزادیبخش توده‌ای را از آن رودخانه و پیشروی آنرا بطرف جنوب برای آزادی سراسر چین خیلی آسانتر کرده است . در عین حال خلق چین همانطور که در زمینه نظامی پیروز گردیده ، در جبهه‌های سیاسی و اقتصادی نیز موفقیت‌های شایان توجهی کسب نموده است . باین دلیل افکار عمومی سراسر جهان و حتی مطبوعات امپریالیستی هم دیگر هیچ شک و تردیدی در پیروزی سرتاسری جنگ آزادیبخش خلق چین ندارند .

دشمن خود بخود از بین نمی‌رود . نه مرتجعین چینی و نه نیروهای متجاوز امپریالیسم آمریکا در چین هیچکدام بدوخواه خود از صحنه تاریخ خارج نخواهند شد . آنها درست باین علت که پی برده‌اند از طریق مبارزه صرفاً نظامی قادر بجلوگیری از پیروزی سرتاسری جنگ آزادیبخش خلق چین نیستند ، روز بروز وزنه عمده مبارزه خود را بیشتر بر مبارزه سیاسی مینهند . مرتجعین چینی و متجاوزین آمریکائی از یکسود دولت فعلی گومیندان را برای اجرای توطئه‌های "صلح" خود مورد استفاده قرار میدهند و از سوی دیگر سعی میکنند از بعضی‌ها که هم با آنها و هم با اردوگاه انقلاب مربوطند ، سوءاستفاده نمایند ، این اشخاص را به فعالیت‌های حیل‌گرانه تحریک و تهییج کنند تا بتوانند بداخل صفوف اردوگاه انقلاب رخنه کرده و در آنجا يك باصطلاح فراکسیون مخالف تشکیل دهند ؛ منظور از این عمل حفظ نیروهای ارتجاع و نابودی نیروهای انقلاب

است . طبق اخبار موثق دولت آمریکا تصمیم به انجام چنین توطئه‌ای گرفته و هم اکنون در چین مشغول اجرای آنست . دولت آمریکا سیاست پشتیبانی محض از جنگ ضد انقلابی گومیندان را با دو شکل جدید مبارزاتی عوض کرده است که عبارتند از :

۱ - تشکیل بقایای نیروهای نظامی گومیندان و باصطلاح نیروهای محلی برای ادامه مقاومت در برابر ارتش آزادیبخش توده‌ای در جنوب رودخانه یان تسه و در استانهای مرزی دور افتاده ؛

۲ - تشکیل يك فراکسیون مخالف در داخل اردوگاه انقلاب بخاطر متوقف ساختن انقلاب در چارچوب کنونی با تمام وسایل ممکن و یا در صورت پیشرفت انقلاب تعدیل آن و جلوگیری از تجاوز بیش از حد بمنافع امپریالیستها و مگهای زنجیری آنان . امپریالیستهای انگلیس و فرانسه هم از این سیاست آمریکا پشتیبانی میکنند . عده زیادی هنوز بروشنی این وضع را درك نمیکنند ، اما طولی نخواهد کشید که آنها هم متوجه شوند .

مسئله‌ایکه اکنون در برابر خلق چین ، کلیه احزاب دموکراتیک و تمام سازمانهای توده‌ای قرار گرفته ، اینستکه آیا باید انقلاب را برانجام رسانید ، یا اینکه باید در نیمه راه از آن دست کشید ؟ اگر بایستی انقلاب باخر رسانده شود ، آنوقت باید با استفاده از طرق گوناگون انقلابی کلیه نیروهای ارتجاع را با قطعیت ، از بیخ و بن و بطور تمام و کمال نابود سازیم و با پیگیری و استواری تمام در جهت اضمحلال امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک کوشش کنیم ، سلطه ارتجاعی گومیندان را در سراسر کشور بر افکنیم و جمهوری

دیكتاتورى دموكراتيك خلق را تحت رهبرى پرولتاریا و بر اساس اتحاد كارگران و دهقانان بنا نهیم . فقط از این طریق است كه ملت چین میتواند بازادى كامل دست یابد ، كشور از يك نیمه مستعمره به كشورى كاملاً مستقل بدل گردد ، خلق چین آزادى واقعی بیابد و ظلم فئودالى و مسم سرماییه بوروكراتيك (سرماییه انحصارى چینی) را برای همیشه ریشه كن كند و بدین ترتیب به صلحی براساس وحدت و دموكراسی دست یابد و شرایط لازم را بوجود آورد تا چین از يك كشور فلاحتی به كشورى صنعتی تبدیل شود و بدینسان امكان گذار جامعه مبتنی بر بهره كشی انسان از انسان به جامعه سوسیالیستی فراهم گردد . ولی قطع انقلاب در نیمه راه بمعنای سرپیچی از اراده مردم و تسلیم شدن در برابر خواست تجاوزكاران خارجی و مرتجعین چینی و فرصت دادن به گومیندان برای التیام زخمهایش خواهد بود تا بتواند روزی با هجوم ناگهانی خود انقلاب را خفه كند و سرتاسر كشور را مجدداً بمحاق تاریكى و خفقان افكند . پس اکنون مسئله كاملاً روشن و جدی بدینصورت مطرح میگردد : کداميك از ایندو راه باید برگزید ؟ هر حزب دموكراتيك و هر سازمان توده‌ای چین باید در این مسئله تعمق كند و با انتخاب یکی از این دو راه موضع خود را روشن نماید . همکاری صادقانه احزاب دموكراتيك و سازمانهای توده‌ای چین بدون اینکه در نیمه راه از هم جدا شوند ، بستگی دارد بنظر موافق آنان در این مسئله و آمادگی آنها برای وحدت عمل جهت درهم كوبیدن دشمن مشترك خلق چین . در اینجا نیاز به وحدت و همکاری است ، نه ایجاد يك " فراكسیون مخالف " و یا برگزیدن يك " راه میانه " (۴) .

آیا در طول مدتی بیش از بیست سال یعنی از کودتای ضد انقلابی

۱۲ آوریل سال ۱۹۲۷ تاکنون هنوز باندازه کافی ثابت نشده است که مرتجعین چینی بسرکردگی چانگایشک جلادانی هستند که دستشان تماماً بخون انسانها آغشته و در آدمکشی از هیچ عملی ابا ندارند ؟ آیا باندازه کافی اثبات نشده است که آنها مگهای زنجیری امپریالیسم و میهن فروشان حرفه ای هستند ؟ خودتان قضاوت کنید ، خلق چین چه پس از حادثه سی ان در دسامبر سال ۱۹۳۶ و چه پس از مذاکرات چون چینگ در اکتبر سال ۱۹۴۵ و چه پس از کنفرانس مشورتی سیاسی در ژانویه سال ۱۹۴۶ ، بامید استقرار صلح داخلی ، چقدر بزرگواری در حق این راهزنان بخرج داده است . ولی آیا این همه خوش نیتی و صداقت حتی باندازه سرموئی در خصلت طبقاتی آنها تغییری داده است ؟ اصولاً تاریخ زندگی هیچیک از این راهزنان از امپریالیسم آمریکا جدا شدنی نیست . آنها با اتکاء بامپریالیسم آمریکا ۴۷۵ میلیون از هموطنان ما را به جنگ داخلی پرداخته و سخت یسابقه ای کشانده اند و میلیونها مرد و زن ، پیر و جوان را با بمب افکن ها و هواپیماهای جنگنده ، توپ و تانک ، بازوگا و تفنگهای خودکار ، بمبهای آتشزا و گازهای سمی و سایر سلاحهای کشنده ساخت آمریکا بقتل رسانده اند . امپریالیسم آمریکا با اتکاء باین جانیان ، برای خود حقوق ویژه ای نسبت بخواک چین ، آبهای ساحلی و فضای کشور ما غصب کرده و کشتیرانی داخلی را با زور تحت کنترل خود در آورده ، استیازات فوق العاده ای در مورد امور تجارتی و در سیاست داخلی و خارجی چین تحصیل نموده و حتی حق یافته است در صورت ضرب و شتم مردم تا حد مرگ و قتل در نتیجه تصادف با اتومبیل و تجاوز بناموس زنان مصونیت قضائی داشته باشد . آیا در چنین وضعی میتوان از خلق چین که مجبور بجنگی طولانی

و خونین گردیده ، انتظار داشت که باز هم نسبت باین دشمنان شریر و منفور از خود محبت و دوستی نشان دهد و همه آنها را منهدم و نابود نسازد و یا از کشور بیرون نراند ؟ خلق چین فقط در صورتی میتواند باستقلال ، دموکراسی و صلح دست یابد که مرتجعین چینی را کاملاً نابود کرده و نیروی متجاوز امپریالیسم آمریکا را از کشور بیرون رانده باشد . آیا حقیقت هنوز بقدر کافی روشن و واضح نیست ؟

جالب توجه اینجاستکه اکنون همه دشمنان خلق چین ناگهان بتکاپو افتاده‌اند تا خود را بی آزار و حتی قابل ترحم جلوه دهند (خوانندگان باید توجه کنند که آنها در آینده هم چنین وانمود خواهند کرد) . سون کا که بتازگی بریاست شورای اجرایی حکومت گومیندان منصوب شده ، مگر در ژوئن سال گذشته اظهار نداشت : " بشرط آنکه در عرصه نظامی تا آخر مبارزه کنیم دیر یا زود مسئله حل خواهد شد " ؟ ولی همین شخص اکنون بمحض اینکه روی کار آمد ، دم از يك " صلح شرافتمندانه " زد و اعلام کرد : " دولت تمام هم و کوشش خود را در راه صلح بکار بسته است و فقط باین علت که صلح هنوز نتوانسته برقرار شود ، اجباراً می‌جنگد ، ولی هدف نهائی از جنگ استقرار مجدد صلح است " . بلافاصله خبرگزاری « یونایتد پرس » در تاریخ بیست و یکم دسامبر از شانگهای پیش‌بینی کرد که اعلامیه سون کا " در محافل رسمی ایالات متحده آمریکا و در بین لیبرالهای گومیندان شدیداً مورد استقبال قرار خواهد گرفت " . در حال حاضر مقامات رسمی آمریکا نه فقط راغب " صلح " در چین میباشند ، بلکه بارها ادعا کرده‌اند که ایالات متحده آمریکا پس از کنفرانس وزیران امور خارجه اتحاد شوروی ، آمریکا و بریتانیا در دسامبر سال ۱۹۴۵ در مسکو " از میاست عدم

مداخله در امور داخلی چین ، پیروی میکند . حال تکلیف ما با این آقایان ” سرزمین جنتلمن ها “ چیست ؟ در اینجا این افسانه باستانی یونان کاملاً مصداق می یابد : ” روستازاده ای در یکی از روزهای زمستان ، ماری را که از فرط سرما یخ زده بود ، پیدا کرد و از روی ترحم و دلسوزی روی سینه خود جای داد . مار در اثر گرما ، دوباره جان گرفت و بنابر طبیعت ذاتی اش نیش کشنده ای در سینه ناجی خود فرو کرد . دهقان در حال احتضار زیر لب چنین گفت : ترحم کردن بیک موجود شریر ، پاداشی به از این ندارد ! “ (۵) مارهای سمی خارجی و چینی نیز برای خلق چین مرگی چون مرگ آن دهقان را آرزو میکنند و امیدوارند که حزب کمونیست چین و تمام انقلابیون دسوکرات مانند آن دهقان در مقابل آنان بر سر رحم و شفقت آیند ؛ ولی خلق چین ، حزب کمونیست چین و تمام انقلابیون دسوکرات واقعی آخرین سخنان آن زحمتکش را شنیده و برای همیشه در خاطر نگاه خواهند داشت . علاوه بر این ، مارهاییکه در قسمت اعظم خاک چین چمباتمه زده اند — چه بزرگ و چه کوچک ، چه سیاه و چه سفید و چه دندان زهرآلود خود را نشان دهند و چه بصورت دخترکان زیبارو در آیند — با وجود آنکه سرمای زمستان را حس کرده اند ، هنوز از شدت سرما خشک نشده اند .

خلق چین نسبت باین بی سیرتان مار صفت هرگز ترحمی بدل راه نخواهد داد و عمیقاً معتقد است که کسانیکه مزورانه ادعا میکنند باید نسبت باین اراذل دلسوزی و شفقت نشان داد و گرنه خلاف منن چین و بزرگواری عمل شده است ، نمیتوانند دوست صدیق خلق چین باشند . بکدام مجوزی باید باین مارصفتان رذل ترحم و ارفاق کرد ؟ کدام کارگر و کدام دهقان و سربازی است که برای این اراذل درخواست

رحم و شفقت بکند ؟ بی شک بعضی " لیبرالهای گویندگان " و یا " لیبرالهای " خارج از گویندگان هستند که بخلق چین پند و اندرز میدهند که پیشنهاد " صلح " آمریکا و گویندگان را بپذیرد ، عبارت دیگر باید از بقایای امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک همچون اشیاء مقدس نگاهداری شود و مراقب بود تا مبادا این گنجینه نایاب از صحنه گیتی ناپدید گردد . ولی اینان قطعاً نه کارگران و دهقانان و سربازان اند و نه دوستان کارگران و دهقانان و سربازان .

ما معتقدیم که اردوگاه انقلابی خلق چین باید همچنان توسعه یابد و تمام آنکسانی را که در حال حاضر مایل بشرکت در امر انقلابند ، دربرگیرد . انقلاب خلق چین نیازمند یک ارتش اصلی است ولی به متحدینی نیز احتیاج دارد ، زیرا یک ارتش بدون متحد قادر به درهم شکستن دشمن نخواهد بود . خلق چین که اکنون در قله انقلاب ایستاده ، نیازمند دوست است و باید همیشه یاد دوستان خود را در خاطر زنده نگاهدارد و هرگز خاطره آنانرا فراموش نکند . شکی نیست که در چین دوستان زیادی هستند که بامر انقلاب خلق وفادارند و با کوشش تمام از منافع خلق دفاع میکنند و از دفاع از منافع دشمن سرباز میزنند . فراموش کردن حتی یکی از این دوستان و یا بی اعتنائی نسبت به یکی از آنان هرگز روا نیست . ما همچنین برآنیم که اردوگاه انقلابی خلق چین باید همچنان مستحکم گردد و بهیچوجه نباید به عناصر خرابکار راه داده شود که بتوانند بداخل این اردوگاه نفوذ کنند و یا نظرات نادرست موضع مسلط یابند . خلق چین در این مرحله از اوج انقلاب نه فقط باید خاطره دوستان خود را در سینه محفوظ دارد ، بلکه باید دشمنان خود و دوستان آنانرا نیز هیچگاه از یاد دور ندارد .

همانطور که در بالا گفتیم ، از آنجا که دشمن مکارانه متد " صلح " و رخنه کردن به صفوف انقلابیون را بکار میبرد و سعی در حفظ و تحکیم موقعیت خویش دارد و از آنجا که منافع اساسی خلق ایجاب میکند که کلیه مرتجعین را کاملاً نابود کنیم و نیروهای تجاوزکار امپریالیسم آمریکا را از چین بیرون رانیم ، لذا آنانکه بخلق پند و اندرز میدهند بدشمن رحم و شفقت کند و از نیروی ارتجاع حفاظت نماید ، دوستان خلق نیستند ، بلکه دوستان دشمن میباشند .

امواج توفنده انقلاب چین کلیه قشرهای اجتماعی را مجبور بموضع گیری میکند . تناسب نیروهای طبقاتی در چین مجدداً تغییر می یابد . هر روز توده های بیشتری از مردم قید و بند تأثیر و کنترل گومیندان را میگسلند و باردوگه انقلاب میپیوندند ؛ ولی در مقابل ، مرتجعین چینی که در بن بست سختی دست و پا میزنند ، هم اکنون دیگر تنها و منفرد گشته اند . هر چه جنگ آزادیبخش توده های به پیروزی نهائی نزدیکتر میشود ، همه خلق انقلابی و دوستان خلق پیوند اتحاد خود را محکمتر میسازند و تحت رهبری حزب کمونیست چین نابودی نهائی نیروهای ارتجاعی و گسترش قاطع نیروهای انقلاب را طلب میکنند تا در مراسم کشور يك جمهورى دموکراتيك خلق بنا شود و صلح بر اساس اتحاد و دموکراسی بدست آید . بالعکس امپریالیستهای آمریکا و مرتجعین چینی و دوستان آنان با وجود اینکه قادر باتحاد استوار با یکدیگر نیستند ، با وجود اینکه درگیر مبارزه ای بی پایان علیه یکدیگرند و متقابلاً یکدیگر را بباد ناسزا و دشنام میگیرند ، بهم تهمت و افترا میزنند و یکدیگر خیانت میکنند ، معذک همه آنها در يك نکته متفق القولند : آنها با توسل بهر وسیله ای در راه نابودی نیروهای انقلاب و حفظ نیروهای ارتجاع

خواهند کوشید و بدین خاطر از هر وسیله آشکار و پنهان ، مستقیم و غیرمستقیم استفاده خواهند کرد . ولی ما با اطمینان تمام میتوانیم بگوئیم که دسیسه‌های سیاسی آنها با همان شکستی که حملات نظامی‌شان دچار شد ، روبرو خواهد گشت . خلق چین و ستاد کل فرماندهی آن ، حزب کمونیست چین که تجربیات کافی در اختیار دارند ، مسلماً دسایس دشمن را خنثی خواهند کرد — کماینکه حملات نظامی دشمن را درهم کوبیدند — و جنگ کبیر آزادیبخش توده‌ای را بسرانجام خواهند رساند . در سال ۱۹۴۹ ارتش آزادیبخش توده‌ای چین به جنوب رودخانه یان تسه پیشروی خواهد کرد و از سال ۱۹۴۸ پیروزیهای باز هم عظیمتری بلمست خواهد آورد .

در سال ۱۹۴۹ موفقیت‌های ما در جبهه اقتصادی باز هم بیشتر از سال ۱۹۴۸ خواهند شد . میزان تولیدات کشاورزی و صنعتی ما از میزان کنونی بالاتر خواهد رفت . کلیه خطوط راه آهن و جاده‌های شوسه ترمیم خواهند شد . واحدهای عمده ارتش آزادیبخش توده‌ای در عملیات جنگی خود بقایای روحیه پارتیزانی را بر طرف خواهند ساخت و به شکل عالتر ارتش منظم خواهند رسید .

در سال ۱۹۴۹ کنفرانس مشورتی سیاسی بدون شرکت مرتجعین و بغاطر انجام وظایف انقلاب توده‌ای تشکیل خواهد شد و جمهوری توده‌ای چین اعلام و دولت مرکزی جمهوری تأسیس خواهد گردید . این دولت يك دولت ائتلافی دموکراتیک تحت رهبری حزب کمونیست چین خواهد بود و افراد صالح که نمایندگان احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای میباشند ، در آن شرکت خواهند داشت . اینها وظایف مهم و مشخصی هستند که خلق چین و حزب کمونیست

چین و تمام احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای چین در سال ۱۹۴۹ برای انجام آنها باید از هیچ سعی و کوششی فروگذار نکنند. ما از هیچ مشکلی نمیهراسیم و همه دوشادوش یکدیگر چون پیکری واحد در انجام این وظایف خواهیم کوشید.

ما در مبارزه خود ظلم چند هزار ساله فئودالی و ستم صد ساله امپریالیسم را برای همیشه از میان بر خواهیم داشت. سال ۱۹۴۹ سال پراهمیتی خواهد بود و ما بایستی سعی و کوشش خود را چندین برابر کنیم.

یادداشتها

۱ - پس از تسلیم ژاپن در سال ۱۹۴۵، دولت گومیندان سه استان شمال شرقی (یعنی لیائو نین، جی لین، حی لون جیان) را به نه استان تقسیم کرد که عبارت بودند از لیائو نین، لیائو به، آن دون، جی لین، سه جیان، سون جیان، حی لون جیان، فن جیان، سین آن؛ ولی در سال ۱۹۴۹ کمیسیون اداری شمال شرقی ما این مناطق را به ۵ استان تقسیم کرد که عبارت بودند از لیائو دون، لیائو سی، جی لین، حی لون جیان، سون جیان و از آن پس این ۵ استان بانضمام استان ژه هه بنام ۶ استان شمال شرقی معروف شدند. سال ۱۹۵۴ شورای دولت مرکزی توده‌ای از دو استان لیائو دون و لیائو سی، استان لیائو نین و از دو استان سون جیان و حی لون جیان استان حی لون جیان را تشکیل داد؛ استان جی لین همچنان باقی ماند. سال ۱۹۵۵ استان ژه هه منحل شد و به استانهای سه به و لیائو نین تقسیم شد.

۲ - این مواضع کلیدی بقرار ذیل تحت اشغال در آمدند: شی جیا جوان در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۴۷، یون چن در تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۴۷، سی پین در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۴۸، لوه یان ابتدا در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۴۸ و سپس مجدداً در تاریخ ۵ آوریل ۱۹۴۸، ای چوان در تاریخ ۳ مارس ۱۹۴۸، بائو جی در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۴۸، وی سیان در تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۴۸،

لین فن در تاریخ ۱۷ مه ۱۹۴۸ ، کای فون در تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۴۸ . کلیه این شهرها بوسیله قلاع متعدد و بعضی از آنها بوسیله دیوارهای مستحکم محافظت میشدند . بعلاوه این شهرها دارای استحکامات دفاعی و شبکه‌های سنگربندی و سیمهای خاردار و موانع چوبی نیز بودند . ارتش ما در آنزمان نه هواپیمائی داشت و نه تانکی ، توپخانه هم اصلاً نداشت یا خیلی کم داشت . از اینرو ارتش ما در حمله و تصرف این شهرها برای اشغال این استحکامات يك سلسله تاکتیکهائی فراگرفت که مهمترین آنها عبارت بودند از :

(۱) عملیات تخریبی متوالی - استفاده از مواد منفجره برای تخریب متوالی استحکامات دفاعی دشمن ؛

(۲) نقب زنی - تونلهای مخفی تا زیر قلاع و یا دیوارهای شهر دشمن که سپس از آنرا بوسیله مواد منفجره منهدم میشدند و در تعقیب آن عملیات شدید شبیخونی انجام میگرفت ؛

(۳) سنگرهای طولیل - حفر سنگرهای مخفی تا نزدیکی مواضع مستحکم دشمن و سپس شبیخون زدن ؛

(۴) پرتاب مواد منفجره - پرتاب مواد منفجره بوسیله راکت یا خمپاره‌انداز برای انهدام استحکامات دفاعی دشمن ؛

(۵) تاکتیک "چاقوی نوک تیز" - تمرکز قوای نظامی و نیروی آتش در يك نقطه برای نفوذ در خطوط دشمن و متفرق ساختن نیروهای دشمن .

۳ - مقصود از تیپ در اینجا تیپهائی است که پس از تجدید سازمان ارتش گومیندان تشکیل شدند ، حال آنکه منظور از لشکر در اینجا لشگرهای قبل از تجدید سازمان ارتش گومیندان میباشد که در واقع برابر با تیپهای همین زمان است .

۴ - " راه میانه " همان باصطلاح راه سوم بود . مراجعه شود به « اوضاع کنونی و وظایف ما » ، یادداشت ۸ ، جلد حاضر .

۵ - « نیکی را با بدی جواب دادن » از افسانه ایسوپ .

درباره تقاضای صلح از طرف جنایتکار جنگ

(۵ ژانویه ۱۹۴۹)

چانکایشک ، این جنایتکار شماره یک جنگ در چین و این سرکرده دارودسته راهزنان گومیندان ، بمنظور حفظ نیروهای ارتجاع چین و نیروهای تجاوزکار آمریکا در چین ، در روز اول سال اظهاریه‌ای داد و در آنجا خواهان صلح شد . چانکایشک ، این جنایتکار جنگ در آنجا چنین میگوید :

بشرط آنکه مذاکرات صلح باستقلال و تمامیت کشور زیان

متن حاضر نخستین تفسیر از سلسله تفسیرهایی است که بوسیله رفیق مائو تسه دون بمنظور افشاء گومیندان که از مذاکرات صلح برای حفظ نیروهای ضد انقلابی خویش استفاده میکرد برای خبرگزاری سین هوا نوشته شده است . متن‌های زیرین نیز در جزو سلسله تفسیرهای مذکور میباشد : « چرا مرتجعان که در پراکندگی کامل افتاده‌اند هنوز بیهوده برای "صلح همگانی" جنجال میکنند ؟ » ، « مرتجعان گومیندان از "دعوت به صلح" به دعوت به جنگ روی آورده‌اند » ، « تفسیری درباره پاسخ‌های گوناگون گومیندان به مسئله مسئولیت جنگ » ، « دولت نانکن بکجا میرود ؟ » .

نرساند و بتواند به نیرو گرفتن خلق كمك كند ، بشرط آنكه قانون اساسى مقدس با اقدامات من تقض نشود و به رژيم مشروطه دموكراتيك لطمه‌اى وارد نيايد ، بشرط آنكه شكل دولتى جمهورى چين ضمانت شود و سيستم قضائى جمهورى چين دست نخورد ، بشرط آنكه نيروهاى مسلح بطور مطمئن محفوظ بمانند و خلق بتواند شيوه آزاد زندگى خود را نگهدارد و حد اقل سطح زندگى كنونى خویش را حفظ كند ، من شخصاً تقاضاى ديگر ندارم .

... بشرط آنكه صلح بتواند بصورت واقعيت در آيد براى من يكسان است كه در شغل خود بمانم و يا بكنارى روم . من تسليم اراده خلق خواهم بود .

در اين فكر نباشيد كه تقاضاى صلح از طرف جنايتكار جنگ امرى تمسخرانگيز است . در اين فكر نباشيد كه چنين اظهاريه‌اى حاكى از تقاضاى صلح واقعاً انزجارآور است . بايد اين نكته را دريافت كه اين واقعيت كه جنايتكار شماره يك جنگ و سركرده دارودسته راهزنان گوميندان شخصاً به تقاضاى صلح ميپردازد و چنين اظهاريه‌اى صادر ميكند براى خلق چين فايده آشكارى دارد باین معنى كه بوى امكان شناختن توطئه‌اى را ميدهد كه دارودسته راهزنان گوميندان و امپرياليسم آمريكا طرح كرده‌اند . خلق چين ميتواند از اينجا نتيجه بگيرد كه آن "صلحى" كه در پيرامونش اينهمه جنجال ميكند همان چيزى است كه مورد احتياج مبرم دارودسته آدمكشان چانكايشك و خداوندگاران آمريكائى آنهاست .

چانكايشك تمام نقشه دارودسته خود را فاش ساخته‌است . اينك نكات اساسى اين نقشه :

“... که (مذاکرات صلح) باستقلال و تمامیت کشور زیان نرساند” — این مطلب در درجه اول اهمیت است. “صلح” باشد. ولی “صلحی” که به “استقلال و تمامیت” کشور در دست چهار خانواده بزرگ و طبقات کمپرادورها و مالکان ارضی زیان برساند هزار بار نباشد. “صلحی” که به موافقت‌نامه‌هایی نظیر موافقت‌نامه دوستی تجارت و دریانوردی چین و آمریکا، قرارداد حمل و نقل هوایی چین و آمریکا (۱) و قرارداد دوجانبه چین و آمریکا (۲) و یا به مزایایی که آمریکا در چین بدست آورده است — مانند حق نگهداری نیروی زمینی، دریایی و هوایی در چین، حق استقرار پایگاه‌های نظامی، حق بهره‌برداری از معادن و حق برخورداری از انحصار تجاری — زیان برساند و با سر تبدیل چین به مستعمره آمریکا لطمه وارد سازد غیرممکن است. بطور خلاصه هر “صلحی” که یکی از وسائل حفظ “استقلال و تمامیت” دولت ارتجاعی چانکایسک را بخطر اندازد غیرممکن است.

“... که (مذاکرات صلح) بتواند به نیرو گرفتن خلق کمک کند” — “صلح” باید به مرتجعان چین که مغلوب گشته ولی هنوز نابود نشده‌اند کمک کند که نیرو بگیرند تا پس از نیرو گرفتن بتلافی برخیزند و انقلاب را درهم بشکنند. برای اینست که “صلح” می‌خواهند. دو سال و نیم است که جنگ ادامه یافته و آمریکائیاها بخشم آمده‌اند زیرا که “سگ شکاری آنها دیگر از دویدن باز مانده‌است”. يك راحت باش اگرچه خیلی کوتاه باشد بیموقع نیست.

“... که قانون اساسی مقدس با اقدامات من نقض نشود و برژیم مشروطه دموکراتیک لطمه‌ای وارد نیاید، که شکل دولتی جمهوری چین ضمانت شود و سیستم قضائی جمهوری چین دست نخورد” —

یعنی موقعیت مسلط طبقات و حکومت مرتجع چین ضمانت شود و "سیستم قضائی" این طبقات و این حکومت "دست نخورد". این "سیستم قضائی" هرگز نباید "دست بخورد" زیرا که خیلی خطرناك خواهد بود. این بمعنای حذف كاسل طبقات كمپرادورها و مالكان ارضی، بمعنای فنای دارودسته راهزنان گومیندان، بمعنای دستگیری و مكافات کلیه جنایتكاران جنگ، اعم از بزرگ و متوسط و كوچك، خواهد بود.

"... که نیروهای مسلح بطور مطمئن محفوظ بمانند" — نیروهای مسلح جان طبقات كمپرادورها و مالكان ارضی اند. اگر چه چند میلیون نفر از این سپاهیان بدست ارتش آزادیبخش توده‌ای، این ارتش منفور، نابود شده‌اند هنوز نیروئی باندازه يك میلیون و چند صد هزار نفر باقی است که باید "محفوظ" بماند و "بطور مطمئن" محفوظ بماند. اگر این نیرو "محفوظ" بماند ولی "بطور مطمئن" محفوظ نماند طبقات كمپرادورها و مالكان ارضی سرمایه خود را از دست خواهند داد، "سیستم قضائی" در هر حال "دست" خواهد خورد، دارودسته راهزنان گومیندان در هر حال از میان برداشته خواهد شد و جنایتكاران جنگ، اعم از بزرگ و متوسط و كوچك، در هر حال دستگیر خواهند گردید و بمكافات خواهند رسید. همچنانکه حیات جیا بائو یو از "باغ خوش مناظر" به قطعه زبر جدی وابسته بود که وی بر گردن داشت (۳) حیات گومیندان وابسته بارتش آن است. پس چگونه میتوان جرات کرد و گفت که ارتش وی نباید "محفوظ" بماند و یا اینکه باید "محفوظ" بماند ولی نه "بطور مطمئن"؟

"... که خلق بتواند شیوه آزاد زندگی خود را نگهدارد و حداقل سطح زندگی کنونی خویش را حفظ کند" — این به آن معناست که

طبقات کمپرادورها و مالکان ارضی چین باید آزادی ستمکاری بر قاطبه خلق و استثمار وی را حفظ کنند و سطح زندگی کنونی مجلل و آمیخته به عیش و تن آسائی خویش را نگهدارند، در حالی که خلق زحمتکش چین باید آزادی خویش را در ستم دیدن و استثمار شدن حفظ کند و سطح زندگی کنونی خود را که مستلزم رنج کشیدن از سرما و گرسنگی است نگهدارد. اینست هدف نهائی جنایتکاران جنگ از تقاضای صلح. اگر جنایتکاران جنگ و طبقاتی که این جنایتکاران از آن برخاسته‌اند نتوانند آزادی خویش را در ستمکاری بر خلق و استثمار وی حفظ کنند و نتوانند سطح زندگی مجلل و آمیخته به عیش و تن آسائی خود را نگهدارند صلح بچه کار می‌آید؟ برای حفظ اینها طبیعی است که کارگران، دهقانان، روشنفکران، کارمندان و معلمان باید "شیوه آزاد زندگی خود و حداقل سطح زندگی" کنونی خود را که مستلزم رنج کشیدن از سرما و گرسنگی است نگهدارند. همینکه این شرط از طرف پرزیدنت محبوب ما چان مطرح شد ده‌ها میلیون کارگر، پیشه‌ور و دارنده مشاغل آزاد، صدها میلیون دهقان، میلیون‌ها روشنفکر، کارمند و معلم وظیفه دیگری ندارند جز اینکه باتفاق کف بزنند و با فریاد "زنده باد پرزیدنت!" بر خاک بیفتند. هرگاه حزب کمونیست در رد صلح اصرار ورزد و از اسکان حفظ این شیوه زندگی و این سطح درخشان زندگی جلوگیری هزار بار سزاوار مرگ است و "حزب کمونیست مسئول کلیه عواقبی محسوب خواهد شد که از آن ناشی گردد".

ولی ما هنوز همه در و گوهر این اظهاریه اول ژانویه را که حاکی از تقاضای صلح از طرف جنایتکار جنگ است عرضه نداشته‌ایم. اینك يك در و گوهر دیگر: "نبرد قطعی در ناحیه نانکن - شانگهای" که

چانکایشك در پیام اول سال خود از آن صحبت میدارد . نیروی لازم برای این "نبرد قطعی" کجاست ؟ چانکایشك میگوید : " بدانید که در هر عرصه‌ای ، خواه نظامی ، خواه سیاسی ، و خواه اقتصادی ، نیروئی که امروز دولت در اختیار دارد چندین بار و حتی چندین ده بار از نیروی حزب کمونیست بیشتر است . " وای وای ! چطور ممکن است در برابر چنین نیروئی از ترس قالب تهی نکرد ! عرصه سیاسی و اقتصادی را کنار بگذاریم و فقط "نیروی نظامی" را در نظر بگیریم : اکنون ارتش آزادیبخش توده‌ای بیش از ۳ میلیون نفر دارد و نیروئی که دو برابر او باشد میشود بیش از ۶ میلیون ، و اگر ده برابر او باشد میشود بیش از ۳۰ میلیون . پس نیروئی که "چندین ده بار" بیشتر از او باشد چه میشود ؟ فرض کنیم بیست برابر بیشتر باشد در آن صورت میشود بیش از ۶۰ میلیون نفر . بنابر این جای تعجب نیست هرگاه پرزیدنت چانکایشك میگوید که وی "از پیروزی در نبرد قطعی مطمئن است" ! پس چرا تقاضای صلح میکند ؟ هرگز باین علت نیست که دیگر نمیتواند بجنگد . کدام حزب کمونیست و یا کدام حزب دیگر در جهان که در زیر وزنه شصت میلیون نفر قرار گیرد میتواند شانس زنده ماندن داشته باشد ؟ مسلم است که همه خورد و خاکشی خواهند شد . بنابر این هرگاه پرزیدنت چانکایشك تقاضای صلح میکند واضح است که بهیچوجه علت دیگری ندارد جز اینکه "از جان مردم دفاع میکند" .

پس آیا همه چیز رو براه است و هیچ جا نقصی وجود ندارد ؟ بنظر میرسد که يك چیز رو براه نیست . کدام چیز ؟ پرزیدنت چانکایشك میگوید :

آنچه اينك مايه تأسف میباشد وجود بعضی از اشخاص در

دولت ماست که تحت تأثیر تبلیغات زبان‌بخش حزب کمونیست قرار گرفته‌اند و تزلزلی در روحیه آنها روی داده که تقریباً اعتماد بنفس را از آنها سلب میکند. اینان که از تهدیدات حزب کمونیست هراسیده‌اند فقط نیروی دشمن را میبینند و توجه ندارند که ما نیروئی عظیم و چندین ده برابر بیشتر از دشمن در اختیار داریم.

عجب! هر سالی همراه با خبرهائی است. ولی امسال واقعاً شگفت‌انگیز است: گومیندانیها که بیش از ۶ میلیون افسر و سرباز در اختیار دارند چشمشان فقط به ارتش آزادیبخش توده‌ای است که ۳ میلیون نفر دارد و ارتش خودشان را نمیبینند که ۶ میلیون نفر است. آیا این خبر شگفت‌انگیز نیست؟

این سؤال پیش می‌آید که: آیا چنین خبری هنوز خریدار دارد؟ آیا هنوز شایسته آن است که مورد کمترین توجه قرار گیرد؟ طبق خبری که از داخل شهر بی‌پن بدست آمده‌است "صبح روز اول سال قیمت‌ها اندکی تنزل کرد ولی بعد از ظهر دوباره بجای خود برگشت". و يك خبرگزاری خارجی میگوید: "واکنش شانگهای در برابر پیام اول سال چانکایشك سرد بود". اینجاست جواب این سؤال که آیا سخنان چانکایشك، این جنایتکار جنگ، هنوز خریدار دارد یا نه. همانطور که ما از مدتها پیش گفته‌ایم چانکایشك بیجان شده‌است. او لاشه متحرکی بیش نیست و کسی باو باور ندارد.

یادداشتها

بین دولت چانکایشک و امپریالیسم آمریکا بامضاء رسید . بموجب این قرارداد ، چانکایشک حاکمیت چین را در عرصه فضائی وی یکجا فروخت . بموجب این قرارداد ، هواپیماهای آمریکا میتوانند بر روی سراسر خاک چین پرواز کنند ، بار بزنند ، بار خالی کنند ، بار عبور دهند ، و آمریکا بر روی کلیه حمل و نقل هوائی چین تسلط مییافت . همچنین هواپیماهای آمریکا در خاک چین "حق فرود آمدن غیر بازرگانی" داشتند که بمعنای حق فرود آمدن نظامی است .

۲ - « قرارداد دو جانبه چین و آمریکا » که به « قرارداد معاضدت اقتصادی چین و آمریکا » معروف است در ۴ ژوئیه ۱۹۴۸ در نانکن بین نمایندگان دولت چانکایشک و نمایندگان امپریالیسم آمریکا امضاء شد . بموجب مواد این قرارداد ، امپریالیسم آمریکا نظارت عالی و حق تصمیم بر روی مالیه و اقتصاد دولت چانکایشک میداشت و کارمندان آمریکائی که مستقیماً باعمال این نظارت در چین میپرداختند از "حق برون مرزی" برخوردار بودند . امپریالیسم آمریکا میتواند کلیه منابع استراتژیک مورد نیاز خود را از چین بدست آورد و دولت چانکایشک میبایست اطلاعات مربوط باین منابع را مرتباً در اختیار او بگذارد . دولت چانکایشک دمپینگ کالاهای آمریکائی را در چین تضمین میکرد .

۳ - جیا بائو یو چهره‌ای است از رمان چینی قرن هجدهم بنام « رؤیای کابین قرمز » . باغ خوش مناظر باغ خانوادگی جیا است . گفته میشود که جیا در هنگام تولد قطعه‌ای زبرجد در دهان داشت که مظهر زندگی وی بود و جیا بائو یو میبایست پیوسته آن را برگردن داشته باشد و هرگز از آن جدا نشود . از دست دادن زبرجد برای او در حکم "جان دادن" بود .

اظهاریه صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مائو تسه دون در باره وضع حاضر

(۱۴ ژانویه ۱۹۴۹)

از ژوئیه ۱۹۴۶ که دولت مرتجع گوسیندان در نانکن ، بکمک امپریالیستهای آمریکا ، اراده خلق را نقض کرد ، قرارداد متارکه و تصمیمات کنفرانس مشورتی سیاسی را از هم درید و به جنگ داخلی ضد انقلابی در مقیاس ملی مبادرت جست دو سال و نیم گذشته است . در طی این دو سال و نیم جنگ ، دولت مرتجع گوسیندان در نانکن ، برخلاف اراده خلق ، بدعوت باصطلاح مجلس ملی پرداخت ، بتصویب باصطلاح قانون اساسی دست زد ، باصطلاح رئیس جمهور انتخاب کرد و باصطلاح فرمانی درباره باصطلاح ” بسیج برای سرکوب شورش ” انتشار داد ، حقوق ملی را یکجا به دولت آمریکا فروخت و از آن دولت وام‌هایی بالغ بر چندین میلیارد دلار آمریکائی گرفت . از نیروهای دریائی و هوائی آمریکا دعوت کرد که با اشغال خاک چین ، آبهای داخلی آن و فضای هوائی آن پردازند ، تعداد زیادی موافقت‌نامه خیانت ملی با دولت آمریکا بامضاء رسانیده و شرکت گروه مشاوران نظامی آمریکا را در جنگ

داخلی چین پذیرفت ، و سرانجام بمنظور کشتار خلق چین از دولت آمریکا مقادیر هنگفتی هواپیما ، تانک ، توپخانه سنگین و سبک ، مسلسل ، تفنگ ، خمپاره ، گلوله و سایر مهمات جنگی گرفت و بنابر این سیاست اساسی ارتجاعی خیانت ملی در امور داخلی و خارجی بود که دولت مرتجع گومیندان در نانکن به میلیون ها سرباز فرمان داد که به حملات بیرحمانه بر مناطق آزاد شده توده ای و بر ارتش آزادیبخش توده ای چین دست به زنند . کلیه مناطق آزاد شده توده ای در چین شرقی ، در دشت های مرکزی ، در چین شمالی ، در شمال غربی و شمال شرقی ، بدون استثناء ، بدست سپاهیان گومیندان منهدم شد . شهرهای عمده مناطق آزاد شده مانند یین ان ، جان جیاکو ، حوای یین ، حه زی ، داسین ، لین ای ، یین تای ، چن ده ، می پین ، چان چون ، جی لین و ان دون در این یا آن زمان بتصرف این سپاهیان راهزن افتاد . هر جا که این سپاهیان رفتند کشتار کردند ، هتک ناموس کردند ، آتش زدند ، غارت کردند و از هیچ جنایتی باز نایستادند . دولت مرتجع گومیندان در نانکن در مناطق تحت سلطه خود کمر توده های پهناور کارگران ، دهقانان ، سربازان ، روشنفکران و بازرگانان را در زیر بار مصادره غلات ، در زیر بار مالیات و بیگاری که برای ” سرکوب شورش و امحاء راهزنان “ ، بر آنها تحمیل میکند شکسته است و خون آنها را میمکد . دولت مرتجع گومیندان در نانکن کلیه آزادیها را از مردم سلب کرده است ، کلیه احزاب دموکراتیک و کلیه سازمان های توده ای را زیر فشار میگذارد و آنها را غیر قانونی اعلام میدارد . جنبش بحق دانشجویان جوان را بر علیه جنگ داخلی ، گرسنگی و ستمگری ، بر علیه مداخله آمریکا در امور داخلی چین و بر علیه احیاء نیروهای تجاوزکار ژاپن بدست آمریکا ،

سرکوب میکند . با انتشار اسکناس‌های جدید کشور را غرق در " فابی " و " جین یون جیوان " میسازد که باعث تباهی زندگی اقتصادی خلق است و توده‌های وسیع را بورشکستگی میکشاند . بخش اعظم ثروت‌های ملی را از راه‌های مختلف غارتگری در دست سرمایه‌داران بوروکراتیکی که چهار خانواده بزرگ چان ، سون ، کون ، چن در رأس آنان هستند متمرکز میسازد . خلاصه آنکه دولت مرتجع گویندگان در نانکن با برپاداشتن جنگ داخلی که مبتنی بر سیاست اساسی ارتجاعی خیانت ملی او در امور داخلی و خارجی میباشد قاطبه خلق را گرفتار مصائب جانکه ساخته است . او بهیچوجه نمیتواند از مسئولیتی که تماماً بر دوش اوست شانه خالی کند . حزب کمونیست چین ، بر خلاف گویندگان ، از همان زمان تسلیم ژاپن ، هرچه در اختیار داشت بکار برد و از دولت گویندگان خواست که از جنگ داخلی جلو گیرد و بآن پایان بخشد و صلح داخلی را برقرار سازد . حزب کمونیست چین بر اساس چنین سیاستی با استقامت بمبارزه پرداخت و با پشتیبانی قاطبه مردم نخست در اکتبر ۱۹۴۵ به امضای خلاصه مذاکرات میان گویندگان و حزب کمونیست نائل آمد و سپس در ژانویه ۱۹۴۶ با گویندگان قرارداد متارکه امضاء کرد و با تشریک مساعی احزاب دموکراتیک گویندگان را به قبول قطعنامه‌های مشترک کنفرانس مشورتی سیاسی وادار ساخت . از این بعد حزب کمونیست چین باتفاق احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای برای دفاع از این قرارداد و این قطعنامه‌ها بمبارزه دست زد . جای تأسف است که دولت مرتجع گویندگان اقدامات ما را در زمینه حفظ صلح داخلی و حقوق دموکراتیک خلق جدی ندانست بلکه ، برعکس ، آنها را نشانه ضعف و نه درخور توجه تشخیص داد . دولت

مرتجع گومیندان سپینداشت که میتوان خلق را مهار کرد ، که قرارداد متارکه و قطعنامه های مصوب کنفرانس مشورتی سیاسی را میتوان خودسرانه از هم درید ، که ارتش آزادیبخش توده ای به نخستین حمله از پای در خواهد آمد ولی سپاهیان چندین میلیونی خود او میتوانند بر سراسر کشور فرمانروائی کنند ، که کمک دولت آمریکا بی پایان است . از این جهت دولت مرتجع گومیندان جرأت یافت که اراده قاطبه خلق را نقض کند و جنگ ضد انقلابی را بر پا داشت . در چنین احوالی حزب کمونیست چین راه دیگری نداشت جز آنکه مصممانه در برابر سیاست ارتجاعی دولت گومیندان قد راست کند و برای پاسداری از استقلال ملی و حقوق دموکراتیک خلق بپا خیزد . از ژوئیه ۱۹۴۶ بعد ارتش قهرمان آزادیبخش توده ای تحت رهبری حزب کمونیست چین در برابر حملات سپاهیان دولت مرتجع گومیندان که بالغ بر ۴,۳۰۰,۰۰۰ تن بودند مقاومت کرد ، سپس به تعرض متقابل پرداخت ، کلیه سرزمین های مناطق آزادشده را که از دست رفته بود باز ستاند و شهرهای بزرگی مانند شی جیا جوان ، لوه یان ، جی نان ، جن جو ، کای فون ، شن یان ، سیو جو ، تان شان را آزاد ساخت . ارتش آزادیبخش توده ای چین بر مشکلات پیماند فائق آمد ، نیرو گرفت و اینک مجهز به مقادیر هنگفتی اسلحه است که دولت آمریکا به دولت گومیندان داده است . ارتش آزادیبخش توده ای در عرض دو سال و نیم نیروهای عمده نظامی دولت مرتجع گومیندان و کلیه لشکرهای زنده او را نابود گردانید . امروز ارتش آزادیبخش توده ای از لحاظ تعداد ، از لحاظ روحیه و از لحاظ تجهیزات بر بقایای نیروهای نظامی دولت مرتجع گومیندان برتری دارد . بالاخره خلق چین نفس کشیدن آزاد را شروع کرده است .

وضعیت کنونی کاملاً روشن است : اگر ارتش آزادیبخش توده‌ای به چند حمله نیرومند دیگر بر بقایای نیروهای گومیندان پردازد تمام بنای رژیم مرتجع آن فرو خواهد ریخت و نابود خواهد شد . دولت مرتجع گومیندان که پیوسته از سیاست جنگ داخلی پیروی کرده است اینک ثمره بذر خود را بر میدارد : این دولت که هوادارانش او را ترك گفته‌اند و پیروانش از او روی بر تافته‌اند دیگر نمیتواند سرپا بایستد . در چنین احوالی چانکایشك ، این جنایتكار شماره یک جنگ در چین ، این سرکرده دارودسته گومیندان و این باصطلاح رئیس جمهور نانکن ، بمنظور حفظ سپاهییانی که هنوز دولت گومیندان در اختیار دارد و بمنظور اینکه فرصتی بیابد تا دوباره دست بکار شود و نیروهای انقلابی را در هم شکند روز اول ژانویه امسال اعلام داشت که حاضر است با حزب کمونیست چین به مذاکرات صلح پردازد . حزب کمونیست چین این پیشنهاد را ریاکارانه میشمارد بدلیل اینکه چانکایشك حفظ باصطلاح قانون اساسی ، حفظ باصطلاح سیستم قضائی و حفظ نیروهای مسلح ارتجاع را بعنوان بنای مذاکرات صلح پیشنهاد کرده است و این شرایطی است که خلق سراسر کشور نمیتواند بپذیرد . این شرایطی است برای ادامه جنگ و نه برای صلح . خلق در عرض ده روز اخیر در سراسر کشور اراده خود را بروشنی اعلام داشته است . وی مشتاقانه خواهان صلحی فزیدیک است ، ولی این باصطلاح صلح جنایتکاران جنگ را تأیید نمیکند ، شرایط ارتجاعی پیشنهادی آنان را تأیید نمیکند . حزب کمونیست چین با تکیه بر اراده خلق اعلام میدارد : ارتش آزادیبخش توده‌ای چین دارای نیروی کافی و مبانی لازم است که در مدتی نسبتاً کوتاه بقایای نیروهای مسلح دولت مرتجع گومیندان را نابود سازد و کاملاً

مطمئن است که از عهده بر خواهد آمد ، بعدك بمنظور تسريع خاتمه جنگ و استقرار صلحى حقيقى و بمنظور ميبك ساختن رنج هاى خلق ، حزب كمونيست چين حاضر است با دولت مرتجع گوميندان در نانكن و يا با هر دولت محلى و يا با هر گروه نظامى گوميندان بر اساس شرايط زيرين وارد مذاكره شود :

- ۱ - مجازات جنايتكاران جنگ ؛
- ۲ - الغاء باصطلاح قانون اساسى ؛
- ۳ - الغاء باصطلاح سيستم قضائى ؛
- ۴ - تجديد سازمان كليده سپاهيان ارتجاعى برحسب اصول دموكراتيك ؛

- ۵ - مصادره سرمايه بوروكراتيك ؛
- ۶ - رفوم سيستم ارضى ؛
- ۷ - الغاء موافقت نامه هاى خيانت مى ؛

- ۸ - دعوت كنفرانس مشورتى سياسى بدون شركت عناصر ارتجاعى و تشكيل دولت دموكراتيك ائتلافى كه كليده قدرت را از دولت ارتجاعى گوميندان در نانكن و دولت هاى محلى او در مدارج مختلف تحويل بگيرد ، (۱)

حزب كمونيست چين عقیده دارد كه شرايط فوق مابين اراده مشترك قاطبه خلق است و فقط صلحى كه مبتنى بر اين شرايط باشد صلحى دموكراتيك حقيقى خواهد بود . اگر اعضائه دولت مرتجع گوميندان در نانكن خواستار نيل به صلح دموكراتيك حقيقى اند و نه صلح دروغين ارتجاعى ، در آن صورت بايد از شرايط ارتجاعى پيشنهادهى خود چشم پوشند و هشت شرط پيشنهادهى حزب كمونيست چين را مبنای مذاكرات

صلح بین طرفین قرار دهند . والا ثابت میشود که صلح ادعائی آنها چیز دیگری جز فریب نیست . ما امیدواریم که همه مردم ، همه احزاب دموکراتیک و همه سازمان‌های توده‌ای بپا خواهند خاست و برله صلح دموکراتیک حقیقی و بر علیه صلح دروغین ارتجاعی مبارزه خواهند کرد . میهن پرستان محافل دولتی گویندگان در نانکن نیز باید از این پیشنهاد صلح پشتیبانی کنند . رفقای فرمانده و جنگاور ارتش آزادیبخش توده‌ای ، دقت کنید : تا آنگاه که دولت مرتجع گویندگان در نانکن به صلح دموکراتیک حقیقی تن نداده و چنین صلحی عملی نشده است شما نباید بکمترین مستی در نبرد راه دهید . باید کلیه مرتجعانی را که جرأت مقاومت بکنند مصممانه ، بطور قاطع و تمام و کمال نابود کنید .

• یادداشتها

۱ - شرایط هشت گانه صلح که از طرف رفیق مائو تسه دون در این اظهاریه مطرح شد پایه مذاکرات صلح آوریل ۱۹۴۹ قرار گرفت که بین هیئت نمایندگی حزب کمونیست چین و هیئت نمایندگی دولت گویندگان برهبری جان جی جون جریان یافت . قرارداد صلح داخلی که در طی این مذاکرات تنظیم شد مقررات مشخصی را برای اجرای شرایط هشت گانه صلح مقرر داشت . برای جزئیات مراجعه شود به « فرمان به ارتش برای پیشروی عمومی در سراسر کشور » ، یادداشت ۱ ، جلد حاضر .

www.KetabFarsi.com

تفسیر سخنگوی حزب کمونیست چین درباره قطعنامه شورای اجرایی نانکن

(۲۱ ژانویه ۱۹۴۹)

خبرگزاری مرکزی که خبرگزاری رسمی دولت مرتجع گومیندان در نانکن میباشد روز ۱۹ ژانویه خبر داد که شورای اجرایی در جلسه خود در ساعت ۹ صبح همان روز به بررسی وسیع اوضاع کنونی پرداخته و قطعنامه زیرین را تصویب کرده است :

دولت با احترام اشتیاقی که قاطبه مردم با استقرار سریع صلح دارند پس از ملاحظات دقیق بدین وسیله تمایل خود را باینکه نخست به همراه حزب کمونیست چین به قطع فوری و بدون شرط مخاصمه پردازد و سپس طرفین نمایندگان خویش را برای مذاکرات صلح تعیین کنند اعلام میدارد .

سخنگوی حزب کمونیست چین چنین اظهار میدارد : این قطعنامه شورای اجرایی نانکن بهیچوجه به اظهاریه یکم ژانویه چانگایشک ، باصطلاح رئیس جمهور نانکن که پیشنهاد مذاکرات صلح را در بردارد و نیز به اظهاریه ۱۴ ژانویه مائو تسه دون ، صدر حزب کمونیست چین که نیز حاوی

پیشنهاد مذاکرات صلح است اشاره‌ای نمی‌کند. همچنین شورای اجرایی نانکن در این قطعنامه نشان نمیدهد که بکدام يك از این دو اظهاریه می‌پیوندد و با کدام يك مخالف است بلکه پیشنهاد کاملاً دیگری را مطرح می‌سازد، چنانکه گوئی نه گویندگان و نه حزب کمونیست چین هیچکدام در ۱ و ۱۴ ژانویه پیشنهادی نداده‌اند. این بهیچوجه قابل درك نیست. در واقع شورای اجرایی نانکن نه فقط پیشنهاد حزب کمونیست چین مورخ ۱۴ ژانویه را کاملاً ندیده گرفته بلکه صریحاً پیشنهاد اول ژانویه باصطلاح پرزیدنت چانگ‌کیشك را نفی کرده است. چانگ‌کیشك در پیشنهاد ۱ ژانویه خود چنین گفته بود:

همینکه حزب کمونیست تمایل صمیمانه به صلح داشته باشد و شواهد صریحی در این زمینه نشان دهد دولت با او با صمیمیت کامل رفتار خواهد کرد و حاضر خواهد بود درباره اقدامات مشخص بمنظور خاتمه مخاصمه و استقرار صلح مذاکره بپردازد.

نوزده روز پس از این اظهاریه، ارگانی از همین دولت یعنی "شورای اجرایی" اظهاریه "رئیس جمهور" را نفی میکند و بجای آنکه بگوید که دولت با حزب کمونیست "با صمیمیت کامل رفتار خواهد کرد و حاضر خواهد بود درباره اقدامات مشخص بمنظور خاتمه مخاصمه و استقرار صلح مذاکره بپردازد" اینك از تمایل دولت باینکه "نخست (بهمراه حزب کمونیست چین) به قطع فوری و بدون شرط مخاصمه بپردازد و سپس طرفین نمایندگان خویش را برای مذاکرات صلح تعیین کنند" صحبت سیدارد. ما میخواهیم از این آقایان "شورای اجرایی" نانکن بپرسیم: پیشنهاد معتبر کدام است؟ پیشنهاد شما یا پیشنهاد

"رئیس جمهور" تان؟ شخص اخیر بر آن بود که "خاتمه مخاصمه و استقرار صلح" چیز واحدی است و صمیمیت و تمایل خود را به مذاکره با حزب کمونیست چین درباره اقدامات مشخص بمنظور نیل بدان اعلام میداشت، و حال آنکه شما بر آنید که قطع مخاصمه و استقرار صلح دو چیز جدا از هم است و نمیخواهید در مورد اقدامات مشخص بمنظور خاتمه دادن به مخاصمه نمایندگانی برای مذاکره با ما تعیین کنید. و چون دستخوش یهوده‌ترین پندارها شده‌اید، پیشنهاد میکنید که "نخست... به قطع فوری و بدون شرط مخاصمه" پرداخته شود و سپس نمایندگانی "برای مذاکرات صلح" تعیین گردند. اما بالاخره کدام پیشنهاد درست است؟ پیشنهاد شما یا پیشنهاد "رئیس جمهور" تان؟ بعقیده ما باصطلاح شورای اجرایی نانکن از اختیارات خود تجاوز کرده است. وی حق ندارد پیشنهاد باصطلاح رئیس جمهور را بکنار زند و خودسرانه پیشنهاد جدید بدهد. ما این پیشنهاد جدید را نامعتبر می‌شماریم. دو طرف متخاصم که در جنگی چنین طولانی، چنین داسنه‌دار و چنین خونبار درگیر شده‌اند مسلماً باید نمایندگانی برای مذاکره درباره شرایط اساسی صلح و تنظیم قرارداد ستار که قابل قبول برای طرفین معین کنند. این یگانه وسیله متوقف ساختن جنگ است. این نه فقط خواست خلق است بلکه در گومیندان نیز اشخاص زیادی تمایل خود را بآن ابراز داشته‌اند. اگر گومیندان از "قطعنامه" بکلی بی اساس شورای اجرایی نانکن پیروی کند و به مذاکرات صلح پیش از قطع مخاصمه تن در ندهد در آن صورت تمایل صمیمانه او بصلح در کجاست؟ با تصویب "قطعنامه" شورای اجرایی نانکن، مذاکرات صلح فقط وقتی ممکن میشود که مخاصمه قبلاً قطع شده باشد. باین طریق قطعنامه

مذکور راه را بر صلح میبندد . اگر میل مذاکره در میان است در آن صورت فقط يك کار باید کرد و آن الغاء این " قطعنامه " بی اساس است ، یا این یا آن . اگر شورای اجرائی نانکن الغاء " قطعنامه " خود را نپذیرد این امر فقط نشان خواهد داد که دولت مرتجع گویندگان در نانکن تمایل صمیمانه به مذاکرات صلح با طرف دیگر ندارد . این سؤال پیش میآید : اگر نانکن صمیمیت دارد ، پس چرا از مذاکره درباره شرایط مشخص صلح سرباز میزند ؟ آیا این دلیل بر آن نیست که پیشنهاد صلح نانکن ریاکارانه است ؟ سخنگوی حزب کمونیست چین اعلام میدارد : اینك نانکن در هرج و مرج غوطه ور است . باصطلاح رئیس جمهور يك پیشنهاد میدهد و باصطلاح شورای اجرائی پیشنهاد دیگر . با کی باید سروکار داشت ؟

فرمان بدولت ارتجاعی گومیندان
برای دستگیری مجدد یاسوژی اکامورا
فرمانده کل سابق نیروهای تجاوزکار ژاپن
در چین و دستگیری
جنایتکاران جنگ داخلی از گومیندان
— اظهاریه سخنگوی حزب کمونیست چین

(۲۸ ژانویه ۱۹۴۹)

خبرگزاری مرکزی دولت ارتجاعی گومیندان در نانکن روز ۲۶
ژانویه چنین خبر داد :

يك سخنگوی دولت اظهار داشته است كه : از يك ماه
پیش ، دولت به تصمیمات و اقدامات گوناگونی دست زده است كه
هر چه زودتر جنگ را خاتمه دهد تا تخفیفی در مصائب خلق
حاصل شود . بعلاوه دولت در روز ۲۲ ماه جاری بطور رسمی يك
هیئت نمایندگی (۱) برای مذاكرات صلح تعیین کرده و از آن

زمان منتظر است که حزب کمونیست چین نمایندگان خویش را تعیین کند و بر سر محل ملاقات برای مذاکره توافق بعمل آید . اما يك سخنگوی حزب کمونیست چین در اظهاریه‌ای که بوسیله خبرگزاری سین هوا روز ۲۵ ماه جاری از رادیوی شنسی شمالی پخش شد (۲) ، در عین حال که به مذاکره با دولت بمنظور یافتن راه حل مسالمت‌آمیز اظهار تمایل کرد به دشنام‌گویی دست زد و کلمات ناسعولی بکار برد . و افزود که محل مذاکرات را نمیتوان معین کرد مگر پس از آزادی کاسل بی پین . ما میخواهیم این سؤال را مطرح سازیم : اگر حزب کمونیست چین بیهانه اینکه منتظر آزادی کاسل ادعائی بی پین میباشد بیدرنگ نمایندگان خویش را تعیین نمیکند ، بر سر محل ملاقات توافق ندارد ، عملیات نظامی را متوقف نمیسازد آیا این گذراندن زمان و ادامه مصائب جنگ نیست ؟ همه میدانند که قاطبه خلق چه اشتیاق سوزانی به خاتمه مصائب جنگ دارد . دولت برای نشان دادن صمیمیت کامل خویش بار دیگر اظهار امیدواری میکند که حزب کمونیست چین این نکته را بخوبی دریابد که وی باید نجات خلق را مقدم بر ملاحظات دیگر بشمرد و بیدرنگ نمایندگان خویش را برای مذاکره برگزیند تا صلح هر چه زودتر برقرار گردد .

خبرگزاری مرکزی نانکن در گزارش دیگری روز ۲۶ ژانویه از شانگهای چنین خبر میدهد :

پس از تجدید نظری که روز ۲۶ از طرف دادگاه نظامی که در جنب وزارت دفاع ملی عهده‌دار محاکمه جنایتکاران جنگ است در پرونده ژنرال یاسوژی اکامورا ، ژنرال ژاپنی جنایتکار جنگ

و فرمانده کل سابق نیروهای اعزامی ژاپن در چین ، بعمل آمد مشارالیه بموجب حکمی که در ساعت ۱۶ از طرف رئیس دادگاه شی سی یو خوانده شد تبرئه گردید . محیط متشنجی در سالن حکمروا بود . اکامورا که ایستاده بود و بدقت گوش میداد پس از پایان قرائت حکم لبخند خفیفی بر لب آورد .

سخنگوی حزب کمونیست چین با در نظر گرفتن آنچه در بالا گذشت مراتب زیرین را اعلام میدارد :

۱ - حزب کمونیست چین و فرماندهی کل ارتش آزادیبخش توده‌ای چین تأکید میکنند که قابل قبول نیست که دادگاه نظامی عهده‌دار محاکمه جنایتکاران جنگ بمأسوریت از طرف دولت ارتجاعی گومیندان در نانکن ژنرال یاسوژی اکامورا فرمانده کل سابق نیروهای اعزامی ژاپن در چین را که مهمترین جنایتکار جنگ (۲) در میان نیروهای اعزامی تجاوزکار ژاپن در چین است تبرئه کند . خلق چین پس از ایشار جان‌ها و مال‌های بیشمار در طی هشت سال جنگ مقاومت ضد ژاپنی بالاخره به پیروزی نائل آمد و این جنایتکار جنگ را دستگیر ساخت . اینک هرگز به دولت ارتجاعی گومیندان در نانکن اجازه نخواهد داد که وی را خودسرانه تبرئه نماید . همه مردم ، همه احزاب دموکراتیک و همه سازمان‌های توده‌ای و نیز میهن‌پرستانی که در دستگاه‌های مختلف دولت ارتجاعی گومیندان در نانکن هستند باید بیدرنگ بر علیه عمل جنایتکارانه این حکومت که بمنافع ملی خیانت می‌ورزد و با میلیتاریست‌های فاشیست ژاپنی همدستی میکند بپاخیزند . باین آقایان دولت ارتجاعی نانکن این اخطار جدی ماست : شما باید بیدرنگ یاسوژی اکامورا را از نو دستگیر کنید و بی معطلی بزندان بیندازید . این امر با تقاضای شما مبنی بر

مذاکره با ما وابستگی کامل دارد . بعقیده ما کلیه اقدامات کنونی شما توطئه‌ای بیش نیست که در پشت پرده مذاکرات صلح ریاکارانه بتدارکات جدید جنگ پردازید و از آن جمله از مرتجعان ژاپنی دعوت کنید که بعین بیایند و در کشتار خلق چین بشما پیوندند . باین منظور است که شما یاسوژی‌اکامورا را آزاد ساخته‌اید . ما بشما اجازه نخواهیم داد که بعین اعمالی دست بزنید . ما حق داریم بشما فرمان دهیم که یاسوژی‌اکامورا را از نو دستگیر کنید و در زمانی و در مکانی که ما معین خواهیم کرد وی را به ارتش آزادیبخش توده‌ای بسپارید . سایر ژاپنی‌های جنایتکار جنگ موقتاً تا دستور جدید در بازداشت شما خواهند ماند . قدغن است که آنها را خودسرانه آزاد کنید و یا بگذارید که بگریزند . هر کس این فرمان را نقض کند شدیداً تنبیه خواهد شد .

۲ - اظهاریه ۲۶ ژانویه سخنگوی دولت ارتجاعی گومیندان در نانکن ما را با خبر ساخت که شما ، آقایان نانکنی‌ها ، با چه شوری ، با چه حرارتی و با چه اصرار و شتابی خواستار مذاکرات صلحید و این گویا فقط ناشی از دلسوزی شما برای " کوتاه کردن جنگ " ، " تخفیف مصائب خلق " و " مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر " است .

اظهاریه مذکور همچنین ما را با خبر ساخت که بنظر شما حزب کمونیست چین ، بر عکس ، چقدر فاقد شور ، فاقد حرارت ، اصرار و شتاب در پاسخگویی به خواست شماست ، " عملیات نظامی را متوقف نمیسازد " و این امر واقعاً " گذراندن زمان و ادامه مصائب جنگ " است . ما به شما ، آقایان نانکنی‌ها ، صریحاً میگوئیم : شما جنایتکاران جنگ هستید و محاکمه خواهید شد . ما باظهارات شما درباره " صلح " و " اراده خلق " باور نداریم . شما بر نیروی آمریکا تکیه زدید ، اراده خلق را

نقض کردید ، قرارداد متارکه و قطعنامه های کنفرانس مشورتی سیاسی را از هم دریدید و این جنگ داخلی ضد توده های ، ضد دموکراتیک و ضد انقلابی را که از لحاظ درندگی بی مانند است برانگیختید . آن موقع شما آنقدر شور ، حرارت ، اصرار و شتاب نشان میدادید که نخواستید اندرز هیچکس را بپذیرید . و آنگاه که باصطلاح مجلس ملی را دعوت کردید ، باصطلاح قانون اساسی را برشته تحریر درآوردید ، باصطلاح رئیس جمهور را برگزیدید و باصطلاح فرمان ” بسیج برای سرکوب شورش “ را از تصویب گذراندید باز هم آنقدر شور ، حرارت ، اصرار و شتاب نشان میدادید که مانند همیشه نخواستید اندرز هیچکس را بپذیرید . در آن هنگام در شانگهای ، در نانکن و در سایر شهرهای بزرگ ، شوراهای مشورتی ، اطاق های بازرگانی ، سندیکا های کارگری ، اتحادیه های دهقانی ، سازمان های زنان و سازمان های فرهنگی که همه ساخته و پرداخته دولت شما هستند و یا بمنزله افزار سیاست شما بکار میروند آنقدر جنجال بر سر ” پشتیبانی از بسیج برای سرکوب شورش “ و ” امحاء راهزنان کمونیست “ راه انداختند و يك بار دیگر آنقدر شور ، حرارت ، اصرار و شتاب نشان دادند که نخواستند اندرز هیچکس را بپذیرند . اينك دو سال و نیم گذشته است و در این مدت تعداد کسانی که بدست شما کشتار شده اند به میلیون ها رسیده است ، روستاهائی که آتش زدید ، زنهائی که هتك ناموس کردید ، ثروت هائی که بغارت بردید ، نفوس و اموالی که بوسیله هواپیما های شما تلف شدند از شمار بیرون اند . شما مرتکب فجیع ترین جنایات شدید و ما باید با شما تصفیه حساب کنیم . چنین مینماید که شما با مبارزه برای تصفیه حساب سخت مخالفید . اما این بار ما دلائل بسیاری برای این مبارزه داریم . باید

حساب‌ها تصفیه شود ، باید مبارزه برای تصفیه آنها بعمل آید . شما مغلوب شده‌اید . شما خشم خلق را برانگیخته‌اید . قاطبه خلق بر علیه شما به مبارزه مرگ و زندگی دست زده است . خلق دوستدار شما نیست ، شما را محکوم میکند . اینک خلق بپا خاسته است و شما منفرد گشته‌اید . باین علت است که شما مغلوب شده‌اید . شما پنج شرط (۴) برای مذاکرات صلح پیشنهاد کردید و ما هشت شرط (۵) ، و خلق فوراً به هشت شرط ما پیوست نه به پنج شرط شما . شما نه میتوانید هشت شرط ما را رد کنید و نه میتوانید بر روی پنج شرط خویش اصرار ورزید . شما اظهار میدارید که هشت شرط ما را بعنوان پایه مذاکرات می‌پذیرید . مگر این خوب نیست ؟ پس چرا نباید در مذاکره عجله کرد ؟ باین طریق بنظر میرسد که شما سرشار از شور ، حرارت ، اصرار و شتاب هستید ، سخت طرفدار " قطع بدون شرط مخاصمه " اید ، خواستار جدی " کوتاه کردن جنگ " ، " تخفیف مصائب خلق " و " مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر " اید . و اما ما ؟ بدیهی است که ما نه شور نشان میدهیم نه حرارت ، نه اصرار و نه شتاب . ما در صدد " گذراندن زمان و ادامه مصائب جنگ " هستیم . اما آقایان نانکنی‌ها ، صبر کنید . ما خواهیم توانست شور ، حرارت ، اصرار و شتاب نشان بدهیم . مسلماً دوره جنگ کوتاه خواهد شد و مصائب خلق تخفیف خواهد یافت . حالا که شما هشت شرط ما را بعنوان پایه مذاکرات می‌پذیرید کارهای زیادی برای ما ، شما و ما ، پیش می‌آید . برای تحقق بخشیدن باین هشت شرط ، مشغله بسیاری در برابر ماست ، در برابر ما ، در برابر شما ، در برابر احزاب دموکراتیک ، سازمان‌های توده‌ای و اعضاء کلیه معافل است . ما تا چند ماه ،

شش ماه، يك سال تمام، چند سال کار داریم و تازه پس از آن هم شاید کار ما تمام نشود! گوش فرا دهید آقایان نانکنی‌ها! این هشت شرط مواد مجرد نیست. باید بآنها مضمون مشخصی بخشید. در دوران کوتاه کنونی لازم است که همه ما دست به تأمل زنیم. اگر این کار اندکی وقت بگیرد مردم ما را خواهند بخشود. بصراحت باید گفت که مردم خواستار آن اند که ما برای این مذاکرات آمادگی کامل داشته باشیم. مذاکرات باید انجام گیرد. هیچکس حق ندارد عقب بزند و از مذاکرات خودداری ورزد و از اینجبهت نمایندگان شما باید آماده آمدن باشند. اما ما برای تکمیل آمادگی خود هنوز وقت لازم داریم و نمیگذاریم که جنایتکاران جنگ تاریخ مذاکرات را بما تحمیل کنند. ما با خلق بی پین به کار مهمی مشغولیم: حل مسالمت‌آمیز مسئله بی پین بر اساس شرایط هشتگانه. آدم‌هائی که شما در بی پین دارید، مانند ژنرال فو زوه ای نیز در این کار که بموجب اعلامیه منتشره از طرف خبرگزاری شما (۶) مورد تأیید شماست شرکت دارند. این کار نه فقط محلی برای مذاکرات صلح بما خواهد داد بلکه همچنین نمونه‌ای خواهد شد برای حل مسالمت‌آمیز مسئله نانکن، شانگهای، او هان، سی ان، تای یوان، گوی سوی، لان جو، دی هوا، چن دو، کون سین، چان شا، نان چان، هان جو، فوجو، گوان جو، تایوان، جزیره های نان و غیره. پس این کاری ستودنی است و شما، آقایان نانکنی‌ها، نباید آن را سرسری بگیرید. ما با احزاب دموکراتیک، سازمان‌های توده‌ای و دموکرات‌های بی‌حزب در مناطق خویش و نیز در مناطق شما مشغول تبادل نظر هستیم تا فهرستی از جنایتکاران جنگ تهیه کنیم و باین طریق ماده اول از شروط هشتگانه را در جزئیات

خود مشخص گردانیم . بدون تردید انتشار رسمی این فهرست طول نخواهد کشید . چنانکه شما ، آقایان نانکنی ها ، میدانید ما هنوز فرصت نکرده ایم که این فهرست را با احزاب دموکراتیک و سازمان های توده ای مورد بحث قرار دهیم و آن را رسماً منتشر سازیم . خواهش میکنیم ما را معذور دارید . علتش اینست که تقاضای شما درباره مذاکرات صلح اندکی دیر صورت گرفت . اگر زودتر رسیده بود شاید ما تاکنون تدارکات لازم را انجام داده بودیم . سعادلك همینطور نیست که برای شما کاری نمانده باشد . شما باید علاوه بر دستگیری آن ژاپنی جنایتکار جنگ ، یاسوژی اکامورا ، بیدرنگ به دستگیری گروهی از جنایتکاران جنگ داخلی و در درجه اول به دستگیری کسانی که در نانکن ، شانگهای ، فون هوا و تایوان بسر میبرند و در جزو چهل و سه جنایتکاری هستند که در اظهاریه ۲۵ دسامبر ۱۹۴۸ يك شخصیت صراحتدار حزب کمونیست چین نام برده شده اند بپردازید . مهمترین آنان عبارتند از چانگایشک ، سون زی وین ، چن چن ، حه یین چینگ ، گو جو تون ، چن لی فو ، چن گوه فو ، جو جیا هوا ، وان شی جیه ، او کوه جن ، دای چوان سیان ، تان تن بوه ، جو جی ژئو ، وان شو مین ، گوی یون چینگ (۷) . در میان اینان چانگایشک دارای اهمیت خاصی است . این جنایتکار به فون هوا گریخته است و بسیار احتمال میرود که در صدد است به خارج بگریزد و خود را زیر حمایت امپریالیسم آمریکا یا انگلستان گذارد . پس شما باید او را هر چه زودتر دستگیر سازید و نگذارید بگریزد . مسئولیت کامل این امر بر عهده شما است . اگر این جنایتکاران فرار کنند شما به جرم آزاد گذاشتن راهزنان مجرم شناخته خواهید شد و هیچ اغماض درباره شما بعمل نخواهد آمد . تا هیچکس نگوید که ما باو

قبلاً اخطار نکردیم ! بعقیده ما فقط با دستگیری این جنایتکاران جنگ است که شما برای کوتاه کردن جنگ و تخفیف مصائب خلق کار جدی انجام خواهید داد . تا آنزمان که جنایتکاران جنگ آزاداند جنگ ادامه خواهد یافت و مصائب خلق تشدید خواهد شد .

۳ - ما از دولت ارتجاعی نانکن میطلبیم به دو نکته فوق پاسخ دهد .

۴ - درباره تدارکاتی که طرفین باید در اجرای هفت شرط دیگر بعمل آورند به نانکن اطلاع داده خواهد شد .

یادداشتها

۱ - هیئت نمایندگی که از طرف دولت ارتجاعی گومیندان برای مذاکرات صلح معین شد مرکب بود از : شائو لی زی ، جان جی جون ، حوان شائو هون ، پون جائو سیان و جون تیان سین .

۲ - سخنگوی حزب کمونیست چین در اظهاریه ۲۵ ژانویه ۱۹۴۹ منسوب به مذاکرات صلح چنین گفته بود : "ما پذیرفته‌ایم که دولت ارتجاعی نانکن نمایندگانی برای مذاکرات صلح اعزام دارد ، نه بر این اساس که ما هنوز این دولت را نماینده خلق چین می‌شماریم بلکه بر این اساس که وی هنوز بقایائی از نیروهای مسلح ارتجاعی در اختیار دارد . اگر این دولت ، با توجه باینکه دیگر بهیچوجه از اعتماد خلق بهره‌ای ندارد و بقایای نیروهای مسلح ارتجاعی وی دیگر در برابر ارتش نیرومند آزادیبخش توده‌ای قادر به مقاومت نیستند ، حاضر است شروط هشتگانه صلح را که حزب کمونیست چین پیشنهاد کرده بپذیرد در آن صورت البته بهتر است و بسود امر نجات خلق است که مسائل بمنظور تخفیف مصائب خلق از راه مذاکرات حل شود . " اظهاریه درباره محل ملاقات چنین تصریح کرده بود : "نمیتوان آن را معین کرد مگر پس از آزادی کامل بی‌پین و با احتمال قوی خود بی‌پین محل ملاقات خواهد بود . " سخنگو درباره نمایندگان نانکن

گفته بود : «پون شائو میان یکی از رهبران عمده گروه CC گومیندان است که گستاخانه به جنگ افروزی پرداختند . وی جنایتکار جنگ بشمار میآید ؛ حزب کمونیست چین نمیتواند چنین نماینده‌ای را بپذیرد .»

۳ - یاسوژی اکامورا یکی از ژاپنی‌های جنایتکار جنگ است که فهرست جنایاتشان در تاریخ تجاوز ژاپن به چین یکی از طولانی‌ترین و سیاه‌ترین فهرست‌هاست . وی از ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۷ رایشن نظامی سون چوان فان ، یکی از دیکتاتورهای نظامی شمال بود . در ۱۹۲۸ بعنوان فرمانده یکی از هنگ‌های پیاده ارتش ژاپن در حمله برای تسخیر جی نان شرکت جست و در حادثه خونین جی نان نقش درخیم ایفا کرد . در ۱۹۳۲ معاون ستاد نیروهای اعزامی ژاپن در شانگهای بود و در حمله بر شانگهای و تسخیر آن شرکت داشت . در ۱۹۳۳ بعنوان نماینده دولت ژاپن «قرارداد نان گو» را با دولت خائن گومیندان بامضاء رسانید . از ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۵ متوالیاً فرمانده ارتش شماره ۱۱ ، فرمانده ارتش جبهه چین شمالی ، فرمانده ارتش جبهه ششم و فرمانده کل نیروهای اعزامی ژاپن در چین بود . وی درنده‌ترین سیاست «پاک سوزاندن ، پاک کشتن و پاک غارت کردن» را در چین بموقع اجرا گذاشت . وی در رأس فهرست ژاپنی‌های جنایتکار جنگ که در اوت ۱۹۴۵ در ین ان منتشر شد قرار داشت . در مدت جنگ آزادیبخش توده‌ای رایشن نظامی مخفی چانگایشک بود و نقشه‌های حمله بر مناطق آزادشده را برای چانگایشک تنظیم کرد . در ژانویه ۱۹۴۹ از طرف دولت ارتجاعی گومیندان تبرئه و آزاد و به ژاپن اعزام شد . در ۱۹۵۰ از طرف چانگایشک پست افسر مربی ارشد «انستیتوی مطالعه پراتیک انقلابی» باو واگذار گردید . از ۱۹۵۵ به سازمان دادن جنگجویان سابق نیروهای زمینی و دریائی ژاپن در «اتحادیه همزمان» (که بعدها نام اتحادیه همزمان باز نشسته بخود گرفت) پرداخت و در دسائس ارتجاعی برای احیاء میلیتاریسم ژاپن نقش فعال ایفاء کرد .

۴ - «شرایط پنجگانه» دولت ارتجاعی گومیندان درباره مذاکرات صلح در اظهاریه اول سال ۱۹۴۹ چانگایشک قید شده‌است باین مضمون : ۱ - «... که (مذاکرات صلح) باستقلال و تمامیت کشور زیان نرساند» . ۲ - «... که (مذاکرات صلح) بتواند به نیروگرفتن خلق کمک کند» . ۳ - «... که قانون اساسی مقدس با اقدامات من نقض نشود و به رژیم مشروطه دموکراتیک لطمه‌ای وارد نیاید ، که شکل دولتی جمهوری چین ضمانت شود و سیستم قضائی جمهوری چین دست نخورد» . ۴ - «... که نیروهای مسلح بطور مطمئن محفوظ بمانند» .

۵- "... که خلق بتواند شیوه آزاد زندگی خود را نگهدارد و حداقل سطح زندگی کنونی خویش را حفظ کند". رفیق مائو تسه دون بیدرنگ این پنج ماده را جداً رد کرد. مراجعه شود به « درباره تقاضای صلح از طرف جنایتکار جنگ »، جلد حاضر.

۵- «شرایط هشتگانه» حزب کمونیست چین درباره مذاکرات صلح بوسیله رفیق مائو تسه دون در اظهاریه ۱۴ ژانویه ۱۹۴۹ که راجع به اوضاع آن هنگام میباشد تنظیم شد. مراجعه شود به « اظهاریه صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مائو تسه دون درباره وضع حاضر »، جلد حاضر.

۶- وزارت دفاع ملی دولت نانکن در اعلامیه‌ای که روز ۲۷ ژانویه ۱۹۴۹ بوسیله خبرگزاری مرکزی گومیندان منتشر شد چنین اعلام داشت: «در چین شمالی بمنظور کوتاه کردن جنگ، نیل به صلح، و حفظ بی‌پین، این پایتخت کهن سال، حفظ ثروت‌های فرهنگی و بناهای تاریخی آن، فرمانده کل فو زوه ای در اعلامیه ۲۲ ژانویه خویش قطع مخاصمه را از ساعت ۱۰ همان روز اعلام داشته‌است. اکثر سپاهیان ما که در بی‌پین مقر داشتند بفرمان ستاد کل یکی پس از دیگری از محیط شهر بیرون آمده رهسپار محل‌هایی شده‌اند که برای آنها معین گشته‌است.» همین اعلامیه اشعار میداشت که «قطع مخاصمه در سوی یوان و دا تون نیز عملی خواهد شد.»

۷- سون زی وین، سرمایه‌دار بزرگ رژیم گومیندان، متوالیاً وزیر دارائی، رئیس شورای اجرائی، وزیر امور خارجه و فرستاده مخصوص دولت گومیندان به آمریکا بود. چن چن، رئیس کل سابق ستاد، در آن موقع از طرف دولت گومیندان فرماندار استان تایوان بود. چه بین چینگ رئیس کل ستاد و وزیر دفاع ملی گومیندان بود. گو جو تون در آن موقع رئیس کل ستاد ارتش گومیندان بود. چن لی فو، چن گوه فو و جو جیا هوا رؤساء گروه CC گومیندان بودند. وان شی جیه قبلاً وزیر خارجه گومیندان بود. او گوه جن در آن موقع از طرف دولت گومیندان شهردار شانگهای بود. دای چوان سیان که نام دیگرش دای جی تائو میباشد، مدت مدیدی عضو هیئت رایزنان چانکایشک و در آن موقع عضو شورای دائمی کمیته اجرائی مرکزی گومیندان بود. تان فن بوه فرمانده کل پادگان گومیندان در منطقه نانکن - شانگهای - حان جو بود. جو جی ژتو فرمانده کل نیروی هوایی گومیندان بود. وان شو مین معاون فرمانده کل و رئیس ستاد نیروی هوایی گومیندان بود. گوی یون چینگ فرمانده کل نیروی دریائی گومیندان بود.

www.KetabFarsi.com

اظهاریه سخنگوی حزب کمونیست چین درباره اینکه مجازات ژاپنی‌های جنایتکار جنگ و گومیندانی‌های جنایتکار جنگ ضرورتاً باید در جزو شرایط صلح گنجانیده شود

(۵ فوریه ۱۹۴۹)

سخنگوی دولت ارتجاعی و خائن گومیندان در ۳۱ ژانویه به جواب‌گوئی به اظهاریه مورخ ۲۸ ژانویه سخنگوی حزب کمونیست چین درباره مسئله مذاکرات صلح پرداخته‌است. وی در برابر موضوعاتی که سخنگوی حزب کمونیست چین مطرح ساخته به مغالطه مبادرت جست‌ه‌است. در مورد مطالبه حزب کمونیست چین که دولت ارتجاعی و خائن گومیندان باید مسئولیت دستگیری مجدد یاسوژی‌اکامورا، این جنایتکار عمده تجاوز ژاپن بر چین، و تسلیم وی به ارتش آزادیبخش توده‌ای، و بازداشت سایر ژاپنی‌های جنایتکار جنگ و مراقبت در منع فرار آنها را بعهده گیرد سخنگوی گومیندان گفته است: این "مسئله

قضائی است که هیچ ربطی با مذاکرات صلح ندارد و بطریق اولی نمیتوان آنرا شرط قبلی مذاکرات صلح قرار داد. در مورد مطالبه حزب کمونیست چین که دولت ارتجاعی و خائن گوسیندان باید مسئولیت دستگیری چانگایشک و سایر جنایتکاران جنگ را بعهده گیرد سخنگوی گوسیندان گفته است: "صلح حقیقی نباید شروط قبلی داشته باشد" و اضافه کرده که سخنگوی حزب کمونیست چین "ظاهراً برخورد جدی ندارد" و بعلاوه "موجب پیچیدگی کار میشود". سخنگوی حزب کمونیست چین باین مناسبت اظهار میدارد: ما هنوز در ۲۸ ژانویه به دولت ارتجاعی و خائن گوسیندان دولت اطلاق میکردیم، از این حیث برخورد ما واقعاً جدی نبوده است. بالاخره آیا این باصطلاح "دولت" هنوز وجود دارد؟ آیا در نانکن است؟ دیگر در نانکن هیچ ارگان قوه مجریه موجود نیست. آیا در گوان جو است؟ هیچ رئیس دولتی در گوان جو نیست. آیا در شانگهای است؟ در شانگهای نه ارگان قوه مجریه هست و نه رئیس دولت. پس آیا در فون هوا است؟ ولی در فون هوا جز يك باصطلاح رئیس جمهور که "بازنشستگی" خویش را اعلام داشته هیچ کس دیگر نیست. پس ما برای اینکه جدی صحبت کرده باشیم نمیبایست او را دولت تلقی میکردیم. او حداکثر دولتی فرضی یا قراردادی است. معذک فرض کنیم که چنین "دولت" قراردادی وجود دارد و سخنگویی هست که میتواند بنام این "دولت" سخن بگوید. در آن صورت سخنگوی مذکور باید بفهمد که این دولت فرضی و قراردادی ارتجاعی و خائن گوسیندان نه فقط کاری برای مذاکرات صلح انجام نداده بلکه واقعاً پیوسته موجب پیچیدگی کار میشود. مثلاً آیا شما که یاسوژی اکامورا را در لحظه ای که با چنان اشتیاقی خواهان مذاکره بودید ناگهان

تبرئه کردید موجب پیچیدگی کار نشدید ؟ پس از آنکه حزب کمونیست چین دستگیری دوباره او را مطالبه کرد آیا شما که او را با ۲۶ نفر دیگر از ژاپنی‌های جنایتکار جنگ به ژاپن فرستادید دیگر بار موجب پیچیدگی کار نشدید ؟ کی امروز بر ژاپن حکومت میکند ؟ آیا میتوان گفت که خلق حکومت میکند و نه اسپریالیستها ؟ شما آنقدر ژاپن را دوست دارید که بعقیده شما ژاپنی‌های جنایتکار جنگ در آنجا از امنیت و آسایش بیشتری برخوردار خواهند بود و رفتار شایسته‌تری خواهند دید تا در مناطق تحت سلطه شما . آیا این مسئله قضائی است ؟ و اگر هست چرا مطرح میشود ؟ آیا ممکن است شما حتی فراموش کرده باشید که تجاوزکاران ژاپنی مدت هشت سال تمام با ما جنگیده‌اند ؟ آیا این امر هیچ ارتباطی با مذاکرات صلح ندارد ؟ روز ۱۴ ژانویه که حزب کمونیست چین شرایط هشت‌گانه را برای مذاکرات صلح مطرح ساخت هنوز آزادی یاسوژی اکامورا صورت نگرفته بود . آزادی مذکور روز ۲۶ ژانویه صورت گرفت ، پس این مسئله‌ای است که باید مطرح شود و با مذاکرات صلح در ارتباط است . شما باطاعت از فرمان ماکارتور ، روز ۳۱ ژانویه ۲۶ ژاپنی جنایتکار جنگ را با یاسوژی اکامورا به ژاپن فرستادید . پس ارتباط این مسئله با مذاکرات صلح بازهم نزدیک‌تر میشود . شما چرا تقاضای مذاکرات صلح کردید ؟ برای اینکه در جنگ مغلوب شدید . و چرا مغلوب شدید ؟ برای اینکه جنگ داخلی بر علیه خلق برانگیختید . و کی این جنگ داخلی را برانگیختید ؟ پس از تسلیم ژاپن . و بر علیه کی این جنگ را برانگیختید ؟ بر علیه ارتش آزادیبخش توده‌ای و مناطق آزادشده توده‌ای که در جنگ مقاومت ضد ژاپنی خدمات عظیمی انجام داده‌اند . و با چه وسیله‌ای باین جنگ

داخلی پرداختید ؟ علاوه بر کمک آمریکا ، بوسیله افرادی که در مناطق تحت سلطه خویش از خانواده های خود جدا کردید و بوسیله ثروت هائی که از خلق آنجا بغارت بردید . بمحض اینکه پیکار عظیم قاطع خلق چین بر ضد تجاوزکاران ژاپنی تمام شد ، بمحض اینکه جنگ خارجی پایان یافت شما جنگ داخلی را برانگیختید . شما مغلوب شدید و تقاضای مذاکره کردید و سپس ناگهان یاسوژی اکسورا ، این ژاپنی جنایتکار عمده جنگ را تبرئه کردید . و همینکه ما به اعتراض پرداختیم و خواستار شدیم که او را از نو بزدان بیفکنید تا به ارتش آزادیبخش توده های تحویل داده شود ، شما وی را با ۲۶ ژاپنی جنایتکار دیگر جنگ با عجله به ژاپن فرستادید . آقایان اعضاء دولت ارتجاعی و خائن گویندگان ، عملی که شما مرتکب شده اید بیش از اندازه نامعقول است ، نقض بسیار فاحش اراده خلق است . اینک ما مخصوصاً کلمه "خائن" بر عنوان شما افزوده ایم و شما باید آنرا بپذیرید . دولت شما مدتهاست که دولت خائن است و فقط بمنظور اختصار بوده است که ما گاهی این کلمه را از قلم انداخته ایم ، حالا دیگر نمیتوانیم آنرا بقلم نیاوریم . شما علاوه بر کلیه خیانت هائی که در گذشته مرتکب شده اید اکنون خیانتی انجام داده اید که از فاحش ترین آنهاست ، و این نکته ایست که مسلماً باید ما در طی مذاکرات صلح مورد بحث قرار دهیم . خواه شما بگوئید که این "موجب پیچیدگی کار میشود" و خواه نگوئید مسئله باید حتماً مورد بحث قرار گیرد . و از آنجا که این حادثه پس از ۴۱ ژانویه روی داده و نمیتوانسته است در شرایط هشت گانه که ما قبلاً تنظیم کرده بودیم مطرح باشد بنظر ما ضروری است که ماده جدیدی بر شرط نخستین اضافه شود بشرح زیرین : مجازات ژاپنیهای جنایتکار جنگ . باین طریق اینک

شرط نخستین شامل دو ماده است : الف - مجازات ژاپنی‌های جنایتکار جنگ ؛ ب - مجازات جنایتکاران جنگ داخلی . ما حق داریم این ماده جدید را بیفزائیم ؛ این ماده مبین اراده قاطبه خلق است . خلق می‌طلبد که ژاپنی‌های جنایتکار جنگ تنبیه شوند . حتی در درون گومیندان نیز بسیاری عقیده دارند که طبیعی است و عادلانه است که یاسوژی اکامورا و سایر ژاپنی‌های جنایتکار جنگ در ردیف چانکایشک و سایر جنایتکاران جنگ داخلی بمجازات برسند . خواه شما بگوئید که اراده ما در کار صلح صمیمانه است و خواه نگوئید ، مسئله این دو دسته جنایتکار جنگ باید مورد بحث قرار گیرد و هر دو دسته باید تنبیه شوند . در مورد این مطالبه ما که شما باید قبل از شروع مذاکرات بدستگیری گروهی از جنایتکاران جنگ داخلی پردازید و از فرار آنان جلوگیری بگیرید بعقیده شما صلح "نباید شروط قبلی داشته باشد" . آقایان اعضاء دولت ارتجاعی و خائن گومیندان ، این شرط قبلی نیست بلکه مطالبه‌ایست که بطور کاملاً طبیعی از پذیرش شرط مربوط به مجازات جنایتکاران جنگ ناشی میشود که شما آنرا بعنوان پایه‌ای برای مذاکرات پذیرفته‌اید . ما مأموریت بدستگیری این جنایتکاران را بشما دادیم تا مبادا فرار کنند . آنکه که ما هنوز تدارکات خویش را برای مذاکره تمام نکرده بودیم شما در آتش اشتیاق مذاکره میسوختید و غصه‌دار بودید که کاری نیست تا انجام دهید . از اینجهت ما کار مناسبی برای شما معین کردیم . این جنایتکاران جنگ دستگیر خواهند شد . اگر باخر دنیا هم بگریزند باید دستگیر شوند . شما که سرشار از شفقت هستید ، شما که خواهان "کوتاه کردن جنگ" ، "تخفیف مصائب خلق" و "مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر" میباشید و همگی چنان قلب رئوفی دارید ، شما نباید نسبت به مسئولان کشتار

میلیون‌ها نفر از هموطنان خویش اظهار ترحم کنید . آنقدر که از روی حسن‌نیت شما در قبول مجازات جنایتکاران جنگ بعنوان یکی از پایه‌های مذاکرات میتوان قضاوت کرد بنظر میرسد که شما چندان ترحمی نسبت باین افراد ندارید . معذک چون اظهار میدارید که دستگیری فوری اینان برای شما محظوراتی به پیش می‌آورد لااقل از فرارشان جلوگیری کنید . در هیچ حالی نباید بگذارید که بگریزند . فکر کنید آقایان ، پس از اینهمه زحمت که بخود دادید تا نمایندگانی برای بحث در مسئله مجازات جنایتکاران جنگ بنزد ما بفرستید اگر اینها گریخته باشند ما از چه صحبت خواهیم کرد ؟ آقایان نمایندگان شما چقدر سبک خواهند شد . در آن صورت نشانه آنهمه " تمایل صمیمانه به صلح " که شما دارید چه خواهد بود ؟ در آن صورت ، آقایان ، چگونه میتوانید ثابت کنید که شما واقعاً آرزومند " کوتاه کردن جنگ " ، " تخفیف مصائب خلق " و " مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر " هستید و بسیج‌چوجه ریا نمیکنید ؟ سخنگوی گوسیندان حرفهای نامعقول دیگر نیز بسیار زده‌است . اما این حرفها نمیتواند کسی را بفریبد و ما پاسخ گوئی بانها را بیفایده میدانیم . آقایان اعضاء " دولت " فرضی و قراردادی ارتجاعی و خائن گوسیندان (در نظر داشته باشید که کلمه دولت در گیومه است) در نانکن یا گوان جو یا فون هوا یا شانگهای ! اگر بازهم فکر میکنید که برخورد ما در این اظهاریه جدی نیست خواهش میکنیم ما را معذور دارید زیرا که این یگانه برخوردی است که ما میتوانیم نسبت بشما داشته باشیم .

ارتش را به واحد کار مبدل کنید

(۸ فوریه ۱۹۴۹)

تلگراف سورخ چهارم فوریه شما را دریافت کردیم . اینکه در تعلیم و تقویت ارتش سرعت بخرج داده و آماده میشوید که يك ماه قبل از موعد مقرر وارد کارزار گردید (۱) ، شایان تقدیر است . امیدواریم باینکار اداسه دهید و از کوشش خود نگاهید . ولی شما عملاً باید در ماه مارس نیز همچنان به تعلیم و تقویت ارتش پردازید ، معهذا باید تکیه آموزش را روی مشی‌های سیاسی بگذارید و خود را برای تسخیر شهرهای بزرگ و اداره امور آنها آماده کنید . از این بعد فرمولی را که طی بیست سال اخیر بکار میبردیم ، یعنی "اول دهات سپس شهرها" ، معکوس میشود و باینصورت درمیآید : "اول شهرها سپس دهات" . ارتش فقط واحد نبرد نیست بلکه بطور عمده واحد کار است . کلیه کادرهای ارتش باید چگونگی تسخیر شهرها و اداره امور آنها را فراگیرند ؛ باید بخوبی بدانند که رفتارشان در شهرها با اسپریالیستها و مرتجعین گومیندان و نحوه

متن تلگرافی که از طرف رفیق مائو تسه دون برای کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در جواب به ارتشهای صحرائی دوم و سوم تنظیم شده است . این تلگراف در عین حال به سایر ارتشهای صحرائی و به

برخوردشان با بورژوازی چگونه باید باشد . آنها باید در رهبری کارگران و سازماندهی سندیکاها ، بسیج و سازماندهی جوانان ، در آمیختن با کادرهای مناطق تازه آزاد شده و آموزش آنان ، اداره صنایع و تجارت ، رهبری مدارس ، روزنامه ها ، خبرگزاری ها و ایستگاههای رادیو ، پرداختن باسور خارجی ، فیصله دادن بمسائل مربوط به احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای ، تنظیم مناسبات بین شهر و ده ، حل مسائل خواربار و زغال و سایر مایحتاج و حل مسائل پولی و مالی وارد و قادر باشند . خلاصه از این بعد کادرهای ارتش و رزمندگان باید کلیه مسائل مربوط به شهر را که در گذشته با آنها آشنائی نداشتند ، بمعینه بگیرند . شما در پیشروی خود چهار یا پنج استان را تسخیر خواهید کرد ، علاوه بر کار در شهرها باید در مناطق روستائی پهناور نیز کار کنید . از آنجا که مناطق روستائی در جنوب همگی بتازگی آزاد میشوند ، کار در این مناطق با کار در مناطق آزاد شده قدیم در شمال اساساً تفاوت دارد . در این مناطق در سال اول هنوز نمیتوان سیاست تقلیل بهره سالکانه و ربح را عملی ساخت . بهره سالکانه و ربح باید تقریباً مثل سابق پرداخته شود . شما تحت چنین شرایطی است که در دهات کار خواهید کرد . از اینجهت کار در روستا نیز اقتضا دارد که به کارآموزی جدیدی پردازید . ولی کار در ده را از کار در شهر آسانتر میتوان فراگرفت . کار در شهر دشوارتر است

بوروهای کمیته مرکزی مربوطه نیز فرستاده شد . رفیق مائو تse دون با در نظر گرفتن اینکه پس از سه عملیات بزرگ لیائو سی - شن یان ، حوای های و بی پین - تیائو زین دوره نبردهای بزرگ بسر رسیده است ، بموقع در این تلگراف خاطر نشان ساخت که ارتش آزادیبخش توده ای فقط واحد نبرد نیست بلکه باید در عین حال واحد کار هم باشد ووظیفه عمده آن در شرایط معینی وظیفه واحد کار است . این رهنمود در

و در حال حاضر باید موضوع عمده مطالعه شما قرار گیرد . اگر کادرهای ما نتوانند طرز اداره امور شهرها را بسرعت بیاموزند ، ما با مشکلات فوق العاده زیادی روبرو خواهیم شد . بنابراین شما باید کلیه مسایل دیگر را در ماه فوریه حل کنید و تمام ماه مارس را با سوختن کار در شهرها و در نواحی تازه آزاد شده اختصاص دهید . گومیندان دیگر جز يك ارتش يك ميليون و چند صد هزار نفری چیز دیگری در اختیار ندارد که آنها را در سرزمین خیلی پهناوری پراکنده است . البته ما هنوز نبردهای متعددی در پیش داریم . ولی احتمال وقوع نبردهای بزرگ مانند عملیات اهراتیو حوای های کم و حتی میتوان گفت که اصلاً وجود ندارد و دوران نبردهای سخت و بزرگ سپری گشته است . ارتش مانند گذشته واحد نبرد است و در این مورد هیچگونه اهمالی از جانب ما نباید صورت گیرد . اگر اهمال کنیم ، دچار اشتباه خواهیم شد . معذك وظیفه ای که از هم اکنون در برابر ما قرار دارد اینست که ارتش را بواحد کار بدل سازیم . چنانچه از هم اکنون چنین وظیفه ای را در برابر خود قرار ندهیم و با اجرای آن همت نگماریم ، مرتکب اشتباه بسیار بزرگی خواهیم شد . ما آماده میشویم که قریب ۵۳,۰۰۰ کادر همراه ارتش بجنوب اعزام داریم ، ولی این تعداد خیلی کم است . هشت یا نه استان و ده ها شهر بزرگ که ما باید اشغال کنیم ، نیازمند عده کثیری کادر کارند ، و ارتش برای حل این

آن دوره در حل مسئله کادرها در مناطق تازه آزاد شده و در توسعه بی وقفه انقلاب توده ای دارای اهمیت بزرگی بود . درباره اینکه ارتش آزادیبخش توده ای از نظر ماهیت در عین حال هم واحد نبرد و هم واحد کار است ، رجوع شود به « گزارش به دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین » ، بخش ۲ ، جلد حاضر .

مسئله باید بطور عمده بخود تکیه کند. ارتش يك مدرسه است؛ ارتشهای صحرائی ما که شامل ۲,۱۰۰,۰۰۰ نفراند، بمنزله چندین هزار دانشگاه و دبیرستان اند. ما برای تهیه کادرهای کار باید بطور عمده به ارتش تکیه کنیم. این نکته باید برای شما کاملاً روشن باشد. چون دوران نبردهای سخت و بزرگ بطور عمده دیگر بسر رسیده است، باید تکمیل نفقات ارتش و تأمین ساز و برگ آن در حد متناسب عملی گردد. نباید در مورد کمیت و کیفیت و تعاضیت آنقدر پرتوقع بود که موجب بحران مالی شود. این نکته دیگری است که شما باید مورد توجه جدی قرار دهید. اصول فوق‌الذکر درباره ارتش صحرائی چهارم نیز کاملاً صدق میکند و از رفقا لین بیائو و لوه ژون هوان هم خواهش میشود که به آنها توجه نمایند. ما با رفیق کان شن مفصل گفتگو کردیم و از او خواستیم که حد اکثر تا دوازدهم این ماه به شما ملحق شود و درباره این مسائل با شما مذاکره کند. تقاضا میکنیم پس از مذاکره بیدرنگ نظریه خود و همچنین اقداماتی را که میخواهید انجام دهید، تلگرافی بما اطلاع دهید. بوروی چین شرقی و ستاد کل منطقه نظامی چین شرقی باید فوراً به سیوجو منتقل شوند تا با کمیته عمومی جبهه (۲) و کمیته جبهه ارتش صحرائی سوم تشریک مساعی کنند و تمام هم خود را برای تدارك حرکت بسوی جنوب متمرکز سازند. تمام امور خود را در مورد پشت جبهه به شعبه بوروی شان دون بسپارید.

یادداشتها

۱ - ارتشهای صحرائی دوم و سوم در نظر داشتند که تاریخ گذار از

رودخانه یان تسه را که قبلاً برای آوریل ۱۹۴۹ پیش‌بینی شده بود ، يك ماه جلو بپندازند . این امر در اثر مذاکرات صلح با دولت ارتجاعی گومیندان به دهه آخر آوریل موکول گردید .

۲ - کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برای اینکه به نیازمندیهای عملیات اپراتیو حوای های پاسخ دهد ، در ۱۶ نوامبر ۱۹۴۸ تصمیم گرفت کمیته عمومی جبهه را مرکب از رفقا لیو بوه چن ، چن ای ، دن سیائو پین ، سو یو و تن جن لین ، بدبیری رفیق دن سیائو پین تشکیل دهد تا آنکه کمیته مذکور فرماندهی واحد ارتش صحرائی دشتهای مرکزی و ارتش صحرائی چین شرقی را بمهد و همچنین رهبری امور نظامی و عملیات را در جبهه حوای های عمل گرداند .

www.KetabFarsi.com

چرا مرتجعان که در پراکندگی کامل افتاده‌اند هنوز بیهوده برای "صلح همگانی" جنگال میکنند؟

(۱۵ فوریه ۱۹۴۹)

رژیم ارتجاعی گومیندان زودتر از آنچه انتظار سیرفت فرو میریزد .
اندکی بیش از چهار ماه از موقعیکه ارتش آزادیبخش توده‌ای جی نان
را گرفت و اندکی بیش از سه ماه از موقعیکه وی شن یان را بتصرف
در آورد نمیگذرد که کلیه بقایای نیروهای گومیندان در عرصه نظامی ،
سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و تبلیغات گرفتار تشنگی و تلاشی علاج
ناپذیر گردیده‌است . فرو ریختن عمومی رژیم گومیندان با عملیاتهای
اوپراتیو لیاوسی - شن یان و بی پین - تیانزین در جبهه شمالی و عملیات
اوپراتیو حوای های در جبهه جنوبی آغاز شد . در عرض کمتر از چهار
ماه ، از آغاز اکتبر سال گذشته تا پایان ژانویه اسسال این سه عملیات
اوپراتیو برای گومیندان بقیمت بیش از ۱,۵۴۰,۰۰۰ نفر و از آن جمله

۱۴۴ لشکر کامل از ارتش منظم او تمام شد . فروریختن عمومی رژیم گومیندان ، فرجام اجتناب‌ناپذیر پیروزی‌های بزرگ خلق چین در جنگ آزادیبخش و در جنبش انقلابی است . ولی جنجال‌های "صلح" که از طرف گومیندان و خداوندگاران آمریکائیش بر پا گردید نیز نقش نسبتاً مهمی در تسریع این فرو ریختن ایفاء کرد . از اول ژانویه امسال مرتجعان گومیندان به بلند کردن سنگی بنام "تعرض صلح" دست زدند تا آن را بر سر خلق چین پرتاب کنند ولی آن سنگ بروی پا‌های خودشان افتاد . و عبارت بهتر این سنگ گومیندان را خورد کرد . علاوه بر ژنرال فوزه ای که با ارتش آزادیبخش توده‌ای در حل مسالمت‌آمیز مسئله بی‌پین همکاری کرده است عده کثیری از اشخاص در کشور خواهان حل مسالمت‌آمیزاند . آمریکائیان با خشم ناتوانی ناظر اوضاع‌اند و نسبت به دست‌پروردگانی که امید آنان را فریب داده‌اند سخت بر آشفته‌اند . در واقع تعرض صلح ، این سلاح سحرآسا ، از زرادخانه‌های آمریکا بیرون آمده و بیش از شش ماه پیش بوسیله آمریکائیان به گومیندان هدیه شده‌است . خود لیتون استوارت این سر را بروز داد . استوارت پس از آنکه چانکایشک باصطلاح پیام اول سال خویش را منتشر ساخت به خبرنگار خبرگزاری مرکزی چنین اظهار داشت : اینست "آنچه خود من پیوسته در راه آن کوشیده‌ام" . بطوری که خبرگزاری‌های آمریکائی گزارش دادند خبرنگار مذکور چون این سخن را " که برای انتشار نبود " انتشار داد از نان خوردن محروم شد . دارودسته چانکایشک تا مدت‌ها بنابر علتی که صریحاً در رهنمود شعبه تبلیغات کمیته اجرایی مرکزی گومیندان مورخ ۲۷ دسامبر ۱۹۴۸ بشرح زیرین بیان شده جرأت اطاعت از این امر را نداشت :

اگر ما نمیتوانیم بجنگیم به صلح هم نمیتوانیم سبادت جوئیم .

و اگر میتوانیم بجنگیم در آن صورت صحبت از صلح جز اینکه روحیه سپاهیان و روحیه خلق را خراب کند نتیجه دیگری نمیدهد . از اینجهت خواه بتوانیم یا نتوانیم بجنگیم صحبت از صلح برای ما زیان دارد و هیچ سود ندارد .

گومیندان در آن هنگام این رهنمود را منتشر ساخت زیرا که فراکسیونهایی از گومیندان به هواداری از صلح برخاسته بودند . در ۲۵ دسامبر گذشته بای چون سی و شورای مشورتی ایالتی هو به تحت رهبری او مسئله "حل مسالمت آمیز" (۱) را در برابر چانکایشك مطرح ساختند و وی مجبور شد که در اول ژانویه در طی اظهاریه‌ای از مذاکرات صلح بر اساس شرایط پنج‌گانه سخن بگوید . چانکایشك امیدوار بود که اختراع تعرض صلح را از بای چون سی بر باید و سلطه کهن خویش را در زیر عنوان جدید ادامه دهد . روز ۸ ژانویه جان چیون را به حان کونزد بای چون سی فرستاد تا پشتیبانی او را بدست آورد و در همان روز از دولت آمریکا ، انگلستان ، فرانسه و اتحاد شوروی خواستار شد که در جنگ داخلی چین مداخله کنند (۲) . اما همه این اقدامات با ناکامی روبرو شد . اظهاریه ۱۴ ژانویه مائو تسه دون صدر حزب کمونیست چین ضربه هلاک بر دسیسه صلح دروغین چانکایشك وارد آورد و وی را مجبور ساخت که يك هفته بعد "بازنشسته شود" و به پشت پرده برود . چانکایشك ، لی زون ژن و آمریکائیان همه گونه تدارك لازم برای این دسیسه چیده بودند و امیدوار بودند که بهمدستی یکدیگر نمایشنامه صاست جالبی بروی صحنه بیاورند . اما نتیجه بر خلاف انتظار آنان بود : نه فقط تماشاگران سالن پیوسته کم شدند بلکه خود هنرپیشگان نیز یکی پس از دیگری صحنه را ترك گفتند . چانکایشك هنوز در فون هوا در همان "حالت باز نشستگی"

برهبری بقایای نیروها مشغول است ولی وی موقعیت قانونی خویش را از دست داده است و کسانی که باو باور دارند روز بروز کمیاب تر میشوند . "شورای اجرائی" سون کا بابتکار خود "انتقال حکومت به گوان جو" را اعلام داشته و نه فقط در برابر "رئیس جمهور" و "کفیل ریاست جمهور" بلکه همچنین در برابر "شورای قانونگزاری" و "شورای تفتیش" پرچم استقلال برافراشته است . "شورای اجرائی" سون کا به جنگ دعوت میکند (۳) ولی "وزارت دفاع ملی" که عهده دار وظائف جنگ است نه در گوان جو است و نه در نانکن ، و یگانه اثری که از او مشاهده میشود اینست که سخنگویش در شانگهای است . باین طریق یگانه چیزی که لی زون ژن میتواند هنوز از فراز "شهر سنگی" ببیند ... آسمان است که

در خلاء بیکرانی که در هیچ جا راه را بر نگاه نمیندد
بر روی کشور وو و چو افتاده است (۴) .

از روز ۲۱ ژانویه که لی زون ژن بکار پرداخته هیچیک از فرمانهایش اجرا نشده است . اگر چه گویندگان دیگر "دولت" "همگانی" ندارد و در جاهای بسیاری اقدامات برای صلح محلی در جریان است سرسختان گویندگان با صلح محلی مخالفت میورزند و خواهان "صلح همگانی" اند . اما هدف حقیقی آنان اینست که صلح را بکناری زنند باین امید که جنگ را دنبال کنند . آنان سخت بیمناک اند که مبدا این اقدامات صلح محلی بعدی دامنہ یابد که از نظارت آنان خارج شود . این مسخره که گویندگان پراکنده و متلاشی خواهان "صلح همگانی" است با اظهاریه ۹ فوریه دن وین ای ، این جنایتکار جنگ و رئیس شعبه کار سیاسی باصطلاح وزارت دفاع ملی در شانگهای باوج خود رسید . دن وین ای

مانند سون کا اظهاریه ۲۲ ژانویه لی زون ژن را که هشت شرط صلح حزب کمونیست چین را بعنوان پایه مذاکرات پذیرفته بود رد کرد و "صلح بر پایه تساوی ، صلح همگانی" را اعلام داشت و گفت که در غیر اینصورت "ما از هیچ فداکاری دریغ نخواهیم ورزید و با کمونیست‌ها تا آخر مبارزه خواهیم کرد" . ولی دن وین ای فراموش کرد که بگوید ما ، ما دشمنان وی ، اینک با چه کسی باید درباره "صلح بر پایه تساوی ، صلح همگانی" مذاکره کنیم . مراجعه به دن وین ای ظاهراً بجائی نخواهد رسید . اما مراجعه بشخص دیگر غیر از او نیز بجائی نخواهد رسید . اینست که انسان را دچار محذور میکند . بموجب خبر خبرگزاری مرکزی از شانگهای بتاريخ ۹ فوریه :

یکی از روزنامه‌نگاران از دن وین ای پرسید : " آیا کفیل ریاست جمهور لی شروط چهارگانه اظهاریه شما (۵) را تأیید کرده‌است؟ " دن وین ای پاسخ داد : " موضع من موضع وزارت دفاع ملی است . شروط چهارگانه که امروز منتشر میشود قبلاً بنظر کفیل ریاست جمهور لی نرسیده‌است . "

در اینجا دن وین ای نه فقط موضع خاصی بنام موضع باصطلاح وزارت دفاع ملی اختراع کرده که غیر از موضع عمومی باصطلاح دولت‌گومیندان است بلکه در واقع موضع خاص‌تری بنام موضع شعبه کار سیاسی باصطلاح وزارت دفاع ملی اختراع کرده که غیر از موضع خاص وزارت اخیر است . زیرا که دن وین ای با حل مسالمت‌آمیز مسئله پی بین آشکارا مخالفت ورزیده و یان تاخته‌است ، و حال آنکه باصطلاح وزارت دفاع ملی در ۲۷ ژانویه از این امر استقبال کرد و آن را اقدامی دانست که "کوتاه کردن جنگ و نیل به صلح ، و حفظ پی بین ، این پایتخت کهن سال ،

و حفظ ثروت‌های فرهنگی و بناهای تاریخی آن “ را میسر میگرداند و اظهار داشت که در دا تون، در سوی یوان و سایر جاها (۶) نیز بهمین طریق “قطع مخاصمه عملی خواهد شد“. از اینجا بر میآید که مرتجعانی که با حرارت بیشتر برای “صلح همگانی“ جنجال میکنند درست همان‌هایی هستند که کمتر از همه موضع همگانی دارند. يك شعبه کار سیاسی وزارت دفاع ملی بخود اجازه میدهد که بمخالفت با وزارتخانه خویش و حتی کفیل ریاست جمهور سخن بگوید. امروزه این مرتجعان بزرگترین مانع تحقق صلح در چین اند. رؤیای آنها اینست که در پناه شعار “صلح همگانی“ به تهبیج به سود جنگ همگانی پردازند. سخن آنها عیناً اینست: “اگر جنگ است باید جنگ همگانی باشد و اگر صلح است باید صلح همگانی باشد“. ولی در واقع نه آن نیرو را دارند که به صلح همگانی تحقق بخشند و نه آن نیرو که بجنگ همگانی دست بزنند. نیرو کاسلا در دست خلق چین است، در دست ارتش آزادیبخش توده‌ای چین، در دست حزب کمونیست چین و سایر احزاب دموکراتیک است، در دست گومیندان که در پراکندگی و تلاشی کامل افتاده‌است نیست. يك طرف تمام نیرو را در دست دارد و طرف دیگر در پراکندگی و تلاشی کامل علاج‌ناپذیری است. این نتیجه مبارزه طولانی خلق چین و نتیجه سلسله طولانی جنایات گومیندان است. هیچ صاحب نظری نمیتواند این واقعیت اساسی را در وضعیت سیاسی چین کنونی از دیده فرو گذارد.

یادداشتها

۱ - بای چون سی فرمانده ستاد کل گومیندان برای “امعاء راهزنان“ در

چین مرکزی ، با استفاده از موقعیت بسیار نامناسبی که در آن دوره برای چانکایشک پیش آمده بود در ۲۵ دسامبر ۱۹۴۸ بوی پیشنهادی داد مبنی بر "حل مسالمت آمیز" مسئله جنگ داخلی باین قصد که چانکایشک را به کناره گیری از قدرت وادار سازد و موقعیت دارودسته گوان سی که بای چون سی بآن وابسته بود تحکیم شود . باصطلاح شورای مشورتی ایالتی حو به ، تحت رهبری بای چون سی تلگرافی به چانکایشک فرستاد و بوی گوشزد کرد که "اگر این جنگ مغرب همچنان دامنه گیرد و اگر کوششی فوری برای ترمیم وضعیت بعمل نیاید ، حکومت و خلق رهسپار فنا خواهند شد" و از او خواست که "راه حل عادی سیاسی را دنبال کند و در جستجوی وسائل برای از سرگرفتن مذاکرات صلح باشد" .

۲ - تقاضای مداخله از طرف دولت آمریکا ، انگلستان ، فرانسه و شوروی رد شد . دولت آمریکا در "یادداشت" ۱۲ ژانویه به دولت گومیندان توضیح داد که آمریکا تقاضای دولت گومیندان را رد میکند زیرا که از این کار "تصور نمیرود نتیجه مفیدی عاید گردد" . این رد تقاضا بآن معنی بود که دولت آمریکا در همان هنگام نیز حس میکرد که دیگر نمیتواند از فتنای رژیم ارتجاعی چانکایشک ، این رژیم مورد پشتیبانی خود ، جلوگیری کند .

۳ - در روزهای ۶ و ۷ فوریه ۱۹۴۹ سون کا ، رئیس باصطلاح شورای اجرائی دولت گومیندان ، دو اظهاریه در گوان جو داد و در آنها با اظهاریه لی زون ژن در مورد قبول شرایط هشتگانه پیشنهادی حزب کمونیست چین بعنوان پایه مذاکرات صلح مخالفت ورزید . وی گفت : "دولت به گوان جو منتقل شده است و در آنجا عمل میکند و ما باید گذشته خویش را مورد بررسی انتقادی قرار دهیم" . همچنین وی اظهار داشت : "شرط مربوط به مجازات جنایتکاران جنگ که کمونیست ها به پیش کشیده اند ابدأ پذیرفتنی نیست" .

۴ - مستخرج از قطعه شعری است بعنوان «برباروی شهر سنگی» که بوسیله شاعر چینی قرن ۱۴ ، سعد الله ، در زمان سلسله یوان ها بر زمینه «نیان نو جیاو» ساخته شده است . "شهر سنگی" نام قدیم نانکن است . کشور وو و چو بترتیب در قسمت پائین و وسط رودخانه یان تسه قرار داشت .

۵ - دن وین ای در اظهاریه کتبی خویش راجع به «تحول صلح و جنگ» "چهار ماده" زیرین را اعلام کرد : ۱ - "دولت صلح میخواهد" ؛ ۲ - "حزب کمونیست چین جنگ میخواهد" ؛ ۳ - "صلح محلی در بی پین نیرنگی شده است" ؛ ۴ - "ما از هیچ فداکاری دریغ نخواهیم ورزید و با کمونیستها تا آخر مبارزه

خواهیم کرد» .

۶ - پس از آزادی تیانزین و بی پین فقط چند نقطه منفرد در دست نیروهای گومیندان در چین شمالی باقی ماند که از آن جمله عبارت بود از : تای یوان ، دا تون ، سین سیان ، ان یان ، گوی سوی . سپاهیان دشمن در تای یوان در ۲۴ آوریل ۱۹۴۹ بکلی نابود شدند . سپاهیان دا تون در ۱ ماه مه به تجدید سازمان مسالمت آمیز تن در دادند . سپاهیان سین سیان در ۵ ماه مه به ارتش آزادیبخش توده‌ای تسلیم شدند . سپاهیان ان یان در ۶ ماه مه نابود شدند . گوی سوی در ۱۹ سپتامبر از طریق مسالمت آمیز آزاد شد .

مرتجعان گومیندان از "دعوت بصلح" بدعوت بجنگ روی آورده‌اند

(۱۶ فوریه ۱۹۴۹)

سرجنبانان دارودسته ارتجاعی گومیندان که پس از آنکه چانکایشک راهزن در روز ۱ ژانویه به تعرض صلح پرداخت پیوسته از اراده خویش مبنی بر " کوتاه کردن جنگ " ، " تخفیف مصائب خلق " و " مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر " دم میزدند از دهه اول فوریه ناگهان ترجیع‌بند صلح را رها کردند و ذکر دیرینه خویش را از سر گرفته : " مبارزه با کمونیستها تا آخر " . این امر بخصوص در روزهای اخیر مشهود است . در « آموزشهای خاص برای تبلیغات » که در ۳ فوریه از طرف شعبه تبلیغاتی کمیته اجرایی مرکزی گومیندان به " کلیه سازمانها و کلیه جرائد حزب " داده شده است چنین گفته میشود :
به جیان بین بانشار تبلیغاتی برای مناطق پشت جبهه ما دست زده که بموجب آن حزب کمونیست چین صمیمانه خواستار صلح است . در عین حال اقدامات نظامی دولت را بعنوان نشانه عدم حسن‌نیت در امر صلح محکوم ساخته است . کلیه جرائد

ما باید این اظهارات را مستقیم و غیر مستقیم بر طبق موارد زیرین مجدانه رد کنند .

آنگاه « آموزشهای خاص برای تبلیغات » يك سلسله دليل برای این «رد کردن» می آورد :

بهتر است که دولت تا آخر مبارزه کند تا آنکه بدون شرط تسلیم شود .

شرایط هشت گانه مائو تسه دون در اظهاریه ۱۴ ژانویه بمعنای فتنای ملت است . دولت نمیبایست آنها را بپذیرد .

... حزب کمونیست چین ... باید مسئولیت بهم زدن صلح را برعهده گیرد . ولی معذلك اکنون وی فهرستی از باصطلاح جنایتکاران جنگ تنظیم کرده که شامل کلیه رهبران دولت است ، و حتی خواسته است که دولت بدستگیری آنها آغاز کند ، این امر بصراحت میرساند که حزب کمونیست چین تا چه درجه مغرور و نابخرد است . اگر روش وی تغییر نپذیرد بدون تردید یافتن وسیله ای برای آغاز مذاکرات صلح دشوار خواهد شد .

دیگر اثری از آن یتابی برای مذاکرات صلح که دو هفته پیش دیده میشد مشهود نیست . دیگر این کلمات مشهور که در همه جا پخش میشد و بدلهای مینشست بگوش نمیرسد : « کوتاه کردن جنگ » ، « تخفیف مصائب خلق » و « مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر » . اگر حزب کمونیست چین حاضر نیست « روش » خود را تغییر دهد و بر سر مجازات جنایتکاران جنگ اصرار میورزد مذاکرات صلح غیر ممکن خواهد شد . در این صورت کدام ملاحظه است که بر ملاحظات دیگر مقدم است ؟ نجات خلق یا نجات جنایتکاران جنگ ؟

اگر از روی « آموزشهای خاص برای تبلیغات » که بوسیله این سرجنبانان گومیندان تنظیم شده است قضاوت کنیم اینان نجات جنایتکاران جنگ را مقدم می‌شمردند . حزب کمونیست چین در مورد فهرست جنایتکاران جنگ همچنان با احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای مشغول مشورت است و هم اکنون نظریاتی از جوانب مختلف باو رسیده است . هیچیک از نظریاتی که تا امروز رسیده با فهرستی که روز ۲۵ دسامبر گذشته از طرف شخصیت صلاحیت‌دار حزب کمونیست چین مطرح شد موافق نیست . چنین اظهار عقیده می‌شود که فهرستی که فقط نام چهل و سه جنایتکار جنگ را در بردارد خیلی کوتاه است ؛ تعداد مسئولان برانگیختن جنگ ضد انقلابی و کشتار چندین میلیون انسان مسلماً به چهل و سه محدود نمی‌شود ، باید از صد نفر خیلی بیشتر باشد . ما عجالتاً فرض کنیم که تعداد جنایتکاران جنگ بیش از صد نفر باشد . در این صورت می‌خواهیم از سرجنبانان گومیندان بپرسیم : چرا با مجازات جنایتکاران جنگ مخالفت می‌ورزید ؟ آیا خواهان " کوتاه کردن جنگ " و " تخفیف مصائب خلق " نیستید ؟ اگر بعلت مخالفت شما جنگ ادامه یابد آیا این گذراندن زمان و ادامه مصائب جنگ نیست ؟ " گذراندن زمان و ادامه مصائب جنگ " همان اتهامی بود که شما در اظهاریه ۲۶ ژانویه ۱۹۴۹ بنام سخنگوی دولت نانکن بر حزب کمونیست چین وارد می‌ساختید . آیا اینک می‌خواهید این اتهام را پس بگیرید و آنگاه آن را بر پلاکات نوشته بعنوان علامت افتخار برگردن خویش بیاویزید ؟ شما از آن مردان سرشار از شفقت هستید که " نجات خلق را بر ملاحظات دیگر مقدم می‌شمردند " . پس چرا ناگهان تغییر روش می‌دهید و نجات جنایتکاران جنگ را بر ملاحظات دیگر مقدم می‌دارید ؟ طبق آمار وزارت

کشور شما جمعیت چین دیگر ۵۰۰ میلیون نیست بلکه ۷۵۰ میلیون است . این رقم را با رقم جنایتکاران جنگ که صد و چند ده نفر است مقایسه کنید : کدام يك بزرگتر است ؟ شما سرجنابان حساب میدانید . بخود زحمت بدهید و قبل از هرگونه نتیجه گیری از روی کتاب درسی خویش درست حساب کنید . اگر پیش از آنکه این حساب را درست انجام دهید با عجله به تغییر بیان نخستین خویش ، یعنی ”مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر “ یعنی بیان والائی که مورد قبول ما و قاطبه خلق است ، پردازید و بیان دیگر ، یعنی ”مقدم داشتن نجات صد و چند ده نفر جنایتکار جنگ بر ملاحظات دیگر “ را بجای آن بگذارید در آن صورت نمیتوانید خودتان را سر پا نگه دارید . مواظب باشید . این اشخاص که پیوسته لزوم ”مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر “ را تکرار میکردند ، پس از آنکه چند هفته ”صلای صلح “ در دادند اينك از ”صلای صلح “ به صلاي جنگ روی آورده اند . بدبختی سرسختان گومیندان در همین است که لجوجانه با خلق مخالفت میورزند ، خلق را پامال میکنند ، و بدین جهت بر فراز معبد منفرد میمانند و تا نفس واپسین توبه نمیکند . توده های وسیع خلق در حوضه یان تسه و در جنوب ، شماها ، کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ، خرده بورژوازی شهری ، بورژوازی ملی ، متنفذین روشن بین و اعضای با وجدان گومیندان ، گوش فرا دارید : عمر سرسختان گومیندان که شما را پامال کردند پایان رسیده است ، شما و ما در يك جانب قرار داریم . این يك مشقت سرسخت بزودی از فراز معبد ساقط خواهند شد و چین توده ای قدم بعرصه خواهد گذاشت .

تفسیری درباره پاسخ‌های گوناگون گومیندان به مسئله مسئولیت جنگ

(۱۸ فوریه ۱۹۴۹)

دولت که از همان پایان جنگ مقاومت باتخاذ سیاست صلح و ساختمان ملی دست زد کوشید که مسئله حزب کمونیست چین را از راه مسالمت‌آمیز حل کند . اما حزب کمونیست چین در عرض يك سال و نیم کلیه قراردادها را نقض کرد . پس اوست که باید مسئولیت بهم زدن صلح را بر عهده گیرد . ولی معذالك اکنون وی فهرستی از باصطلاح جنایتکاران جنگ تنظیم کرده که شامل کلیه رهبران دولت است ، و حتی خواسته است که دولت بدستگیری آنها آغاز کند . این امر بصراحت می‌رساند که حزب کمونیست چین تا چه درجه مغرور و نابخرد است . اگر روش وی تغییر نپذیرد بدون تردید یافتن وسیله‌ای برای آغاز مذاکرات صلح دشوار خواهد شد .

اینست کلیه استدلالات مربوط به مسئله مسئولیت جنگ که در « آموزش‌های خاص برای تبلیغات » مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۴۹ صادر از

شعبه تبلیغات کمیته اجرایی مرکزی گومیندان آمده است .

آورنده این استدلالات کس دیگر نیست سگر جنایتکار شماره یک جنگ ، چانکایشك . اوست که در اظهاریه روز اول سال خود گفته بود : من که پیرو پرشور سه اصل خلق و امانتدار آموزش های پدر جمهوری هستم نمیخواستم که عملیات نظامی برای اسحاء راهزنان را جانشین جنگ بر ضد ژاپن سازم و باین طریق موجب تشدید مصائب خلق شوم . از اینجهت همینکه جنگ مقاومت پایان یافت دولت ما سیاست صلح و ساختمان ملی را اعلام داشت و در صدد برآسد که مسئله حزب کمونیست را از راه مشاوره سیاسی و وساطت نظامی حل کند . اما بر خلاف انتظار ما حزب کمونیست مدت يك سال و نیم منتظماً با کلیه قراردادهای و طرح ها مخالفت ورزید بطوری که اجرای آنها بر طبق تصمیمات پیش بینی شده غیرممکن گردید . بالاخره هم به شورش مسلح همگانی دست زد و حتی وجود حکومت را بمخاطره افکند . باین طریق دولت ما در برابر این ضرورت تأسف آور قرار گرفت که باعلام بسیج همگانی برای سرکوب شورش مبادرت جوید .

روز ۲۵ دسامبر ۱۹۴۸ یعنی هفت روز پیش از آنکه چانکایشك این اظهاریه را بدهد ، شخصیت صلاحیت دار حزب کمونیست چین فهرستی از چهل و سه جنایتکار جنگ ارائه داد که نام چانکایشك در رأس آن میدرخشید . جنایتکاران جنگ که میخواهند هم تقاضای صلح کنند و هم مسئولیت را از گردن خویش بیفکنند راهی بهتر از آن نمی بینند که این مسئولیت را بعهده حزب کمونیست بگذارند . ولی این دو چیز باز هم سازگار نیست . اگر حزب کمونیست چین مسئولیت برانگیختن

جنگ را برعهده دارد ، باید او را مجازات کرد . اگر کمونیستها " راهزن " اند باید به " امحاء راهزنان " همت گماشت . اگر آنها " به شورش مسلح همگانی دست زده‌اند " باید " شورش را سرکوب کرد " . " امحاء راهزنان " و " سرکوب شورش " صد در صد عادلانه است . پس چرا باید از آن روی تافت ؟ پس چرا لغت " راهزنان کمونیست " از روز ۱ ژانویه ۱۹۴۹ در کلیه اسناد منتشره گویندگان جای خود را به " حزب کمونیست " داده است ؟

سون کا چون حس میکرد که يك جای کار عیب دارد در نطق رادیوئی خویش در شب همان روز اول سال که چانکایشك اظهاریه داد استدلال دیگری در مورد مسئولیت جنگ آورد . وی گفت :

بخطار داریم که سه سال پیش در دوره‌ای که بلافاصله پس از پایان پیروزی جنگ مقاومت آغاز شد از آنجا که خلق به نیرو گرفتن و دولت به ساختمان مجدانه محتاج بود و احزاب مختلف هنوز درك مشترکی از این نیازندیمها داشتند ، ما نمایندگان محافل مختلف و سرشناسان را به کنفرانس مشورتی سیاسی دعوت کردیم . پس از سه هفته کوشش ، و بخصوص در اثر وساطت خیرخواهانه آقای مارشال ، نماینده مخصوص پرزیدنت ترومن ، ما بر سر برنامه صلح و ساختمان ملی و همچنین بر سر طرح‌های مشخصی برای حل اختلافات خویش توافق بعمل آوردیم . بآسانی میتوان تصور کرد که اگر ما این طرح‌ها را بموقع عملی ساخته بودیم امروزه چین چقدر شکوفان بود و خلق چه سعادتى داشت ! متأسفانه در آن دوره هیچيك از طرف‌های ذینفع نخواست از منافع خودخواهانه خویش کاملاً بگذرد و قاطبه خلق هم بیشترین مساعی خود را در راه

تسریع پیشرفت جنبش بسود صلح بکار نبرد . بالنتیجه مصیبت جنگ دوباره برخاست و خلق را در بینوایی و رنج غوطه‌ور ساخت . سون کا اندکی " منصف " تر از چانکایشک است . چنانکه میبینید او مانند چانکایشک همه مسئولیت جنگ را بر عهده حزب کمونیست نمیافکند بلکه آن را بطور متساوی میان " طرف‌های ذینفع " تقسیم میکند و شیوه " تساوی حقوق در مالکیت ارضی " را بکار میبرد . باین طریق گویندگان ، حزب کمونیست ، جامعه دموکراتیک و سرشناسان هر يك سهمی دارند . بعلاوه ، " قاطبه خلق " هم سهمی دارد . هیچیک از ۷۵ میلیون نفر هموطن ما نمیتواند شانه از زیر مسئولیت خالی کند . در حالی که چانکایشک فقط حزب کمونیست را چوب میزند سون کا همه احزاب ، همه یحزب‌ها و همه هموطنان ما را چوبکاری میکند . حتی چانکایشک و شاید خود سون کا هم چوب بخورد . میبینید که در اینجا دو تن از گویندگان یعنی سون کا و چانکایشک در مقابل هم‌اند . شخص سومی از همین حزب پیش سیاید و میگوید : نه ، بعقیده من تمام مسئولیت باید بر عهده گویندگان بیفتد . نام این شخص لی زون ژن است . لی زون ژن در ۲۲ ژانویه ۱۹۴۹ بمثابه " کفیل ریاست جمهور " اظهاریه‌ای داد و در مورد مسئولیت جنگ چنین گفت :

جنگ داخلی سه ساله که بدنبال جنگ هشت ساله مقاومت در آمد نه فقط آخرین امیدی را که کشور پس از پیروزی در جنگ مقاومت با حیات خود داشت یکباره از میان برد بلکه در جنوب و شمال رودخانه زرد خرابی افشاند ، کشت‌گاهها و ساکن ییشماری را ویران ساخت ، هزاران و هزاران بیگناه را کشت و زخمی کرد ، خانواده‌ها را در همه جا پراکنده گردانید ، ناله

کسانی را که از گرسنگی و سرما رنج میکشند در آورد . این جانکه‌ترین مصیبتی است که در تاریخ جنگ‌های داخلی بر سر کشور ما آمده است .

لی زون ژن در این اظهاریه هیچ نامی را ذکر نمیکند . او مسئولیت را نه برگردن گومیندان میاندازد ، نه برگردن حزب کمونیست و نه برگردن هیچ حزب یا گروه دیگر . ولی يك واقعیت را تصدیق میکند و آن اینست که ” جانکه‌ترین مصیبت ” در جای دیگری روی نداده است مگر ” در جنوب و شمال رودخانه زرد ” . پس بررسی کنیم که چه کسی این ” جانکه‌ترین مصیبت ” را در مناطقی که در جنوب رودخانه زرد تا رودخانه یان تسه و در شمال رودخانه زرد تا رودخانه سون هوا جیان گسترده شده برانگیخته است . آیا ممکن است که این ” جانکه‌ترین مصیبت ” در این مناطق بوسیله خلق و ارتش وی برانگیخته شده باشد که با یکدیگر بجنگ پرداخته‌اند ؟ و از آنجا که لی زون ژن سابقاً رئیس ستاد ژنرال‌سیم در بی پین بود و سپاهیان دارودسته گوان سی او سابقاً در کنار سپاهیان چانکایشک تا درون مناطق کوهستانی ای مون ، در استان شان دون (۱) جنگیده‌اند ، وی باید اطلاعات قابل اطمینانی درباره اینکه این ” مصیبت ” کجا و چگونه بوجود می‌آمد داشته باشد . اگر نمیتوان هیچ چیز خوبی از لی زون ژن گفت در هر حال باید قبول کرد که در اینجا اظهاریه راستگویانه‌ای داده است . بعلاوه بجای آنکه از ” سرکوب شورش ” و ” اسحاء راهزنان ” سخن بگوید وی این جنگ را ” جنگ داخلی ” مینامد ، و میتوان گفت که این از جانب گومیندان يك چیز تازه است .

لی زون ژن برحسب منطق خود در همین اظهاریه میگوید که

”دولت حاضر بود بیدرنگ بر اساس شرایط هشتگانه پیشنهادی حزب کمونیست چین بمذاکره پردازد.“ لی زون ژن میداند که شرط اول این هشتگانه عبارتست از مجازات جنایتکاران جنگ، و نام نامی او نیز در فهرست است. اینکه جنایتکاران جنگ باید بمجازات برسند نتیجه منطقی ناشی از ”مصیبت“ است. باین علت است که سرسختان گومیندان هم اکنون نیز لی زون ژن را با زبان الکن در پرده نکوهش میکنند و میگویند: ”شرایط هشتگانه مائو تسه دون در اظهاریه ۱۴ ژانویه بمعنای فنای ملت است. دولت نمیبایست آنها را بپذیرد.“

بیدلیل نیست که سرسختان فقط با زبان الکن به نکوهش در پرده میپردازند و جرأت نکوهش آشکار ندارند. پیش از آنکه چانگایشک ”بازنشسته شود“ سرسختان در این فکر بودند که شرایط هشتگانه ما را رد کنند ولی چانگایشک پس از تأمل تصمیم گرفت که چنین نکند زیرا که ظاهراً باین عقیده رسید که رد کردن آنها هیچ مفری برای او باقی نخواهد گذاشت، وضع در ۱۹ ژانویه باین منوال بود. آن روز صبح جان جیون مای در بازگشت از نانکن به شانگهای اعلام داشت که ”دولت در جواب شرایط هشتگانه پیشنهادی حزب کمونیست چین بزودی اظهاریه دیگری خواهد داد“ و همان شب خبرگزاری مرکزی در این باره بخشنامه‌ای اداری صادر کرد مشعر بر اینکه:

یادداشت زیرین را بر خبری که هم اکنون درباره اظهاریه جان جیون مای از شانگهای دادیم اضافه کنید: در مورد گفتار جان جیون مای حاکی از اینکه دولت بزودی اظهاریه دیگری خواهد داد، خبرنگار خبرگزاری مرکزی از محافل صلاحیت‌دار کسب اطلاع کرده‌است که دولت چنین قصدی ندارد.

چانکایشك در اظهاریه ۲۱ ژانویه که از "بازنشستگی" خویش صحبت کرد کلمه‌ای در انتقاد از شرایط هشتگانه بر زبان نراند. حتی شرایط پنج‌گانه خویش را پس گرفت و بجای آنها این عبارات را گذاشت: "نیل به صلحی مبتنی بر اینکه حاکمیت و تمامیت ارضی باید حفظ شود، میراث فرهنگی و نظم اجتماعی باید بر جای بماند و زندگی و آزادیهای خلق باید تأمین گردد". چانکایشك دیگر جرأت نکرد مسایلی از قبیل قانون اساسی، سیستم قضائی، و ارتش را به پیش بکشد. از این جهت بود که روز ۲۲ ژانویه لی زون ژن جرأت کرد شرایط هشتگانه حزب کمونیست چین را بعنوان پایه مذاکرات بپذیرد، و از این جهت است که سرسختان گومیندان جرأت نکرده‌اند آنها را آشکارا رد کنند و فقط با زبان الکن میگویند: "دولت نمیبایست آنها را بپذیرد".

آیا سون کا پیوسته سیاست "تساوی حقوق در مالکیت ارضی" را مراعات کرده است؟ نه. وی پس از آنکه روز ۵ فوریه ۱۹۴۹ "دولت را به گوان جو انتقال داد" روز ۷ فوریه نطقی ایراد کرد و درباره مسئولیت جنگ چنین گفت:

در طی شش ماه اخیر، توسعه آفت جنگ موجب تغییراتی جدی در اوضاع شده و مصائب بیمانندی برای خلق بیارآورده است. ریشه همه اینها در خطاها، شکست‌ها و نابخردی‌های گذشته است. وخامت اوضاع کنونی نتیجه آنهاست. ما همه ایمان داریم که سه اصل خلق برای چین ضروری است. تا این سه اصل خلق تحقق نیابد مسائل چین حل نمیشود. بخاطر بیآوریم که بیست سال قبل پیشوای حزب ما شخصاً سه اصل خلق را بما وصیت کرد، باین امید که بتدریج به تحقق درآید. اگر بتحقیق درآمده بود

هرگز اوضاعی چنین علاج ناپذیر پیش نیامد .

بغوی ملاحظه میشود که صدر شورای اجرائی دولت گویندان در اینجا به تقسیم مسئولیت جنگ بسهام متساوی میان احزاب مختلف ، میان همه هموطنان ما نمیپردازد بلکه آن را برعهده خود گویندان میاندازد . جای خوشوقتی است که سون کا فقط بر سرین گویندان چوب سیزند . اما عقیده اش درباره حزب کمونیست چیست ؟ صدر سون میگوید : میتوان دید که حزب کمونیست چین فقط با مطالبه تساوی حقوق در مالکیت ارضی که یکی از عناصر یکی از سه اصل خلق یعنی اصل رفاه خلق است توانست خلق را بفریبد و در خواب کند . ما میبایست از شرمساری سرخ میشدیم ، بر هشیاری خویش میافزودیم و بررسی انتقادی مجددی از خطاهای گذشته خویش دست میزدیم .

متشکریم ، صدر عزیز ! اگر حزب کمونیست چین باز هم به جنایت " فریفتن و در خواب کردن خلق " متهم است لااقل جنایات فجیع تر دیگر مرتکب نشده و بنابر این از چوب خوردن بسته است و میتواند با سر و سرین سالم راه خود را در پیش گیرد .

لطف صدر سون باینجا ختم نمیشود . وی باز در همین نطق میگوید :

توسعه کنونی نفوذ کمونیسم معلول این امر است که اصولی که ما بان ایمان داریم تحقق نیافت . بزرگترین خطای حزب ما در گذشته این بود که برخی از اعضایش پرستنده زور بودند و بر سر قدرت با یکدیگر نزاع میکردند و باین طریق بدشمن فرصت میدادند که تخم نفاق در صفوف ما بیفشانند . پایان جنگ هشت ساله مقاومت فرصتی بود ، فرصتی که يك بار در هزار سال

بدست می‌آید ، که وحدت مسالمت‌آمیز کشور عملی گردد . در آن موقع دولت نقشه‌ای داشت که اختلافات داخلی را با وسائل سیاسی حل کند ولی متأسفانه این نقشه اجراء نشد . خلق پس از سالها جنگ و در هم ریختگی به احیاء فوری احتیاج داشت . آغاز مجدد جنگ ، زندگی را بر خلق غیرممکن گردانید و مصائب عظیمی بر او وارد آورد . از اینجا بود که روحیه سپاهیان صدمه دید و شکست‌های مکرر نظامی را موجب گردید . پرزیدنت چانگ‌کایشک با احترام احساسات عمومی و با در نظر گرفتن اینکه وسائل نظامی به نتیجه نرسیده‌است روز اول سال پیاسی بسود صلح انتشار داد . بسیار خوب ! سون کا جنایتکار جنگ بدون آنکه دستگیر شده باشد و چوب بخورد در اینجا بمیل خود اعترافات صریح و مقرون به حقیقت کرده است . کیست که پرستنده زور بود ، جنگ را برانگیخت و فقط آنگاه از صلح دم زد که معلوم شد وسائل نظامی در حل مسئله ناتوان است ؟ خود گومیندان ، خود چانگ‌کایشک . وقتی که صدر سون می‌گوید ” برخی از اعضا ” حزب او پرستنده زور بودند کلمات خود را بدرستی انتخاب میکند . این با مطالبه حزب کمونیست چین مطابقت دارد که میخواهد فقط عده‌ای از اعضا گومیندان ، نه بیشتر و بطریق اولی نه همه آنها ، بمجازات برسند و بعنوان جنایتکار جنگ شناخته شوند .

باین طریق بر سر تعداد بین سون کا و ما اختلافی نیست . اختلاف فقط بر سر نتیجه‌ای است که باید گرفته شود . ما بر آنیم که ” برخی از اعضا ” گومیندان ، همان‌هایی که ” پرستنده زور بودند ” و موجب ” آغاز مجدد جنگ ” شدند که ” زندگی را بر خلق غیرممکن گردانید ” باید بعنوان جنایتکار جنگ بمجازات برسند . اما سون کا موافق نیست و می‌گوید :

حزب کمونیست که تعیین نمایندگان خود را بتأخیر میاندازد و پیوسته دفع‌الوقت میکند نشان میدهد که او نیز پرستنده زور است، نشان میدهد که وی بر آنستکه اینک بالش بقدر کافی قوی شده و قادر است سراسر کشور را بوسیله زور فتح نماید و بالنتیجه از آغاز قطع مخاصمه سرباز میزند. قصد او کاملاً روشن است. من رسماً اعلام میدارم که بمنظور نیل به صلح پایدار باید مذاکرات از دو طرف بر پایه تساوی شروع شود و شرایط باید درست و عادلانه و برای همه خلق پذیرفتنی باشد.

از اینجا معلوم میشود که صدر سون آنقدر هم بر سر لطف نیست. مسلماً وی بر این عقیده است که مجازات جنایتکاران جنگ، شرط درست و عادلانه‌ای نیست. سخنان او در مسئله جنایتکاران جنگ شباهت بسیار به سخنانی دارد که در «آموزش‌های خاص برای تبلیغات» صادر از شعبه تبلیغات گومیندان مورخ ۱۳ فوریه دیده میشود. او نیز دچار لکنت زبان است و جرأت ندارد مخالفت خویش را صریحاً اظهار کند. او از این حیث با لی زون ژن که جرأت میکند و مجازات جنایتکاران جنگ را بعنوان یکی از شرایط اساسی مذاکرات می‌پذیرد تفاوت آشکار دارد.

معدلك صدر سون آنقدر هم بی‌لطف نیست. البته بعقیده او حزب کمونیست "نیز پرستنده زور است" زیرا که "تعیین نمایندگان خود را بتأخیر میاندازد" و "از آغاز قطع مخاصمه سرباز میزند". ولی معدلك فرق بسیار است بین این حزب و گومیندان که از همان سال ۱۹۴۶ پرستنده زور بود و جنگی آنچنان جانکه برانگیخت. بسیار خوب، حزب کمونیست "تعیین نمایندگان خود را بتأخیر انداخته است" زیرا که تنظیم فهرستی از جنایتکاران جنگ کار سترگی است. باید این فهرست

” برای همه خلق پذیرفتنی باشد “ و فهرست زیاد کوتاه یا زیاد بلند با واقعیت نمیخواند و ممکن نیست از طرف ” قاطبه خلق “ (باستانی جنایتکاران جنگ و همدستان آنان) پذیرفته شود . برای این کار باید با احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای بحث کرد و این امر تا اندازه‌ای موجب ” دفع الوقت “ گردیده و ما را از تعیین سریع نمایندگان خویش باز داشته و ناخشنودی سون کا و نظایر او را باعث شده‌است . اما از اینجا نمیتوان بطور قطع نتیجه گرفت که حزب کمونیست ” نیز پرستنده زور است “ . احتمال میرود که بزودی فهرست جنایتکاران جنگ منتشر شود ، نمایندگان ما تعیین گردند و مذاکرات بوقوع پیوندد . و آنگاه دیگر صدر سون نمیتواند بگوید که ما ” پرستنده زوریم “ .

در مورد اینکه حزب کمونیست ” از آغاز قطع مخاصمه سرباز میزند “ ، این روش صحیحی است که ما در مطابقت با پیام اول سال پرزیدنت چان برگزیده‌ایم . وی در این پیام گفته بود :

همینکه حزب کمونیست چین تمایل صمیمانه به صلح داشته باشد و شواهد صریحی در این زمینه نشان دهد دولت با او با صمیمیت کامل رفتار خواهد کرد و حاضر خواهد بود درباره اقدامات مشخص بمنظور خاتمه مخاصمه و استقرار صلح بمذاکره پردازد .

ولی روز ۱۹ ژانویه شورای اجرائی سون کا قطعنامه‌ای بر خلاف پیام چانکایشک انتشار داد و در آنجا تمایل خود را باینکه ” نخست (به‌مراه حزب کمونیست چین) به قطع فوری و بدون شرط مخاصمه پردازد و سپس طرفین نمایندگان خویش را برای مذاکرات صلح تعیین کنند “ اعلام داشت . روز ۲۱ ژانویه سخنگوی حزب کمونیست چین این قطعنامه ناپه‌ردانه را شدیداً انتقاد کرد (۲) . اما بر خلاف انتظار

ما گوش صدر شورای اجرائی باین انتقاد بدهکار نبود . وی روز ۷ فوریه مجدداً بر خلاف عقل سلیم اظهار داشت که حزب کمونیست با "سرباز زدن از آغاز قطع مخاصمه" نشان میدهد که او نیز "پرستنده زور است" . حتی چانکایشک جنایتکار جنگ خوب میداند که قطع مخاصمه و استقرار صلح بدون مذاکره ممکن نیست . در این زمینه سون کا خیلی از چانکایشک عقب است .

چنانکه همه میدانند سون کا از آن جهت در جزو جنایتکاران جنگ است که پیوسته از چانکایشک در برانگیختن و ادامه جنگ پشتیبانی کرده است . وی هنوز در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۷ میگفت : "بشرط آنکه در عرصه نظامی تا آخر مبارزه کنیم دیر یا زود مسئله حل خواهد شد" . و نیز میگفت : "عجالتاً مسئله مذاکرات صلح نمیتواند مطرح باشد . دولت ملی باید حزب کمونیست را خورد کند ، وگرنه حزب کمونیست است که او را سرنگون خواهد ساخت" . " (۳) سون کا یکی از آن "برخی از اعضاء" گویندگان است که پرستنده زور بودند . اینک وی در کناری ایستاده و سخنان ییهوده سر داده است ، توگوئی که خود او هرگز پرستنده زور نبوده و هیچ مسئولیتی در تحقق نیافتن سه اصل خلق نداشته است . این شرافتمندانه نیست . سون کا ، خواه از لحاظ قانون کشور و خواه از لحاظ انضباط گویندگان ، نمیتواند از آن چوبکاری که سزاوار آن است بگریزد .

یادداشتها

۱ - اشاره است به منطقه کوههای ای شان ومون شان ، در استان شان

دون . سپاه ۶؛ دارودسته گوان سی به‌مراه سپاهیان چانکایشک بر این منطقه حمله آورد . این سپاه که از طریق دریا از جزیره های نان آمده و در اکتبر ۱۹۴۶ در چینگ دائو پیاده شده بود در فوریه ۱۹۴۷ در منطقه لای او از استان شان دون بکل نابود گردید .

۲ - مراجعه شود به « تفسیر سخنگوی حزب کمونیست چین درباره قطعنامه شورای اجرایی نانکن » ، جلد حاضر .

۳ - اشاره است به نظریاتی که سون کا ، معاون آن روزی پرزیدنت دولت گومیندان ، در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۷ در مصاحبه با خبرنگار آسوشیتدپرس ، خبرنگارهای روزنامه گومیندان موسوم به « جون یان ژیبائو » و روزنامه « سین مین یائو » در نانکن اظهار داشت .

گزارش به دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

(۵ مارس ۱۹۴۹)

۱

نیروی عمده ارتش گومیندان در اثر سه عملیات اپراتیو لیائوسی - شن یان ، حوای های ، بی پین - تیانزین نابود شده است . از سپاهیان رزمنده گومیندان فقط کمی بیش از یک میلیون نفر باقی مانده است که در نواحی وسیعی از سین جیان تا تایوان در جبهه های بسیار عریضی

دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از پنجم تا سیزدهم مارس سال ۱۹۴۹ در دهکده سی بای پوه واقع در شهرستان پین شان از استان حه به تشکیل یافت . در این پلنوم سی و چهار عضو کمیته مرکزی و غوزده نامزد کمیته مرکزی شرکت داشتند . این جلسه که در آستانه پیروزی انقلاب خلق چین در سراسر کشور دعوت شده بود ، جلسه فوق العاده مهمی بود . رفیق مائو تسه دون در گزارشی که بجلسه تقدیم داشت ، آن رهنمودهائی را که برای تسریع پیروزی انقلاب در سراسر کشور و برای تأمین این پیروزی لازم

پراکنده‌اند. از این پس برای تعیین سرنوشت این سپاهیان گویندگان بیش از سه طریقه وجود ندارد: طریقه تیانزین، طریقه بی‌پین و طریقه سوی یوان (۱). نابود کردن دشمن از راه نبرد، آنطور که ما در تیانزین انجام دادیم، باید کمافی‌السابق نخستین هدف توجه و کار تدارکاتی ما باشد. کلیه فرماندهان و جنگجویان ارتش آزادیبخش توده‌ای هرگز نباید موجبات مستی اراده رزمنده خویش را فراهم آورند، هرگونه تفکری که باعث مستی اراده رزمنده شود و بدشمن کم‌بها دهد، نادرست است. امکان حل مسئله از طریقه بی‌پین افزایش یافته‌است، بدین معنی که سپاهیان دشمن مجبور میشوند بطور مسالمت‌آمیز برطبق سیستم ارتش آزادیبخش توده‌ای تجدید سازمان سریع و کامل یابند و بصورت واحدهای آن ارتش در آیند. این راه حل برای محو سریع بقایای ضد انقلاب و برانداختن سریع نفوذ سیاسی آن بخوبی حل مسئله از طریق نبرد نیست. اما این راه حل پس از نابودی قسمت عمده نیروهای دشمن راه حلی است که

بود، تشریح نمود. رفیق مائو تسه دون توضیح داد که در اثر پیروزی مرکز ثقل کار حزب باید از ده شهر انتقال یابد؛ وی آن سیاست اساسی را که حزب پس از پیروزی در سراسر کشور در عرصه سیاست، اقتصاد و دیپلماسی باید در پیش گیرد، معین کرد و وظایف عمومی و راه عمده‌ای را که باید تعقیب شود تا چین از صورت کشوری زراعتی بصورت یک کشور صنعتی، از جامعه دموکراسی نوین به جامعه سوسیالیستی تحول یابد، مقرر ساخت و بویژه وضع بخشهای مختلف اقتصاد چین آن روز و سیاست صحیحی را که حزب برحسب شرایط مذکور باید اتخاذ کند، تحلیل کرد، راهی را که چین برای تحقق تحول سوسیالیستی ضرورتاً باید پیماید، نشان داد، انحرافات رنگارنگ "چپ" و راست را در این مورد بباد انتقاد گرفت، و اعتقاد محکم خود را مبنی بر اینکه اقتصاد چین با آهنگ نسبتاً سریع رشد خواهد کرد، بیان داشت. رفیق مائو تسه دون وضع جدید مبارزه

حتماً پیش خواهد آمد و اصولاً ناگزیر است ؛ از طرف دیگر راه حل مذکور بصرفه ارتش ما و خلق است ، زیرا که اجتناب از تلفات و خرابیها را ممکن میسازد . از اینجهت رفقای رهبری ارتشهای صحرائی مختلف باید توجه خویش را باین شکل از مبارزه معطوف دارند و بکار بردن آن را بیاموزند . این يك شكل مبارزه است ، شكلی از مبارزه بدون خونریزی ، ولی بآن معنا نیست که مسائل بدون مبارزه میتوانند حل شوند . طریقه سوی یوان اینست که عمداً بخشی از سپاهیان گومیندان را تماماً یا بطور عمده دست نخورده بگذاریم ، یعنی برای اینکه بتوانیم این سپاهیان را از لحاظ سیاسی آسانتر بطرف خود جلب کنیم و یا بیطرف سازیم ، در مقابل آنها گذشت‌های موقتی نمائیم . ما بدینوسیله میتوانیم نیروهای خود را ابتدا برای نابود کردن قسمت عمده باقیمانده قوای گومیندان متمرکز سازیم و آنگاه پس از مدتی (مثلاً پس از چند ماه ، شش ماه یا يك سال) سپاهیان مذکور را برطبق سیستم ارتش آزادیبخش

طبقاتی در داخل و خارج کشور پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک توده‌ای چین را ارزیابی کرد و بموقع خود هشدار باش داد که « گلوله‌های شکرآلود » بورژوازی بصورت خطر عمده برای پرولتاریا در خواهد آمد . همه اینها به سند حاضر برای يك دوره تاریخی طولانی اهمیتی عظیم میبخشد . این گزارش و مقاله « درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق » که وی در ژوئن همان سال نگاشته‌است ، اساس سیاستهایی است که در « برنامه مشترك » بیان شده ، برنامه‌ای که بتصویب نخستین جلسه عمومی کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین رسیده و پس از تأسیس چین نوین نقش قانون اساسی موقت را ایفا کرده‌است . دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب ، براساس این گزارش رفیق مائو تسه دون قطعنامه‌ای به تصویب رسانید . پس از این جلسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از سی بای پوه واقع در شهرستان پین شان از استان چه به به بی پین انتقال یافت .

توده‌ای تجدید سازمان دهیم و بصورت واحدهای آن ارتش در آوریم . این شکل دیگری از مبارزه است . این شکل مبارزه در قیاس با طریقه بی بین باقیمانده‌های ضد انقلاب و نفوذ سیاسی آنرا بیشتر و تا مدتی طولانی‌تر حفظ خواهد کرد . ولی هیچ شکی نیست که این باقیمانده‌ها و این نفوذ بالاخره از میان برداشته خواهند شد . هرگز نباید پنداشت که نیروهای ضد انقلاب همینکه مطیع ما شدند ، انقلابی میشوند و عقاید و نیات ضد انقلابی آنها از بین میرود . نه ، بهیچوجه اینطور نیست . بسیاری از ضد انقلابی‌ها تجدید تربیت می‌یابند ، بخشی از آنان طرد میگردند و مشتی عناصر سرسخت ضد انقلابی سرکوب میشوند .

۲

ارتش آزادیبخش توده‌ای برای همیشه واحدی رزمنده باقی خواهد ماند . حتی بعد از نیل به پیروزی در سراسر کشور ، در دوران تاریخی که هنوز طبقات در کشور ما برنیفتاده‌اند و سیستم امپریالیستی هنوز در جهان بر جاست ، ارتش ما همچنان واحدی رزمنده باقی خواهد ماند . در این مورد نباید هیچ گونه سوء تفاهم و تزلزل در میان باشد . ارتش آزادیبخش توده‌ای واحد کار هم هست ؛ این بویژه در موردی صادق است که در مناطق مختلف جنوب برای حل مسائل طریقه بی بین و یا طریقه سوی یوان بکار رود . با کاهش تدریجی نبردها نقش ارتش آزادیبخش توده‌ای بمنزله واحد کار زیاد خواهد شد . امکان اینکه در عرض مدت خیلی همه ارتش آزادیبخش توده‌ای بصورت واحد کار در آید ، موجود است ؛ ما باید این امکان را در نظر بگیریم ۳۰۰ کادری که اینک حاضرند باتفاق

ارتش بجنوب بروند ، بهیچوجه برای مناطق جدید فوق العاده پهناوری که ما بزودی بدست خواهیم آورد ، کافی نیستند ؛ ما باید آماده شویم که کلیه ارتش های صحرائی ۲,۱۰۰,۰۰۰ نفری خود را بواحدهای کار برگردانیم . باین طریق تعداد کادرها کافی خواهد بود و میتوان کار را در مناطق وسیعی بسط داد . ما باید ارتش های صحرائی ۲,۱۰۰,۰۰۰ نفری را بمشابه مدرسه بسیار وسیع کادر در نظر بگیریم .

۳

از سال ۱۹۲۷ تا کنون ، مرکز ثقل کار ما در دهات بوده است : ما در دهات نیرو جمع میکردیم ، شهرها را از طریق دهات محاصره میکردیم و سپس تصرف مینمودیم . دوران این شیوه کار دیگر سپری گشته است . اکنون دوران "از شهر به ده" آغاز میشود که در آن شهر رهبر ده است . مرکز ثقل کار حزب از ده بشهر انتقال یافته است . در مناطق جنوبی ، ارتش آزادیبخش توده های نخست شهرها را تصرف خواهد کرد و سپس دهات را . باید هم به شهرها پرداخت و هم به دهات ، و لازم است که کار در شهرها را با کار در دهات ، کارگران را با دهقانان ، صنایع را با کشاورزی بطور محکم پیوند داد . بهیچوجه نباید دهات را کنار گذاشت و فقط به شهرها پرداخت ؛ چنین فکری بکلی خطا خواهد بود . معذک مرکز ثقل کار حزب و ارتش باید در شهرها باشد ؛ ما باید با تمام نیرو سعی کنیم راه اداره و ساختمان شهرها را یاد بگیریم ، در شهرها ما باید راه مبارزه سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی را علیه امپریالیستها ، گومیندان و بورژوازی و همچنین راه مبارزه دیپلماتیک علیه

امپریالیستها را یاد بگیریم . ما باید طرز مبارزه علنی علیه آنها را یاد بگیریم ؛ ما باید طرز مبارزه پنهانی علیه آنها را نیز یاد بگیریم . اگر ما باین مسائل توجه نکنیم ، اگر نیاموزیم که این مبارزات را برضد این اشخاص از پیش ببریم و اگر به پیروزی در این مبارزات نائل نیائیم ، قادر بحفظ قدرت سیاسی خود نخواهیم بود ، قادر بایستادن بر روی دو پای خود نخواهیم بود و شکست خواهیم خورد . پس از نابودی دشمنان تفنگ بدست ، دشمنان بدون تفنگ هنوز بر جا خواهند ماند و اینان مسلماً برضد ما به مبارزه مرگ و زندگی دست خواهند زد ، ما هرگز نباید باین دشمنان کم بها دهیم . اگر ما این مسئله را امروز بدینسان طرح نکنیم و نفهمیم ، مرتکب خطاهای بسیار بزرگی خواهیم شد .

۴

ما در مبارزات خود در شهرها بچه کسی باید تکیه کنیم ؟ بعضی از رفقاییکه دچار آشفتگی فکری اند ، میپندارند که ما نه بطبقه کارگر ، بلکه باید به توده تهیدستان تکیه کنیم . رفقای دیگر که دچار آشفتگی فکری بیشتری هستند ، تصور میکنند که ما باید به بورژوازی تکیه کنیم . در مورد سمت تکامل صنایع ، برخی از رفقای که دچار آشفتگی فکری اند ، بر این نظرند که ما باید بطور عمده به تکامل مؤسسات خصوصی یاری برسانیم و نه به تکامل مؤسسات دولتی . برخی دیگر ، برعکس برآنند که کافی است به مؤسسات دولتی توجه شود و مؤسسات خصوصی زیاد مهم نیستند . ما باید این نظرات آشفته را مورد انتقاد قرار دهیم . ما باید با تمام وجود بطبقه کارگر تکیه کنیم ، سایر توده های

زحمتکش را با خود متحد سازیم ، روشنفکران را بسوی خود بکشیم و عناصر بورژوازی ملی و نمایندگان آنها را که میتوانند با ما همکاری کنند ، به تعداد هرچه بیشتر بطرف خود جلب کنیم و یا آنها را به بیطرفی بکشانیم تا آنکه بتوانیم علیه امپریالیستها ، گومیندان و بورژوازی بوروکراتیک بمبارزه‌ای مصممانه دست زنیم و قدم بقدم بر این دشمنان چیره شویم . در عین حال ما کار ساختمانی خود را آغاز خواهیم کرد ، اداره شهرها را بتدریج فرا خواهیم گرفت و تولید آنها را احیاء و تکامل خواهیم بخشید . در مورد مسئله احیاء و تکامل تولید باید مراتب زیرین را تصریح کرد : در درجه اول تولید صنایع دولتی ، در درجه دوم تولید صنایع خصوصی و در درجه سوم تولید پیشه‌وری . ما از همان روزیکه شهری را گرفتیم ، باید توجه مانرا به احیاء و تکامل تولید آن شهر معطوف کنیم . ما نباید کورکورانه و برحسب تصادف دست بکار شویم و وظیفه مرکزی خود را فراموش کنیم ، والا چند ماه پس از تسخیر یک شهر ، تولید و ساختمان آن شهر هنوز براه صحیح نمی‌افتند و حتی بسیاری از شاخه‌های صنعتی از کار باز میایستند و در نتیجه ، موجب بیکاری کارگران ، تنزل سطح زندگی آنها و نارضایتی از حزب کمونیست میگردد . چنین وضعی بهیچوجه مجاز و قابل تحمل نیست . از اینرو رفقای ما باید حداکثر مساعی خود را بکار برند تا تکنیک‌های تولید و شیوه‌های مدیریت اسور تولیدی را بیاموزند و با اموری که با تولید در ارتباط نزدیکند ، مانند تجارت و بانکداری وغیره آشنا گردند . فقط در اثر احیاء و تکامل تولید در شهرها و تبدیل شهرهای مصروف کننده به شهرهای تولید کننده است که قدرت سیاسی خلق میتواند استحکام یابد . وظایف دیگری که در شهرها باید انجام گیرد — مثلاً کار تشکیلاتی حزب ، کار در ارگان‌های

حکومتی ، در اتحادیه‌های کارگری و سایر سازمان‌های توده‌ای ، کار در زمینه فرهنگ و آموزش ، کار برانداختن ضد انقلابیون ، کار در خبرگزاریها ، روزنامه‌ها و رادیو — همه باید در حول وظیفه مرکزی یعنی تولید و ساختمان صورت گیرد و در خدمت آن باشد . اگر ما هیچ سر رشته‌ای از تولید نداشته باشیم و نتوانیم معلومات لازم را در این زمینه سرعت کسب کنیم ، اگر نتوانیم تولید را در کوتاه‌ترین مدت ممکن احیاء و تکامل بخشیم و به پیشرفت‌های واقعی نائل آئیم بطوریکه در درجه اول زندگی کارگران ، سپس زندگی عموم مردم بهبود یابد ، قادر به حفظ قدرت سیاسی خود ، قادر بایستادن بر روی دو پای خود نخواهیم بود و شکست خواهیم خورد .



در جنوب ، شرایط با شمال فرق میکند و باین نتیجه وظایف حزب نیز در آنجا باید متفاوت باشد . جنوب هنوز هم زیر سلطه گومیندان است . در آنجا وظایف حزب و ارتش آزادیبخش توده‌ای عبارتند از نابود کردن قوای مسلح ارتجاعی گومیندان در شهر و روستا ، استقرار سازمانهای حزبی و ارگانهای قدرت سیاسی ، بسیج توده‌ها ، ایجاد اتحادیه‌های کارگری و مجمع‌های دهقانی و سایر سازمانهای توده‌ای ، سازماندهی نیروهای مسلح خلق ، ریشه کن کردن بقایای نیروهای گومیندان و احیاء و تکامل تولید . در دهات نخستین وظیفه ما اینستکه برای برانداختن راهزنان و قیام علیه مستبدان محلی یعنی آن بخشی از طبقه مالکان ارضی که در حکومت‌اند قدم بقدیم وارد مبارزه شویم و تدارکات لازم را برای

تقلیل بهره مالکانه و ربح اتخاذ کنیم تا آنکه این تقلیل يك يا دو سال پس از ورود ارتش آزادیبخش توده‌ای عملی گردد و بدین ترتیب شرایط مقدماتی برای تقسیم اراضی فراهم آید . در عین حال باید مراقب بود که تولید کشاورزی حتی المقدور در سطح کنونی بماند و از آن تنزل نکند . در شمال ، باستانی چند منطقه تازه آزاد شده ، بکلی شرایط دیگری موجود است . در اینجا سلطه گومپندان واژگون شده و سلطه خلق بر پا گردیده و مسئله ارضی از ریشه حل شده است . در اینجا وظیفه مرکزی حزب عبارتست از بسیج کلیه نیروها برای احیاء و تکامل تولید ؛ این باید مرکز ثقل همه کارهای ما باشد . بعلاوه باید کار فرهنگی و آموزشی را از نو سازمان داد و تکامل بخشید ، بقایای نیروهای ارتجاعی را از میان برداشت ، وضع سراسر شمال را مستحکم نمود و از ارتش آزادیبخش توده‌ای پشتیبانی کرد .

۶

ما در ساختمان اقتصادی خود کار پر دامنه‌ای انجام داده‌ایم ، سیاست اقتصادی حزب نیز بمرحله عمل درآمده و به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای رسیده است . ولی در این مسئله که چرا باید این سیاست اقتصادی و نه آن سیاست اقتصادی را پذیرفت ، در این مسئله تئوریک و اصولی هنوز نظرات در هم و بر هم بسیاری در درون حزب موجود است . چگونه باید باین مسئله پاسخ داد ؟ بنظر ما پاسخ باین مسئله باید چنین باشد : پیش از جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، سهم صنایع و کشاورزی در اقتصاد ملی چین در مقیاس کشوری عبارت بود از تقریباً ۱۰ درصد برای صنایع مدرن

و ۹۰ درصد برای کشاورزی و پیشه‌وری . این نتیجه ستم امپریالیسم و فئودالیسم بر چین بود . این از لحاظ اقتصادی ، مظهر خصلت نیمه مستعمره و نیمه فئودالی جامعه چین کهن بود ؛ و در عین حال ، منشاء اصلی کلیه مسائل دوران انقلاب چین و کلیه مسائل دوران نسبتاً طولی است که پس از پیروزی انقلاب فرا میرسد . از اینجا يك سلسله مسائل مربوط به استراتژی ، تاکتیک و سیاست حزب ما ناشی میشود . وظیفه مهم حزب ما در لحظه کنونی اینستکه بدرک روشن‌تر و حل این مسائل نائل آید . باین معنی :

- ۱ - چین هم اکنون دارای صنایع مدرنی است که تقریباً ۱۰ درصد اقتصاد آنرا تشکیل میدهد . این يك عامل ترقی است ، این با عهد قدیم فرق دارد . و درست بهمین علت است که در چین طبقات جدید و احزاب سیاسی جدید پدید آمده‌اند : پرولتاریا و بورژوازی ، حزب پرولتاریائی و حزب بورژوائی . پرولتاریا و حزب آن بعلت رنج و ستمی که از دشمنان رنگارنگ دیده‌است ، آبدیده شده و برای رهبری انقلاب خلق چین شایستگی یافته‌است . کسیکه این واقعیت را از دیده فروگذارد و یا كوچك بشمارد ، مرتکب اشتباهات اپورتونیستی راست خواهد شد .
- ۲ - چین هنوز دارای اقتصاد کشاورزی و اقتصاد پیشه‌وری پراکنده و انفرادی است که تقریباً ۹۰ درصد تمام اقتصاد آنرا تشکیل میدهند . این يك عامل عقب ماندگی است و فرق زیادی با عهد قدیم ندارد - تقریباً ۹۰ درصد زندگی اقتصادی ما هنوز در سطح عهد قدیم است . ما مالکیت ارضی فئودالی را که از چین باستان بما رسیده‌است ، لغو کرده و یا بزودی لغو خواهیم کرد . از این لحاظ ما با گذشتگان فرق داریم و یا بزودی فرق خواهیم داشت و امکان داریم و یا بزودی اسکان

خواهیم داشت که کشاورزی و پیشه‌وری خویش را بتدریج مدرنیزه کنیم. معذلك اگر شکل عمده آنها را در نظر بگیریم، کشاورزی و پیشه‌وری ما امروز هنوز پراکنده و انفرادی است، یعنی شبیه بان شکلی است که در عهد قدیم بوده‌است و تا مدت نسبتاً طولی چنین خواهد ماند. کسیکه این واقعیت را از دیده فروگذارد و یا کوچک بشمارد، مرتکب اشتباهات اپورتونیستی "چپ" خواهد شد.

۳ - صنایع مدرن چین، اگر چه ارزش تولیدی‌اش فقط ۱۰ درصد ارزش کل تولید اقتصاد ملی است، بسیار متمرکز است؛ بزرگترین و عمده‌ترین قسمت سرمایه در دست امپریالیستها و چاکران آنها یعنی بورژوازی بوروکراتیک چین متمرکز شده‌است. مصادره این قسمت از سرمایه و انتقال آن به جمهوری توده‌ای که تحت رهبری پرولتاریا است، بوی امکان خواهد داد که شریان‌های حیاتی اقتصاد کشور را در دست بگیرد، و به اقتصاد دولتی امکان خواهد داد که بصورت بخش رهبری کننده تمام اقتصاد ملی درآید. این بخش از اقتصاد خصلتاً سوسیالیستی است نه سرمایه‌داری. کسیکه این واقعیت را از دیده فروگذارد و یا کوچک بشمارد، مرتکب اشتباهات اپورتونیستی راست خواهد شد.

۴ - صنایع سرمایه‌داری خصوصی چین که در صنایع مدرن ما مقام دوم را میگیرد، نیروئی است که نباید نادیده گرفته شود. بورژوازی ملی چین و نمایندگان‌ش که در فعالیت خود بوسیله امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک تحت فشار قرار گرفته و یا محدود شده‌اند، غالباً در مبارزات انقلاب دموکراتیک توده‌ای شرکت جسته و یا بیطرفی اختیار کرده‌اند. بنابراین دلایل و از آنجا که اقتصاد چین هنوز عقب مانده‌است، تا مدت نسبتاً مدیدی پس از پیروزی انقلاب لازم است

که حتی المقدور از عوامل مثبت سرمایه‌داری خصوصی شهرها و دهات برای تکامل اقتصاد ملی استفاده شود. در این دوره باید به کلیه عناصر سرمایه‌داری شهری و روستائی که بحال اقتصاد ملی زیانمند نیستند بلکه سودمندند، امکان وجود و تکامل داد. این امر نه فقط اجتناب‌ناپذیر است، بلکه از لحاظ اقتصادی ضرور است. معذک وجود و تکامل سرمایه‌داری در چین چنان بدون مانع و محدودیت مانند کشورهای سرمایه‌داری نخواهد بود. سرمایه‌داری در چین از چند جانب محدود خواهد شد — در میدان عمل آن، از راه سیاست مالیاتی، از راه قیمت‌های بازار و از راه شرایط کار. ما برحسب شرایط خاص هر محل، هر رشته و هر دوره، سیاست مناسب و نرمش‌پذیری بمنظور تحدید سرمایه‌داری از چند جانب، اختیار خواهیم کرد. برای ما لازم و مفید است که از شعار "تحدید سرمایه" که سون یاتسن اعلام میداشت استفاده کنیم. ولی ما بخاطر منافع مجموعه اقتصاد ملی و بخاطر منافع حال و آینده طبقه کارگر و تمام مردم زحمتکش نباید اقتصاد سرمایه‌داری خصوصی را بوجه افراط‌آمیز و یا نرمش‌ناپذیر محدود کنیم؛ بلکه باید عرصه‌ای برای او بگذاریم تا بتواند در چارچوب سیاست اقتصادی و برنامه‌گذاری اقتصادی جمهوری توده‌ای وجود داشته باشد و تکامل یابد. سیاست تحدید سرمایه‌داری خصوصی ناگزیر بدرجات مختلف و بشکل‌های گوناگون با مقاومت بورژوازی و مخصوصاً صاحبان بنگاههای بزرگ خصوصی یعنی سرمایه‌داران بزرگ برخورد خواهد کرد. تحدید و مخالفت با این تحدید، شکل عمده مبارزه طبقاتی در دولت دموکراسی نوین خواهد بود. این تصور که ما در لحظه کنونی احتیاجی به تحدید سرمایه‌داری نداریم و میتوانیم شعار "تحدید سرمایه" را بدور افکنیم، بکلی غلط است

و نظری است ناشی از اپورتونیسم راست . ولی عکس این نظر که ما باید بطور افراطی و نرمش ناپذیر سرمایه خصوصی را تحدید کنیم و یا اینکه ما حتی میتوانیم سرمایه خصوصی را خیلی سریع از میان برداریم ، نیز بکلی غلط است و نظری است ناشی از اپورتونیسم "چپ" یا آوانتوریسم .

• - کشاورزی و پیشه‌وری پراکنده و انفرادی که ۹۰ درصد ارزش کل تولید اقتصاد ملی را تشکیل میدهند ، ممکن است و باید در تکامل خود محتاطانه ، تدریجی ، ولی فعالانه بسوی مدرنیزه شدن و کلکتیو شدن هدایت شوند ؛ این نظر که میتوان آنها را بحال خود وا گذاشت ، خطاست . از اینجهت باید کثوپراتیوهای تولید ، مصرف و اعتبار را تشکیل داد و ارگانهای رهبری آنها را در مقیاس تمام کشور ، استان ، شهر ، شهرستان و بخش بوجود آورد . اینگونه کثوپراتیوها سازمانهای اقتصادی جمعی توده‌های زحمتکش هستند که براساس مالکیت خصوصی بر پا میشوند و زیر اداره قدرت دولت که بوسیله پرولتاریا رهبری میشود ، قرار دارند . این واقعیت که خلق چین از لحاظ فرهنگی عقب مانده‌است و در تشکیل کثوپراتیوها سستی ندارد ، ممکن است برای ما دشواری‌هایی به پیش آورد ، ولی ما میتوانیم و باید کثوپراتیوها را تشکیل دهیم و آنها را تعمیم و تکامل بخشیم . اگر ما فقط اقتصاد دولتی داشته باشیم ، ولی فاقد اقتصاد کثوپراتیو باشیم ، نخواهیم توانست اقتصاد انفرادی خلق زحمتکش را در راه گذار تدریجی به جمعی شدن رهبری کنیم ، نخواهیم توانست از جامعه دموکراسی نوین به جامعه سوسیالیستی آینده بگذریم و نخواهیم توانست هژمونی پرولتاریا را در قدرت دولت تحکیم کنیم . کسیکه این واقعیت را از دیده فرو گذارد و یا کوچک بشمارد ، نیز مرتکب اشتباهات بسیار فاحش خواهد شد .

اقتصاد دولتی که دارای خصلت سوسیالیستی است ، اقتصاد کثوپراتیو که دارای خصلت نیمه سوسیالیستی است ، باضافه اقتصاد سرمایه‌داری خصوصی ، اقتصاد انفرادی و اقتصاد سرمایه‌داری دولتی که بوسیله دولت و سرمایه‌داران مشترکاً اداره میشود - همه بخشهای اصلی اقتصاد جمهوری توده‌ای خواهند بود و ترکیب اقتصادی دموکراسی نوین را تشکیل خواهند داد .

۶ - احیاء و تکامل اقتصاد ملی جمهوری توده‌ای بدون سیاست نظارت بر تجارت خارجی غیر ممکن است . حتی آن هنگام که امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک و سلطه گومپندان (که بیان فشرده امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک است) در چین از میان بروند ، مسئله بنای سیستم صنعتی مستقل و کامل هنوز حل نخواهد شد . این مسئله فقط زمانی بطور نهائی حل میشود که کشور ما به تکامل عظیم اقتصادی برسد و از صورت کشور کشاورزی عقب‌مانده بصورت کشور صنعتی پیشرفته درآید . نیل باین هدف بدون نظارت بر تجارت خارجی غیر ممکن است . پس از پیروزی انقلاب چین در سراسر کشور و حل مسئله ارضی ، باز دو تضاد اساسی در چین همچنان بر جای خواهند ماند . اولی تضادی داخلی است یعنی تضاد بین طبقه کارگر و بورژوازی است ؛ و دومی تضادی خارجی است یعنی تضاد بین چین و کشورهای امپریالیستی . از اینرو پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک توده‌ای ، قدرت دولت جمهوری توده‌ای که تحت رهبری طبقه کارگر قرار دارد ، نباید تضعیف شود ، بلکه بالعکس باید تقویت گردد . تحدید سرمایه در داخل کشور و نظارت بر تجارت خارجی ، دو سیاست اساسی کشور ما در مبارزه اقتصادی خواهد بود . کسیکه این واقعیت را از دیده

فرو گذارد و یا كوچك بشمارد ، مرتكب اشتباهات بسيار فاحش خواهد شد .

۷ - چين اقتصاد عقب مانده‌اي را بارث برده‌است . ولي خلق چين خلقى شجاع و زحمتكش است و با پيروزي انقلاب خلق چين و تأسيس جمهورى توده‌اي و با رهبرى حزب كمونيست چين و نيز با كمك طبقه كارگر كشورهاي مختلف جهان و بطور عمده كمك اتحاد شوروى ، آهنگ ساختمان اقتصادى چين زياد كند نخواهد بود ، بلكه ميتواند نسبتاً تند باشد . روزى كه چين به رونق و اعتلاى اقتصادى برسد ، چندان دور نيست . هرگونه بدبينى در مورد احياء اقتصادى چين ، بى اساس است .

۷

چين كهين ، كشورى بود نيمه مستعمره و زير سلطه امپرياليسم . انقلاب دموكراتيك توده‌اي چين از آنجا كه خصلت عميقاً ضد امپرياليستى دارد ، مورد بغض و كينه شديد امپرياليستها واقع شد و آنها را بر آن داشت كه با تمام نيرو به گوسيندان كمك كنند . امپرياليستها با اين عمل خشم و انزجار باز هم عميق تر خلق چين را نسبت بخويش برانگيخته و آن يكذره حيثيتى را كه در نزد خلق چين داشتند ، از دست دادند . در عين حال سيستم امپرياليستى پس از دومين جنگ جهانى در مجموع بسيار ضعيف شد ، حال آنكه قدرت جبهه ضد امپرياليستى جهان كه اتحاد شوروى در رأس آن قرار دارد ، بطور بى سابقه‌اي افزايش يافت . در چنين اوضاع و احوالى ما ميتوانيم و بايد سياست تخریب

سیستماتیک و کامل سلطه اسپریالیسم را در چین در پیش گیریم . این سلطه اسپریالیسم در زمینه های سیاست ، اقتصاد و فرهنگ بظهور میرسد . در هر شهر و در هر جا که ارتش گومیندان نابود میگردد و دولت گومیندان سرنگون میشود ، سلطه سیاسی اسپریالیستها و بهمین ترتیب سلطه اقتصادی و فرهنگی آنها نیز بدنبال آن فروسیریزد . اما بنگاههای اقتصادی و فرهنگی که مستقیماً بدست اسپریالیستها اداره میشوند ، همچنان برجا هستند و کارمندان دیپلماتیک و روزنامه نگارانی که گومیندان پذیرفته است ، نیز همچنان برجا میمانند . ما باید همه این مسائل را بطور مناسب و بترتیب فوریت حل کنیم . خودداری از برسمیت شناختن وضع قانونی همه نمایندگی ها و کارمندان دیپلماتیک خارجی در دوره حکومت گومیندان و برسمیت نشناختن کلیه قراردادهای آن دوره که حاکی از خیانت ملی است ، حذف کلیه ارگانهای تبلیغاتی اسپریالیستها در چین ، برقراری فوری نظارت بر تجارت خارجی و اصلاح سیستم گمرکی — اینهاست نخستین اقداماتی که ما باید در موقع ورود به شهرهای بزرگ اتخاذ کنیم . خلق چین پس از آنکه این کارها را انجام داد ، در برابر اسپریالیستها تمام قد خواهد ایستاد . در مورد سایر بنگاههای اقتصادی و فرهنگی اسپریالیستی ، ما میتوانیم آنها را موقتاً باقی بگذاریم و تحت مراقبت و نظارت خود قرار دهیم تا آنکه پس از پیروزی در سراسر کشور این مسئله را حل نمائیم . در مورد اتباع معمولی خارجی ، منافع مشروع آنها حمایت خواهد شد و مورد تجاوز قرار نخواهد گرفت . در مورد مسئله برسمیت شناختن کشورها از طرف کشورهای اسپریالیستی ، نه فقط اکنون ، بلکه حتی تا یک دوره نسبتاً طولانی پس از پیروزی در سراسر کشور نیز نباید در حل آن عجله کرد . ما حاضریم با کلیه کشورها بر پایه اصل برابری ، روابط دیپلماتیک

برقرار سازیم . اما امپریالیستها که همیشه خصم خلق چین بوده‌اند ، مسلماً بزودی با ما به برابری رفتار نخواهند کرد . تا وقتی که کشورهای امپریالیستی روش خصمانه خود را ترك نگویند ، ما در چین بآنها وضع قانونی نخواهیم داد . در مورد تجارت با خارجیان جای بحث نیست ، جائیکه امکان تجارت باشد ، ما تجارت میکنیم و از هم اکنون این کار را آغاز کرده‌ایم ؛ بازرگانان چندین کشور سرمایه‌داری در این مورد با یکدیگر وارد رقابت شده‌اند . ما باید حتی المقدور در درجه اول با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای دموکراسی توده‌ای تجارت کنیم ؛ ما در عین حال با کشورهای سرمایه‌داری هم تجارت خواهیم کرد .

۸

کلیه شرایط برای دعوت کنفرانس مشورتی سیاسی و تشکیل دولت ائتلافی دموکراتیک فراهم آمده‌است . کلیه احزاب دموکراتیک ، کلیه سازمانهای توده‌ای و کلیه دموکراتهای بی حزب ، در صف ما هستند . بورژوازی شانگهای و حوزه رودخانه یان تسه در جستجوی برقراری ارتباط با ماست . حمل و نقل بحری و روابط پستی بین شمال و جنوب کشور از سر گرفته شده‌است . گویندگان که در درون خود دچار تشقت است ، بکلی از توده‌ها جدا شده‌است . ما برای مذاکره با دولت ارتجاعی نانکن (۲) آماده میشویم . در دولت ارتجاعی نانکن نیروهایی که تحریک کننده مذاکره‌اند ، عبارتند از دیکتاتورهای نظامی دارودسته گوان سی ، آن گروه‌هایی از گویندگان که هوادار صلح‌اند و بورژوازی شانگهای . هدف آنها اینست که در دولت ائتلافی سهمی داشته باشند ، حتی المقدور

سپاهیان خود را نگهدارند ، منافع بورژوازی شانگهای و جنوب را حفظ کنند و تمام کوشش خویش را بکار برند تا آنکه انقلاب به ملایمت بگراید . این اشخاص شروط هشتگانه ما را بعنوان پایه مذاکرات می پذیرند ، ولی میکوشند که چانه بزنند تا خساراتشان خیلی زیاد نشود . کسانی که سعی دارند این مذاکرات را بهم بزنند ، عبارتند از چانگایشک و سوگند خورده هایش . چانگایشک هنوز در جنوب رودخانه یان تسه . ۴ . لشکر در اختیار دارد که برای جنگ آماده میشوند . سیاست ما این نیست که از مذاکره سر بیچیم ، بلکه اینست که بطلبیم طرف ما شروط هشتگانه را عیناً بپذیرد و هیچ چانه زدنی را قبول نکنیم . در عوض ، ما به دارودسته گوان سی و فراکسیونهای دیگر گومیندان که هوادار صلح اند ، حمله نخواهیم کرد و حتی حاضریم که تجدید سازمان سپاهیان آنها را تقریباً يك سال بعقب بیندازیم ؛ ما به برخی از شخصیتهای دولت نانکن اجازه خواهیم داد در کنفرانس مشورتی سیاسی و در دولت ائتلافی شرکت جویند و قبول خواهیم کرد که پاره ای از منافع بورژوازی شانگهای و جنوب را حفظ کنیم . این مذاکرات جنبه تمام کشوری خواهد داشت و اگر این مذاکرات با موفقیت پایان یابد ، امتیاز بزرگش اینستکه موانع بسیاری را از جلو پیشروی ارتش ما بسوی جنوب و اشغال شهرهای بزرگ جنوب بر میدارد . ولی اگر این مذاکرات با موفقیت بانجام نرسد ، آنگاه باید پس از پیشروی ارتش ما به مذاکرات جداگانه محلی دست زد . پیش بینی شده است که مذاکرات در دهه آخر مارس شروع میشود . ما امیدواریم که نانکن را در آوریل یا مه اشغال کنیم و آنگاه از کنفرانس مشورتی سیاسی در پی دعوت بعمل آوریم و دولت ائتلافی را تشکیل دهیم و پایتخت را در پی بین مستقر سازیم . ما از آنجا که مذاکرات

را پذیرفته‌ایم ، باید منتظر مشکلاتی باشیم که پس از موفقیت مذاکرات بظهور خواهند رسید ؛ ما باید با ذهن روشن آماده باشیم تا با تاکتیکی که طرف بکار خواهد برد ، یعنی با تاکتیک سون او کون ، شاه سیمونها که در شکم شاهزاده خانم بادبزن آهنین فرو خزید تا در آنجا فتنه بپا کند ، مقابله کنیم (۳) . تا وقتی که ما از نظر روانی آمادگی کامل داریم ، میتوانیم بر هر سیمون ابلیس سیرتی غلبه کنیم . ما باید در مذاکرات صلح چه در مقیاس تمام کشوری و چه در مقیاس محلی همیشه در برابر چنین احتمالاتی آماده باشیم . ما نباید بعلت ترس از زحمات و یا بعلت آرامش طلبی ، از مذاکرات روی بر تائیم و همچنین نباید با افکار مبهم و در هم وارد مذاکره شویم . ما باید بر سر اصول ایستادگی کنیم و در عین حال هر گونه نرمشی را که اجرای اصول بما اجازه بدهد و ایجاب میکند ، بکار ببریم .

۹

دیکتاتوری دموکراتیک خلق که تحت رهبری پرولتاریا و متکی بر اتحاد کارگران و دهقانان است ، ایجاب میکند که حزب ما صدیقانه با همه طبقات کارگر و دهقان و با توده‌های وسیع روشنفکران انقلابی وحدت یابد ؛ اینها نیروهای رهبر و اصلی این دیکتاتوری‌اند . این دیکتاتوری بدون چنین وحدتی نمیتواند پا بر جا بماند . این دیکتاتوری در عین حال از حزب ما میطلبد که تعداد هر چه بیشتری از نمایندگان خرده بورژوازی شهری و بورژوازی ملی را که ممکن است با ما همکاری کنند و همچنین روشنفکران و گروه‌های سیاسی آنها را گرد خویش متحد سازد تا آنکه

در طول دوران انقلاب بتواند نیروهای ضد انقلابی را منفرد نماید ، نیروهای ضد انقلابی و نیروهای امپریالیستی را در چین کاملاً در هم بکوبد و سپس ، وقتی که انقلاب پیروز شد ، تولید را سریعاً احیا و تکامل بخشد ، بمقابله با امپریالیسم خارجی پردازد ، چین را با قدم‌های مطمئن از صورت کشوری کشاورزی بصورت کشوری صنعتی در آورد و از چین يك کشور بزرگ سوسیالیستی بسازد . بنابر این سیاست همکاری طولانی حزب ما با دموکراتهای خارج از حزب باید در فکر و در کار سراسر حزب ما بخوبی جایگیر شود . ما باید نسبت به اکثریت دموکراتهای خارج از حزب همانقدر توجه داشته باشیم که به کادرهای حزب خود داریم . ما باید مسائلی را که مستلزم مشورت و حل هستند ، با آنها با صمیمیت و صراحت کامل مشورت و حل کنیم ، بآنها کار دهیم ، مسئولیت و اختیاراتی که وابسته بمشاغلشان است واگذار کنیم و بآنها در احراز موفقیت در کار خویش یاری برسانیم . ما با داشتن آرزوی وحدت با آنها باید بطرز جدی و مناسب خطاها و نقایص آنان را مورد انتقاد قرار دهیم و یا با آن خطاها و نقایص مبارزه کنیم تا آنکه بوحدت نائل آئیم . نادرست است اگر در مورد خطاها و یا نقایص آنها روش مباحثات در پیش گرفته شود . همچنین نادرست است اگر در مورد آنها روش درهای بسته و یا روش صوری محض اتخاذ گردد . در هر شهر بزرگ یا متوسط ، در هر منطقه استراتژیک و در هر استان ، ما باید بعدهای از دموکراتهای خارج از حزب که نفوذ و اعتبار دارند و ممکن است با ما همکاری کنند ، آموزش بدهیم . در برخورد با دموکراتهای خارج از حزب روش نادرستی که در حزب ما در اثر سبک باصطلاح درهای بسته در هنگام جنگ انقلابی ارضی بوجود آمده بود ، در هنگام جنگ مقاومت ضد ژاپنی کاملاً اصلاح

نشد و در سال ۱۹۴۷ موقعیکه اصلاحات ارضی در پایگاه‌های ما به بحبوحه خود رسید ، دو باره ظهور کرد . نتیجه این روش جز این نیست که حزب ما را منفرد گرداند ، تحکیم دیکتاتوری دموکراتیک خلق را غیرممکن سازد و متحدینی به دشمنان ما بخشد . اینک که کنفرانس مشورتی سیاسی برای نخستین بار در چین تحت رهبری حزب ما بزودی تشکیل میشود ، اینک که دولت ائتلافی دموکراتیک بزودی بوجود میاید و انقلاب در سراسر کشور بزودی به پیروزی میرسد ، سراسر حزب ما باید به بررسی جدی و انتقادی این مسئله پردازد و آنرا بطور صحیح درك کند ؛ باید با دو انحراف مبارزه کند : انحراف راست یعنی روش مماشات و انحراف "چپ" یعنی روش درهای بسته و یا روش صوری محض ، و بدین ترتیب روش کاملاً درستی اتخاذ نماید .

۱۰

ما بزودی به پیروزی در سراسر کشور نائل خواهیم شد . این پیروزی جبهه خاوری امپریالیسم را در هم خواهد شکست و اهمیت بین‌المللی عظیمی خواهد داشت . دیگر برای بچنگ آوردن این پیروزی ، زمان و کوشش زیاد لازم نیست ، بلکه فقط برای تحکیم آن زمان و کوشش بسیار لازم است . بورژوازی در اینکه ما بتوانیم کشور خود را بسازیم ، تردید میکند . امپریالیستها منتظرند که ما بالاخره برای بقاء خویش از آنها صدقه بخواهیم . در اثر پیروزی ممکن است در داخل حزب ما چنین روحیه‌هایی پیدا شود : تکبر و غرور ، تفرعن و بالیدن به خدمات گذشته ، رخوت و عدم تمایل پیشرفت و ترقی ، علاقه به لذایذ و

خودداری از ادامه زندگی سخت گذشته . در اثر پیروزی خلق از ما سپاسگزار خواهد شد و بورژوازی بما تملق خواهد گفت . این دیگر ثابت شده است که دشمن نمیتواند با نیروی اسلحه بر ما چیره شود ، ولی امکان این هست که تملق های بورژوازی افراد ضعیف الاراده را در صفوف ما مغلوب سازد . ممکن است کمونیستهای پیدا شوند که در گذشته مغلوب دشمن تفنگ بدست نشده و بخاطر ایستادگی در برابر دشمن شایسته نام قهرمان باشند ، ولی اکنون نتوانند در مقابل گلوله های شکرآلود تاب مقاومت بیاورند ؛ آنها مغلوب گلوله های شکرآلود خواهند شد . ما باید از وقوع اینگونه حالات پیشگیری کنیم . بچنگ آوردن پیروزی سراسری کشور ، تنها نخستین گامی است از يك راه پیمائی دور و دراز ده هزار لی . اگر این گام شایسته افتخار هم باشد ، نسبتاً ناچیز است ، آنچه که بیشتر شایسته افتخار ما خواهد بود ، هنوز در جلوی ماست . پس از چند ده سال دیگر اگر بعقب نگاه کنیم ، پیروزی انقلاب دموکراتیک توده ای چین چیز دیگری جز سرآغاز کوتاهی بر نمایشنامه ای طولانی بنظر نخواهد رسید . هر نمایشنامه با سرآغازی شروع میشود ، ولی سرآغاز نمایشنامه بحبوحه نمایشنامه نیست . انقلاب چین انقلاب کبیری است ، ولی پس از این انقلاب راهی که باید پیموده شود ، بسیار طولانی تر و کار ما بس خطیرتر و سختتر خواهد بود . این نکته ایست که باید از هم اکنون در حزب ما روشن گردد . به رفقا باید کمک شود تا در سبك کار خود كمافی السابق فروتن ، با حزم و عاری از هر گونه تکبر و شتابزدگی بمانند ، و شیوه زندگی ساده و مبارزه سرسختانه را حفظ کنند . ما سلاح مارکسیستی - لنینیستی انتقاد و انتقاد از خود را در دست داریم . ما قادریم که اسلوبهای ناپسند را بدور

افکنیم و اسلوبهای پسندیده را حفظ کنیم . ما آنچه را که سابقاً نمیدانستیم ، میتوانیم یاد بگیریم . ما نه فقط قادر به ویران ساختن جهان کهن هستیم ، بلکه بخوبی نیز میتوانیم جهان نوینی بر پا کنیم . خلق چین نه فقط میتواند بدون صدقه امپریالیستها به زندگی ادامه دهد ، بلکه زندگی بهتری از کشورهای امپریالیستی خواهد داشت .

یادداشتها

۱ - در ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۹ دون چی او رئیس دولت گومیندان در استان سوی یوان ، و سون لان فون فرمانده گروه ارتشها سر بشورش برداشتند و با بیش از ۴۰,۰۰۰ نفر بما پیوستند . تجدید سازمان این سپاهیان در ۲۱ فوریه ۱۹۵۰ تحت رهبری فرماندهی منطقه نظامی ارتش آزادیبخش توده‌ای در سوی یوان آغاز شد . در ۱۰ آوریل سپاهیان مذکور بصورت واحدهای ارتش آزادیبخش توده‌ای تجدید سازمان یافت .

۲ - کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در مورد مذاکرات صلح با دولت ارتجاعی گومیندان در نانکن ، در ۲۶ مارس ۱۹۴۹ ، تصمیمات زیرین را اتخاذ کرد :

- (۱) - تاریخ گشایش مذاکرات : اول آوریل .
- (۲) - محل مذاکرات : بی پین .
- (۳) - جوئن لای ، لین بوه چیو ، لین بیائو ، یه جیان یین ولی وی هان بنماینده‌گی برای مذاکرات معین میشوند (کمیته مرکزی در اول آوریل تصمیم گرفت نیه ژون جن را بر لیست نمایندگان بیفزاید) . ریاست هیئت بعهدہ جوئن لای است . هیئت مأموریت دارد با هیئت نانکن بر اساس اعلامیه رفیق مائو تسه دون درباره اوضاع کنونی که در ۱۴ ژانویه صادر شد و براساس هشت شرطی که در اعلامیه آمده است ، مذاکره کند .
- (۴) - تصمیمات مذکور بیدرنگ بوسیله رادیو بدولت ارتجاعی گومیندان در نانکن ابلاغ خواهد شد تا هیئت نمایندگی خود را در روز

مقرر بمحل فوق‌الذکر اعزام دارد . ضمناً بمنظور تسهیل در مذاکرات ، کلیه اسناد لازم مربوط به شروط هشت‌گانه باید همراه آورده شود .

۳ - سون او کون ، شاه میمون‌ها است که بصورت حشره کوچکی در آمد و به شکم شاهزاده خانم بادبزن آهنین فروخزید و از این راه بر وی شکست وارد ساخت . مراجعه شود به رمان چینی « سی یو جی » (زیارت مغرب) ، فصل ۵۹ .

www.KetabFarsi.com

شیوه‌های کار کمیته‌های حزبی

(۱۳ مارس ۱۹۴۹)

۱ - دیر يك کمیته حزبی باید "سرجوخه" خوبی باشد. هر کمیته حزبی از ده تا بیست عضو تشکیل میشود؛ کمیته حزبی چون جوخه‌ایست از ارتش و دیر آن مانند يك "سرجوخه" است. برآستی رهبری کردن صحیح این جوخه کار آسانی نیست. اکنون هر بوروی کمیته مرکزی یا هر شعبه‌ای از آن منطقه پهناوری را رهبری میکند و مسئولیت‌های سنگینی بعهده دارد. رهبری کردن تنها بمعنای تعیین مشی عمومی و سیاست مشخص نیست، بلکه برگزیدن شیوه‌های صحیح کار نیز هست. حتی با وجود داشتن يك مشی عمومی و سیاست مشخص صحیح، چنانچه به شیوه‌های کار توجه نشود، ممکن است مشکلاتی پدید گردد. برای اینکه کمیته حزبی بتواند وظیفه رهبری خود را انجام دهد، باید به "اعضای جوخه" خود تکیه کند و آنان کمک نماید تا بتوانند نقش خود را بخوبی ایفاء کنند. برای اینکه دیر حزبی "سرجوخه" خوبی باشد، باید با پشتکار به آموزش و مطالعه پردازد.

متن حاضر بخشی از نطق اختتامیه رفیق مائو تسه دون در دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین است.

يك دیر حزبی یا يك معاون دیر حزبی ، چنانچه بکار تبلیغاتی و تشکیلاتی در میان "اعضای جوخه" خود توجه نکند ، مناسبات خود را با اعضای کمیته خوب تنظیم ننماید ، و یا طرز اداره موفقیت آمیز جلسات را فرا نگیرد ، در رهبری "جوخه" خود دچار اشکال خواهد شد . هر گاه "اعضای جوخه" همگام پیش نروند ، هرگز نمیتوان انتظار داشت که بتوانند توده های چند ده میلیونی مردم را در جنگ و در کار ساختمانی رهبری کنند . البته رابطه میان دیر حزبی و اعضای کمیته بر اساس تبعیت اقلیت از اکثریت استوار است ؛ از اینرو با رابطه میان سرجوخه و افرادش فرق میکند . در اینجا ما فقط از تشابهی که میان ایندو به چشم میخورد ، صحبت میکنیم .

۲ - مسائل را باید باز و آشکار مطرح کرد . نه تنها "سرجوخه" بلکه اعضای کمیته نیز باید اینطور عمل کنند . پشت سر مردم حرف نزنید . هر وقت مسئله ای پیش میآید ، جلسه ای فرا خوانید و مسایل را برای بحث باز و آشکار مطرح کنید و درباره آنها تصمیم بگیرید ، تا بتوان بدین ترتیب راه حلی برای مسایل پیدا کرد . اگر مسایلی باشند ، ولی بطور روشن مطرح نشوند ، مدت ها و حتی سالها همچنان لاینحل باقی خواهند ماند . "سرجوخه" و اعضای کمیته باید در مناسبات خود نسبت یکدیگر بردباری نشان دهند و تفاهم داشته باشند . هیچ چیزی مهتر از بردباری متقابل ، تفاهم متقابل ، پشتیبانی و دوستی متقابل میان دیر حزبی و اعضای کمیته ، میان کمیته مرکزی و بوروهایش ، و میان بوروها و کمیته های حزبی منطقه ای نیست . در گذشته باین مسئله کم توجه میشد ، ولی از هفتمین کنگره حزب بعد پیشرفت های زیادی در این زمینه حاصل شده و رشته های دوستی و یگانگی استحکام بیشتری

یافته است. ما باید در آینده نیز باین نکته پیوسته توجه کنیم.

۳ - "مبادله اطلاعات". این بدان معنی است که اعضای کمیته حزبی باید یکدیگر را از مسائلی که به نظرشان میرسد، آگاه سازند و درباره آنها تبادل نظر کنند. این موضوع برای ایجاد یک زبان مشترك اهمیت بزرگی دارد. ولی بعضی‌ها چنین عمل نمیکنند، آنها بکسانی شباهت دارند که لائوزی درباره شان مینویسد: "با اینکه همیشه آواز خروسیها و عوعوی سگهای یکدیگر را میشنوند، ولی در تمام عمر باهم رفت و آمد ندارند" (۱) و نتیجه این میشود که باهم زبان مشترکی پیدا نمیکنند. در گذشته بعضی از کادرهای عالیرتبه ما بعلت عدم مطالعه کافی حتی در مورد مسائل اساسی تئوری مارکسیسم - لنینیسم هم زبان مشترکی نداشتند. امروز در حزب زبان نسبتاً مشترکی پیدا گشته، ولی مسئله هنوز کاملاً حل نشده است. فی‌المثل در مسئله اصلاحات ارضی هنوز در مورد مفاهیم "دهقانان میانه حال" و "دهقانان مرفه" اختلاف نظر وجود دارد.

۴ - مطالبی را که نمیفهمید و یا نمیدانید، از رفقای پائین‌تر از خود بپرسید و موافقت یا مخالفت خود را زود اعلام نکنید. بعضی از اسناد پس از آنکه تدوین شدند، هنوز تا مدتی نباید بخش شوند، زیرا در آنها نکاتی هست که هنوز روشن نشده و بعلاوه لازم است که قبلاً با واحدهای درجات پائین‌تر درباره آنها مشورت شود. آنچه را که ما نمیدانیم، هرگز نباید وانمود کنیم که میدانیم؛ ما "نباید از پرسیدن و آسوختن از افراد پائین‌تر خجالت بکشیم" (۲)، بلکه باید با دقت به نظرات کادرهای درجات پائین‌تر گوش فرا دهیم. قبل از آنکه معلم شوی، شاگرد باش؛ پیش از آنکه دستوری صادر کنی،

از کادرهای درجات پائین تر بیاموز. این نکات باید هنگام حل مسائل از طرف تمام بوروهای کمیته مرکزی و کمیته های حزبی جبهه رعایت شود، البته بجز در مواردیکه ضرورت نظامی ایجاب میکند یا هنگامیکه جواب مسئله دیگر روشن شده است. این کار نه اینکه حیثیت کسی را پائین نمیاورد، بلکه بعکس آنها بالا میبرد. از آنجا که تصمیمات ما نظرات صحیح کادرهای درجات پائین تر را هم منعکس میسازد، طبعاً مورد پشتیبانی آنها قرار خواهد گرفت. آنچه کادرهای درجات پائین تر میگویند، ممکن است صحیح یا غلط باشد، ولی ما در هر حال باید آنها را مورد تحلیل قرار دهیم. ما باید نظرات درست را بپذیریم و طبق آن عمل کنیم. راز رهبری صحیح کمیته مرکزی بطور عمده جمعبندی مدارك، گزارش ها و نظرات درستی است که از محل های مختلف میروند. صدور دستورات صحیح برای کمیته مرکزی دشوار میبود اگر محلهای مختلف مدارك و نظرات خود را در اختیارش نمیگذاشتند. به نظرات اشتباه آمیزیکه از پائین می آیند، نیز باید گوش داد؛ نادرست است چنانچه به آنها اصلاً وقتی نگذاریم. البته چنین نظراتی نباید بمرحله عمل در آیند، بلکه باید مورد انتقاد قرار بگیرند.

« — ”پیانو زدن“ را باید یاد بگیرید. در نواختن پیانو تمام ده انگشت در حرکت است، و نمیشود بعضی انگشت ها را حرکت داد و بعضی ها را حرکت نداد. اما هرگاه تمام ده انگشت باهم یکباره روی پرده پیانو فشار بیاورند، نغمه ای بلند نخواهد شد. برای اینکه بتوان يك موزيك خوب خلق کرد، ده انگشت را باید بطور موزون و هماهنگ حرکت داد. يك کمیته حزبی باید بطور پیگیر در پی اجرای وظیفه مرکزی خود باشد و در عین حال نیز باید در پیرامون این وظیفه مرکزی

به اجرای امور دیگر در زمینه‌های مختلف پردازد. در حال حاضر ما باید در بسیاری از زمینه‌ها کار کنیم؛ ما باید به امور مناطق، واحدهای مسلح و قسمت‌های مختلف توجه کنیم. ما نباید توجه‌مانرا فقط بر روی چند مسئله متمرکز سازیم و مسائل دیگر را کنار بگذاریم. هر جا که مسئله‌ای یافت میشود، باید روی آن انگشت بگذاریم؛ این شیوه‌ایست که باید آنرا بخوبی یاد گرفت. بعضی‌ها خوب پیانو می‌زنند و برخی بد، و از اینرو اختلاف بزرگی میان آهنگ‌هائیکه می‌سازند، دیده میشود. اعضای کمیته حزبی باید "پیانو زدن" را خوب یاد بگیرند.

۶ - "محکم بدست گرفتن". یعنی اینکه کمیته حزبی کارهای عمده خود را نه فقط باید "بدست بگیرد"، بلکه باید آنها را "محکم بدست بگیرد". تنها در صورتی میتوان چیزی را در دست نگهداشت که آنرا بدون اینکه انگشتان را اندکی شل کرد، محکم در دست نگهداشت. محکم بدست نگرفتن بمعنای اصلاً بدست نگرفتن است. بدیهی است که با دست باز نمیتوان چیزی را نگهداشت. وقتی که شخصی دست خود را شست کند و چنین وانمود سازد که چیزی را نگاهداشته‌است، ولی انگشتان خود را محکم نبندد، در واقع هیچ چیزی را به دست نگرفته است. بعضی از رفقای ما کارهای عمده را بدست می‌گیرند ولی چون آنرا محکم بدست نمی‌گیرند، نمیتوانند خوب از عهده برآیند. اگر کارها را بدست نگیرید، کاری از پیش نخواهد رفت؛ اگر کارها را محکم بدست نگیرید، باز هم کاری از پیش نخواهد رفت.

۷ - "ارقام را در خاطر نگهدارید". یعنی ما باید به جنبه کمی یک وضع یا یک مسئله توجه کنیم و تحلیلی کمی و اساسی از آن بعمل آوریم. هر کیفیتی در کمیت معینی تبلور می‌یابد، بدون کمیت

کیفیت نیست . تا با امروز هنوز بسیاری از رفقای ما پی نبرده‌اند که باید به جنبه کمی اشیاء و پدیده‌ها — به آمار اساسی ، به درصدهای عمده و به حدهای کمی که کیفیت پدیده‌ها را تعیین میکنند — توجه نمایند . آنها "ارقام" را در خاطر ندارند و در نتیجه نمیتوانند از اشتباه کردن در امان بمانند . مثلاً برای اجرای اصلاحات ارضی باید ارقامی مانند درصد مالکین ارضی ، دهقانان مرفه ، دهقانان میانه حال و دهقانان فقیر و مقدار زمینی که در تصرف هر يك از این گروه‌هاست ، در دست داشت ، زیرا تنها بر چنین پایه‌ای است که ما میتوانیم سیاست صحیحی تدوین کنیم . چه کسی را باید دهقان مرفه ، و چه کسی را باید دهقان میانه حال مرفه نامید و چه اندازه درآمد از بهره‌کشی میتواند شخصی را در مقایسه با دهقانان میانه حال مرفه در ردیف دهقانان مرفه قرار دهد ، در تمام این موارد نیز حدهای کمی باید در نظر گرفته شوند . ما باید در تمام جنبش‌های توده‌ای تحقیق و تحلیلی اساسی از تعداد پشتیبانان فعال ، مخالفان و بیطرف‌ها بعمل آوریم و نباید درباره مسائل بطور ذهنی و بی‌پایه تصمیم بگیریم .

۸ — "اعلان کردن برای اطمینان خاطر مردم" . اعلان جلسات ، درست مانند صدور "اعلان برای اطمینان خاطر مردم" ، برای اینکه همه بدانند درباره چه موضوعی بحث میشود و چه مسائلی باید حل شوند ، باید قبل از تشکیل جلسات صورت گیرد تا همه بتوانند خود را بموقع آماده کنند . در بعضی جاها جلسات کادرها بدون اینکه قبلاً گزارش‌ها و طرح قطعنامه‌ها آماده شده باشند ، فرا خوانده میشوند و فقط پس از آنکه همه جمع شدند ، فی‌المجلس بطور سروپا شکسته صحبتی میشود . این شیوه انسان را بیاد ضرب‌المثلی میاندازد که میگوید : "قشون و اسب‌ها

رسیده‌اند ، اما اغذیه و علوفه هنوز حاضر نیست ؛ چنین کاری واقعاً پسندیده نیست . بدون آمادگی کامل قبلی نباید با شتاب جلسه‌ای را فرا خواند .

۹ — ”سپاهیان کمتر ولی بهتر و دستگاه اداری ساده‌تر“ . گفتگوها ، نطق‌ها ، مقاله‌ها و قطعنامه‌ها همه باید فشرده باشند و حق مطلب را ادا کنند . جلسات نیز نباید بیش از حد طولانی باشند .

۱۰ — به وحدت و همکاری با رفقاییکه با شما اختلاف نظر دارند ، توجه کنید . این نکته را باید هم در ادارات محلی رعایت کرد و هم در ارتش . این در مورد مناسبات ما با مردم غیر حزبی نیز صادق است . ما که از نقاط مختلف کشور به اینجا آمده‌ایم ، باید قادر باشیم نه تنها با رفقای که با ما هم‌نظرند بلکه با رفقای هم که با ما اختلاف نظر دارند ، وحدت و همکاری کنیم . در میان ما هستند کسانی که دچار اشتباهات خیلی جدی شده‌اند ؛ ما نباید نسبت به آنان غرض‌ورزی کنیم ، بلکه باید حاضر باشیم با آنها مشترکاً کار کنیم .

۱۱ — از تکبر پرهیز کنید . این نکته برای همه کادرهای رهبری مسئله‌ایست اصولی و شرط سهمی است برای حفظ وحدت . حتی آنهایی هم که خطاهای جدی نداشته‌اند و در کار خود موفقیت‌های بزرگی بدست آورده‌اند ، نباید متکبر باشند . برگزاری جشن تولد رهبران حزب ممنوع است . نام‌گذاری محل‌ها ، خیابانها و مؤسسات به اسم رهبران حزب نیز ممنوع است . ما باید همچنان به شیوه ساده زیستن و کوشا کار کردن ادامه دهیم و از چاپلوسی و ثناگوئی‌های اغراق‌آمیز دوری جوئیم .

۱۲ — دو خط فاصل مشخص بکشید . نخست ، میان انقلاب

و ضد انقلاب ، میان ین ان و سی ان (۳) . بعضی ها هنوز درك نمیکنند که باید چنین خط فاصلی بکشند . مثلاً هنگامیکه با بوروکراسی مبارزه میکنند ، از ین ان آنچنان سخن میگویند که گوئی در آنجا ”هیچ چیز درستی وجود ندارد“ ؛ آنها بوروکراسی در ین ان را با بوروکراسی در سی ان مقایسه نمیکنند و آنها را از هم تمیز نمیدهند . این از اساس نادرست است . دوم ، در درون صفوف انقلاب باید بیان صحیح و ناصحیح ، میان موفقیت ها و کمبودها خط فاصل مشخص کشید و بروشنی معین کرد که کدامیک از این دو اصلی و کدامیک فرعی است . فی المثل باید معین کرد که آیا موفقیت ها سی در صد مجموع را تشکیل میدهند یا هفتاد در صد آنها ؟ نه کم بها دادن به آنها صحیح است و نه پر بها دادن . ما باید کار هر فرد را بطور اصولی برآورد کنیم و تعیین کنیم که آیا موفقیت های کار او سی در صد و کمبودهای او هفتاد در صد بوده ، یا اینکه برعکس . چنانچه موفقیت های او هفتاد در صد مجموع را تشکیل میدهند ، باید کار او را بطور عمده مثبت بشمار آورد . همسنگ کردن کاری که موفقیت جنبه اصلی آنها تشکیل میدهد با کاریکه اشتباه در آن غلبه دارد ، کاملاً نادرست است . در برخورد با مسائل نباید مرزبندی مشخص میان انقلاب و ضد انقلاب ، میان موفقیت ها و کمبودها را از یاد ببریم . اگر ما ایندو مرزبندی را در خاطر داشته باشیم ، همیشه قادر بحل مسائل خواهیم بود . در غیر اینصورت درباره شناخت ماهیت مسائل دچار آشفتگی خواهیم شد . برای اینکه این سرزها را بخوبی مشخص کنیم ، البته بررسی و تحلیل دقیق ضرور است . برخورد ما نسبت به هر فرد و هر پدیده باید برخوردی باشد توأم با تحلیل و بررسی .

من و رفقای بوروی سیاسی معتقدیم که تنها با بکار بردن

شیوه‌های بالاست که کمیته‌های حزبی می‌توانند کار خود را بخوبی انجام دهند. گذشته از برگزاری موفقیت‌آمیز کنگره‌های حزب، انجام صحیح امر رهبری نیز برای کمیته‌های حزبی درجات مختلف دارای اهمیت فوق‌العاده است. ما باید کوشش کنیم شیوه‌های کار را بررسی و کامل‌تر سازیم تا بتوانیم سطح رهبری کمیته‌های حزبی را بالاتر ببریم.

یادداشتها

- ۱ - نقل از «لائوزی»، فصل ۸۰.
- ۲ - نقل از «سخنان کنفوسیوس»، کتاب پنجم «گون یه چان».
- ۳ - این ان از ژانویه ۱۹۳۷ تا مارس ۱۹۴۷ مقرر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و سی ان مرکز سلطه ارتجاعی گومیندان در شمال غربی چین بود. رفیق مائو تسه دون از این دو شهر بحثابه سبیل انقلاب و ضد انقلاب یاد میکند.

www.KetabFarsi.com

دولت نانکن بکجا میرود؟

(۴ آوریل ۱۹۴۹)

در برابر دولت گویندگان در نانکن و در برابر کارمندان لشگری و کشوری او دو راه قرار دارد . یا اینکه در دارودسته چانکایشک که جنایتکاران جنگ‌اند و در خداوندگار او که امپریالیسم آمریکاست در آویزند یعنی همچنان دشمن خلق باقی بمانند و همراه این دارودسته در جنگ آزادیبخش توده‌ای بهلاکت برسند و یا اینکه روی بجانب خلق آورند یعنی از این دارودسته و از امپریالیسم آمریکا ببرند و خدمات شایسته‌ای در جنگ آزادیبخش توده‌ای انجام دهند تا آنکه گناهان خویش را بخرند و باین طریق مورد اغماض و بخشایش خلق قرار گیرند . راه سوم وجود ندارد .

در دولت لی زون ژن و حه بین چینگ در نانکن (۱) اشخاص بر سه گروه‌اند . برخی در ادامه راه نخستین لجاج دارند . سخنان آنها هر چه زیبا باشد در عمل همچنان به تدارک جنگ ، به فروش کشور ، به ستمگری و کشتار خلق که خواستار صلح حقیقی است مشغول‌اند . اینان متعصبان چانکایشک‌اند . برخی دیگر خواهان پیمودن راه دوم‌اند ولی هنوز نتوانسته‌اند به اقدام قطعی دست بزنند . گروه سوم بر سر دو راه

ایستاده ، سردداند و هنوز نمیدانند بکدام سو رهسپار شوند . آنان نمیخواهند چانکایشك و دولت آمریکا را برنجانند و معذلك اسیدوارند که مورد اغماض اردوی دموکراتیک توده‌ای قرار گیرند و در آن پذیرفته شوند . اما این پنداری بیش نیست ، غیر ممکن است .

دولت لی زون ژن و حه بین چینگ در نانکن اساساً آسیره‌ای از گروه اول و سوم است ، تعداد گروه دوم در آنجا اندك است . امروز هم دولت مذکور افزاری در دست چانکایشك و دولت آمریکاست .

حادثه خونین اول آوریل در نانکن (۲) بهیچوجه تصادفی نیست بلکه نتیجه اجتناب‌ناپذیر کاری است که دولت لی زون ژن و حه بین چینگ برای حراست چانکایشك و متعصبانش و همچنین برای حراست نیروهای تجاوزکار آمریکا انجام داده‌است . این نتیجه جنجال نابخردانه‌ای است که دولت لی زون ژن و حه بین چینگ بهمدامستانی با متعصبان چانکایشك در موضوع "صلح آبروسند بر پایه تساوی" بر پا کرده‌است تا با شرایط صلح هشت‌گانه تنظیمی حزب کمونیست چین و بویژه با مجازات جنایتکاران جنگ مخالفت ورزد . از آنجا که دولت لی زون ژن و حه بین چینگ بمنظور مذاکرات صلح با حزب کمونیست چین هیئت نمایندگی به بی پین فرستاده و نشان داده که حاضر است شرایط هشت‌گانه حزب کمونیست چین را بعنوان پایه مذاکرات بپذیرد ، دولت مذکور اگر کمترین حسن نیتی میداشت میبایست رسیدگی به حادثه خونین نانکن را آغاز میکرد ، مقصران اصلی یعنی چانکایشك ، تان ئن بوه و جان یائوسین را دستگیر میساخت و بسختی مجازات میداد . آدم‌کشان پلیس مخفی نانکن و شانگهای و نیز ضدانقلابی‌های عمده را که لجوجانه با صلح مخالفت میورزند ، میکوشند تا مذاکرات صلح را بهم بزنند و بتدارك

فعالانه مقاوت در برابر ارتش آزادیبخش توده‌ای که بسوی جنوب رودخانه یان تسه پیش می‌آید مشغول‌اند دستگیر میساخت و بسختی مجازات میداد . " تا چینگ فو زنده‌است مصائب کشور لو را پایانی نیست " (۳) . تا جنایتکاران جنگ از میان برداشته نشده‌اند امکان ندارد صلح در کشور برقرار گردد . آیا امروز این حقیقت بخوبی روشن نیست ؟ ما میخواهیم رسماً به دولت نانکن اخطار کنیم : اگر شما قادر بانجام این وظیفه نیستید باید لااقل به ارتش آزادیبخش توده‌ای که برای گذار از رودخانه یان تسه و پیشروی به سوی جنوب آماده میشود کمک کنید . موقع آن فرا رسیده است که از سخنان ییهوده دست بردارید و به کاری مثبت پردازید تا گناهان خویش را با خدمات شایسته بخرید . در این صورت لازم نیست که بگریزید و در جستجوی پناهگاهی باشید ، دیگر از جانب متعصبان چانکایشک آسیبی بشما نخواهد رسید ، دیگر مطرود همیشگی خلق نخواهید بود . این آخرین فرصت شماست ، نگذارید از دست برود . ارتش آزادیبخش توده‌ای عازم پیشروی بسوی جنوب رودخانه یان تسه است . این گزافه نیست . خواه شما قرارداد پذیرش شرایط هشت‌گانه را امضا بکنید یا نکنید ارتش آزادیبخش توده‌ای پیشروی خواهد کرد . اگر پیش از آن که ارتش با پیشروی کند قرارداد بامضا برسد برای چندین طرف سودمند است : برای خلق ، برای ارتش آزادیبخش توده‌ای ، برای کلیه کسانی که در دستگاههای دولت گومیندان هستند و میخواهند گناهان خویش را با خدمات شایسته بخرند ، و برای توده عظیم افسران و سربازان گومیندان . فقط برای چانکایشک ، برای متعصبانش و برای اسپریالیست‌ها زیانمند است . اگر این قرارداد بامضا نرسد موجب تغییری در اوضاع نخواهد شد . راه حل‌هایی

بوسیله مذاکرات محلی بدست خواهد آمد . ممکن است که باز هم نبردهائی روی دهد ولی تعداد آنها دیگر نمیتواند زیاد باشد . از سین جیان تا تایوان ، در مناطقی بدین پهناوری و در جبهه‌هائی باین عریضی ، گومیندان بیش از قریب ۱۰۰,۰۰۰ تن سپاهی جنگجو ندارد . از اینجهت دیگر نبردهای زیادی در پیش نخواهد بود . خواه يك قرارداد همگانی و خواه بجای آن چندین قرارداد محلی باضا برسد تغییری در وضع چانکایشك ، در وضع متعصبان او ، در وضع اسپریالیسم آمریکا و بطور خلاصه در وضع هیچيك از مرتجعانی که تا دم واپسین لجاج میورزند داده نخواهد شد . فنای آنان اجتناب‌ناپذیر است . شاید برای نانکن و نیز برای خود ما امضاء قرارداد همگانی از عدم امضاء آن اندکی مفیدتر باشد . از اینجهت است که ما معذلك بامضای آن میکوشیم . اما اگر این قرارداد همگانی امضا شود ما باید منتظر يك سلسله گرفتاری‌ها باشیم . برای ما بسیار ساده‌تر است که چندین قرارداد محلی امضاکنیم تا يك قرارداد همگانی . با وجود این ما همیشه حاضر بامضای این قراردادیم . اگر دولت نانکن و هیئت نمایندگی او نیز چنین تمایلی دارند در آن صورت باید در همین روزها تصمیم بگیرند و از هر گونه پندار و پرچانگی دست بدارند . اما ما شما را باتخاذ چنین تصمیمی مجبور نمیکیم . دولت نانکن و هیئت نمایندگی‌اش آزادند که چنین تصمیمی بگیرند یا نگیرند . یعنی شما میتوانید یا به چانکایشك و لیتون استوارت گوش فرا دارید و برای همیشه در کنار آنان قرار گیرید و یا بما گوش فرا دارید و در جانب ما بایستید . شما در انتخاب آزادید . ولی دیگر وقت زیادی برای انتخاب ندارید . ارتش آزادیبخش توده‌ای عازم حرکت است و دیگر محل تردید برای شما نیست .

یادداشتها

- ۱ - در ۱۲ مارس ۱۹۴۹ در اثر استعفای سون کا از ریاست باصطلاح شورای اجرائی ، سه بین چینگ از طرف لی زون ژن بجانیشینی او منصوب شد .
- ۲ - روز ۱ آوریل ۱۹۴۹ بیش از ۶,۰۰۰ دانشجوی از ۱۱ مؤسسه تعلیمات عالیہ نانکن بمنظور آنکه شرایط هشت‌گانه حزب کمونیست چین در مورد صلح از طرف دولت ارتجاعی گومیندان پذیرفته شود دست بنمایش زدند . جان یائو مین ، فرمانده کل پادگان گومیندان در نانکن ، بدستور چانگ‌ایشک ، به سپاهیان خود ، به پلیس و به مأموران مخفی فرمان داد که دانشجویان را بیرحمانه بزنند . دو نفر از دانشجویان کشته و بیش از صد نفر زخمی شدند .
- ۳ - طبق « زوه جوان » ، کتاب تاریخ باستان که حوادث عمده دوران بهار و پاییز (۷۷۰-۴۷۵ پیش از میلاد) را بررسی میکند ، چینگ فو ، یکی از بزرگان ولایت لو ، چندین بار موجب اغتشاش شد و دو تن از شاهزادگان را بقتل آورد . ضرب‌المثلی که در متن آمده است در آن زمان بسیار رایج بود و نام چینگ فو غالباً بعنوان نمونه اغتشاش‌گر برده میشود .

فرمان به ارتش برای پیشروی عمومی در سراسر کشور

(۲۱ آوریل ۱۹۴۹)

رفقای فرمانده و رزمنده کلیه ارتشهای صحرائی ! رفقای ارتش آزادیبخش
توده‌ای در مناطق پارتیزانی جنوب !

موافقتنامه صلح داخلی که پس از مذاکرات متعددی بین هیئت
نمایندگی حزب کمونیست چین و هیئت نمایندگی دولت گومیندان نانکن
تنظیم گردیده بود ، از طرف دولت مذکور رد شد (۱) . اعضای مسئول
دولت گومیندان در نانکن موافقتنامه مذکور را از آن جهت رد کردند که
آنها همچنان گوش به فرمان اسپریالیسم آمریکا و چانکایشک ، این سردهسته

این فرمان توسط رفیق مائو تسه دون تنظیم شده است . پس از آنکه دولت ارتجاعی
گومیندان از امضاء موافقتنامه صلح داخلی سرباز زد ، ارتش آزادیبخش توده‌ای به
پیروی از این فرمان صدر مائو تسه دون و فرمانده کل جو ده با مقیاس بیسابقه‌ای به
پیشروی عمومی پرمایه‌ای بسوی مناطق وسیع آزاد نشده کشور پرداخت . صبح ۲۱
آوریل ۱۹۴۹ ارتش صحرائی دوم برهبری لیو بوه چن ، دن سیائو پین و سایر
رفقا و ارتش صحرائی سوم برهبری چن ای ، سو یو ، تن جن لین و سایر رفقا در
جبهه‌ای بعرض بیش از ۵۰۰ کیلومتر که از حوکو (در شمال شرقی جیو جیان)
در مغرب تا جیان یین در مشرق گسترده میشد ، بزور از رودخانه یان تسه

راهزنان گومیندان دارند و میکوشند جلو پیشرفت امر آزادی خلق چین را بگیرند و مانع حل مسئله داخلی از طریق مسالمت‌آمیز گردند. موافقتنامه صلح داخلی که بوسیله دو هیئت نمایندگی طی مذاکرات تنظیم گردیده و شامل ۸ ماده و ۲۴ بند است، در فیصله دادن به مسئله جنایتکاران جنگ راه گذشت در پیش گرفته و نسبت به افسران و سربازان ارتش گومیندان و کارمندان دولت گومیندان اغماض روا داشته و برای سایر مسائل با توجه بمنافع ملت و خلق راه‌های مناسبی یافته‌است. رد این موافقتنامه بدین معنی است که مرتجعین گومیندان مصمم‌اند جنگ ضد انقلابی را که خود آنها برافروخته‌اند، تا آخر ادامه دهند. رد این موافقتنامه بدین معنی است که مرتجعین گومیندان با طرح پیشنهاد مذاکره صلح در یکم ژانویه سال جاری فقط میخواستند از پیشرفت ارتش

گذشتند، خط دفاعی دشمن را که با زحمت بسیاری طی سه ماه ونیم در طول رودخانه کشیده بود، بکلی در هم شکستند. این نیروها نانکن را که مدت بیست و دو سال مرکز سلطه ضد انقلابی گومیندان بود، در ۲۳ آوریل آزاد ساختند و سقوط رژیم ارتجاعی گومیندان را اعلام داشتند. این نیروها سپس در چند متون به پیشروی بسوی جنوب ادامه داده، حان جو را در ۳ مه و فان چان را در ۲۲ مه آزاد ساخته، بزرگترین شهر چین شانگهای را در ۲۷ مه بتصرف در آوردند. در ماه ژوئن به نفوذ در استان فوجیان پرداختند. فوجو را در ۱۷ اوت و سیامن را در ۱۷ اکتبر آزاد ساختند. در ۱۴ مه ارتش صحرائی چهارم، برهبری لین بیائو، لوه ژون هوان و سایر رفقا در جبهه‌ای بعرض بیش از ۱۰۰ کیلومتر در منطقه توان فون - او سیه در مشرق او هان بزور از رودخانه یان تسه گذشت و در ۱۶ و ۱۷ مه تعدادی از شهرهای چین مرکزی را که اهمیت استراتژیک دارند یعنی او چان، حان یان و حان کو را آزاد ساخت و سپس به پیشروی بسوی جنوب ادامه داد و وارد استان حو نان شد. چن چیان، استاندار گومیندان در حو نان و چن مین ژن فرمانده ارتش یکم در ۴ اوت قیام کرده و بصافوف ما پیوستند و این استان

آزادیبخش توده‌ای جلوگیری کنند و باین طریق فرصت برای نفس کشیدن بدست آورند تا دو باره بمنظور خرد کردن نیروهای انقلابی بحمله پردازند. رد این موافقتنامه بدین معنی است که دولت لی زون ژن در نانکن که ظاهراً هشت شرط صلح را از حزب کمونیست چین بمنزله پایه مذاکرات پذیرفت، فقط از روی تزویر و ریا عمل کرده‌است. از آنجا که دولت مذکور قبلاً به مجازات جنایتکاران جنگ، به تجدید سازمان کلیه واحدهای ارتجاعی گومیندان بر حسب اصول دموکراتیک، بانتقال کلیه اختیارات دولت نانکن و دولتهای تابع او در مراتب مختلف، و به سایر شرایط اساسی رضا داده‌است، هیچ دلیلی وجود ندارد که اقدامات مشخصی را که بر زمینه این شرایط اساسی طرح شده و مقرون به اغماض فراوان است، رد کند. در چنین شرایطی بشما فرمان میدهم:

بوجه مسالمت آمیز آزاد گردید. ارتش صحرائی چهارم از سپتامبر تا اکتبر به عملیات اپراتیو حن یان - بائو چینگ دست زد و پس از آنکه نیروهای عمده سپاهیان گومیندان بفرماندهی بای چون سی را نابود ساخت، پیشروی بسوی استانهای گوان دون و گوان سی ادامه داد. گوان جو را در ۱۴ اکتبر، گوی لین را در ۲۲ نوامبر و نان نین را در ۴ دسامبر آزاد گرداند. هنگامیکه ارتشهای صحرائی دوم و سوم بزور از رودخانه یان ته میگذشتند، ارتشهای چین شمالی برهبری نیه ژون جن، سیو سیان چیان و سایر رفقا در ۲۴ آوریل تای یوان را بتصرف در آوردند. ارتش صحرائی یکم برهبری پون ده هوای، سه لون و سایر رفقا که در ۲۰ مه سی ان را آزاد ساخته بود، باتفاق ۲ گروه از ارتشهای چین شمالی به حرکت بسوی مناطق تحت حکومت گومیندان در شمال غربی ادامه داد. این نیروها لان جو را در ۲۶ اوت گرفتند، سی نین را در ۵ سپتامبر، یین چوان را در ۲۳ سپتامبر آزاد کردند، سپاهیان گومیندان بفرماندهی ما بو فان و ما هون کوی را تماماً نابود ساختند. در دهه آخر ماه سپتامبر تائو جی یوه، فرمانده کل پادگان گومیندان در استان سین جیان و برهان استاندار قیام کرده و به صفوف ما پیوستند و سین جیان

۱ - متهورانه به پیش بروید و در سراسر خاک چین کلیه مرتجعین گومیندان را که جرأت بمقاومت کنند ، با قطعیت ، از بیخ و بن و بطور تمام و کمال نابود سازید ، همه خلق را رهائی بخشید ، استقلال ، حاکمیت و تمامیت ارضی چین را پاسداری کنید .

۲ - متهورانه به پیش بروید و کلیه جنایتکاران اصلاح‌ناپذیر جنگ را دستگیر کنید . آنها بهر جا که پناه برند ، باید دستگیر و بدادگاه تسلیم شوند و طبق قانون بکیفر برسند . بویژه به توقیف مردسته این راهزنان یعنی چانکایشک توجه کنید .

۳ - طرح اصلاح شده و قطعی موافقتنامه صلح داخلی را برای اطلاع کلیه دولتهای محلی و گروههای نظامی محلی گومیندان منتشر سازید . شما میتوانید در کادر محلی طبق روح این موافقتنامه با کلیه

از راه مسالمت آمیز آزاد شد . در آغاز ماه نوامبر ارتش صحرائی دوم برهبری لیو بوه چن ، دن سیائو پین و سایر رفقا ، باتفاق ارتش شماره هجدهم از ارتش صحرائی چین شمالی و همچنین بخشی از ارتش صحرائی یکم که تحت رهبری حه لون ، لی جین چیوان و سایر رفقا قرار داشتند ، به پیشروی بسوی جنوب غربی چین مبادرت جستند گوی یان را در ۱۵ نوامبر و چون چینگ را در ۳۰ نوامبر آزاد ساختند . در ۹ دسامبر لو هان ، استاندار گومیندان در یون نان ، لیو وین هوی استاندار گومیندان در سی کان ، و همچنین دن سی هو و پن وین هوا معاونین رئیس بوروی امور نظامی و اداری گومیندان در جنوب غربی قیام کرده و به صفوف ما پیوستند و باین طریق دو استان یون نان و سی کان از راه مسالمت آمیز آزاد شدند . در دهه آخر ماه دسامبر ارتش آزادیبخش توده‌ای که وارد جنوب غربی شده بود ، به نبرد چن دو دست زده ، سپاهیان گومیندان تحت فرماندهی حو زون نان را بکلی نابود ساخت و آن شهر را در ۲۷ دسامبر آزاد کرد . در پایان دسامبر ۱۹۴۹ ارتش آزادیبخش توده‌ای کلیه سپاهیان گومیندان را در خاک اصلی چین نابود ساخته و تمام سرزمین اصلی چین را باستثناء تبت آزاد کرد .

کسانی که خواستار پایان بخشیدن به جنگ و حل مسایل از طریق مسالمت آمیز هستند، موافقتنامه امضا کنید.

۴ - هرگاه پس از آنکه نانکن بوسیله ارتش آزادیبخش توده‌ای محاصره شد، دولت لی زون ژن در نانکن هنوز نگریخته یا پراکنده نشده باشد و حاضر باشد امضای خود را در زیر موافقتنامه صلح داخلی بگذارد، ما حاضریم بار دیگر باین دولت فرصت دهیم که آنرا امضا کند.

مائو تسه دون

صدر کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین

جو ده

فرمانده کل ارتش آزادیبخش توده‌ای چین

یادداشتها

۱ - در اول آوریل ۱۹۴۹ هیئت نمایندگی دولت گومیندان برهبری جان جی جون بمنظور مذاکرات صلح با هیئت نمایندگی حزب کمونیست چین وارد بی پین شد. پس از پانزده روز مذاکره موافقتنامه صلح داخلی تنظیم گردید. هیئت نمایندگی حزب کمونیست چین در ۱۵ آوریل این موافقتنامه (طرح اصلاح شده قطعی) را به هیئت نمایندگی دولت نانکن تسلیم داشت و این دولت در ۲۰ آوریل آنرا رد کرد. متن کامل موافقتنامه (طرح اصلاح شده قطعی) بقرار زیر است :

در سی و پنجمین سال جمهوری چین دولت ملی نانکن بكمك دولت آمریکا و علیرغم اراده خلق موافقتنامه متارکه و قطعنامه‌های کنفرانس مشورتی سیاسی را زیر پا نهاد و به بهانه مبارزه با حزب کمونیست چین به جنگ داخلی علیه خلق چین و ارتش آزادیبخش توده‌ای چین در مقیاس سراسر کشور دست زد. این جنگ دو سال و نه ماه ونیم است که ادامه دارد و مردم سراسر کشور بدین سبب دچار مصایب

فراوان گردیده‌اند . منابع مالی و مادی عظیم کشور بر باد رفته و صدمات تازه‌ای بر حاکمیت ملی وارد آمده است . قاطبه مردم از اینکه دولت ملی نانکن به " سه اصل انقلابی خلق " دکتر سون یاتسن و به سیاست صحیح او که مبتنی بر اتحاد با روسیه ، همکاری با حزب کمونیست و کمک به دهقانان و کارگران میباشد و همچنین به وصایای انقلابی او خیانت ورزیده‌است ، همواره ناخشنودی خود را ابراز داشته‌اند . قاطبه مردم بویژه با جنگ داخلی کنونی که بوسیله دولت ملی نانکن برافراشته شده و بمقیاس بیسابقه‌ای دنبال میشود و همچنین با سیاست و اقدامات اشتباه آمیزی که این دولت بعلت در پیش گرفتن جنگ داخلی ، در زمینه سیاسی ، نظامی ، مالی ، اقتصادی ، فرهنگی و امور خارجی اتخاذ کرده‌است ، مخالفت میورزند . دولت ملی نانکن دیگر بهیچوجه از اعتماد خلق برخوردار نیست . سپاهیان دولت ملی نانکن در این جنگ داخلی از ارتش آزادیبخش توده‌ای که تحت رهبری حزب کمونیست چین و بفرماندهی کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین قرار دارد ، شکست خورده‌اند . در چنین شرایطی دولت ملی نانکن در روز اول ژانویه سی و هشتمین سال جمهوری چین به حزب کمونیست چین پیشنهاد کرد که بمنظور متوقف ساختن جنگ داخلی و برقرار کردن صلح مذاکره بعمل آید . حزب کمونیست چین در ۱۴ ژانویه همین سال بیانیه‌ای مشعر بر قبول این پیشنهاد انتشار داد و ۸ شرط را بعنوان پایه مذاکرات صلح بین دو طرف مطرح ساخت . این هشت شرط از این قرار است : مجازات جنایتکاران جنگ ، الغاء باصطلاح قانون اساسی ، الغاء باصطلاح سیستم قضائی ، تجدید سازمان کلیه سپاهیان ارتجاعی برحسب اصول دموکراتیک ، مصادره سرمایه بوروکراتیک ، اجرای اصلاحات ارضی ، الغاء موافقت‌نامه‌های خیانت ملی ، دعوت کنفرانس مشورتی سیاسی جدید بدون شرکت عناصر ارتجاعی و تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی که کلیه قدرت را از دولت ارتجاعی گومیندان در نانکن و دولتهای محلی او در مدارج مختلف تحویل بگیرد . این هشت شرط اساسی از طرف دولت ملی نانکن پذیرفته شد . بالنتیجه حزب کمونیست چین و دولت ملی نانکن هیئتهای نمایندگی خویش را با اختیارات تام برای مذاکره و عقد موافقت‌نامه معین کردند . نمایندگان طرفین در بی بین ملاقات کردند و قبل از هر چیز تأیید نمودند که دولت ملی نانکن باید مسئولیت کامل جنگ داخلی کنونی و سیاست اشتباه آمیزی را که در زمینه‌های مختلف اعمال شده‌است ، برعهده گیرد . آنان در انعقاد این موافقت‌نامه با یکدیگر توافق نمودند :

ماده ۱

بند ۱ - هیئت نمایندگی حزب کمونیست چین و هیئت نمایندگی دولت ملی نانکن (که از این بعد طرفین نامیده میشوند) بمنظور تشخیص درست از نادرست و تعیین مسئولیتها تأیید میکنند که علی‌الاصول جنایتکاران جنگ در دولت ملی نانکن که مسئول برافروختن و تعقیب جنگ داخلی کنونی هستند ، باید بکیفر برسند ولی رفتار با آنها برحسب موارد زیرین مختلف خواهد بود :

(۱) - هر جنایتکار جنگ ، هر کسیکه باشد ، مشروط بر اینکه درست را از نادرست تشخیص دهد و مصمم باشد که از گذشته خود ببرد و صمیمیت کامل خود را در عمل نشان دهد و از این طریق به پیشرفت امر آزادی خلق چین و حل مسالمت‌آمیز مسئله داخلی مساعدت نماید ، ممکن است دیگر جزو جنایتکاران جنگ بشمار نیاید و نسبت باو اغماض شود .

(۲) - هر جنایتکار جنگ ، هر کسیکه باشد ، اگر جلوی پیشرفت امر آزادی خلق را بگیرد و به حل مسالمت‌آمیز مسئله داخلی لطمه بزند و یا اینکه حتی بشورش متوسل گردد و باین طریق نشان دهد که علاج‌ناپذیر است ، باید شدیداً بکیفر برسد . کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین مسئول سرکوب جنایتکاران جنگ که در رأس شورش قرار گیرند ، خواهد بود .

بند ۲ - طرفین تأیید میکنند که دولت ملی نانکن که در ۲۶ ژانویه سی و هشتمین سال جمهوری چین ژنرال یاسوژی‌اکامورا ، جنایتکار جنگ تجاوزی ژاپن علیه چین را تبرئه و آزاد ساخت و در ۳۱ ژانویه همان سال به ۲۶۰ ژاپنی دیگر از جنایتکاران جنگ اجازه بازگشت بژاپن را داد ، مرتکب خطا گردیده است . همینکه دولت دموکراتیک ائتلافی ، یعنی دولت مرکزی جدیدی که نماینده قاطبه مردم چین باشد ، تشکیل گردد ، مجدداً باید به وضعیت کلیه این جنایتکاران جنگ رسیدگی نماید .

ماده ۲

بند ۳ - طرفین تأیید میکنند که « قانون اساسی جمهوری چین » ، مصوب « مجلس ملی » که در نوامبر سی و پنجمین سال جمهوری چین از طرف دولت

گومیندان در نانکن دعوت شد ، باید ملفی گردد .

بند ۴ - پس از آنکه « قانون اساسی جمهوری چین » ملفی گردید ، آن قانون اساسی که حکومت و خلق باید از آن پیروی کنند ، بر طبق تصمیمات کنفرانس مشورتی سیاسی جدید و تصمیمات دولت دموکراتیک ائتلافی تنظیم خواهد شد .

ماده ۳

بند ۵ - طرفین تأیید میکنند که تمام سیستم قضائی دولت ملی نانکن باید ملفی شود .

بند ۶ - در مناطقی که ارتش آزادیبخش توده‌ای وارد شود و اداره امور آن مناطق را در دست گیرد ، و پس از تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی ، باید سیستم قضائی توده‌ای و دموکراتیک برپا گردد و کلیه قوانین و فرمانهای ارتجاعی ملفی شود .

ماده ۴

بند ۷ - طرفین تأیید میکنند که کلیه نیروهای مسلح که تابع دولت ملی نانکن میباشد (نیروهای زمینی ، دریائی و هوائی ، واحدهای ژاندارم ، واحدهای پلیس ارتباطات ، واحدهای محلی ، مؤسسات و آکادمیها و کارخانه‌های نظامی ، ادارات کارپردازی در پشت جبهه و غیره) باید برحسب اصول دموکراتیک تجدید سازمان یافته و بصورت واحدهای ارتش آزادیبخش توده‌ای در آیند . پس از امضای موافقتنامه صلح داخلی باید بیدرنگ يك کمیته ملی تجدید سازمان تشکیل شود که کار تجدید سازمان را بر عهده گیرد . کمیته تجدید سازمان مرکب از ۷ تا ۹ نفر خواهد بود که ۴ یا ۵ نفر آنها از طرف کمیسیون نظامی انقلابی خلق و ۳ یا ۴ نفرشان از طرف دولت ملی نانکن تعیین خواهند شد . صدارت کمیته بر عهده یکی از اعضائی که از طرف کمیسیون نظامی انقلابی خلق معین میشود و معاونت کمیته بر عهده یکی از اعضائی که از طرف دولت ملی نانکن معین میشود ، خواهد بود . در منطقه‌ای که ارتش آزادیبخش توده‌ای وارد شود و اداره امور آنجا را در

دست گیرد ، در صورت احتیاج ممکن است شعبه محلی کمیته تجدید سازمان تشکیل گردد . تناسب تعداد اعضاء طرفین در شعب مذکور و طرز عهده داری صدارت و معاونت آنها همان است که در مورد کمیته ملی تجدید سازمان ذکر شد . يك کمیته تجدید سازمان برای نیروهای دریائی و يك کمیته دیگر برای نیروهای هوائی باید بوجود بیاید . کلیه امور مربوط باینکه ارتش آزادیبخش توده ای به مناطقی که هنوز تحت اداره دولت ملی نانکن میباشد ، وارد شود و اداره امور آنجا را در دست گیرد ، طبق فرمان های کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین صورت خواهد گرفت ، سپاهیان دولت ملی نانکن هنگام ورود ارتش آزادیبخش توده ای نباید هیچگونه مقاومتی نشان دهند .

بند ۸ - طرفین موافقت میکنند که برنامه تجدید سازمان را در هر منطقه در دو مرحله بموقع اجرا در آورند :

(۱) - مرحله اول - تجمع و گروه بندی .

الف - کلیه واحدهای تابع دولت ملی نانکن (نیروهای زمینی ، دریائی و هوائی ، واحدهای ژاندارم ، واحدهای پلیس ارتباطات ، واحدهای محلی و غیره) باید جمع آوری و گروه بندی شوند . تجمع باید بر طبق اصل زیرین بعمل بیاید : کمیته تجدید سازمان با توجه به شرایط مناطق مختلف بنیروهای مناطقی که ارتش آزادیبخش توده ای بآنجا وارد شده و اداره امور آنجا را در دست گرفته ، فرمان خواهد داد که منطقه بمنطقه و مرحله بمرحله به نقاط معین بروند تا برحسب نمرات واحدهای خویش ، ساختمان خویش و تعداد نفرات اولیه خویش جمع آوری و گروه بندی شوند .

ب - کلیه سپاهیان تابع دولت ملی نانکن مسئولیت دارند که در محل استقرار خویش - در شهرهای بزرگ و کوچک ، در طول خطوط عمده ارتباطی و رودخانه ها ، در بنادر و در دهات - تا موقعیکه ارتش آزادیبخش توده ای نرسیده و اداره امور آنجا را در دست نگرفته ، نظم عمومی را حفظ کنند و از هر عمل تخریبی جلوگیری نمایند .

ج - موقعیکه ارتش آزادیبخش توده ای به محلهای مذکور میرسد و امور آنجا را اداره میکند ، سپاهیان تابع دولت ملی نانکن باید طبق دستورهای کمیته تجدید سازمان و شعب آن کمیته بشیوه مسالمت آمیز نقل و انتقال یابند و به محلهای معین شده بروند . آنها وقتیکه بآنجا میروند و وقتیکه بآنجا میرسند باید انضباط را اکیداً مراعات کنند و نباید نظم عمومی آن محل را مختل سازند .

د - موقعی که سپاهیان تابع دولت ملی نانکن نقاط اولیه استقرار خود را طبق فرمان کمیته تجدید سازمان و شعب آن ترك میگویند پلیس محلی و یا واحدهای امنیت عمومی که در این نقاط مستقر شده‌اند ، نباید آنجا را تخلیه کنند بلکه باید در آنجا عهده‌دار حفظ امنیت عمومی شوند و از فرماندهی و از دستور ارتش آزادیبخش توده‌ای تبعیت کنند .

ه - کمیته تجدید سازمان و شعب آن و دولت‌های محلی مسئولیت تأمین نیازمندیهای نظامی مانند غلات ، علیق ، وسایل خواب و پوشاک کلیه سپاهیان تابع دولت ملی نانکن را در هنگام نقل و انتقال و تجمع آنان برعهده خواهند داشت .

و - کمیته تجدید سازمان و شعب آن باید با توجه به شرایط مناطق مختلف به مقامات دولت ملی نانکن دستور دهند که کلیه ادارات و مؤسسات نظامی (دوایر ، مدارس ، کارخانه‌ها و انبارهای متعلق به وزارت دفاع ملی تا اداره کل کارپردازی عمومی در پشت جبهه) ، کلیه تأسیسات نظامی (بنادر نظامی ، دژها ، پایگاههای هوایی و غیره) و همچنین کلیه مصالح جنگی خود را منطقه بمنطقه و مرحله بمرحله بارتش آزادیبخش توده‌ای و کمیسیون‌های کنترل نظامی آن در نقاط مختلف تحویل دهند .

(۲) - مرحله دوم - تجدید سازمان منطقه بمنطقه .

الف - پس از آنکه نیروهای زمینی تابع دولت ملی نانکن (پیاده نظام ، سوار نظام ، واحدهای ویژه ، واحدهای ژاندارم ، واحدهای پلیس ارتباطات و واحدهای محلی) منطقه بمنطقه و مرحله بمرحله بنقاط معین شده رسیدند و جمع‌آوری و گروه‌بندی شدند ، کمیته تجدید سازمان باید با توجه بشرایط مناطق مختلف ، منطقه بمنطقه برنامه‌هایی جهت تجدید سازماندهی تنظیم کند و تا موعد معین بموقع اجرا گذارد . اصل تجدید سازمان مشعر بر اینست که کلیه نیروهای زمینی مذکور که جمع‌آوری و گروه‌بندی شده‌اند بر طبق سیستم دموکراتیک و ساختمان منظم ارتش آزادیبخش توده‌ای تجدید سازمان یابند تا بصورت واحدهای منظم ارتش آزادیبخش توده‌ای در آیند . کمیته تجدید سازمان و شعب آن مسئولیت خواهند داشت که بوضع سربازانی که خواه بعلت کبر سن خواه بعلت معلولی واقعاً قادر به خدمت نیستند و خواهان ترك خدمت‌اند و همچنین بوضع افسران و درجه‌دارانی که مایل بترك خدمت و یا تغییر شغل‌اند رسیدگی کنند ، تسهیلات لازم را برای بازگشت آنان بسرخانه و زندگی خود فراهم آورند و بآنان امکان تأمین معاش بدهند ، بطوریکه هرکس در وضعیت مناسبی

قرار گیرد و هیچکس در اثر فقدان وسایل معیشت بارتکاب اعمال ناشایسته دست نزند .
 ب - نیروهای دریائی و هوائی تابع دولت ملی نانکن پس از آنکه منطقه بمنطقه
 و مرحله بمرحله به نقاط معین شده رفتند و جمع‌آوری و گروه‌بندی شدند ، طبق
 سیستم دموکراتیک ارتش آزادیبخش توده‌ای و برحسب نمرات اولیه واحدهای خود ،
 ساختمان و نفرات اولیه خود ، بوسیله کمیته‌های تجدید سازمان نیروهای دریائی
 و هوائی تجدید سازمان خواهند یافت .

ج - کلیه نیروهای مسلح تابع دولت ملی نانکن همینکه تجدید سازمان یافته
 و بصورت واحدهای ارتش آزادیبخش توده‌ای در آمدند ، موظف‌اند که سه اصل
 بزرگ انضباطی و هشت ماده مقرراتی ارتش آزادیبخش توده‌ای را اکیداً مراعات کنند
 و خود را با سیستم نظامی و سیاسی ارتش آزادیبخش توده‌ای صادقانه تطبیق دهند
 و بتخلف از آنها مبادرت نورزند .

د - افسران و سربازانی که پس از تجدید سازمان باز نشسته میشوند ، باید
 دولتهای توده‌ای محلی را محترم بدارند و از قوانین و فرمانهای دولت توده‌ای پیروی
 کنند . دولتهای توده‌ای محلی و اهالی باید باین افسران و سربازان باز نشسته توجه کنند
 و هیچ گونه تبعیضی نسبت بآنان روا ندارند .

بند ۹ - بعد از امضای موافقتنامه صلح داخلی ، کلیه نیروهای مسلح تابع دولت
 ملی نانکن باید از سربازگیری خودداری کنند . آنان مسئولیت خواهند داشت که
 کلیه اسلحه و مهمات خود ، کلیه ساز و برگ خود ، کلیه تأسیسات ادارات نظامی
 و کلیه مصالح جنگ را سالم نگهدارند و در هیچ حالی نباید آنها را از بین ببرند ،
 پنهان کنند ، منتقل سازند و یا بفروشند .

بند ۱۰ - بعد از امضای موافقتنامه صلح داخلی ، اگر هر يك از نیروهای مسلح
 تابع دولت ملی نانکن از اجرای برنامه تجدید سازمان سربپیچد ، دولت ملی نانکن
 باید بارتش آزادیبخش توده‌ای كمك كند تا بزور به برنامه مذکور تحقق بخشیده
 و اجرای تمام و کمال آنها تأمین نماید .

ماده ۵

بند ۱۱ - طرفین موافقت میکنند که کلیه بنگاهها (از آنجمله بانکها ،
 کارخانه‌ها ، معادن ، کشتی‌ها ، شرکتها و مغازه‌ها) و اموال سرمایه بوروکراتیک

که تملك ويا غصب آنها در دوران سلطه دولت ملی نانکن در اثر امتیازات سیاسی و قدرت خانواده‌های بزرگ حاصل شده‌است ، مصادره شوند و به تملك دولت در آیند .

بند ۱۲ - در مناطقی که هنوز ارتش آزادیبخش توده‌ای نرسیده و اداره امور آنجا را در دست نگرفته‌است ، دولت ملی نانکن مسئولیت دارد که مراقب بنگاهها و اموال سرمایه بوروکراتیک قید شده در بند ۱۱ باشد تا از هر گونه فرار دادن ، پنهان ساختن ، آسیب رساندن بآنها ، انتقال ویا فروش نهانی آنها جلوگیری شود . اموالی که هم اکنون نقل مکان یافته‌اند ، باید در همان محل که هست ، را که بمانند . هیچگونه انتقال جدید ، هیچگونه فرار دادن آن اموال بخارجه یا از بین بردن آنها مجاز نیست . بنگاهها و اموال سرمایه بوروکراتیک که در خارجه است ، باید ملك دولت اعلام شود .

بند ۱۳ - در مناطقی که ارتش آزادیبخش توده‌ای رسیده و اداره امور آنجا را در دست گرفته‌است ، بنگاهها و اموال سرمایه بوروکراتیک قید شده در بند ۱۱ ، بوسیله کمیسیون‌های کنترل نظامی محل ویا بوسیله ارگانهائی که دولت دموکراتیک ائتلافی بآنها مأموریت داده‌است ، مصادره خواهند شد . اگر سهام خصوصی در این بنگاهها وجود داشته‌باشد ، باید درباره آنها تحقیق بعمل آید و هرگاه بشود برسد که واقعاً سهام خصوصی هستند و سهام سرمایه بوروکراتیک که محرمانه انتقال یافته باشد ، نیستند ، باید بعنوان سهام خصوصی شناخته شوند و صاحبان آنها مجاز خواهند بود که سهامدار باقی بمانند یا سهم خود را بیرون بکشند .

بند ۱۴ - بنگاههای سرمایه بوروکراتیک که پیش از سلطه دولت ملی نانکن تأسیس شده‌اند و همچنین بنگاههای از این قبیل که در زمان سلطه مذکور تأسیس شده ولی بزرگ نیستند و باقتصاد ملی وزندگی خلق زیان نمیرسانند ، مصادره نخواهند شد . ولی بنگاهها و اموالی که صاحبان آنها مرتکب اعمال جنایتکارانه گردیده‌اند ، از قبیل مرتجعین که جنایات فجیعشان بوسیله مردم افشا شده و رسماً باثبات رسیده‌است ، باید مصادره شوند .

بند ۱۵ - در شهرهایی که هنوز ارتش آزادیبخش توده‌ای نرسیده و هنوز اداره امور آنجا را در دست نگرفته‌است ، مقامات دولتی استان ، شهر و شهرستان که تابع دولت ملی نانکن میباشند ، موظفند که از نیروهای دموکراتیک توده‌ای و از فعالیت آنها در این نقاط حمایت کنند . مقامات دولتی مذکور نباید این نیروها را تحت فشار قرار دهند ویا بآنها آسیب برسانند .

ماده ۴

بند ۱۶ - طرفین تأیید میکنند که سیستم فتودالی مالکیت ارضی در کلیه مناطق روستائی چین باید بتدریج تغییر یابد . بطور کلی پس از رسیدن ارتش آزادیبخش توده‌ای در مرحله اول به تقلیل بهره‌مالکانه و ربح و سپس به تقسیم زمین اقدام خواهد شد .

بند ۱۷ - در مناطقی که هنوز ارتش آزادیبخش توده‌ای نرسیده و هنوز اداره امور آنها را در دست نگرفته‌است ، دولتهای محلی تابع دولت ملی نانکن موظفند که از سازمانها و از فعالیتهای توده‌های دهقان حمایت کنند . دولتهای مذکور نباید آنها را تحت فشار قرار دهند و یا بآنها آسیب برسانند .

ماده ۷

بند ۱۸ - طرفین موافقت میکنند که کلیه قراردادها و موافقتنامه‌هایی که در دوران سلطه دولت ملی نانکن با دول خارجی انعقاد یافته و سایر اسناد و بایگانی‌های دیپلماتیک ، خواه علنی و خواه سری باید بوسیله دولت ملی نانکن به دولت دموکراتیک ائتلافی تسلیم شود و از طرف دولت اخیر مورد رسیدگی قرار گیرد . کلیه قراردادها و موافقتنامه‌هایی که متضمن لطمه‌ای بر خلق چین و حکومت او است و بویژه آنهایی که ماهیتاً حقوق حکومت را از وی سلب مینماید ، برحسب موارد مختلف ، یا ملغی میشود یا مورد تجدید نظر قرار میگیرد و یا جای خود را به قراردادها و موافقتنامه‌های تازه میدهد .

ماده ۸

بند ۱۹ - طرفین موافقت میکنند که پس از امضاء موافقتنامه صلح داخلی و پیش از تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی ، دولت ملی نانکن و همچنین شوراها ، وزارتخانه‌ها ، کمیسیون‌ها و سایر ارگانهای وی باید همچنان موقتاً به ایفاء وظایف خود مشغول باشند . ولی موظفند که در اداره امور با کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین مشورت کنند و به ارتش آزادیبخش توده‌ای در تحویل گرفتن کارها و نقل و انتقال در مناطق

مختلف کمک برسانند . پس از آنکه دولت دموکراتیک ائتلافی تشکیل شد دولت ملی نانکن بیدرنگ اختیارات خویش را بوی خواهد سپرد و انحلال خود را اعلام خواهد داشت .

بند ۲۰ - در موقعیکه دولت ملی نانکن و دولت‌های محلی مختلف و همچنین ارگانهای تابع آنها اختیارات خویش را تحویل میدهند ، ارتش آزادیبخش توده‌ای ، دولتهای توده‌ای محلی و دولت دموکراتیک ائتلافی چین باید مراقب باشند که از میان کارمندان سابق کلیه کسانی را که میهن‌پرستاند و کلیه اشخاص مفید را در خدمت نگاه داشته و آموزش دموکراتیک بدهند و کارهای مناسب بآنها بسپارند بطوری که بیکار و بیخانمان نمانند .

بند ۲۱ - پیش از آنکه ارتش آزادیبخش توده‌ای برسد و اداره امور را در دست گیرد ، دولت ملی نانکن و مقامات دولتی تابع آن در هر استان ، هر شهر و هر شهرستان وظیفه دارند که در محیط خویش پاسدار امنیت عمومی باشند ، کلیه ارگانهای دولتی و بنگاههای دولتی (از آنجمله بانک‌ها ، کارخانه‌ها ، معادن ، راه آهن ، دواثرپست و تلگراف و تلفن ، هواپیماها ، کشتی‌ها ، شرکت‌ها ، انبارها و وسایل ارتباطات) و سایر اموال منقول و غیرمنقول متعلق به دولت را حفظ و حمایت کنند . از بین بردن ، خسارت وارد آوردن ، انتقال دادن ، پنهان کردن و فروختن بهیچوجه مجاز نخواهد بود . کتابها ، بایگانی‌ها ، عتیقه‌ها ، اشیاء قیمتی ، طلا و نقره و سایر مسکوکات ، ارز خارجی و کلیه اموال و اشیائی که هم اکنون منتقل شده و یا مخفی گردیده‌اند باید بیدرنگ در همانجا که هست را کد بمانند تا آنکه بمقامات صلاحیت‌دار تحویل داده شوند . دولت ملی نانکن مسئولیت دارد که آن اشیائی را که بخارج فرستاده شده و یا قبلاً در خارج بوده‌اند ، باز ستاند و تا موقع تحویل نگهدارد .

بند ۲۲ - در مناطقی که ارتش آزادیبخش توده‌ای رسیده و اداره امور آنجا را بدست گرفته‌است ، کمیسیون‌های کنترل نظامی محلی ، دولتهای توده‌ای محلی و یا ارگانهای که از طرف دولت دموکراتیک ائتلافی معین شده‌اند ، باید کلیه اختیارات و همچنین کلیه اموال و دارائی دولت را بتصرف در آورند .

بند ۲۳ - پس از آنکه موافقتنامه صلح داخلی بوسیله هیئت نمایندگی دولت ملی نانکن امضاء شد و بوسیله آن دولت بموقع اجرا در آمد ، هیئت نمایندگی حزب کمونیست چین برعهده میگیرد که به کمیته تدارک کنفرانس مشورتی سیاسی جدید پیشنهاد نماید که دولت ملی نانکن مجاز باشد عده‌ای از میهن‌پرستان را بعنوان نماینده

به کنفرانس مذکور اعزام دارد . در آنصورت نمایندگان دولت ملی نانکن خواهند توانست پس از دریافت موافقت کمیته تدارك كنفرانس مشورتی سیاسی جدید در آن كنفرانس شرکت جویند .

بند ۲۴ - پس از آنکه دولت ملی نانکن نمایندگان خود را به كنفرانس مشورتی سیاسی جدید اعزام داشت ، حزب کمونیست چین برعهده میگیرد به كنفرانس پیشنهاد نماید که دولت دموکراتیک ائتلافی عدهای از میهنپرستان دولت ملی نانکن را نیز بخاطر مراعات همکاری در ترکیب خود وارد کند .

هیئتهای نمایندگی طرفین اعلام میدارند : ما بخاطر رهائی خلق چین و استقلال و آزادی ملت چین ، بخاطر آنکه جنگ در آینده نزدیک متوقف گردد و صلح برقرار شود تا شرایط مساعد برای پرداختن بکارهای بزرگ تولیدی و ساختمان در سراسر کشور فراهم آید و به کشور ما و به خلق ما امکان دهد که با گامهای مطمئن به شکوفای اقتصادی ، نیرومندی و آسایش برسند ، مسئولیت امضاء این موافقتنامه را برعهده میگیریم . امیدواریم که همه خلق در مبارزه برای اجرای کامل این موافقتنامه چون تنی واحد با یکدیگر متحد شوند . موافقتنامه حاضر بلافاصله پس از امضاء بموقع اجرا در خواهد آمد .

اعلان ارتش آزادیبخش توده‌ای چین

(۲۵ آوریل ۱۹۴۹)

مرتجعین گومیندان شرایط صلح را رد کرده و روی موضع ادامه جنگ جنایتکارانه بر ضد ملت و خلق لجاج می‌ورزند . قاطبه مردم امیدوارند که ارتش آزادیبخش توده‌ای ، مرتجعین گومیندان را بسرعت براندازد . ما بارتش آزادیبخش توده‌ای فرمان داده‌ایم که متهورانه به پیش رود ، کلیه سپاهیان ارتجاعی گومیندان را که جرأت مقاومت بکنند نابود سازد ، کلیه جنایتکاران اصلاح ناپذیر جنگ را دستگیر نماید ، خلق سراسر کشور را آزاد کند ، بدفاع از تمامیت ارضی ، حاکمیت و استقلال چین پردازد و بوحدت حقیقی کشور که همه خلق مشتاقانه خواستار آنست ، تحقق بخشد . ما امید فراوان داریم که بهر جا که ارتش آزادیبخش توده‌ای روی آورد ، از پشتیبانی کلیه قشرهای مردم برخوردار شود . ما در اینجا قرارنامه‌ای را در هشت ماده اعلام می‌داریم و حاضریم آنرا بمعیت عموم خلق مراعات کنیم .

۱ - حراست از جان و اموال قاطبه مردم . امیدواریم که کلیه قشرهای مختلف مردم ، صرفنظر از تعلق طبقاتی ، معتقدات یا مشاغل خویش مراعات نظم عمومی را محترم بشمارند و با ارتش آزادیبخش توده‌ای

همکاری کنند . ارتش آزادیبخش توده‌ای نیز همین روش را با کلیه قشرهای مختلف مردم در پیش خواهد گرفت . ضد انقلابیون و یا سایر خرابکارانی که با استفاده از فرصت به ایجاد اغتشاشات ، به غارتگری و یا به خرابکاری دست بزنند ، شدیداً کیفر خواهند دید .

۲ - حراست از بنگاههای صنعتی ، تجاری ، کشاورزی و دامداری که متعلق به بورژوازی ملی است . از همه کارخانه‌ها ، مغازه‌ها ، بانک‌ها ، انبارها ، کشتی‌ها ، لنگرگاه‌ها ، فرمهای کشاورزی ، فرمهای دامداری و غیره که در تملک خصوصی هستند ، بدون استثناء در برابر هرگونه تعدی محافظت بعمل خواهد آمد . ما امیدواریم که کارگران و کارمندان کلیه مشاغل بکار تولیدی کماکان ادامه دهند و کلیه مغازه‌ها باز بمانند .

۳ - مصادره سرمایه بوروکراتیک . کارخانه‌ها ، مغازه‌ها ، بانکها ، انبارها ، کشتی‌ها ، لنگرگاهها ، راه آهنها ، دفاتر پست و تلگراف و تلفن ، بنگاههای برق و آب ، فرمهای کشاورزی ، فرمهای دامداری و غیره که بوسیله حکومت ارتجاعی گوسپندان و بوروکرات‌های بزرگ اداره و مورد بهره‌برداری قرار میگیرند ، بتصرف دولت توده‌ای در خواهند آمد . سرمایه‌داران ملی که در رشته‌های صنعت ، تجارت ، کشاورزی و دامداری اشتغال دارند ، چنانچه در این بنگاهها سهامی داشته باشند ، حق مالکیت آنها بر سهام مذکور ، پس از رسیدگی و اثبات برسمیت شناخته خواهد شد . کلیه کارکنان بنگاههای سرمایه بوروکراتیک باید تا موقعیکه بنگاههای مذکور بتصرف دولت توده‌ای در نیامده‌اند ، بر سر کار خویش باقی بمانند و باید مسئولیت حفظ اموال ، ماشینها ، تابلوها و گرافیک‌ها ، دفاتر حسابداری ، بایگانی‌ها و غیره را بعهده گیرند و صبرکنند تا آنکه دولت به سیاهه این بنگاهها رسیدگی نماید و آنها را بتصرف خود درآورد .

هرکس که خدمت شایسته‌ای در این زمینه انجام دهد ، پاداش خواهد گرفت . افرادی که کارشکنی یا خرابکاری کنند ، کیفر خواهند یافت . به کسانی که مایلند پس از آنکه بنگاههای مذکور بتصرف دولت توده‌ای در آمد ، بکار خود ادامه دهند مشاغلی برحسب استعدادشان واگذار خواهد شد تا بیکار و بیخانمان نمانند .

۴ - حراست از کلیه مؤسسات عمومی و خصوصی مانند مدارس ، بیمارستان‌ها ، مؤسسات فرهنگی و آموزشی ، اماکن ورزشی و سایر مؤسسات عام‌المنفعه . امیدواریم که کلیه کارکنان این مؤسسات بر سر کار خویش باقی بمانند . ارتش آزادیبخش توده‌ای از آنها در برابر هرگونه آسیبی محافظت خواهد کرد .

۵ - جز جنایتکاران اصلاح‌ناپذیر جنگ و ضد انقلابیونی که به جنایات فجیع دست زده‌اند ، هیچیک از کارمندان گویندگان از بالا تا ذیل که در دولت‌های مرکزی ، استانی ، شهری و شهرستانی کار میکنند ، هیچیک از نمایندگان " مجلس ملی " ، هیچیک از اعضای شوراهای قانونگزاری و تفتیش ، هیچیک از اعضای شوراهای مشورتی ، هیچیک از کارمندان پلیس ، هیچیک از کارمندان دولتی بخش‌ها ، مراکز بخش‌ها ، و قصبه‌ها و هیچیک از مأمورین " بائو - جیا " تا وقتی که به مقاومت مسلحانه دست نزنند و در صدد خرابکاری برنیایند ، از طرف ارتش آزادیبخش توده‌ای و دولت توده‌ای اسیر نخواهند شد ، توقیف نخواهند گردید ، مورد اهانت قرار نخواهند گرفت . کلیه این اشخاص موظفند که تا زمانی که این ارگانها بتصرف دولت درنیامده‌اند ، بر سرکار خود باقی بمانند ، تابع فرمانها و دستورات ارتش آزادیبخش توده‌ای و دولت توده‌ای باشند ، مسئولیت محافظت از کلیه اموال و بایگانی‌های ارگانهای خویش را

برعهده گیرند . از میان این اشخاص آنهایی که لیاقت و مهارت در کار دارند و عمل ارتجاعی جدی و یا بدکرداری فاحش دیگری مرتکب نشده‌اند ، از طرف دولت توده‌ای اجازه خواهند یافت مصدر شغلی گردند . کلیه کسانی که از فرصت استفاده کرده به خرابکاری ، دزدی و اختلاس پردازند و یا فرار اختیار کرده وجوه و اموال عمومی و بایگانی‌ها را همراه خود ببرند و یا اینکه از اعتراف کردن خودداری ورزند ، کیفر خواهند دید .

۶ - بمنظور استقرار امنیت در شهرها و دهات و بمنظور حفظ نظم عمومی ، کلیه سربازانی که پراکنده شده‌اند ، باید خود را به ارتش آزادیبخش توده‌ای و یا دولت توده‌ای محل خویش معرفی کرده و ثبت نام کنند . کسانی که چنین عمل کنند و تمام اسلحه خویش را تسلیم دارند ، مورد هیچگونه تعقیبی قرار نخواهند گرفت . آنهایی که از ثبت نام خودداری ورزند و یا اسلحه خویش را پنهان دارند ، توقیف و بازجویی خواهند شد . هر کس که سربازان پراکنده را مخفی سازد و بمقامات دولتی اطلاع ندهد ، بوجه شایسته تنبیه خواهد شد .

۷ - سیستم فئودالی مالکیت ارضی در نواحی روستائی غیر عادلانه است و باید ملغی گردد . اما برای الغای آن باید مقدماتی فراهم آید و مرحله بمرحله اقدام شود . بطور کلی باید از تقلیل بهره مالکانه و ربح شروع کرد و سپس به تقسیم اراضی پرداخت . فقط پس از آنکه ارتش آزادیبخش توده‌ای بمحلی رسیده و مدت نسبتاً مدیدی در آنجا بکار پرداخته باشد ، میتوان از حل جدی مسئله ارضی سخن راند . توده‌های دهقان باید متشکل شوند و ارتش آزادیبخش توده‌ای را در اجرای رفرم‌های بدوی مختلف یاری رسانند . توده‌های مذکور در عین حال باید مجدانه

بکار در مزرعه مشغول باشند تا آنکه سطح کنونی تولید کشاورزی پائین نیاید و سپس باید بتدریج آنرا بالا برند و باین طریق زندگی خویش را بهبود بخشند و غله کالائی اهالی شهرها را تأمین کنند . حل مسئله زمین و خانه در شهرها مانند حل مسئله ارضی در نواحی روستائی نیست .

۸ - حراست از جان و اموال اتباع خارجی . امیدواریم که همه اتباع خارجی باشتغالات عادی خود پردازند و نظم عمومی را مراعات کنند . آنها موظفند که طبق فرمانها و دستورهای ارتش آزادیبخش توده‌ای و دولت توده‌ای رفتار نمایند . آنها نباید به عملیات جاسوسی و یا بفعالیت علیه استقلال ملی چین و آزادی خلق پردازند و یا جنایتکاران جنگ ، ضد انقلابیون و سایر جنایتکاران چینی را تحت حمایت خود قرار دهند ، آنها هرگز تخلف کنند ، از طرف ارتش آزادیبخش توده‌ای و دولت توده‌ای طبق قانون مجازات خواهند شد .

ارتش آزادیبخش توده‌ای از انضباطی اکید برخوردار است ، این ارتش هرچه میخرد ، بهایش را منصفانه میپردازد و مجاز نیست حتی يك سوزن و یا يك رشته نخ از اهالی بگیرد . امیدواریم عموم خلق با آرامش به زندگی و کار خود پردازند و به شایعات توجه نکنند و یا ییهوده دچار وحشت نشوند . اعلان حاضر باید اکیداً مراعات شود .

مائو تسه دون

صدر کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین
جو ده

فرمانده کل ارتش آزادیبخش توده‌ای چین

www.KetabFarsi.com

اظهاریه سخنگوی ستاد کل ارتش آزادبخش توده‌ای چین در باره اعمال متعدیان کشتی‌های جنگی انگلستان^(۱)

(۳۰ آوریل ۱۹۴۹)

ما اظهارات بی‌منطق چرچیل جنگ افروز را محکوم میکنیم (۲) .
روز ۲۶ آوریل چرچیل در مجلس سبوتان از دولت انگلستان خواست که
دو هواپیما بر بعنوان " نیروی مؤثر تلافی " به خاور دور اعزام دارد .
آقای چرچیل ، در چه مورد میخواهید " تلافی " کنید ؟ ناوگان جنگی
انگلستان که در کنار کشتی‌های جنگی گومیندان در حرکت بوده‌اند
بزور وارد منطقه دفاعی ارتش آزادبخش توده‌ای چین شده با تیراندازی
بروی این ارتش ، ۲۵۲ نفر از جنگجویان صدیق و دلیر ما را کشته

اظهاریه‌ای که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام سخنگوی ستاد کل ارتش آزادبخش
توده‌ای چین تنظیم شده است . این اظهاریه موضع صحیح خلق چین را که از هیچ
تهدیدی مرعوب نمیشود و مصممانه در برابر تجاوز امپریالیستی بر میخیزد رسماً
بیان میدارد . وی همچنین سیاست خارجی چین نوین را که در حال ظهور بود
تعیین میکند .

و زخمی کرده‌اند. از آنجا که انگلیسی‌ها وارد خاك چین شده و به‌چنین عمل جنایتکارانه خطیری دست زده‌اند ارتش آزادیبخش توده‌ای چین کاملاً حق دارد از دولت انگلستان بخواهد که وی به خطای خویش معترف شود، پوزش بطلبد و تاوان بپردازد. آیا شما نبایستی بجای اینکه بمنظور "تلافی" از ارتش آزادیبخش توده‌ای چین به چین قشون بفرستید چنین کاری بکنید؟ اظهارات نخست وزیر اتلی نیز اشتباه‌آمیز است (۳). وی گفته است که دولت انگلستان حق دارد ناوگان جنگی به آبهای یان تسه بفرستد. یان تسه رودخانه‌ای چینی است. چه حقی ممکن است شما انگلستان در فرستادن ناوگان جنگی بآنجا داشته باشید؟ چنین حقی ندارید. خلق چین از سرزمین و از حاکمیت چین دفاع خواهد کرد و بهیچ تعدی از جانب دولتهای خارجی تن نخواهد داد. اتلی همچنین گفته که ارتش آزادیبخش توده‌ای "حاضر بود به کشتی 'آمتیست' اجازه بدهد که راه خویش را در پیش گرفته به نانکن برود، فقط مشروط بر اینکه وی بارتش آزادیبخش توده‌ای در عبور از یان تسه کمک کند". اتلی دروغ میگوید. ارتش آزادیبخش توده‌ای هرگز به "آمتیست" اجازه نداد که به نانکن برود. ارتش آزادیبخش توده‌ای برای عبور از یان تسه و برای هیچ اقدام دیگر به نیروی مسلح هیچ کشور بیگانه تکیه نمی‌کند. برعکس، ارتش آزادیبخش توده‌ای خواستار است که نیروهای مسلح انگلستان، آمریکا و فرانسه - ناوگان جنگی، هواپیماهای نظامی، تفنگداران دریائی که در کنار رودخانه‌های یان تسه و حوان پو، و سایر نقاط چین مستقر شده‌اند - بیدرنگ از آبهای داخلی، از آبهای مرزی، از خاك و از فضای هوائی چین بروند، از یاری دشمنان خلق چین در ادامه جنگ داخلی

دست باز ندارند . کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین و دولت توده‌ای تا امروز با هیچ دولت خارجی روابط دیپلماتیک برقرار نکرده‌اند ، معذک می‌خواهند از اتباع خارجی که در چین به مشاغل قانونی می‌پردازند حمایت کنند و آماده‌اند که مسائل مربوط به برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهای بیگانه را مورد بررسی قرار دهند . روابط مذکور باید بر اساس تساوی ، مزایای متقابل ، احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی استوار باشد . روابط مذکور قبل از هر چیز مقتضی آن است که این کشورهای بیگانه از یاری مرتجعان گومیندان دست باز دارند . کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین و دولت توده‌ای بهیچ عمل ارعاب‌آمیز از طرف هیچ دولت بیگانه تن نخواهند داد . هر دولت خارجی که بخواهد با ما روابط دیپلماتیک برقرار کند قبلاً باید روابط خود را با بقایای رژیم گومیندان برد و نیروهای مسلح خود را از خاک چین فرا خواند . اتلی شکایت دارد که حزب کمونیست چین که با کشورهای بیگانه روابط دیپلماتیک برقرار نکرده است مایل به داشتن تماس با کارسندان قدیم دیپلماتیک دولتهای خارجی (کنسولهای مورد پذیرش گومیندان) نیست . چنین شکایتی بی‌پایه است . در طی سالهای اخیر دولت آمریکا ، انگلستان ، کانادا و سایر کشورها به گومیندان در پیکار بر ضد ما یاری داده‌اند . آیا آقای اتلی فراموش کرده است ؟ کدام است آن کشوری که کشتی زرهی سنگین " چون چینگ " (۴) را که اخیراً غرق شد به گومیندان داد ؟ آیا این را هم آقای اتلی فراموش کرده است ؟

یادداشتها

۱ - از ۲۰ تا ۲۱ آوریل ۱۹۴۹ ، در هنگامی که ارتش آزادیبخش توده‌ای برای گذار از یان تسه به نبرد مشغول بود ، چهار کشتی جنگی انگلستان ، واز آن جمله "آمتیست" ، وارد این رودخانه داخل چین شده بمعبیت ناوگان جنگی گومیندان بروی ارتش ما تیراندازی کردند و موجب قتل و جرح ۲۵۲ نفر شدند . ارتش آزادیبخش توده‌ای باین تیراندازی پاسخ داد ، "آمتیست" که آسیب دید مجبور شد در نزدیک جن جیان لنگر بیندازد . سه کشتی دیگر انگلیسی موفق بفرار گردیدند . مقامات انگلیسی خواستار شدند که از عزیمت "آمتیست" جلوگیری بعمل نیاید و ناخدای کشتی ، بر حسب دستور بریند ، فرمانده کل جهازات انگلستان در خاور دور ، با نماینده ارتش ما وارد مذاکره شد . انگلیسی‌ها در طی این مذاکرات طفره میزدند واز اینکه به تجاوز جنایتکارانه خویش اعتراف کنند امتناع میورزیدند . در موقعی که مذاکرات در جریان بود ، در شب ۳۰ ژوئیه ، "آمتیست" از اینکه کشتی مسافربری "جیان لین آزاد" از رودخانه پائین می‌آمد واز جن جیان میگذشت استفاده کرده بزور در کنار وی قرار گرفت تا در پناه وی بگریزد . وقتی که ارتش ما به "آمتیست" فرمان توقف داد وی به تیراندازی پرداخت ، به چندین زورق تنه زده آنها را غرق کرد و از یان تسه گریخت .

۲ - روز ۲۶ آوریل ۱۹۴۹ چرچیل لیدر حزب محافظه کار در مجلس مبعوثان انگلستان عمل ارتش آزادیبخش توده‌ای را در مقابله با حمله ناوگان جنگی انگلستان مفتریانه "عمل متعدیانه" نامید و خواستار شد که دولت انگلستان بعنوان نیروی مؤثر تلافی ، دو و یا لاقل یک هواپیما بر آبهای چین بفرستد .

۳ - روز ۲۶ آوریل ۱۹۴۹ اتل نخست وزیر انگلستان در مجلس مبعوثان اظهار داشت که "کشتی‌های جنگی بریتانیا برای اجرای مأموریت مسالمت‌آمیز خویش حق گذار بروی رودخانه یان تسه دارند . زیرا که این اجازه از طرف دولت گومیندان بآنها داده شده است" . در عین حال در موقع صحبت از مذاکرات میان نماینده انگلستان و نماینده ارتش آزادیبخش توده‌ای چین بدروغ متوسل شد و مدعی گردید که ارتش آزادیبخش توده‌ای "حاضر بود به کشتی 'آمتیست' اجازه بدهد که راه خویش را درپیش گرفته به نانکن برود ، فقط مشروط بر اینکه وی به ارتش آزادیبخش توده‌ای در عبور از یان تسه کمک کند" .

۴ - دولت انگلستان بود که در فوریه ۱۹۴۸ کشتی زرهی سنگین موسوم به "چون چینگ" را که بزرگترین کشتی زرهی نیروی دریائی گومیندان بود بوی هدیه کرد. در ۲۵ فوریه ۱۹۴۹ افسران و ملوانان این کشتی سر بشورش برداشتند، از دولت ارتجاعی گومیندان بریدند و به نیروی دریائی توده‌ای چین پیوستند. روز ۱۹ مارس همان سال امپریالیستهای آمریکائی و راهزنان گومیندان این کشتی را در نزدیکی حوالودائو در خلیج لیائو دون در شمال شرقی چین بوسیله بمب‌افکنهای سنگین غرق کردند.

سخنرانی در جلسه کمیته تدارك کنفرانس سیاسی مشورتی جدید

(۱۵ ژوئن ۱۹۴۹)

آقایان نمایندگان !

امروز کمیته تدارك کنفرانس سیاسی مشورتی جدید ما (۱) گشایش مییابد . وظیفه این کمیته عبارتست از تمام کردن کلیه تداركات ضروری و دعوت سریع کنفرانس سیاسی مشورتی جدید که دولت ائتلافی دموکراتیک را تشکیل خواهد داد و دولت ائتلافی دموکراتیک قاطبه خلق را در کوشش برای برانداختن هر چه سریعتر بقایای نیروهای ارتجاعی گومیندان ، برای وحدت بخشیدن به سراسر چین و پرداختن منظم و با نقشه به کار ساختمانی در مقیاس ملی در زمینه های سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و دفاع ملی رهنمون خواهد شد . اینست آنچه همه مردم از ما انتظار دارند ، و اینست آنچه ما باید انجام دهیم .

دعوت کنفرانس سیاسی مشورتی جدید در اول ماه مه ۱۹۴۸ از طرف حزب کمونیست چین به مردم سراسر کشور پیشنهاد شد (۲) . این پیشنهاد بزودی مورد موافقت احزاب دموکراتیک ، سازمانهای توده ای و شخصیتهای دموکرات کلیه محافل و اقلیت های ملی و نیز

چینیان آنسوی دریاها قرار گرفت . حزب کمونیست چین ، احزاب دموکراتیک ، سازمانهای توده‌ای ، شخصیت‌های دموکرات کلیه محافل ، اقلیتهای ملی و چینیان آنسوی دریاها همگی بر آنند که باید سلطه امپریالیسم ، فئودالیسم ، سرمایه‌داری بوروکراتیک و مرتجعان گویندگان را برانداخت ، کنفرانسی سیاسی مشورتی از نمایندگان کلیه احزاب دموکراتیک ، کلیه سازمانهای توده‌ای ، شخصیت‌های دموکرات کلیه محافل ، اقلیتهای ملی و چینیان آنسوی دریاها دعوت کرد ، تأسیس جمهوری توده‌ای چین را اعلام داشت و دولت ائتلافی دموکراتیک که نماینده آن باشد انتخاب کرد . این یگانه چاره است که به سپهن بزرگ ما امکان میدهد از سرنوشت نیمه مستعمرگی و نیمه فئودالی خویش رهایی یابد و براه استقلال ، آزادی ، صلح ، وحدت و قدرت و شکوفایی در آید . این مبنای سیاسی مشترک ماست . این مبنای سیاسی وحدت و مبارزه است که بین حزب کمونیست چین ، احزاب دموکراتیک ، سازمانهای توده‌ای ، شخصیت‌های دموکرات کلیه محافل ، اقلیتهای ملی و چینیان آنسوی دریاها مشترک است . این مبنای سیاسی وحدت و مبارزه است که بین همه خلق نیز مشترک است . این مبنای سیاسی بقدری استوار است که هیچ حزب دموکراتیک ، هیچ سازمان توده‌ای و هیچ دموکرات حقیقی کمترین اختلاف نظری درباره آن بیان نداشته و همه عقیده دارند که این یگانه راه درست است ، راهی که بحل کلیه مسائل چین میانجامد .

مردم سراسر کشور که از ارتش خویش ، ارتش آزادیبخش توده‌ای ، پشتیبانی میکردند در جنگ پیروز شدند . این جنگ بزرگ آزادیبخش توده‌ای که در ژوئیه ۱۹۴۶ آغاز شد هم‌اکنون سه سال

بطول انجامیده است . با كمك امپریالیسم خارجی بود که مرتجعان گومیندان این جنگ داخلی را برانگیختند . آنان قرارداد ستارکه و قطعنامه‌های کنفرانس سیاسی مشورتی ژانویه ۱۹۴۶ را عهدشکنانه از هم دریدند و این جنگ داخلی را بر ضد خلق بر پا کردند . ولی فقط در عرض سه سال از طرف ارتش آزادیبخش توده‌ای قهرمان مغلوب شدند . اخیراً ، پس از آنکه دسائس مرتجعان گومیندان که در زیر پرده صلح صورت میگرفت افشاء شد ارتش آزادیبخش توده‌ای بیباکانه پیش رفت و از رودخانه یان تسه گذشت . اکنون نانکن ، پایتخت مرتجعان گومیندان در دست ماست . شانگهای ، حان جو ، نان چان ، او هان و سی ان آزاد شده است . اینک ارتشهای صحرائی ما به پیشروی عظیمی بسوی استانهای جنوب و شمال غربی دست زده‌اند که در تاریخ چین بی‌سابقه است . ارتش آزادیبخش توده‌ای در عرض سه سال تلفاتی بالغ بر ۵,۵۹۰,۰۰۰ تن بر سپاهیان ارتجاعی گومیندان وارد آورد . اینک نیروهای باقیمانده گومیندان ، شامل بر سپاهیان منظم و غیرمنظم و همچنین دستگاه‌ها و مدارس نظامی پشت جبهه ، بیش از قریب ۱,۵۰۰,۰۰۰ تن نیست . هنوز باید چندی بگذرد که این خورده ریزهای قوای دشمن از میان برداشته شود ولی این کار طول نخواهد کشید .

این پیروزی قاطبه خلق چین است ، همچنین پیروزی همه خلقهای جهان است . این پیروزی بزرگ خلق چین شور و شوق خلقهای سراسر جهان را باستانای امپریالیستها و مرتجعان ممالك مختلف برانگیخته است . مبارزه خلق چین بر ضد دشمنانش و مبارزه خلقهای جهان بر ضد دشمنانشان دارای مضمون واحدی است . خلق چین و خلقهای سراسر

جهان این واقعیت را مشاهده کردند که مرتجعان چینی با سر امپریالیستها با خلق چین بمبارزه بیرحمانه دست زده‌اند و جنگی ضد انقلابی برانگیختند و خلق چین با برخاستن به جنگ انقلابی بر ارتجاع پیروز شد .

در اینجا لازم میدانم توجه را باین نکته معطوف دارم که امپریالیستها و چاکرانشان ، مرتجعان چینی با شکست خویش در این خاک چین نخواهند ساخت . آنها همچنان بهمدستی یکدیگر با کلیه وسایل ممکن بمخالفت با خلق چین مبادرت خواهند جست . مثلاً عوامل خود را خواهند فرستاد که در داخل چین نفوذ کنند تا در آنجا نفاق بیفشانند و آشفتگی بوجود آورند . این مسلم است ؛ آنها هرگز از این گونه اعمال دست نخواهند کشید . و یا اینکه امپریالیستها مرتجعان چینی را به محاصره بنادر چین بر خواهند انگیزت و حتی با نیروهای خویش به اینان کمک خواهند داد . آنها تا هر وقت که میتوانند باین کار خواهند پرداخت . بعلاوه آنها اگر هنوز تشنه ماجراجوئی‌اند سپاهیانی برای نفوذ در مناطق مرزی ما اعزام خواهند داشت . این نیز تا ممکن نیست . ما باید همه اینها را کاملاً بحساب بیاوریم . پیروزی بهیچوجه نباید موجب سستی هشیاری ما نسبت به دسائس جنون آمیز امپریالیستها و چاکران آنها گردد که در صدد انتقام جوئی‌اند . هر کس از هشیاری خویش بکاهد از لحاظ سیاسی خلع سلاح خواهد شد و در موضع غیر فعال خواهد افتاد . با در نظر گرفتن این شرایط ، قاطبه خلق باید متحد شود تا کلیه دسائسی را که امپریالیستها و چاکرانشان ، مرتجعان چینی ، بر علیه خلق چین می‌چینند مصممانه ، قاطعانه و تمام و کمال در هم بشکنند . چین باید مستقل باشد ، چین باید آزاد باشد ، امور چین باید بوسیله خود خلق چین اداره و حل شود و به هیچ مداخله‌ای ،

هر قدر ناچیز ، از طرف هر کشور امپریالیستی که باشد ، اجازه داده نخواهد شد .

انقلاب چین انقلاب توده‌های وسیع همه ملت است . همه کس دوست ماست مگر امپریالیستها ، فئودالها ، سرمایه‌داران بوروکراتیک ، مرتجعان گومیندان و همدستان آنها ؛ ما دارای جبهه متحد انقلابی پهناور و استواری هستیم . این جبهه متحد آنقدر پهناور است که طبقه کارگر ، طبقه دهقان ، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی ملی را در بر میگیرد . این جبهه متحد آنقدر استوار است که برای غلبه بر هر دشمنی و فائق آمدن بر هر مشکلی اراده جازم و نیروی بی‌زوال دارد . دورانی که ما در آن بسر می‌بریم دورانی است که امپریالیسم بسوی اضمحلال کامل روان است . امپریالیستها در بحرانی افتاده‌اند که هرگز از آن بیرون نخواهند آمد ، و هر کوششی که بر علیه خلق چین بکار برند ، وی پیوسته وسیله‌ای برای نیل به پیروزی نهائی خواهد یافت .

در عین حال ما در برابر همه جهانیان اعلام سیداریم که آنچه ما با آن مبارزه میکنیم ، فقط سیستم امپریالیستی و دسائس امپریالیسم بر ضد خلق چین است . ما حاضریم با هر دولت خارجی بمنظور برقراری روابط دیپلماتیک مبتنی بر اصول تساوی ، مزایای متقابل ، مراعات متقابل حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر وارد مذاکرات شویم ، مشروط بر اینکه آن دولت حاضر باشد روابط خود را با مرتجعان چینی ببرد ، از شرکت در دسائس آنها و یا کمک بآنها دست باز دارد و نسبت به چین توده‌ای روشی دوستانه که حقیقی و نه دورویانه باشد در پیش گیرد . خلق چین حاضر است با خلقهای همه کشورها دوستانه همکاری کند ، بازرگانی خارجی را بسود بسط تولید و شکوفائی اقتصاد مستقر

سازد و توسعه دهد .

آقایان نمایندگان ! کلیه شرایط برای دعوت کنفرانس سیاسی مشورتی جدید و تشکیل دولت ائتلافی دموکراتیک فراهم است . خلق در سراسر کشور بیتابانه مشتاق آنست که ما این کنفرانس را دعوت کنیم و این دولت را تشکیل دهیم . من اطمینان دارم که کارهای ما که اینک آغاز میشود باین آرزو تحقق خواهد بخشید ، و بزودی تحقق خواهد بخشید .

همینکه دولت ائتلافی دموکراتیک چین تشکیل گردد وظایف مهم زیرین را در برابر خواهد داشت : ۱ - برانداختن بقایای مرتجعان و سرکوب دسائس آنها . ۲ - استفاده از تمام قدرت خود و بکار بردن تمام کوشش خود برای احیاء و توسعه اقتصاد خلق و نیز فرهنگ و آموزش توده‌ای .

خلق چین خواهد دید که چگونه ، همینکه سرنوشت کشور بدست خلق افتاد ، چین مانند آفتابی که از خاور بر میآید سرزمین‌های پهناور را بنور درخشان خود روشن خواهد ساخت ، گل و لائی را که از دولت ارتجاعی باقی مانده است بزودی خواهد سترد ، زخمهای جنگ را مرهم خواهد گذاشت و جمهوری توده‌ای نوین نیرومند و شکوفانی ، سزاوار نام خلق چین ، بنا خواهد کرد .

زنده باد جمهوری توده‌ای چین !

زنده باد دولت ائتلافی دموکراتیک !

زنده باد وحدت سترگ سراسر خلق !

يادداشتها

- ۱ - کمیته مذکور از ۱۵ تا ۱۹ ژوئن ۱۹۴۹ با شرکت ۱۳۴ عضو از ۲۳ حزب ، گروه و سازمان که از آن جمله نمایندگان حزب کمونیست چین ، احزاب دموکراتیک ، سازمانهای توده‌ای ، شخصیت‌های دموکرات کلیه محافل ، اقلیت‌های ملی و چینی‌های آنسوی دریاها بودند ، در بی‌پین تشکیل شد . کمیته مذکور در طی این اجلاس « آئین‌نامه سازمانی کمیته تدارك كنفرانس سياسي مشورتی جديد » و « مقررات درباره احزاب ، گروه‌ها و سازمانهایی که در كنفرانس سياسي مشورتی جديد شرکت میجویند و میزان نمایندگی هر يك از آنها » را بتصویب رسانید و يك کمیته دائمی بریاست صدر مائو تسه دون برگزید . باین كنفرانس نام كنفرانس سياسي مشورتی جديد داده شد تا از كنفرانس سياسي مشورتی که در ۱۰ ژانویه ۱۹۴۶ در چون چینگ گشایش یافت مشخص باشد . كنفرانس مذکور در نخستین جلسه کامل خود که در ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۹ تشکیل شد نام خویش را تغییر داده و خود را كنفرانس سياسي مشورتی خلق چین نامید .
- ۲ - مراجعه شود به « بخشنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره جلسه سپتامبر » ، یادداشت ۴ ، جلد حاضر .

درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق

— بمناسبت بیست و هشتمین سالگرد

تأسیس حزب کمونیست چین

(۳۰ ژوئن ۱۹۴۹)

روز ۱ ژوئیه ۱۹۴۹ که فرا میرسد بیست و هشت سال از عمر حزب کمونیست چین میگذرد . حزب سیاسی نیز مانند موجود بشری ، دوران کودکی ، جوانی ، کهنوت و پیری دارد . حزب کمونیست چین دیگر نه يك كودك و نه يك جوان نارس بلکه سالمند است . وقتی که انسان به پیری میرسد رو به پایان عمر میرود . در مورد حزب سیاسی نیز همینطور است . وقتی که طبقات از میان برخیزند ، آنگاه کلیه افزارهای مبارزه طبقاتی ، احزاب سیاسی و ماشین دولت که دیگر نقشی و ضرورتی ندارند بتدریج زوال خواهند یافت ، برسالت تاریخی خود پایان خواهند داد و جامعه بشری به مرحله بالاتری گام خواهد نهاد . ما در نقطه مقابل احزاب سیاسی بورژوازی قرار داریم . آنها سترسند از اینکه از محو شدن طبقات و قدرت دولتی و احزاب سیاسی سخن بگویند . ولی ما بر عکس ، باز و آشکارا اعلام میکنیم که مبارزه

مجددانه ما همانا بمنظور فراهم آوردن شرایطی است که به محو شدن همه اینها بینجامد. اعمال رهبری از طرف حزب کمونیست و وجود قدرت دولتی دیکتاتوری خلق، تشکیل دهنده چنین شرایطی است. کسی که این حقیقت را نپذیرد کمونیست نیست. شاید رفقای جوانی که بدون مطالعه مارکسیسم - لنینیسم بتازگی به حزب ما پیوسته‌اند هنوز این حقیقت را در نیابند. آنها برای اینکه جهان بینی صحیحی داشته باشند باید آنرا دریابند. آنها باید بفهمند که راه محو طبقات، محو قدرت دولتی و محو احزاب سیاسی راهی است که تمام بشریت در پیش خواهد گرفت؛ مسئله فقط بر سر زمان و شرایط است. کمونیستهای سراسر جهان بر بورژوازی برتری دارند زیرا که قوانین هستی و تکامل اشیاء و پدیده‌ها را می‌شناسند، دیالکتیک میدانند و دورتر را می‌بینند. اگر بورژوازی این حقیقت را نمی‌پذیرد از آن جهت است که نمی‌خواهد سرنگون شود. تصور سرنگون شدن، آنطور که دارودسته ارتجاعی گومینه‌ان به دست ما سرنگون شد و یا آنطور که امپریالیسم ژاپن به دست ما و خلق‌های سایر ممالک سرنگون شد برای آنهاست که باید سرنگون شوند دردناک و وحشتناک است. اما در برابر طبقه کارگر، خلق زحمتکش و حزب کمونیست مسئله سرنگون شدن مطرح نیست؛ آنها باید بردبارانه در تلاش ایجاد شرایطی باشند که طبقات، قدرت دولتی و احزاب سیاسی بطور طبیعی از میان بروند و بشریت به دنیای صلح و صفا (۱) گام گذارد. این دورنماهای بعید پیشرفت بشری از آن جهت در اینجا یاد شد تا مسائلی که بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت روشن گردد. آری، بیست و هشت سال از عمر حزب ما می‌گذرد. همانطور که همه میدانند حزب ما این سالها را نه در صلح بلکه در میان حوادث

رنجبار بسر برده است ؛ ما میبایست با دشمنان داخلی و خارجی و با دشمنانی در درون و برون حزب برزیم . ما از مارکس ، انگلس ، لنین و استالین سپاسگزاریم که به ما اسلحه‌ای داده‌اند . اما این اسلحه مسلسل نیست بلکه مارکسیسم - لنینیسم است .

لنین در اثر خویش بنام « مرض بچگانه ” چپ روی “ در کمونیسم » که در ۱۹۲۰ نوشته شده است حکایت میکند که چگونه روس‌ها در جستجوی تئوری انقلابی بودند (۲) . آنها فقط پس از ده‌ها سال رنج و محنت مارکسیسم را یافتند . بین چین و روسیه پیش از انقلاب اکتبر خیلی چیزهای یکسان و یا شبیه وجود داشت : همان ستم فئودالی و تقریباً همان عقب‌ماندگی اقتصادی و فرهنگی در هر دو جا دیده میشد . هر دو کشور عقب‌مانده بودند ، چین باز هم بیشتر . وجه مشترک دیگر آنها عبارت از این بود که مردان ترقیخواهی که آرزوی احیاء کشور خویش را در دل داشتند در جستجوی حقیقت انقلابی از هیچ مبارزه‌ای ، حتی سخت‌ترین مبارزه‌ها باز نایستادند .

پس از شکست چین در جنگ تریاک در ۱۸۴۰ ترقیخواهان چین که حقیقت را در کشورهای غربی می‌جستند مصائب بی‌پایانی را از سر گذراندند . خون سیو چیوان ، کان یو وی (۳) ، یین فو (۴) و سون یاتسن نماینده کسانی هستند که پیش از پیدایش حزب کمونیست چین در جستجوی حقیقت به غرب روی آورده بودند . در آن دوره چینی‌های تشنه ترقی هر کتابی را همینقدر که حاوی افکار جدید غرب بود می‌خواندند . تعداد دانشجویانی که به ژاپن ، انگلستان ، آمریکا ، فرانسه و آلمان اعزام میشدند شگفت‌انگیز بود . در خود کشور سیستم امتحانات اسرطوری برافتاد و مدارس جدید (۵) مانند جوانه‌های خیزران که پس از باران

بهاری میروید بظهور رسید؛ تلاش بسیار میشد که از غرب بیاموزند. من هم در جوانی باین تحصیلات پرداختهام. این تحصیلات عبارت بود از فرهنگ دموکراسی بورژوائی غربی که "علوم جدید" مینامیدند شامل بر مکاتب اجتماعی و علوم طبیعی آن دوران، در برابر فرهنگ فتودالی چین که "علوم قدیم" خوانده میشد. کسانی که این علوم جدید را آموختند تا مدت‌ها همچنان معتقد بودند که میتوان با آنها چین را نجات داد. غیر از پیروان مکتب قدیم، کمتر کسی از هواداران مکتب جدید در این امر شک داشت. یگانه راه نجات چین در نو ساختن آن بود و برای نو ساختن میبایست از کشورهای خارجی آموخت. و در میان کشورهای خارجی آن دوران فقط ممالک سرمایه‌داری غرب مظهر ترقی بودند؛ آنها توانسته بودند دولت‌های بورژوائی مدرن بسازند. ژاپنی‌ها نتایج خوبی از آموزش غرب بدست آورده بودند و چینی‌ها آرزو داشتند که از ژاپنی‌ها نیز بیاموزند. در نظر چینی‌های آن دوران، روسیه کشوری عقب‌مانده بود و کسانی که به آموزش از وی تمایل نشان میدادند نادر بودند. چنین بود چینی‌ها پس از سال‌های ۱۹۱۱ قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم چگونه از کشورهای خارجی آموختند. تجاوزکاری اسپریالیستها آن خواب شیرین چینی‌ها را که در تلاش آموزش از غرب بودند بر باد داد. مطلب شگفت انگیز این بود که چرا استادان پیوسته به تجاوز بر شاگردان خویش دست میزدند. چینی‌ها خیلی چیزها از غرب آموخته بودند ولی هیچکدام بکاربستنی نبود و آرمان‌های آنان باز هم تحقق نمی‌پذیرفت. مبارزات مکرر آنان و از آن جمله انقلاب ۱۹۱۱ که نهضتی در مقیاس تمام کشور بود همگی با شکست روبرو شد. وضع کشور هر روز بدتر میشد، زندگی غیر ممکن گردید.

پس تردیدهایی بوجود آمد ، پرورش و گسترش یافت . جنگ جهانی اول سراسر کره زمین را لرزانید ، روس‌ها به انقلاب اکتبر دست زدند و نخستین دولت سوسیالیستی جهان را بنیاد نهادند . نیروی انقلابی پرولتاریای کبیر و خلق زحمتکش کبیر روسیه ، آن نیروئی که تا آن زمان در حالت کمون و از انظار خارجیان پوشیده مانده بود تحت رهبری لنین و استالین بناگاه مانند آتشفشان بیرون زد و چینی‌ها و تمام جهانیان با چشم دیگری به روس‌ها نگریستند . آنگاه ، و فقط آنگاه ، دوران کاملاً نوینی در تفکر و در زندگی چینی‌ها پدید آمد . چینی‌ها مارکسیسم - لنینیسم ، این حقیقت عام و جهانشمول را کشف کردند و سیمای چین رو به دگرگونی نهاد .

با واسطه روس‌ها بود که چینی‌ها مارکسیسم را کشف کردند . پیش از انقلاب اکتبر نه فقط لنین و استالین بلکه مارکس و انگلس هم در نزد چینی‌ها ناشناخته بودند . شلیک توپهای انقلاب اکتبر برای ما مارکسیسم - لنینیسم آورد . انقلاب اکتبر به ترقیخواهان چین و سراسر جهان یاری داد که جهانی‌بینی پرولتری را بمثابة وسیله‌ای برای بررسی سرنوشت هر کشور بپذیرند و بر آن اساس در مسائل خاص خویش تجدید نظر کنند . باید براه روس‌ها رفت - چنین بود نتیجه‌گیری آنها . چین در ۱۹۱۹ جنبش ۴ مه را از سر گذرانید . در ۱۹۲۱ حزب کمونیست چین قدم به هستی گذاشت . سون یاتسن که بکلی دستخوش نویدی بود خود را با انقلاب اکتبر و حزب کمونیست چین روبرو دید . وی به انقلاب اکتبر تهنیت گفت ، از کمک روس‌ها به چینی‌ها استقبال کرد و همکاری حزب کمونیست چین را پذیره شد . سپس سون یاتسن در گذشت و چانگ‌کایشک بقدرت رسید . وی پس از بیست و دو سال متمادی چین را در وضعی انداخت که مفری نداشت . در طی دوران مذکور ، در دومین جنگ

جهانی ضد فاشیست که اتحاد شوروی نیروی عمده آن بود سه قدرت بزرگ امپریالیستی از پای در آمدند ، دو قدرت بزرگ امپریالیستی ناتوان شدند و فقط یکی دست نخورده ماند که ایالات متحده آمریکا است . ولی آمریکا گرفتار بحران داخلی بسیار عمیقی بود . وی میخواست تمام جهان را با نقیاد درآورد و به چانکایشک اسلحه مهربانند تا میلیون ها مردم چین را کشتار کند . خلق چین تحت رهبری حزب کمونیست چین پس از طرد امپریالیسم ژاپن مدت سه سال به جنگ آزادیبخش توده ای دست زد و علی الاصول به پیروزی نائل آمد .

باین طریق تمدن بورژوائی غرب و همچنین دموکراسی بورژوائی و طرح جمهوری بورژوائی همگی در نظر خلق چین ورشکسته گردید . دموکراسی بورژوائی جای خود را به دموکراسی توده ای تحت رهبری طبقه کارگر داد ، و جمهوری بورژوائی جای خود را به جمهوری توده ای . و از این جا اسکان زیرین حاصل شد : گذار از جمهوری توده ای بمنظور وصول به سوسیالیسم و کمونیسم ، بمنظور امحاء طبقات و نیل به دنیای صلح و صفا . کان هووی « کتاب صلح و صفا » را نوشت ولی راهی را که به صلح و صفا بیانجامد نیافت ، و بر او ممکن نبود که ییابد . آن جمهوری بورژوائی که در خارجه وجود دارد نمیتواند در چین وجود داشته باشد ، زیرا که چین منکوب امپریالیسم است . یگانه راه چین آنست که از جمهوری توده ای تحت رهبری طبقه کارگر بگذرد .

کلیه راههای دیگر آزمایش شد و به شکست انجامید . از کسانی که دلبسته این راهها بودند برخی بهلاکت رسیدند ، برخی به خطای خویش واقف شدند و برخی دیگر مشغول تغییر نظراند . تحول حوادث بقدری سریع است که خیلی ها غافلگیر شده اند و خود را نیازمند میبینند که

از نو به آموزش بپردازند. این حالت قابل درک است و ما این اشتیاق پسندیده نوآموزی را تهنیت می‌گوییم.

پیش‌آهنگ پرولتاریای چین پس از انقلاب اکتبر با مارکسیسم - لنینیسم آشنا شد و حزب کمونیست چین را بنیاد نهاد. این پیش‌آهنگ بیدارنگ به مبارزه سیاسی دست زد و فقط پس از راه پیمائی بیست و هشت ساله در جاده پر پیچ و خم، توانست به پیروزی اصلی نائل آید. ما از تجاربی که در مدت بیست و هشت سال اندوخته‌ایم، همچنین از "تجاربى که در مدت چهل سال اندوخته شد" و سون یاتسن در وصیت‌نامه خویش در بستر مرگ از آنها صحبت کرد به نتیجه واحدی رسیده‌ایم: ما اعتقاد عمیق داریم که برای نیل به پیروزی "باید توده‌های مردم را برانگیزیم و در جهان با آن ملی که با ما برخورد برابر دارند در مبارزه مشترك متحد شویم". جهان‌بینی سون یاتسن با جهان‌بینی ما متفاوت بود و او از موضع طبقاتی دیگری به بررسی و حل و فصل مسائل می‌پرداخت. معذرت در سال‌های بیستم این قرن در مسئله چگونگی مبارزه بر علیه امپریالیسم به نتیجه‌ای رسید که علی‌الاصول با نتیجه‌گیری ما یکسان است.

از مرگ سون یاتسن بیست و چهار سال می‌گذرد. انقلاب چین برهبری حزب کمونیست چین در زمینه تئوری و پراتیک به پیشرفتهای عظیمی نائل آمده و این امر موجب تغییر اساسی سیمای چین شده‌است. تجربه اساسی و عمده‌ای که خلق چین تاکنون به دست آورده در دو نکته خلاصه می‌شود:

۱ - در داخل کشور باید توده‌های خلق را بیدار کرد. این بیان معنی است که باید طبقه کارگر، طبقه دهقان، خرده بورژوازی

شهری و بورژوازی ملی را بمنظور تشکیل جبهه واحد داخلی برهبری طبقه کارگر متحد ساخت و بر این اساس ، دولت دیکتاتوری دموکراتیک توده‌ای را برهبری طبقه کارگر برپایه اتحاد کارگران و دهقانان بنیاد نهاد .

۲ - در خارج کشور باید با آن ملت‌های جهان که با ما بمساوات رفتار میکنند و همچنین با خلق‌های کلیه کشورها در مبارزه مشترك متحد شد ، یعنی با اتحاد شوروی ، کشورهای دموکراسی توده‌ای و همچنین با پرولتاریا و توده‌های وسیع کلیه کشورهای دیگر بمنظور تشکیل جبهه واحد بین‌المللی متحد شد .

” شما يك طرف متمایل میشوید “ . بله ، درست همینطور است .

متمایل شدن به يك طرف ، اینست آنچه چهل سال تجربه سون یاتسن و بیست و هشت سال تجربه حزب کمونیست چین بما میآموزد . و ما عمیقاً ایمان داریم که برای نیل به پیروزی و برای تحکیم آن ما باید يك طرف متمایل شویم . تجربه‌ای که در طی آن چهل سال و این بیست و هشت سال اندوخته شد نشان میدهد که چینی‌ها یا در کنار امپریالیسم قرار میگیرند یا در کنار سوسیالیسم . استثنائی در میان نیست . بر دو اسب نمیتوان سواری کرد . راه سوسی وجود ندارد . ما با دارودسته ارتجاعی چانگایشک که در کنار امپریالیسم جای دارد مخالفیم و با پندارهای مربوط به راه سوم هم مخالفیم .

” شما زیاد تحریک میکنید . “ صحبت ما بر سر چگونگی رفتار با مرتجعان داخلی و خارجی یعنی امپریالیستها و چا کران آنهاست نه کسی دیگر . در مورد اینگونه مرتجعان مسئله تحریک کردن یا نکردن مطرح نیست . خواه آنها را تحریک کنیم یا نکنیم نتیجه یکی است زیرا که آنها

مرتجعان‌اند . فقط در صورتی که مرز روشنی بین مرتجعان و انقلابیون بکشیم ، توطئه‌ها و دسایس مرتجعان را افشا کنیم ، هشیاری و مراقبت را در صفوف انقلاب بیدار گردانیم ، عزم خود را بر پیکار جزم کنیم و غرور دشمن را درهم بشکنیم خواهیم توانست مرتجعان را منفرد سازیم ، بر آنها غالب آئیم و یا جایگزین آنها گردیم . در برابر جانور درنده باید از نشان دادن کمترین بیج‌رثتی برحذر بود . سرگذشت او سون (۶) برفراز تپه جین یان باید سرمشق ما باشد . ببر تپه جین یان در نظر او سون حیوان آدم‌خواری بود ، خواه تحریک میشد و خواه نمیشد . یا سیایست ببر را کشت و یا سیایست طعمه او شد . یا این یا آن .

”ما سی‌خواهیم تجارت کنیم .“ کاملاً صحیح است ، تجارت همیشه خواهد شد . ما مخالف هیچکس نیستیم مگر مرتجعان داخلی و خارجی که ما را از تجارت باز میدارند . همه باید بدانند که آنهایی که ما را از تجارت باز میدارند و حتی نمیگذارند با کشورهای خارجی روابط دیپلماتیک برقرار کنیم امپریالیستها و چاکران آنها ، مرتجعان دارودسته چانکایشک هستند نه کسان دیگر . آنگاه که ما کلیه نیروهای داخلی و بین‌المللی را متحد گردانیم و مرتجعان داخلی و خارجی را درهم بشکنیم خواهیم توانست تجارت کنیم و بر اساس برابری ، سود متقابل و احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر با کلیه کشورهای خارجی روابط دیپلماتیک برقرار سازیم .

”حتی بدون کمک بین‌المللی میتوان پیروز شد .“ این نظریه غلطی است . در دوران وجود امپریالیسم ممکن نیست انقلاب توده‌ای حقیقی در هر کشور که باشد بدون کمک‌های گوناگون نیروهای انقلابی بین‌المللی به پیروزی برسد . و حتی اگر پیروزی بدست‌آید ممکن نیست

تحکیم شود. این امر، همانطور که لنین و استالین از مدتها پیش بما گفته‌اند، در مورد پیروزی انقلاب کبیر اکبر و تحکیم آن هم صادق است. این امر در مورد درهم شکستن سه قدرت امپریالیستی در دوران جنگ دوم جهانی و در مورد تأسیس دولتهای دموکراسی توده‌ای هم صادق است. در مورد حال و آینده چین توده‌ای هم صادق است. بیندیشید: بدون اتحاد شوروی، بدون پیروزی پرفاشیسم در جنگ دوم جهانی، بدون شکست امپریالیسم ژاپن، بدون پیدایش دولتهای دموکراسی توده‌ای، بدون مبارزه ملت‌های ستمکش شرق که برپا می‌خیزند، و بدون پیکار توده‌های خلق آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن و سایر کشورهای سرمایه‌داری بر علیه مرتجعان حاکم، بدون فراهم آمدن کلیه این عوامل، نیروهای ارتجاعی بین‌المللی که بر ما فشار می‌آورند مسلماً بدفعات بیشتر از آن می‌بود که اکنون هست. در چنین شرایطی آیا ما می‌توانستیم به پیروزی نائل آئیم؟ مسلماً نه. و اگر هم پیروزی بدست می‌آمد نمی‌توانست تحکیم شود. تجربه خلق چین در این زمینه بسیار است و همین تجربه است که مدتها پیش در اظهاریه‌ای که سون یاتسن در بستر مرگ درباره ضرورت اتحاد با نیروهای انقلابی بین‌المللی صادر کرد منعکس شده‌است.

”ما به کمک دولتهای انگلستان و آمریکا نیازمندیم.“ در حال حاضر، این هم يك فکر بچگانه است. زمامداران کنونی انگلستان و آمریکا همچنان امپریالیست‌اند. آیا آنها به حکومتی توده‌ای کمک خواهند کرد؟ برای چه این کشورها با ما تجارت می‌کنند و بفرض اینکه آنها در آینده براساس سود متقابل بخواهند بما قرض بدهند دلیلش چه خواهد بود؟ دلیلش آن خواهد بود که سرمایه‌داران این کشورها

در صدد آنکه پول بدست یآورند و بانکداران شان در صدد آنکه بهره بگیرند تا از بحران بدر آیند ؛ بهیچوجه اندیشه کمک به خلق چین در میان نیست . احزاب کمونیست و احزاب و گروههای مترقی این کشورها به اعمال فشار بر دولتهای خویش مشغولاند تا با ما روابط تجاری و حتی دیپلماتیک برقرار کنند . این حسن نیت است . این کمک است . ولی اعمال بورژوازی این کشورها را نمیتوان با آن در یک ردیف گذاشت . سون یاتسن در طی عمر خویش چه بسا دفعات که از کشورهای سرمایه داری کمک خواست ، ولی همیشه بی نتیجه بود و بیرحمانه جواب رد شنید . سون یاتسن در زندگی خود فقط یک بار از خارجه کمک دریافت کرد و آن از اتحاد شوروی بود . خوانندگان باید به وصیت نامه دکتر سون یاتسن مراجعه کنند و به پیوند که توصیه مصرانه او این نیست که به کمک کشورهای امپریالیستی چشم بدوزیم بلکه اینست که ” در جهان با آن مللی که با ما برخورد برابر دارند متحد شویم “ . دکتر سون یاتسن تجربه داشت ؛ او ناگاسی دیده و فریب خورده بود . سخنان او را بخاطر بسپاریم و نگذاریم که ما را نیز فریب بدهند . ما در عرصه بین المللی در کنار جبهه ضد امپریالیستی هستیم که اتحاد شوروی بر رأس آن قرار دارد و برای اینکه کمک واقعاً دوستانه ای بدست آریم فقط میتوانیم با این سمت رو کنیم نه بسمت جبهه امپریالیستی .

” شما اعمال دیکتاتوری میکنید . “ حق با شماست آقایان عزیز . کار ما عیناً همین است . تمام تجربه ای که خلق چین در طی چندین ده سال اندوخته است بما می آموزد که دیکتاتوری دموکراتیک خلق اعمال کنیم یعنی مرتجعان را از حق بیان محروم گردانیم و این حق را فقط به خلق بدهیم .

منظور از خلق چیست ؟ در چین ، در مرحله کنونی ، خلق عبارتست از طبقه کارگر ، طبقه دهقان ، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی سلی . این طبقات تحت رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست متحد میشوند ، حکومت خاص خود را بنیاد مینهند ، دولت خاص خود را برمیگزینند و نسبت به چا کران امپریالیسم یعنی طبقه مالکان ارضی و بورژوازی بوروکراتیک و همچنین نسبت به نمایندگان این طبقات ، یعنی مرتجعان گومیندان و دستیارانشان دیکتاتوری اعمال میکنند ، آنها را تحت فشار میگذارند تا جز راه راست نپویند و اجازه نمیدهند که هیچ گفتار و هیچ رفتاری مخالف حکومت موجود از آنها سربرزند . هر گفتار و یا رفتاری از این قبیل فوراً جلوگیری و موجب مجازات میشود . فقط در درون خلق است که دموکراسی اعمال میگردد . خلق از حق بیان ، حق تشکیل جمعیتها و اجتماعات و غیره برخوردار است . حق انتخابات فقط متعلق بخلق است ، بهیچوجه بمرتجعان داده نمیشود . از يك سو دموکراسی برای خلق و از سوی دیگر دیکتاتوری نسبت به مرتجعان ، این دو جنبه که باهم جمع شد ، دیکتاتوری دموکراتیک خلق بدست میآید .

چرا باید چنین رفتار کرد ؟ همه کس دلیل آن را درمییابد . اگر طور دیگر رفتار شود انقلاب شکست خواهد خورد ، زیان آن به خلق خواهد رسید ، و حکومت موجود مضمحل خواهد شد .

”پس شما نمیخواهید قدرت دولتی را از بین ببرید ؟“ چرا ، میخواهیم . ولی نه حالا . هنوز نمیتوانیم این کار را بکنیم . چرا ؟ زیرا که امپریالیسم همچنان وجود دارد ، زیرا که ارتجاع داخلی همچنان وجود دارد ، زیرا که طبقات همچنان در کشور وجود دارند . وظیفه کنونی ما ، عبارت از آن است که دستگاه دولتی خلق را و بطور عمده ارتش توده‌ای ، پلیس

توده‌ای و دادگستری توده‌ای را تقویت کنیم تا آنکه دفاع ملی تقویت شود و منافع خلق محفوظ بماند. اگر این شرط عملی شود چین خواهد توانست تحت رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست باگام‌های مطمئن از صورت کشوری کشاورزی به صورت کشوری صنعتی، از جامعه دموکراسی نوین به جامعه سوسیالیستی و کمونیستی درآید، طبقات را براندازد و دنیای صلح و صفا را بسازد. دستگاه دولتی که بر ارتش، پلیس و دادگستری شامل میشود افزاری است که طبقه‌ای طبقه دیگر را بوسیله آن در فشار میگذارد. دستگاه دولتی نسبت به طبقات دشمن افزار فشار است؛ در اینجا زور هست نه "مدارا". "شما مدارا ندارید." کاملاً صحیح است. ما هرگز در مورد فعالیت ارتجاعی عناصر و طبقات ارتجاعی به سیاست مدارا دست نمی‌زنیم. ما سیاست مدارا را فقط در درون خلق بکار می‌بریم و نه در مورد فعالیت ارتجاعی عناصر و طبقات ارتجاعی که بیرون از خلق‌اند.

حکومت توده‌ای حامی خلق است. فقط آنگاه که خلق چنین حکومتی داشته باشد میتواند با شیوه‌های دموکراتیک در سراسر کشور و با شرکت همگان به آموزش و تجدید پرورش خویش پردازد، خود را از نفوذ مرتجعان داخلی و خارجی (نفوذی که هنوز در زمان حاضر خیلی زیاد است و مدت‌ها باقی خواهد ماند و ممکن نیست سرعت از میان برخیزد) برهاند، عادات و افکار شومی را که در جامعه کهن کسب کرده‌است بدور افکند، و نگذارد که مرتجعان او را در جهت نادرست بکشانند، و همچنان به پیشرفت خود ادامه دهد، پیشرفتی بسوی جامعه سوسیالیستی و جامعه کمونیستی.

شیوه‌ای که در این مورد بکار میرود شیوه دموکراتیک است، شیوه

اقتناع است نه اجبار. اگر فردی از خلق به نقض قانون مبادرت جوید او نیز باید کیفر بیابد، زندانی و حتی محکوم به مرگ شود. ولی این بیش از چند مورد منفرد نخواهد بود و با آن دیکتاتوری که نسبت به مرتجعان به مثابه طبقه اعمال میشود تفاوت اصولی دارد.

در مورد طبقات ارتجاعی و عناصر مرتجع، تا آنکه که پس از سرنگون شدن قدرت سیاسی خویش به طغیان دست نزنند، خرابکاری نکنند و اغتشاش برنیزنیزند، بآنها نیز زمین و کار داده خواهد شد تا بتوانند زندگی کنند و بوسیله کار تجدید پرورش یابند و انسان‌های نوینی بشوند. اگر نخواهند کار کنند حکومت توده‌ای آنها را مجبور بدان خواهد کرد. در میان آنها نیز با مراقبت و بهر اندازه که لازم باشد کار تبلیغاتی و تربیتی صورت خواهد گرفت، درست مانند کاری که در میان افسران اسیر انجام میشد. این را نیز میتوان «سیاست مدارا» نامید. اما این میاستی است که بوسیله ما بر کسانی که بطبقات دشمن تعلق داشته‌اند تحمیل میشود و با کاری که در میان خلق انقلابی در زمینه آموزش و پرورش خود بعمل می‌آید در یک ردیف نیست.

همچنین کار تجدید پرورش عناصر طبقات ارتجاعی فقط بدست حکومت دیکتاتوری دسوکراتیک خلق برهبری حزب کمونیست میتواند عملی شود. اگر این کار بخوبی انجام گیرد طبقات استثمارگر عمده چین، طبقه مالکان ارضی و بورژوازی بوروکراتیک (طبقه سرمایه انحصاری) بطور قطع از میان خواهند رفت. باقی میماند بورژوازی ملی. هم اکنون ما میتوانیم به کار تربیتی مناسب و مهمی در بین بسیاری از افراد بورژوازی ملی دست بزنیم. وقتی که اجرای سوسیالیسم یعنی ملی کردن بنگاههای خصوصی فرا رسد ما این کار تربیت و تجدید پرورش را بیشتر خواهیم کرد. خلق

دستگاه نیرومند دولت را در اختیار دارد و از اینکه بورژوازی ملی به طغیان برخیزد او را باکی نیست .

مسئله خطیر عبارتست از آموزش و پرورش دهقانان . اقتصاد دهقانی پراکنده است و اشتراکی کردن کشاورزی ، آنطور که از تجربه اتحاد شوروی برمیآید ، زمانی بسیار طولانی و کاری دقیق لازم دارد . بدون اشتراکی کردن کشاورزی نمیتوان از سوسیالیسم کاسل و پا بر جا سخن گفت . اشتراکی کردن کشاورزی در جریان خود باید با رشد يك صنعت نیرومند که بخش عمده آنها بنگاههای دولتی تشکیل داده باشند همگام گردد (۷) . حکومت دیکتاتوری دموکراتیک خلق باید مسائل صنعتی کردن کشور را منظمآ حل کند . چون منظور این مقاله بررسی تفصیلی مسائل اقتصادی نیست من در این موضوع به بسط کلام نمیپردازم .

در ۱۹۲۴ نخستین کنگره ملی گومیندان که تحت رهبری شخص سون یاتسن تشکیل شد و کمونیستها در آن شرکت جستند مانیفست مشهوری تصویب کرد که میگوید :

”در دوران ما باصطلاح سیستم دموکراتیک در کشورهای مختلف معمولاً در انحصار بورژوازی است ، و صرفاً بافزاری برای اعمال مسم نسبت به مردم عادی مبدل گشته است . اما اصل دموکراسی گومیندان سیستم دموکراتیکی است که مردم عادی همه باید از آن سهم بگیرند ، نه آنکه از آن عده اندکی باشد .“

اگر موضوع رهبری را کنار بگذاریم اصل دموکراسی که در اینجا از آن صحبت میشود ، بهشابه برنامه سیاسی کلی ، با آنچه ما دموکراسی توده‌ای و یا دموکراسی نوین مینامیم مطابقت دارد . آن سیستم دولتی که متعلق به همه مردم ساده باشد و نه به بورژوازی ، باضافه رهبری طبقه

کارگر ، همان سیستم دولتی دیکتاتوری دموکراتیک خلق است .
چانکایشک به سون یاتسن خیانت ورزید و از دیکتاتوری بورژوازی
بوروکراتیک و طبقه مالکان ارضی بحثابه افزاری جهت سرکوب مردم
ساده چین استفاده کرد . این دیکتاتوری ضد انقلابی مدت بیست و دو
سال اعمال شد تا اینکه امروز فقط بوسیله مردم ساده برهبری ما سرنگون
گردید .

مرتجعان خارجی که ما را به اعمال "دیکتاتوری" یا "استبداد"
متهم میسازند همان‌هایی هستند که خودشان این کار را میکنند . آنها
نسبت به پرولتاریا و بقیه خلق به اعمال دیکتاتوری طبقه واحد ، استبداد
طبقه واحد یعنی بورژوازی دست میزنند . سون یاتسن باین اشخاص نظر
داشت وقتی که از آن بورژوازی که در دولت‌های معاصر به سرکوب
مردم ساده مشغول است سخن میگفت . و از همین مرتجعان پلید بود که
چانکایشک دیکتاتوری ضد انقلابی را آموخت .

جوسی ، فیلسوف سلسله سون ، کتب بسیار نوشته و سخنان بسیار
گفته که امروز فراموش شده است ولی جمله‌ای از او هنوز در خاطرهاست
که میگوید : " با دیگران آن کن که با تو میکنند . " (۸) این درست
همان کاری است که ما میکنیم . ما با اسپریالیستها و چاکرانشان ،
مرتجعان دارودسته چانکایشک درست همان رفتاری داریم که آنها با ما
داشتند . چیز دیگری غیر از این نیست و چه میتوانست غیر از این باشد !
دیکتاتوری انقلابی و دیکتاتوری ضد انقلابی ماهیتاً متضادند ولی اولی
از مکتب دومی بیرون آمده است . این آموزش بسیار مهمی است . اگر
خلق انقلابی بر شیوه اعمال سیادت بر طبقات ضد انقلابی مسلط نشود به
حفظ قدرت دولتی خویش قادر نخواهد بود ، او را ارتجاع داخلی و خارجی

سرنگون خواهند کرد تا سیادت خود را در چین برقرار سازند ، و خلق انقلابی دچار فلاکت خواهد شد .

دیکتاتوری دموکراتیک خلق براساس اتحاد طبقه کارگر ، طبقه دهقان و خرده بورژوازی شهری و بطور عمده بر اتحاد کارگران و دهقانان مبتنی است ، زیرا که این دو طبقه ۸۰ تا ۹۰ درصد جمعیت چین را تشکیل میدهند . سرنگون شدن امپریالیسم و دارودسته ارتجاعی گوسیندان بطور عمده با نیروی این دو طبقه عملی شد و گذار از دموکراسی نوین به سوسیالیسم بطور عمده با اتحاد آنها وابستگی دارد .

دیکتاتوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر نیازمند است . زیرا که فقط طبقه کارگر دوراندهشترین و از خود گذشته‌ترین طبقه است و دارای پیگیرترین روحیه انقلابی است . سراسر تاریخ انقلاب ثابت میکند که انقلاب بدون رهبری طبقه کارگر شکست می‌خورد و با رهبری طبقه کارگر پیروز میشود . در دوران امپریالیسم ، هیچ طبقه دیگری ، در هر کشور که باشد ، نمیتواند انقلاب حقیقی را به پیروزی برساند . دلیل این امر انقلاباتی است که چندین بار بوسیله خرده بورژوازی و بورژوازی ملی چین رهبری شده و همه بشکست انجامید .

بورژوازی ملی در مرحله کنونی دارای اهمیت بسیاری است . ما همچنان با امپریالیسم روبرو هستیم که دشمن بسیار درنده‌ای است . صنایع معاصر چین هنوز در مجموعه اقتصاد ملی ما فقط بخش خیلی کوچکی است . عجبالتاً آمار دقیقی نداریم ولی آنقدر که برخی از اسناد حکایت میکند پیش از جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، ارزش تولید صنایع معاصر در مجموعه اقتصاد ملی فقط قریب ۱۰ درصد ارزش کل تولید بوده است . چین برای مقابله با فشار امپریالیستی و برای اینکه اقتصاد عقب مانده

خوبش را بسطیح بالاتری رساند باید از کلیه عوامل سرمایه‌داری در شهرها و روستاها استفاده کرد ، عواملی که باقتصاد ملی و بزنگی خلق نه زیان بلکه سود میرساند . ما باید با بورژوازی ملی بمنظور مبارزه مشترك متحد شویم . سیاست فعلی ما مبتنی بر تحدید سرمایه‌داری است نه انحاء آن . ولی بورژوازی ملی نمیتواند در انقلاب نقش رهبری بازی کند و نباید در قدرت دولتی مقام متفوق داشته باشد . و دلیلش در ضعف اوست که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی او ناشی میشود . این طبقه فاقد دوراندیشی و شجاعت لازم است ، و بسیاری از افرادش از توده‌های خلق وحشت دارند .

سون یاتسن توصیه میکرد که باید "توده‌های خلق را بیدارگردانید" و "به کارگران و دهقانان یاری رسانید" . ولی کی باید آنها را بیدارگرداند و بآنها یاری برساند ؟ سون یاتسن نظرش به خرده بورژوازی و بورژوازی ملی بود . اما آنها در حقیقت از این کار عاجزاند . چهل سال انقلاب سون یاتسن با شکست روبرو شد . چرا ؟ زیرا که در دوران امپریالیسم ، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی نمیتوانند هیچ انقلاب حقیقی را به پیروزی برسانند .

بیست و هشت سال ما بکلی طور دیگر گذشته است . ما تجارب گرانبهای بسیار بدست آورده‌ایم . حزبی با انضباط ، مجهز به تئوری مارکسیستی - لنینیستی که اسلوب انتقاد از خود را بکار می‌بندد و در پیوند با توده‌های خلق است ؛ ارتشی که با چنین حزبی رهبری میشود ؛ جبهه‌ای متحد از کلیه طبقات انقلابی و کلیه گروههای انقلابی برهبری چنین حزب - اینهاست اسلحه سه‌گانه عمده‌ای که ما بوسیله آن بر دشمن پیروز شدیم . و اینست آنچه ما را از پیشینیان متمایز می‌سازد .

ما پیروزی اصلی را با تکیه بر این اسلحه سه‌گانه بدست آوردیم . ما از راه پر پیچ و خمی گذشتیم . ما در درون حزب خویش با انحرافات اهورتونستی ، خواه از راست و خواه از "چپ" مبارزه کردیم و هرگاه که در این سه زمینه به خطای فاحش دچار آمدیم انقلاب به ناکامی برخورد . ما از خطاها و ناکامی‌ها پند گرفتیم ، بصیرت بیشتر یافتیم و کارمان بهتر شد . بر هر حزب سیاسی ، بر هر فردی دشوار است که از خطا مصون بماند . ما میخواهیم که خطا کمتر صورت پذیرد و همینکه صورت پذیرفت جبران شود ، هرچه زودتر و کامل‌تر بهتر .

تجربه ما را میتوان در يك نکته خلاصه کرد : دیکتاتوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر (با واسطه حزب کمونیست) و مبتنی بر اتحاد کارگران و دهقانان . این دیکتاتوری باید با نیروهای انقلابی بین‌المللی متحد گردد . چنین است فورمول ما ، تجربه عمده ما ، برنامه اساسی ما . بیست و هشت سالی که از عمر حزب ما گذشته دوره‌ای طولانی است و ما فقط يك کار کرده‌ایم : پیروزی اساسی در جنگ انقلابی بدست آورده‌ایم . این امر شایسته بزرگداشت است زیرا که پیروزی خلق است ، زیرا که در کشور بزرگی مانند چین بدست آمده‌است . ولی هنوز کار زیادی در پیش ماست . چنانچه به يك مسافرت تشبیه کنیم ، باید گفت کاری که انجام گرفته جز نخستین قدم از راه پیمائی ده هزار لی نیست . هنوز تکه پاره‌هایی از دشمن باقی است که باید برانداخته شود . وظیفه سنگین ساختمان اقتصادی کشور در برابر ما قرار دارد . برخی از کارهایی که ما خوب بلدیم بزودی لزوم خود را از دست خواهد داد و ما مجبور خواهیم شد به فرا گرفتن کارهایی پردازیم که خوب بلد نیستیم . مشکل در اینجا است . امپریالیستها پیشینی میکنند که ما در اداره اقتصاد خویش بکلی

درسانده خواهیم شد . آنها مراقب اند و در انتظار شکست ما نشسته اند . ما باید بر دشواری ها فائق آئیم ، ما باید آنچه را که نمیدانیم فراگیریم . ما باید از کلیه کسانی که بلداند (هر که باشند) کار در رشته اقتصاد را بیاموزیم . ما باید آنها را معلم خود بشناسیم و با کمال فروتنی و با جان و دل در نزد آنها بتعلم پردازیم . وقتی که چیزی نمیدانیم باید به ندانستن اعتراف کنیم و تظاهر بدانائی ننمائیم . نباید قیافه بوروکرات ها را بخود گیریم . اگر در کارها غوررسی کنیم پس از چند ماه ، يك يا دو سال ، سه يا پنج سال سرانجام بر آنها مسلط خواهیم شد . برخی از کمونیستهای شوروی نیز در آغاز نمیتوانستند امور اقتصادی را خیلی خوب اداره کنند و امپریالیستها منتظر شکست آنها بودند . اما حزب کمونیست اتحاد شوروی پیروز شد و تحت رهبری لنین و استالین نه فقط توانست انقلاب کند بلکه توانست به سازندگی پردازد و اینک کشور کبیر و شکوفان سوسیالیستی را ساخته است . حزب کمونیست اتحاد شوروی بهترین معلم ماست ؛ ما باید از او بیاموزیم . وضعیت داخلی و خارجی بحال ما مساعد است و ما برای اینکه مردم همه کشور را ، باستانی مرتجعان ، متحد گردانیم و با گام های مطمئن بمقصد نائل آئیم ، کاملاً میتوانیم بر سلاح دیکتاتوری دموکراتیک خلق تکیه کنیم .

یادداشتها

۱ - اشاره است به جامعه ای که خلق چین از دیر زمان بمثابه آرزوئی گرانقدر در دل خویش میپرورده است . منظور از جهان صلح و صفا در اینجا جامعه کمونیستی است . - مترجم

۲ - مراجعه شود به « مرض بچه‌گانه "چپ روی" در کمونیسم » ، فصل ۲ ، آنجا که لنین میگوید : "در طی قریب نیم قرن ، تقریباً از سالهای ۴۰ تا سالهای ۹۰ قرن گذشته ، اندیشه پیش‌آهنگ در روسیه در زیر یوغ تزاریسیم ، تزاریسمی که در توحش و ارتجاع نظیر نداشت ، مشتاقانه بجستجوی تئوری راستین انقلابی برخاست و هر ' آخرین کلام ' اروپا و آمریکا را در این زمینه با دقت و مراقبتی شگفت‌انگیز تعقیب میکرد . در حقیقت مارکسیسم بمشابه یگانه تئوری راستین انقلابی برای روسیه بقیمت نیم قرن مصائب و قربانی‌های بیمانند ، قهرمانی انقلابی بی‌سابقه ، کوشش طاقت‌فرسا و از خود گذشتگی در پژوهش‌ها ، مطالعات ، آزمایش‌های عملی ، نویدی‌ها ، محك زدن‌ها ، مقابله‌ها با تجربه اروپا ، تمام شده است ."

۳ - کان یو وی (۱۸۵۸ - ۱۹۲۷) از اهالی نان‌های از استان گوان دون بود . در ۱۸۹۵ یعنی يك سال پس از شکست چین از امپریالیسم ژاپن ، کان یو وی در پکن در رأس ۱۳۰۰ نامزد امتحانات امپراطوری قرار گرفت و از طرف آنها عریضه "ده هزار کلمه‌ای" مبنی بر مطالبه "رفرم مشروطه و تجدد" ، تبدیل سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه به امپراطور گوان سیو تقدیم داشت . در ۱۸۹۸ امپراطور گوان سیو از کان یو وی ، تن سی تون ، لیان چی چائو و دیگران دعوت کرد که بمنظور تحقق رفرم‌ها در اداره امور دولت شرکت جویند . اما بعداً که ملکه بیوه تی سی که نماینده سرسختان بود به اریکه قدرت بازگشت نهضت رفرمیستی شکست خورد . کان یو وی و لیان چی چائو به خارجه گریختند و بمنظور دفاع از امپراطور حزبی تشکیل دادند که بصورت گروه سیاسی ارتجاعی در آمد زیرا که با گروه انقلابی بورژوازی و خرده بورژوازی که سون یاتسن نماینده آن بود مخالفت میورزید . برخی از آثار کان یو وی از این قرار است : « تحریف تصنیفات شریعت کنفوسیوس بوسیله مکتب سین » ، « کنفوسیوس رفرماتور » و « کتاب صلح و صفا » .

۴ - ین فو (۱۸۵۳ - ۱۹۲۱) در فو جو از استان فو جیان بدنیا آمد . در مدرسه نیروی دریائی انگلیستان تحصیل کرد و پس از جنگ چین و ژاپن در ۱۸۹۴ خواستار سلطنت مشروطه و رفرم‌هایی بمنظور نوسازی چین گردید . او آثاری از قبیل « تکامل واتیک » از ت . ح . ها کسل ، « پژوهش‌هایی در باره ماهیت و علل ثروتمندی ملت‌ها » از آدام اسمیت ، « منطق استقرائی و قیاسی » از جون

استوارت میل ، « روح القوانين » از مونتسکیو را ترجمه کرد و باین طریق در تبلیغ اندیشه بورژوازی اروپا در چین شرکت جست .

۵ - مراجعه شود به « درباره دموکراسی نوین » ، یادداشت ۱۷ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد دوم .

۶ - قهرمان داستان « شوی هو جوان » (قهرمانان مردابها) . او سون بیری را بر فراز تپه جین یان با دست خالی کشت . این قصه یکی از رایج ترین قصه های آن اثر مشهور است .

۷ - در موضوع ارتباط میان اشتراکی کردن کشاورزی و صنعتی کردن کشور مراجعه شود به فصل هفتم و هشتم گزارش رفیق مائو تسه دون در کنفرانس دبیران کمیته های حزب کمونیست چین در استان ها ، در شهرهای تابع مرکز و مناطق خودمختار ، در ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۵ ، تحت عنوان : « درباره مسئله کنوپراسیون کشاورزی » . رفیق مائو تسه دون در این گزارش ، بر اساس تجربه اتحاد شوروی و آنچه در کشور خود ما عمل شده بود ، این نظریه را وسیعاً تکامل بخشید که مراحل اشتراکی کردن کشاورزی باید با مراحل صنعتی کردن سوسیالیستی همراه باشد .

۸ - نقل از حاشیه جوسی بر اثر کنفوسیوس بنام « محیط لایتغیر » ، فصل ۱۳ .

پندارهای واهی خود را بدور افکنید و برای مبارزه آماده باشید

(۱۴ اوت ۱۹۴۹)

تصادفی نیست اگر کتاب سفید وزارت امور خارجه آمریکا درباره مناسبات میان چین و اتازونی و نامه وزیر خارجه آچسن به رئیس جمهور قرومن (۱) درست در اینموقع انتشار سییابد . انتشار این اسناد انعکاس پیروزی خلق چین و شکست امپریالیسم است ، انعکاس زوال تمام سیستم امپریالیستی جهانی است . سیستم امپریالیسم قادر نیست بر تضادهای درونی متعددی که آنها میخورند غلبه کند و این خود امپریالیستها را در تأثر عمیقی فرو میبرد .

این مقاله و چهار مقاله دیگر که بدنبال آن میآیند : « سفر بخیر ، لیتون استوارت ! » ، « چرا باید کتاب سفید را مورد بحث قرار داد » ، « "دوستی" یا تجاوز؟ » و « ورشکستگی درك ایده‌آلیستی تاریخ » تفسیرهایی است که رفیق مائو سه دن بمناسبت انتشار کتاب سفید وزارت امور خارجه آمریکا و نامه دهن آچسن برای خبرگزاری سین هوا نوشته‌است . این تفسیرها ماهیت امپریالیستی سیاست آمریکا را نسبت به چین برملا میسازد ، پندارهای واهی بخشی از روشنفکران بورژوائی چین را در مورد امپریالیسم آمریکا مورد انتقاد قرار میدهد و علل انقلاب چین و دلائل پیروزی آنها از لحاظ تئوریک تشریح میکند .

امپریالیسم شرایط انهدام خود را فراهم آورده است . این شرایط همان بیداری توده‌های وسیع مردم در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و در خود کشورهای امپریالیستی است . این امپریالیسم است که توده‌های عظیم مردم سراسر جهان را به دوران تاریخی مبارزه عظیم بخاطر برانداختن امپریالیسم رانده است .

امپریالیسم برای این توده‌های عظیم مردم شرایط مبارزه را خواه مادی و خواه معنوی فراهم ساخته است .

کارخانه ، راه آهن ، تفنگ ، توپ و غیره اینها است شرایط مادی . قسمت اعظم سازوبرگ نیرومند ارتش آزادیبخش توده‌ای چین از امپریالیسم آمریکا بدست میاید و قسمتی نیز از امپریالیسم ژاپن ، قسمت دیگر ساخت خود ما است .

از زمان تجاوز بریتانیا بر چین در ۱۸۴۰ جنگهای تجاوزکارانه علیه چین یکی بدنبال دیگری آمده است : جنگ نیروهای متحد انگلیس و فرانسه ، جنگ فرانسه ، جنگ ژاپن ، جنگ واحدهای متحد هشت دولت (بریتانیای کبیر ، فرانسه ، ژاپن ، روسیه تزاری ، آلمان ، انازونی ، ایتالیا و اتریش) ، جنگ میان ژاپن و روسیه تزاری در خاک چین (۲) ، جنگ تجاوزکارانه ژاپن علیه چین در شمال شرقی که در ۱۹۳۱ آغاز گردید ، جنگ تجاوزکارانه ژاپن علیه سراسر چین که در ۱۹۳۷ آغاز شد و هشت سال بطول انجامید و بالاخره جنگ علیه خلق چین در جریان سه سال اخیر بظاهر از طرف چانکایشک و در واقع از طرف آمریکا . بطوری که در نامه آچسن تصریح شده ، آمریکا در جنگ اخیر "بیش از پنجاه درصد مخارج پولی" دولت گومیندان بوی کمک مادی داده و همچنین "مسئمت نظامی به ارتش چین (منظور ارتش گومیندان است)

تسلیم داشته‌است". این جنگی است که آمریکا پول و اسلحه آنرا میدهد و چانکایشك نفرات آنرا تا بسود آمریکا بچنگند و مردم چین را کشتار کنند. تمام این جنگهای تجاوزکارانه، باضافه تجاوز و ستم میاسی، اقتصادی و فرهنگی، کینه چینی‌ها را علیه امپریالیسم برانگیخته، این سؤال را در برابر آنها مطرح ساخته که معنی اینها همه، چه میتواند باشد و بالاخره آنها را مجبور ساخته که روحیه انقلابی خود را تقویت کنند و در مبارزه متحد شوند. مبارزه، ناکامی، از نو مبارزه، از نو ناکامی، بازهم مبارزه، و فقط در پایان ۱۰۹ سال تجربه که از صدها مبارزه بزرگ و کوچک، نظامی و سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، خونین یا بدون خونریزی بدست آمده، خلق چین به پیروزی اساسی کنونی نائل گردیده‌است. اینها است آن شرایط معنوی که بدون آنها پیروزی انقلاب ممکن نبود.

برای تأمین مقاصد تجاوزکارانه خویش، امپریالیسم سیستم کمپرادور و سرمایه بوروکراتیک را در چین ایجاد کرد. تجاوز امپریالیستی، اقتصاد اجتماعی چین را تکان داد، در آن تغییراتی پدید آورد و عناصر متضاد با امپریالیسم یعنی صنایع ملی و بورژوازی ملی چین و بویژه پرولتاریای چین را ایجاد کرد که در مؤسسات تحت اداره مستقیم امپریالیستها، در مؤسسات سرمایه بوروکراتیک و مؤسسات بورژوازی ملی بکار اشتغال دارد. برای تأمین مقاصد تجاوزکارانه خویش، امپریالیسم با استثمار از راه مبادله ارزشهای نابرابر، دهقانان را به ورشکستگی کشانید و به این ترتیب توده‌های وسیعی از دهقانان بی‌چیز بوجود آورد که تعداد آنها به صدها میلیون نفر بالغ میگردد و ۷۰ درصد سکنه روستائی چین را تشکیل میدهند. برای تأمین مقاصد تجاوزکارانه خویش،

امپریالیسم در چین میلیونها روشنفکر بزرگ و کوچک از نوع جدید بوجود آورد که با روشنفکرانی یا ماسورین دانشگاه دیده نوع قدیم متفاوت بودند . لکن امپریالیسم و نوکران آن ، دولتهای ارتجاعی چین فقط بخشی از این روشنفکران و سپس فقط مشتی از آنها مانند حوشی ، فوسی نیان و چیان مو را توانستند زیر نفوذ خود نگاه دارند ، بقیه از زیر نفوذ آنها بیرون آمده و در جهت مخالف آنها قرار گرفتند . دانشجویان ، آموزگاران ، استادان ، تکنیسینها ، مهندسين ، پزشکان ، دانشمندان ، نویسندگان ، هنرمندان و کارمندان همه از در عصیان در آمدند یا دیگر نخواستند بدنبال گومیندان بروند . حزب کمونیست ، حزب تبهیستانی است ؛ تبلیغات گومیندان در همه جا و در همه حال آنرا بمثابة باتلای از افراد معرفی میکند که به کشتار و حریق ، به هتك ناموس و غارت دست میزنند ، تاریخ و فرهنگ را طرد میکنند ، برای خود میهنی نمیشناسند ، نه عشق خانوادگی دارند و نه به بزرگان و پیشینیان احترام میگذارند ، هرگز نمیخواهند به حرف حسابی گوش فرا دهند ، اشتراك اموال و زنان در نزد آنها معمول است و از تاكتيك "دریای انسان" پیروی مینمایند ، خلاصه جمع دیوان تبهکاری که بر جنایاتی قادرند و مستوجب بخشش نمیباشند . اما شگفت آنکه همین جمع است که از پشتیبانی صدها میلیون نفر و از آنجمله اکثریت روشنفکران و بویژه جوانان دانشجو برخوردار است .

قسمتی از روشنفکرانی ترجیح میدهند در حالت انتظار بسر ببرند . آنها با خود میگویند : گومیندان خوب نیست و حزب کمونیست نیز لازم نیست حتماً خوب باشد ، پس اندکی صبر کنیم . بعضی از آنها خود را هوادار حزب کمونیست اعلام میکنند ، اما در باطن ، در حال انتظارند .

درست همین مردمانند که در مورد آمریکا دستخوش پندارهای واهی اند . آنها نمیخواهند میان امپریالیستهای آمریکائی که در رأس قدرت جای دارند با خلق آمریکا که بر مسند قدرت نیست وجه تمایزی قائل شوند . آنها بسهولت فریفته مخنان شیرین امپریالیستهای آمریکائی میگردند ، گویا اینها ممکن است با چین توده‌ای براساس تساوی حقوق و امتیاز متقابل رفتار کنند بدون آنکه نیازی بیک مبارزه طولانی و سخت از جانب ما باشد . در نزد این روشنفکران هنوز افکار ارتجاعی یعنی ضد توده‌ای بسیاری باقی است ، اما آنها در زمره مرتجعین گومیندان بشمار نمیآیند ؛ آنها عناصر میانه‌رو یا جناح راست چین توده‌ای را تشکیل میدهند . آنها طرفدار آن چیزی هستند که آپسن آنرا ” اندیویدوالیسم دموکراتیک ” مینامد . مافورهای فریبنده آپسن‌ها هنوز در چین پایه اجتماعی دارد ولی پایه‌ای هاریک .

کتاب سفید آپسن نشان میدهد که امپریالیستهای آمریکائی بهیچوجه نمیدانند در برابر وضع کنونی چین چه باید شان کرد . عدم لیاقت گومیندان بدرجه‌ای است که هیچ کمکی هر اندازه کلان باشد نمیتواند او را از سرنوشت محتومش رهائی بخشد . امپریالیستهای آمریکائی دیگر بر اوضاع مسلط نیستند و هیچ کاری از آنها ساخته نیست . آپسن در نامه خود میگوید :

این واقعیتی است ، واقعیتی تأسفانگیز اما ناگزیر که فرجام مصیبت بار جنگ داخلی در چین از اختیار دولت آمریکا بیرون شده است . هیچ چیز از آنچه کشور ما انجام داد و هر چیز که در حدود منطقی امکانات خود میتوانست انجام دهد قادر نگشت در این فرجام تغییری دهد . هیچ چیز از آنچه کشور ما در انجام آن غفلت ورزید در این

فرجام تأثیری نداشت . این فرجام محصول نیروهای درونی چین بود ، نیروهائی که کشور ما کوشید در آنها مؤثر واقع شود بدون آنکه بتواند در اینراه موفقیتی بدست آورد .

نتیجه گیری آچسن ، آنطور که بعضی از روشنفکران درهم اندیش چین فکر میکنند و میگویند ، باید منطقاً چنین باشد : باید مانند "قصایى که کارد خود را بر زمین میگذارد و فوراً بودا میشود" یا مانند "راهزنى که اظهار پشیمانی میکند و آدم شرافتمندی میشود" عمل کرد ؛ باید با چین توده‌ای بر اساس تساوی حقوق و امتیاز متقابل رفتار کرد و از ایجاد اغتشاش خودداری ورزید . اما نه ، آچسن میگوید ما به ایجاد اغتشاش ادامه خواهیم داد و مسلماً اغتشاشاتی ایجاد خواهیم کرد . آیا بر آن نتیجه‌ای ترتیب خواهد بود ؟ آنطور که معلوم میشود آری . به چه مردمانی تکیه خواهد کرد ؟ به طرفداران "اندیویدوالیسم دموکراتیک" . آچسن میگوید :

... سرانجام تمدن کهنسال چین و اندیویدوالیسم دموکراتیک چین از نو تحکیم خواهد شد و چین یوغ بیگانه را بدور خواهد افکند . بنظر من ، ما باید در چین در حال حاضر و در آینده هر گونه تحولی را در جهت نیل به این هدف تشویق نمائیم .

به بینید منطق امپریالیستها تا چه اندازه با منطق خلق متفاوت است ! فتنه‌گری ، شکست ، باز هم فتنه‌گری ، باز هم شکست ... و سرانجام نابودی — چنین است منطق امپریالیستها و تمام مرتجعین جهان نسبت با سر خلق ؛ آنها هرگز خلاف این منطق عمل نخواهند کرد . این قانونی است مارکسیستی . وقتی که ما میگوئیم "امپریالیسم درنده‌خو است" ، منظور اینست که ماهیت آن تغییر نخواهد کرد .

امپریالیستها تا دم مرگ هرگز نخواهند کارد قصابی خود را بزمین گذارند و هرگز بودا نخواهند شد .

مبارزه ، ناکامی ، از نو مبارزه ، از نو ناکامی ، باز هم مبارزه و بهمین قسم تا پیروزی — چنین است منطق خلق ، و خلق نیز هرگز در جهت خلاف این منطق گام نخواهد برداشت . این نیز يك قانون مارکسیستی است . انقلاب خلق روسیه از این قانون پیروی کرد ، انقلاب خلق چین نیز پیرو این قانون است .

مبارزه طبقاتی ، پیروزی بعضی از طبقات و نابودی برخی دیگر ، اینست تاریخ ، اینست تاریخ تمدن چندین هزار ساله . تفسیر تاریخ از این دیدگاه ، ماتریالیسم تاریخی است ، قرار گرفتن در نقطه مقابل آن ایده‌آلیسم تاریخی است .

شیوه انتقاد از خود فقط در درون خلق بکار میرود . امید محالی است که بتوان امپریالیستها و مرتجعین چین را متقاعد ساخت که از خود حسن‌نیت نشان دهند و براه راست باز گردند . تنها راهی که باید دنبال کرد عبارت است از اینکه نیروها را بخاطر مبارزه علیه آنها متشکل سازیم . چنانچه در جنگ آزادیبخش توده‌ای ما و در انقلاب ارضی ما چنین بود ، امپریالیسم را افشاء کنیم ، امپریالیستها و مرتجعین را ” تحریک کنیم “ ، آنها را سرنگون سازیم ، آنها را در صورت تخلف از قانون به کیفر رسانیم و ” به آنها اجازه ندهیم که بجز راه راست پیوند و اجازه ندهیم که هیچ گفتار و هیچ رفتاری مخالف حکومت موجود از آنها سر بزنند “ . تنها بدین ترتیب میتوان امید داشت که با کشورهای بیگانه امپریالیستی بر اساس تساوی حقوق و امتیاز متقابل معامله نمود . بدین ترتیب میتوان امید داشت که پس از آنکه عناصر طبقه مالکان

ارضی ، عناصر بورژوازی بوروکراتیک و اعضاء دارودسته ارتجاعی گومیندان و همدستان آنها اسلحه را بر زمین گذاشتند و تسلیم شدند آنها را در حدود اسکان با کار تربیتی متناسب از عناصر زیانکار به عناصر خوب سیدل ساخت . اگر بسیاری از لیبرالهای چینی - عناصر دموکرات از نوع قدیم ، طرفداران " اندیویدوالیسم دموکراتیک " که ترومن ، مارشال ، آچسن ، لیتون استوارت و دیگران امید خود را بدانها بسته و پیوسته میکوشند آنها را بسوی خود جلب کنند - غالباً در موضع پاسیف میمانند و بیشتر اوقات در قضاوتهای خود نسبت به حکمروایان آمریکا ، به گومیندان و اتحاد شوروی و همچنین حزب کمونیست چین دچار اشتباهند ، درست بخاطر آنست که آنها مسائل را از دیدگاه ماتریالیسم تاریخی در نظر نمیگیرند یا بر آن نیستند که مسائل را میتوان از این دیدگاه در نظر گرفت .

وظیفه ترقیخواهان - کمونیستها ، اعضاء احزاب دموکراتیک ، کارگران از لحاظ سیاسی آگاه ، جوانان دانشجو و روشنفکران مترقی - است که در درون چین توده‌ای با قشرهای متوسط ، عناصر میان‌رو ، عناصر عقب‌مانده قشرهای مختلف و تمام کسانی که در تردید و نوسان‌اند (اینها هنوز مدتها به نوسان خود ادامه خواهند داد و حتی پس از آنکه موضع‌گیری کردند ، همین که به اشکالی برخوردند نوسان خود را از سر میگیرند) متحد شوند ، صدیقانه آنها را یاری رسانند ، روش تزلزل آنها را مورد انتقاد قرار دهند ، آنها را تربیت کنند و به سوی توده‌های عظیم مردم جلب نمایند ، مانع شوند که امپریالیستها آنها را بسوی خود بکشند ، از آنها بخواهند که پندارهای واهی خود را بدور افکنند و برای مبارزه آماده باشند . نباید تصور کرد که پس از پیروزی دیگر

نیازی به کار در میان آنها نیست . ما هنوز باید کار کنیم ، حتی به مراتب بیشتر و با بردباری کار کنیم تا بتوانیم واقعاً این عناصر را بسوی خود جلب نمائیم . پس از آنکه ما آنها را بخود جلب کردیم ، اسپریالیسم کاملاً منفرد خواهد شد و نیرنگهای آچسن دیگر مؤثر نخواهد افتاد . شعار ” برای مبارزه آماده باشید “ خطاب به کسانی است که در مسئله مناسبات میان چین و کشورهای اسپریالیستی و بویژه مناسبات میان چین و آمریکا هنوز برخی پندارهای واهی در سر دارند . آنها در برابر این مسئله پاسیف میمانند و تصمیم قطعی نگرفته‌اند ، آنها هنوز تصمیم نگرفته‌اند که علیه اسپریالیسم آمریکا (و انگلیس) باید بمبارزه طولانی دست زد و این به آن علت که آنها هنوز نسبت به آمریکا دستخوش پندارهای واهی‌اند . هنوز بر سر این مسئله فاصله‌ای دور یا نسبتاً دور میان این اشخاص و ما موجود است .

انتشار کتاب سفید آمریکا و نامه آچسن در خورد تهنیت است ، زیرا که انتشار این اسناد برای کسانی که به دموکراسی نوع قدیم یا اندیویدوالیسم دموکراتیک علاقمندند ، برای کسانی که دموکراسی توده‌ای یا کولکتیویسم دموکراتیک یا سانترالیسم دموکراتیک یا قهرمانی جمعی یا میهن پرستی بر اساس انترناسیونالیسم را تأیید نمیکنند یا چندان تأیید نمیکنند ، از آنها ناخشنودند یا تا درجه‌ای ناخشنودند یا حتی نیز متنفرند ولی هنوز احساسات میهن پرستانه خود را حفظ کرده و در زمره مرتجعین گومیندان بشمار نمی‌آیند مانند دوش آب سرد است ، باعث بی‌اعتباری آنها است . انتشار این اسناد بویژه برای کسانی که تصور میکنند هر آنچه آمریکائی است خوب است و اسیدوارند که چین از آمریکا سرمشق بگیرد دوش سردی است .

آچسن آشکارا اعلام میکند که باید اندیویدوآلیستهای دموکرات چینی را "تشویق کرد" تا "یوغ بیگانه" را بدور افکنند. این به آن معنی است که باید مارکسیسم - لنینیسم، دیکتاتوری دموکراتیک توده‌ای را که رهبری آن با حزب کمونیست چین است برانداخت. زیرا که این دکترین و این رژیم گویا "از منبع خارجی" است، در چین ریشه‌ای ندارد و از طرف کارل مارکس آلمانی (که شخصیت و شش سال پیش در گذشته است) و لنین روسی (که بیست و پنج سال پیش در گذشته است) و استالین روسی (که هنوز زنده است) به چینی‌ها تحمیل شده است. این دکترین و این رژیم صریحاً نامطلوب‌اند زیرا که آنها خود را طرفدار مبارزه طبقاتی و معو امپریالیسم و غیره اعلام میکنند و در نتیجه لازم است آنها را از بیخ و بن برانداخت. بعلاوه بر اثر "تشویق‌هائی" که از جانب ترومن رئیس جمهور، مارشال فرمانده کل بندوبستها، آچسن وزیر خارجه (این کارگزار خوش مشرب استعمار که مسئول انتشار کتاب سفید است) و لیتون استوارت سفیری که فرار را برقرار ترجیح داد، بعمل می‌آید "سرانجام... اندیویدوآلیسم دموکراتیک در چین از نو تحکیم خواهد شد". آچسن‌ها می‌پندارند که "تشویق" میکنند. اما کاملاً ممکن است که این اندیویدوآلیستهای دموکرات چینی علی‌رغم اعتمادی که به آمریکا دارند احساسات میهن پرستانه خود را حفظ کنند و بیشتر بر این عقیده باشند که دوش سردی بر سر آنها فرو ریخته و باعث بی‌اعتباری آنها شده است؛ زیرا که آچسن‌ها بجای آنکه با مقامات دیکتاتوری دموکراتیک توده‌ای در چین آنطور که شایسته است ارتباط برقرار نمایند به این عمل ناپسند دست می‌زنند و از آنها بالاتر آنها موضوع نشریه‌ای قرار میدهند. این

بی‌اعتباری است ! این بی‌اعتباری است ! برای کسانی که احساسات میهن‌پرستانه خود را حفظ کرده‌اند بیانات آپسن "تشویق" نیست ، ناسزا است .

چین در بحبوحه انقلاب بزرگی است . سراسر چین از شور و شوق می‌جوشد . شرایط مساعدی برای جلب کلیه کسانی که نسبت به آرمان انقلاب توده‌ای کینه عمیق و تسکین‌ناپذیر ندارند ، اگرچه دارای اندیشه‌های نادرستی نیز باشند ، و برای اتحاد با آنها فراهم آمده است . ترقی‌خواهان باید برای کار اقناعی در میان آنها از کتاب سفید استفاده نمایند .

یادداشتها

۱ - کتاب سفید آمریکا تحت عنوان « مناسبات آمریکا با چین » در ۵ اوت ۱۹۴۹ از طرف وزارت امور خارجه آمریکا انتشار یافت . آپسن به ترومن در تاریخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۴۹ نوشته شده است ، یعنی موقعی که کتاب سفید از طرف وزارت امور خارجه آمریکا پایان پذیرفته است . کتاب سفید که مشتمل بر هشت فصل است ، تشریح مناسبات چین و آمریکا در ۱۸۴۴ سال که آمریکا چین را به امضاء « پیمان وان شا » وادار نمود تا ۱۹۴۹ هنگامی که انقلاب خلق چین در مقیاس ملی پیروزی اساسی بدست آورد . کتاب سفید آمریکا بویژه بتفصیل در این نکته صحبت میکند که چگونه طی پنج سال یعنی از آخرین مرحله جنگ مقاومت ضد ژاپنی تا ۱۹۴۹ آمریکا سیاست کمک به چانگ‌کائشک و تبرد با حزب کمونیست را دنبال کرد ، چگونه با تمام وسائل با خلق چین بمقابله برخاست و چگونه سرانجام دچار شکست گردید . کتاب سفید آمریکا و نامه آپسن صلو از تحریف حقایق ، فراموشکاریهای عمدی و دروغ پردازی است . این اسناد سرشار از اتهامات مسموم کننده و کینه عمیق نسبت به خلق چین است . در منازعه‌ای که در اردوی ارتجاعی آمریکا بر سر سیاست آمریکا نسبت به چین

در گرفت ، امپریالیستهای نظیر ترومن و آچسن مجبور شدند بمنظور متقاعد ساختن مخالفین خود ، با انتشار کتاب سفید بخشی از حقیقت را در مورد فعالیت های ضد انقلابی خود آشکارا فاش سازند . بدین ترتیب کتاب سفید ، در واقع اعتراف بجنایات ناشی از تجاوز امپریالیسم آمریکا علیه چین است .

۲ - موضوع بر سر جنگ امپریالیستی ۱۹۰۴-۱۹۰۵ است که میان ژاپن و روسیه تزاری بر سر تصاحب شمال شرقی چین و کره جریان یافت . از آنجائی که جنگ بطور عمده در شمال شرقی چین در منطقه فون تیان (امروز شن یان) و لیائو یان و در حدود بندر لیوشون صورت گرفت ، برای خلق چین خسارات و تلفات سنگینی ببار آورد . در این جنگ روسیه تزاری شکست خورد و امپریالیسم ژاپن موقعیت مسلط او را در شمال شرقی چین اشغال کرد . باضافه بموجب قرارداد صلحی که در پایان جنگ منعقد گردید (قرارداد پرتسموت) روسیه تزاری کنترل انحصاری ژاپن بر کره را برسمیت شناخت .

سفر بخیر ، لیتون استوارت !

(۱۸ اوت ۱۹۴۹)

برای انتشار کتاب سفید آمریکا انتخاب روز پنجم اوت ، یعنی روزیکه لیتون استوارت (۱) نانکن را به قصد واشنگتن ترك وی هنوز بانجا نرسیده بود ، قابل درك بود ؛ چه لیتون استوارت شاخص شكست كامل سیاست تجاوزكارانه آمریکا است . لیتون استوارت يك آمریکائی متولد در چین است و روابط اجتماعی نسبتاً وسیعی در آنجا دارد ؛ وی سالیان دراز مدارس میسیونهای آمریکائی را در چین اداره میکرد ؛ در جنگ مقاومت او نیز یکبار بزدان ژاپنی‌ها افتاد ؛ او همیشه تظاهر میکرد که چین را باندازه آمریکا دوست دارد و از این راه توانسته بود عده‌ای از چینی‌ها را بفریبد . از این جهت بود که وی از طرف ژرژ مارشال بعنوان سفیر آمریکا در چین انتخاب گردید و مقام مهمی را در گروه مارشال احرار نمود . لیتون در نظر گروه مارشال فقط يك اشتباه داشت : درست در دورانی که او بعنوان نماینده سیاست این گروه سفیر آمریکا در چین بود ، خلق چین شكست فاحشی بر این سیاست وارد نمود ؛ البته این مسئولیت کوچکی نیست . از این رو برای انتشار کتاب سفید که هدفش طفره از برخورد باین مسئولیت است ، انتخاب زمانی که لیتون بسوی

واشنگتن حرکت کرده ولی هنوز بآنجا نرسیده بود ، يك امر كاملاً طبیعی بود .

جنگی که میبایست چین را بیک مستعمره اتازونی مبدل سازد ، جنگی که در آن آمریکا ، پول و اسلحه و چانکایشك سرباز فراهم میکرد تا بسود آمریکا بجنگد و به کشتار خلق چین پردازد ، یکی از عناصر مهم سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در مقیاس جهان در دوران بعد از جنگ دوم جهانی است . سیاست تجاوز آمریکا هدفهای متعددی دارد که مهمترین آنها عبارتند از : اروپا ، آسیا و آمریکای شمالی و جنوبی . سرزمین وسیع چین با ۴۷۵ میلیون جمعیت خود مرکز ثقل آسیاست ، تصرف چین آمریکا را بر تمام آسیا مسلط میساخت . بعد از تحکیم جبهه آسیا او میتواندست قوای نظامی خود را برای تجاوز به اروپا متمرکز نماید . امپریالیسم آمریکا جبهه خود را در آمریکای شمالی و جنوبی نسبتاً امن میشمارد . چنین است حسابهای خوش تجاوزکاران آمریکا .

و لیکن ، اولاً خلق آمریکا و خلقهای دیگر جهان طالب جنگ نیستند . ثانیاً بیداری خلقهای اروپا ، پیدایش کشورهای دموکراسی توده‌ای در مشرق اروپا ، و بویژه وجود اتحاد شوروی ، این دژ فوق‌العاده نیرومند صلح که بین آسیا و اروپا بر پا گردیده و با سرسختی در برابر سیاست تجاوز آمریکا مقاومت میکند ، توجه اصلی ایالات متحده آمریکا را بخود جلب کرده‌است . ثالثاً و مهمتر از همه ، خلق چین بیدار شده است ، قوای نظامی و قدرت متشکل خلق تحت رهبری حزب کمونیست چین بیش از همیشه نیرومند است ، در نتیجه دارودسته حاکم امپریالیسم آمریکا مجبور گردیده است از سیاست حمله مسلحانه وسیع و مستقیم

در جنگ داخلی آماده سینمود ، کم‌دی مبتدلی نیز بمعرض نمایش گذاشته شد که در آن آمریکا میخواست باصطلاح نقش میانجیگری را در اختلاف بین گومیندان و حزب کمونیست بازی کند ؛ این صحنه سازی کوششی بود برای تضعیف اراده حزب کمونیست چین و اغفال خلق چین تا بتوان سراسر چین را بدون جنگ تحت نظارت در آورد . ولی مذاکرات صلح بی نتیجه ماند ، اغفال بناکامی انجامید ، و جنگ آغاز گردید . لیبرالها و " اندیویدوالیستهای دموکرات " ! شما که هنوز در باره آمریکا دستخوش پندارهای باطل بوده و به ضعف حافظه گرفتارید ، این گفته‌های آچسن را بی زحمت بخوانید :

هنگامی که صلح تحقق یابد ، برای آمریکا سه امکان در چین وجود دارد : ۱ - بارویند خویش بسته و بیرون روند ؛ ۲ - بمداخله نظامی وسیع دست زده و ناسیونالیستها را در انهدام کمونیستها پشتیبانی کنند ؛ ۳ - ضمن کمک به ناسیونالیستها تا سلطه خویش را بر بخش حتی الامکان وسیعی از خاک چین برقرار ساخته ، از طریق سازش دادن طرفین از وقوع يك جنگ داخلی جلوگیری نمایند .

در باره اینکه چرا آمریکا امکان اول را مورد استفاده قرار نداد ، آچسن میگوید :

معنی امکان اول که بنظر من افکار عمومی آمریکا در آن زمان نیز با آن توافق داشته ، این بود که آمریکا مسئولیت جهانی خود و سیاست سنتی دوستی با چین را ، قبل از اینکه بمجاهدت‌های قطعی برای کمک بوی بعمل آورد ، ترك گوید . بنابر این جریان امر چنین است : " مسئولیت جهانی " آمریکا و

”سیاست سنتی دوستی با چین“ چیزی جز مداخله علیه چین نیست . مداخله ، بعنوان تقبل مسئولیت جهانی ، نام دوستی با چین بخود گرفته است ؛ و لیکن عدم مداخله ، بهیچوجه قابل تصور نیست . در اینجا آچسن افکار عمومی آمریکا را جریحه دار میکند ، زیرا آنچه او بنام ”افکار عمومی“ از آن صحبت میکند ”افکار عمومی“ وال استریت است نه افکار عمومی خلق آمریکا .

چرا ممالك متحده آمریکا از امكان دوم استفاده نکرد ؟ آچسن چنین پاسخ میدهد :

امكان دوم ، گرچه از نظر تئوريك و با توجه بسابقه جلب كننده بنظر میرسد ، معذلك بكلی غير قابل اجرا است . در دوران ده ساله قبل از جنگ ناسیونالیستها نتوانستند کمونیستها را منهدم سازند . آنها بعد از جنگ همانطوریکه نشان داده شد ، ضعیف گردیده ، روحیه و وجهه خود را باخته بودند . در اثر رفتار مأسورین نظامی و غیر نظامی خود آنها پشتیبانی افکار عمومی و اعتبار خود را در مناطق استرداد از ژاپنی ها سریعاً از دست داده بودند . کمونیستها ، برعکس قویتر از همیشه بودند ، تقریباً تمام چین شمالی تحت نظارت آنها قرار داشت . با توجه بناتوانی قوای نظامی ناسیونالیستها ، همچنانکه بعداً نیز بنحو تأسف آوری ثابت گردید ، کمونیستها احتمالاً میبایست فقط بزور سر نیزه آمریکائیها رانده شوند . کاملاً روشن است که خلق آمریکا يك چنین درگیری عظیم ارتش ما را نه در ۱۹۴۵ و نه بعد از آن تأیید نمینمود . از این رو برای ما فقط اسكان سوم باقی میماند

چه ایده عالی است ! آمریکا پول و اسلحه میدهد و چانکایشك سرباز

فراهم میکند که برای آمریکا بجنگد و خلق چین را بکشتار رساند ،
 "کمونیستها را منهدم" نماید و چین را به مستعمره آمریکا مبدل سازد ،
 تا ممالك متحده آمریکا به وظایف "مسئولیت جهانی" خود و "سیاست
 سنتی دوستی با چین" فائق آید .

با اینکه گومیندان فاسد و ناتوان گردیده "روحیه و وجهه خود را
 باخته" بود ، معذلك ممالك متحده آمریکا او را با پول و اسلحه مجهز
 ساخته و بجنگ وادار نمود . مداخله مستقیم نظامی "از نظر تشوريك"
 امکان پذیر بنظر میرسد . زمامداران آمریکا "با توجه بسابقه" نیز چنین
 تصور میکنند . يك مداخله مستقیم نظامی نیز در واقع جاذب و "جلب
 کننده" بود . ولی این کار عملاً غیر قابل اجرا بود ، زیرا "کاملاً روشن
 است که خلق آمریکا ... چنین کاری را تأیید نمیکرد" . مسئله این نیست
 که گروه امپریالیستی ترومن - مارشال - آپسن به چنین کاری مایل
 نبود - آنها شدیداً طالب آن بودند - ولیکن وضع در چین ، در آمریکا و
 در تمام جهان (که آپسن آنرا ندیده گرفته است) اجازه آنرا نمیداد ؛
 از اینرو آنها مجبور بودند سیاست مورد تمایل خود را رها نموده و
 بامکان سوم متوسل گردند .

شما ، چینی هائی که خیال میکنید "میتوان بدون کمک بین المللی
 پیروز گردید" گوش فرا دهید ! آپسن بشما درس میدهد . او معلم خوبی
 است ، و برای اینکار حقوقی مطالبه نمیکند و تمام حقایق را با صداقت کامل
 و بطور خستگی ناپذیر بشما میگوید . ممالك متحده آمریکا از اعزام نیروی
 زیاد برای حمله به چین خودداری نمود نه باین دلیل که دولت آمریکا
 بدان مایل نبود ، بلکه به این دلیل که دلایلی برای تأمل وجود داشت .
 دلیل اول : خلق چین ممکن بود مقاومت کند و دولت آمریکا میترسید

در وضع اضطراب آمیزی گرفتار گردیده و نتواند از آن خارج شود . دلیل دوم : خلق آمریکا ممکن بود مخالفت کند ، لذا دولت آمریکا جرأت نمیکرد فرمان تجهیز عمومی را صادر نماید . دلیل سوم : خلقهای اتحاد شوروی ، اروپا و سایر کشورهای جهان ممکن بود علیه چنین کاری موضع گیرند و دولت آمریکا مورد نفرت عمومی واقع شود . صداقت دلپذیر آچسن حدود خود را میشناسد ، و او حاضر نیست دلیل سوم را یادآوری کند . دلیل آن این است که او میترسد در قبال اتحاد شوروی پرستیژ خود را از دست بدهد ، بیم آن را دارد که نقشه مارشال (۵) در اروپا که با وجود دعاوی مخالف هم اکنون نیز شکست خورده است ، بطور اسفناکی کاملاً فرو ریزد .

شما ، چینی‌هایی که لیبرال‌ها یا دموکرات‌های اندیویدوالیست کوتاه‌بین و درهم اندیش هستید ، خوب گوش دهید ! آچسن بشما درس میدهد . او برای شما آموزگار خوبی است . او تمام بشردوستی ، عدالت و تقوای آمریکائی را که اینهمه مورد ستایش شما بود با يك حرکت دست بدور افکند . آیا چنین نیست ؟ آیا شما میتوانید در کتاب سفید یا نامه آچسن کوچکترین اثری از بشردوستی ، عدالت و تقوی پیدا کنید ؟ درست است که آمریکا دانش و تکنیک دارد . ولی متأسفانه آنها در دست سرمایه‌داران قرار دارند نه در اختیار خلق ، و در داخل برای استثمار خلق و فشار بر وی بکار میروند ، و در خارج برای تجاوز و کشتار خلق‌ها . در آمریکا نیز "دموکراسی" وجود دارد ، ولی متأسفانه این دموکراسی نام دیگر دیکتاتوری خود بورژوازی است . ممالك متعدده آمریکا پول فراوان دارد ، ولی متأسفانه او حاضر است فقط بدارودسته ارتجاعی چانکایشك که تا ستر استخوان پوسیده است ، بدهد . گفته

میشود که آمریکائیه‌ها آماده‌اند اکنون و در آینده بستون پنجم خود در چین پول بدهند ، ولی حاضر نیستند به لیبرالها و یا اندیویدوالیستهای دموکرات ساده که خیلی در کتاب فرو رفته‌اند و قدر این بذل و بخششها را نمیدادند ، کمک کنند ، بدیهی است که آمادگی آنها برای کمک به کمونیستها از این نیز خیلی کمتر است . آنها میگویند : میشود بشما پول داد ولی يك شرط . این شرط کدام است ؟ پیروی از ممالك متحده آمریکا . آمریکائیه‌ها در پی بین ، تیانزین ، شانگهای مقداری آرد پاشیدند تا به بینند چه کسی برای جمع‌آوری آن خم میشود . آنها نظیر آقای جیان محترم ، قلاب ماهیگیری را در آب افکندند تا به بینند کدام ماهی خود را گرفتار خواهد کرد . ولی هرکسی این طعمه را که بشکل تحقیر آمیزی توزیع میشود فرو برد ، دلدرد خواهد گرفت (۶) .

ما چینی‌ها مناعت طبع داریم . بسیاری از لیبرالها و یا اندیویدوالیستهای دموکرات سابق علیه امپریالیستهای آمریکا و سگ‌های زنجیری آنها ، یعنی مرتجعین گومیندان ، پیاخاستند . وین ای دوه تمام قدرخواست ، ششت بر میز کوبید ، خود را با هفت تیر گومیندان مواجه ساخت و مرگ را بر اسارت و تسلیم ترجیح داد (۷) . جوزی چینگ که سخت بیمار بود ، حاضر شد از گرمسنگی بمیرد و ” کمک خواربار “ آمریکا را نپذیرد (۸) . حان یو در زمان سلسله تان تصنیفی در « مدح بوه ای » (۹) ساخت . در این تصنیف او مردی را که دارای نظریات ” اندیویدوالیست دموکراتیک “ فراوانی بود ، میستاید که از وظایف خود در قبال خلق و میهن شانه خالی کرد ، پست خود ترك نمود و علیه جنگ آزادیبخش توده‌ای که از طرف پادشاه وقت بنام ” او “ انجام میگرفت قیام نمود . حان یو بی‌جهت از بوه ای تمجید کرده . ما باید سرودهای تمجید از وین ای دوه و

جو زی چینگ بسرائیم که قهرمانی ملت ما را مجسم میکنند .
 چه اهمیتی دارد اگر ما با مشکلاتی مواجه شویم ! باشد که آنها
 ما را محاصره کنند ! باشد که این محاصره هشت یا ده سال دوام یابد !
 تا آنوقت چین تمام مسائل خود را حل خواهد کرد . آیا چینی ها که
 از مرگ نمپهراسند در مقابل مشکلات خواهند لرزید ؟ لائوزی میگوید :
 ”وقتیکه انسانهایی از مرگ واهمه ندارند ، چرا باید آنها را با آن
 تهدید کرد ؟“ (۱۰) امپریالیسم آمریکا و سگهای زنجیری وی یعنی
 مرتجعین دارودسته چانکایشک ، نه تنها ما را ”بمرگ تهدید کرده اند“
 بلکه آنها عده زیادی از ما را نیز واقعاً بقتل رسانده اند . آنها نه تنها
 انسانهایی نظیر وین ای دوه را کشته اند ، بلکه در ظرف سه سال اخیر
 میلیونها چینی را با کارابین ، مسلسل ، خمپاره انداز ، بازوگا ، توپ
 سنگین ، تانک ، هواپیما و بمب های آمریکائی بقتل رسانیده اند . این
 وضع اکنون پایان میرسد ؛ آنها با شکست روبرو هستند . حالا دیگر
 آنها نیستند که به ما حمله میکنند ، بلکه ما هستیم که بر آنان یورش
 میبریم . بزودی کار آنها بانجام خواهد رسید . درست است که پاره ای
 مسائل ، نظیر محاصره ، بیکاری ، قحطی ، انفلاسیون و افزایش قیمتها
 مشکلاتی برای ما ایجاد میکنند ، و لیکن ما حالا راحت تر از سه سال
 پیش میتوانیم نفس بکشیم . ما که در سه سال اخیر از پوته آزمایش های
 سخت سر بلند بیرون آمده ایم ، چرا حالا نمیتوانیم مشکلات کوچک کنونی
 را بر طرف سازیم ؟ چرا ما نمیتوانیم بدون آمریکا زندگی کنیم ؟
 وقتیکه ارتش آزادیبخش توده ای از رودخانه یان تسه گذشت ،
 دولت استعماری آمریکا در نانکن دستپاچه پا بفرار گذاشت . اما جناب
 سفیر آن ، استوارت ، باقی ماند ، با چشمان باز در کمین نشست و اسیدوار

بود که بتواند بساط خود را زیر تابلوی دیگری گسترده و منافع تازه‌ای به جیب زند. ولی او چه دید؟ او نه تنها دید که ستونهای ارتش آزادیبخش توده‌ای پشت سرهم پیش میروند و توده کارگران، دهقانان و دانشجویان قیام میکنند، بلکه او چیز دیگری هم دید - لیبرالهای چین و یا اندیویدوالیستهای دموکرات آن را دید که دسته دسته بیرون آمده و باتفاق کارگران، دهقانان، سربازان و دانشجویان شعار میخواندند و از انقلاب صحبت میکردند. بطور خلاصه، او را باقی گذاشتند و "او و سایه‌اش تنها ماندند، و همدیگر را تسلی میدادند" (۱۱). او دیگر کاری نداشت، ناچار کیف خود را زیر بغل زده و براه افتاد.

هنوز در چین باز هم عده‌ای از روشنفکران و افراد دیگری هستند که افکار ناروشن دارند و در باره آمریکا به پندارهای باطلی دچارند. از اینرو ما باید آنها را قانع کنیم، بطرف خود جلب نمائیم، آنان را تربیت کرده و با آنها متحد شویم، تا اینکه آنان به سمت خلق بیایند و در دام امپریالیستها نیفتند. و لیکن امپریالیسم آمریکا نزد خلق چین بکلی ورشکست شده است و کتاب سفید اقرار باین ورشکستگی است. تمام افراد مترقی باید از کتاب سفید برای روشن کردن خلق چین بنحو احسن استفاده نمایند.

لیتون استوارت ما را ترك کرد و کتاب سفید منتشر گردید. بسیار خوب! بسیار خوب! هر دو حادثه شایسته آنند که بخاطر آنها جشن بر پا شود.

یادداشتها

۱ - جون لیتون استوارت متولد ۱۸۷۶ در چین، همیشه یکی از عمال

وفادار نفوذ فرهنگی آمریکا در چین بود . از ۱۹۰۵ وی فعالیت خود را بعنوان مأمور آمریکا در چین شروع نمود و در ۱۹۱۹ ریاست دانشگاه ین چین که آمریکا در پکن تأسیس کرده بود عهده‌دار گردید . در ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۶ به سفارت آمریکا در چین منصوب شد . در جنگ داخلی ضد توده‌ای ، او فعالانه از مرتجعین گومیندان پشتیبانی نمود و به توطئه‌های سیاسی متعددی علیه خلق چین دست زد . در دوم اوت ۱۹۴۹ لیتون استوارت بناچار چین را بی سر و صدا ترک کرد ، زیرا که تمام مساعی امپریالیسم آمریکا برای جلوگیری از پیروزی انقلاب خلق چین با شکست مواجه شده بود .

۲ - بعد از تسلیم ژاپن در ۱۹۴۵ ، ایالات متحده آمریکا ، بمنظور تجاوز علیه خاک چین و نقض حاکمیت او و همچنین برای مداخله در امور داخلی چین ، ارتش خود را وارد چین نموده و در بی پین ، شانگهای ، نانکن ، تیانزین ، تان شان ، کای پین ، چینگ هوان دائو ، جین‌های ، چینگ دائو و نقاط دیگر مستقر ساخت . بعلاوه قوای آمریکا بکرات به مناطق آزادشده چین تجاوز نمودند . در ۲۹ ژوئیه ۱۹۴۶ واحدهای آمریکائی در تیانزین باتفاق واحدهای راهزن چانکایشک شهر آن پین را در شهرستان سیان هه ، واقع در استان حه به ، مورد حمله قرار دادند ، این همان حادثه آن پین است که در متن بدان اشاره شده است . در اول مارس ۱۹۴۷ واحدهای ارتش آمریکا در مواضع ارتش آزادیبخش توده‌ای در حه سی بائو ، بین چان چوان و جیو تای واقع در چین شمال‌شرقی ، با کشف نظامی پرداختند . این همان حادثه جیو تای است . در ۱۶ ژوئن ۱۹۴۶ واحدهای آمریکائی از تان شان واقع در استان حه به ، سون جیان پین و نقاط دیگر را مورد حمله قرار دادند ؛ در ژوئیه همان سال علیه دهات سان هه جوان زی در شهرستان لوان سیان و سی هه نان در شهرستان چان لی که هر دو در نزدیکی تان شان قرار دارند ، به حمله پرداختند ؛ این همان حادثه تان شان است . از میان حملات متعددی که علیه شبه جزیره مشرق شان دون انجام گرفت معروف‌ترین آنها دو قای زیرین است : یکی حمله‌ای که در ۲۸ اوت ۱۹۴۷ بوسیله هواپیماها و کشتیهای جنگی آمریکا علیه لان فوان کو و سیائو لی دائو ، واقع در شهرستان مائو پین انجام گرفت ، دیگری حمله‌ای که در ۲۵ دسامبر ۱۹۴۷ علیه قصبه وان لین تائو واقع در شمال شهرستان جی موه ، از طرف واحدهای آمریکائی با همکاری واحدهای راهزن چانکایشک بوقوع پیوست . هر جا که واحدهای آمریکائی متجاوزانه وارد مناطق آزاد شده میگردیدند ،

ارتش آزادیبخش توده‌ای و یا نیروهای مسلح توده‌ای محل اقدامات جدی برای دفاع اتخاذ مینمودند .

۳ - کلونی چنولت مستشار آمریکائی در نیروی هوائی گومیندان بود . بعد از تسلیم ژاپن ، چنولت با بخشی از چهاردهمین ناوگان هوائی آمریکا ، يك واحد حمل و نقل هوائی تشکیل داد تا در جنگ داخلی به چانکایشك كمك کند . این واحد حمل و نقل در پروازهای جنایتکارانه اکتشافی و بمباران مناطق آزادشده مستقیماً شرکت نمود .

۴ - مراجعه شود به « اظهاریه سخنگوی ستاد کل ارتش آزادیبخش توده‌ای چین در باره اعمال متعدیانه کشتی‌های جنگی انگلستان » ، یادداشت ۴ ، جلد حاضر .
۵ - در پنجم ژوئن ۱۹۴۷ ژرژ مارشال ، وزیر خارجه آمریکا ، نطقی در باره نقشه باصطلاح « كمك » آمریکا برای احیاء اروپا ، در دانشگاه هاروارد ایراد نمود . « برنامه تجدید ساختمان اروپا » که بعداً از طرف دولت آمریکا بر اساس این سخنرانی تنظیم گردید ، بنام « نقشه مارشال » شهرت یافت .

۶ - جیان تای گون در دوران سلسله جو زندگی میکرد . نقل میکنند که وی روزی کنار رودخانه وی شوی میخواست صید کند ، و در حالیکه ابزار صید را بدون قلاب و طعمه ، روی سه پا بر سطح آب قرار داده بود ، میگفت : « هر ماهی که قصد صید شدن دارد ، بگیرد . » (نقل از : « حکایاتی در باره اردوکنشی "او" علیه سلسله یین ») . « طعمه‌ایکه بشکل تحقیرآمیز توزیع میشود » منظور صدقه‌ایست که بشکل توهین‌آور داده میشود . اشاره است به قصه‌ای از « کتاب عرف و عادات » « لی جی » درباره مردی از اهالی چی که حاضر شد بمیرد و خفت صدقه را نپذیرد .

۷ - وین ای دوه (۱۸۹۹ - ۱۹۴۶) شاعر ، دانشمند و استاد معروف چینی . از سال ۱۹۴۳ بر اثر کینه شدید علیه ارتجاع و فساد حکومت چانکایشك ، فعالانه در مبارزه برای دموکراسی شرکت نمود . بعد از جنگ مقاومت ، بشدت علیه توطئه گومیندان و امپریالیسم آمریکا که هدف آن تدارك جنگ داخلی علیه خلق چین بود برخاست . در ۱۵ ژوئیه ۱۹۴۶ از طرف راهزنان گومیندان در کون مین ترور شد .

۸ - جو زی چینگ (۱۸۹۸ - ۱۹۴۸) ادیب معاصر و استاد دانشگاه چینی . بعد از جنگ مقاومت ، فعالانه از نهضت دانشجویی علیه رژیم چانکایشك

پشتیبانی میکرد . در ژوئن ۱۹۴۸ اعلامیه مربوط به اعتراض علیه احیاء میلیتاریسم ژاپن و استنکاف از قبول آرد "کمکی" آمریکا امضا نمود . در آن زمان او در نهایت فقر زندگی میکرد . در ۱۲ اوت ۱۹۴۸ او در پکن در فقر و بیماری جان سپرد ، ولیکن در بستر مرگ نیز به خانواده خود توصیه نمود از خرید جیره آرد آمریکائی که بوسیله دولت گومیندان توزیع میگردد ، خودداری نماید .

۹ - حان یو (۷۶۸ - ۸۲۴) نویسنده معروف دوران سلسله تان بود . « مدح بوه ای » یکی از قطعات نثر او است . بوه ای که در اواخر سلسله بین زندگی میکرد ، مخالف اردوکشی "او" ، سلطان جو ، علیه دربار بین بود . بعد از شکست خانواده بین ، وی به کوههای شو یان پناه برد و مرگ از گرسنگی را به خوردن نان جو ترجیح داد .

۱۰ - نقل از « لائو زی » ، فصل ۷۴ .

۱۱ - نقل از لی می « عریضه به قیصر » .

چرا باید کتاب سفید را مورد بحث قرار داد

(۲۸ اوت ۱۹۴۹)

ما کتاب سفید آمریکا و نامه آچسن را در سه مقاله مورد انتقاد قرار دادیم (« اعتراف بناتوانی » (۱) ، « پندارهای واهی خود را بدور افکنید و برای مبارزه آماده باشید » و « سفر بخیر ، لیتون استوارت ! ») . انتقادات ما افکار عمومی را در سراسر کشور بخود جلب کرده و در تمام احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای ، در مطبوعات و مؤسسات آموزشی ، و همچنین در میان شخصیتهای دموکرات کلیه محافل ، بحث وسیعی ایجاد نموده است ؛ بیانیه‌ها ، مصاحبه‌ها ، تفسیرهای درست و سودمند بطور فراوان منتشر گردیده‌است . مجالس بحث در باره کتاب سفید جریان دارند و بحث مجموعاً هنوز در اوج تکامل است . موضوع صحبت عبارتست از روابط چین و آمریکا ، روابط چین و اتحاد شوروی ، رابطه چین با کشورهای خارج در جریان صد سال اخیر ، رابطه بین انقلاب چین و نیروهای انقلابی سراسر جهان ، مناسبات بین مرتجعین گومیندان و خلق چین ، موضع‌گیری درست احزاب دموکراتیک ، سازمانهای توده‌ای و شخصیتهای دموکرات کلیه محافل در مبارزه علیه امپریالیسم ، موضع‌گیری درست لیبرالها و یا آنهایی که اندیویدوالیستهای دموکرات

ناییده میشوند در قبال مجموع مناسبات داخلی و خارجی کشور ، وسایل جلوگیری از تحریکات تازه امپریالیستها و غیره . تمام اینها بسیار خوب و آموزنده اند .

اکنون تمام جهان از انقلاب چین و کتاب سفید آمریکا گفتگو میکند . این امر بهیچوجه تصادفی نیست و نشان میدهد که انقلاب چین چه اهمیت بزرگی در تاریخ دنیا دارد . آنچه بما چینی ها مربوط میشود ، ما در انقلاب خود پیروزی اساسی را بدست آورده ایم ، ولیکن ما مدت خیلی زیادی فرصت این را نداشتیم که بتفصیل مناسبات متقابل موجود بین این انقلاب و نیروهای گوناگون داخلی و خارجی را مورد بحث قرار دهیم . يك چنین بحثی ضروریست و حال که گفتگو در باره کتاب سفید آمریکا در گرفته ، برای ما بهترین فرصت بدست آمده است . ما تاکنون امکان چنین بحثی را نداشتیم ، زیرا که پیروزی قطعی را در انقلاب بدست نیاورده بودیم ، زیرا که مرتجعین داخلی و خارجی شهرهای بزرگ را از مناطق آزادشده توده ای جدا کرده بودند ، زیرا که هنوز برخی از جنبه های تضادها در اثر تکامل انقلاب کاملاً نمایان نگردیده بودند . حالا وضع تغییر یافته است . بخش اعظم خاك چین آزاد شده ، تمام جنبه های تضادهای داخلی و خارجی کاملاً نمودار گردیده اند ، و درست در همین موقع سمالك متحده آمریکا کتاب سفید را منتشر کرده است ، و فرصت برای این بحث اینك پیدا شده است .

کتاب سفید يك سند ضد انقلابی است که مداخله آمریکا را در چین آشکارا فاش میکند . از این نظر ، امپریالیسم از شیوه عادی خود عدول کرده است . انقلاب کبیر و پیروزمند چین ، بخشی یا جناحی از امپریالیستهای آمریکا را مجبور ساخت با انتشار برخی گزارشات اصیل

در باره فعالیت‌های خود علیه خلق چین ، به حملات بخش یا جناح دیگر پاسخ داده و از آن نتایج ارتجاعی بیرون بکشد ؛ آنها در واقع طور دیگری نمیتوانستند پابرجا بمانند . این واقعیت که افشاء جای اختفا را گرفت ، نشان میدهد که امپریالیسم از شیوه عادی عمل خود خارج گردیده است . هنوز تا چند هفته پیش ، قبل از انتشار کتاب سفید ، دولتهای ممالک امپریالیستی ، علی‌رغم فعالیت ضد انقلابی روزانه ، هرگز در گزارشات و اسناد رسمی خویش حقایق را نمیگفتند بلکه آنها را با بیاناتی در باره بشر دوستی ، عدالت و تقوی پر نموده و یا لاقط رنگ و روغن میزدند . این واقعیت هنوز در باره امپریالیسم انگلستان که در فریب و دروغ تجارب طولانی دارد و نیز در باره برخی دولتهای امپریالیستی کوچک صدق میکند . این گروه مسلط تازه بدوران رسیده و عصبی مزاج امپریالیستهای آمریکا — ترومن ، مارشال ، آچسن ، لیتون استوارت و شرکاء — که از سوئی با مقاومت خلق و از سوی دیگر با مخالفت بخش دیگر اردوگاه خود مواجه است ، اینک لازم و مفید دیده است که قسمتی از فعالیت‌های ضد انقلابی خود (البته نه همگی) را فاش کند تا بتواند با رقبای اردوگاه خودی در باره اینکه کدام تاکتیک ضد انقلابی عاقلانه‌تر است ، بحث نماید . بدین ترتیب این افراد سعی کرده‌اند حریفان خود را قانع نمایند ، تا بتوانند عاقلانه‌ترین تاکتیک ضد انقلابی را — به تشخیص خود — بازهم ادامه دهند . دو جناح ضد انقلابی باهم مسابقه گذاشته بودند . یکی میگفت : ” متد ما بهتر است . “ دیگری میگفت : ” مال ما بهتر است “ . وقتی که مجادله بالا می‌گرفت ، ناگهان يك جناح ورقهای خود را رو کرد و بسیاری از نیرنگهای پر ارزش گذشته خود را فاش ساخت — کتاب سفید بدین ترتیب پدید آمد .

بدین ترتیب کتاب سفید بیک سند آموزنده برای خلق چین تبدیل گردیده است. مائیان متمدنی عده‌ای از مردم میهن ما (تا زمانی عده زیادی از آنها) فقط نیمی از آنچه را که ما کمونیست‌ها درباره بسیاری از مسائل و بخصوص درباره ماهیت امپریالیسم و سوسیالیسم می‌گفتیم، قبول می‌کردند. آنها تصور می‌نمودند: "شاید اصلاً اینطور نیست". این وضع بعد از پنجم اوت ۱۹۴۹ تغییر یافته است. در واقع هنگامیکه آچسن بعنوان وزیر خارجه آمریکا سخن می‌گوید، بآنها تعلیم می‌دهد. برخی از فاکت‌ها و نتیجه‌گیری‌های وی با آنچه که ما کمونیست‌ها و افراد مترقی دیگر می‌گفتیم، انطباق دارند. ببینید مردم دیگر نمیتوانند ما را باور نکنند، و خیلی‌ها چشم خود را باز کرده‌اند: "پس واقعاً اینطور بود!" آچسن در آغاز نامه خود به ترومن توضیح می‌دهد که وی کتاب سفید را چگونه تهیه کرده است. او می‌گوید این کتاب با تمام کتاب‌های سفید دیگر تفاوت دارد، و خیلی واقع‌بینانه و صریح است:

اینک گزارش صریح و روشنی در باره دورانی فوق‌العاده بغرنج و تیره از حیات کشوری بزرگ، که مدت‌هاست ممالك متحده آمریکا روابط دوستانه بسیار نزدیکی با آن دارد. از هیچ سند قابل دسترسی در تنظیم آن چشم‌پوشی نشده است، ولو اینکه این سند حاوی نظریات انتقادی نسبت به سیاست ما بوده و یا مبنائی برای انتقاد آینده بتواند تشکیل دهد. نیروی باطنی رژیم ما در حساسیت دولت در قبال افکار عمومی مطلع و منتقد نهفته است. چنین افکار عمومی مطلع و منتقد را دولتهای توتالیتار، اعم از راست یا کمونیست، تحمل نکرده و اجازه نمیدهند.

در واقع بین خلق‌های دو کشور چین و آمریکا روابط معینی وجود

دارند . مجاهدات مشترك خلقهای دو کشور میتوانند این روابط را در آینده به "دوستی بسیار نزدیک" تبدیل کنند . و لیکن مواعی که از طرف مرتجعین چین و آمریکا ایجاد گردیده‌اند بطور جدی از توسعه این روابط جلوگیری نموده و مینمایند . بعلاوه مرتجعین هر دو کشور دروغهای فراوانی به ملت خود گفته و حیل‌های زشتی بکار زده‌اند ، یعنی آنها تبلیغات زیان‌آوری پخش نموده و اعمال ناشایستی مرتکب گردیده‌اند ، از این رو روابط بین دو ملت را بهیچوجه نمیتوان روابط نزدیک نام نهاد . آنچه آچسن "روابط دوستانه بسیار نزدیک" مینامد روابط بین مرتجعین دو کشور است نه بین دو خلق . آچسن در اینجا نه واقع‌بین است و نه صریح ، وی رابطه بین دو خلق را با مناسبات بین مرتجعین دو کشور مخلوط میکند . پیروزی انقلاب چین و شکست مرتجعین چین و آمریکا برای مردم هر دو کشور مسرت‌بخشترین حادثه‌ایست که تاکنون برای آنها پیش آمده و دوران کنونی سعادتمندترین دوران حیات آنهاست . بر عکس ، فقط برای ترومن ، مارشال ، آچسن ، لیتون استوارت و دیگر مرتجعین آمریکا ، و برای چانکایسک ، کون سیان سی ، سون زی وین ، چن لی فو ، لی زون ژن ، بای چون سی و سایر مرتجعین چین است که این دوران "دورانی فوق‌العاده بغرنج و تیره" از حیات شان را تشکیل میدهد .

در ارزیابی افکار عمومی ، آچسن‌ها افکار عمومی مرتجعین را با افکار عمومی خلقها مخلوط کرده‌اند . در قبال افکار عمومی خلق ، آچسن‌ها هیچ "حساسیتی" ندارند و در برابر آن کر و کور هستند . مالهامست که آنها در برابر مخالفت مردم آمریکا ، چین و تمام جهان علیه میاست ارتجاعی خارجی دولت آمریکا ، گوش‌فروسته‌اند . منظور آچسن از

”افکار عمومی مطلع و منتقد“ چیست؟ این همان وسایل تبلیغاتی فراوان، نظیر روزنامه‌ها، خبرگزاریها، مجلات و فرستنده‌های رادیوئی است که زیر نظر دو حزب ارتجاعی در آمریکا، جمهوریخواهان و دموکراتها، اداره میشوند، و بویژه در اشاعه دروغ و تهدید خلق مهارت خاص دارند. آچسن کاملاً بحق میگوید که کمونیستها (و همچنین خلقها) این چیزها را ”تحمل نکرده و اجازه نمیدهند“. بهمین دلیل است که ما دفاتر اطلاعات امپریالیستی را بستیم، خبرگزاریهای امپریالیستی را از توزیع اخبار خود بمطبوعات چینی منع کرده، و اجازه ندادیم که بدخواه خود در خاک چین بمسموم ساختن روحیه مردم ادامه دهند.

این ادعا نیز که دولت تحت رهبری حزب کمونیست يك ”دولت توتالیترا“ است، فقط نیمی از حقیقت را دربر دارد. چنین دولت در واقع دیکتاتوری را نسبت به مرتجعین داخلی و خارجی اعمال میکند و آزادی را برای فعالیت ضد انقلابی از آنها میگیرد. مرتجعین از این کار بهخشم آمده و فریاد میزنند: ”دولت توتالیترا!“ البته اگر منظور از آن اعمال قدرت از طرف دولت توده‌ای برای سرکوبی مرتجعین است، کاملاً درست است. این قدرت هم اکنون در برنامه ما وارد گردیده و در قانون اساسی ما نیز ثبت خواهد شد. برای خلقی که به پیروزی نائل آمده‌است، این قدرت نظیر لباس و غذا لازم بوده و يك لحظه نمیتواند از آن صرفنظر نماید. این يك وسیله عالی است، طلسم حافظ است، بیراثی است که تا انهدام قطعی امپریالیسم در خارج و طبقات در داخل کشور، بهیچوجه نباید از دست داد. مرتجعین هر اندازه بلندتر فریاد کنند: ”دولت توتالیترا“، ارزش آن نزد ما قطعی‌تر میشود. معذک از ادعای آچسن، نیمی نادرست

است . برای توده‌های مردم ، دولت دیکتاتوری دموکراتیک خلق تحت رهبری حزب کمونیست ، دیکتاتوری نیست بلکه دموکراسی است . این دولت خود مردم است . اعضای چنین دولت باید بنظر مردم احترام بگذارند . آنها در عین حال مرییان خلق هستند و بوی تعلیم میدهند که چگونه باید از طریق خود آموزی و انتقاد از خود ، خود را تربیت نمود . اما آنچه که آچسن "دولت توتالتر راست" مینامد ، در این باره میتوان گفت که از زمان سقوط حکومت‌های فاشیستی در آلمان ، ایتالیا و ژاپن ، دولت آمریکا خود بارزترین نمونه این نوع حکومت در سراسر جهان است . تمام دولت‌های بورژوازی ، از جمله دولت‌های ارتجاعیون آلمان ، ایتالیا و ژاپن نیز که از طرف امپریالیسم پشتیبانی میشوند از این نوع هستند . حکومت تیتو در یوگوسلاوی اکنون بهمدست این باند تبدیل گردیده است . حکومت آمریکا و انگلستان از نوع حکومت‌هایی هستند که در آنها فقط يك طبقه یعنی بورژوازی نسبت بخلق دیکتاتوری میکند . این نوع حکومت کلاً برخلاف يك حکومت توده‌ای ، باصطلاح دموکراسی را در باره بورژوازی اعمال میکند ، لیکن در قبال خلق دیکتاتوری را بموقع اجرا میگذارد . حکومت‌های هیتلر ، موسولینی ، توژو ، فرانکو و چانکایشك این حجاب دموکراسی بورژوائی را بدور افکنده و یا اصلاً آنها بکار نبردند زیرا که مبارزه طبقاتی در کشور آنها فوق‌العاده شدت یافته بود و برای آنها رجحان داشت که این پرده را بدور انداخته و یا اصلاً مورد استفاده قرار ندهند تا مردم نیز نتوانند بسود خود از آن بهره‌برداری نمایند . حجاب دموکراسی هنوز هم دولت آمریکا را تا حدودی پای بند کرده است ، ولی مرتجعین آمریکا گوشه و کنار این دموکراسی را چنان بریده و ساییده‌اند که جز نقش بی‌رنگی از آن باقی نمانده ، و با

دموکراسی دوران واشنگتن ، جفرسن و لینکان (۲) فرق فاحشی دارد .
دلیل این امر آنست که مبارزه طبقاتی بیشتر شدت یافته است . وقتی این
مبارزه شدت بیشتری یابد حجاب دموکراسی در آمریکا نیز بدست توفان
میرده خواهد شد .

بروشنی دیده میشود که وقتی آپسن دهن باز میکند ، چقدر خطا
مرتکب میشود . این امر قابل احتراز نیست ، زیرا که او مرتجع است .
اما اینکه کتاب سفید تا چه حد "صراحت" دارد ، بنظر ما این سند هم
صریح است و هم نیست . آپسن ها وقتی صریح هستند که تصور میکنند
از این صراحت سودی عاید حزب و فراکسیون آنها میشود . در غیر این
موارد ، آنها صراحت ندارند . تظاهر بصراحت يك حيله جنگی است .

یادداشتها

- ۱ - تفسیر هیئت تحریریه خبرگزاری سین هوا ، مورخه ۱۲ اوت ۱۹۴۹ .
- ۲ - ژرژ واشنگتن (۱۷۳۲ - ۱۷۹۹) ، توماس جفرسن (۱۷۴۳ - ۱۸۲۶)
و آبراهام لینکان (۱۸۰۹ - ۱۸۶۵) سیاستمداران معروف بورژوا در
اوایل تأسیس آمریکا بودند . واشنگتن ، فرمانده کل ارتش انقلابی کلنی ها در
دوران جنگ استقلال آمریکا (۱۷۷۵ - ۱۷۸۳) و اولین رئیس جمهور اتازونی
بود . جفرسن «بیانیه استقلال» آمریکا را تدوین نمود و رئیس جمهور بود . لینکان
مدافع لغو بردگی سیاهان در آمریکا بود و در دوران ریاست جمهوری خود جنگ
علیه دولتهای برده داران ایالات جنوبی (۱۸۶۱ - ۱۸۶۵) را رهبری نمود ؛
وی در ۱۸۶۲ «اعلامیه آزادی» را منتشر ساخت .

”دوستی“ یا تجاوز؟

(۳۰ اوت ۱۹۴۹)

آچسن برای توجیه سیاست تجاوز، بر اسب ”دوستی“ و ”اصول“
نشسته و جولان میدهد.
او میگوید :

علاقه خلق و دولت آمریکا نسبت به چین يك تاريخ طولانی دارد . علیرغم بعد مسافت و تفاوتهای تاریخی مهمی که چین و آمریکا را از هم جدا میکند ، دوستی ما نسبت به خلق چین از طریق روابط مذهبی ، انسانی و فرهنگی که دو ملت ما را بهم پیوند میدهد ، پیوسته تقویت یافته و طی سالیان دراز در اعمال خیرخواهانه فراوانی نظیر صرف ”غراست بوکسر“ برای تعلیم دانشجویان چین ، الغاء حق خارج الارضی در جنگ جهانی دوم ، و کمک وسیع به چین در دوران جنگ و بعد از پایان آن ، بروز نموده است . اسناد حاکی از آن هستند که ممالك متعدده آمریکا همواره اصول اساسی سیاست خارجی خود را نسبت به چین حفظ کرده و میکند ، از آنجمله ”سیاست درهای باز“ ، احترام به تمامیت دولتی و ارضی چین و مخالفت با هرگونه تسلط خارجی در چین .

وقتیکه آپسن تجاوز را بعنوان "دوستی" جا میزند گستاخانه دروغ میگوید.

تاریخ تجاوزات امپریالیستهای آمریکا علیه چین، از زمانی که آنها در ۱۸۴۰ در جنگ تریاک بانگلیسها کمک کردند، تا لحظه ایکه خلق چین آنها را از خاک خود بیرون راند، بایستی در یک کتاب درسی بطور مجمل و روشن برای جوانان چین توضیح داده شود. ممالك متحده آمریکا جزو اولین کشورهایی بود که چین را بدادن حق خارج الارضی (۱) مجبور ساخت - شاهد این مدعا پیمان وان شا است در ۱۸۴۴ (۲)، یعنی اولین پیمانی که آنموقع بین چین و آمریکا منعقد گردید و در کتاب سفید بدان اشاره میشود. درست در این پیمان بود که آمریکا نه تنها چین را مجبور نمود پنج بندر خود را برای تجارت باز گذارد بلکه وی را وادار کرد فعالیت مسیونرهای آمریکائی را در چین بپذیرد. طی مدت درازی امپریالیستهای آمریکا بیش از کشورهای امپریالیستی دیگر به تجاوز معنوی اهمیت میدادند، این تجاوز از فعالیت مذهبی تا فعالیت "انساندوستی" و فرهنگی را در بر میگرفت. آمارهایی حاکی از آن هستند که سرمایه گذاری مسیونرها و سازمانهای "انساندوستی" آمریکا در چین مجموعاً به ۴۱,۹۰۰,۰۰۰ دلار بالغ میگردد، $\frac{۱۴}{۷}$ در صد از بودجه مسیونرها برای مقاصد پزشکی، $\frac{۳۸}{۲}$ در صد برای هدفهای تعلیماتی و $\frac{۴۷}{۱}$ در صد (۲) در راه فعالیتهای مذهبی صرف گردیده اند. تأسیسات تعلیماتی معروف فراوانی در چین از طرف آمریکائیهها دایر گردیدند، از قبیل: دانشگاه پن جین، مدرسه متحد عالی طب، دبیرستانهای حوی وین، دانشگاه سن ژان، دانشگاه جین لین، دانشگاه دون او، دانشگاه

جی جیان ، مدرسه طب میان یا ، دانشگاه متحد چین غربی و دانشگاه لین نان (۴) . در این زمینه بود که لیتون استوارت توانست شهرتی بهم زده و سفارت آمریکا در چین برسد . وقتی آچسن و نظایرش میگویند : ”دوستی ما نسبت به خلق چین از طریق روابط مذهبی ، انسانی و فرهنگی ، که دو ملت ما را بهم پیوند میدهند ، پیوسته تقویت یافته است “ ، میدانند از چه مقوله‌ای سخن میگویند و در ته انبان شان چیست . اگر آمریکا در ظرف ۱۰۰ سال که از اعضاء پیمان ۱۸۴۴ میگذرد اینقدر پیگیر و کوشا برای توسعه عملیات خود کار کرده است ، اینک میگوید که تنها اندیشه‌اش ”تقویت دوستی“ بود .

شرکت در واحدهای متحد هشت دولت در ۱۹۰۰ برای سرکوبی چین ، متعاقب آن اخذ ”غرامت بوکسر“ و مصرف بعدی آن برای ”تعلیم دانشجویان چین“ بمنظور تجاوز معنوی — تمام اینها نیز بمثابه نشانه ”دوستی“ بحساب آمده است .

حق خارج الارضی ”لغو“ گردید ، و لیکن مسئولین تعرض به شن چونگ بعد از مراجعت بآمریکا از طرف وزارت دریاداری آمریکا تیرنه و آزاد شد (۵) — این نشانه دیگری از ”دوستی“ بود .

”کمک به چین در دوران جنگ و بعد از آن“ ، که طبق مندرجات کتاب سفید بالغ بر ۴,۵۰۰ میلیون دلار ، ولی طبق محاسبه ما بیشتر از ۵,۹۱۴ میلیون دلار است ، کمکی بود که به چانکایشک داده شد تا میلیونها چینی را بقتل رساند — اینهم دلیل دیگری برای ”دوستی“ .

تمام این ”دوستی“ که ظرف مدت ۱۰۹ سال (از سال ۱۸۴۰ ، یعنی از زمانی که آمریکائیا در جنگ تریاک با انگلستان علیه چین

همکاری کردند) امپریالیسم آمریکا نسبت به چین ابراز داشته است، بویژه این عمل "دوستانه" بزرگ یعنی کمک به چانکاشک برای کشتار میلیون‌ها چینی ظرف سالهای اخیر همگی يك هدف را دنبال میکردند: "حفظ و ادامه اصول اساسی سیاست خارجی آمریکا نسبت به چین، از جمله، سیاست درهای باز، احترام به تمامیت دولتی و ارضی چین و مخالفت با هرگونه تسلط خارجی در چین".

کشتار میلیون‌ها چینی فقط بخاطر این بوده است که: اولاً، سیاست درهای باز حفظ گردد، ثانیاً، تمامیت دولتی و ارضی چین محترم بماند، ثالثاً، علیه هرگونه تسلط خارجی در چین مبارزه شود.

امروز برای آپسن و امثالش فقط در قطعه کوچکی از خاک چین، نظیر گوان جو و تایوان، در باز است، و فقط در آنجا است که اصل اول از این اصول مقدس "هنوز حفظ میگردد"، در دیگر نقاط مثلاً در شانگهای، بعد از آزادی نیز در واقع در باز بود، و لیکن امروزه در آنجا کشتیهای جنگی آمریکا با توپهای سنگین آن برای اجراء اصل دیگری که بهیچوجه مقدس نیست بکار میروند: اصل درهای بسته.

امروز فقط در قسمت باریکی از چین، نظیر گوان جو و تایوان است که در سایه دومین اصل مقدس آپسن، احترام به "تمامیت دولتی و ارضی" چین "ادامه دارد". در دیگر نقاط این سعادت رخت برپسته؛ دستگاه اداری و خود کشور بطور اسفناکی دستخوش تفرقه گردیده‌اند. امروز فقط در نقاطی نظیر گوان جو و تایوان است که در سایه سومین اصل مقدس آپسن هرگونه "تسلط خارجی" از جمله تسلط آمریکا در اثر "مخالفت" آپسن و نظایرش با موفقیت پایان یافته است، از این جهت نقاط مذکور هنوز هم بوسیله چینی‌ها اداره میشوند.

بقیه خاك چین — که با یادآوری آن اشک از چشم انسان سرازیر میشود — بکلی از دست رفته است ، تحت تسلط بیگانگان قرار دارد و مردم چین در آنجا همگی به برده تبدیل گردیده‌اند . تا اینجا جناب دین آچسن در نامه خود فرصت نکرده بگوید این بیگانگان بکدام کشور تعلق دارند ، و لیکن منظور او روشن است و احتیاجی بسؤال ندارد .

درباره اینکه عدم دخالت در امور داخلی چین نیز جزو اصول هست یا نه ، آچسن چیزی نمیگوید ، ظاهراً نیست . منطق اربابان آمریکا چنین است . هر کس نامه آچسن را تا آخر بخواند ، باین منطق بی‌نظیر قانع خواهد شد .

یادداشتها

- ۱ - در اینجا منظور از « حق خارج الارضی » ، حق قضاوت کنسولی است . این حق یکی از امتیازات غاصبانه‌ای بود که امپریالیستها بزور از چین گرفته بودند . طبق این حق قضاوت ، اتباع کشورهای امپریالیستی در چین از تعقیب مراجع قضائی چین مصون بودند . وقتی که مرتکب جرم شده و یا در يك دعوی حقوقی طرف شکایت واقع میشدند ، فقط محاکم کنسولی کشورهای متبوعه آنها صالح بر رسیدگی و صدور حکم بودند و دولت چین حق مداخله در رسیدگی نداشت .
- ۲ - « پیمان وان شا » اولین پیمان نا برابری بود که تجاوز آمریکا علیه چین بدان منتهی گردید . ممالك متحده آمریکا ، با استفاده از شکست چین در جنگ تریاک ، در ژوئیه ۱۸۴۴ در دهکده وان شا ، واقع در نزدیکی ماکائو ، امضاء این پیمان را که به « پیمان چین و آمریکا درباره آزادی پنج بندر تجارتي » نیز موسوم است ، به سلسله تسین تحمیل کرد . بموجب این پیمان که شامل ۳۴ ماده بود ، تمام حقوق و امتیازات از جمله حق قضاوت کنسولی که طبق قرارداد نانکن و منضماتش به دولت انگلستان داده شده بود ، بدولت آمریکا نیز واگذار گردید .

۳ - مراجعه شود به اثر دمر آمریکائی ، « سرمایه گذاری خارجی در چین » ، فصل ۱۵ .

۴ - دانشگاه ین جین و مدرسه متحد عالی طب در بی پین ، دبیرستانهای حوی وین در بی پین و نانکن ، دانشگاه سن ژان در شانگهای ، دانشگاه جین لین در نانکن ، دانشگاه جی جیان در حان جو ، دانشگاه دون او در سوجو ، مدرسه طب سیان یا در چان شا ، دانشگاه متحد چین غربی در چن دو ، و دانشگاه لین نان در گوان جو بود .

۵ - سرجوخه ویلیام پیرسن و سربازان دیگر پیاده نظام دریائی آمریکا ، در ۲۴ دسامبر ۱۹۴۶ در بی پین به دوشیزه شن چونگ دانشجوی دانشگاه پکن تعرض کردند . این حادثه در سراسر کشور خشم شدید مردم را علیه اعمال وحشیانه ارتش آمریکا برانگیخت . در ژانویه ۱۹۴۷ دولت گومیندان ، علیرغم اعتراض مردم ، پیرسن را که مقصر اصلی بود بمقامات آمریکائی تسلیم و محاکمه ویرا بآنها واگذار نمود . در ماه اوت همان سال ، وزارت دریاداری آمریکا پیرسن را " بی تقصیر " اعلام نموده و آزاد کرد .

ورشکستگی درك ایده‌آلیستی تاریخ

(۱۶ سپتامبر ۱۹۴۹)

چینی‌ها باید از آچسن ، سخنگوی بورژوازی آمریکا ، قدردانی کنند نه تنها بخاطر اینکه او صریحاً اعتراف کرده است که آمریکا پول و اسلحه و چانکایشک سرباز فراهم میکرد تا در راه منافع آمریکا بجنگد و خلق چین را قتل عام نماید ، و بدین ترتیب برای اقناع عناصر عقب‌مانده چین دلایل کافی بدست افراد مترقی داده است . به‌بینید ، خود آچسن هم اقرار میکند که جنگ بزرگ و خونین سالهای اخیر که بقیمت حیات میلیون‌ها چینی تمام شده است ، از طرف امپریالیسم آمریکا طبق نقشه تدارك گردیده است . چینی‌ها باید از آچسن ممنون باشند باز هم نه فقط بخاطر اینکه وی قصد آمریکا را درباره استفاده از " اندیویدوالیست‌های دموکرات " چین بمنظور تشکیل ستون پنجم آمریکا و سرنگون ساختن حکومت توده‌ای تحت رهبری حزب کمونیست چین آشکارا فاش کرده و بدین وسیله مردم چین ، بویژه افراد کم و بیش لیبرال مآب را بر حذر داشته است ، بنحویکه آنها هم اکنون باهم عهد میکنند فریب آمریکا را نخورده و خود را از مانورهای محیلانه آن محافظت نمایند . چینیان از آچسن باید راضی باشند در عین حال بخاطر

اینکه وی بابر از نظریات پوچ درباره تاریخ معاصر چین میدان داده است ؛ نظریه او درباره تاریخ عین نظریه بخشی از روشنفکران چین ، یعنی درك ایده‌آلیستی بورژوائی از تاریخ است . لذا رد نظریه آچسن به بسیاری از چینی‌ها امکان خواهد داد که افق دید خود را وسیعتر کنند . این امکان بخصوص برای آنهایی مفید خواهد بود که با نظریه آچسن کاملاً یا از جهاتی موافق اند .

نظریات پوچ آچسن درباره تاریخ معاصر چین کدام است ؟ ابتدا او میکوشد پیدایش انقلاب چین را به شرایط اقتصادی و ایده‌ئولوژیک چین مربوط کند . در این باره او داستانهای فراوانی حکایت میکند . آچسن میگوید :

جمعیت چین طی قرنهای ۱۸ و ۱۹ دو برابر گردیده و از اینرو فشار غیر قابل تحمل بر سرزمین وارد میساخت . هر حکومتی در چین قبل از همه در برابر این مسئله قرار داشت که چگونه غذای این جمعیت را باید تأمین کند . تاکنون هیچ حکومتی قادر به حل آن نگردیده است . گویندگان کوشید آنرا از طریق تصویب پاره‌ای قوانین در باره اصلاحات ارضی حل نماید . برخی از قوانین با ناکامی روبرو گردید و بعضی دیگر بدست فراموشی سپرده شد . وضع مشکلی که اکنون دولت ملی چین با آن مواجه است تا حد زیادی نتیجه عدم توانائی وی در تأمین مواد غذائی کافی برای چین است . قسمت عمده تبلیغات کمونیستهای چین بر اساس وعده‌ایست که آنها برای حل مسئله زمین به مردم میدهند . این نظریه برای چینی‌هایی که مسائل را روشن نمی‌بینند ، معقول بنظر میرسد . دهان زیاد است و غذا کم ، اینست منشاء انقلاب .

گومیندان موفق نشد این مسئله را حل کند ، احتمال نمیرود که کمونیستها نیز بتوانند آنرا حل کنند . ” تاکنون هیچ حکومتی قادر به حل آن نگردیده است . “

آیا انقلابات از اضافه جمعیت ناشی میشوند ؟ در گذشته و حال ، در چین و خارج انقلابات زیادی رخ داده‌اند ، آیا علت همه اینها اضافه جمعیت بوده است ؟ آیا انقلابات فراوان چین را در هزاره اخیر باید با اضافه جمعیت مربوط دانست ؟ آیا انقلاب آمریکا علیه بریتانیا در ۱۷۴ سال پیش (۱) نیز در اثر اضافه جمعیت بوده است ؟ آچسن اصلاً با تاریخ آشنائی ندارد ، وی حتی بیانیه استقلال آمریکا را نیز نخوانده‌است . واشنگتن ، جفرسن و دیگران ، علیه انگلستان قیام کردند ، نه به علت اضافه جمعیت آمریکا ، بلکه بخاطر اینکه بریتانیا آمریکائی‌ها را تحت ستم قرار داده و استثمار میکرد . وقتی که خلق چین يك سلسله فتودالی را ساقط میکرد ، بخاطر آن بود که این سلسله فتودالی مردم را زیر فشار و استثمار قرار میداد نه بدلیل اضافه جمعیت . روسها انقلاب فوریه و انقلاب اکتبر را باین علت انجام ندادند که کشورشان گرفتار اضافه جمعیت شده بود ، بلکه بخاطر اینکه تزار و بورژوازی روسیه آنها را زیر ستم قرار داده و استثمار میکردند ، زیرا که امروز هم روسیه زمین‌های زیادی دارد که مورد احتیاج مردم نیست . در مغولستان که زمین بسیار وسیع و جمعیت بسیار اندك است ، طبق استدلال آچسن انقلاب غیر قابل تصور است ، در حالی که انقلاب مدتهاست در آنجا روی داده (۲) .

بعقیده آچسن ، برای چین هیچ راهی برای خروج از بن بست وجود ندارد . يك جمعیت ۴۷۵ میلیونی ” فشار غیر قابل تحملی “ است ،

انقلاب بشود یا نه امیدی به حل آن نیست . آچسن انتظار فراوانی از این امر دارد ، و اگر چه او این انتظار را آشکارا بیان نکرده است و لیکن عده زیادی از ژورنالیست‌های آمریکائی بارها آنرا فاش ساخته‌اند — انتظار اینکه حزب کمونیست چین نیز نخواهد توانست مسئله اقتصادی را حل کند ، و در چین هرج و مرج دائم حکمفرما خواهد بود ، و ادامه زندگی منحصرأ از طریق واگذاری آرد آمریکائی اسکن‌پذیر خواهد بود ، بعبارت دیگر ، چین ضرورتاً بمستعمره آمریکا تبدیل خواهد گردید . چرا انقلاب ۱۹۱۱ موفق نگردید و چرا نتوانست مسئله تغذیه را حل کند ؟ برای اینکه او فقط سلسله تسین را سرنگون ساخت بدون اینکه به ستم و استثمار امپریالیستی و فئودالی پایان دهد .

چرا لشگرکشی به شمال توفیق نیافت و مسئله تغذیه را حل نکرد ؟ برای اینکه چانکایشک بانقلاب خیانت کرد ، در مقابل امپریالیسم تسلیم شد ، و در رأس ضد انقلاب که مردم را زیر فشار و استثمار گذاشته بود ، قرار گرفت .

آیا این درست است که ” تاکنون هیچ حکومتی قادر به حل آن نگردیده است “ ؟ در مناطق آزاد شده سابق در چین شمال غرب ، شمال ، شمال شرق و شرق ، که مسئله ارضی مدتی است حل گردیده ، آیا این سؤال آچسن که : ” چگونه غذای این جمعیت را باید تأمین کرد “ هنوز هم وجود دارد ؟ ممالك متحده آمریکا در چین عده زیادی جاسوس و یا باصطلاح ناظر دارد . چرا آنها این امر را کشف نکرده‌اند ؟ اگر در نقاطی نظیر شانگهای مسئله بیکاری ، یا بعبارت دیگر مسئله تغذیه مردم مطرح بود ، فقط بدلیل فشار و استثمار وحشیانه و غیرانسانی مردم از طرف امپریالیسم ، فئودالیسم ، سرمایه‌داری بوروکراتیک

انسانها وجود دارند ، هرگونه معجزی تحت رهبری حزب کمونیست امکان پذیر است . ما جزو کسانی هستیم که تئوری ضد انقلابی آچسن را رد میکنند ، ما اعتقاد داریم که انقلاب قادر است همه چیز را تغییر دهد و بعد از مدت کوتاه چین نوین با جمعیت زیاد و محصولات سرشار بوجود آید ، چینی که نعمت وافر و فرهنگ شکوفان خواهد داشت ؛ تمام نظریات بدبینانه بکلی بی پایه و اساس اند .

دومین دلیل آچسن برای وقوع انقلاب چین ، ” نفوذ غرب “ است . او میگوید :

مدت بیش از سه هزار سال چین يك فرهنگ و مدنیت بلند را که خاص خود وی بود ، مصون از تأثیر خارجی ، تکامل بخشید . حتی بعد از شکست های نظامی نیز چینی ها موفق شدند بالاخره متجاوز را لجام زده و در خود مستحیل نمایند . از اینرو طبیعی بود که چین خود را مرکز جهان و عالی ترین ترجمان بشریت متمدن قلمداد کند . بعداً ، در اواسط قرن نوزدهم ، حصار نفوذناپذیر انزوای چین بوسیله غرب شکاف برداشت . این تازه واردین تحرك و تكنيك رشد یافته غیر قابل قیاس غربی ، و همچنین يك فرهنگ بلند پایه ای را که نظیر آنها متجاوزین گذشته برای چین نیاورده بودند ، با خود آوردند . تا حدی بعلت این خصوصیات و تا حدی نیز بعلت انحطاط سلطه امپراطوری مانچو ، این بار باختریان ، بجای اینکه از طرف چینی ها جذب شوند ، افکار تازه ایرا وارد چین نمودند که ضمن ایجاد اضطراب و ناامنی نقش مهمی نیز بازی کرد . چینی هائی که افکار ناروشنی دارند ، گفته های آچسن را قابل قبول میدانند — تأثیر افکار نوین وارده از غرب منشاء انقلاب است .

انقلاب علیه چه کسی متوجه بود ؟ بعلت " انحطاط سلطه امپراطوری مانچو " و بر اساس اینکه همواره ضعیف‌ترین نقاط مورد حمله قرار میگیرند ، میتوان گفت که انقلاب علیه سلسله تسین متوجه بود . آنچه که آچسن در این باره گفته است ، دقیق نیست . انقلاب ۱۹۱۱ علیه امپریالیسم جریان داشت . مردم چین علیه سلسله تسین قیام کرد زیرا که این رژیم سگ زنجیری امپریالیسم بود . مقاومت علیه تجاوز انگلستان در جنگ تریاک ، جنگ علیه تجاوز نیروهای متحد انگلیسی و فرانسه ، جنگ تای‌پین علیه سلسله تسین ، سگ زنجیری امپریالیسم ، جنگ علیه تجاوز فرانسه ، جنگ علیه تجاوز ژاپن و جنگ علیه تجاوز واحدهای متحد هشت دولت همگی بناکاسی منتهی شدند ، از این رو انقلاب ۱۹۱۱ علیه رژیم دست‌نشانده امپریالیسم ، یعنی سلسله تسین در گرفت . این است تاریخ معاصر چین تا سال ۱۹۱۱ . آن " نفوذ غرب " که آچسن از آن صحبت میکند کدام است ؟ این نفوذ — همچنانکه مارکس و انگلس در « مانیفست حزب کمونیست » (۱۸۴۸) میگویند — کوشش بورژوازی غرب است برای اینکه جهان را از راه زور بمیل خود تغییر دهد (۴) . برای تحقق این اعمال نفوذ و یا انجام این تغییر ، بورژوازی غرب به کمپرادورها و دست‌نشانده‌گانی که رسوم غرب را می‌شناختند احتیاج داشت ، و میبایست در کشورهایی نظیر چین به تأسیس مدارس و اعزام دانشجو به خارج امکان دهد ، بدین ترتیب بود که " افکار تازه " وارد چین شد . در عین زمان در کشورهایی مثل چین بورژوازی ملی و پرولتاریا بوجود آمد ، در حالیکه دهقانان دچار ورشکستگی گردیده و به پیدایش نیمه پرولتاریا بمقیاس وسیع میدان دادند . بدین طریق بورژوازی غرب دو نوع از انسانها را در

کشورهای شرق بوجود آورد : اقلیت کوچکی مرکب از نوکران امپریالیسم و اکثریتی شامل طبقه کارگر ، طبقه دهقان ، خرده بورژوازی شهری ، بورژوازی ملی و روشنفکران وابسته باین طبقات که با امپریالیسم مبارزه میکردند . در گروه اکثریت گورکنان امپریالیسم گرد آمده‌اند که امپریالیسم خود آنها را بوجود آورده است و انقلاب از میان آنان ریشه میگیرد . بنابر این تفوذ افکار غرب نیست که " اضطراب و ناامنی " فراهم ساخته است ، بلکه تجاوز امپریالیسم است که مقاومت مردم را برانگیخته است .

در يك دوران طولانی این نهضت مقاومت قریب بیش از ۷۰ سال ، یعنی از جنگ تریاک در ۱۸۴۰ تا آستانه نهضت ۱۹۱۹ ، خلق چین برای دفاع از خود در قبال امپریالیسم فاقد سلاح ایده‌ئولوژیک بود . سلاحهای ایده‌ئولوژیک فتودالیسم کهنه و سرسخت درهم شکسته بودند ، سیبایست آنها را رها کرده و ورشکستگی‌شان را اعلام نمود . در شرایط فقدان سلاح مناسب‌تر ، برای مردم چین راهی جز این نمانده بود که خود را با سلاحهای ایده‌ئولوژیک و فرمول سیاسی دیگری ، نظیر تئوری تحول ، تئوری حقوق طبیعی و جمهوری بورژوازی که همگی از زرادخانه دوران انقلابی بورژوازی غرب ، یعنی از زادگاه خود امپریالیسم به عاریت گرفته شده بودند ، مجهز نماید . آنها حزب میساختند و انقلاب میکردند به خیال اینکه از این راه میتوانند بر قدرتهای خارجی پیروز گردیده و جمهوری بپاکنند . و لیکن تمامی این سلاحهای ایده‌ئولوژیک نیز نظیر سلاح ایده‌ئولوژیک فتودالیسم ناتوان از آب در آمدند ، و بنوبه خود نتوانستند دوام بیاورند ، لذا از صحنه مبارزه بیرون کشیده شدند و ورشکستگی‌شان آفتابی گردید .

انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه مردم چین را بیدار کرد ، و آنها را با چیز تازه‌ای آشنا نمود ؛ با مارکسیسم - لنینیسم . تأسیس حزب کمونیست در چین يك حادثه دوران‌ساز بود . خود سون یاتسن " یاد گرفتن از روسها " و " اتحاد با روسیه و همکاری با حزب کمونیست " را توصیه میکرد . در يك کلمه ، از این تاریخ چین سمت‌گیری خود را عوض نمود . طبیعتاً آچسن ، بعنوان سخنگوی يك دولت امپریالیستی ، نمیخواهد کلمه‌ای از امپریالیسم سخن بگوید . او از تجاوز امپریالیستی با این عبارت صحبت میکند ؛ " این تازه‌واردین تحرك ... با خود آوردند " . " تحرك " ، چه کلمه زیبایی است ! چینی‌هایی که این " تحرك " را بدست آوردند به آمریکا و یا انگلستان نرفتند ، بلکه به ایجاد " اضطراب و ناامنی " در داخل چین اکتفا نمودند ، یعنی علیه امپریالیسم و نوکران آن با انقلاب دست زدند . متأسفانه آنها يك موفقیت تنها نیز بدست نیاوردند و همیشه از طرف امپریالیستها ، یعنی مخترعین این " تحرك " سرکوب شدند . از اینرو چینی‌ها در صدد برآمدند چیز دیگری فرا گیرند ، و عجیب است که بزودی آنها اثربخش یافتند .

" حزب کمونیست چین تحت تأثیر ایده‌ئولوژیک انقلاب روسیه در اوایل سالهای بیست تأسیس گردید " . در اینجا آچسن حق دارد . این ایده‌ئولوژی در واقع چیز دیگری غیر از مارکسیسم - لنینیسم نبود . این ایده‌ئولوژی بنحو بارزی از ایده‌ئولوژی بورژوازی غرب که آچسن بعنوان " يك فرهنگ بلند پایه‌ای که نظیر آن را متجاوزین گذشته برای چین نیاورده بودند " از آن یاد میکند ، براتب بالاتر بود . اثربخشی این ایده‌ئولوژی باندازه‌ای روشن است که فرهنگ بورژوائی غرب ، که آچسن و نظایرش مغرورانه آنها در قبال فرهنگ کهنه

فئودالی چین بعنوان يك "فرهنگ بلند پایه" میستایند ، در اولین برخورد باین فرهنگ نوین مارکسیستی - لنینیستی اکتسابی خلق چین ، یعنی درك علمی جهان و تئوری انقلاب اجتماعی ، شکست خورد . این فرهنگ نوین علمی و انقلابی که خلق چین بدست آورده بود ، در اولین نبرد خود ، دیکتاتورهای نظامی شمال ، این نوکران امپریالیسم را شکست داد ؛ در نبرد دوم ، مساعی يك نوکر دیگر امپریالیسم ، یعنی چانکایشك را برای متوقف ساختن ارتش سرخ چین در راهپیمائی طولانی ۲۵,۰۰۰ لی با ناکامی روبرو ساخت ؛ در سومین نبرد ، بر امپریالیسم ژاپن و سگ زنجیری او وان چین وی پیروز گردید ؛ و بالاخره در چهارمی به تسلط آمریکا و تمام دولتهای امپریالیستی دیگر ، به حکومت سگ زنجیری آنها چانکایشك و مرتجعین دیگر در چین پایان داد .

اگر مارکسیسم - لنینیسم بمحض ورود به چین توانست يك چنین نقش مهمی را بازی کند ، باین دلیل بود که شرایط اجتماعی چین آنها مطالبه میکرد ، پس از ورود با پراتيك انقلابی خلق چین پیوند یافت و خلق چین آنها هضم نمود . هر ایده‌ئولوژی - ولو بهترین آن ، حتی مارکسیسم - لنینیسم - مادام که با واقعیات عینی مربوط نگردد ، به نیازمندیهای عینی موجود پاسخ ندهد و از طرف توده‌ها هضم نشود ، بلااثر است . ما طرفدار ماتریالیسم تاریخی و مخالف ایده‌آلیسم تاریخی هستیم .

جالب است که "آموزش و پراتيك اتحاد شوروی ، بخصوص در زمینه اقتصاد و مسئله سازمان حزبی ، تأثیر مهمی در تفکر و اصول سون یاتسن بجا گذاشت" . آنوقت "فرهنگ بلند پایه" غرب که

آچسن و امثالش اینهمه بان مینازند ، چه تأثیری در سون یاتسن داشت ؟ آچسن در این باره چیزی نمیگوید . آیا واقعاً تصادفی بود که دکتر سون یاتسن بعد از عمری تفحص در فرهنگ بورژوائی غرب برای پیدا کردن حقیقتی که بتواند میهن او را نجات دهد ، بالاخره ناامید گردیده و برای ” یاد گرفتن از روسیه “ بسوی آن برگشت ؟ البته نه . مسلماً این تصادفی نبود که سون یاتسن و خلق رنج‌دیده چین که وی نماینده آن بود ، هر دو در اثر ” نفوذ غرب “ بر آشفته بودند و تصمیم گرفتند ” با روسیه اتحاد و با حزب کمونیست همکاری کنند “ ، و علیه امپریالیستها و عمال آنها بمبارزه سرگ و زندگی دست بزنند . اینجا آچسن جرأت نمیکند که بگوید شوروی‌ها متجاوزین امپریالیستی بودند و سون یاتسن از متجاوزین درس گرفت . بسیار خوب ، وقتیکه سون یاتسن توانست از شورویها درس بیاموزد و آنها نیز متجاوزین امپریالیست نیستند ، چرا جانشینان وی ، چینی‌هایی که پس از وفات او زندگی میکنند ، نمیتوانند از شورویها درس بیاموزند ؟ چرا چینی‌ها ، غیر از سون یاتسن ، ” تحت تسلط شورویها “ ، ” ستون پنجم کمین‌ترن “ و ” عمال امپریالیسم سرخ “ هستند ، برای اینکه آنها در مارکسیسم - لنینیسم درك علمی جهان و تئوری انقلاب اجتماعی را فرا گرفتند ، و آنها را با خصوصیات چین منطبق ساختند ، به جنگ آزادیبخش توده‌ای چین و انقلاب توده‌ای بزرگ دست زدند ، و يك جمهوری دیکتاتوری دموکراتیک خلق را ایجاد کردند ؟ چنین منطق عالی میتوان در تمام جهان پیدا کرد ؟

خلق چین بعد از آنکه مارکسیسم - لنینیسم را فرا گرفت از لحاظ معنوی از حالت پاسیف گذشته بیرون آمده و ابتکار را بدست گرفته

است . از آن بعد میبایست دوران تاریخ معاصر جهان که در آن مردم چین و فرهنگ آن مورد تحقیر بودند ، پایان یابد . جنگ آزادیبخش توده‌ای بزرگ و پیروزمند و انقلاب کبیر توده‌ای ، فرهنگ بزرگ خلق چین را احیا کرده و میکنند . از نظر معنوی ، این فرهنگ خلق چین هم‌اکنون از هر فرهنگ جهان سرمایه‌داری بالاتر است . بطور مثال نمونه وزیر خارجه آمریکا آچسن و امثال او را در نظر میگیریم ، اطلاعات آنها درباره چین و جهان معاصر از اطلاعات هر سرباز عادی ارتش آزادیبخش توده‌ای چین پائین‌تر است .

تا اینجا آچسن نظیر يك استاد بورژوازی که متن خسته کننده کنفرانس خود را قرائت میکند ، کوشیده است که نشان دهد در پی کشف علل و آثار حوادث چین است . انقلاب در چین اولاً بعلت اضافه جمعیت و ثانیاً در اثر نفوذ افکار غرب بوقوع پیوسته است . بطوریکه ملاحظه میکنید ، او میخواهد خود را متخصص تئوری علیت نشان دهد . ولی بعداً این خرده تئوری مجعول و کسالت‌آور علیت نیز ناپدید میشود و فقط انبوهی حوادث غیرمفهوم باقی میماند . چینی‌ها بکلی بی‌معنا برای قدرت و پول می‌جنگیدند و بهم بدگمان بودند و از هم نفرت داشتند . يك تغییر غیر قابل درکی در تناسب قوای روحی دو طرف متخاصم ، یعنی گومیندان و حزب کمونیست ، پدید آمد ، روحیه یکی سریعاً تا زیر صفر پائین آمد در حالی که روحیه دیگری تا حد التهاب بالا رفت . علت چه بود ؟ کسی نمیداند . این منطق خاص " فرهنگ بلند پایه " شما لك متعده آمریکا است که دین آچسن نمایندگی آنرا دارد .

یادداشتها

- ۱ - انقلاب بورژوازی ۱۷۷۵ - ۱۷۸۳ ، که بنام جنگ استقلال معروف است ، و در آن مردم آمریکای شمالی تسلط استعماری انگلستان را طرد کرد .
- ۲ - مردم مغولستان در جنگ آزادیبخش خود از ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۴ ، تحت رهبری حزب انقلابی توده‌ای مغولستان ، دستجات باند گارد سفید روسی و دیکتاتورهای نظامی شمال چین را ، که از طرف امپریالیستهای ژاپن حمایت می‌شدند ، بیرون راند ، سلطه فئودالهای مغول را سرنگون ساخت و جمهوری توده‌ای مغولستان را بنیاد نهاد .
- ۳ - توماس ربرت مالتوس (۱۷۶۶ - ۱۸۳۴) ، روحانی پروتستان انگلیسی و اقتصاددان مرتجع در اثری بنام « راجع بمسئله نفوس » (۱۷۹۸) چنین مینویسد : « افزایش نفوس در صورتیکه بمانعی نخورد ، برحسب تصاعد هندسی انجام میگیرد . مواد غذایی فقط به نسبت تصاعد عددی بالا میرود . » با تکیه باین فرضیه اختراعی ، مالتوس باین نتیجه رسید که تمام فقر و جنایت در جامعه بشری پدیده‌های طبیعی و جاودانی هستند . بنا بمعقیده وی تنها راه برای حل مسئله فقر زحمتکشان عبارت است از کوتاه کردن عمر ، تقلیل جمعیت یا جلوگیری از افزایش آن . مالتوس قحطی ، وبا و جنگ را بعنوان وسایل برای تقلیل جمعیت محسوب میدارد .
- ۴ - مراجعه شود به « مانیفست حزب کمونیست » ، فصل اول ، « بورژواها و پرولترها » . بورژوازی « ملت‌ها را ناگزیر میکند که اگر نخواهند نابود شوند شیوه تولید بورژوازی را بپذیرند و آنچه را که باصطلاح تمدن نام دارد نزد خود رواج دهند بدین معنی که آنها نیز بورژوا شوند . خلاصه آنکه جهانی همشکل و همانند خویش می‌آفریند » .

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

毛泽东选集
第四卷

*

外文出版社出版（北京）
1973年（32开）第一版
1975年第一版第二次印刷
编号：（波斯）1050—2005
00240
1—Pe—444P